

آینه آینه

و عود الهی

و

قطعیت تحقق آن

تحقیق و تنظیم و تدوین و تایپ:

مهندس خسرو دهقانی

تقدیم به تمامی احبّای نازنین ایران زمین
اعمّ از شهیدان و مسجونان و ستمدیدگان،
عزیزانی که در بحبوحهٔ ایّام شِداد
و بروز بلائی لافِ ناد،
عَلَمِ عظمت امرالله را
همچنان برافراشته داشتند.

« یوم، یوم احبّاء الله است، که... »

به اظهار و شرح وعده‌های محکمه و بشارات مبارکه،

لزومیت تأسیس صالح اعظم را به منکرین و معترضین،

به دلائلی مُقنعه، اثبات نمایند.»

(حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۲۶)

« حضرت بهاءالله برای عالم بشریت چه می خواهند؟ برای حصول چه مقصود و

منظوری تحمّل شداید و مظالم فوق الطّاقة فرموده؟ منظور مبارکشان از "خلق

جدید" چیست؟ حضرتش چه تغییرات عمیقی به وجود خواهند آورد؟ پاسخ این

سوالات را باید در نصوص مقدسه این آیین نازنین و تبییات حضرت عبدالبهاء و

ولی محبوب امرالله جستجو نمود.»

(بیت العدل اعظم، پیام رضوان ۱۹۶۷)

مقدمه اول

مناجات حضرت ولی امرالله برای تحقق وعود

ای قوی قدیر، دست تضرع به بارگاه قدست مرتفع؛ امنای امرت را مایوس مفرما؛ و السن کائنات به ذکر بدایع قدرتت ناطق؛ وراثت امرت را بیش از پیش مدد بخش. جمعی از ظهور خفیات امرت و بروز لطائف حکمتت واله و حیرانند. مصداق وعود منصوصه کتاب اقدست را بر عالمیان ظاهر و آشکار کن. ملائکه تأیید، پی در پی بفرست و آن موطن اعلی (ایران) را جنت ابهی نما. صوت رجال امرت را گوشزد اقالیم بعیده نما و مدینه منوره طهران را مطلع سرور عالمیان و مطمح نظر جهانیان کن. عمود دیوان عدل اعظمت را به اصبع اقتدار بلند نما و امم و قبائل متنازعه را در ظل ظلیلش در آور. نقاب از وجه ناموس اعظمت بیفکن و بر فراز کرم الهی، در ارض میعاد، سرپرده وحدت عالم انسانی (را) منصوب ساز. نهر دافق آیین نازنین را از قلعه شاهقش جاری نما و حیات جدید بر عالم و عالمیان مبدول کن. بیت اعظمت را از پنجه اهل عدوان برهان و قدر و منزلتش را بر مدعیان ظاهر و آشکار کن. حزب جائر (ستمکار) را از شمال وهم به یمین یقین بکشان و بر زخم دل آن ستمدیدگان، به رحمت کبرایت مرهم نه. مدینه عشق را شور و نشوری جدید عطا کن و اقالیم مجاوره را از چنگ آن قوم پرلوم نجات بخش. وراثت امرت را از تحدیدات ملکیه و شئونات آقاییه و ظهورات ناسوتیه کونیه پاک و منزّه نما و خلعت عز قدسی به هر یک پیوشان؛ از قید عسرت نجات بخش و باب رخا بر وجه منادیان امر بها بگشا. اسرار علم لدنی به پیروانت بیاموز و چشمه صنایع بدیعه و اکتشافات عظیمه از آن قلوب مجردة صافیّه جاری نما. قوائم و دعائم صلح اعظم را به سر پنجه اقتدار استوار فرما و محکمه کبرایت را به قوه تعلیمات بهیهات در انجمن عالم تأسیس کن. این مور ضعیف را به خدمت امنای امرت موفق دار و در اجرای وصایای محکمهات تأیید بخش و به آنچه مایه سرور و روحانیت عزیزان تو است در جمیع شئون، دلالت فرما. تویی مجیر، تویی دستگیر، تویی مقتدر و تویی توانا.

بنده آستانش شوقی

نوروز ۸۸ بدیع

مقدمهٔ دوم

نمونه‌هایی از طرح مفصل موضوع و نیز مواردی متوالی
از وعود الهی در آثار مبارکه و منابع مختلفه

الف- نطق حضرت عبدالبهاء راجع به وعود الهی

« در ایام مظاهر قبل هیچ خطابی به سلاطین داده نشد؛ و هیچ اختاری عنوان نگشت. اگر تمام انجیل را مرور کنی حتی يك اخطار به يك تاجدار نخواهی یافت. هیچ وعده‌ای داده نشده. هیچ پیش‌بینی آینده‌ای مطرح نگشته، مگر به نحوی عمومی؛ مثل پیش‌بینی اشعیای نبی راجع به انهدام بابل و کراهت ویرانی در اورشلیم؛ ولی هیچ وعده‌ای در مورد يك شخص معین موجود نیست. اما جمال مبارك جميع سلاطین را مخاطب ساخت. وقتی عبدالعزیز، سلطان پیشین ترك، در اوج قدرت بود، آن حضرت به سبب مظالم مرتکبه، شدیداً توبیخش نمود و به وضوح وعدهٔ اغتشاش مملکتش را داد. این خطابی بود به شخصی برجسته و شهیر و نه خطابی به تمامیت يك ملت. امروز بزرگترین ملل عالم بریتانیای کبیر و آمریکا هستند. این بسیار سهل است که فردی پیش‌بینی کند که روزی امپراطوری انگلستان متحمل تغییرات معکوس خواهد شد؛ یعنی اوضاعش مغشوش و منقلب گردد و به کلی متلاشی شود. همین امر در مورد فرانسه و آلمان و آمریکا، یا هر ملت دیگری در جهان نیز صادق است؛ زیرا هر ملتی ایام تقهقر و تدنی هم خواهد داشت. ملاحظه کنید که امپراطوری رم چقدر عظیم بود و عاقبت چه به سر آن آمد. همچنین یونان به چه درجه‌ای رسید و چطور متدنی گشت. مقصود این است که هیچ ملتی از این قانون طبیعی مستثنی نیست. یعنی ترقی خواهد کرد و بعد تدنی خواهد نمود؛ به اوج خواهد رسید و سپس سقوط خواهد کرد. لهذا هر نفسی به سهولت می‌تواند ملتی را مخاطب سازد و بگوید: "ای مردم، به راستی روزی فراخواهد رسید که به تباهی راجع شوید." مثلاً اشعیای نبی در کتاب خود راجع به قوم تیره (Tyre) و نیز مردم بابل اندازاتی داده و فرموده: "ای تیره، ای بابل، غره نشوید! آن روز فراخواهد رسید که ذلت خود را ببینید و مقهور و متشتت شوید." (ترجمه) حضرت اشعیای نبی به الهام الهی این پیش‌بینی را فرموده است. اما هر فرد دیگری هم می‌تواند این چنین پیش‌بینی کند. مثلاً يك شخص به راحتی می‌تواند پاریس را مخاطب سازد و بگوید: "ای پاریس، به عظمت خود غره مباش، چون روزی خواهد آمد که به ذلت مبتلا شوی." این وعود اشعیای دو هزار سال بعد از اظهار، تحقق یافت؛ اما جمال مبارك شخص عبدالعزیز را در زمانی که در اوج اقتدار بود، مخاطب ساخت. آن حضرت همچنین ناپلئون سوم را مخاطب کرد و فرمود: "ترا خطاب کردم، اما نپذیرفتی؛ بنابراین، خداوند متعال سلطنت را از تو خواهد گرفت." (ترجمه) و درست همان طور که پیش‌بینی فرمود، محقق گشت. وقتی جمال مبارك زندانی عبدالعزیز بود و در قلعهٔ مُحَصَّنَه عکا مسجون،

سلطان را به سختی سرزنش کرد و سقوطش را پیش‌بینی فرمود. جمال مبارک سال‌ها قبل، انقلابی را نیز که هم اکنون در ایران است (منظور انقلاب مشروطیت است - م) پیش‌بینی نمود. سوره سلاطین را بخوانید تا مطلع گردید، این وعده در کتاب احکام (کتاب مستطاب اقدس - م) هم مسطور است. جمال مبارک زمانی این پیش‌بینی را مطرح فرمود که طهران در اوج آرامش بود و حکومت ناصرالدین شاه به خوبی استقرار داشت. آن حضرت به وضوح چنین فرمود: "ای طهران، طغیان عظیمی در تو رخ خواهد داد. حکومت مضطرب خواهد گشت و آشوب تمام ایران را فرا خواهد گرفت." (ترجمه) این پیش‌بینی چهل سال قبل انجام شد. سی سال پیش به چاپ رسید و می‌توان آن را در کتاب سلاطین (الواح سلاطین) و کتاب اقدس یافت.^۱ این پیش‌گویی که چنین واضح و مبرهن بیان گشت و چاپ و منتشر شد، در میان مردم کاملاً شهرت یافت. بنابراین، وقتی در ایران نظام مشروطه مستقر شد، ملایان که از سلطنت طلبان حمایت می‌کردند از فراز منابر اعلان نمودند: "هرکس مشروطیت را بپذیرد، در حقیقت بهائیت را پذیرفته است؛ زیرا رئیس این دین، بهاء‌الله، این امر را در کتابش پیش‌بینی نموده است و بهائیان محرکین و مدافعین مشروطیت هستند. آنان مشروطیت را به وجود آوردند تا پیش‌بینی رئیسشان محقق شود. لهذا آگاه باشید و مبادا آن را بپذیرید!" اما من هر چه بنویسم به وحی جمال مبارک است؛ به تأیید جمال مبارک است. آقای اسپراگ در طهران بوده است و اطلاع دارد. من تمام این وقایع را به وضوح و بدون این که نیاز به تعبیر و تفسیر داشته باشد، نه در یک یا دو لوح، بلکه در الواح بسیار، پیش‌بینی نمودم. وقتی علما بر شاه غلبه یافتند، شاه به رئیس‌الوزراء دستور داد به قم برود و ملاها را به طهران بیاورد. وقتی علماء در معیت رئیس‌الوزراء به طهران وارد شدند مردم از آن‌ها استقبالی شایان به عمل آوردند و برای سه شبانه روز طهران را چراغانی کردند. ملایان زمام مجلس را در دست گرفتند و بنای مخالفت با شاه را نهادند. حتی یکی از اعضای مجلس بمبئی به سوی او پرتاب کرد. شاه چنان حقیر و ذلیل شد که قادر نبود مجلس را اداره کند. با این وصف، محرکین حمله را از میان علما جلب نمود؛ اما علما از تحویل محرکین و مرتکبین امتناع ورزیدند و گفتند شاه را به رسمیت نمی‌شناسند. در آن زمان من مکاتیبی به تمام شهرهای ایران، از جمله طهران، رشت، تبریز، قزوین، خراسان و بسیاری شهرهای دیگر نوشتم و به وضوح این اوضاع (به توپ بستن مجلس - م) را پیش‌بینی کردم. می‌توانید آن مکاتیب را مشاهده کنید. آقای اسپراگ در باره آن‌ها می‌داند. او آن‌ها را دیده است. روحانیت اسلام چنان تمام و کمال بر نیروهای فعال دست انداخت که بهائیان در هر جایی از استیلا روحانیت بی‌نهایت مضطرب شدند. مبلّغین شهیر بهایی از طهران، من جمله ملا علی اکبر، خطاب به من نامه‌ای نوشتند که هنوز هم آن را در اختیار دارم و در آن عنوان کردند:

^۱ مضمون فقره موجود در کتاب اقدس از این قرار است: "ای ارض طا (طهران)، ... به زودی امور در تو دگرگون خواهد شد و جمهور ناس بر تو حکومت خواهند کرد، پروردگار تو به راستی علیم و محیط است." (کتاب مستطاب اقدس، شماره ۹۳)

"وقتی روحانیون ایران قدرتی نداشتند و فاقد نفوذ سیاسی بودند، ما را بی‌رحمانه سرکوب می‌کردند؛ و حالا که چنین تفوقی آشکار یافته‌اند با ما چه خواهند کرد؟ بلایا و مصائب ما صد چندان خواهد شد!" من در پاسخ نوشتم: "مطمئن باشید که این نفوذ و قدرت ظاهری زائل خواهد شد." این مطلب به وضوح تمام بیان شد؛ آقای اسپراگ شاهد این مدعا است. نیز بیان داشتیم: "این نفوذ و برتری، عظیم‌ترین تندی و تباهی را به بار خواهد آورد. این غلبه و استیلا، بزرگ‌ترین شکست و ابتلا را به دنبال خواهد داشت." در همان نامه، این دو کلمه را به کار بردم "آخر" و "آخر" که در زبان فارسی مثل هم نوشته می‌شوند، البته با جزیی اختلاف در تلفظ، و نوشتم: "آنها به این آخر چسبیده‌اند و از آخر غفلت کرده‌اند. چنان منکوب و مضمحل خواهند شد که فریاد و فغانشان به افلاک آسمان برسد." خلاصه، شما می‌توانید آن را در نامه من بیابید. اوضاع به همان منوال بود تا این که ناگهان ورق برگشت و اساس اقتدارشان منهدم شد. اما من این چیزها را از نزد خودم نوشتم؛ خیر، تأییدات جمال مبارک آن را نوشت! من خودم آن را نوشتم. بنابراین احبای الهی باید به من، فقط با عنوان عبدالبهاء اشاره نمایند. این عنوان تاج افتخار من است؛ این، سلطنت سرمدی من است؛ این، حیات ابدی من است. هر کس از نام و نشان من بپرسد، جوابم این است: "عبدالبهاء." و السلام» (ترجمه) (حیفا، ۱۱ جولای ۱۹۰۹ - خاطرات ژولیت تامپسون^۱، صص ۱۱۲-۱۰۹)

نیز در جایی دیگر می‌فرمایند:

«در آینده، شرق و غرب یکی خواهند شد. متحد خواهند شد. من در مکاتیبم گفته‌ام که شرق و غرب مثل عاشق و معشوق خواهند شد. هر یک دیگری را دوست خواهد داشت. شرق و غرب یکدیگر را در آغوش خواهند گرفت؛ دست در دست هم خواهند نهاد؛ هر یک محبوب دیگری خواهد شد؛ هر یک دیگری را در بر خواهد گرفت. وحدت بشریت بدایت تشعشع این نور مبین خواهد شد.» (حضرت عبدالبهاء، خاطرات ژولیت تامپسون، ص ۱۱۷)

ب- ذیلاً حضرت ولیّ عزیز امرالله در حجم فقط یک صفحه و نیم، ۶ و عده صریحه را سلسله‌وار، ذکر می‌فرمایند. اعداد داخل پرانتز شاخص شماره مسلسل این وعود است. واضح است که بعضی از این وعود تا کنون تحقق یافته^۲ و بقیه نیز در زیر سرفصل‌های مربوطه در این مجموعه درج شده‌اند.

^۱ این خاطرات متفاوت ترجمه شده است و انشاءالله به زودی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.
^۲ وعود تحقق یافته خود تحقیقی مجزا را می‌طلب که امید می‌رود بعضی دوستان و جوانان عزیز در تهیه و تدوین آن مساعدت نمایند. البته در این مجموعه نیز تا حدی به این مسئله توجه شده است و در مبحث ۲ نمونه‌هایی ارائه گشته است.

«در سنین آتیۀ این دور بهایی؛ دوری که امتدادش به نصّ قاطع الهی، اقلّاً هزار سال است، قُبۀ این قصر مشید (بیت العدل اعظم) بر این اعمده مجلّله (محافل ملیّه) مرتفع گردد و بیت عدل اعظم الهی مطابقاً لما أرادهُ المحبوب استقرار یابد و تشیید این بنیان مجید انجام پذیرد (۱). ناموس اعظم، نظامنامه و قانون اساسی اعظم هیأت تشریعیّه جامعه بهایی به کمال اتقان تدوین گردد (۲) و مرکز اداری امرالله در جوار قبلة اهل بهاء و مقام اعلی، مرکز روحانی جامعه پیروان آیین حضرت کبریا، در کمال عظمت و جلال تأسیس شود (۳) و مصداق آیات لوح کرملاً پدیدار گردد (۴) و تأثیرات عظیمه فرمان صادر از قلم مهیمن سالار جند بهاء^۱ خطاب به انصار دین الله و علمداران شریعت سمحاء در قاره امریکا ولوله در قارات خمسۀ دنیا و جزائر دو محیط اعظم اندازد (۵) و بشارت کتاب حضرت دانیال تحقّق پذیرد (۶)؛ احکام کتاب مستطاب اقدس به اسلوبی بدیع تدوین و اعلان گردد (۷) و اقامه شعائر مقدّسه مابین بریّه، کاملاً ظاهراً، بی خوف و تقیّه، در بسیط زمین شهرت عظیم یابد (۸).

تشیید مقام بهیّ الانوار نقطه اولی در قلب کرملاً مطابقاً لما وعدنا مولانا و محبوبنا انجام پذیرد (۹) و قُبۀ ذهبیه اش شهره آفاق گردد (۱۰) و وسائل بنای توابع و ملحقات اولین مشرق الادکار عالم بهایی در مدینه عشق و امّ المعابد غرب در قاره امریک به کمال اتقان و انتظام فراهم گردد (۱۱) و معابد متعدّده بهایی در ارض طاء، امّ العالم، افق نور (۱۲) و جبل مقدّس کرملاً در قلب العالم و مطاف الامم (۱۳) و مرکز عربی و اسلامی (قاهره) (۱۴) و مدینه الله (بغداد) (۱۵) و عواصم ممالک اُخری در شرق و غرب (۱۶) تأسیس شود.^۲ جامعه پیروان امر اعزّاسنی در موطن اصلی جمال ابهی^۳ و ممالک اسلامیّه و اقطار شرقیه از قید اسارت و مقهوریت رهایی یابند (۱۷) و انفصال شریعت الله از ادیان عتیقه کاملاً تحقّق پذیرد (۱۸) و علم استقلال دین الله علی رئوس الاشهاد مرتفع گردد (۱۹) و بیت الله الاعظم و کعبه الامم از چنگ غاصبان و ظالمان مستخلص گردد و زیارتگاه عالمیان شود (۲۰). محکمه شرعیّه بهائیّه به کمال عظمت و متانت تشکیل گردد (۲۱) و علم یا بهاء الابهی به فرموده غصن اعظم سدره منتهی، در قلب اولین جامعه اسلامیّه در مدینه قاهره منصوب گردد (۲۲) و حنین رؤسای کنائس و ادیان عتیقه در هند و چین و ژاپان مانند حنین منابر و ناله علما و فقهای شریعت اسلامیّه، از دور و نزدیک بلند شود (۲۳). اعلان صلح اصغر^۴

^۱ اشاره به الواح طرح ملکوتی (الواح تبلیغی) حضرت عبدالبهاء است.

^۲ به مبحث ۸۳ رجوع شود.

^۳ به مبحث ۷۳ مراجعه شود.

^۴ به مباحث ۹۷ و ۹۸ مراجعه شود.

^۵ به مبحث ۶۳ رجوع شود.

^۶ به مبحث ۵۴ رجوع شود.

^۷ به مبحث ۱۹ مراجعه شود.

^۸ به مبحث ۱۰۶ مراجعه شود.

عالم را از بلای عقیم و داء و بیل نجات دهد (۲۴). موهبت وحدت عالم انسانی^۱ رخ بگشاید (۲۵) و قطعات خمسه، حکم یک قطعه یابد (۲۶) و وحدت اصلیه در هیأت اجتماعیّه تحقق پذیرد^۲ (۲۷). محکمه کبری تأسیس شود^۳ (۲۸) و دوره صباوت عالم انسانی منتهی گردد (۲۹) و علامات بلوغ عالم^۴ که در الواح الهیه مصرّح، ظاهر و پدیدار شود (۳۰). ملک عادل بر سریر سلطنت در ارض طاء (طهران)^۵ جالس گردد (۳۱) و صوت رجال از ارض خاء (خراسان) در ذکر ربّ غنیّ متعال گوشزد قریب و بعید گردد^۶ (۳۲). هیکل امرالله در انجمن بنی آدم جلوه‌ای محیرالعقول نماید^۷ (۳۳) و صیحه ایادی غالبه‌اش مرتفع شود (۳۴) و سطوت اعضا قاهره‌اش واضح و عیان گردد^۸ (۳۵). رایت صلح اعظم^۹ بر اعلی‌الاعلام موج زند (۳۶) و مدنیّت لاشرقیه و لاغریبه الهیه^{۱۰} بساط جدید در جهان بگستراند (۳۷). عالم به درجه کمال رسد^{۱۱} (۳۸) و جلوه سلطنت بهائیه و غلبه ظاهره شریعت الهیه من علی الارض را به اهتزاز آرد^{۱۲} (۳۹) و ملوک و سلاطین را در ظلّ سیطره محیطه کلمه الله^{۱۳} مجتمع گرداند (۴۰). ملکوت الله کما بشره الابن فی الانجیل در عالم شهود تأسیس شود (۴۱) و سطوة ربّ الجنود چهره بگشاید (۴۲) و مجد آب سماوی عالم را منور فرماید (۴۳). عالم ناسوت جلوه‌گاه عالم لاهوت و عالم ادنی مرآت ملاء اعلی و تصویر عالم بالا و قطعه‌ای از ریاض ملکوت ابهی گردد^{۱۴} (۴۳). شلیک یا علیّ الاعلی و یا بهاء‌الابهی از قطب آفاق بلند گردد (۴۴) و ندا از مکن اسنی، از خلف عرش کبریا خطاب به این عالم ادنی، من علی الارض را من اقصاها الی اقصاها به وجد و طرب آرد (۴۵) بآن: "یا ارض بشری لک، بشری لک، بما القت علیک شمس البهاء ذیل شعاعها و شملتک اهداب رداها. بشری لک، بشری لک، بما استوی علیک عرش البهاء و تلجلج فیک سرالبهاء و انطع فیک جمال البهاء. بشری لک، بشری لک، بما حبک البهاء قطعه من الفردوس الابهی و مرآتاً تنعکس فیها انوار الملاء الاعلی (۴۶). تعالی تعالی هذا الصنع الاتم الابدع اکمل المبارک الاقدس الارفع الاسنی. فسبحان ربنا العلی الاعلی، فسبحان ربنا البهیّ الابهی." (مضمون بخش عربی: ای زمین، مزده باد بر تو، مزده باد بر تو، چون که خورشید بهاء

^۱ به مبحث ۱۰۴ مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۱۳۱ رجوع شود.

^۳ به مبحث ۱۱۹ مراجعه شود.

^۴ به مباحث ۱۰۳ و ۱۳۶ رجوع شود.

^۵ به مبحث ۱۱۵ نگاه شود.

^۶ به مبحث ۶۹ مراجعه شود.

^۷ به مباحث ۱۰۷، ۱۰۸، و ۱۰۹ توجه شود.

^۸ به مبحث ۱۲۰ رجوع شود.

^۹ به مبحث ۱۳۳ رجوع شود.

^{۱۰} به مبحث ۱۳۸ نگاه شود.

^{۱۱} به مبحث ۱۳۶ مراجعه شود.

^{۱۲} به مباحث ۱۰۷، ۱۰۸، و ۱۰۹ نگاه شود.

^{۱۳} به مبحث ۸۱ رجوع شود.

^{۱۴} به مبحث ۱۴۷ مراجعه شود.

پرتوانش را بر تو افکند و تو را در دامن ردای خود جای داد. بشارت باد تو را، بشارت باد تو را، زیرا که عرش بهاء بر تو مستقر گشت و راز بهاء در تو پدیدار شد و جمال بهاء در تو منعکس گشت. مژده باد تو را، مژده باد تو را، چون که بهاء تو را قطعه‌ای از فردوس ابهی پسندید و آینه‌ای قرار داد که انوار ملاء اعلی در آن انعکاس می‌یابد. چه بلند و متعالی است این صنع اتمّ ابداع اکمل مبارک اقدس ارفع اسنی. پاک است پروردگار ما که علیّ اعلیّ است؛ پاکیزه است پروردگار ما که بهیّ ابهی است.» (توقیع منیع ۱۰۵ بدیع، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

ج- همچنین هیکل مبارک در صفحه ۴۱۹ "مرور معبود"^۱، با یادآوری این نکته که «نباید بررسی خصایص برجسته دوره‌ای چنین پرثمر و خجسته (دورهٔ قیادت و زعامت حضرت عبدالبهاء)، از ذکر وعودی که قلم مصون از خطای مرکز میثاق حضرت بهاءالله بیان داشته است، باز ماند»، یازده وعده از وعود صادر از قلم ملهم آن حضرت را پی‌درپی، ذکر می‌فرمایند.

بدیهی است همین سه نمونه ذکر شده، کفایت می‌کند تا به خوبی روشن و مبرهن گردد که ذکر وعود الهی برای بیداری و هشیاری و استقامت و پایداری اهل بهاء، بخصوص احبای ستمدیدهٔ موطن مقدّس حضرت بهاءالله، تا چه حدّ حائز اهمّیت و ضرورت است.

^۱ ترجمه‌ای جدید با نامی بدیع از کتاب مهیمن گاد پسز بای؛ اثر وزین قلم قدیر حضرت ولیّ محبوب امرالله.

مقدمه سوم

انسان مخلوق بر این سیاره سرگردان، واقع در یکی از یال‌های میانی^۱ کهکشان راه شیری، همیشه نگران سرنوشت خود و مترصد زمان‌های آینده بوده است و در این راستا همواره با یک تضاد و تناقض جان‌فرسا دست و پنجه نرم نموده است. از یک سو، یک میل رازآمیز درونی، ناخودآگاه، او را به ورای پرده‌های زمان می‌رانده تا با اکتشاف اسرار آن، رهایی و بالندگی خود را تحکیم بخشد و از سویی دیگر، یک نیاز مبرم اجتماعی، خودآگاه، او را به درون پیله تنیده فرهنگی خود می‌فشرده تا با چسبندگی هر چه بیشتر به آن، امنیت شکننده خود را تضمین نماید. چنین می‌نماید که آینده‌نگری حکیمانه همواره مصدر تغییر و تحول و تکامل، و حال‌نگری مغرورانه یا بدتر از آن، گذشته‌نگری جاهلانه همیشه مورث ثبوت و رکود و تدنی بوده است. بدیهی است گذشته‌نگری مبتنی بر تحلیل علمی تاریخ، در این مقوله قرار نمی‌گیرد؛ زیرا نسل‌های خلف را از تجارب ارزنده نسل‌های سلف آگاه می‌سازد. اما آنچه امروزه از این کش‌مکش دردآلود درک می‌شود این است که آن کنجکاوی و رغبت، به این چسبندگی و محدودیت غالب آمده و آدمیان، اعم از افراد و نهادها و دولت‌ها، مستتیر از دستاوردهای بی‌سابقه علمی، و مستفیض از ظهور و نفوذ یک فرهنگ جدید و جهانی، بارقه‌های درخشانی از کنکاش و کنجکاوی نسبت به کشف اسرار آینده را نشان می‌دهند. شاید به همین جهت بوده است که در این ظهور بدیع منیع، فروغ فروزانی به افق‌های تاریک آینده تابیده شده و اسرار فراوانی از لایه‌های زمان‌های پوینده افشا گشته است.

می‌گویند زمان تکرر و تسلسل حوادث مادی است و وعود الهی که برخاسته از متن کلام برحق پروردگاری است، بیان سلسله‌وار حوادث آتی است؛ بنابراین، وعود الهی در واقع، همان ماشین زمان و یا سفینه پروازی است که روح و ذهن ما را از زمان حال جدا نموده، با اطمینان تمام، به زمان‌های آینده می‌برد و به تماشای وقایع آتیه می‌نشانند. نیز وعود الهی نوعی آینده‌نگری روحانی- فرهنگی است؛ پدیده برجسته‌ای که همواره ذهن آدمی را برمی‌انگیزد و روح انسانی را به سوی افق‌های آینده پرواز می‌دهد؛ نوع کنش و نگرشی که خود پایه زندگی زاینده و مایه پویندگی سازنده است؛ و در برابر آن، گذشته‌نگری چیزی نیست جز نوعی مرگ فرهنگی و فنای روحانی. کم نیستند ملل و مردمانی که بتمامه، در توده‌های تاریک خرافات قرون و اعصار گذشته گرفتار گشته، توان اوج‌گیری در فضاهاى آینده را از دست داده‌اند؛ و اگر هم گهگاهی به حکم غریزه، در این عرصه خجسته تلاشی می‌کنند، همچنان در تاروپود موهومات رسوب یافته و آمیخته با تعصبات دیرینه است.

^۱ منظومه شمسی در بخش کناری یکی از بازوهای مارپیچی داخلی کهکشان راه شیری، به نام بازوی آریون و تقریباً در فاصله دو سوم از مسیر مرکز کهکشان تالیه بیرونی آن قرار دارد. (سایت هابل)

به لحاظ نیاز به آگاهی از سرنوشت، در فرهنگ ملل، فرایند پیشگویی رایج بوده است و به همین لحاظ، چه بسا پیشگوییانی که در اوضاع فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی سرزمین‌هایشان نقشی مؤثر داشته‌اند و در نتیجه، نزد عامهٔ مردمان از مقام و منزلت والایی برخوردار بوده‌اند. گرچه هرگز نمی‌توان و نباید وعود الهی را با پیش‌گویی‌های رمالان و جادوگران مقایسه کرد، اما با قاطعیت تمام می‌توان گفت که نفس چنین وعودی، آن هم با این کثرت و وسعت و تنوع، و بخصوص بدین سان فاش و عیان در مقابل عیون و اذهان عالمیان، خود دلیل قاطعی است بر قدرت و خلاقیت و حقایقیت مظهر عظیم الهی^۱. این سؤال بجا نیز مطرح است که چرا، بر خلاف ادیان سابقه، در این ظهور بدیعهٔ منبیه، این همه وعود الهیهٔ راجع به اوضاع و احوال آینده ارائه شده است؟ شاید یکی از پاسخ‌های ممکن برای این سؤال مهم این باشد که بشر امروز که در آستانهٔ بلوغ اجتماعی^۲ قرار دارد، دوران تغییرات و تحولات عظیمهٔ شدید را تجربه می‌کند و به جهت این که در این عرصهٔ متلاطم و نابسامان، احبای حضرت رحمن خود را نیازند و بتوانند با حفظ وحدت و یگانگی، از گذرگاه‌های مهیب و مهلک تغییر و تحول به سلامت عبور کنند و نقش خود را در طریق نجات عالم انسانی به خوبی ایفای نمایند، این همه وعود متنوعهٔ مختلفه عنایت شده است. به خوبی احساس می‌شود که وعود الهی، به مثابهٔ حبل‌المتین مستحکمی است که در کشاکش این روزگار پرآشوب و اضطراب، موجودیت و وحدت جامعهٔ جهانی بهایی را حفظ نموده، آن را قادر می‌سازد مأموریت عالی خود را به نحو احسن به انجام برساند و یا به نظر می‌رسد که وعود ربّانی، همانند نورافکنی روحانی است که پیشاپیش حرکت و پویایی جامعهٔ جهانی بهایی، به سمت ظلمات آینده قرار داده شده، تا زوایای مسیر تاریک را بنماید و جامعه را در پویای طریق صحیح و ثواب و وصول به مقصد حضرت ربّ الارباب هدایت و صیانت کند.

مقام و منزلت اندیشه در حیات انسانی تا جایی است که گفته‌اند «من می‌اندیشم پس هستم» و یا بیان داشته‌اند من همانی هستم که می‌اندیشم. فکر و اندیشه، چه در حوزهٔ حیات فردی و چه در عرصهٔ حیات اجتماعی، همواره پیشتاز حرکت و عمل بوده است. هر اندیشه‌ای زیربنای یک عمل و هر طرح و برنامه‌ای مقدمهٔ یک اقدام است. فکر و اندیشه، خود به خود حرکت را شکل می‌دهد و پویایی را هدایت می‌کند. حقایق تاریخ نشان می‌دهد که وقتی طرح بدیعی در بستر جامعه‌ای مطرح گردد، آن جامعه تدریجاً به سمت تحقق آن طرح حرکت می‌کند. وعود الهی هم قطعاً بارقه‌ها و جنبه‌هایی از یک طرح و برنامه است^۳، آن هم برنامه‌ای بدیع که زادهٔ مشیت خداوند سبحان و مبتنی بر ایمان و اعتقاد مؤمنان است و

^۱ برای اثبات این نظر می‌توان به نصوص مبارکه استناد کرد. به عنوان نمونه، به فقرهٔ شماره ۳۸ از مبحث ۲، واقع در بخش دوم از فصل اول مراجعه شود.

^۲ به مباحث ۱۰۳ و ۱۳۶ مراجعه شود.

^۳ به مبحث ۷۷ رجوع شود.

چنین برنامه‌ای عظیم و متین قطعاً اقدام و اقدام جامعه جهانی بهایی را به سمت تحقق خود سوق خواهد داد. آری، اگر خیل عظیم مؤمنان ذهن و روح خود را با مجموعه وسیع و عود الهی درآمیزند، علاوه بر نتایج و ثمراتی که فوقاً به آن‌ها اشاره رفت، به طور خود به خود و به نحو طبیعی، عمل فردی و اقدام جمعی جامعه جهانی بهایی هم به سمت تحقق طرح عظیم الهی برای حیات و نجات عالم انسانی متمایل و متحوّل خواهد شد.

فرموده‌اند و عود، حادثی است که «تحقق آن... موکول به آینده است»^۱؛ یعنی «آنچه از بعد واقع، از قبل از قلم اعلی به کمال تصریح نازل»^۲ شده و «جاری و ظاهر»^۳ گشته است؛ و چنین است چون «جمع وقوعات آینده، در نظر مظاهر مقدسه ظاهر و عیان است»^۴. تصریح نفس مظهر کبریا است که «ما هر آنچه را که از بعد ظاهر خواهد شد، هم اکنون می‌بینیم»^۵؛ پدیده عجیبه‌ای که شاید، بخصوص به باور بعضی ماده‌گرایان و ظاهرینان نیاید. اما این بدگمانی و بی‌ایمانی امری طبیعی و عادی است، زیرا «نسل حاضر از ادراک عظمت و عزت و حکومت و اقتداری که در آثار بهایی موعود است، عاجز و ناتوان است»^۶.

در آثار مبارکه به کرات می‌خوانیم که اراده خداوند «مهیمن است بر اراده‌های عالم، و قدرتش نافذ و علمش محیط بوده و خواهد بود»^۷ و همین علم و اقتدار و اراده است که تا اعماق افق‌های آینده را می‌بیند و می‌کاود و نتیجه را به صورت حادثی کوچک و بزرگ، از نوع فضلیه یا قهریه، برای امر الهی، عالم انسانی، بعضی از ملت‌ها و مردمان جهان و نیز برخی سرزمین‌ها، کشورها، شهرها و ساختارهای گوناگون، و حتی معدودی نفوس خاصه، به ما ارزانی می‌دارد که بتمامه، طائف حول اهداف و مقاصد امر مبارکند؛ اهداف و مقاصدی که بعضاً «هرچند بعیدالوصول و به غایت دور و از دیدگان بشر مستور است؛ اما بشارتش به کمال قدرت، در متن بیانات نافذ و لایتغیر حضرت بهاءالله مندمج و مسطور»^۸ است. ولی در این عرصه بدیعۀ عجیبه، آن‌ها چه عواملی هستند که این اهداف «به غایت دور و از دیدگان بشر مستور» را به عرصه شهود خواهند آورد؟ آن عوامل از جمله^۹ «حوادث زمان و شئون امکان و اقدامات

^۱ حضرت ولی امرالله، نظم جهانی بهایی، ص ۲۲- توفیق مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰.

^۲ حضرت بهاءالله، لثالی الحکمة ۳، ۲۷۸.

^۳ حضرت بهاءالله، آیات الهی ۲، ص ۲۰۴.

^۴ حضرت عبدالبهاء، امر و خلق ۴، ص ۴۶۶.

^۵ اصل بیان حضرت بهاءالله: «ما سیظهر، انا نریه فی الحین»، آثار قلم اعلی ۱، ص ۱۱۳، شماره ۵۳.

^۶ حضرت ولی امرالله، نظم جهانی بهایی، ص ۲۲- توفیق مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰.

^۷ حضرت بهاءالله، آیات الهی ۲، ص ۲۱.

^۸ حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۸.

^۹ برای آگاهی از سایر عوامل دخیل در تحقق و عود الهیه، به بخش چهارم از فصل اول همین مجموعه مراجعه شود.

رجال ارض^۱ هستند که «به نحوی غیر مستقیم، وسایل مکنونه غیبیه‌ای»^۲ را «محض اجرای نصوص الهیه»^۳ و تحقق وعود سماویه، «چنان فراهم آرند که جمیع، مبهوت و متعجب و متذکر گردیم»^۴. بدیهی است که ذکر وعود مبتنی بر حکمت الهی است؛ از جمله این که می‌فرمایند «اسرار و امورات بعد از قبل به تصریح تمام ذکر نمودیم تا شبهات مشرکین و انکار مغرضین و اشارات غافلین، نفوس مقبله را از مطلع احدیه منع نماید»^۵، و نیز مضمون بیان مبارک مرکز میثاق ربّانی است که «ای احبّای الهی... خبر این قضیه (اذیت و استهزاء و عذاب و تویخ و بدگویی و عناد) را قبل از وقوع، به شما می‌دهم تا وقتی احزاب، به سبب محبتتان به من، بر شما هجوم کردند؛ هرگز مضطرب نشوید؛ بلکه چون کوه ثابت و مستقیم بمانید. چنین است زیرا استهزاء و عذاب قوم نسبت به شما امری حتمی است»^۶. آیا به همین سیاق، در بحبوحه این همه تغییرات و تحولات جهانی و در بطن این همه مصائب و بلاهای جاری و آتی، وعود کثیره عظیمه الهی، تکیه‌گاهی اجتماعی و فرهنگی و امنیتی روحانی و ایمانی برای احبّای عزیز الهی فراهم نمی‌آورد؟

دوستان عزیز، هر فرد مخلص و منصفی با مروری هر چند گذرا در این مجموعه بدیعه، به سادگی در خواهد یافت که «وعود الهیه عظیم است و صریح»^۷. سپس بلافاصله، این اندیشه ناب در ذهنش پیچ و تاب می‌یابد که وظیفه ما بهاییان نسبت به وعود الهی چیست؟ اما اگر سیر و سلوک چنین فردی در این مجموعه، همراه با قدری تجسس و تفحص، و دقت و اندیشه باشد به راحتی در خواهد یافت که قبل از هر چیز، احبّای فرهیخته «باید به... تحقق وعود الهیه، اطمینان کامل داشته باشند»^۸؛ به خصوص «پیروان جانفشان جمال قدم در کشور مقدّس ایران»^۹ باید به «وعود حتمیه الهیه ناظر»^{۱۰} باشند و «با اطمینان کامل به آینده»^{۱۱} بنگرند؛ و برای وصول به این مقصود، بخصوص «جوانان عزیز»^{۱۲} باید «از طریق مطالعه آیات و الواح مبارکه با وعده‌های صریحه الهیه آشنا شوند»^{۱۳}؛ کاری که در این ایام «بیش از هر وقت

^۱ حضرت ولی امرالله، مانده آسمانی ۳، ص ۶۷.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ همان.

^۵ حضرت بهاءالله، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۴۸.

^۶ حضرت عبدالبهاء، اصل بیان مبارک: «یا احبّاءالله... تخبرکم بهذا (الاذی و الاستهزاء و التعذیب و التویخ و السبّ و البغضاء) قبل الوقوع، حتی اذا حدث هجوم الاحزاب علیکم لحبی، لا تضطربون ابدأ بل تثبتون ثبوت الجبال؛ لانّ استهزاء القوم و تعذیبهم لکم امر محتوم»، (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۱۹۷، ص ۱۴۱ - نیز به مبحث ۷ همین مجموعه، فقره ۹ مراجعه شود).

^۷ حضرت ولی امرالله، مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶ - ۱۹۲۲، ص ۱۴۶ - ۱۴ نوامبر ۱۹۲۳.

^۸ بیت العدل اعظم، پیام ۴ دسامبر ۲۰۰۸ خطاب به یکی از احبّای.

^۹ بیت العدل اعظم، پیام ۱۴ می ۲۰۱۱ = ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰.

^{۱۰} همان.

^{۱۱} همان.

^{۱۲} بیت العدل اعظم، پیام خطاب به جوانان شیراز، ۲۵ آگوست ۲۰۰۶.

^{۱۳} همان.

دیگر، از اهمّ امور محسوب می‌شود»^۱. آری، احبّای عزیز ایران زمین که هر فرد و هر خانواده‌ای از آنان، در راه وفاداری به میثاق یزدان، یا قربانی داده یا زندانی شده و می‌شوند و یا انواع حقوق مدنی و انسانی خود را پایمال می‌بینند، باید «با مطالعه مستمرّ آیات و الواح... و عود الهیّه در باره نتایج و اثرات تحمّل بلایا و اهراق دماء مطهّره شهدا را... به خاطر»^۲ داشته باشند؛ و بدانند که از جمله، تفکّر در دو توفیق منیع «قد ظهر یوم المیعاد و ظهور عدل الهی»^۳، همچنین «تمعّن در پیام‌های رضوان معهد اعلی در سنین اخیر و نیز تعمق و تأمل در مندرجات رساله قرن انوار، در درک مقدرات الهی و کیفیت تحقّق و عود الهیّه بسیار مفید و روشنی بخش اذهان و افکار یاران الهی خواهد بود»^۴ و نیز آویزه گوش هوش خود سازند که «هرچه یاران در خدمت آستانش راسخ‌تر، تأییدات غیبیه مبارکه‌اش شامل‌تر و هرچه عنایات فائده‌اش شدیدتر، تحقّق و عود محتومه‌اش سریع‌تر»^۵ خواهد بود. نظر و تفکّر و تمعّن در وعود الهی باعث تأثیرات روحانی است. مثلاً اهل بهاء «به وعود حتمیه... شاد و مطمئن»^۶ می‌شوند و به این بصیرت دست می‌یابند که «هر قدر افق عالم تاریک‌تر گردد و نوع بشر بر مخاصمات و منازعات مذهبی و سیاسی و نژادی و اقتصادی خویش بیفزاید، اشعه امید پرتوی شدیدتر اندازد؛ (و) قلوب یاران به تحقّق آمال و ایفا و اكمال وعده‌های الهی شاد و مطمئن‌تر گردد»^۷. بدین ترتیب، جای آن دارد که بخصوص ما بهاییان ایرانی همواره در قلب و روح خود مرور نماییم که «شکر آن مولای حافظ و ناصر را که به وعده‌هایی روحبخش، چنان قلوب این خسته‌دلان را شاد و مطمئن فرمود که هر قدر محن و بلایا و مشکلات و رزایا از دست ملت غافل و احزاب متباغض و اعدای مهاجم و رجال ظالم غدار وارد گردد، ادنی غباری بر خاطر نورانی یاران حضرت عبدالبهاء ننشیند و غیوم مظلمه حیرت و افسردگی، انوار امید و اطمینان را از ظهور و اشراق در قلوب صافیه احبّاً منع ننماید»^۸؛ غیوم مظلمه‌ای که «هر ناظر غافل و بی‌اطلاع از مآرب حقیقیّه و وعود و بشارات بهیّه شارع مقدّس این شرع ابدع افخم را دچار وحشت و حیرت شدید خواهد نمود»^۹. نیز دقّت و تأمل در وعود الهی مورث ثمرات ذهنی است. «طوفان‌ها و فشارهایی که بافت اجتماعی را متلاشی می‌سازد، برای عموم ساکنان کره ارض غیر قابل درک است؛ به استثنای معدود کسانی که به مقصد الهی برای این برهه از زمان پی‌برده‌اند»^{۱۰} و برای پی‌بردن به این مقصد والا، چه منبعی شفاف‌تر و

^۱ همان.

^۲ بیت العدل اعظم، پیام ۳۱ می ۲۰۰۶.

^۳ بیت العدل اعظم، پیام ۱ می ۲۰۰۷.

^۴ همان.

^۵ بیت العدل اعظم، پیام آوریل ۱۹۶۴ - جزوه ۴۱، ص ۱۱۶.

^۶ حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، ریف د از باب هشتم، ص ۲۱.

^۷ حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۳۰.

^۸ حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۳۲.

^۹ حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۰۰.

^{۱۰} بیت العدل اعظم، پیام رضوان ۱۹۹۸.

گویاتر و آسان‌تر از وعود حضرت بهاء‌الله؟ به همین دلیل جلیل است که در بحبوحهٔ بلایای بی‌وقفهٔ عارض بر جامعهٔ بهایی و نیز بر کل عالم انسانی، در حال و آینده، «احباً... عاقبت را خیر محض دانند و ارتفاع کلمهٔ الله و اقبال جهانیان را که قلم اعلیٰ به آن بشارت داده، مؤکد و محتوم شمرند.»^۱

اما سهم احبای ستم‌دیدهٔ ایران زمین در این مقولهٔ برترین چیست؟ این عزیزان با همهٔ روح و ذهن و جان و با تمام پوست و گوشت و استخوان خود می‌دانند و یقین دارند که «ثبات و استقامت یاران (در بلایا)، تأثیری عظیم و نفوذی شدید در... کیفیت ظهور و عود الهیه... دارد»^۲، و سخت بر این باورند که «یاران عزیز در ایران... تحمل هر بلایی را آماده‌اند؛ زیرا به یقین مبین تحقق و عود حتمیهٔ الهیه را مستلزم وقوع حوادث شدیده و تحمل مشکلات عدیده دانند»^۳، و مطمئنند که «برکات آسمانی و قوای روحانی منبعثه از اهراق دماء شهیدان و فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های قاطبهٔ اهل بهاء در آن سرزمین (ایران) در تحمل شرایط طاقت فرسا، وسایل تحقق و عود مبارکهٔ الهیه را یکی بعد از دیگری مهیا ساخته و می‌سازد»^۴. بلی، «تردید نیست که ظلم و ستم پیگیری که با این قساوت، بر احبای ایران^۵ وارد می‌شود، بالمآل مغلوب و مقهور ید قدرت الهی خواهد گردید و جریان حوادث را، به اسبابی غیبی، به سوی مقدرات قطعیهٔ پرشکوه و جلالی که از مواعد الهی است، سوق خواهد داد»^۶. پس بیاید به نصیحت مرکز میثاق الهی توجه کنیم که می‌فرمایند «با چشم ایمان به آینده نظر کنید» و تصریح می‌نمایند «قلوبتان را از زمان حال بگسلید و با عین ایمان به آینده بنگرید»^۷ و نیز به هدایت مولای شفق و خون‌گوش هوش فراداریم که تأکید می‌نمایند «چشم انتظار را متوجه به بشارات قلم اعلیٰ فرمایید و دیدهٔ امید را به وعود مشعشعهٔ کتاب اقدس و الواح سائره روشن و منور سازید»^۸. همین هدف و مقصد والا بوده است که بندهٔ حقیر را به انجام دادن چنین کاری خطیر واداشته است.

در این مجموعه، ۲۸۱۷ فقرهٔ دقیقه^۹ از آثار مبارکه (آیات حضرت بهاء‌الله، تیسینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله و استنباطات خاصهٔ بیت‌العدل اعظم) جمع آوری و (به جز یک فقره که در مطلع کتاب آورده شده و در متن موجود نیست، بقیه) در هشت فصل طبقه بندی شده‌اند. حتی الامکان سعی

^۱ حضرت ولی امرالله، مجموعهٔ توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۵۲.

^۲ حضرت ولی امرالله، امر و خلق ۴، ص ۴۸۲.

^۳ بیت‌العدل اعظم، پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، مجموعهٔ بشارات جانفرا، ص ۳۰.

^۴ بیت‌العدل اعظم، پیام ۲۹ جون ۲۰۰۶.

^۵ به مبحث ۷۳ از همین کتاب و یا به فصل اول از کتاب "پیروزی در بحران" مراجعه شود.

^۶ بیت‌العدل اعظم، پیام رضوان ۲۰۰۰.

^۷ به مبحث ۱ مراجعه شود.

^۸ حضرت ولی امرالله، مجموعهٔ توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۸.

^۹ در این مورد که "فقرهٔ دقیقه" چیست و چه خواصی دارد و چگونه باید با آن برخورد کرد، انشاءالله در آینده، به کمک یک کار تحقیقی جدید تحت عنوان «فضای کوچک حقیقت و نحوهٔ تفکر در آن»، اطلاعات جامعی ارائه خواهد شد.

شده نام هر مبحث با مفاهیم مندرج در فقرات مربوطه هم‌آهنگ باشد. کلیه این فقرات دقیقه‌کثیره، به نحوی به موضوع وعود الهیه مربوط می‌شوند. فصل اول، نکات و اطلاعاتی راجع به نفس وعود الهی عرضه می‌کند و فصول دوم تا هفتم، حوادث و وقایع کوچک و بزرگی را پوشش می‌دهند که همه در عصر تکوین دور بهایی واقع خواهند شد و نشان از توسعه تدریجی امرالهی و نظم اداری و تعامل پویانده و سازنده جامعه جهانی بهایی با عالم انسانی دارند. فصل هشتم مخصوص وقایع عظیمه‌ای است که در عصر ذهبی یا زرین دور بهایی رخ خواهند داد. تصمیم در این باره که چه وعودی در چه فصلی جای می‌گیرد، تا حدی از فحوای خود فقرات دقیقه قابل درک است؛ مثلاً بر اساس نصوص مبارکه، این امر قطعیت دارد که صلح اصغر و صلح اکبر در عصر تکوین و صلح اعظم یا مدنیت الهیه در عصر ذهبی پدیدار خواهند شد؛ اما در مجموع، این نحوه طبقه بندی، محصول استنباط شخصی نویسنده است و البته سایرین ممکن است در این زمینه، به گونه دیگری بیندیشند. تا جایی که ممکن است سعی شده سیر حوادث مربوط به وعود، از زمان حال به سمت آینده تنظیم شود. به عبارت دیگر، مفاهیم مورد نظر، چه در قالب عناوین فصل‌ها و چه در فحوای نام بخش‌ها و حتی در سرفصل‌های ۱۵۴گانه، از زمان حال به سمت آینده امتداد می‌یابند و در غالب موارد، درک معانی فقرات مندرج در هر سرفصل به نوعی پیش نیاز درک مفاهیم فقرات سرفصل‌های بعدی به حساب می‌آید. برای چیدمان سرفصل‌ها، بخصوص در فصول هفتم و هشتم، سعی شده تا جایی که ممکن است، مستند به نصوص مبارکه عمل شود. در زیر نویس‌هایی مناسب، به بعضی از این مستندات اشاره شده است. مثلاً محرز است که تحقق وحدت روحانی عالم انسانی، قبل از استقرار سلطنت الهی است و احاطه عدل اعظم، پیش از ظهور و بروز صلح اعظم است.

می‌توان مباحث محوری این ۲۸۱۷ فقره دقیقه ناظر بر وعود الهیه را اجزای ساختاری یک شاهراه بی‌نظیر روحانی فرض کرد؛ شاهراهی که به مشیت بی‌بدیل مظهر عظیم الهی و با مهندسی بی‌مثیل مبین آیات باهراتش، از اکنون تا آینده‌های دور کشیده شده و سفینه ذهن جويا و روح پویای وعده‌گرای باوفا در آن، با بیشترین صحت و سلامت و امان، و با درک عمیقی که از حکمت‌ها و علت‌های اعطای این همه وعود مختلفه از جانب هیاکل قدسیه حاصل نموده، از زمان حال برمی‌خیزد، با شور و شمع به راه می‌افتد و به تدریج و با تائی، یکی پس از دیگری، مراحل متوالی و متکامل تحقق تدریجی مشیت‌الله برای امرالهی و عالم انسانی را طی می‌کند. سرنشین سرفراز این سفینه سپیدوش، در حالی که از مادون به سوی مافوق می‌رود و از اغتشاش و آشوب به سمت امنیت و آسایش می‌پوید، با حرکت از این ایام ظلم‌زده، صف‌آرایی علیه امرالله را تجربه می‌کند؛ فنا و زوال ناقضین میثاق‌الله را مشاهده می‌نماید؛ انقراض دشمنان امرالله را به تماشا می‌ایستد؛ حادثه بلای عظیم و ناگهانی را حس می‌کند؛ فای عالم

کهن و نمودهای آن را می‌بیند؛ سپس با ورود به عرصه‌های خجسته، شکوه و عظمت ایران آینده را مشاهده می‌نماید؛ در فضای فرحزای ارض اقدس تفرّج می‌کند و جانی تازه می‌گیرد؛ مقام و منزلت احبّای الهی، بخصوص احبّای ایرانی را درک می‌کند؛ با نقشهٔ عظیم الهی دمساز و همراه می‌شود؛ با طرح ملکوتی حضرت عبدالبهاء آشنا می‌شود؛ دل به میثاق وثیق الهی می‌سپرد؛ از میان انقلابات و اختلافات و هرج و مرج مستولی بر عالم عبور می‌نماید؛ مرحلهٔ بلوغ اجتماعی بشریت را تجربه می‌کند؛ تحقق وحدت سیاسی عالم را مشاهده می‌نماید؛ فرایند صلح اصغر را تجربه می‌کند؛ پیروزی امرالله بر صفوف معاندان و مخالفان را درمی‌یابد؛ استحکام و استعلاّی امرالله را حسّ می‌کند؛ پدیده‌های شگفتی‌زای اقبال افواج و توده‌های بشری را به تماشا می‌نشیند؛ در مراسم استقبال از سلاطین حامی و حافظ شرکت می‌کند؛ پدیدهٔ خجستهٔ صلح اکبر را پشت سر می‌نهد؛ جریان اعجاب‌انگیز خلق بدیع را لمس می‌نماید؛ غلبهٔ امراللهی بر نیروهای پوسیدهٔ عالم را درک می‌کند؛ ظهور جامعه و جهانی بدیع را تجربه می‌کند؛ استقرار نظم بدیع جهان‌آرای الهی را ادراک می‌نماید؛ و آنگاه در جشن پرشکوه حلول عصر ذهبی حاضر می‌شود و شادی و نشاط جدید می‌یابد؛ سپس پدیدهٔ حیرت‌بخش وحدت روحانی عالم را ادراک می‌کند؛ احاطهٔ عدل اعظم الهی را احساس می‌کند؛ افراشتن علم صلح اعظم را تماشا می‌نماید؛ به حوزهٔ گستردهٔ حکومت جهانی بهایی واصل می‌گردد؛ عرصهٔ اعجاب‌انگیز مدنیت الهی را سیر می‌کند؛ استیلای سلطنت الهی بر جهان را تماشا می‌نماید؛ فرایند فیاض بلوغ روحانی عالم انسانی را درمی‌نوردد؛ از نمایشگاه بی‌سابقهٔ علوم بدیعه و صنایع قویّهٔ تمدن آینده دیدن می‌نماید؛ بسط معرفت و عرفان الهی را تجربه می‌کند؛ و عاقبت، با قلبی مطمئن و روحی مستبشر، در بحبوحهٔ ملکوت ابهی، مستقرّ بر بسیط غبرا، محل می‌گزیند و از آنجا، همچنان، چشم به افق‌های آینده می‌دوزد تا اعلان حلول کور عظیم ابهایی را ادراک کند و استمرار ظهور مظاهر قدسی را یقین نماید و سرانجام، بارقه‌هایی از دوردست‌ترین مرزهای آیندهٔ حیات بشری بر این سیارهٔ خاکی، یعنی شکوه و عظمت نهایی سیارهٔ ارض و غایت قصوای ترقّی و تکامل بشری را دریافت نماید. البته او، حین پیمایش این شاهراه پرشکوه و شوق‌انگیز در بستر زمان، گهگاهی با مسیرهایی محدود و موقت نیز مواجه می‌شود که اگر مایل باشد می‌تواند در آنها هم توقّفی کند، گردشی بنماید، در رمز و راز هر یک بیندیشد، و دوباره به مسیر اصلی بازگردد. آری، بیم آن می‌رود که این پویندهٔ شاهراه شکوهمند زمان، این سرنشین سفینهٔ ابهی نشان، پس از وصول به چنین عظمت‌هایی بی‌کران، دیگر میل بازگشت به زمان حال را از دست بدهد و در همان افق‌های نورافشان جاویدان باقی بماند! اما، مسافر زمان‌پیمای ما، اگر در این مسیر مبارک و خجسته، وفادارانه و هشیارانه گام برداشته باشد، نه از لحاظ جسمانی، که از نظر ذهنی و روحانی، قطعاً به همین موهبت سرمدی فایز خواهد شد.

درست در زمانی که کشتی مدرنیزم یا مدرنیته (نوگرایی)، حامل هیکل بشریت، بر روی اقیانوس زندگی به حرکت آمد، سفینه بلندپرواز نجات و رهایی خداوند نیز بر فراز سیاره زمین فراایستاد و جبل‌المتین تعالیم الهی را برای هدایت و صیانت این کشتی غفلت‌زده و غرورآمیز فروآویخت و نیز گوی‌های آتشین و عود ربّانی را در دل ظلمت زمان، به سمت آینده‌های نزدیک و دور پرتاب نمود. اما ناخدایان بی‌خدای کشتی مدرنیته، متکی به نظریه‌های اصالت انسان و سازمان و اندیشه، و مست از باده فناوری و صنعت‌گری و تولید عنان‌گسیخته، به جای استقبال از امدادات غیبی سفینه، فریاد برآوردند که «خدا مرده است». آنگاه چیزی نگذشت که کشتی آنان گرفتار طوفان بلایا شد و به گل نشست و بشریت به فلاکت و ذلت افتاد. در این وقت، نظریه‌پردازان پست‌مدرنیزم (پسانوگرایی)، در حالی که باور بدیمن خدامردگی همچنان در ذهن و فکرشان غلیان داشت، به میدان آمدند و گفتند کشتی مدرنیته باید تکه تکه شود و هر گروهی از آدمیان به پاره‌ای از آن چنگ زنند و خود بکوشند تا در دل تاریکی زمان راه به ساحل نجات برند. سپس با پتک تحلیل و تبر تنقید و تیشه تخطئه به جان کشتی افتادند. آری، آنان نیز به آن ریسمان درخشان که از سفینه ظهورالله آویزان بود واقعی نهادند و به آن گوی‌های تابان که تا عمق ظلمات آینده را روشن می‌کرد، توجّهی ننمودند. در این حال و هنگام، خلبان خدانشان سفینه، که به حکمت الهی و به نام "ملاح‌القدس"، استاد اعظم دریانوردی نیز بود، و بر اساس دانش و بینش روحانی، اضمحلال نوع انسانی را در آن شرایط وخیم و بحرانی قطعی می‌دید، مهندسان ملکوتی و کارورزان روحانی خود را به سوی کشتی گسیل داشت و آنان بافداکاری و جانبازی بی‌وقفه، آن ریسمان خجسته را به سگان آن کشتی درهم شکسته گره زدند و سپس در مسیر انوار آن گوی‌های فروزنده، و عود منزله متنوعه، به حرکتش آوردند و با تمام دل و جان به تعمیر و تجهیزش پرداختند. آنگاه در فضای سیاره زمین این نغمه و ترانه دلنشین مواج شد که آری، این بشریت طوفان زده قطعاً به سلامت، به بندرگاه نجات و سعادت که همانا استقرار ملکوت ابهی بر بسیط غربا^۱ است، واصل خواهد شد.

فصل اول، "وعود الهی و جنبه‌های مهم آن"، با اشمال ۳۷ فقره دقیقه، حائز اهمیت فراوان است؛ چون به عنوان مدخل مباحث مجموعه عمل کرده، نکات و اطلاعات مهمی در باره نفس و عود الهی و حکمت‌ها و علت‌های وفور آن، ارائه می‌دهد. بخصوص دو بخش اول و پنجم این فصل نقش عمده‌ای در توجیه ذهنی خواننده نسبت به عود الهیه به عهده دارند. بخش اول، "وعود در بستر زمان"، نظری مجمل به بعضی از عود تحقق یافته می‌افکند و این اطمینان را در قلب خواننده القاء می‌کند که سایر عود موجود در مجموعه نیز با همان قطعیت و حتمیت، در زمان مقرر یا در شرایط و احوال مناسب تحقق خواهند یافت. بخش پنجم، "وعود در بستر تاریخ"، از منظر آثار الهی، نگاهی به عود گذشته مندرج در

^۱ به مبحث ۱۴۷ مراجعه شود.

کتب سماوی، بخصوص در رابطه با ظهور اعظم ابهایی می افکند و این حقیقت را در قلب و روح انسان متمکن می سازد که همانا عظیم ترین وعده بستر تاریخ بشری بر این سیاره آبی با ظهور حضرت بهاءالله مُنجی محقق گشته است. بخش چهارم این فصل نیز بسیار آموزنده است، زیرا عوامل مؤثر در تحقق وعود را بررسی می نماید. در اینجا شاید این سؤال پیش آید که این موضوع، با مفهوم و معنای نفس وعده منافات دارد؛ زیرا وعده یعنی حادثه‌ای که به تصریح نصوص موجود در بخش سوم از همین فصل، تحقق آن قطعیت تامه دارد و لهذا عبارت "عوامل مؤثر در تحقق" آن، دیگر معنا و مدخلیتی ندارد. اما چنین شبهه‌ای به کمک بعضی نصوص مبارکه رفع شدنی است. صحیح است که وقوع وعود الهیه قطعیت تامه دارد، اما زمان مشخصی برای آن عرضه نشده است. تحقق هر وعده، تابع شرایط خاص خود است و لهذا ممکن است به نسبت میزان حصول شرایط، در امتداد زمان تقدّم و تأخر یابد؛ ولی از یک زمان مقرر و معین که البته در علم الهی مکنون است، عقب‌تر نخواهد رفت. دقت و تأمل در فقرات کثیره فصل اول، بیش و بصیرت والایی راجع به مفهوم کلی وعود الهی و جنبه‌های مهمه آن، عرضه می‌دارد و خواننده را آماده می‌سازد به فصول بعدی که هر کدام گروه‌های وعود ویژه خود را پوشش می‌دهند، وارد شود. فصل دوم، "قیام جهانی علیه امرالله و نتایج حاصل از آن"، با ۴ فقره دقیقه، حادثه عظیم صف‌آرایی جهانی علیه امرالهی را بررسی می‌کند و نتایج عجیب و بی‌سابقه حاصل از آن را نشان می‌دهد و فصل سوم، "عاقبت حال ناقضان میثاق‌الله و دشمنان امرالله"، مشتمل بر ۱۲۴ فقره دقیقه، ذلت و زبونی و فنا و نابودی هر دو گروه را تصریح می‌نماید. فصل چهارم، "عاقبت حال بشریتی سرکش و معرض از حق"، با ۱۲۰ فقره دقیقه مختلفه، به وعود قهریه مقدر برای بشریتی غافل و خداگریز می‌پردازد، و به عنوان جزای اعراض و استکبار عالمیان در مقابل مظهر عظیم خداوند رحمن، از لامذهبی و انحطاط اخلاقی و تعصب و تفرقه و تعدی و جنگ و جدال و بالاخره، از بلای عظیم و عقیم و ناگهانی و فنای مدنیت مادی سخن می‌گوید. محتوای این فصل نومید کننده است؛ اما علت‌ها و حکمت‌های لزوم استیلا این امور بر عرصه عالم در نفس فقرات همین فصل عرضه شده است. یأس حاصل از مطالعه محتوای فصل چهارم، در فصل پنجم، "آغاز تعامل علنی امرالهی با عالم انسانی"، جبران می‌شود؛ فصلی که با ۲۶۴ فقره دقیقه به ارائه وعود فضلیه برای کلّ عالم انسانی و بعضی آحاد و اجزاء آن می‌پردازد و اوضاع درخشان بعضی ملل مخصوصه، برخی کشورها و سرزمین‌های ویژه، و تعدادی زمینه‌های متنوعه را پوشش می‌دهد. سپس فصل ششم، "اوضاع آینده بعضی جنبه‌های مهمّ دنیای بهایی"، آغاز می‌شود که با ۴۶۶ فقره دقیقه، عرصه‌های گوناگونی از رشد و توسعه امرالهی را هدف قرار می‌دهد و در این راستا، بعضی اراضی و مداین و اماکن مقدّسه و مخصوصه را پوشش می‌دهد، سپس مقام و موقف گروه‌هایی از احبّا و اشخاص خاصّ را بررسی می‌کند و تعدادی زمینه‌های متنوع و مختلف از امرالهی را توصیف می‌نماید. همچنان در

عصر تکوین هستیم. فصل هفتم، "رشد امرالله و توسعه تعامل آن با عالم انسانی"، با ۸۱۳ فقره دقیقه، بر رشد و تعالی امرالله و تحوّل و تکامل عالم انسانی در امتداد این عصر پرآشوب متمرکز می‌شود و پدیده‌هایی اعجاب‌انگیز مثل جریان اقبال افواج و ایمان توده‌های بشری، ظهور خلق بدیع، تحقّق بلوغ اجتماعی عالم انسانی، بروز وحدت سیاسی عالم بشری، صلح اکبر و سرانجام، استقرار نظم بدیع جهان‌آرای الهی را بررسی می‌نماید. و عاقبت به فصل هشتم، "تشدید استیلای امرالله بر عالم و تحقّق کمال نهایی آن"، می‌رسیم؛ فصلی باشکوه و پُر جلال و شادی‌بخش، که با ۵۵۱ فقره دقیقه، تماماً به وعود الهی برای عصر ذهبی اختصاص دارد و مراحل اعجاب‌انگیزی مثل تحقّق وحدت روحانی عالم انسانی، حصول صلح اعظم ابهایی، استقرار حکومت جهانی بهایی، بروز بلوغ روحانی بشریت، ظهور مدنیت بدیع الهی، استقرار ملکوت ابهی بر بیسط غربا و تحقّق سرنوشت متعالی بشریت را در بر می‌گیرد. توصیه می‌شود خواننده گرامی برای دستیابی به کلیه مراحل کلی و جزئی این سفر سحرانگیز روحانی که جهت پرواز به آینده‌های پر رمز و راز امرالهی و عالم انسانی طراحی شده، نظری مستقل به فهرست مفصل این مجموعه بنماید و دقایقی در معانی و مفاهیم سرفصل‌های آن بیندیشد و آنگاه به نحو مرتّب و منظم، به محتویات سرفصل‌ها رجوع کرده، هر فقره دقیقه را با دقّت و تأمل مطالعه نماید. مبدا کثرت فقرات، سبب بی‌التفاتی به آنان گردد که این نه فقط نوعی بی‌توجهی به نصوص الهی است؛ بلکه مانع و رادعی در جریان پرواز روحانی هم محسوب است. هر فقره دقیقه جای‌گرفته در یک گروه هم‌خانواده، حدّ اقل حاوی یک اطلاع موثّق راجع به عنوان مشترک آنها است و از اجتماع همین اطلاعات است که معرفتی شفاف و معتبر و متعالی تولید می‌شود؛ معرفتی که پایه و مایه اصلی عرفان بهایی و حیات اجتماعی هر فرد بهایی است. در اینجا ذکر این نکته نیز ضروری است که به زعم نویسنده، رابطه فرایندهای تحقّق وعود الهی در زمینه‌های مختلف، چه از نظر مکانی و چه زمانی، پله‌ای نیست، بلکه رنگین‌کمانی است؛ بدین معنی که جنبه تاریخی و عینی وعود الهی مثل جعبه‌هایی نیست که کنار هم قرار گرفته باشند و یا وقوع آنها در فاصله‌ها یا بسته‌های زمانی مشخصی نیست که یکی پس از دیگری محقق شوند. رابطه وجودی آنها با یکدیگر همانند رابطه اجزاء طیف رنگین‌کمان است، یعنی بدون این که بتوان حدّ و مرز مکانی و زمانی معینی بین آنها تصوّر کرد؛ هر یک، بدون این که مفهوم و مأموریت مستقلّ خود را از دست بدهد، از درون دیگری بیرون می‌آید. به همین لحاظ است که خواننده تیزهوش حین مطالعه هر مبحث، رگه‌هایی از سرفصل‌های دیگر، بخصوص سرفصل‌های ماقبل و مابعد آن را هم مشاهده می‌کند، و به همین دلیل است که در تمثیل بالا، وعود مهمّه متوالیه، اجزای یک شاهراه درخشانده تصوّر شده‌اند؛ شاهراهی که بخش‌های متوالی آن، بدون داشتن خط فاصلی مشخص، به هم پیوسته‌اند و حتی به نوعی، از درون هم بیرون جسته‌اند.

در فهرست مندرجات، برای سهولت مراجعات، مباحث ۱۵۴ گانه، بندگذاری شده‌اند، و نیز برای برآورد اولیه حجم محتویات هر مبحث، تعداد فقرات دقیقه مربوط به آن جلوی عنوانش ذکر شده است. این اعداد، از لحاظ آماری اطلاعات مفیدی در بر دارند؛ از جمله این که به چه دلیلی هیاکل قدسی روی بعضی از مباحث پیش‌گویانه تأکید بیشتری نهاده‌اند؛ یا این که چرا به تکرار، در مورد قطعیت تحقق آن‌ها اطمینان داده‌اند؛ یا چرا مباحث فصل هفتم نسبت به سایر فصول مفصل‌تر است؛ نکات مهمی که البته، حائز حکمت‌های خاص خود بوده، تفکر و تدبیر پیرامون آن‌ها قطعاً اکتشافات بدیعه و معلومات ویژه به بار خواهد آورد. متن مجموعه به شیوه رسم‌الخط جدید فارسی، تقریباً همانگونه که در کتب درسی مطرح شده است، تایپ شده و نیز برای سهولت درک فقرات و عبارات عربی، مضمون فارسی آن‌ها ارائه گشته است. در بسیاری از امکنه متن، برای بعضی از فقرات، چندین مأخذ آورده شده است. این امر، هم امکان دسترسی خوانندگان گرامی به منابع اصلی را آسان‌تر می‌کند و هم به نوعی، نشان از اهمیت مفاهیم مندرج در فقرات مربوطه و ضرورت ادراک آن‌ها دارد.

برای تابانیدن نور امید و روح اطمینان به قلوب و اذهان رنجیده‌احبابی عزیز ایران، از این مجموعه غنی، می‌توان به طرق گوناگون استفاده نمود. می‌توان به مناسبت هر جمع و مجلس و محفلی، تعدادی از فقرات مباحث مورد علاقه آن را برگزید و قرائت کرد و جمع را به تفکر و تعمق در آن‌ها فراخواند. می‌توان دست به قلم برد و برای تعدادی از آن‌ها مقالات مناسب تهیه کرد و برای استفاده عموم ارائه نمود. می‌توان بر اساس تعدادی از آن‌ها سخن‌رانی‌ها و گفتگوهای سازنده ترتیب داد؛ و نیز می‌توان برای گروه‌هایی از آن‌ها، "تبینات سیستمی" نوشت؛ اقدام مفیدی که به علت لزوم پرهیز از افزایش حجم مجموعه از انجام دادن آن خودداری شده است. باشد که به این ترتیب، فرهنگ آینده‌نگری معقول و خردمندانه را در بطن جامعه اسم اعظم تقویت کنیم.

آری، بیایید در این سرزمین دستخوش مظالم مستولیّه، در این اقلیم عزیز و خجسته، به کمک این وعود متنوعه کثیره که هر کدام عرصه و زاویه مشخصی از افق‌های ناشناخته آینده را عیان و آشکار می‌سازد، انوار خورشیدهای فرداهای فرحناک و روحانی را به قلب و روح یاران باوفای ایران، این سرزمین مقدس و محبوب، باز بتابانیم تا همچنان همگان، با توشه و توان برگرفته از احساس قلبی نسبت به حقیقت و قطعیت رشد و تعالی و توسعه و تکامل جامعه جهانی بهایی، در میدان فداکاری و جانبازی برای احیای ایران گرامی، این دیار دل‌انگیز اهورایی، آماده و مهیا باشیم.

دوستان نازنین، کار بسی پیچیده و وقت‌گیر بوده است؛ لهذا علی‌رغم مرورها و ویرایش‌ها و اصلاحات مکرر، قطعاً اشتباهات و اغلاطی چه تاییبی چه املائی، در آن یافت خواهد شد. این نهایت محبت و

مرحمت شما گرامیان خواهد بود که به طریق مقتضی، مؤلف مجموعه را از مساعدت و هدایت خود
بهره‌مند فرمایید.

خسرودهقانی، پائیز ۱۳۹۳
(تکمیل نهایی، مردادماه ۱۳۹۶)

فهرست مندرجات

فصل اول	۳۲
وعدود الهی و جنبه‌های مهم آن (۴۳۷)	۳۲
بخش اول- اهل بهاء و وعدود الهی (۴۱)	۳۲
۱. وظایف مؤمنان نسبت به وعدود (۴۱)	۳۲
بخش دوم- وعدود در بستر زمان (۸۲)	۳۷
۲. نمونه‌هایی از وعدود تحقق یافته (۸۲)	۳۷
بخش سوم- کلیاتی راجع به وعدود الهی (۱۶۲)	۵۵
۳. وعدود، وقوعات آینده است (۶)	۵۵
۴. الواح و آثار الهی منبع موثق وعدود است (۱۲)	۵۶
۵. وعدود، شهود حوادث آینده است (۷)	۵۷
۶. تحقق وعدود دلیل حقایق است (۱۴)	۵۹
۷. ذکر وعدود حکمت‌آمیز است (۱۴)	۶۱
۸. وعدود مورث تأثیرات روحانی است (۲۰)	۶۳
۹. تحقق وعدود حرف به حرف است (۴)	۶۶
۱۰. تحقق وعدود امری قطعی است (۶۹)	۶۷
۱۱. تحقق وعدود امری تدریجی است (۱۶)	۷۴
بخش چهارم- عوامل مؤثر در تحقق وعدود (۸۷)	۷۷
۱۲. مشیت الهی و پروژه‌های ارض اقدس پشتوانه تحقق وعدود است (۱۵)	۷۷
۱۳. دعا وسیله تحقق وعدود است (۱۷)	۷۹
۱۴. تحمل بلایا و فداکاری‌های احباً عامل تحقق وعدود است (۲۰)	۸۰
۱۵. تبلیغ امرالله ضامن تحقق وعدود است (۸)	۸۳
۱۶. وظیفه‌شناسی مؤمنان مؤثر در تحقق وعدود است (۱۸)	۸۵
۱۷. حوادث عالم دخیل در تحقق وعدود است (۹)	۸۷

۸۹	بخش پنجم- وعود در بستر تاریخ (۶۵)
۸۹	۱۸. وعود مظاهر قبل محقق شد (۶۵)
۹۹	فصل دوم
۹۹	عصر تکوین، قیام جهانی علیه امرالله و نتایج حاصل از آن (۴۲)
۹۹	۱۹. صف آرایبی عالمیان علیه امرالهی (۴۲)
۱۰۶	فصل سوم
۱۰۶	عصر تکوین، عاقبت حال ناقضان میثاق الله و دشمنان امرالله (۱۲۴)
۱۰۶	۲۰. فنای ناقضان میثاق الهی (۲۴)
۱۱۰	۲۱. زوال دشمنان امرالله و ستم ورزان بر احباءالله (۱۰۰)
۱۲۵	فصل چهارم
۱۲۵	عصر تکوین، عاقبت حال بشریتی سرکش و خداگریز (۱۲۰)
۱۲۵	۲۲. تنبیه الهی (۸)
۱۲۶	۲۳. توسعه و تشدید لامذهبی (۶)
۱۲۷	۲۴. انحطاط اخلاق عمومی (۴)
۱۲۸	۲۵. گسترش تعصب و تفرقه و تعدی (۴)
۱۲۸	۲۶. وقوع جنگ‌های ویرانگر (۱۸)
۱۳۱	۲۷. وقوع بلاهای عظیم و عظیم و جهانی (۵۰)
۱۳۸	۲۸. انهدام بعضی ممالک و مَدَن (۱۲)
۱۴۰	۲۹. پیچیده شدن بساط (نظم) موجود در عالم (۱۰)
۱۴۲	۳۰. فنای عالم (کهن) و مردمان آن (۸)
۱۴۴	فصل پنجم
۱۴۴	عصر تکوین، آغاز تعامل علنی امرالله با عالم انسانی (۲۶۴)
۱۴۴	بخش اول- با بعضی ملل مخصوصه (۴۱)
۱۴۴	۳۱. ملت آمریکا (۲۳)

۱۴۴	آینده نزدیک (۵)
۱۴۵	آینده دور (۱۸)
۱۴۸	۳۲. بنی اسرائیل (۱۸)
۱۵۰	بخش دوم- با برخی کشورها و سرزمین های ویژه (۱۹۴)
۱۵۰	۳۳. کشور ایران (۱۱۶)
۱۵۰	موارد فضلیه (۱۰۶)
۱۶۵	موارد قهریه (۱۰)
۱۶۶	۳۴. کشور آمریکا (۱۹)
۱۷۰	۳۵. اتحاد ایران و آمریکا (۴)
۱۷۱	۳۶. قاره آفریقا (۵)
۱۷۲	۳۷. مغرب زمین (۳)
۱۷۲	۳۸. آمریکای مرکزی و جنوبی (۳)
۱۷۳	۳۹. قاره اروپا (۱)
۱۷۳	۴۰. کشور فرانسه (شهر پاریس) (۸)
۱۷۴	۴۱. کشور کانادا (۹)
۱۷۵	۴۲. کشور آلمان (۵)
۱۷۶	۴۳. کشور ژاپن (۴)
۱۷۷	۴۴. کشور انگلستان (۲)
۱۷۷	۴۵. کشور پاناما (۳)
۱۷۸	۴۶. کشور هندوستان (۳)
۱۷۹	۴۷. کشور روسیه (۲)
۱۷۹	۴۸. کشور آذربایجان (۱)
۱۷۹	۴۹. کشور ترکمنستان (۱)
۱۸۰	۵۰. کشور چین (۲)
۱۸۰	۵۱. شهر نیویورک (۱)

۵۲. شهر مونترآل (۲) ----- ۱۸۰
- بخش سوّم- با تعدادی موارد متنوّعه (۲۹) ----- ۱۸۱
۵۳. اشیاء، حامل فیوضات جدید (۱۱) ----- ۱۸۱
۵۴. دانشگاه الازهر قاهره (۶) ----- ۱۸۳
۵۵. فنّ طبّ و صحّت عمومی (۴) ----- ۱۸۴
۵۶. ردّیه‌های علیه امرالله (۲) ----- ۱۸۵
۵۷. مادّیون و تمدّن مادّی (۲) ----- ۱۸۵
۵۸. دیدار ادوارد براون از ارض اقدس (۱) ----- ۱۸۶
۵۹. ایوان مداین (۱) ----- ۱۸۶
۶۰. مادّه اکسیر (۱) ----- ۱۸۶
۶۱. یاران پارسی (۱) ----- ۱۸۷
- فصل ششم ----- ۱۸۸
- عصر تکوین، اوضاع آینده بعضی جنبه‌های مهمّ دنیای بهایی (۴۶۶) ----- ۱۸۸
- بخش اول- اراضی و مداین و اماکن مقدّسه و مخصوصه (۱۰۳) ----- ۱۸۸
۶۲. ارض اقدس (۴۸) ----- ۱۸۸
۶۳. بیت بغداد (۱۲) ----- ۱۹۷
۶۴. ارض طاء (شهر طهران) (۱۴) ----- ۲۰۰
۶۵. شهر شیراز (۴) ----- ۲۰۲
۶۶. شهر اصفهان (۲) ----- ۲۰۲
۶۷. شهر ادرنه (۴) ----- ۲۰۳
۶۸. نور و تاکر (۵) ----- ۲۰۴
۶۹. ارض خاء (خراسان) (۹) ----- ۲۰۵
۷۰. ارض کاف و الرّاء (کرمان) (۴) ----- ۲۰۶
۷۱. بندرعبّاس (۱) ----- ۲۰۷
- بخش دوّم- احبّا و اشخاص متفاوته (۱۷۴) ----- ۲۰۷

۷۲. احبّای الهی به طور کلی (۸۸)----- ۲۰۷
۷۳. احبّای ایران (۴۳)----- ۲۲۰
۷۴. احبّای آمریکا (۳۹)----- ۲۲۶
۷۵. بومیان قاره آمریکا (۳)----- ۲۳۲
۷۶. یاد و خاطره امة البهاء روحیه خانم (۱)----- ۲۳۳
- بخش سوم- بعضی زمینه‌های متنوعه (۱۸۹)----- ۲۳۳
۷۷. نقشه کلی الهی (۲۲)----- ۲۳۳
۷۸. بیت العدل اعظم (۱۰)----- ۲۳۶
۷۹. طرح ملکوتی و نقشه‌های آتی (۲۷)----- ۲۳۸
۸۰. کتاب اقدس (۶)----- ۲۴۲
۸۱. کلمة الله (۲۹)----- ۲۴۳
۸۲. عهد و میثاق الهی (۲۸)----- ۲۴۷
۸۳. معبد بهایی (مشرق‌الاذکار) (۲۵)----- ۲۵۱
۸۴. شهدای فی سبیل الله (۸)----- ۲۵۵
۸۵. هنر بهایی (۱۰)----- ۲۵۶
۸۶. محاکم بهایی (۲)----- ۲۵۸
۸۷. دانشگاه بهایی (۲)----- ۲۵۸
۸۸. تاریخ و مورّخین بهایی (۱۲)----- ۲۵۸
۸۹. تعلیم و تربیت بهایی (۴)----- ۲۶۰
۹۰. نقش مؤسسه ولایت امرالله (۲)----- ۲۶۱
۹۱. حظیره القدس (۱)----- ۲۶۲
۹۲. مؤسسه حقوق الله (۱)----- ۲۶۲
- فصل هفتم----- ۲۶۳
- عصر تکوین، رشد امرالله و توسعه تعامل آن با عالم انسانی (۸۱۳)----- ۲۶۳
۹۳. مراحل متوالی استیلاى امرالله بر عالم (۲)----- ۲۶۳

۹۴. رهایی امرالله از قید مقهوریت (۳) ----- ۲۶۴
۹۵. آزادی عمل امرالله (۲) ----- ۲۶۵
۹۶. درخشش امرالله در مغرب زمین (۲) ----- ۲۶۵
۹۷. مرحله انفصال امرالله (۵) ----- ۲۶۶
۹۸. مرحله استقلال امرالله (۹) ----- ۲۶۷
۹۹. مرحله رسمیت امرالله (۱۰) ----- ۲۶۸
۱۰۰. ازدیاد انقلاب و اختلاف و آشوب در عالم (۱۶) ----- ۲۶۹
۱۰۱. توسعه نظم اداری بهایی (۲۶) ----- ۲۷۲
۱۰۲. تجدید حیات و ترقی نسبی عالم انسانی (۲۰) ----- ۲۷۶
۱۰۳. تحقق بلوغ اجتماعی عالم انسانی (۳۶) ----- ۲۷۹
۱۰۴. تحقق وحدت سیاسی عالم انسانی (۶۱) ----- ۲۸۳
۱۰۵. تأسیس حکومت اولیة جهانی (۱۵) ----- ۲۹۱
۱۰۶. استقرار صلح اصغر (۲۳) ----- ۲۹۳
۱۰۷. پیروزی امرالله در مقابل صفوف معاندان (۲۹) ----- ۲۹۷
۱۰۸. استحکام و استعلاى امرالله (۲۹) ----- ۳۰۱
۱۰۹. عظمت و جلال امرالله (۲۳) ----- ۳۰۶
۱۱۰. ارتقاء مقام و منزلت زنان (۲۱) ----- ۳۰۹
۱۱۱. سرور و نشاط مؤمنان (۲) ----- ۳۱۲
۱۱۲. اندوه و اضطراب معاندان (۳) ----- ۳۱۳
۱۱۳. اقبال افواج مؤمنین (۲۷) ----- ۳۱۳
۱۱۴. حمایت مؤسّسات جامعه انسانی (۱) ----- ۳۱۷
۱۱۵. ظهور ملوک حامی (۱۶) ----- ۳۱۸
۱۱۶. اقبال توده‌های بشری (دسته جمعی) (۱۶) ----- ۳۲۱
۱۱۷. استقرار صلح اکبر (۴۹) ----- ۳۲۴
۱۱۸. قدرت و غلبه مظهر الهی (۵۴) ----- ۳۳۱

۱۱۹. تأسیس محکمه کبرای بین‌المللی (۱۳) ----- ۳۳۸
۱۲۰. ظهور قوم (خلق) بدیع (۸۰) ----- ۳۴۱
۱۲۱. احاطه و استیلای نسبی امرالله بر عالم (۸۸) ----- ۳۶۰
۱۲۲. تطهیر ارض از لوث کافران و مشرکان (۲) ----- ۳۷۲
۱۲۳. زوال تعصبات جاهلی (۸) ----- ۳۷۳
۱۲۴. تنفیذ احکام و تحکیم تعالیم الهی (۱۱) ----- ۳۷۴
۱۲۵. استیلای روحانیت و اعتلای اخلاقی (۱۰) ----- ۳۷۵
۱۲۶. حصول شادی و نشاط عمومی (۸) ----- ۳۷۷
۱۲۷. ظهور جامعه و جهانی جدید (۳۳) ----- ۳۷۸
۱۲۸. بشریت در مسیر سرنوشت خود (۲) ----- ۳۸۲
۱۲۹. استقرار نظم بدیع جهان‌آرای الهی (۵۸) ----- ۳۸۲
- فصل هشتم ----- ۳۹۲
- عصر ذهبی، تشدید سلطه امرالله بر عالم و تحقق کمال نهایی بشریت (۵۵۱) --- ۳۹۲
۱۳۰. حلول عصر ذهبی آیین الهی (۳۰) ----- ۳۹۲
۱۳۱. تحقق وحدت روحانی عالم انسانی (۷۹) ----- ۳۹۷
۱۳۲. احاطه عدل اعظم الهی (۳۳) ----- ۴۰۷
۱۳۳. حلول صلح اعظم ابهای (۵۳) ----- ۴۱۱
۱۳۴. استقرار حکومت جهانی بهایی (۱۴) ----- ۴۱۸
۱۳۵. استقرار سلطنت الهی (۱۶) ----- ۴۲۰
۱۳۶. تحقق بلوغ روحانی بشریت (۱۹) ----- ۴۲۳
۱۳۷. رواج خط و زبان واحد جهانی (۱۸) ----- ۴۲۶
۱۳۸. ظهور مدنیت الهی (۴۳) ----- ۴۲۹
۱۳۹. حصول محبت و اخوت و دوستی حقیقی (۲۸) ----- ۴۳۴
۱۴۰. حصول حریت و آزادی حقیقی (۷) ----- ۴۳۷
۱۴۱. بروز رفاه و راحتی جهانی (۱۱) ----- ۴۳۸

۱۴۲. تحقّق آشتی علم و دین (۲) ----- ۴۳۹
۱۴۳. ظهور علوم بدیعه و صنایع قویّه (۲۴) ----- ۴۴۰
۱۴۴. بسط معرفت و عرفان الهی (۷) ----- ۴۴۳
۱۴۵. جلوۀ دین واحد جهانی (۱۴) ----- ۴۴۴
۱۴۶. استقرار نهایی مشیّت الله برگسترۀ گیتی (۴) ----- ۴۴۶
۱۴۷. استقرار ملکوت ابهی بر بسیط غیرا (۵۱) ----- ۴۴۷
۱۴۸. بروز ثمرۀ نهایی ظهور الهی (۷) ----- ۴۵۳
۱۴۹. تجلّی کور اعظم بهایی (۱۸) ----- ۴۵۴
۱۵۰. استمرار ظهور مظاهر قدسی (۵۵) ----- ۴۵۷
۱۵۱. تحقّق سرنوشت متعالی عالم انسانی (۱۰) ----- ۴۶۵
۱۵۲. ترقّی ابدی فردی (۱) ----- ۴۶۶
۱۵۳. جلوۀ شکوه نهایی سیّارۀ ارض (۳) ----- ۴۶۷
۱۵۴. وصول بشریّت به غایت قصوای خلقت خود (۴) ----- ۴۶۸
-

فصل اول

وعود الهی و جنبه‌های مهم آن (۴۳۷)

یاد آوری: در ذیل بعضی از فقرات نصوص مبارکه مندرج در این مجموعه، به عنوان مأخذ، عبارت "مرور معبود" آمده است؛ متذکر می‌گردد که این عبارت، نامی جدید است که برای ترجمه‌ای بدیع از کتاب مهمین "کاد پسربای" در نظر گرفته شده است. این ترجمه، که به قصد تسهیل درک محتوای این کتاب مبین برای محبین انجام شده، انشاءالله در آینده در اختیار یاران قرار خواهد گرفت. علت گزینش این نام در مقدمه ترجمه ذکر شده است.

بخش اول- اهل بهاء و وعود الهی (۴۱)

۱. وظایف مؤمنان نسبت به وعود (۴۱)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « اگر انسان به بصر حق در الواح منزله نظر نماید و تفکر کند، جمیع امورات وارده از بعد را ادراک نماید.» (آیات الهی، ۲، ص ۱۳۹)
- ۲) « اگر در اشارات قلم اعلی تفکر رود، امورات مستوره به عرصه ظهور آید و مشاهده گردد.» (آثار قلم اعلی، ۷، ص ۲۷۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۳) « ای یاران الهی... لوح ملاح القدس را بخوانید تا به حقیقت پی برید و ملاحظه نمایید که جمال مبارک وقایع آتیه را از پیش بتمامه خبر داده‌اند. ان فی ذلک لَعِبْرَةٌ لِّلْمُتَبَسِّرِينَ و موهبة للمخلصین.» (حدیقه عرفان، ص ۲۰۹) (مضمون عبارت عربی: همان در این امر عبرتی است برای متبصرین و موهبتی است برای مخلصین)
- ۴) « مگذارید افکارتان متمرکز بر زمان حال باشد؛ با چشم ایمان به آینده نظر کنید؛ زیرا روح الهی در میان شما جاری و عامل است.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۱ دسامبر ۱۹۱۱)
- ۵) « قلوبتان را از زمان حال بگسلید و با عیون ایمان به آینده بنگرید.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۴ نوامبر ۱۹۱۱)

- (۶) « خباء تقدیس در قطب امکان بلند گردد و جمیع امم را در ظلّ کلمه توحید درآرد. این موهبت وقتی در قطب اکوان جلوه نماید که احبای الهی^۱ به موجب تعلیمات رحمانیه قیام کنند و به نشر رائحه طیبه محبت عمومیّه پردازند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۳۰۵)
- (ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله
- (۷) « با قلبی نباض به یاد آرید تصریحات مستحکم و وعود مشعشع مذکور در الواح طرح ملکوتی حضرت عبدالبهاء را؛ وعودی که علائم و آثار ملکوت جاودانی را جلوه‌گر می‌سازد.» (ترجمه) (تلگرام مورخ ۸ مارس ۱۹۵۲، مجموعه توقیعات مبارکه ۱۹۵۷-۱۹۵۰، انگلیسی، ص ۱۸)
- (۸) « چون آن محور مرکزی اهل بهاء (بیت عدل عمومی) در نهایت جلال و اتقان استوار گردد، دوره جدیدی رخ بگشاید... و وعود کلیه جلوه نماید.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۰۸)
- (۹) « وعده‌های صریح (را) که از فم اطهر (حضرت عبدالبهاء) و قلم مبارکش صادر گشته به یاد آوریم.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱)
- (۱۰) « چشم انتظار را متوجه به بشارات قلم اعلی فرمایید و دیده امید را به وعود مشعشعه کتاب اقدس و الواح سائره روشن و منور سازید.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۸)
- (۱۱) « (خطاب به بازماندگان شهدای جهرم) صابر باشید و شاکر، و به وعود محتومه لاریبه الهیه مطمئن و ناظر.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۳)
- (۱۲) « یاران مظلوم ستمدیده ایران را بشارت و تسلیت و اطمینان دهید و سفارش و تأکید نمایید که جمعاً و منفرداً به تضرع و مناجات مشغول گردند. به شکرانه نعمای موعوده الهیه پردازند و تحقق مواعید الهیه را کاملاً و سریعاً مسئلت نمایند؛ زیرا علامتش باهر و آثار اولیه اش ظاهر و لائح گشته (اشاره به اقبال ملکه ماری از رومانی است).» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۹)
- (۱۳) « نص صریح وعده الهی را به یاد آرید که می‌فرماید: "و مدتی بر این نهج ایام می‌رود و اذا تمّ المیقات یظهر بغته ما ترتعد به فرائض العالم؛ اذا ترتفع الاعلام و تغرد العنادل علی الافنان".» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۷۱) (مضمون بخش عربی: و هنگامی که زمان تعیین شده پایان یافت، ناگهان ظاهر می‌شود آنچه که ارکان عالم را به لرزه در آورد؛ آنگاه علم‌ها افراشته خواهد شد و بلبلان بر شاخساران خواهند خوانند.)

^۱ به مبحث ۷۲ رجوع شود.

۱۴ « دعای این بنده ناتوان آن است که آن یاران که... چنین نفوس جلیله‌ای از میانشان قیام نموده، تبلیغ امرالله نمودند و به مشهود فدا شتافتند؛ ایوم به همان روح الهی مبعوث شوند و به جان و دل بکوشند تا وعده‌های کامله و بشارات قلم اعلی یک یک تحقق یابد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۵۴/ نیز مائده آسمانی ۳، ص ۲۳)

۱۵ «ملاحظه نمایید قلم اعلی چه بشارات عظیمه‌ای در الواح داده و چه وعده‌های صریحه‌ای از قلم محتوم اعلایش نازل فرموده (است).» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۴)

۱۶ « باید اولاً به سلوک و افعال و بعد از آن به اقوال و دلائل اثبات نمود که وعود الهیه محتوم است و واقع، و بشارات الهیه ظاهر است و کامل. تا نفوس کامله به میدان نیایند و شاهد هر انجمن نگردند، اثبات این امر به دانایان امم بسیار مشکل.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، ردیف الف از باب اول، ص ۶- مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۷۰)

۱۷ « یوم یوم احباءالله است که به قوه بیان و اعلان و اثبات آثار مبارکه اولین انوار شفق صبح صلح عمومی را به دیده جنگجویان و مایوسان عالم بنمایند و به اظهار و شرح وعده‌های محکمه و بشارات مبارکه، لزومیت تأسیس صلح اعظم را به منکرین و معترضین به دلائلی مقننه اثبات نمایند.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۲۶- مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۶۱)

۱۸ « باید... مترصد تحقق بشارات الهیه شویم.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۳۶)

۱۹ « ای برادران و خواهران روحانی، به لوح رئیس که از فم مشیت علام الغیوب نازل گشته رجوع نمایید و به شکرانه مواهب و عطایای حضرت ذوالجلال پردازید و به کمال تدلل و انکسار و تبتل و ابتهاج، به درگاه ملیک مختار تضرع و زاری نمایید که آنچه (از وعود الهی) از قلم اعلی نازل گشته زودتر جلوه‌گر گردد.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۷۴)

۲۰ « نفوسی که برای تمشیت چنین نهضت قویم و تحقق این مقصد فخیم (اجرای نقشه هفت ساله احبای آمریکا) قیام نموده‌اند... کل باید... اندازات و اشارات و بشارات منزله از قلم حضرت بهاءالله را تأمل و تدبر کنند.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۰۳- پیام آسمانی ۲، ص ۲۷۴)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۱ « در این موقع که اوضاع جهان رو به شدت و وخامت نهاده و منازعات و مناقشات ملل عالم وجود را به آلام و اوجاع شدید مبتلا ساخته و انقراض مشروعات و مؤسّسات قدیمه سالفه را اعلام می‌نماید، آثار تحقق وعود و اندازات حضرت بهاءالله و تحدیرات شدید و مؤکد حضرت عبدالبهاء و ولی

- محبوب امرالله بیش از پیش به خاطر آید و بیانات آن ذوات مقدسه راجع به مقدرات غیر قابل اجتناب جامعه انسانی... در برابر انظار مجسم می‌گردد.» (پیام ۱۶ نوامبر ۱۹۶۹)
- ۲۲ « ای یاران... به وعود مصرحه در آیات الهیه مطمئن باشید... عنایتش قطره را موج دریا دهد و ذره را اوج ثریا بخشد.» (پیام نوروز ۱۹۷۳- جزوه دستخط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱۱)
- ۲۳ « (خطاب به ستابندگان اسم اعظم در کشور مقدس ایران) به وعود مصرحه در آیات الهیه مطمئن باشید.» (۲۱ مارس ۱۹۷۴ / نوروز ۱۳۱ بدیع)
- ۲۴ « در قبال این ابتلائات هائله و اسقام و آلام وارده در تنگنای این عصر محنت‌زده، مقتضی است که در باره نبوتی که قریب به هشتاد سنه قبل، شارع این آیین نازنین بیان فرموده و همچنین انذارات شدیدی که مبین مصون از خطای آثار مبارکش اعلام نموده بیندیشیم (در متن پیام ۱۴ مورد متسلسل از این نبوت و انذارات درج شده است).» (پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)
- ۲۵ « لازم دانستیم... کل (بهایان ایرانی مقیم ممالک و دیار سایره در جمیع اقطار عالم) را به آنچه ضامن رفاه و سعادت و نجاح و عزت جاودانی دانیم، دعوت نماییم تا انشاءالله... دیده امید به صبح وعده‌های جانپور الهی دوزند و یقین نمایند که از پس این سحاب ظلمانی آفتاب مشیت یزدانی در اوج رفعت و اقتدار قرار دارد و به تابش و نور افشانی پردازد.» (پیام ۹ شهرالعهزّه ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۲۸ / نیز پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰)
- ۲۶ « در این ساعات مؤلمه محزنه که پس از مضمی ایامی چند به لیلۀ شهادت قره عین انبیاء حضرت نقطه اولی نزدیک می‌گردیم، از قاطبه جوانان بهایی دعوت می‌نمائیم که با عزمی راسخ و تجرد و تشبّتی قاطع به رفع حوائج ضروریه و خدمت امر مالک بریه پردازند و وعود صریحه حضرت بهاءالله را مد نظر آرند.» (پیام ۲۴ جون ۱۹۸۳)
- ۲۷ « برگزیدگان جمال کبریا (یاران عزیز مهد امرالله در جمیع بلاد عالم) دیده جهان‌بین دارند و به افق سعادت ابدی ناظرند و طلوع شمس وعده‌های جانپور الهی را منتظر.» (پیام مارس ۱۹۸۶، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۶۵)
- ۲۸ « هرچند این طواف (طواف قریب به سه هزار نفر مؤمنان حول روضه مبارکه)، واقعه محزنه صعود جمال قدم... را به خاطر می‌آورد... اما یاران (در اثنای این طواف) به بشارات جان‌فزایش... و به وعده‌های محکمه‌اش توجه داشتند.» (پیام آگوست ۱۹۹۳، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۶۵)

- ۲۹ « افرادی از اهل بهاء که آینده را چنان که امر بهایی مجسم می‌کند درک می‌نمایند، این برتری را خواهند داشت که آگاهانه در کوشش‌هایی که هدفش به حرکت آوردن و پیش‌بردن جریانات مزبور (اهداف عمده نقشه چهار ساله) است، شرکت نمایند.» (پیام رضوان ۱۹۹۶)
- ۳۰ « مسئولیت‌های فوری و اجتناب‌ناپذیر، هر مؤسسه امری و هر عضو جامعه بهایی را بر آن می‌دارد که برای حصول سرنوشتی که حق وعده فرموده سعی بلیغ مبذول دارد.» (پیام رضوان ۱۹۹۷ - جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه جلد سوم، ص ۲۸)
- ۳۱ « یاران و دلدادگان جمال اقدس ابهی در سرزمین مقدس ایران باید اطمینان داشته باشند که آن چه در مسیر تحقق و عود حتمیه الهیه واقع گردد، در میقات معین، اثمار باقیه نورانیه به بار آورد.» (پیام ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵)
- ۳۲ « با مطالعه مستمر آیات و الواح باید... و عود الهیه در باره نتایج و اثرات تحمل بلایا و اهراق دماء مطهره شهدا در پیشرفت امر مبارک در آن سرزمین (ایران) و دیگر نقاط عالم را به خاطر داشت و نگذاشت که خدای نکرده تسلط ظاهری و زودگذر دشمنان امرالله و یا آنچه به زعم بشری تأخیر و کندی در گشایش ابواب رخا بر روی احباً دیده می‌شود، موجب آزردهی خاطر و یا خدای نکرده ناامیدی شود.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)
- ۳۳ « پس با تمام قوا و با اطمینان کامل به تحقق و عود شکوهمند الهی قیام نمایید و اجازه ندهید که هیچ مشکلی شما را از خدمت باز دارد.» (پیام ۱۷ آگوست ۲۰۰۶)
- ۳۴ « در این ایام آنچه بیش از هر وقت دیگر از اهم امور محسوب می‌شود آن است که جوانان عزیز (در مدینه شیراز) از طریق مطالعه آیات و الواح مبارکه با وعده‌های صریحه الهیه آشنا شوند و به تحقق آن مواعید در میقات معین ایمان و ایقان داشته باشند و بر نقش خود در این مسیر که جمال اقدس ابهی به آنان عطا فرموده، بیش از پیش آگاه گردند.» (پیام ۵ نوامبر ۲۰۰۶)
- ۳۵ « مطالعه این توابع (قد ظهر یوم الميعاد و ظهور عدل الهی) و نیز تمعن در پیام‌های رضوان معهد اعلی در سنین اخیر و نیز تعمق و تأمل در مندرجات رساله قرن انوار در درک مقدرات الهی و کیفیت تحقق و عود الهیه بسیار مفید و روشنی بخش اذهان و افکار یاران الهی خواهد بود.» (پیام ۱ می ۲۰۰۷)
- ۳۶ « اهمیت این ایام بحرانی و پرآلام و نتایج عظیمه فداکاری‌های دل‌دادگان روی جانان در سرزمین مقدس ایران با گذشت زمان روشن‌تر خواهد شد و احبای عزیز باید به تأییدات ملکوتی و تحقق نهایی و عود الهی اطمینان کامل داشته باشند.» (پیام ۴ سپتامبر ۲۰۰۸)

(۳۷) « احبای عزیز باید به... تحقق وعود الهیه اطمینان کامل داشته باشند.» (پیام ۴ دسامبر ۲۰۰۸ خطاب به یکی از احبای)

(۳۸) « دوستان عزیز و محبوب (پیروان جانفشان جمال قدم در کشور مقدس ایران)... کما کان به حکمت‌های بالغه و وعود حتمیه الهیه ناظر باشید (و) با اطمینان کامل به آینده بنگرید و هم‌چون گذشته، زندگی خود را وقف خدمت به نوع انسان نمایید.» (پیام ۱۴ می ۲۰۱۱ = ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰)

(۳۹) « با وجود این شرایط نابسامان، شما طالبان ملکوت (پیروان حضرت بهاءالله در کشور مقدس ایران) از مصائب شدیدۀ این جهان نومید نشده، به مدد اسم اعظم بر عهد و میثاق الهی استوار و در آرمان‌های شکوهمند و انسان دوستانۀ خود پایدار و به تحقق آن اطمینانی واثق دارید.» (پیام ۱۱ می ۲۰۱۲ = ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۱)

(۴۰) « (خطاب به احبای خطۀ گلستان) الحمدلله که... به استقامت سازنده قائمید... و به وعده‌های حتمیه‌اش مطمئن.» (پیام ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲)

(۴۱) « خطاب به بیست نفر محکومین شعبۀ اول دادگاه انقلاب شهرستان یزد، مورخ ۱۳۹۲/۶/۲) با صبر و سکون در جهت پیشبرد مصالح امری به راه خود ادامه دهید و به گشایش امور و تحقق وعود الهی در میقات معین مطمئن باشید.» (نیمۀ اول آذرماه ۱۳۹۳ = اواخر نوامبر یا اوایل دسامبر ۲۰۱۴)

بخش دوم- وعود در بستر زمان (۸۲)

۲. نمونه‌هایی از وعود تحقق یافته (۸۲)

یادآوری: در این مبحث، تعداد قابل توجهی از وعودی که به تصریح نفس هیاکل قدسی تحقق یافته، ارائه شده است. در ذیل بعضی از این وعود، طی فقط یک جمله کوتاه، تحقق وعده مبارکه گوشزد شده است. بدیهی است از آنجا که وقوع این پیشگویی‌ها امری عینی و تاریخی است، لازم است اطلاعات بیشتری راجع به شرایط زمانی و مکانی تحقق آن‌ها عرضه گردد؛ کاری که از مقصد و حوصله این مجموعه خارج است. امید است بعضی از محققان و جوانان عزیز، این اقدام را وجهه همت خود قرار دهند و بدین ترتیب، مقوله مبارکه وعود الهی را غنی‌تر و مؤثرتر سازند.

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « سَوْفَ نَأْخُذُ الَّذِينَ ظَلَمُوا كَمَا أَخَذْنَا الْمُعْتَدِينَ فِي تِلْكَ الْجِهَاتِ الَّذِينَ أَخْرَجْنَا مِنْ أَرْضِ السَّرِّ إِذْ اعْتَرَضُوا عَلَى اللَّهِ مَالِكِ الرَّقَابِ، قَدْ أَخَذْنَا كُلَّهُمْ بَسُلْطَانٍ مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَزَّلَ فِي لَوْحِ الْفُؤَادِ طُوبَى لِأُولَى الْأَبْصَارِ، قَدْ أَخَذْنَا الْأَوَّلَ كَمَا وَاَعَدْنَا فِي الْكِتَابِ وَأَخَذْنَا الثَّانِي وَمَنْ مَعَهُ بِقَهْرٍ اضْطَرَبَتْ عَنْهُ أَفْئِدَةٌ الْفَجَّارِ. » (ثالثی الحکمة، ۳، فقرة ۵۰) [مضمون: به زودی کسانی را که ظلم کردند اخذ خواهیم کرد؛ همان‌گونه که ستمگران را در این صفحات اخذ کردیم؛ همان کسان که ما را از ارض سیر (ادرنه) اخراج کردند؛ هنگامی که به خداوند، مالک گردن‌ها اعتراض نمودند. ما همه آنان را به قدرتی از نزد خود اخذ کردیم؛ چنین نازل شد در لوح فؤاد، خوشا به حال صاحبان بصیرت. ما همان‌گونه که در کتاب به او وعده داده بودیم، نفر اول را اخذ کردیم، نیر نفر دوم و کسانی را که با او بودند به قهر و غلبه‌ای به فنا راجع کردیم که قلوب ستمگران و بدکاران از آن به وحشت افتاد.]

۲) « در اکثری از الواح ذکر نعین ناغین از قلم اعلی جاری و مسطور، بعضی متحیر که مقصود چه و برخی منتظر آیا چه ظاهر شود، صدق الله العلی العظیم، ظاهر شد آنچه که در الواح کل را به آن اخبار فرموده. » (ثالثی الحکمة، ۱، فقرة ۸۳)

۳) « قُلْ قَدْ أَنْتَهَى سَفَرُ التُّرَابِ إِلَى سَاحِلِ بَحْرِ عَظِيمٍ، إِذَا يَبْكِي هَوْدَجُ الْخُلْدِ وَيَسْتَبْشِرُ سَفِينَةُ قُدْسٍ مُنِيرٍ، أَنْ يَأْمَلَّحَ الْقُدْسُ قَدْ جَاءَ الْوَعْدُ فِيمَا وَعَدْنَاكَ بِلِسَانِ صِدْقٍ عَلِيمٍ، فَاسْتَعِدَّ فِي نَفْسِكَ لِتَحْوَلْ نَفْسَ اللَّهِ عَلَى فُلِّكَ مَا سِوَاهُ بِهَذَا الْأَمْرِ الْمُحَدَّثِ الْقَدِيمِ، سَيُظْهِرُ عَلَيْكَ كُلُّ مَا وَعَدْنَاكَ بِالْحَقِّ إِنْ أَنْتَ مِنَ الصَّابِرِينَ، وَأَخْبَرْنَاكَ مِنْ قَبْلُ كُلِّ مَا يَقْضَى وَمَا لُفَّتَ بِهِ أَحَدٌ مِنَ الْعَالَمِينَ. » (لوح هودج، ثالثی الحکمة، ۱، فقرة ۴) [مضمون: بگو سفر خاکی با رسیدن به ساحل دریای عظیم (دریای سیاه) پایان یافت؛ در این هنگام هودج جاودانه (از فراق قریب) می‌گیرد و کشتی قدس نورانی شادمان است. ای ملاح القدس، وعده‌ای که به لسان صدق علیم به تو داده بودیم فرار کنید؛ پس آماده باش تا نفس خداوند را در فلکی که با این فرمان واقع قدیم ایجاد نموده، تحویل بگیری. اگر شکینا باشی، به زودی همه آنچه که (در همان لوح مبارک) به راستی به تو وعده دادیم ظاهر خواهد شد. از پیش به تو همه چیزهایی را که واقع خواهند شد، خبر دادیم و هیچ یک از عالمیان به آن توجهی نکرد.] (جمال قدم بنفسه الاعظم به تحقق بعضی از وعودی که قبلا در لوح ملاح القدس داده بودند، اشاره می‌فرمایند و تصریح می‌کنند که مابقی آن‌ها نیز به زودی محقق خواهد شد.)

۴) « تعالی تعالی ربنا فاطر السماء و خالق الاشياء الذی بسلطانه فتح باب السجن لیظهر ما انزله فی الالواح من قبل، انه لهو المقتدر علی ما یشاء و فی قبضته ملکوت الانشاء و هو المقتدر العلیم الحکیم. » (ادعیة حضرت محبوب، ص ۱۰۲) (مضمون آیات مبارکه: والامقام است، والامقام، پروردگار ما، که

گشاینده آسمان و آفریننده اشیا است؛ کسی که به قدرت خود دروازه زندان را گشود تا آنچه که از قبل در الواح نازل گشته بود، آشکارا آید. (اشاره به وعده فتح باب سجن اعظم و خروج جمالقدم از آن است که محقق گشت.)

(۵) «یا شواطی نهر الرین، قد رأیناک مُغَطَّاط بالدماء بما سألَ علیک سیوفُ الجزاء؛ و لک مرةً اخرى؛ و نسمع حنین البرلین ولو انها الیوم علی عزّ مبین.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۹۰) [مضمون: ای سواحل روخانه ی راین، ترا آغشته به خون‌ها دیدیم؛ زیرا شمشیرهای تنبیه بر تو کشیده شده است؛ و برای تو یک بار دیگر هم هست؛ و ناله های برلن را می شنویم؛ گرچه امروز (زمان نزول کتاب اقدس، سال ۱۸۷۳ میلادی) عزّت و جلال آشکار دارد.] [بخش اول آیه مبارکه اشاره به شکست ناپلئون سوم است که در سال ۱۸۷۰ در جنگ سدان رخ داد و بخش دوم آن، وعده دیگری است برای شهر برلین که در جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) تحقق یافت.]^۱

(۶) «این که از تنگی و قحطی ایران مرقوم فرموده بودید، این از وعد الهی بوده در الواح، چنانچه در همان سنه که لوح منیع به ید بدیع ارسال شد، در الواح ذکر شداید و بلایا و قحط آن دیار تصریحاً نازل شده و وعید الهی کل را احاطه نموده.» (جمال ابهی، مائده ۴، ردیف الف، باب شانزدهم، ص ۳۷)

(۷) «یا رئیس (عالی پاشا صدر اعظم دولت عثمانی) قد ارتکبت ما ینوح به محمد رسول الله فی الجنة العیا... سوف تجد نفسک فی خسران مبین... سوف تبدل الاض السّر (ادرنه) و مادونها و تخرج من ید الملک (سلطان عبدالعزیز) و یتفرع العویل و یتفرع الفساد فی الاقطار و تختلف الامور بما ورد علی هولاء الاسراء من جنود الظالمین^۲؛ و یتغیر الحکم و یشتد الامر علی شأن ینوح الکثیر فی الهضاب و تبکی الاشجار فی الجبال و یجری الدم من کل الاشياء و تری الناس فی اضطراب عظیم.» (الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، لوح اول رئیس، ص ۲۰۷-۲۰۶- نداء رب الجنود، لوح رئیس عربی، بند ۵- آثار قلم اعلی ۱، فقره ۳، ص ۴۴- مائده آسمانی ۷، باب ششم، ص ۱۹۴) [مضمون: ای رئیس، مرتکب شدی آنچه را که محمد رسول الله در بهشت برین گریست... به زودی به سبب آنچه که دست ستمگران بر این اسیران وارد کرد، ارض سرّ (ادرنه) و غیر آن دگرگون خواهد شد و از دست سلطان خارج خواهد گشت و زلزله (بر ارکان مملکت) خواهد افتاد و گریه و ناله بلند خواهد شد و در اطراف فساد به پا خواهد گشت و امور مختلف خواهد شد و حکم تغییر خواهد کرد و کار سخت خواهد شد، آنچنان که تپه‌ها در دامنه‌های کوهساران ناله کنند و درختان در کوهستان‌ها بگریند و از اشیا خون جاری شود و

^۱ به بخش یادداشت‌های کتاب مستطاب اقدس، شماره‌های ۱۱۶ و ۱۱۹ رجوع شود.

^۲ به مبحث ۲۲ رجوع شود.

مردمان را در وحشت عظیم بینی] (اشارات راجع به تلاشی و تجزیه امپراطوری عثمانی و ذلت و نکبت عارض بر خاندان خلفای آن است که واقع شد).

(۸) « (خطاب به عالی پاشا صدر اعظم دولت عثمانی) کفی از طین عندالله اعظم است از مملکت و سلطنت و عزت و دولت شما (سلطان عثمانی و مقامات دربارش)؛ سوف... يظهر الفساد بینکم و یختلف ممالککم، اذا تنوحون و تتضرعون و لن تجدوا لانفسکم من معین و لا نصیر.» (الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، لوح دوم رئیس، ص ۲۳۳- نداء رب الجنود، لوح رئیس فارسی، بند ۷- اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۳۰۶) (مضمون: به زودی خداوند به قهرش اخذتان خواهد کرد و میانتان فساد به پا خواهد گشت و سرزمین‌هایتان دچار اختلاف خواهد شد؛ آنگاه ناله و زاری خواهید نمود؛ اما هرگز یار و یآوری برای خود نخواهید یافت.) (وعده حدوث انقلاب و اضطراب در امپراطوری عثمانیان است که محقق گشت.)

(۹) « (خطاب به عالی پاشا صدر اعظم دولت عثمانی) چند مرتبه بلا بر شما نازل و ابداً التفات ننمودید؛ یکی احتراق... و همچنین وبا... و متنبه نشدید، و لکن منتظر باشید که غضب الهی آماده شده، زود است که آنچه از قلم امر نازل شده، مشاهده نماید.» (الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، لوح دوم رئیس، ص ۲۳۴-۲۳۳- نداء رب الجنود، لوح رئیس فارسی، بند ۹) (وعده انقراض امپراطوری عثمانیان است که واقع شد.)

(۱۰) « اگر نفسی در لوح فؤاد و رئیس و لوح پاریس و سایر الواح که در شداید سجن و فتح باب آن نازل شده، ملاحظه نماید، متحیر و مبهور می شود. حرف به حرف ظاهر شده. بعد از تنزیل هر یک از الواح، بعضی از قلوب مطمئنانه تعجب می نمودند که این فقرات چگونه ظاهر خواهد شد، این عبد معروض می داشت سوف بیرون.» (حضرت بهاء الله، مائده ۸، مطلب دویست و نهم، ص ۱۸۱) (تصریح مظهر الهی به تحقق وعده های از پیش داده شده.)

(۱۱) « اگر از احوال این ارض (ادرنه) بخواهید... آنچه در الواح قبل اخبار آن نازل، حال ظاهر.» (قلم اعلیٰ ۶، ص ۱۰) (تصریح نفس مظهر الهی به تحقق وعده از قبل داده شده.)

(۱۲) « سوف یفتح باب السجن ایدی من اراد. عند ربک حکم کل شیئی فی لوح حفیظ.» (قلم اعلیٰ ۶، ص ۴۲) (مضمون: به زودی دست کسی که خدا اراده کرده، درب زندان را خواهد گشود. حکم هر چیزی در لوح محفوظ نزد پروردگارت است.) (وعده باز شدن دروازه سجن اعظم و خروج جمال قدم از آن است، که تحقق یافت.)

۱۳) « یا اهل ملاء الاعلیٰ، ... ارادوا لیوسف البقاء بئرا أخرى فی حصن العکا. فسوف یخرجوننا من هذه الارض (ادرنه) و یحبسوننا فیها و انها مدینة خربة غیر منزّهة... فسوف تنظرون و تسمعون ما اخبرناکم به فی هذا اللوح الذی یتذرف اعین المقربین بما رقم فیہ اسرار القضاء.» (قلم اعلیٰ ۶، ص ۴۸) (مضمون: ای اهل ملاء اعلیٰ، ... می‌خواهند یوسف بقاء (جمال ابهی) را در چاهی دیگر در قلعه عکا اندازند. به زودی از این سرزمین (ادرنه) بیرونمان خواهند کرد و در آن مکان محبوسمان خواهند نمود؛ جایی که شهری خراب و آلوده است... به زودی می‌بینید و می‌شنوید آنچه را در این لوح به شما خبر دادیم؛ لوحی که به سبب آنچه از اسرار قضاء که در آن رقم خورده، چشمان مقربان گریان است.)

۱۴) « فرقة طاغیة باغیة که خود را فرقة ناجیه و امت مرحومه (منظور حزب شیعه است) می‌شمردند مشاهده نمودی، ان اصبر لتری الاخری (منظور تابعان یحیی ازل است) اطفی و اشقی من ملل الارض کأهلها. کذلک یخبرک الخبیر.» (قلم اعلیٰ ۷، ص ۷۹) (مضمون بخش عربی: درنگ کن تا ببینی دیگری را گردنکش‌تر و ستمکارتر از تمام ملل عالم. این گونه خبر می‌دهد به تو کسی که آگاه است.)

۱۵) « ان یا علی قد ظهر ما اخبرناکم به من قبل؛ عند ربک علم کل شیء فی لوح حفیظ.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۱۱۶، ص ۱۷۶) (مضمون: ای علی، آنچه از قبل به شما خبر دادیم ظاهر شد؛ علم همه چیز، در لوح محفوظ، نزد پروردگارت است.)

۱۶) « ان یا میم اسمع نداء ربک الرحمن عن شطر اسمه العلیّ العظیم. انه ینادیک فی السّجن حین الذی مُنع عن الدّخول و الخروج بما اکتسبت ایدی الفاجرین. فسوف یفتح باب السّجن کذلک یخبرک ربک العالم الخبیر. انه یحبّ البلاء فی سبیل ربّه كما یحبّ المخلصون وجه ربّهم المشرق المنیر.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۳۰، ص ۹۰- آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۱۵۲، ص ۲۱۲) (مضمون: ای میم (نام مستعار یکی از احباب) ندای پروردگار بخشاینده‌ات را که از جهت اسم علیّ عظیمش بلند است بشنو. او ترا در زندان ندا می‌نماید؛ هنگامی که به سبب آنچه دست‌های گناهکاران مرتکب شد از دخول و خروج ممنوع است. اما به زودی درب زندان باز خواهد شد؛ اینچنین پروردگار دانای آگاهت ترا خبر می‌نماید. او بلا در راه پروردگارش را دوست می‌دارد، همان‌گونه که خالصان سیمای نورین و درخشان پروردگارش را دوست می‌دارند.) (وعدۀ خروج حضرت بهاءالله از سجن اعظم و ورود حضرتش به قصر بهجی که تحقق یافت.)

۱۷) « این لوح (لوح فؤاد) در وقتی نازل شد که (همین) پاشا که وزیر خارجه روم^۱ بود به مقر خود راجع شده بود (یعنی وفات نموده بود) و سبب فتنه اخیر و مهاجرت از ارض سرّ به عکا او شده بود. دو نفر بودند که بعد از سلطان، رئیس کل بودند یکی فؤاد پاشا و یکی عالی پاشا؛ گاهی این صدر اعظم بود و

^۱ منظور، ترکیه دوران عثمانیان است که در قرون گذشته جزء امپراطوری روم یا رم شرقی بوده است.

آن وزیر اول خارجه و گاهی بالعکس. در آن لوح می‌فرمایند قوله عزّ کبريائه: "سوف نازل الّذی کان مثله و نأخذ اميرهم الّذی یحکم علی البلاد و انا العزیز الجبار." (جمال ابهی، مائده آسمانی ۷، باب ششم، ص ۲۵۵) [مضمون بخش عربی: به زودی کسی (عالی پاشا) را که همانند او (فؤاد پاشا) است، عزل خواهیم کرد و امیرشان را که بر سرزمین‌ها حکم می‌راند، اخذ خواهیم نمود و همانا من توانا و جبار هستم.] (وعدۀ سرنگونی سلطان عبدالعزیز، امپراطور ممالک عثمانی که تحقق یافت.)

۱۸) « آنچه از قلم اعلی جاری، کل ظاهر شده.» (جمال ابهی، مائده آسمانی ۴، ص ۲۵۵) (تصریح مظهر الهی به تحقق بعضی و عود قبلی)

۱۹) « آنچه از قلم اعلی در زبر و الواح نازل، اکثری ظاهر، چنانچه مشاهده شده.» (آثار قلم اعلی جلد ۷، ص ۷۸) (تصریح جمال ابهی به تحقق بسیاری از وعود پیشین.)

۲۰) « سینظرُ الموحّدون فی قیامه الأخری بان من ینظره الله مع هذه المدينة (المدينة البقاء) ینزل من سماء الغیب مع ملائکة المقربین العالین؛ فطوبی لمن یحضر بین یدیه و یفوز بقاءه و انا کلّ بقاءه مُشتاقون و انا کلّ بذلك آمِلون و نقول الحمد له اذ هو الحق و انا کلّ إلیه مُنقلبون.» (جواهر الاسرار، فقرة ۱۰۸) [مضمون: به زودی در رستاخیز دیگر، موحّدین خواهند دید که من ینظره الله با این مدینه (مدینه جاودانگی) از آسمان پنهان همراه با فرشتگان عالین فرود می‌آید؛ خوشا به حال کسی که به حضورش مشرف شود و به لقایش فائز گردد؛ و همانا ما همه مشتاق دیدار او هستیم و آرزومند آنیم و می‌گوییم ستایش برای او است که حق است و ما همه به سوی او می‌گردانیم.] (وعدۀ اظهار امر قریب الوقوع مبارک که واقع شد.)

۲۱) « یا ارض الطّاء... سوف تنقلب فیک الامور و یحکم علیک جمهور النّاس ان ربک لهو العلیم المحیط.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله نشر آلمان، فقرة ۵۶) [مضمون: ای سرزمین طهران... به زودی امور در تو منقلب خواهد شد و جمهور مردم بر تو حکومت خواهند کرد؛ همانا پروردگارت علیم و محیط است.] (وعدۀ انقلاب مشروطیت (دخالت مردم در امر حکومت) که محقق شد.)

۲۲) « فسوف یرفع ضجیح السّامری ثم صریخ العجل بین العالمین. کذلک نخبرکم بالحق لتطلّعوا بما یظهر فی الخلق و لا یحجبکم نفحات المشرکین.» (آثار قلم اعلی ۴، ص ۶۰- سورة السلطان) [مضمون: به زودی فریاد سامری^۱، سپس صدای گوساله میان عالمیان بلند خواهد شد. اینچنین شما را به راستی آگاه می‌کنیم تا از آنچه بین مردم ظاهر خواهد شد، مطلع شوید و روایح مشرکان گمراهان نکنند.] (با کنایه به

^۱ سامری، ساحری بود که در زمان حضرت موسی گوساله‌ای طلایی ساخت و مردم را به گوساله‌پرستی خواند. این کلمه مجازاً به معنای فریبنده و گمراه کننده مصطلح گردیده است. (نوزده هزار لغت)

سامری، ناقص میثاق حضرت موسی، وعده قیام یحیی ازل و تابعانش به مخالفت با جمال مبارک که رخ (۱۱د).

(۲۳) « هذا یومٌ فیهِ بُشِّرَ الْبَحْرُ وَ الْبَرُّ وَ أُخْبِرَ بِمَا یَظْهَرُ مِنْ بَعْدِ مِنْ عَنایاتِ اللَّهِ الْمَكْنُونَةِ الْمَسْتُورَةِ عَنْ الْعُقُولِ وَ الْأَبْصَارِ. سَوْفَ تَجْرِي سَفینَةُ اللَّهِ عَلَیْكَ وَ یَظْهَرُ أَهْلُ الْبِهَاءِ الَّذِینَ ذَكَرَهُمْ فِی كِتَابِ الْأَسْمَاءِ.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۱-۱۱ الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۲- لوح کرمل) [مضمون: این روزی است که در آن، دریا و خشکی بشارت یافتند و از عنایات خداوند که از عقول و ابصار پوشیده و مستور است و من بعد ظاهر خواهد شد، آگاه گشتند. (ای کرمل) به زودی کشتی خداوند بر تو جاری خواهد شد و اهل بهاء، کسانی که در کتاب (قیوم) الاسماء از آنان یاد شده است، ظاهر خواهند گشت.] (وعده استقرار بیت العدل اعظم و نیز مؤسسات مرکز جهانی بهایی بر دامنه جبل کرمل که بخشی از آن تحقق یافته است.)

(۲۴) « امثال تو (عالی پاشا، صدر اعظم عثمانی) آن نفوس مقدسه (اشاره به خود هیکل مبارک است) را که اصلاح اهل عالم منوط و مربوط به آن هیاکل احدیه بوده، از اهل فساد دانسته‌اند و مقصّر شمرده‌اند، قد قضی نحبهم و سوف یقضی نحبك و تجد نفسك فی خسران عظیم.» [نداء رب الجنود، لوح رئیس فارسی، بند ۱) (مضمون بخش عربی: زمان (مشقت‌های) آنان گذشت و به زودی اجل تو هم فرا خواهد رسید و خود را در زیان بزرگ خواهی یافت.] (وعده مرگ زود هنگام عالی پاشا وزیر اعظم عثمانی که محقق شد.)

(۲۵) « فسوف ینصر الله عباده بالحق و انه موفی وعده و انه بكل شیئی علیم؛ چنانچه هر چه در الواح قبل در تفصیل انقلاب ارض سر (ادرنه) مرقوم، کل ظاهر شد. آنچه هم از نصرت (نصرت تبعیدیان در سربازخانه عکا) که مرقوم شده، البته ظاهر خواهد شد.» (مائده آسمانی، جلد هشتم، مطلب چهارم، ص ۶) (مضمون بخش عربی: به زودی خداوند بندگان را به حق یاری خواهد کرد و همانا او وفاکننده به وعده‌اش است و او بر هر چیزی آگاه است.) (تصریح نفس جمال قدم به تحقق بعضی از وعود پیشین.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲۶) « از انتشار اجنحه طیور لیل (فعالیت‌های ناقصین میثاق) مرقوم نموده بودید. هذا ما اخبر به القلم الاعلی فی جمیع الزبر و اللوح. فعلیک بتلاوتها و امعان النظر فیها حتی یتظهر البرهان الاعظم بان ربک احاط بكل شیء علما.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۴۳۰) (مضمون بخش عربی: بر شما است تلاوت آن‌ها و امعان نظر در آن‌ها تا این برهان اعظم که علم پروردگارت بر همه چیز احاطه

دارد، آشکار گردد) (هیكل مبارک تحقق وعده‌ای را که جمال مبارک از پیش بیان داشته بودند، برهان اعظم و نشانه احاطه علم آن حضرت تلقی می‌فرمایند.)

(۲۷) « حال (۲۶ سپتامبر ۱۹۱۴) به وقتی نزدیک شده‌ایم (که) جنگ عظمی و الطامة الکبری که در باب شانزدهم رؤیای یوحنا اشاره شده، واقع شود. دو سال دیگر مانده که به یک شراره تمام اروپا را ملتهب سازد... عنقریب (جنگ) تمام اقلیم اروپا را شعله‌ور کند.» (مندرج در بهاءالله و عصر جدید، ص ۲۸۱) (پیش‌بینی جنگ جهانی اول که در سال ۱۹۱۴ شروع و تا سال ۱۹۱۸ ادامه داشت.)

(۲۸) « امروز (سال ۱۹۱۲) جمیع ملل عالم جنگ‌جو هستند و جمیع دول عالم در تهیه و تدارک آلات و مهمات جهنمی، علی‌الخصوص قطعه اروپ که مخزن مواد التهابی شده است، موقوف به یک شراره است که آن جهنم شعله به آفاق زند.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۴، ص ۵۳) (پیش‌بینی جنگ جهانی اول که در سال ۱۹۱۴ واقع شد.)

(۲۹) « در آیامی که در امریک بودم (سال ۱۹۱۲) در جمیع مجامع فریاد زدم و ناس را به ترویج صلح عمومی دعوت کردم؛ به تصریح گفتم که قطعه اروپ مانند جبه خانه شده و موقوف به یک شراره است و این عنقریب در سنین آینده، دو سال بعد، آنچه در کتاب مکاشفات یوحنا و کتاب دانیال ذکر شده، تحقق خواهد یافت و چنین شد و این قضیه در جریده سانفرانسیسکو بولتن مورخه ۱۲ اکتوبر سنه ۱۹۱۲ مندرج گردیده، مراجعت کنید تا حقیقت حال ظاهر و آشکار گردد.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۱۲) (تصریح مرکز میثاق الهی به تحقق وعده‌ای که از پیش داده بودند. نکته مهم در اینجا، اشاره به زمان دقیق وقوع وعده است.)

(۳۰) « من در جمیع مجامع (مغرب زمین) فریاد زدم که ای عقلای عالم و ای فلاسفه غرب و ای دانایان روی زمین، ابر تاریکی در پی که افق انسانی را احاطه نماید و طوفان شدیدی در عقب که کشتی‌های حیات بشر را درهم شکند و سیل شدیدی عنقریب مدن و دیار اروپا را احاطه کند.» (پیام آسمانی، ۲، ص ۲۰۷) (هیكل مبارک به پیش‌بینی خود راجع به وقوع جنگ آینده اشاره می‌فرمایند، جنگی که در ۱۹۱۴ رخ داد و به جنگ جهانی اول معروف است.)

(۳۱) « الحمد لله که حضرت حیّ توانا اعدا را به جزای خویش رسانید و ظالمان را مقهور و معدوم فرمود. اسد رویاه شد، سالار فرار کرد و سایرین را نیز به جزای خویش گرفتار فرمود و مصداق ما صدر من قلم المیثاق ظاهر و عیان شد که مرقوم شد لا تبتس بما فعل کلّ عتّلّ زنیم ستستقرّ الامور و النصر لکلّ عبد غیور واضح و پدیدار شد و انّ جندنا لهم الغالبون محقق گشت.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، ۹، مطلب هفتم، ص ۷۷) (مضمون بخش‌های عربی: مایوس مشو از آنچه هر درشتگوی گناه آلوده‌ای انجام

داد؛ به زودی امور استقرار خواهد یافت و پیروزی برای هر بنده باغیرت است... همانا سپاه ما قطعاً غالب است.) (تصریح مرکز میثاق الهی به تحقق وعده‌ای که از قبل داده بودند).

۳۲ « جمیع وقایع این سنین انقلاب (منظور انقلاب مشروطیت است)، بتمامها در پنجاه سال پیش از قلم اعلی صادر و جمیع فرداً فرداً تحقق یافته (است).» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۴، فقرة ۱۸۴) (تصریح حضرت عبدالبهاء به تحقق وعده‌های از قبل داده شده).

۳۳ « در خصوص نهر رین (واقع در کشور آلمان) هر چند آن واقعه‌ای بود که در ایام ناپلیون ثالث واقع شد و خون‌های زیاد در شاطی آن جوی ریخته گشت، ولی باز باقی دارد^۱ و اما مسئله نقطه واقعه بین البحرین^۲ آنست که واقع شد، سریر ظلم در هم شکست؛ ولی استقرار نیافته است، دعا کنید که انتظام و استقرار یابد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۹، مطلب چهل و نهم، ص ۳۶) (وعده ای که در جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ تحقق یافت).

۳۴ « باری آنچه که در الواح ملوک مرقوم، جمیع به وقوع پیوست. باید از تاریخ سبعین (۱۸۷۰ م.) مسیحی گرفت تطبیق به وقوعات کرد، جمیع ظاهر شده است و قلبی مانده که من بعد باید ظاهر شود.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۲۶) (تصریح حضرت عبدالبهاء به وقوع بسیاری از وعود موجود در الواح ملوک).

۳۵ « به حسب ظاهر نیز اسرائیل در ارض مقدس جمع خواهند گشت و ذلک وعد غیر مکذوب.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۲، باب هجدهم، ص ۹) (وعده تجمع بنی اسرائیل در اراضی مقدسه که محقق شد).

۳۶ « نامه شما رسید و به ملکوت ابهی تضرع و ابتهال گردید که آن جمعیت مبارکه در آلمان روزبه‌روز ترقی و توسعه یابد و سبب شوید که آلمان زنده شود و فیض از عالم ملکوت بیابد، تا در استقبال سبب راحت و آسایش عموم جرمانیا گردد؛ زیرا حوادث مستقبله اروپا قدری شدید است، بلکه یاران سبب شوند تخفیف یابد و روح و ریحان حاصل گردد.» (وعده جنگ‌های جهانی اول و دوم که محقق شد. دولت آلمان در هردو جنگ، نقش عمده به عهده داشته است.) (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۴۴۲) (۲۱ فوریه ۱۹۱۲)

^۱ اشاره به شکست نهایی آلمان‌ها در جنگ اول جهانی است که طی آن سواحل رود راین، برای دومین بار خونین شد. به فقرة ۳ از همین مبحث مراجعه شود.

^۲ اشاره به شهر استانبول است که بین دو دریای سیاه و مدیترانه واقع است و مقر خلافت و حکومت سلاطین عثمانی بوده است.

۳۷) « در مستقبل حربی شدیدتر (از جنگ جهانی اول) یقیناً واقع گردد؛ قطعاً، در این شبهه‌ای نیست.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۴۴۷) (۱۴ جون ۱۹۲۰) (وعدۀ بروز جنگ جهانی دوم که محقق شد).

۳۸) « بعد از صعود (جمال مبارک)، در بدایت بحبوحۀ نقض و طغیان، خبر داده شد که فسوف تری الناقضین^۱ فی خسران مبین. حال ملاحظه می‌نمایید که به مطابق خبر تحقّق یافت.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۶۸) (مضمون بخش عربی: به زودی ناقضین را در زیان آشکار خواهی دید).

۳۹) « در بدایت انقلاب ایران و مغلوبیت حکمران و غلبه مشروطیت خواهان، صراحة مرقوم شد که این جمع (مشروطه خواهان) پریشان گردند و مقاومت نتوانند؛ ارباب عمام، ذلیل و پیشوایان، حقیر و مریدان، اسیر گردند و کسی را گمان این مطلب ابداً نبود. صریحاً مرقوم شد که هذا وعدۀ غیر مکذوب و لیس من عندی بل من لدن عزیز علیم. مدتی نگذشت که این وعده مانند آفتاب واضح و آشکار گشت.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، ۹، مطلب هشتماد و چهار، ص ۹۲) (مضمون بخش عربی: این وعده‌ای راستین است و از نزد خود من نیست، بلکه از نزد خداوند عزیز علیم است.) (وعدۀ غلبۀ مجدد سلطنت طلبان بر مشروطه خواهان و به توپ بستن مجلس، که محقق شد).

۴۰) « از انقلاب ارض طاء (منظور انقلاب مشروطیت است) مرقوم نموده بودید؛ این انقلاب در الواح مستطاب (کتاب اقدس) مصرّح و بی‌حجاب^۲.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، ۹، مطلب اول، ص ۱) (به فقره ۱۹ از همین مبحث مراجعه شود).

۴۱) « ای ثابت بر پیمان سه سال پیش به دهج نامه‌ای و مناجاتی مرقوم گردید و در ضمن دون تصریح به تلویح، وقوعات حالیه سید مهدی به لسان مناجات خبر داده گشت. حتی در سر نامه دهج رَهِج (طاغی و شورشی) مرقوم گردید. حال آن اشارات بتمامها ظاهر گردید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، بند ۴۱۷، ص ۳۵۱) (پیش‌بینی نقض میثاق سید مهدی دهجی که واقع شد).

۴۲) « فلننظر الی ما قالوا المفسّرون للقرآن حیث نطقوا بان اعظم برهان للفرقان سورة الروم لانّ فیها صرح الحئی القیوم بان الروم من بعد غلبهم سیغلبون و قد وقع هذا بعد بضع من السنین فیا للانصاف لانا اذا نظرنا الی الصحف المطهّرة الّتی نزلت فی هذا القرون الاخیره (خطابات حضرت بهاء‌الله) لرأینا لایعدّ و لایحصی من هذا القبیل. قد نزلت آیات و أخبرت و أنذرت و بُشّرت و ما قضت برهه من الزّمن الّا ظهرت اسرارها و اشتهرت آثارها و تحقّقت قضایاها و هذا امر اشتهر فی مشارق الارض و مغاربها.» (منتخباتی از

^۱ به مبحث ۲۰ مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۶۴ رجوع شود.

مکاتیب حضرت عبدالبهاء، بند ۶۹، ص ۵۸) (مضمون: باید نظر کنیم در آنچه مفسران قرآن گفته‌اند. آنان بیان داشته‌اند که بزرگ‌ترین برهان قرآن سوره روم است؛ زیرا در آن، حی قیوم تصریح کرده به این که روم بعد از غلبه، مغلوب خواهد شد و این امری بود که بعد از چند سال واقع شد. حال انصاف می‌خواهیم، چون وقتی به کتب پاکیزه‌ای که در قرون اخیر نازل شده (منظور خطابات حضرت بهاء‌الله به ملوک عالم است) نظر کنیم مطالب بی‌شماری از این دست می‌بینیم. در این کتب آیاتی نازل شده و حوادث و اندازات و بشاراتی وعده داده شده و طولی نکشیده که اسرارشان ظاهر شده و آثارشان منتشر شده و وقوعشان محقق گشته و این امری است که در مشارق ارض و مغارب آن شهرت یافت.) (اشاره به تحقق بعضی از وعود مندرج در الواح ملوک و سلاطین است.)

۴۳) « منها (وعود خطاب به زمامداران جهان) الخطاب البلیغ لعلج (؟) اهل الكتاب التّابلیون العظیم المفتخر بنفوذ کلمته فی کلّ الاقالیم و عظمة سلطنته الّتی تموجت رباتها علی صروح المجد بین العالمین و هو فی عزّه العالی و شرفه المتعالی خاطبه ربّ الجنود بخطاب یرتعد منه فرائص کلّ مختال فخور فاستغربت کلّ النّفوس کیف هذا الخطاب مع عظمة هذا الرجل الفرید فی الآفاق حیث ذلّه و خذلانه ممتنع و مستحیل بهذه الاوقات فما مضت عدّة شهور الا انثّل عرشه العظیم و نکس علمه الرّفیع و سقط اکلیده الجلیل فاصبح اسیراً من دون نصیر و اشتهر نداء الامر فی کلّ الاقالیم و بمثل هذا و بمثل هذا. » (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، بند ۶۹، ص ۵۸) (مضمون: از آن‌ها (وعود خطاب به زمامداران جهان)، خطاب بلیغ به قدرتمدار (؟) اهل کتاب، ناپلئون بزرگ (ناپلئون سوم، امپراتور فرانسه) بود که به نفوذ کلامش در همه ممالک و عظمت سلطنتش افتخار می‌کرد؛ سلطنتی که پرچمش بر قلّه‌های مجد و بزرگی در میان عالمیان در اهتزاز بود. او، در اوج عزّت و قلّه شرافت بود که حضرت ربّ الجنود به اندازاتی مخاطبش کرد که ارکان هر متکبر مغروری را به لرزه می‌آورد. همه مردم متعجب شدند که با قدرت و عظمت این مرد بی‌مانند در عالم، چگونه تحقق چنین خطابی در باره‌اش ممکن است؛ ذلت و حقارت او به این زودی‌ها ممتنع و محال است. اما چند ماهی نگذشت که تخت عظیمش واژگون گشت و پرچم بلندش سرنگون شد و تاج جلیش ساقط گشت و بدون یار و یآوری اسیر شد، و ندای الهی در همه دیارها اشتهار یافت و همانند این قضیه فراوان فراوان است.)

۴۴) « آنچه از قلم اعلی نازل، پی‌درپی ظاهر گشت و اخبارات واقع شد و بشارت لامع گشت و اندازات واضح گردید. » (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۱۷۳)

۴۵) « ای یاران عبدالبهاء، الحمد لله آنچه از کلک پیمان در سنین هیجان و نهایت نفوذ و اقتدار مجلسیان (مشروطه طلبان) در اعراق و اعصاب و شریان ایرانیان، صادر، در این ایام ظاهر و آشکار گشت

تا کلّ يقين نمايند که اين قلم (قلم هيكل مبارك) مُلهم است.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۲۲۶) (و عده سلطهٔ مجدد دستگاه سلطنت بعد از استقرار مشروطيت که واقع شد. هيكل مبارك وقوع اين وعده را دليل بر مُلهم بودن قلم خود بيان می فرمايند.)

(۴۶) « سبحان الله، جميع حوادث آتیه در الواح سابقه به صريح عبارت، بعضی پنجاه سال پیش، بعضی سی سال پیش، واضحاً مشهوداً نازل گشته و جميع تحقق یافته؛ باز ایرانیان غافل.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۳۴۴) (هيكل مبارك، تحقق و عود گذشته را عاملی قلمداد می فرمايند که در بيداری ایرانیان از خواب غفلت مؤثر بوده است.)

(۴۷) « جميع وقایع که در این سنين حرب (جنگ اول جهانی) واقع شد، در الواح الهی چهل پنجاه سال پیش نازل و در جميع اقاليم عالم مطبوع و منتشر. از برای نفسی از اغيار مجال انکار نمی ماند که به اين صراحت وقایع، قبل از وقوع، پنجاه سال پیش نازل.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۱۴۱) (هيكل اطهر، وقوع و عود پیشین را دليل قاطع حقايت توصيف می نمايند.)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۴۸) « فرایندی تدریجاً پیش رونده و گسترش یابنده که اين فرمان (فرمان تبعید حضرت بهاء الله به خارج از کشور ایران) ایجاد کرد، ... سرانجام او را تا سواحل دوردست ارض مقدس حرکت داد. بدین ترتیب، وعده‌های مذکور در انجیل و تورات تحقق یافت؛ و به عهد موجود در احادیث منسوب به حضرت رسول الله و جانشینان برحقش (ائمة شيعه- م) وفا شد؛ و باز گشت قوم بنی اسرائیل به سرزمین دیرین شریعتشان، که مدتی چنان دراز در انتظارش بودند، آغاز گشت.» (مرور معبود، ص ۱۶۶)

(۴۹) « حضرت بهاء الله (در لوح رئیس) ... انذار می نماید که "به زودی، ارض سرّ (ادرنه) و مناطق دیگر، از دست سلطان خارج خواهد شد و فتنه و آشوب و طغیان ظاهر، و فریاد و فغان برپا، و آثار شرارت و تباهی در تمامی نواحی نمودار خواهد شد." (مرور معبود، ص ۲۴۸) (و عده تجزیة امپراطوری عثمانی و سقوط نهایی آن که محقق گشت.)

(۵۰) « سرّ بیان که در وصایای مبارکه (ی حضرت عبدالبهاء) مسطور "و سوف تراهم (ناقضین میثاق الهی) و اعوانهم سرّاً و جهراً فی خسران مبین" بر هر ذی بصری مکشوف و پدیدار گشت... اين فقره قهریه از وصایای مبارکه، کالشمس فی رابعة النهار، واضح گشت و وعده‌های محکمه تحقق یافت.» (مجموعهٔ توفیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۲) (مضمون بخش عربی: و به زودی خواهی دید که آنان و یارانشان، نهانی و علنی، به زیان آشکار گرفتار گشته‌اند.)

^۱ به مبحث ۲۰ مراجعه شود.

۵۱) « به کرات و مرات از لسان اطهر مرکز میثاق... شنیده شد که... منطوق بعضی از نصوص کتاب الهی واضح و عیان گردید و حقایق مکنونه مکشوف شد: سطوت ناپلئون (سوم) دگرگون گشت و علم غرور و استکبارش سرنگون شد؛ برلین آه و حنینش مرتفع گشت و سرشک خونین از ساکنین شواطی نهر رین جاری شد؛ معشر روم (مقر سلطنت عثمانیان) اسیر غموم و هموم گشت و اریکه ظلم و اعتساف مضمحل و نابود شد؛ زینت ظاهره‌اش مبدل به ذلت بی‌منتهی شد و حنین بنات و ارامل (دختران و بیوه زنان) به فلک اثیر متواصل گشت؛ امپراطوری نمسه (اطریش امروزی) به کلی منقرض گشت و ممالک وسیعه‌اش متجزی و پریشان و ویران شد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۸-۲۷۷) (هیكل مبارک تعدادی از وعود مهمه محققه را ذکر می‌فرماید).

۵۲) « حمد حی قیوم را لایق و سزا که به ید قدرت و توانایی خویش عزیزان ستمدیده ایران را از چنگال اهریمنان برهانید و به تحقق وعود محتومه مقدسه‌اش شاد و مستبشر گردانید. دشمنان پرکین^۱ را به خاک مذلت بنشانند و افسر عزت قدیمه را برفرق آن برگزیدگان بنهاد. حزب مظلوم را در آن سامان (ایران) عزیز و مشتهر فرمود و علمای جهول و ظلم را مقهور و مرعوب و مأیوس و متشتت گردانید^۲. هذا ما وعدنا به مولانا و سیدنا و محبوبنا من فمه الطاهر الدرّی البدیع.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۵۲-۲۲ آوریل ۱۹۳۰ مطابق با ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۹) (مضمون جمله عربی: این آنچه است که مولا و آقا و محبوب ما از دهان طاهر و درّی خودش وعده داده بود).

۵۳) « بالکان ندای الست را اجابت نموده و پرچم هدایت عظمی برافراشته و بساط تبلیغ گسترده. بذلک تحقق ما نزل من القلم الاعلی فی لوح الرئیس، قوله جل بیانہ: "قد خرج الغلام من هذه الدیار^۳ و اودع تحت کل شجر و حجر ودیعه؛ سوف یخرجها الله بالحق. کذلک اتی الحق و قضی الامر من مدبر حکیم".» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۴۲، رضوان ۸۹ بدیع مصادف با ۱۳۱۱ هجری شمسی) (مضمون بخش عربی: به این ترتیب آنچه که از قلم اعلی در لوح رئیس نازل شده بود، تحقق یافت، قول آن حضرت است که جلیل باد بیانش: " غلام (یکی از القاب حضرت بهاء‌الله) از این دیار (ادرنه) خارج شد و در زیر هر درخت و هر سنگی ودیعه‌ای بنهاد؛ به زودی خداوند به راستی آن را خارج خواهد کرد. این گونه حق آمد و امر از جانب تدبیرکننده دانا مقدّر گشت).

^۱ به محت ۲۲ مراجعه شود.

^۲ اشاره به آرامش و آسایش نسبی برای جامعه ستمدیده بهایی طی این سال‌ها است که در اثر محدودیت‌ها و مقهوریت‌های مستولی بر روحانیت شیعه توسط رژیم رضا شاه، حاصل گشت و بدین ترتیب بخش‌هایی از وعود الهی راجع به دشمنان دیرین و نیز احبای نازنین تحقق یافت.

^۳ شهر ادرنه در زمره سرزمین‌های شبه جزیره ** بالکان است.

۵۴) « میقات ظهور وعود الهیه و بروز اسرار مکنونه و تحقّق بشارات عظیمه و جلوه انتصارات باهره و وقوع وقایع خطیره جسمیه در شرق و غرب و جنوب و شمال جامعه پیرون آیین حضرت احدیه (است).» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۱۰۶) (به مناسبت اعلان اهداف نقشه ده ساله؛ نقشه بی نظیری که در نتیجه اجرای آن، بسیاری از وعود مربوط به امر الهی، از جمله استقرار بیت العدل اعظم بر دامنه جبل کرمل، تحقّق یافت).

۵۵) « در آینده قریب، حزب شمال (حزب مارکسیستی- کمونیستی) قوی و غالب گردد؛ ولی در مستقبل بعید، انصار حزب یمین^۱ (حزب میانه‌رو) مظفر و منصور خواهند شد.» (مجموعه توقیعات ۱۹۴۸-۱۹۲۲، ص ۷۶-۳ فوریه ۱۹۲۹) (وعده غلبه انقلاب کمونیستی در روسیه تزاری که منجر به تشکیل اتحاد جماهیر شوروی شد و سپس شکست ایدئولوژیک انقلاب و تبدیل مجدد اتحاد جماهیر شوروی به روسیه فعلی و گرایش آن به مرام سرمایه داری).

۵۶) « ای قوی قدیر... مدینه عشق^۲ را شور و نشوری جدید عطا کن و اقالیم مجاوره را از چنگ آن قوم پُر لوم (کمونیست‌های انقلابی شوروی سابق) نجات بخش.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴) (وعده‌ای که با سقوط نظام کمونیستی در شوروی سابق تحقّق یافت).

۵۷) « احکام کتاب مستطاب اقدس به اسلوبی بدیع تدوین و اعلان گردد.» (توقیع منیع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳) (وعده تلخیص و تدوین احکام و حدود کتاب مستطاب اقدس که در سال ۱۹۷۳ توسط بیت العدل اعظم انجام شد).

۵۸) « تشید مقام بهی الانوار نقطه اولی در قلب کرمل، مطابقاً لما وعدنا مولانا و محبوبنا انجام پذیرد و قبه ذهبی‌اش شهره آفاق گردد.» (توقیع منیع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳) [مضمون عبارت: مطابق آنچه که مولایمان و محبوبمان (حضرت عبدالبهاء) به ما وعده فرمود.]

۵۹) « حضرت عبدالبهاء در ژانویه ۱۹۲۰، در یکی از مکاتیب خویش چنین فرمود: "حرکت‌های تازه عمومی تمام قوت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری خواهد نمود؛ حرکت شمالیه (کمونیزم بین‌الملل به سرکردگی اتحاد جماهیر شوروی سابق) خیلی اهمّیت خواهد یافت و سرایت خواهد کرد."» (نظم جهانی بهایی، ص ۴۱- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱) (وعده سرایت مکتب و مرام و نظام کمونیستی به سراسر عالم که محقق شد).

^۱ «مقصود از حزب یمین، حزب اعتدال است و این حزب، مخالف حزب انقلاب (حزب شمال) است و متمسک به مبادی سلیمه اساسیه هیأت اجتماعیه است و مقصود از مستقبل بعید، یک قرن بعد از اعلان امر حضرت بهاءالله است.» (مجموعه توقیعات ۱۹۴۸-۱۹۲۲، ص ۸۱-۲۰ آوریل ۱۹۲۹)

^۲ عشق‌آباد از شهرهای مهم ترکستان قبلی و پایتخت ترکمنستان فعلی است.

۶۰) « بیت عدل اعظم الهی مطابقاً لما اراده‌المحجوب استقرار یابد و تشبید این بنیان مجید انجام پذیرد.» (توقیع منیع ۱۰۵ بدیع = ۱۹۴۸ میلادی، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳) (وعده‌ای که در سال ۱۹۶۳ تحقق یافت).

۶۱) « ناموس اعظم، نظامنامه و قانون اساسی اعظم هیأت تشریحیه جامعه بهایی به کمال اتقان تدوین گردد.» (توقیع منیع ۱۰۵ بدیع، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳) [وعده‌ای که طی نقشه نه ساله (رضوان ۱۹۶۴ تا رضوان ۱۹۷۳) انجام شد.]

۶۲) « یا نصرء الرحمن، مرکز نقض و قطب شقاق (میرزا محمد علی) پس از آن که مدت چهل سال در گوشه‌ای خزیده بود... عاقبت با دستی تهی و قلبی پراخ خائباً خاسراً متأسفاً متحسراً به مقر خود راجع گشت. فتبدل الغصن الاکبر بالحطب الاکبر اذاً تراه فی قعر الجحیم قد اخذته زبانیة القهر من لدن منتقم قهار هذا ما وعدنا به مولانا فی السّر و الاجهار فتعالی وعده الصادق المقدس البدیع.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، ردیف غ از باب نوزدهم، ص ۵۵) (مضمون بخش عربی: غصن اکبر به چوب خشکیده اکبر تبدیل شد و اکنون می بینی که در اعماق دوزخ مقر یافته و شعله‌های آتش قهر از نزد منتقم قهار اخذش نموده. این همانی است که مولای ما، پنهان و آشکار، وعده فرمود. بلند مرتبه است وعده راستین مقدس بدیعش.)

۶۳) « یا امناء الرحمن بین خلیقته و صفوته فی بریته،... امت مسموخته یحیی در اسفل درکات قنوط ساقط و نام و نشان اتباع و اشیا عش مفقود و منعدم. سردار نقض و سالار نکث در حفره ظلمانی خزیده و چون خفاش در مقابل اشراق اشعه تأیید در گوشه عزلت کور و مایوس طپیده... له الغلبه و الهیمنه و الاستقلال لا رادّ لأمره و لا مبدل لکلماته و لا مقر من قضائه و تقدیره؛ هذا ما وعدنا به مولانا فی السّر و الاجهار من فمه الدرّی الطاهر الصادق البدیع.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، ردیف ط از باب شانزدهم، ص ۵۱) (مضمون بخش‌های عربی: ای امنای الهی میان خلقش و برگزیدگان او در بین مردمش،... هم او راست غلبه و هیمنه و استقلال؛ بازدارنده‌ای برای امرش نیست و تبدیل دهنده‌ای برای کلماتش نه. گریزگاهی از قضا و تقدیرش نیست. این همانی است که مولایمان، پنهان و آشکار، از فم درّی طاهر صادق و بدیعش وعده فرمود.) (وعده ذلت و حقارت ناقضین میثاق که بخش اعظم آن محقق گشت.)

۶۴) « باید به خاطر داشت که حضرت عبدالبهاء در لوحی که به افتخار سه نفر از احبای ایران که در خصوص مرجع اهل بهاء بعد از صعود سؤال نموده بودند، مدتها قبل از صعود، اخبار به موضوع ولایت امر فرموده‌اند. قوله الاعلی: " انّ هذا السّر مصونٌ فی صدف الأمر المختوم کالؤلؤ المکنون و سیلوح انواره و

یشرق آثاره و يظهر اسراره.» (کتاب دور بهایی، ص ۶۲) (مضمون بخش عربی: همانا این نکته همچون مرواریدی پوشیده، سرّی مصون و در صدف امر مکتوم است و به زودی انوارش می‌تابد و آثارش می‌درخشد و اسرارش پدیدار می‌شود.) (وعدۀ ظهور و حضور ولیّ امر الهی که تحقق یافت.)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۶۵) «استقرار بیت العدل اعظم در مقرّ دائمی... مرحله‌ای دیگر از تحقّق نبوّات عظیمه لوح کرمل است.» (رضوان ۱۴۰ بدیع = ۱۹۸۳)

(۶۶) «استقرار بهیّ الآثار و سرمدی القرار بیت العدل اعظم الهی در مقرّ دائمی خود... تحقّق بشارات عظیم مذکور و مسطور در لوح مبارک کرمل است.» (پیام رضوان ۱۹۸۶، ۱۴۳ بدیع)

(۶۷) «جناب علی اکبر فروتن سرگرم دیدار از اتحاد جماهیر شوروی هستند؛ یعنی سرزمینی که در دوران بروز تزییقات وارده بر جامعه بهایی در آن کشور، (بعضی از احبّاً) مجبوراً آن را ترک گفته بودند و حال پس از گذشت شصت سال، وعدۀ حضرت ولیّ امرالله به ایشان با دیدار از آن سرزمین منصوراً مظفراً تحقّق یافته است.» (پیام رضوان ۱۹۹۰)

(۶۸) «بشارت دیگر آن که در اقالیم روسیه و ممالک شرقی اروپا که از انوار حقیقت محروم بودند و به بی‌دینی مفرط گرفتار، ناگهان خورشید هدایت درخشید و نفوس و ارواح مشتاق را از اشراق نیر آفاق منور ساخت و جان بخشید... و این وعدۀ ولیّ عزیز بی‌همتای امرالله مصداق یافت که فرمودند: "شبهه‌ای نیست که آن روز مبارک خواهد رسید که نفس مخربین آیین و دین الهی و مروجین عقاید سخیفه مادّیون عالم خود قیام نمایند و این آشوب و فتن را به دست خویش خاموش کرده، بنیان بی‌دینی مفرطشان را از اساس براندازند."» (پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ - جزوۀ دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، صص ۱۷۶-۱۶۴ - و نیز مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۹-۱۹۲۲، ص ۹۵) (وعدۀ اضمحلال نظام الحادی حاکم بر شوروی سابق که محقق گشت.)

(۶۹) «کمتر از دو ماه بعد از ورود تبعید شدگان (حضرت بهاءالله و عائلۀ مبارکه) به عگا، فؤاد پاشا وزیر خارجه عثمانی که اظهارات غیر واقعی و بی‌اساسش به تسریع تبعید آن مظلومان کمک کرده بود، ناگهان معزول شد و بر اثر سکتۀ قلبی در فرانسه درگذشت. این واقعه، نظیر موضوع معزول شدن همکارش عالی پاشای صدر اعظم و همچنین سقوط و مرگ خود سلطان و از دست رفتن سرزمین‌های عثمانی در اروپا و یک سلسله وقایع دیگری که متعاقب یکدیگر به وقوع پیوست، همه، در آثار حضرت بهاءالله پیش‌بینی شده بود.» (بیت العدل اعظم، رسالۀ حضرت بهاءالله - می ۱۹۹۲، ص ۵۵)

(۷۰) « حضرت بهاءالله در نامه‌ای به ناپلئون سوم امپراتور فرانسه او را از عواقب عدم خلوص نیتش و سوء استفاده از قدرتی که داشت با این عبارات برحذر می‌فرمایند: " بِمَا فَعَلْتَ تَحْتَلِفُ الْأُمُورَ فِي مَمْلَكَتِكَ، وَ يَخْرُجُ الْمَلِكُ مِنْ كَفِّكَ جَزَاءَ عَمَلِكَ... أَعَزُّكَ عَزُّكَ؟ لَعَمْرِي إِنَّهُ لَا يَدُومُ وَ سَوْفَ يَزُولُ." در باره جنگ دهشت اثرین فرانسه و پروس و نتایج وخیم آن که منجر به سقوط ناپلئون سوم در کم‌تر از یک سال بعد از نزول این اظهارات گردید، آلیستر هورن (Alistair Horne) محقق معاصر، در تاریخ سیاسی فرانسه در قرن نوزدهم چنین می‌نگارد: "شاید تاریخ، موردی شگفت‌آورتر برای آنچه یونانیان آن را پرپیتیا (Peripateia) یا سقوط خوفناک از علو درجات نخوت و غرور نامیده‌اند، نشناسد. محققاً هیچ ملتی در ازمینه اخیر از اوج شوکت و جلال ظاهری و موفقیت‌های مادی در مدتی بدین کوتاهی به چنین حضيض ذلّتی نیفتاده است." (بیت‌العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۵۵) (مضمون بخش عربی: به سبب آنچه مرتکب شدی و به عنوان جزای عملت، امور مملکت دگرگون خواهد شد و سرزمینت از دستت خواهد رفت... آیا عزتت مغرورت کرد؟ سوگند به جانم که دوامی ندارد.)

(۷۱) « آیا در این وقایع (تکرار غیر عادی تجمع سران ممالک، کنفرانس پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان ملل، همکاری داوطلبانه دولت‌ها برای رفع بحران، طرح عملی بودن تأسیس نوعی حکومت جهانی) که سریعاً و پی‌درپی روی می‌دهد ید تقدیر الهی در کار نیست؟ به راستی منادی این موقعیت عظیم، در آثار خود این وقایع را پیش‌بینی نفرموده است؟» (پیام رضوان ۱۹۹۶- جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه جلد سوم، ص ۱۶)

(۷۲) « حضرت ولی امرالله... (جنگ دوم جهانی را) " ناآرامی و آشوب عظیمی که هفتاد سال قبل از قلم معجز شیم حضرت بهاءالله پیش‌بینی گردیده بود" و به عنوان " اشتعال نائره‌ای عالمگیر که مدت‌ها قبل پیشگویی شده بود" توصیف فرمودند.» (بیانیه دارالانشاء، ۱۹ آوریل ۲۰۰۱)

(۷۳) « ادنی تردیدی نمی‌توان داشت که وعده حضرت عبدالبهاء (وحدت سیاسی که آن حضرت در تبیین و تشریح هفت شمع وحدت به آن اشاره فرموده‌اند) تحقق یافته و وحدت ملل در قرنی که اینک به انتهای رسیده، به نهایت قوت، ظاهر شده است.» (دارالانشاء معهد اعلی، ۱۹ آوریل ۲۰۰۱)

(۷۴) « حضرت عبدالبهاء در ژانویه ۱۹۲۰ در یکی از مکاتیب خویش چنین فرمود: " این ظلمات منکشف نگردد و این امراض مزمنه شفا نیابد؛ بلکه روزبه‌روز سخت‌تر شود و بدتر گردد. بالکان آرام نگیرد، از اول بدتر شود؛ دول مقهوره (در جنگ جهانی اول) آرام نگیرند، به هر وسیله‌ای تشبث نمایند که آتش جنگ دوباره شعله زند.» (معهد اعلی، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۳۰- نظم جهانی بهایی، ص ۴۱) (وعده بروز جنگ جهانی دوم، که حدود بیست سال بعد از اظهار آن، تحقق یافت.)

(۷۵) « ده‌ها سال و شاید زمانی بسیار بیشتر لازم است تا پیش‌بینی‌های مندرج در این سند مهم (لوح حضرت عبدالبهاء موسوم به هفت شمع وحدت) کاملاً وقوع یابد؛ اما امروز ملاحظه می‌کنیم که چارچوبه اصلی چنان وعده‌هایی در سراسر جهان برقرار گردیده است.» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۰۷)

(۷۶) « چنان که حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی وعده فرموده بودند، نقض عهد سبب تطهیر امرالهی از نفوسی شد که اعمال و رفتارشان سبب خمودت شعله ایمان در قلوب دیگران و کندی پیشرفت امرالله می‌شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۸)

(۷۷) « در کنفرانس سانفرانسیسکو در آوریل ۱۹۴۵ در همان ایالتی که حضرت عبدالبهاء پیشگویی فرموده بود که "ان شاء الله پرچم صلح عمومی از این ایالت بلند خواهد شد"، نمایندگان پنجاه کشور، منشور سازمان ملل متحد را قبول نمودند. نام این سازمان را فرانکلین د. روزولت (Franklin D. Roosevelt) رییس جمهور آمریکا پیشنهاد کرد... در ماه اکتبر سال ۱۹۴۹ سنگ بنای مقرر دائمی ملل متحد در شهر نیویورک که حضرت عبدالبهاء آن را سی و هفت سال قبل از آن تاریخ به "مدینه میثاق" ملقب فرموده بود نهاده شد. آن حضرت هنگام دیدارش از نیویورک فرمود شکی نیست که پرچم توافق بین‌المللی در اینجا به اهتزاز آید و از آنجا به ممالک دیگر عالم خواهد رسید.» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۶۰) (وعده تمرکز امور عالم در شهر نیویورک که با استقرار مقرر سازمان ملل در آن مدینه محقق شد.)

(۷۸) « حضرت عبدالبهاء تشکیل بیت‌العدل اعظم را که به موقع تاریخی خود در سال ۱۹۶۳ مقارن با صدمین سال اظهار امر حضرت بهاء‌الله تأسیس شد، با تحقق وعده دانیال منطبق ساخته که گفته بود: "خوشا به حال کسی که به یک هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد." عبارت حضرت عبدالبهاء چنین است: "هذه سنة شمسية ليست بقمرية، لأنّ بذلك التاريخ ينقضى قرن من طلوع شمس الحقيقة و تعاليم الله تتمكن في الارض حق التمکن و تملأ الانوار مشارق الارض و مغاربها، يومئذ يفرح المؤمنون."» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۸۰) (مضمون بخش عربی: این سال به شمسی است نه قمری، زیرا در این تاریخ يك قرن از طلوع شمس حقیقت می‌گذرد و تعالیم الهی در زمین تمکن می‌یابد و انوار، شرق عالم و غرب آن را پُرمی‌کند، آنگاه مؤمنان شادمانی خواهند کرد.)

(۷۹) « مرحله اخیر چنین امر خطیری (ابنیه حول قوس کرمل) با موفقیت در سال آخر قرن بیستم به پایان رسید و تبرعات کریمانۀ یاران از سراسر جهان، پیش‌بینی حضرت بهاء‌الله را در باره این نقطه مقدس جامه عمل پوشانید. در لوح کرمل می‌فرماید: "طوبی لك بما جعلك الله في هذا اليوم مقرر عرشه و مطلع آياته و

مشرق بیناته."» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۸) [مضمون بخش عربی: خوشا به حال تو (ای کوه کرمل)، زیرا خداوند در این یوم (دور بهایی) ترا مقرر عرش عظیم خود و مطلع آیاتش و مشرق بیناتش قرار داد.]

۸۰ « اصرار مرام نازی بر این که نژاد برتر باید بر جهان حکومت نماید، سبب گردید که پیشگویی حضرت عبدالبهاء در بیست سال قبلش تحقق پیدا کند و آتش جنگی جهانی بسیار وحشتناک‌تر از جنگ اول سراسر عالم را فراگیرد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۵۲)

۸۱ « حضرت ولی امرالله در کتاب "گاد پاسز بای" می‌فرمایند که پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول، معاهده‌ای بر آن کشور تحمیل گردید که شرایط بسیار صعب و دشوارش سبب شد تا آنچه را که حضرت بهاءالله در باره حنین برلین، بیش از نیم قرن پیش، اخبار و انذار فرموده بودند تحقق یابد.» (کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۱۲۱)

۸۲ « پیشرفت امرالله در این بخش پهناور جهان (جزایر اقیانوس آرام) به راستی شاهدی صادق بر تحقق وعده محکم و صریح حضرت بهاءالله است که می‌فرمایند: "لو یسترون النور فی البرّانه یظهر من قطب البحر و یقول انی محیی العالمین." (پیام اول اکتبر ۲۰۱۴) (مضمون بخش عربی: اگر نور را در بیابان پنهان کنند از میانه دریا سربر خواهد آورد و خواهد گفت "من حیات بخش عالمیان هستم.")

بخش سوم- کلیاتی راجع به وعدود الهی (۱۶۲)

۳. وعدود، وقوعات آینده است (۶)

(الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱ « از بعد، احدی آگاه نه.» (لثالی الحکمة، ۳، فقره ۹۴)
- ۲ « آنچه از بعد ظاهر، از قبل، از قلم اعلی به کمال تصریح نازل (شده است).» (لثالی الحکمة، ۳، فقره ۱۵۸، ص ۲۷۸)
- ۳ « اگر انسان به بصر حق در الواح منزله نظر نماید و تفکر کند، جمیع امورات وارده از بعد را ادراک نماید.» (آیات الهی، ۲، ۲۴ ژوییه)

۴ « آنچه از بعد واقع، از قبل، از قلم اعلى به کمال تصریح، جاری و ظاهر.» (آیات الهی ۲، ص ۲۰۴)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۵ « جای آن نیست که معمای حوادث مستقبل بعید را بگشاییم و یا به بحث و گفتگو در باره مواعید عزت و رفعت ظهوری پردازیم که به اراده غالبه الهیه متحرک و موهوب به قوه و قدرتی غیر قابل تصور است.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۶ « نسل حاضر از ادراک عظمت و عزت و حکومت و اقتداری که در آثار بهایی موعود است عاجز و ناتوان است؛ زیرا تحقق آن وعود، موکول به آینده است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۲- توفیق مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۴. الواح و آثار الهی منبع موثق وعود است (۱۲)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱ « سوف يظهر ما انزلناه في الزبر والالواح.» (حضرت بهاءالله، منقول در پیام ۴ دسامبر ۲۰۰۸ معهد اعلى خطاب به یکی از احباب) (مضمون: به زودی آنچه در زبر و الواح نازل نمودیم، ظاهر خواهد شد.)

۲ « اخبارهای دیگر... که در الواح هست، کل ظاهر خواهد شد.» (جمال ابهی، مائده ۴، ص ۲۵۵)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۳ « نباید بررسی خصایص برجسته دوره‌ای چنین پرثمر و خجسته (دوره قیادت و زعامت حضرت عبدالبهاء)، از ذکر وعودی که قلم مصون از خطای مرکز میثاق حضرت بهاءالله بیان داشته است، باز ماند.» (مرور معبود، ص ۴۱۸)

۴ « وعود الهیه که در صدف بیانات قدسیه شارع امر مقدس مودوع و محفوظ، بس متأللاً و درخشان است.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۳۳)

۵ « هر چند مقصدی که با کمال همت و مجاهدت در پیش دارید بعیدالوصول و به غایت دور و از دیدگان بشر مستور است؛ اما بشارتش به کمال قدرت در متن بیانات نافذ و لایتغیر حضرت بهاءالله مندمج و مسطور.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۸)

(۶) « تقاضاهای پرشور و حرارتی... که در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء رقم یافته بود... پیروزی‌های نهایش (میراث مرغوب اعطاء شده به احبای آمریکا) را وعده داد.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۶۲)

(۷) « وعود الهیه که در خزائن صحف قیمه مخزون است، کل تحقق یابد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۱)

(۸) « وعود و بشارات مودعه در خطابات مبارکه... نبذهای از آن در فوق (صص ۱۶۹-۱۶۶ کتاب ظهور عدل الهی) مذکور گردید.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۷۶)

(۹) « این کلمات دُرّیات (دو فقره از الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء، خطاب به احبای آمریکا^۱ و کانادا-م)... حاوی وعود و بشارات جلیه عظیمه است.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۵۴)

(۱۰) « بشارتش (بشارات حضرت بهاءالله) به کمال قدرت در متن بیانات نافذ و لایتغیر حضرت بهاءالله مندمج و مسطور.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۸)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱۱) « این رساله (رساله "حضرت بهاءالله") که به مناسبت سده درگذشت حضرت بهاءالله انتشار می‌یابد... دورنمایی را که بهاییان سراسر جهان به هنگام تفکر و تأمل در باره آینده کره زمین و سرنوشت نوع بشر با اطمینان خاطر در نظر مجسم می‌نمایند، ارائه می‌دهد.» (بیت العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، پیش گفتار)

(۱۲) « حضرت بهاءالله بیش از یک قرن پیش در نامه‌ای خطاب به ملکه ویکتوریا عالم بشری را به هیکل انسانی تشبیه فرموده‌اند و با ذکر این تمثیل، به طرح و نمونه‌ای اشاره نموده‌اند که حاکی از وعده اطمینان بخشی برای سازمان جامعه جهانی است.» (بیت العدل اعظم، رساله رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۱)

۵. وعود، شهود حوادث آینده است (۷)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

^۱ به مبحث ۷۴ رجوع شود.

(۱) «يا ايها الناظر الى الله و السالك في رضاه، فاعلم انا نخبرك بما سيكون... ما سيظهر انا نريه في الحين.» (آثار قلم اعلى ۱، ص ۱۱۳، بند ۵۳) (مضمون: ای ناظر به خداوند و سالک در رضای او، بدان که تو را از آنچه به زودی رخ خواهد داد آگاه می‌کنیم... ما هم اکنون آنچه را که به زودی واقع خواهد شد می‌بینیم.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « آنچه را که حواریون حضرت مسیح از قبل دیده بودند، جهان بعداً آن را مشاهده نمود.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۵ نوامبر ۱۹۱۱)

(۳) « این نور الهی بود که انبیاء را قادر ساخت آنچه را دو هزار سال بعد واقع می‌شد، مشاهده نمایند و اکنون ما شاهد تحقق نظاره‌های آنان هستیم؛ لهذا، باید در جهت کسب این نور سعی بلیغ بنماییم، زیرا از هر نور دیگری عظیم‌تر است.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۵ نوامبر ۱۹۱۱)

(۴) « نور خرد ما را قادر می‌سازد تا همه آنچه را که موجود است، درک کنیم و بفهمیم؛ اما این فقط نور الهی است که برای درک چیزهای نامرئی به ما بصیرت می‌بخشد و ما را کمک می‌کند حقایقی را مشاهده کنیم که هزاران سال بعد در عالم جلوه و نمود خواهند یافت.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۵ نوامبر ۱۹۱۱)

(۵) « جمیع وقوعات آینده در نظر مظاهر مقدسه، ظاهر و عیان است.» (حضرت عبدالبهاء، امروخلق ۴، ص ۴۶۶)

(۶) « یاران... اگر نصیحت قدیمه مرا می‌شنیدند پریشانی چنین حاصل نمی‌شد؛ به صراحت نوشتم که اگر چنانچه این منافات (اعتیاد به دخان) زائل نگردد، عنقریب پریشانی کلی حاصل و ندامت متواصل گردد. حال ملاحظه نمودید بتمامها واقع شد؛ من این پریشانی را آن وقت می‌دیدم، ولی یاران مست بودند. حال الحمدلله واضح و مشهود شد که آنچه من می‌گفتم صحیح بود.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب اول از ردیف ض، ص ۱۷۵)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۷) « اکنون دریای ایمان در پایین‌ترین جزر است؛ اما اهل بهاء می‌دانند که مدّ عظیم، دوباره، بعد از دوران مشقت بشریت، باز خواهد گشت و امواج قدرتمند ایمان و اخلاص نمایان خواهد شد... بهایان این شرایط جدید را می‌بینند؛ همچون کسی که از فراز کوهستان، نخستین فروزش سپیده‌دم را می‌بیند.» (ترجمه) (۵ اکتبر ۱۹۵۳، مجموعه دخول افواج مقبلین)

۶. تحقق وعود دلیل حقانیت است (۱۴)

توضیح: علاوه بر فقرات ذیل، لطفاً در جهت درک بهتر اهمیت و فواید ذکر وعود الهی، به دو نمونه مذکور در صفحه (ج) نیز مراجعه مجدد فرمایید.

الف) از آثار حضرت بهاء الله

- (۱) « از عاقبت امور احدی الا الله (جز خداوند)، آگاه نه.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۲۸۸)
- (۲) « حال در این مظلوم (جمال مبارک) ملاحظه کن؛ مع آن که (از اهل علم نبوده و به مدارس نرفته)...
(و) آنچه در ارض واقع گشته، از قبل به کمال تصریح خبر داده،... چگونه بر اعراض و اعتراض قیام نمودند.» (منتخبات آثار حضرت بهاء الله، فقره ۲۳)
- (۳) « یا الهی یکا دُ أَنْ یَنْقَطِعَ الرَّجَاءُ عَنْ قُلُوبِ الْأَصْفِیَاءِ، أَيْنَ نَسَائِمُ فَضْلِكَ؟ قَدْ أَحَاطَتْهُمْ الْأَعْدَاءُ مِنْ كُلِّ الْأَطْرَافِ، أَيْنَ رِیَایَاتِ نَصْرِكَ الَّتِی وَعَدْتَهَا فِی الْوَاوِحِکَ؟ فَوَعَزَّتْکَ لَا یُصْبِحُونَ أَحْبَابُکَ إِلَّا وَیَرُونَ کَأْسَ الْبَلَاءِ فِی مُقَابَلَةِ وُجُوهِهِمْ بِمَا آمَنُوا بِکَ وَبِآیَاتِکَ.» (مجموعه ادکار و ادعیه حضرت بهاء الله، فقره ۹۴) (مضمون: ای خدای من، نزدیک است که امید از قلوب برگزیدگان قطع شود، کجاست نسیم‌های فضل؟ دشمنان^۱ آنان را از همه طرف احاطه کرده‌اند، کجاست علم‌های نصرتی که در الواحت وعده دادی؟ قسم به عزت هیچ صبحی نمی‌گذرد مگر آن که احبایت جام بلا را در مقابل خود می‌بینند، زیرا که به تو و به آیات ایمان آوردند.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۴) « ای ثابت بر میثاق، حمد خدا را که آنچه بشارت داده شد یافتی و اخبار واقع گردید و آن هذا هو البرهان المنیر.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۲، باب هشتماد و یک، ص ۱۰۴)
- (۵) « آنچه از قلم میثاق تا به حال صادر، فرداً فرداً کلّ واقع؛ دیگر چه تأییدی اعظم از این است. این به توفیقات جمال ابهی است و هو یکفینی عن کلّ شیء و لا یکفینی عنه شیء من الاشیاء.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۹، مطلب هفتاد، ص ۷۸) (مضمون بخش عربی: او مرا از هر چیزی بی‌نیاز می‌کند، در حالی که هیچ چیزی دیگر نمی‌تواند مرا بی‌نیاز سازد.)

^۱ به مبحث ۱۹ رجوع شود.

۶ « ای آمرزگار هر چند گنه کاریم ولی امید به وعد و نوید تو داریم.» (مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۴۰۶)

۷ « انذارات جمال مبارک به ملوک ارض به نهایت صراحت، بدون تأویل و احتیاج تفسیر، در اثبات قوه قدسیه ماوراء الطبیعه برهان کافی وافی است. سور ملوک را مطالعه نمایند و خطاب‌های شدید را دقت کنید و انذارات عظیمه را ملاحظه نمایند... آیا به ادراک (و) به ذکاء طبیعی، کشف این وقوعات مهمه در اندک زمان، پیاپی ممکن است و تحقق این وقوعات در ایام قلیله تصور می‌شود؟ لا والله، مگر آن که به قوه ملوک مقتدر تحقق یابد و به کلمه نافذهاش مجری کند و از پیش خبر دهد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۳۸۱)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۸ « وعود الهیه عظیم است و صریح.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۴۶-۱۴ نوامبر ۱۹۲۳)

۹ « به عقیده راسخ این عبد، اولین وظیفه هر یک از پیروان باوفای حضرت بهاءالله آن است که همواره سعی موفور و مستمر مبذول دارد تا مقصد و هدف این امر اعظم را بهتر درک نماید.» (توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۶)

۱۰ « آنچه را این مشت ضعفا تا به حال فهمیده و ادراک نموده، قطره ایست نسبت به بحرالبحار اسرار مکنونه در این آیین ابهی و ذره ایست نسبت به شمس الشمسو لثالی مودعه در این امر گرانها.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۵۴)

۱۱ « نباید بررسی خصائص برجسته دوره‌ای چنین پرثمر و خجسته (دوره قیامت حضرت عبدالبهاء)، از ذکر وعودی که قلم مصون از خطای مرکز میثاق حضرت بهاءالله بیان داشته است، باز ماند.» (حضرت ولی امرالله، مرور معبود، ص ۴۱۹)

۱۲ « وعده اتحاد تمامیت نژاد انسانی، آغاز جریان صلح اعظم ابهایی، و ظهور مدنیته جهانی، به نحوی جدل ناپذیر عرضه گشت.» (حضرت ولی امرالله، مرور معبود، ص ۳۰۸)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۳ « پیش‌بینی وضع آتی تاریخ بشر هر روز باید در معرض تجدیدنظر قرار گیرد.» (پیام رضوان ۱۹۷۸ خطاب به کانونشن بین‌المللی)

(۱۴) « از هم اکنون پیشوایان افکار نسبت به سرنوشت نسل‌های آینده ابراز علاقه می‌نمایند، و ما امیدواریم که شور و شوق جامعه بهایی در اقدامات داخل جامعه و در مشارکت در اقدامات جامعه خارج احساس اعتماد و اطمینان نسبت به آینده بشری را القاء نماید.» (۲۶ نوامبر ۱۹۹۹)

۷. ذکر وعود حکمت آمیز است (۱۴)

الف) از آثار حضرت بهاء الله

(۱) « فَسَوْفَ تُمْنَعُونَ عَنْ حُبِّ اللَّهِ وَمُظْهِرِ نَفْسِهِ وَتُدْعَوْنَ إِلَى الْعِجْلِ وَهَذَا مِنْ سِرِّ الْغَيْبِ أَخْبَرْنَاكُمْ بِهِ لِتَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا بَصَرَ الْعِرْفَانِ وَكَانُوا عَلَى الْأَمْرِ خَبِيرًا. » (لثالی الحکمة ۱، فقره ۱۲) (مضمون: به زودی از حُب خداوند و مظهر نفس او منع خواهید شد و به سمت گوساله دعوت خواهید گشت؛ و این از اسرار عالم غیب است که به شما خبر می‌دهیم تا از کسانی باشید که چشم عرفان یافته‌اند و از امور امرالهی آگاه گشته‌اند.)

(۲) « جمیع ناس را از قبل به ایام شداد و فتنه آن اخبار نمودیم که شاید در حین اهتزاز اریاح قضا از توجه به شطر دوست محروم نمانند و سراج حب الهی را به زجاجات توکل و انقطاع از اریاح مختلفه حفظ نمایند.» (جمال ابهی، مائده ۴، ردیف الف، باب هفتم، ص ۲۲)

(۳) « مشاهده شد که در هبوب اریاح افتتانیه چگونه ناس از صراط امریه الهیه لغزیدند، مع آن که در کل الواح من قبل الله ذکر ایام شداد شده و این بسی واضح و مبرهن بوده که البته فتنه کبری ظاهر خواهد شد و این اخبار داده نشد مگر آن که ناس مطلع شوند و مستعد که شاید در ظهور فتنه مضطرب نشوند و به اطمینان تمام به سماء رحمن صعود نمایند و در رضوان ایقان سائر شوند.» (حضرت بهاء الله، مائده آسمانی ۸، مطلب هشتم، ص ۱۰- مائده ۴، ردیف ط، باب دوم، ص ۱۵۶)

(۴) « خرد... چون به اراده رحمانی بر منبر بیان مستوی، به دو حرف نطق فرمود؛ از اول بشارت و وعد ظاهر و از ثانی خوف وعید و از وعد و وعید بیم و امید باهر و به این دو، اساس نظم عالم محکم و برقرار. تعالی الحکیم ذو الفضل العظیم.» (آیات الهی ۱، ۲ آوریل- اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۲۱- الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۳۶- کلمات فردوسی)

(۵) « در الواح عراق و ارض سر و سجن اعظم دوستان الهی را آگاه نمودیم و به ظهور عجل و ناعقین و طیور لیل و کتاب سجین و الواح نار (یحیی ازل و تابعان و اقداماتشان) اخبار دادیم تا کل به شانی

مستقیم شوند که اهل عالم و ما عندهم قادر بر تحریف آن نفوس ثابتۀ مستقیمه نباشند.» (مجموعه الواح حضرت بهاءالله به خط مشکین قلم، ص ۲۷۱)

۶ « این بیان اکمل و اتم، راجع به بیت اعظم از مصدر مشیت مالک امم، شصت سال قبل نازل؛ می‌فرماید: " و اذکرا نزل فی ارض السرفی السنّة الاولى لعبدنا المهدي و اخبرناه به فيما یرد علی البيت من بعد؛ لثلاً یحزّنه ما ورد من قبل من الذی اعتدی و سرق و عند ربک علم السموات و الارضین.» (جمال ابهی، مذکور در مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۹) (مضمون بخش عربی: یاد آر آنچه را که در ارض سرّ، در سال اول، برای بنده‌امان، مهدی نازل شد و در آن، به او خبر دادیم آنچه را که از این پس بر بیت وارد می‌شود، شاید آنچه از قبل از دست کسی که ظلم کرد و دزدی نمود، وارد شده، غمگینش نکند؛ و علم آسمان‌ها و زمین‌ها نزد پروردگارت است.)

۷ « دار التعلیم باید در ابتدا اولاد را به شرایط دین تعلیم دهند تا وعد و وعید مذکور در کتب الهی ایشان را از مناهی منع نماید و به طراز اوامر مزین دارد.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۲۱- مجموعه الواح بعد از کتاب اقدس، ص ۳۷)

۸ « أنّه (الرّحمن) أخبرکم بما ظهر و یظهر، عنده علم السموات و الارض فی کتاب عظیم.» (آیات الهی ۲، ص ۱۶۸) (مضمون: همانا او (خداوند رحمن) شما را از آنچه ظاهر شد و ظاهر خواهد شد آگاه نمود، زیرا علم آسمان‌ها و زمین در یک کتاب عظیم، نزد او است.)

۹ « اسرار و امورات بعد از قبل به تصریح تمام ذکر نمودیم تا شبهات مشرکین و انکار مغرضین و اشارات غافلین نفوس مقبله را از مطلع نور احدیه منع ننماید.» (مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۴۸)

۱۰ « كذلك قصصنا لكم من قصص الحقّ و القینا علیکم (ملاء المدینه = استانبول) ما قضی الله من قبل، لعلّ تتوبون الیه فی انفسکم و ترجعون الیه و تكوننّ من الرّاجعین و تتبّهون فی افعالکم و تستیقظون عن نومکم و غفلتکم و تتدارکون مافات عنکم و تكوننّ من المحسنین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقرة ۶۶) (مضمون: این‌گونه قصه‌های حق را برای شما بیان کردیم و آنچه را که خداوند از قبل مقدر کرده است بر شما القاء نمودیم تا شاید توبه کنید و به سوی او باز گردید و در افعالتان متنبه شوید و از خواب غفلت بیدار گردید و آنچه را از دست داده اید جبران کنید و از نیکوکاران باشید.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱۱ « یا احبّاءالله... نخبرکم بهذا (الاذی و الاستهزاء و التعذیب و التویخ و السبّ و البغضاء) قبل الوقوع، حتّی اذا حدث هجوم الاحزاب علیکم لحبّی، لا تضطربون ابداً بل تثبتون ثبوت الجبال؛ لأنّ

استهزاء القوم و تعذیبهم لکم امر محتوم.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۱۹۷، ص ۱۴۱) (مضمون: ای احبای الهی... خبر این قضیه (اذیت و استهزاء و عذاب و تویخ و بدگویی و عناد) را قبل از وقوع، به شما می‌دهم تا وقتی احزاب به سبب محبتتان به من، بر شما هجوم کردند، اصلاً مضطرب نشوید؛ بلکه چون کوه ثابت و مستقیم بمانید. چنین است زیرا استهزاء و عذاب قوم نسبت به شما امری حتمی است.)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱۲) «ای پیروان امر نازنین حضرت بهاءالله، نظر به قلت خویش ننمایید؛ و از آزار و جفای بیگانه و خویش ملول و شاکی نباشید. از ترهات و اتهامات و اقاویل و اباطیل کوتاه نظران آزردده و افسرده مگردید و از صفوف و الوف مهاجمان نگران و هراسان مشوید. این جفا را مولای بی‌همتا کراراً و مراً اخبار فرمود و هجوم لشکر هموم را ربّ قیوم از پیش خبر داد.» (توقیع منیع ۲۷ نوامبر ۱۹۲۷، مجموعه توقیعات ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۶۵)

(۱۳) «پیش‌بینی‌هایی که آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) در آثار و الواح خود بر جای نهاد، این ایمان و اطمینان را در قلوب مؤمنان دمید که ثمرات حاصله و فتوحات ظاهره در طول سی سال قیادت حضرتش، تماماً مؤید و محتوم بوده است.» (مرور معبود، ص ۳۳۰)

(۱۴) «منتخباتی از آثار بیشمار حضرت بهاءالله (۸۹ فقره دقیقه، صفحات ۴۰-۳۶ از همین کتاب)... (از جمله) مشتمل است... بر دور‌نمایی که اظهار نموده و بر نویدها و اطمینانی که اعطا فرموده است.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۳۶)

۸. وعود مورث تأثیرات روحانی است (۲۰)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) «عنقریب ملاحظه خواهید کرد که... بشارات الهیه جمیع قلوب را به حرکت می‌آورد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۴۷)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- (۲) « چون به عزمی متین قدم اول در میدان امرالله گذاریم و مترصد تحقق وعده‌های روح افزایش گردیم... مبادی اساسیّه و شرایط ضروریّه را به یاد آورده، در اجرای هر یک، من دون ادنی اهمالی و به تمام قوی بکوشیم.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده آسمانی ۶، ردیف م از باب بیست و چهارم، ص ۷۲)
- (۳) « وعودی که حضرت (عبدالبهاء) مکرراً راجع به آینده درخشان امرالله... عنایت فرموده‌اند، حائز خصیصه‌ای است که یقیناً باید ما را در بحبوحه مصائب و بلاهای ایام آتی، محافظت و تقویت نماید.» (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۴۰ - سرنوشت رو به ظهور جامعه بهایی انگلستان، انگلیسی، ص ۳۵۴)
- (۴) « چنین منظره حزین و تأثرآمیز (اوضاع بحرانی و ناگوار عالم-م) ... هر ناظر غافل و بی اطلاع از مآرب حقیقیّه و وعود و بشارات بهیّه شارع مقدّس این شرع ابداع افخم را دچار وحشت و حیرت شدید خواهد نمود.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۰۰)
- (۵) « قاطبه مؤمنین (که قرار بوده) متفرّق و متشتّت شوند و مجد و عظمت ظهور الهی را در این "یوم" اعلان کنند و قلوب را به نار محبت یگانه منجی قادر متعال الهی مشتعل سازند... با اتکاء کامل به (از جمله) وعده‌های معزز و مکرر محتومه‌اش، هر یک به قدر وسع و توانایی در میدان وسیعی که در مقابل دارند پیش روند.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۵۷) (۲۵ ژوئن ۱۹۵۳)
- (۶) « ای حیّ توانا و مولای بیهمتا... ید اقتدار از جیب مشیت برون آر و آمال هشتاد ساله عزیزانت را در عرصه مشهود جلوه ده... برعون و عنایت متوکّلیم و به وعود حتمیهات شاد و مطمئن.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده آسمانی ۶، ردیف د از باب هشتم، ص ۲۱)
- (۷) « تقدیرات الهیه را جز آن عالم غیب و شهود، دیگری نداند و آنچه را آینده از حیز غیب به حیز شهود رساند، هیچ نفسی از پیش واقف نگردد؛ ولی شکر آن مولای حافظ و ناصر را که به وعده‌هایی روحبخش چنان قلوب این خسته دلان را شاد و مطمئن فرمود که هر قدر محن و بلاها و مشکلات و رزایا از دست ملت غافل و احزاب متباغض و اعدای مهاجم و رجال ظالم غدار وارد گردد، ادنی غباری بر خاطر نورانی یاران حضرت عبدالبهاء ننشیند و غیوم مظلمه حیرت و افسردگی انوار امید و اطمینان را از ظهور و اشراق در قلوب صافیه احبّا منع ننماید.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۳۲ - مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۶۸)
- (۸) « چه خوش است اگر... به زودی زود، بدون فتور و تأخیری... چشم روحانیان به تحقق وعود الهیه منور شود.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۲۸)

۹ « هر قدر افق عالم تاریک‌تر گردد و نوع بشر بر مخاصمات و منازعات مذهبی و سیاسی و نژادی و اقتصادی خویش بیفزاید، اشعه امید پرتوی شدیدتر اندازد؛ قلوب یاران به تحقق آمال و ایفا و اكمال وعده‌های الهی شاد و مطمئن‌تر گردد.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۳۰- مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۶۵)

۱۰ « چه خوش است اگر این روز فیروز و یوم موعود (روزی که سلطنت ظاهره باطنه حقیقیه حضرت بهاءالله تحقق یابد) به زودی زود، بدون فتور و تأخیری، جلوه‌گر گردد.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۲۸)

۱۱ « نمایندگان محترم و امنای این امر اعظم در آن کشور مقدس (ایران) ... از موانع مختلفه و تضییقات شدید و تعدیات عدیده ملول و خسته نگردند و پشیمان و مأیوس نشوند... چه که مطمئن به وعود صریحه حتمیه الهیه هستند و ناظر و منتظر نصرت و ظفر امرالله.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۵)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۲ « (خطاب به احبای ایران) به سلوک در این صراط مستقیم (استقامت سازنده و اعمال طیبه طاهره) ادامه دهید. در این مسیر پر نشیب و فراز مرکب شما صبر و بردباری است، توشه راه‌تان هدیای ربانی، پشتیبانان تأییدات ملکوتی، سرمنزل مقصودتان تحقق وعود حتمیه الهی.» (پیام نوروز ۱۳۹۵)

۱۳ « تاریخ این امر مبارک شاهد این حقیقت است که در ایام عصر رسولی... جامعه اسم اعظم در آن سرزمین (ایران) پشتیبانی جز نیروی دافعه الهیه و ضامنی جز وعده‌های لاریبیه حضرت اعلی و جمال اقدس ابهی نداشت.» (پیام ۷ اکتبر ۲۰۰۷)

۱۴ « هر چند این طواف (طواف قریب به سه هزار نفر از عاشقان با وفای جمال کبریاء از چهار گوشه جهان حول روضه مبارکه) واقعه مؤحزنه صعود جمال قدم جلّ ثنائیه را به خاطر می‌آورد... اما یاران به بشارت جان‌فزایش و عنایات لانه‌ایه‌اش و به وعده‌های محکمه‌اش توجه داشته، زنگ غم از دل می‌زدودند.» (پیام ۵ مارس ۱۹۹۳- جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۳۹)

۱۵ « در اثر قوه دافعه نقشه عظیم الهی^۱، دنیا دوران تغییرات سریعی را می‌گذراند؛ و تنها جامعه بهایی است که صریحاً از جهت و مقصد این تغییرات آگاه است.» (۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲)

^۱ به بحث ۷۷ رجوع شود.

- ۱۶) « ما طیور بال و پر شکسته‌ایم؛ لیکن وعده‌های قطعی و مطمئن آن حضرت (حضرت بهاء‌الله) که در صدر و روان و جان ما طنین انداز است، یقیناً (سبب می‌شود) در خدمت به آن حضرت به فضاهای متعالی تری پرواز نماییم.» (پیام ۷ ژانویه ۱۹۹۲ - جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱۱)
- ۱۷) « طوفان‌ها و فشارهایی که بافت اجتماعی را متلاشی می‌سازد، برای عموم ساکنان کره ارض غیر قابل درک است؛ به استثنای معدود کسانی که به مقصد الهی برای این برهه از زمان پی برده‌اند.» (پیام رضوان ۱۹۹۸ - جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه جلد سوم، ص ۳۰)
- ۱۸) « هر تهدیدی که همچنان بر آینده بشریت سایه افکند، از این واقعیت گریزی نیست که حوادث قرن بیستم جهان را دگرگون کرده است و این حقیقت که ندای الهی ویژگی‌های این فرایند را از قبل پیش‌بینی نموده بود، باید عقول سلیمه را در هر جایی به تفکر و اندیشه وادارد.» (ترجمه شخصی) [بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار - ۲۰۰۱ میلادی (انگلیسی)، ص ۸۴]
- ۱۹) « "از حوادث دنیا محزون مباشید... چه که هر خیری مخصوص شما خلق شده و به اقتضای اوقات ظاهر خواهد شد"، آیا حضرت بهاء‌الله با این کلمات پرهیمنه... وعده نفرموده و قوت و قدرت عنایت ننموده‌اند؟» (پیام رضوان ۲۰۰۲)
- ۲۰) « به فرموده حضرت عبدالبهاء... "ایران سبب حیات جاودان جهان گردد و علم صلح عمومی و امان و روحانیت محضه در قطب امکان برافرازد". این بینش روحانی است که به شما نیرو می‌بخشد تا به رغم همه مشقات و تضییقاتی که پیوسته بر شما وارد می‌شود، همچنان مشتاق خدمت به این آب و خاک بمانید.» (پیام ۱۴ می ۲۰۱۱ = ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰)

۹. تحقق و عود حرف به حرف است (۴)

الف) از آثار حضرت بهاء‌الله

- ۱) « آنچه نازل شده کلمه به کلمه، در ارض ظاهر گشته و می‌شود.» (لوح شیخ نجفی، ص ۱۱۱)
- ۲) « آنچه از لسان جاری شده، حرف به حرف، در ارض ظاهر می‌شود.» (لثالی الحکمة ۳، ص ۲۹۷)
- ۳) « آنچه از قلم اعلی جاری، البته ظاهر شده و خواهد شد؛ و لا یبقی من حرفِ الآ و قد یراهُ المخلصون مستویاً علی عرشِ الظهور؛ إِنَّ رَبَّکَ یَعْلَمُ و یَقُولُ.» (جمال ابهی، مجموعه الواح به خط جناب

مشکین قلم، ص ۱۷- اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۷) (مضمون: حرفی باقی نیست مگر آن که مخلصان آن را مستوی بر عرش ظهور می‌بینند؛ پروردگارت می‌داند و می‌گوید.)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۴) « جمال مبارك جل ثنائه، به اصرح كلام اهل بهاء را بشارت و وعده فرموده‌اند که: "عنقریب... در عرصه هستی و انجمن عالم ذکر شما و مقامات شما... حرف به حرف ظاهر شود و در عالم منتشر گردد.» (پیام مارس ۱۹۸۶، مجموعه بشارت جان‌فزا، ص ۶۵)

۱۰. تحقق وعود امری قطعی است (۶۹)

(الف) از آثار حضرت بهاء الله

(۱) « به راستی می‌گویم؛ آنچه از قلم اعلی جاری شده، البته ظاهر خواهد شد و اگر نظر به مقتضیات حکمت بالغه تاخیر شود باسی نه، سَوْفَ يُظْهِرُ اللَّهُ مَا وَعَدَ بِهِ فِي الْوَاحِ اِنَّهُ هُوَ الصَّادِقُ الْاَمِينُ. » (ثالثی الحکمة ۳، فقرة ۱۶۳) (مضمون بخش عربی: به زودی خداوند آنچه را در الواح وعده داده است ظاهر خواهد کرد. همانا او صادق و امین است.)

(۲) « سَوْفَ يُظْهِرُ فِي الْاَيامِ مَا نَزَلَ مِنْ قَلَمِي الْاَعْلَى اِنَّهُ هُوَ الْحَقُّ عَلَامُ الْغُيُوبِ. » (ثالثی الحکمة ۳، فقرة ۱۸۹) (به زودی در طی ایام آنچه از قلم اعلی نازل شده است، ظاهر خواهد شد. به راستی که او حق و داننده ی پنهانی‌ها است.)

(۳) « قد قُدِّرَ لِكُلِّ امْرِ مِيقَاتٌ، اِذَا جَاءَ اَجَلُهُ يَأْتِي بِالْحَقِّ وَ لَا مَرَدَّ لَهُ؛ كَذَلِكَ قُدِّرَ فِي لَوْحِ حَفِيزٍ. » (ثالثی الحکمة ۲، فقرة ۷۵، ص ۱۵۷) (مضمون: برای هر امری میقاتی است؛ هنگامی که زمانش فرارسد حتماً ظاهر خواهد شد و هیچ گریزی برای آن نیست؛ در لوح محفوظ این گونه مقدر شده است.)

(۴) « آنچه از قلم اعلی نازل، اکثرش ظاهر و مشهود، چنانچه اکثری دیده‌اند؛ و ما بقی هم البته ظاهر و هویدا گردد.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸- مائده ۸، مطلب هفتاد و ششم، ص ۵۸]

(۵) « عنقریب آنچه از بحر اراده ظاهر شده، در ارض مشاهده خواهد شد؛ الامر بیده، یفعل ما یشاء و هو الامر الحکیم.» (قلم اعلی ۶، ص ۲۸۳) (مضمون عبارات عربی: امر به دست اوست؛ هر چه بخواهد می‌کند و او، امرکننده و حکیم است.)

- (۶) « آنچه از قلم اعلی در زبر و الواح نازل، اکثری ظاهر، چنانچه مشاهده شد و آنچه باقی (یعنی ظاهر نشده است) در سماء مشیت معلق و البتّه ظاهر خواهد شد.» (آثار قلم اعلی ۷، ص ۷۸)
- (۷) « آنچه ذکر شد، البتّه واقع خواهد شد.» (قلم اعلی ۶، ص ۲۸۴)
- (۸) « آنچه در امورات بعد که از قبل در الواح الهی نازل شده، به تصریح تمام بوده، من غیر تلویح.» (حضرت بهاء الله، مائده ۸، مطلب دویست و نهم، ص ۱۸۱)
- (۹) « سوف یرون المقربون ما وعدوا به فی کتاب الله رب العالمین.» (قلم اعلی ۷، ص ۳۵۴) (مضمون: به زودی مقربان آنچه را که در کتاب خداوند، پروردگار جهانیان، به آن وعده داده شده‌اند، خواهند دید.)
- (۱۰) « یا الهی... اذا اتی الوعد، تُظهر ما تُريد و تُسخر كيف تُحب.» (قلم اعلی ۷، ص ۳۵۸) (مضمون: ای خدای من... هنگامی زمان وعده فرارسد، آنچه را بخواهی ظاهر خواهی کرد و آنگونه که دوست بداری تسخیر خواهی نمود.)
- (۱۱) « کُلّ ما یتکلم به لسان المشیة، یظهرُ بالحقّ، بسلطان مبین.» (جمال ابهی، آیات بینات، ص ۳۳) (مضمون: هر آنچه که لسان مشیت به آن تکلم می‌کند، به راستی و به غلبه نمایان، ظاهر خواهد شد.)
- (۱۲) « یا ایها الناظر الی الله، فاعلم بان المشرکین احاطونا من کُلّ الجهات، اخرجونا من دیار و ادخلونا فی دیارٍ اخری؛ كذلك قضی فی اللوح من لدن مقتدرٍ قدیر. لا تحزن فی ذلك، لانّ فیهِ حکمة عظیمه؛ فسوف یظهر ما ستر الیوم عن الابصار، انّ ربک لهو العلیم الخبیر.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره ۱۵۲، ص ۲۱۲) (مضمون: ای ناظر به خداوند، بدان که مشرکان از جمیع جهات ما را احاطه کرده‌اند؛ آنان از سرزمینی اخراجمان کردند و به دیاری دیگر واردمان نمودند؛ این چنین مقدر شد در لوح از نزد مقتدر قدیر. از این امر محزون مباش، زیرا در آن حکمتی عظیم نهفته است؛ به زودی آنچه امروز از دیدگان مستور است ظاهر خواهد شد. همانا پروردگارت علیم و آگاه است.)
- (۱۳) « نوری که اهل ایران در اطفاء آن جاهد و ساعی، احزاب مختلفه به ظهور و بروز... آن مشغول؛ عنقریب ظاهر می‌شود آنچه که از اعین عالم مستور است؛ كذلك نطق لسان العظمة، فضلاً من عنده، و هو الفضالّ الکریم.» (جمال ابهی، امر و خلق ۴، ص ۴۸۰) (مضمون بخش عربی: این گونه سخن گفت لسان عظمت، فضلی از نزد خودش، و او بسیار بخشنده و کریم است.)
- (۱۴) « آنچه در ارض مشاهده می‌نمایی ولو در ظاهر مخالف اراده ظاهریه هیاکل امریه واقع شود، و لکن در باطن کل به اراده الهیه بوده و خواهد بود.» (مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۱۶۳)

۱۵) « آنچه از قلم اعلی جاری، البتّه ظاهر شده و خواهد شد... انّ ربّک يعلم و يقول و النّاس اکثرهم لا يعلمون.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۱۷) (مضمون بخش عربی: همانا پروردگارت می داند و می گوید و خلق اکثرشان نمی دانند).

۱۶) « آیین یزدان با قوّت و نیرو بوده و هست؛ زود است آنچه از زبان گفته شد در ظاهر دیده شود.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۲۳۶- دریای دانش، ص ۷۰)

۱۷) «عنقرب آنچه (را) در الواح از قلم اعلی نازل، در ظاهر مشاهده نمایند.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۲۸۰- آیات الهی ۲، ۱۰ آوریل)

۱۸) « زود است که آنچه از قلم اعلی نازل شده، مشاهده گردد.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۳۰۸)

۱۹) «آنچه از قلم اعلی نازل شده، البتّه ظاهر خواهد گشت.» (جمال ابهی، مائده آسمانی ۷، ص ۲۵۴)

۲۰) « آنچه از قلم اعلی جاری، کل ظاهر شده و اخبارهای دیگر هم که در الواح هست، کل ظاهر خواهد شد.» (جمال ابهی، مائده آسمانی ۷، باب ششم، ص ۲۵۵)

۲۱) « سوف تحیط آثاره (هذه النار الموقده) من فی الاقطار.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره ۱۸، ص ۱۳۴) [به زودی آثار آن (این آتش افروخته) بر همه اهل دیارها احاطه خواهد یافت.]

۲۲) « تالله کُلُّ ما أخبرناهم قد ظهر و لا مردّ له الا بان يظهر، لانه جری من اصبع عزّ قدیر.» (سوره وفا، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۱۸) [مضمون: به خداوند قسم، همه آنچه که به آنان خبر داده بودیم، بعضی ظاهر شده و (باقی نیز) ناگزیر ظاهر خواهد شد، زیرا که از انگشت قدرت و عظمت جاری شده است..]

۲۳) « تغییر این ارض و حوادث عالم، آنچه را که ثبت شده (از جمله، و عود الهی)، تبدیل ننماید و محو نسازد؛ انه جری من قلم الاثبات؛ لا تأخذه المحو بدوام الملك و الملكوت.» (لثالی الحكمة ۳، ص ۲۹۷) [مضمون بخش عربی: آن (آنچه ثبت شده)، از قلم اثبات جاری شده است و به دوام ملك و ملكوت، محو و نابودی، آن را اخذ نخواهد کرد.]

۲۴) « آنچه از قلم اعلی جاری، ظاهر شده و می شود.» (آیات الهی ۲، ص ۱۶۸)

۲۵) « آنچه از قلم اعلی جاری، البتّه ظاهر شده و خواهد شد.» (جمال ابهی، مجموعه الواح مبارکه به خطّ جناب مشکین قلم، ص ۱۷)

- (۲۶) « سوف ترى ما وعدت به من لدى الحقّ مشرقاً من افق الوفاء، انّ ربك لذو فضل عظيم.» (آثار قلم اعلى ۱، فقرة ۱۲۴، ص ۱۸۴) (مضمون: به زودی آنچه را حق به تو وعده داد، از افق وفا درخشنده و تابان خواهی دید؛ همانا پروردگارت صاحب فضل عظیم است).
- (۲۷) « قدرت حق سبقت گرفته و اقتدار کلمه احاطه کرده به شانی که مع اعراض ملوک و مملوک و عبده اوهام و مع استعداد و منع کل، نور امر در هر ارضی مشرق مشاهده می‌گردد. سوف يظهر ما انزلناه فى الزبر و الالواح كما ظهر ما اخبرنا القوم به من قبل، انه هو العزيز العلام.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۲۱۴- مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۱۶۳) (مضمون بخش عربی: به زودی آنچه در زبر و الواح نازل کردیم ظاهر خواهد شد؛ همان‌گونه که آنچه از قبل به قوم خبر دادیم، ظاهر شد. همانا او عزیز و علام است).
- (۲۸) « آنچه در الواح از قلم اعلى جاری شده، ظاهر گشته و می‌گردد.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۲۴۵)
- (۲۹) « زود است که آنچه را لسان حکایت می‌کند، چشم ادراک نماید.» (آیات الهی ۱، ص ۳۱ دسامبر- قلم اعلى ۷، ص ۶۶)
- (۳۰) « البتّه آنچه از قلم اعلى نازل شده، ظاهر خواهد شد.» (آیات الهی ۲، ص ۳۰ اوت)
- ب) از آثار حضرت عبدالبهاء
- (۳۱) « هیچ چیز نمی‌تواند مانع از تحقق کلمه‌الله شود.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، دوشنبه، ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱)
- (۳۲) « آنچه از قلم اعلى صادر، البتّه ظاهر و باهر خواهد شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقرة ۱۸۶)
- (۳۳) « این (صلح و عدل و حبّ)، از امور مبروره محتومه کور ظهور است.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، ص ۱۷۸)
- (۳۴) « این امور (هفت شمع وحدت) که ذکر شد، جمعاً قطعی الحصول است؛ زیرا قوتی ملکوتی مؤید آن.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)
- (۳۵) « آنچه در الواح الهیه اخبار داده شده است، کلّ ظاهر گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقرة ۱۴۴)
- (۳۶) « آنچه از قلم اعلى صادر حتمی الوقوع (است).» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقرة ۱۱۷)

۳۷) « إخبارات جمال قدم البتة كل ظاهر و محقق گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقرة ۲۸۹)

۳۸) « آنچه از قلم میثاق صادر یقین بدان محقق و ظاهر خواهد شد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۷، ص ۱۵۶)

۳۹) « آنچه حق خواهد آن واقع گردد و مادون حق، لیس لهم من الأمر شیئا.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۱۴۸) (مضمون عبارت عربی: غیر حق بر چیزی توانا نیست.)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۴۰) « ای یاران و مشتاقان جلوۀ امر رحمن، قلب را مطمئن نمایند و خاطر را آسوده کنید. ان الله لا یخلف وعده؛ لکم میعادکم لاتستأخرون ساعة و لاتستقدمون. در قرآن حکیم خداوند علیم می فرماید "و سوف تظهر آثارها اشد و اقوی و لایصدنک عنها من لایؤمن بها و أتبع هوایه فردی."» (توقیع منیع نوامبر ۱۹۲۷، مجموعه ی توقیعات مبارکه ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۶۵) (مضمون بخش عربی: خداوند وعده اش را خلاف نمی کند، میعاد شما برای شما است، ساعتی پس و پیش نمی روید-)

۴۱) « آنچه را صریحاً وعده فرموده، چه از احقاق امرالله و چه از اذهاق و تشتیت شمل معتدین، به رأی العین ظاهر و آشکار سازد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۲-۲۱)

۴۲) « سلطان سریر لاهوت، حضرت رب الجنود،... از اعلی رفارف قدس ندا می فرماید: " (س) اتمم ما وعدتکم به فی الواحی."» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۶) (مضمون بخش عربی: (به زودی) آنچه را در الواح به شما وعده دادم، تمام می کنم.)

۴۳) « اندازات قلم اعلی عنقریب کل تحقق یابد و بشارات طلوع صبح هدی رخ بگشاید.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۹۷)

۴۴) « آنچه از قلم اعلی نازل گشته محتوم است و واقع و حکم بداء از آن مرفوع.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۹۸)

۴۵) « شکر و سپاس مهیمن مختار را لایق و سزا که آنچه را به آن وعده داده ظاهر فرمود و عنقریب آنچه در خزائن تقدیر مستور و مخزون است از پس پرده ستر و خفا به اصبع اقتدار برون آید و شهره آفاق شود. صبر و تحمل لازم.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۷۱)

۴۶) « عنقریب... مسطورات قلم اعلی من دون استثناء، کالتقش فی الحجر در قلب جهان و جهانیان منطبع و مرتسم گردد. یومئذ ینوح المکذوبون و یفرح المؤمنون بنصرالله.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-

۱۹۲۷، ص ۱۳۱) (مضمون عبارت عربی: آنگاه دروغگویان نوحه خواهند کرد و مؤمنان از نصرت خداوند شادی خواهند نمود).

۴۷) « امر عزیز الهی در عهد آتیه عصر تکوین که عصر ثانی دور بهایی است و در عصر ذهبی^۱ که عصر ثالث و اخیر نخستین دور کور مقدس است، مراحل باقیه را در کافه ممالک و دیار که به انوار ساطعه‌اش در این قرن پراوار منور گشته، طی نماید و وعود الهیه که در خزائن صحف قیمه مخزون است کلّ تحقق یابد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۱۱۱)

۴۸) « یاران را... اطمینان دهند که آنچه این عبد (حضرت ولیّ محبوب امرالله) کراراً و مراراً در مکاتیب عدیده از قبل و بعد بشارت داده و تأکید نموده، مکشوف و عیان گردد؛ و انّ هذا الوعد، غیر مکذوب.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۷۷-۳ شهرالنور ۹۴ بدیع، مطابق با ۷ جون ۱۹۳۷) (مضمون عبارت عربی: همانا این وعده، تکذیب‌ناپذیر است.)

۴۹) « بشارات کتاب حضرت دانیال^۲ تحقق پذیرد.» (توقیع منیع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

۵۰) « امر ستم‌دیده الهی... مراحل مقدّره محتومه (ی هفتگانه مجهولیت، مظلومیت، انفصال، استقلال، رسمیت، سلطنت الهی^۳، سلطنت جهانی بهایی) را متتابعاً مترادفاً طی نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه مودت، ص ۳۲)

۵۱) « این عبد (حضرت ولیّ امرالله... یاران (احباب ایران) را به صبر و شکیبایی و تحمل این مشقات و متاعب و مصائب دلالت نماید، الی ان ینجز الله وعده و یرفع امره... و یحقّق آمال اولیائه و اودائه.» (۱۳ شهرالقدرة ۱۰۴ بدیع، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۱) (مضمون جملات عربی: تا این که خداوند به وعده‌اش وفا کند و امرش را ارتفاع بخشد... و آمال اولیاء و دوستانش را محقق سازد.)

۵۲) « وعود الهیه... تحقق یابد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)

۵۳) « این وعود الهیه و بشارات سامیه که از قلم اعلی و کلك ملهم مرکز میثاق صادر گشته، به مدلول این آیه مبارکه حتمی الوقوع است. قوله الاحلی: "آنچه از قلم اعلی جاری، البتّه ظاهر شده و خواهد شد و لایبقی من حرف الا و قد یراه المخلصون مستویاً علی عرش الظهور."» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه

^۱ به مبحث ۱۳۰ مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۲، فقرة ۷۶ مراجعه شود.

^۳ به مبحث ۱۳۵ رجوع شود.

نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۷۸] (مضمون بخش عربی: حرفی باقی نمی ماند مگر آن که مخلصان آن را مستوی بر عرش ظهور خواهند دید).

۵۴) « بر اساس این اصول تشکیلاتی خداداده است که آیین حضرت بهاءالله، یعنی سفینه نجات عالم انسانی، باید شکل یابد و تجسم پذیرد و بر همان اساس است که جمیع مواهب آینده نوع انسان تحقق می یابد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۶-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۵۵) « این است (رئوس کلی جامعه متحد جهانی) هدف و مقصدی که نوع انسان ناکزیر بر اثر نیروهای وحدت بخش حیات به سویش روان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۵۶) « دعوت حضرت بهاءالله... هم شامل انذار و اخطاری است و هم حاوی مژده و بشارتی: اخطار به این که نجات این جهان محنت زده تنها در اجابت آن دعوت میسر گردد و بشارت به این که تحققش به زودی در این عالم امکان به وقوع خواهد پیوست.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۵۱-نظم جهانی بهایی، ص ۶۴-توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۵۷) « آنچه... که در کتاب اقدس و الواح وصایا... وعده داده شده، البته در آینده در میقات مقدر، مقرر گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۲-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۵۸) « آیا این وعده صریح و اطمینان بلیغ از قلم ملهم جمال قدم جل اسمه الاعظم نازل نشده که می فرماید: «فوالله الذی لا اله الا هو، لو یقوم واحد منکم علی نصره امرنا، لیغلبه الله علی مائة الف؛ ولو ازداد فی حبه، لیغلبه الله علی من فی السموات و الارض؟» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۲۸) (مضمون بخش عربی: قسم به خداوند یگانه، اگر یکی از شما بر نصرت امر ما قیام کند، خداوند او را بر صد هزار نفر غالب خواهد کرد و اگر بر محبتش بیفزاید، قطعاً خداوند او را بر اهل آسمانها و زمین چیره خواهد نمود.)

۵۹) « وعود محتومه الهیه ظاهر و شمس عزت ربانیه شارق و بازغ خواهد گردید.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۳۴)

۶۰) « هیچ امری نخواهد توانست خط مشیی را که قلم ملهم حضرت عبدالبهاء... برای موفقیت روحانی آن سرزمین (کشور آمریکا) ترسیم و تصویر نموده است^۱، بالمآل تغییر دهد.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۸۴)

^۱ به بحث ۳۴ مراجعه شود.

- (۶۱) « شبهه‌ای نیست که... آنچه وعده صریح الهی است، تحقق پذیرد.» (حضرت ولی امرالله، ۱۳ شهرالقدره ۱۰۴ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۷)
- (۶۲) « آنچه دلخواه من اراده الله و وعده صریح مرکز عهدالله بوده، کاملاً تحقق پذیرد.» (حضرت ولی امرالله، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۶۹)
- (۶۳) « همم و مساعی یاران به اکیلی قبول مکمل و به طراز توفیق مطرز خواهد شد، و این هذا لوعده غیر مکذوب.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۳۴) (مضمون عبارت عربی: همانا این وعده‌ای است راست و درست.)

د) از آثار بیت العدل اعظم

- (۶۴) « صلح مطلوب که رؤیای بشر در طی اعصار و قرون بوده، حال بر اثر نفوذ کلام خلاق حضرت بهاءالله که مؤید به قوه الهی است، تحققش قطعی است.» (بیت العدل اعظم، رساله وعده صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۴، ص ۲۹)
- (۶۵) « ای دوستان مهربان، وقت شادمانی است؛ زیرا وعود حضرت کردگار پی در پی در عالم امکان آشکار و پدیدار شود.» (پیام ۲۱ مارس ۱۹۸۶ / نوروز ۱۴۳ بدیع)
- (۶۶) « فی الحقیقه رب الجنود وعده فرموده است که فتح و ظفر محتوم و کامل نصیب یارانش خواهد شد.» (پیام رضوان ۱۹۹۶)
- (۶۷) « اراده الهی برای بنی نوع انسانی در حال تحقق و استقرار است.» (پیام ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱)
- (۶۸) « آیا حضرت بهاءالله با این کلمات پرهیمنه... وعده فرموده و قوت و قدرت عنایت ننموده‌اند که می‌فرمایند: "از حوادث دنیا محزون مباشید؛ بحر فرح، لقای شما را آمل، چه که هر خیری مخصوص شما خلق شده و به اقتضای اوقات ظاهر خواهد شد؟"» (پیام رضوان ۲۰۰۲)
- (۶۹) « تقدّم نقشه عظیم الهی، فتح و ظفر نهایی امر یزدانی، و پیشرفت جهان به سوی وحدت عالم انسانی، امری است محتوم.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

۱۱. تحقق وعود امری تدریجی است (۱۶)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « در حین ظهور، کلّ اشیاء حامل فیوضات و استعدادات لا تُحصی شده^۱ و خواهد شد، و به اقتضای وقت... ظاهر می‌شود.» (آیات الهی ۱، ص ۳۵۴)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « حال به حسب ظاهر اگر چه آثار باهره^۲ این طلوع الهی بتمامه در حیز شهود مشهود نه؛ اما در حقیقت وجود تحقق یافته و به مقتضای استعداد این عباد ظاهر و عیان گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، فقره ۱۰۴)

(۳) « هر چند هنوز به ظاهر، این نجم هدی (صلح و عدل و حبّ جهانی) در افق عالم باهر نه، ولی صبح مبینش ساطع و عنقریب شمس منیرش طالع گردد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، ص ۱۷۸)

(۴) « عالم ایجاد به حقائق انوجاد و احکام و تجلیات حقیقت کلیه و هویت جامعه متجلی شد؛ حال عالم حبه است، عنقریب از این حبه شجر عظیم بروید و از این ذره فروغ و دوحه و اوراق مخضره و شکوفه و ثمره پدیدار گردد، آنوقت آیه مبارکه: " و ترى الأرض هامدة و اذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت و انبت من کلّ زوج بهیج"^۲ رخ بگشاید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۸، ص ۱۴۰) (مضمون بخش عربی: می‌بینی زمین را خشک و مرده، و آنگاه که بر آن آب نازل نماییم به جنبش آید و پرورش یابد و از هر زوجی به زیبایی برویاند.)

(۵) « آنچه از قلم اعلی صادر البتّه ظاهر و باهر خواهد شد؛ ولی هنوز عالم انسانی بتمامه مستعدّ این کامرانی نیست؛ اندک اندک این موهبت آسمانی از افق جان و وجدان طلوع کند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، فقره ۱۸۶)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۶) « یکتا نجات دهنده عالمیان آنچه را وعده فرموده... به مرور ایام مکشوف و واضح گردد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۹۹)

(۷) « به کرات و مرات از لسان اطهر مرکز میثاق... شنیده شد که هر چند منطوق بعضی از نصوص کتاب الهی واضح و عیان گردید و حقایق مکنونه مکشوف شد... ولی با وجود این... هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده قضا مکنون و تحقق مواعید جانپوریش به وقت دیگر مرهون.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۸-۲۷۷)

^۱ به مبحث ۵۳ رجوع شود.

^۲ سوره حج، آیه ۵.

- (۸) « وعود صریحهٔ محتومه‌اش متتابعاً در ظهور و بروز (است). » (مجموعهٔ توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۶۴)
- (۹) « مصداق بشارات قلم اعلی در شرف ظهور و وقوع است و نتایج بلیات و صدمات و مشقات متوالیه حضرت اعلی و جمال اقدس ابهی و مولای عزیز حضرت عبدالبهاء متدرجاً باکملها و احسنها واضح و مکشوف می‌گردد. » (حضرت ولی امرالله، مائدهٔ آسمانی ۳، ص ۴۹)
- (۱۰) « چون این بنیان اعظم (بیت‌العدل اعظم)، بر این اساس اقوم مرتفع شود، نوایای مقدسهٔ الهیه و حکم و معانی کلیه و رموز و حقائق ملکوتیه که در وصایای مبارکه، الهامات غیبی حضرت بهاءالله و دیعه گذاشته (شده)، به تدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید. » (حضرت ولی امرالله، مائدهٔ آسمانی ۳، ص ۲۸)
- (۱۱) « آنچه وعدهٔ الهی است به وقتش ظاهر شود و تحقق پذیرد. » (حضرت ولی امرالله، ۱۳ شهرالقدره ۱۰۴ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۰)
- (۱۲) « آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور، به تدریج از حیز غیب به عرصهٔ شهود خواهد آمد. » (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۷-۸۱۶)
- (۱۳) « به تدریج آنچه در الواح الهیه مسطور و مدون است در این ارض (ارض اقدس) و بلدان دیگر در شرق و غرب، کاملاً تحقق پذیرد. » (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۴)
- (۱۴) « به مرور ایام، مصداق بشارات الهیه در کتب و صحف و زبر و الواح، در اطراف و اکناف عالم تحقق پذیرد. » (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۶)
- (۱۵) « به نحوی روز افزون، علنی و آشکار می‌گردد که وعود درخشانی که مولای فقیدمان مکرراً بیان می‌داشت، به دقتی خارق العاده و با سرعتی اعجاب‌انگیز، یکی پس از دیگری، در حال تحقق است. » (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۱۴۹)
- (د) از آثار بیت‌العدل اعظم
- (۱۶) « وقت شادمانی است، زیرا وعود حضرت کردگار پی‌درپی در عالم امکان آشکار و پدیدار شود. » (پیام نوروز= ۲۱ مارس ۱۹۸۶، مجموعهٔ بشارات جان‌فزا، ص ۶۶)

بخش چهارم- عوامل مؤثر در تحقق و عود (۸۷)

۱۲. مشیت الهی و پروژه‌های ارض اقدس پشتوانه تحقق و عود است (۱۵)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « آنچه ظاهر شده و می‌شود، از کلمه حق جلّ جلاله بوده (است).» (آیات الهی ۱، ص ۳۳۳)
 - ۲) « از برای هر امری میقاتی مقرر و مقدر است؛ اذا جاء الحین، يظهر بالحق من لدی الله رب العالمین.» (مجموعه الواح حضرت بهاءالله به خط مشکین قلم، ص ۲۷۷) (مضمون بخش عربی: هنگامی که وقتش برسد، حقیقتاً از نزد خداوند، پروردگار جهانیان ظاهر خواهد شد.)
 - ۳) « سوف یظهرالله ما کان مستوراً فی هذا الیوم.» (حضرت بهاءالله، آیات الهی ۲، ص ۲۱) [مضمون: به زودی خداوند آنچه را که در این یوم (دور بهایی) مستور است، ظاهر خواهد کرد.]
 - ۴) «..همه مردمان زمین به یقین بدانند و با چشمان درونی و بیرونی مشاهده کنند که پروردگار تمامی نام‌ها، تحت جمیع شرایط و احوال، بر اهل عالم استیلا داشته و به این سلطه و غلبه نیز ادامه خواهد داد.» (حضرت بهاءالله، مندرج در مرور معبود، ص ۲۹۵)
 - ۵) « آنچه در ارض مشاهده می‌نمایی... کلّ، به اراده الهیه بوده و خواهد بود... ذره‌ای از ذرات حرکت نمی‌کند، مگر به اراده حق.» (آیات الهی ۱، ص ۳۴۴)
 - ۶) « اراده او مهیمن است بر اراده‌های اهل عالم و قدرتش نافذ و علمش محیط بوده و خواهد بود.» (آیات الهی ۲، ص ۲۱)
 - ۷) « فسوف یغلب ما اراد الله و تری کل الارض جنة الابهی.» (لوح رئیس) (جمال ابهی، امر و خلق جلد ۴، ص ۴۷۵) (مضمون: به زودی آنچه که خداوند اراده فرموده، غالب خواهد شد و تمامی زمین را جنت ابهی خواهی دید.)
 - ۸) « محزون مباشید، عنقریب (به زودی) ... ما اراد الله (آنچه خدا اراده نمود) ظاهر و هویدا خواهد گشت. انه علی کل شیء قدیر.» (جمال ابهی، امر و خلق ۴، ص ۴۷۵)
- ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۹) « آیا... به ادراک و به ذکاء طبیعی کشف این وقوعات (انذارات جمال مبارک به سلاطین که در مدّت قلیله تحقق یافت)... ممکن است؟... لا والله، مگر به قوّه ملیک مقتدر تحقّق یابد و به کلمه نافذهاش مُجری کند و از پیش خبر دهد.» (مکاتیب ۱، صص ۳۸۲-۳۸۱)

۱۰) « این امور که ذکر شد (شمع‌های هفت گانه وحدت- م) جمعاً قطعیّ الحصول است؛ زیرا قوتی ملکوتیه مؤید آن.» (حضرت عبدالبهاء، توقیع ۸۹ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۸)

۱۱) « فی الحقیقه خداوند آنچه را اراده نماید مُجری سازد و احدی قادر بر انعدام میثاق او نیست.^۱» (ترجمه) (حضرت عبدالبهاء، مندرج در ارکان نظم بدیع، ص ۳۱۱)

۱۲) « حقّ تا امری را ظاهر نفرماید، هرچند مشهورتر از آفتابست و معروف‌تر از ماه عالمتاب، باز در تحت استار است و در خلف پرده مخفی نه آشکار و چون پرده را حقّ بردارد واضح گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۴۳۹)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱۳) « يُخْرِجُ (الله) من بطون هذا الكور الالعم الامنع الخطير^۲، ما اراده.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۲۰) (مضمون: خداوند از بطن‌های این کور درخشان خطیر بلند مرتبه، آنچه را اراده نموده است خارج خواهد کرد.)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۴) « در این ایام، اهل بهاء البتّه این فرصت مبارک را غنیمت شمارند و همّت والا بگمارند تا این تأسیسات عظیمه (مشروعات حول قوس کرمل) به انضمام طبقات بدیعه نورانیّه مستظله در ظلّ مقام مقدّس اعلیٰ اتمام پذیرد... و تحقّق و عود الهیه را تسریع کند.» (پیام آگوست ۱۹۹۳)

۱۵) « هنگامی که نقشه عظیم الهی^۳ با نقشه کوچک‌تر پروردگار تداخل می‌کند ادنی تردیدی نباید روا داشت که در میقات معین، تقدیر الهی فرصتی را برای امکانات درخشان ترقّی و تقدّم منافع و مصالح امر شکوهمند الهی فراهم خواهد آورد.» (پیام رضوان ۲۰۰۳)

^۱ به مبحث ۸۲ رجوع شود.

^۲ به مبحث ۱۴۹ مراجعه شود.

^۳ به مبحث ۷۷ رجوع شود.

۱۳. دعا وسیله تحقق وعود است (۱۷)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « ای سمندر نار موقده... جمال مبارک... در اواخر ایام از فم مطهر وعده فرمودند که... نفوسی مبعوث گردند و هیاکل مقدسی مشهود شوند که انجم سماء هدایتند و انوار فجر عنایت^۱... دعا و تصریح فرمایند که این نفوس به فضل جمال قدم زود مبعوث گردند.» (حضرت عبدالبهاء، پیام بهایی، بندی ۱۵۲، ص ۳۰- نیز مندرج در مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۹-۱۹۲۲، ص ۱۷۸)
- (۲) « ای پروردگار، وعد خویش را آشکار کن و سلالة حضرت خلیل^۲ را بزرگوار فرما.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، ص ۴۹۴، فقرة ۴۴۷)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- (۳) « از آن مولای حیّ توانا (حضرت عبدالبهاء) رجا و تمنّا نمایم که... وعود الهیه جلوه نماید و تحقق یابد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۸۱)
- (۴) « از درگاه یکتا نجات دهنده عالمیان از اعماق قلب مسئلت نمایم که آنچه را وعده فرموده چون شمس در وسط سماء ظاهر و آشکار سازد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۹۹)
- (۵) « بشارات موعوده تحققش... منوط به توجه و استعانه مستمر آن نفوس از مصدر الطاف است.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۲۸)
- (۶) « این عبد در احیان زیارت... تحقق وعود الهیه را در آن سامان (ایران)، به کمال عجز و نیاز طالب (هستم).» (حضرت ولی امرالله، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۱)
- (۷) « تحقق مواعید الهی... را... در موطن اصلی (امرالله)، از آستان الهی ملتسم.» (حضرت ولی امرالله، تلگراف ۱۲ جولای ۱۹۵۰، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۲۹)
- (۸) « برای تحقق عاجل مواعید پر جلال... دعا می‌کنم.» (حضرت ولی امرالله، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۱۶)
- (۹) « ای قویّ قدیر... مصداق وعود منصوبه کتاب اقدس را بر عالمیان ظاهر و آشکار کن.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

^۱ به مبحث شورانگیز ۱۲۰ مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۳۲ رجوع شود.

- ۱۰ «ای ربّ توانا... وعدت را وفا نما... دیده انتظار را روشن کن.» (مجموعه مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۵)
- ۱۱ «ای مولای توانا... حزن و اندوه این مصیبت زدگان را...، به تحقق وعده‌های جان پرورت محو و زائل کن.» (مجموعه مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۷)
- ۱۲ «ای مولای توانا... تو شاهد و آگاهی که این مشیت ضعفا... امید و اتکالی جز وعده‌های صریحه‌ات... نداشته و ندارند.» (مجموعه مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۸)
- ۱۳ «ای مولای بی‌همتا... قوه و استطاعتی بر... تحقق نواییت عطا نما.» (مجموعه مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۹)
- ۱۴ «ای پاک پروردگار... به وعده‌های جان پرورت دل بسته (ایم).» (مجموعه مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۱۵)
- ۱۵ «ای قویّ قدیر... وعود الهیه (را) که در کتاب اقدس مسطور، اکمال و اتمام فرما.» (مجموعه مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۱۹)
- ۱۶ «ربّنا و ملاذنا، ازل کرونا بزوغ شمس و عدک الکریم.» (مجموعه مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۳۶) (مضمون: ای پروردگار ما و پناه ما، اندوه‌هایمان را به تابش خورشید وعده کریمت زائل کن.)
- ۱۷ «بر ما است که... از دل و جان دعا نمایم تا جمال یزدانی آن مقصد آسمانی را که اعظم نتیجه ذهن و قاد حضرت بهاءالله و ابهی ثمره تمدن اهل عالم است (استقرار ملکوت ابهی بر بسیط غربا)، هرچه زودتر در عالم امکان تحقق بخشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۶، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۱۴. تحمّل بلایا و فداکاری‌های احبّا عامل تحقق وعود است (۲۰)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱ «قد جعل الله البلاء اكلیلاً لرأس البهاء، سوف تستضيء منه الآفاق.» (جمال ابهی، نقل توسط حضرت ولیّ امرالله، مائده آسمانی ۶، ردیف ق از باب بیست و یکم، ص ۶۵- آثار قلم اعلی ۱، فقرة ۱۱۲، ص ۱۷۲ / نیز مذکور در توفیق منبع نوامبر ۱۹۲۷، مجموعه توفیقات مبارکه ۱۹۳۹-۱۹۲۷،

^۱ به مبحث پرشکوه ۱۴۷ مراجعه شود.

ص ۶۶) (مضمون بیان: خداوند بلا را تاجی برای رأس بهاء قرار داد. به زودی عالم از آن نورانی خواهد شد)

(۲) « قَلَّ إِنَّ الْبَلَاءَ مَاءٌ لِمَا زَرَعْنَا فِي الصُّدُورِ، سَوْفَ تَنْبُتُ مِنْهُ سِنْبَلَاتٌ يَنْطِقُ كُلُّ حَبَّةٍ مِنْهَا، إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. » (جمال قدم، منقول در توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۲۹) (مضمون: بگو بلایا به مثابه آب است برای آنچه در سینه‌ها کشتیم، به زودی از آن، خوشه‌هایی خواهد روید که هر دانه‌اش به نطق آید که، نیست خدایی جز او که عزیز و حکیم است.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۳) « اگر چه امتحان در این ایام، بی حد و پایانست؛ ولی فضل و الطاف یزدان نیز بی حساب و بی‌کران؛ همیشه متذکر بلایای شما هستم و از حق طلب استقامت و ثبوت می‌نمایم. این بلایا تخم افشانست؛ عنقریب ملاحظه خواهید نمود که برکت خرمن گشته و فیض نامتناهی مبذول داشته.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، فقرة ۳۰۳)

(۴) « این مصیبت، فوق مصیبت‌هاست... این وقایع (امورات واقعه در ایران) سبب گردد تا آنچه در الواح مقدسه مذکور و مضبوط تحقق یابد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، ۵، باب اول از ردیف ن، ص ۲۶۳)

(۵) « اگر تعرض مستکبرین و تهتک مرجفین (پرده‌دری اراجیف‌گویان) نبود و فریاد بر منابر و بیداد اکابر و اصاغر و تکفیر جهلاء و عربده بلها نبود... وعده‌های انبیاء و بشارات اصفیاء و نویدهای مظاهر احدیه به این بقعه مبارکه (اراضی مقدسه) چگونه تحقق می‌نمود؟ » (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، ۵، باب اول از ردیف ث، ص ۱۰۵)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۶) « ثبات و استقامت یاران (در بلایا) تأثیری عظیم و نفوذی شدید در... کیفیت ظهور و عود الهیه... دارد.» (حضرت ولی امرالله، امر و خلق، ۴، ص ۴۸۲)

(۷) « این قبیل اشاعات و روایات و حملات که از طرف اهل غل و بغضاء وارد و ظاهر می‌گردد، وسائل و تمهیدات غیبیه‌ای است از برای تسریع و تحقق آن یوم موعود و فتح و ظفر مشهود.» (حضرت ولی امرالله، مجموعه بحران‌ها و پیروزی‌ها، بند ۸۴)

^۱ بخصوص، به مباحث ۳۳ و ۷۳ مراجعه شود.

۸ « با وجود این محن و فتن و موانع و مشاگل و مصاعب و مصائب^۱، امر عزیز الهی یوماً فیوماً در ارتفاع... و عود الهیه ظاهرتر و باهرتر.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۷۶)

۹ « اگر چنانچه تلاطم دریای بلا ازدیاد یابد و طوفان محن و رزایا از شش جهت آن جمعیت مظلوم (احبای ایران) را احاطه نماید، بحق‌الیقین بدانید و آنی متردد (آدم شکاک) نمایند که میعاد نجات و میقات جلوۀ موعودۀ دیرینه نزدیک گشته و وسائل اخیرۀ فوز و نصرت عظمی از برای ملت ستمدیده بهاء، در آن کشور مهیا و فراهم شده (است).» (حضرت ولی امرالله، مجموعه بحران‌ها و پیروزی‌ها، بند ۵۳)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۱۰ « نفس این مکابره و مقابله و مهاجمه (صف‌آرایی جهانی علیه امرالله، مبحث ۱۹)... سبب تشنیت شمل اعداء شود و بالمآل... صبح و عود الهیه برمد و جهان جهان دیگر شود^۲.» (پیام ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۲۴)

۱۱ « یاران عزیز در ایران... در نهایت مظلومیت و صداقت و حکمت و شجاعت...تن به قضا داده‌اند و سر بر وادی تسلیم و رضا نهاده، تحمل هر بلایی را آماده‌اند؛ زیرا به یقین مبین، تحقق و عود حتمیه الهیه را مستلزم وقوع حوادث شدید و تحمل مشکلات عدیده دانند.» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۳۰)

۱۲ « تردیدی نیست که ظلم و ستم پیگیری که با این قساوت، بر احبای ایران وارد می‌شود، بالمآل مغلوب و مقهور ید قدرت الهی خواهد گردید و جریان حوادث را، به اسبابی غیبی، به سوی مقدرات قطعیۀ پرشکوه و جلالی که از مواعید الهی است، سوق خواهد داد.» (بیت‌العدل اعظم، پیام رضوان ۲۰۰۰)

۱۳ « بهایان ایران... به دست توانای حضرت بهاءالله و در راه تحقق نوایای مقدسه‌اش مبعوث، و پرورش و آمادگی یافته‌اند.» (پیام ۱۲ ژانویه ۲۰۰۴)

۱۴ « احبای ایران همچون نیاکان خود، نقش خود را در راه تحقق نوایای مقدسه الهیه، با موفقیت، انجام داده و خواهند داد.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

۱۵ « "این بلایا و رزایا و زجر و حبس و محنت و ابتلا در ساحت کبریا مذکور و اجرش موفور و محتوم. انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب". برکات آسمانی و قوای روحانی منبعثه از اهراق دماء شهیدان و

^۱ به مبحث ۱۹ رجوع شود.
^۲ به مبحث ۱۰۲ مراجعه شود.

فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های قاطبه اهل بهاء در آن سرزمین (ایران) در تحمّل شرایط طاقت فرسا، وسایل تحقّق و عود مبارکه الهیه را یکی بعد از دیگری مهیا ساخته و می‌سازد.» (پیام ۲۹ جون ۲۰۰۶) (مضمون عبارت عربی: اجر صابران بی حدّ و حساب داده می‌شود).

(۱۶) «این گونه وقایع (دستگیری ۵۴ نفر از جوانان بهایی شیراز) و نتایج حاصله از آن، ماهیت اصلی جامعه بهایی و مقاصد غیر انسانی دشمنان را به عالمیان می‌شناساند و مخالفین را در انجام مقاصد خود مأیوس می‌کند و فرارسیدن روز موعود را بشارت می‌دهد.» (پیام ۵ نوامبر ۲۰۰۶)

(۱۷) «توضیح حضرت ولیّ عزیز امرالله در یکی از توفیعات مبارکه، به صراحت حاکی از آن است که: "میقات رفع تضيیقات و آزادی امرالله و استقلال شریعت الله مجهول و علمش عندالله؛ ولی ثبات و استقامت یاران تأثیری عظیم و نفوذی شدید در وقایع حالیه و کیفیت ظهور و عود الهیه و اعلان شریعت سماویّه دارد."» (پیام ۱ می ۲۰۰۷)

(۱۸) «قوای منبعثه از این فداکاری‌ها (از جانب احبای ایران) و تحمّل از شرایط طاقت فرسا بر طبق وعده‌های مبارکه، موجب پیشرفت امرالله بوده، و مآلاً موجب تأسیس وحدت عالم انسانی^۱ خواهد شد.» (پیام ۱۵ می ۲۰۰۷)

(۱۹) «ید قدرت الهی برای احبای ممتحن ایران وظیفه‌ای مخصوص در انجام نوایای حضرت غنیّ متعال معین کرده است... استقامت در ایران، بقای جامعه اسم اعظم و رشد و شکوفایی مستمرّ آن، اساس تحقّق نوایای الهی است و جوانان عزیز سهم عظیمی از این مسئولیت را بر عهده دارند.» (پیام ۱۵ می ۲۰۰۷)

(۲۰) «احبای ممتحن (ایران) که در راه تحقّق و عود الهی... از هر نوع فداکاری ابایی نداشته و جان و مال و راحت و آسایش و پیشرفت مادی فرزندان خود را در این راه اینثار کرده و می‌کنند، از جمله دل‌باختگان واقعی جمال دوست محسوب و به اجری جزیل و مقاماتی عالی که در الواح مذکور است فائز خواهند شد.» (پیام ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۹)

۱۵. تبلیغ امرالله ضامن تحقّق و عود است (۸)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

^۱ به مبحث ۱۰۳، و بخصوص مبحث ۱۳۰ مراجعه شود.

(۱) « حال وقت آنست که احبای الهی رایت وحدت را بلند نمایند و آیت الفت را در مجامع وجود تلاوت کنند و کل را بر احدیت فیض الهی دلالت نمایند تا این که خباء تقدیس در قطب امکان بلند گردد و جمیع امم را در ظل کلمه توحید در آرد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۳۰۵)

(۲) « این موهبت (خباء تقدیس در قطب امکان بلند گردد و جمیع امم را در ظل کلمه توحید در آرد) وقتی در قطب اکوان جلوه نماید که احبای الهی به نشر رائحه طیبه محبت عمومیّه پردازند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۳۰۵)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۳) « بشارات موعوده، تحقّقش متوقف بر همت یاران است و استقامتشان در سبیل اعلاى امرالله.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۲۸- مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۶۵)

(۴) « باید... دقائق و جزئیات امور را تا حدی ترک نمود و در مهمّ امور که ارتفاع صیت امر و حفظ حصن حصین شریعت الله است و تحسین اخلاق افراد بشر است، کوشید تا (از جمله)... وعده‌های صریحه منزله از قلم میثاق تحقّق یابد.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۲۰- مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۷)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۵) « هرچه بر تعداد... نفوس مقبله بیفزاید... وعود جمال الهی رخ بگشاید.» (پیام آگوست ۱۹۹۳، مجموعه بشارات جان فزا، ص ۷۹)

(۶) « سرعت تحقّق وعود الهیه در آن خطّه مبارکه (ایران) تا حد زیادی به جدیت احبای عزیز در میدان تبلیغ، با رعایت حکمت وابسته است.» (بیت العدل اعظم، پیام مورخ ۷ جون ۲۰۰۷)

(۷) « در دست خط‌های عدیده‌ای که توسط و یا از طرف بیت العدل اعظم صادر گشته، تأکید و گوشزد شده است که سرعت تحقّق وعود الهیه در آن خطّه مبارکه (ایران) تا حد زیادی، به رعایت اصل حکمت از جانب احبای عزیز در میدان تبلیغ وابسته است.» (پیام ۲۰ دسامبر ۲۰۱۰)

(۸) « احبای الهی همیشه موظّف و مکلف به تبلیغ امرالله بوده و هستند؛ چه که انجام (دادن) این فریضه ربّانی، لازمه استمرار تأییدات غیبیه رحمانیه و وسیله تحقّق وعود الهیه و استقرار نظم بدیع جهان‌آرای^۱ جمال ابهی است.» (پیام ۱۳ آوریل ۲۰۰۸ / نیز با کمی تفاوت، پیام ۱۳ ژانویه ۲۰۱۳)

^۱ به مبحث ۱۲۹ مراجعه شود.

۱۶. وظیفه‌شناسی مؤمنان مؤثر در تحقق وعود است (۱۸)

(الف) از آثار حضرت بهاء‌الله

(۱) « از حق بطلب و میطلبیم اهل بها را موفق دارد بر حفظ آیاتی که سبب ارتفاع و ارتقاء عباد است؛ چه اگر از آیات منزله در مجالس در هر مقام قرائت شود عنقریب عالم از ما عِنْدَهُمْ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ تَوَجَّه نمایند.» (لثالی الحکمة ۳، فقره ۱۵۱)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « دعا می‌کنم که شور و شوق روحانی شما افزون گردد و قدرت و وحدت معنوی شما بیشتر شود، تا وعود الهی تحقق پذیرد و در این قرن عظیم انوار الهی بشارات مندرج در کتب مقدسه محقق گردد. این همان زمانی است که حضرت مسیح در باره‌اش سخن گفته، هنگامی که فرمود "ملکوت بیاید، اراده‌ات بر زمین جاری گردد، همان سان که در آسمان جاری است" (ترجمه) امیدوارم که انتظار و آرزوی شما همین باشد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۹ نوامبر ۱۹۱۱)

(۳) « این موهبت (خباء تقدیس در قطب امکان بلند گردد و جمیع امم را در ظلّ کلمه توحید در آرد) وقتی در قطب اکوان جلوه نماید که احبای الهی به موجب تعلیمات رحمانیه قیام کنند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۳۰۵)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۴) « یوم یوم همّت و جانفشانی (است)، باید به اعمال پسندیده، اوامر الهیه را اجرا نماییم و توکل به حق کنیم تا آنچه را اراده فرموده من دون تأخیر تحقق یابد.» (حضرت عبدالبهاء، نقل توسط حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۶۷)

(۵) « ید غیبی الهی در تقلیب نفوس و ارواح مشغولست و شبهه‌ای نیست که اگر یاران ثابت و راسخ مانند و در نهایت تمکین و حکمت به وظائف خود قیام نمایند، اموری عجیبه از پس پرده حکمت الهی مشهود و عیان گردد و جنود تأیید به قوایی ملکوتی و به اسباب غیرمنتظره و در نقاطی مخصوصه، نصرت امر قیوم را خواهند کرد و چشم روحانیان را در تمام قطعات عالم روشن و منور خواهند نمود.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۵۴)

(۶) « بشارات موعوده، تحقّقش متوقّف بر همت یاران است.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۲۸)

(۷) « بشارات موعوده تحقّقش... مشروط به مراعات حکمت و توطید (محکم و استوار کردن) ارکان مشورت و تألیف قلوب در بین احبّاء (است).» (حضرت ولیّ امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۲۸)

(۸) « احبّای الهی... هر قدر اساس این محافل (محافل ملّی = بیت‌العدل‌های خصوصی) را محکم‌تر نمایند... نوایای مبارکه زودتر و کامل‌تر تحقّق پذیرد و جلوه نماید.» (توقیع ۲۷ شباط ۱۹۲۳، ارکان نظم بدیع، ص ۲۲۴)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

(۹) « هرچه یاران در خدمت آستانش راسخ‌تر، تأییدات غیبیه مبارکه‌اش شامل‌تر و هرچه عنایات فائده‌اش شدیدتر، تحقّق و وعدود محتومه‌اش سریع‌تر.» (پیام آوریل ۱۹۶۴ - جزوه ۴، ص ۱۱۶)

(۱۰) « اهل بهاء... فضلا من عنده، به منزله و سائط و وسائل تحقّق اراده الهیه در تأسیس مدنیت روحانی و وحدت عالم انسانی محسوبند.» (پیام ۹ شهرالعرّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۲۲)

(۱۱) « عهد و میثاق حضرت بهاءالله... چون حلقه اتّصالی، گذشته و آینده را به یکدیگر متصل نموده و ادوار سابقه را با عهد و اقسام متتابعه آتیه، در مسیر تحقّق و وعدود قدیمه سالفه الهیه، مرتبط ساخته است.» (پیام رضوان ۱۹۸۷)

(۱۲) « از یاران عزیز در جمیع نقاط دعوت می‌کنیم... با تبرّعات کریمانه خود و وعدود حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله را برای استقرار مؤسّسات فخیمه امر اعظم الهی بر جبل الرّب متحقّق سازند.» (پیام ۲۳ می ۱۹۹۰)

(۱۳) « خدمتی (مشارکت احبّاء در اتمام پروژه‌های ارض اقدس) که... اهل ملکوت را به وجد و سرور آورد و تحقّق و وعدود الهیه را تسریع کند.» (پیام ۵ مارس ۱۹۹۳ - جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوّم، ص ۴۵)

(۱۴) « در این ایام، اهل بهاء البتّه این فرصت مبارک را غنیمت شمارند و همت والا بگمارند تا این تأسیسات عظیمه (مشروعات حول قوس کرمل) به انضمام طبقات بدیعه نورانیّه مستظله در ظلّ مقام مقدّس اعلی اتمام پذیرد و این شرافت و منقبت و این موهبت و سعادت شامل حالشان شود که در تأسیس

^۱ کلمه‌ای عبری؛ پنجمین ماه سریانی - یازدهمین ماه سال یهودی - ماه دوّم سال شمسی در بعضی تقویم‌های عربی که معمولا ۲۸ روزه و در سال‌های کبیسه، ۲۹ روزه است - نوزده هزار لغت

- بنیاد مدنیّت آسمانی، به خدمتی (کمک به ساختن ابنیه فخمه در کوه کرمل) موفق گشته‌اند که اهل ملکوت را به وجد و سرور آورد.» (پیام آگوست ۱۹۹۳، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۷۷)
- ۱۵ « فوریتی که علاقه ما را برای حصول چنین اقدامی (اکمال موفقیت آمیز اهداف نقشه سه ساله) تشدید می‌کند، فقط فخر و مباهات از پیروزی... نمی‌باشد، بلکه فرارسیدن زمان مواعید الهی است که باید به موقع تحقّق یابد.» (پیام ۳۱ دسامبر ۱۹۹۵)
- ۱۶ « جدّ و جهد دوستان (در نقشه سه ساله) راهگشای طرحی دیگر، یعنی نقشه چهارساله کنونی گردید. این نقشه وظیفه اهل بهاء را تا اواخر قرن بیستم معین و آنان را آماده می‌سازد تا تحقّق وعود الهیه را سرعتی بیشتر بخشند.» [پیام شهرالبهاء ۱۵۴ بدیع (مارس ۱۹۹۷)- جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه جلد سوم، ص ۱۹- نیز مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۸۵]
- ۱۷ « احبای ایران، همچون نیاکان روحانی خود نقش خود را در راه تحقّق نوایای مقدسه الهیه با موفقیت انجام داده و خواهند داد.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)
- ۱۸ « در این ایام، آنچه بیش از هر وقت دیگر از اهمّ امور محسوب می‌شود، آن است که جوانان عزیز (مدینه شیراز)... بر نقش خود در این مسیر (تحقّق مواعید در میقات معین) که جمال اقدس ابهی به آنان عطا فرموده، بیش از پیش آگاه گردند.» (پیام ۵ نوامبر ۲۰۰۶)

۱۷. حوادث عالم دخیل در تحقّق وعود است (۹)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱ « مطمئن باشید که آنچه از قلم اعلی ثبت شده و از کلک میثاق نازل گشته، حوادث زمان و شئون امکان و اجراءات و اقدامات رجال ارض به نحوی غیر مستقیم و سائل مکنونه غیبیه‌ای را متدرجاً محض اجرای نصوص الهیه، چنان فراهم آرند که جمیع مبهوت و متعجب و متذکر گردیم.» (مائده آسمانی ۳، ص ۶۷- مندرج در مجموعه توفیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۷۶)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- ۲ « ای عشاق امر بهاء، وقت آن است که کلّ... در جمیع موارد و به یقین مبین بدانیم که آنچه واقع گردد خیر و صلاح امرالله است و وسیله تحقّق وعود حتمیه مولای بیهمتا... چنانچه می‌فرماید: "لن یظهر فی الارض من شیء الا و قد قدر فیهِ مقادیر القدر من حکیم علیم و لن یحرک من ذره الا و قد قدر فیها

حکمة بالغة و كيف هذا النبء الاعظم القويم".» (مجموعه توقيعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۷۴-توقيع ۸۹ بدیع، مجموعه توقيعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۷۲) (مضمون بخش عربی: هرگز در زمین چیزی ظاهر نمی‌شود مگر آن که قدر و اندازه آن از جانب خداوند علیم حکیم تعیین شده باشد و هیچ وقت ذره ای حرکت نمی‌کند مگر آن که حکمت بلیغی برای آن مقدر شده باشد؛ تا چه رسد به این نباء اعظم قویم.)

۳ « این ایام، ایام انقلاب^۱ است و علائم و بشائر بشارات موعوده در کتاب، در بروز و ظهور.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۳۰)

۴ « یاران ستمدیده ایران... به یقین مبین (می) دانند که هر قدر افق عالم تاریک‌تر گردد و تزلزل عالم کون بیشتر شود و هرج و مرج اتساع یابد، طلوع فجر موعود قریب‌تر گردد و اسباب تجلی و سطوع انوارش بهتر فراهم آید.» (مجموعه توقيعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۰۳)

۵ « تحقق وعود حتمی الهیه بر تنبه و تذکر تمام هیأت اجتماعی بشر موقوف و این تذکر و تنبه عمومی جز به وفور بلیات و تعدد اضطرابات و تزیاد مشکلات حاصل نگردد و این است که هل بهاء از جام اطمینان مرزوقند و به روح امید زنده و مشغول.» (مجموعه توقيعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۰۳)

۶ « يُظهِرُ اللهُ فِي حَيْزِ الْوُجُودِ مَا قَدَّرَهُ مِنْ خَفِيَّاتِ هَذَا الْأَمْرِ الْأَعْظَمِ الْأَوْعَرَ الْفَرِيدِ.» (حضرت ولی امرالله، توقيع ۱۰۵ بدیع، توقيعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۲۰) (مضمون: خداوند) از خفیات این امر اعظم یگانة عالیه، آنچه را مقدر فرموده است، در عرصه وجود ظاهر خواهد ساخت.)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۷ « اما اهل بهاء که به عنایت الهی، اکیلی ایمان بر سر دارند و رداء اطمینان در بر از حوادث این جهان خائف و هراسان نشوند و موقوف را کلاً منطوق کتاب مرقوم و تحقق وعد و وعید جمال قیوم دانند.» (۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸/۹ شهر العزة ۱۳۵ بدیع، مجموعه بشارات جان‌فزا)

۸ « گذشت زمان، سستی آن بنیان (بنای قدیم و به ظاهر مجلل مدنیّت مادّی) را هر دم بیشتر نمایان سازد و بالنتیجه، تعداد بیشتری از نفوس غافله را بیدار کند... و هر چه بر تعداد این نفوس مقلبه بیفزاید سرعت ارتفاع بنای رزین و رصین نظم الهی^۲ نیز افزایش یابد و وعود جمال ابھی رخ بگشاید.» [پیام ۵ مارس ۱۹۹۳ (شهرالکمال ۱۵۰ بدیع)- جزوه دست‌خط‌های معهد عالی، جلد دوم، ص ۴۶]

^۱ به میحث ۱۰۰ رجوع شود.

^۲ به میحث ۱۰۱ مراجعه شود.

۹) « این وقایع (سه اجلاس بین‌المللی برای مذاکره در مسائل و مشکلات عمومی جهان)... مراحلی مهم در طریق تحقق وعود مصرحه در آثار قلم‌اعلی در باره استقرار نظم بدیع^۱ جهان‌آرا محسوب می‌گردد.» (۲۴ سپتامبر ۲۰۰۰)

بخش پنجم - وعود در بستر تاریخ (۶۵)

۱۸. وعود مظاهر قبل محقق شد (۶۵)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « در کتب الهی کل موعودند باین روز مبارک، یوم یأتی ربک به منزله غره عین قرآن بوده، و جاء ربک وَالْمَلِكُ صَفًا صَفًا قَلْبَ أَنْ.» (لثالی الحکمة ۱، فقره ۱۰۵) (مضمون بخش عربی: روزی که پروردگارت می‌آید - و پروردگارت آمد و ملک صف در صف)

۲) « قد فاحت نسمة الله فی العالم بما اتی المقصود بمجده الأعظم، اذا کُلُّ حجرٍ و مَدَرٍ ینادی قد ظهر الموعودُ و المَلِکُ لله المقتدر العزیز الغفار.» (الواح نازله خطاب به ملوک و سلاطین، ص ۷۵-۷۶) (مضمون: نسیم خداوند بر جهان وزیدن گرفت، چون که مقصود عالم به مجد اعظمش آمد؛ اکنون هر سنگ و ریگی ندا می‌کند که به راستی موعود ظاهر شد و ملک از آن خداوند مقتدر عزیز و غفار است.)

۳) « حق الیوم در ارض موعوده ظاهر و بر کرسی مذکور جالس، این ارضی است که به ارض مقدسه در فرقان مذکور و همچنین در کتب قبل، و ندای انبیا در این بیدا مرتفع و لکن اهلش به اولاد أفاعی مذکور و مسطور.» (لثالی الحکمة ۳، فقره ۱۴۹)

۴) « اِذَا فُزَّتْ بِقَمِیصِ الْوَحْیِ وَ وَجِدَتْ مِنْهُ عَرَفَ رَبِّكَ قُمْ بَيْنَ مَلَا الْأَرْضِ قُلْ قَدْ ظَهَرَ الْمَوْعُودُ بِسُلْطَانِ الْعَظْمَةِ وَالْإِقْتِدَارِ، إِيَّاكُمْ أَنْ تَمْنَعَكُمْ سُؤْنَاتُ الدُّنْيَا عَنْ رَبِّكُمْ الْعَلِيِّ الْأَبْهِيِّ.» (لثالی الحکمة ۳، فقره ۱۰۷) (مضمون: هنگامی که به پیراهن وحی رسیدی و از آن بوی پروردگارت را استشمام کردی بایست در میان اهل ارض و بگو به راستی موعود با قدرت و عظمت و اقتدار ظاهر شد؛ مبادا سُؤْنَاتِ دُنْيَا شما را از پروردگار ابهائیتان باز دارد.)

^۱ به مبحث ۱۲۹ رجوع شود.

(۵) « قُلْ تَاللهِ قَدْ آتَى الْوَعْدُ وَالْمَوْعُودُ يَدْعُوكُمْ إِلَىٰ أَعْلَى الْمَقَامِ، إِيَّاكُمْ أَنْ تَمْنَعَكُمْ سُئُونَ الْوَرَىٰ عَنْ مَالِكِ الْعَرْشِ وَالْثَرَىٰ. » (ثالثی الحکمة ۳، فقره ۹۳) (مضمون: بگو به خداوند قسم وعده فرارسید و موعود،

شما را به عالی‌ترین مقامات فرامی‌خواند، مبادا شئون خلق شما را از مالک آسمان و زمین بازدارد.)

(۶) « قُلْ يَا مَعْشَرَ الْأُمَرَاءِ وَالْعُلَمَاءِ وَالْعُرَفَاءِ قَدْ ظَهَرَ الْيَوْمَ الْمَوْعُودُ وَآتَى رَبُّ الْجُنُودِ أَنْ أفرحُوا بِهَذَا الْفَرَحِ الْأَعْظَمِ ثُمَّ انصُرُوهُ بِالْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ. » (ثالثی الحکمة ۳، فقره ۶۵) (مضمون: بگو ای گروه آمران و عالمان و عارفان، به راستی روز موعود فرارسید و رب‌الجنود آمد. شادی کنید به این فرح اعظم، سپس یاریش نمایید به حکمت و بیان.)

(۷) « هَذَا يَوْمُ اللهِ لَوْ أَنَّكُمْ تَعْرِفُونَ وَهَذَا يَوْمُ الْمَوْعُودِ الَّذِي إِذَا ظَهَرَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَنَفَخَ فِي الصُّورِ وَانصَعَقَ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللهُ مَالِكُ الْوُجُودِ. » (ثالثی الحکمة ۳، فقره ۶۳) (مضمون: این روز خداوند است اگر می‌شناسید و این روز موعود است که وقتی ظاهر شد زمین به نورش روشن گشت و در صور دمیده شد و همه‌ی زمینیان مدهوش گشتند مگر کسی که خداوند، مالک وجود، مستثنایش داشت.)

(۸) « قُلْ تَاللهِ قَدْ فَتِحَ بَابُ السَّمَاءِ وَآتَى مَنْ كَانَ مَوْعُودًا فِي كُتُبِ اللهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ. » (ثالثی الحکمة ۳، فقره ۶۰) (مضمون: به خداوند سوگند درب آسمان بگشوده شد و کسی که در کتاب‌های خداوند عزیز مجید به او وعده داده شده بود، آمد.)

(۹) « نَادَتْ حَمَامَةٌ الْأَمْرَ فِي الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى قَدْ ظَهَرَ مَنْ كَانَ مَسْتَوْرًا وَآتَى مَنْ كَانَ مَوْعُودًا أفرحُوا يَا مَلَأَ الْأَرْضِ وَأَجِيبُوا مَنْ دَعَاكُمْ إِلَىٰ أَفْقِهِ الْأَعْلَى وَمَقَامِهِ الْأَبْهَى. » (ثالثی الحکمة ۳، فقره ۴۹) (مضمون: حمامه امر در فردوس اعلی ندا نمود که به راستی ظاهر شد، کسی که مستور بود و آمد، کسی که موعود بود. شادی کنید، ای اهل زمین، و فرمان برید از کسی که شما را به افق اعلی و مقام ابه‌ایش می‌خواند.)

(۱۰) « قَدْ آتَى الْوَعْدُ وَالْمَوْعُودُ ينادِي مِنْ أَفْقِهِ الْأَعْلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، طُوبَىٰ لِلسَّامِعِينَ وَطُوبَىٰ لِلْفَائِزِينَ وَوَيْلٌ لِلْغَافِلِينَ وَالْمُنْكَرِينَ. » (ثالثی الحکمة ۱، فقره ۹۳) (مضمون: وعده محقق گشت و موعود از افق اعلا‌یش اهل زمین و آسمان را ندا می‌دهد؛ خوشا به حال گوش‌سپارندگان، و خوشا به حال رسیدگان، و وای به حال غافلان و منکران.)

(۱۱) « میقات امم منقضی شد و وعده‌های الهی که در کتب مقدسه مذکور است، جمیع ظاهر گشت و شریعه‌الله از صهیون جاری و اراضی و جبال اورشلیم به تجلیات انوار ربّ مزین. » (منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۶-۱۷)

(۱۲) « يَا مَلَأَ الْأَرْضِ أَنْ افْتَحُوا أَبْصَارَكُمْ تَاللهِ قَدْ ظَهَرَ الْوَعْدُ وَآتَى الْمَوْعُودُ بِسُلْطَانٍ لَا يَقُومُ مَعَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. » (ثالثی الحکمة ۱، فقره ۶۷)

- (۱۳) « قد ظهر ما وُعد به كلِّ ملّة في كتبهم. » (لثالی الحکمة ۲، فقره ۱۲۵، ص ۲۵۴) (مضمون: به راستی ظاهر شد آنچه که هر ملتی در کتاب‌هایشان به آن وعده داده شده بود.)
- (۱۴) « یا افنانی... قل یا ملأ الارض لعمراًلله (به خداوند قسم) قد اتی و ظهر ما وعدتم به فی کتاب ربکم مالک المآب. ایاکم ان تمنعکم شئون الخلق عن الحق، سوف یفنی ما یرى و یبقی ما نزل من لدی الله ربّ الارباب. » (الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۳۹) (مضمون: ای افنان من... بگوای اهل ارض، به خداوند سوگند، آنچه در کتاب پروردگارتان که مالک آینده است، بدان وعده داده شده بودید آمد و ظاهر شد. مبادا اوضاع خلق شما را از حق باز دارد، به زودی آنچه دیده می‌شود فانی خواهد شد و آنچه از نزد خداوند نازل گشته است، باقی خواهد ماند.)
- (۱۵) « در هر آن که تفکر در اعتراضات جمیع مردم از علماء و فضلاء و جهّال فرمائی در این امر (امر حضرت اعلی) محکم‌تر و راسخ‌تر و ثابت‌تر می‌شوی؛ زیرا که جمیع آنچه واقع شده، از قبل معادن علم لدنی و مواقع احکام ازلی خبر داده‌اند. » (ایقان مبارک، بند ۲۶۵)
- (۱۶) « یا شعبی فی برلین^۱، آن که گفت می‌آیم، آمده... وعده‌های کتاب ظاهر شده؛ اشارات صحف مشاهده گشته؛ خود را محروم ننمایید و بی نصیب مگردانید. » (حضرت بهاء‌الله، مائده ۸، مطلب نود و پنجم، ص ۷۶-۷۵)
- (۱۷) « جمیع آنچه در کتاب‌های الهی از قبل و بعد در امورات حادثه در یوم‌الله بوده ظاهر و مشهود، ولكن خلق از ادراک آن محجوب. » (حضرت بهاء‌الله، مائده ۸، مطلب هفتاد و ششم، ص ۵۶)
- (۱۸) « چند یومی است که کوم‌الله (کوه کرمل) مقرّ عرش واقع شده و این، آن مقامی است که در کتب قبل مذکور و مسطور... ظاهر شد آنچه در کتب الهی از قبل مسطور بود. طوبی للعارفین و ویل للغافلین. » (جمال ابهی، مائده ۴، ردیف ک، باب چهارم، ص ۲۱۸)
- (۱۹) « کل حجر و مدر ینادی قد ظهر الموعود و الملک لله المقتدر العزیز الغفار. » (الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، لوح پاپ، ص ۷۵) (مضمون: هر سنگ و ریگی ندا می‌دهد که موعود ظاهر شد و ملک برای خداوند مقتدر عزیز غفار است.)
- (۲۰) « قد اتی الاب و کمل ما وُعدتم به فی الملکوت. » (الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، لوح پاپ، ص ۸۰) (پدر آمد، و آنچه در ملکوت به آن وعده داده شده بودید، کامل گشت.)
- (۲۱) « یا حکیم آقاجان، ظاهر شد آنچه در کتب موعود بود؛ اوست یهوه و اوست معزی و اوست روح الحق و خبر بزرگی که حضرت رحمن در فرقان به آن بشارت فرموده. » (قلم اعلی ۷، ص ۶۲)

^۱ منظور شهر برلین پایتخت کشور آلمان است.

۲۲) «شهد الله انه لا اله الا هو و الذي اتى بالحق انه هو الموعود المذكور في كتب القبل.» (قلم اعلى ۶، ص ۳۲۱) (مضمون: خداوند شهادت داد که نیست خدایی جز او و کسی که به راستی آمد، او موعود ذکر شده در کتب قبل است.)

۲۳) «يا قوم قد اتى من كان موعوداً في كتب الله و مستوراً عن العباد.» (قلم اعلى ۶، ص ۳۱۹) (مضمون: ای قوم من، به راستی آمد کسی که در کتاب‌های الهی وعده داده شده بود و از چشم بندگان پوشیده بود.)

۲۴) «قل هذا يوم به وعدتم في كتب الله.» (قلم اعلى ۷، ص ۱۸) (مضمون: بگو این روزی است که در کتاب‌های الهی به آن وعده داده شده بودید.)

۲۵) «قل يا ملأ الفرقان قد اتى الموعود الذى وعدتم به في الكتاب؛ اتقوا الله و لا تتبعوا كل مشرك اثم.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۳۴- مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۲۳۵) (مضمون: بگو ای امت قرآن، به راستی موعودی که در کتاب وعده داده شده بودید آمد؛ از خدا بترسید و هر مشرک گناه کاری را تبعیت نکنید.)

۲۶) «امروز جشن عظیم در ملأ اعلى برپا، چه که آنچه در کتب الهی وعده داده شده ظاهر گشته؛ يوم فرح اكبر است.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۳۱- الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۴۴- کلمات فردوسیه)

۲۷) «يا ملأ الارض قد اتى الوعد و ظهر المكنون بسلطان عظيم؛ ضعوا ما عندكم و خذوا ما اوتيتهم من لدى الله مالک يوم الدين. قد اتى الميقات و سلطان الآيات استوى على العرش و دعا الكل الى العزيز الحميد.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۹۵) [مضمون: ای اهل زمین، وعده تحقق یافت و (حقیقت) پوشیده به قدرت عظیم ظاهر شد؛ بگذارید آنچه را دارید و بگیریید آنچه را خداوند که مالک روز رستاخیز است، به شما داده است. میقات فرارسید و سلطان آیات بر عرش (ظهور) مستوی شد و همگان را به خداوند عزیز حمید خواند.]

۲۸) «يا امة الله، جميع عالم از برای عرفان جمال قدم از عدم به وجود آمده‌اند و به این يوم مبارک در کتب و زبر و صحف وعده داده شده‌اند.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۲۵۲)

۲۹) «ميقات امم منقضى شد و وعده‌های الهی که در کتب مقدسه مذکور است، جميع ظاهر گشت و شریعة الله از صهیون جاری و اراضی و جبال اورشلیم به تجلیات انوار ربّ مزین (گشت).» (آیات الهی ۱، ص ۳۰ آوریل- منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله نشر آلمان، فقره ۱۰- مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۲۶۸)

- (۳۰) « حمد مقدّس از عرفان و ادراک کائنات، بساط امع اقدس حضرت مقصودی را لایق و سزاست که به یک کلمه علیا به وعده‌های خود وفا فرمود.» (آیات الهی ۲، ۱۸ ژوبیه)
- (۳۱) « قل یا ملأ الانجیل قد فتح باب السماء و اتی من صعدا الیها و انه ینادی فی البرّ و البحر و یبشّر الکلّ بهذا الظهور الذی به نطق لسان العظمة قد اتی الوعد و هذا هو الموعود.» (آثار قلم اعلیٰ ۲، ص ۲۶) [مضمون: ای اهل انجیل، درب آسمان گشوده گشت و کسی که به آن صعود نموده بود (حضرت مسیح)، آمد و در خشکی و دریا ندا می‌کند و همگان را مژده می‌دهد به این ظهوری که در آن لسان عظمت نطق نمود و گفت: وعده محقق شد و این (حضرت بهاءالله)، همان موعود است.]
- (۳۲) « تمسکوا یا قوم بما وعدتم به من قبل بلسان النبیین و المرسلین.» (آثار قلم اعلیٰ ۲، ص ۲۸) (مضمون: ای قوم، به آنچه از پیش، به زبان انبیاء و مرسلین وعده داده شدید، تمسک نمایید.)
- (۳۳) « طوبی لنفس اشتعلت بنار اوقدها الرحمن فی الامکان الّتی یسمع من زفیرها قد اتی المقصود بسطان لم تخوفه صفوف العلماء و لا جنود الأمراء؛ ینادی باعلیٰ النداء أمام من فی الارض و السماء قد اتی الوعد و هذا من کان مسطوراً فی الكتاب من قلم الله، منزل الآیات.» (آثار قلم اعلیٰ ۲، ص ۴۷) (مضمون: خوشا به حال کسی که به آتش افروخته در امکان به دست خداوند رحمان، مشتعل شد؛ آتشی که از زبان‌هایش شنیده می‌شود: مقصود آمد، به قدرتی که نه صفوف علماء و نه جنود امراء ترسانش نتوانند کرد؛ و به صدای بلند در مقابل زمین و آسمان ندا می‌نماید: روز موعود فرارسید و این (حضرت بهاءالله)، همانی است که در کتاب به قلم خدا، منزل آیات، نوشته شده بود.)
- (۳۴) « لَمَّا اتی الوعد و ظهر الموعود قام علیه العباد بظلم ما رأت شبهه عین الابداع.» (آثار قلم اعلیٰ ۲، ص ۷۱) (مضمون: هنگامی که زمان وعده فرارسید و موعود ظاهر شد، بندگان علیه او به ظلمی قیام کردند که چشم روزگار نظیرش را ندیده است.)
- (۳۵) « یا اهل الارض،... هذا یوم وُعدتم به من قبل و فی التّوراة و الانجیل و الفرقان. لَعَمْرَالله (به خداوند قسم) قد خلّقتم لهذا الیوم؛ اعرفوا و لا تمنعوا انفسکم عن هذا الفضل الذی شهدت له الالواح.» (آثار قلم اعلیٰ ۲، ص ۸۸) (مضمون: ای اهل ارض،... این روزی است که از قبل در تورات و انجیل و قرآن به آن وعده داده شدید. به خداوند قسم برای این روز خلق شده‌اید؛ بفهمید و خود را از این فضلی که الواح به آن گواهی داده، محروم ننمایید.)
- (۳۶) « قل تالله قد نزل هیکل الموعود علی غمام الحمراء و عن یمینه جنود الوحی و عن یساره ملائکة الالهام و قضی الامر من لدی الله المقتدر القدر.» (سوره وفا، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۱۳) (مضمون: بگو به خداوند قسم، هیکل موعود سوار بر ابر سرخ فام، در حالی که در سمت

راستش جنود وحی و در سمت چپش فرشتگان الهام قرار داشتند، از آسمان نازل شد و کار از نزد خداوند مقتدر و توانا انجام گرفت.)

(۳۷) « هذا يوم اخبر به الله بلسان رسوله. » (لوح برهان، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۳۲) (مضمون: ای روزی است که خداوند از زبان رسولش به آن خبر داد.)

(۳۸) « قل يا قوم، قد جاء اليوم الذي وَعِدْتُمْ به في كلِّ الالواح. » (منتخبات آثار حضرت بهاء الله، فقره ۱۴۴) (مضمون: بگوای قوم، به راستی روزی که در کل الواح به آن وعده داده شده بودید فرارسید.)

(۳۹) « وعدة ظهور الله در این اراضی (اراضی مقدسه) بوده. » (منتخبات آثار حضرت بهاء الله، فقره ۱۶۴)

(۴۰) « در کتب قبل جمیع آنچه الیوم (در اراضی مقدسه) ظاهر، مذکور است. » (منتخبات آثار حضرت بهاء الله، فقره ۱۶۴)

(۴۱) « قل ان استبقوا إلى ما وَعِدْتُمْ به في كتب الله و لا تسلكوا سبيل الجاهلين. » (لوح اقدس، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۵) (مضمون: بگو بشتابید به سوی آنچه وعده داده شدید در کتاب‌های خداوند؛ و راه‌های نادانان را میماید.)

(۴۲) « قل قد جاء الأب و كمل ما وَعِدْتُمْ به في ملكوت الله. » (لوح اقدس، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۵) (مضمون: بگو به راستی پدر آمد و آنچه در ملکوت الهی وعده داده شده بودید تحقق یافت.)

(۴۳) « به (محبوب الرحمن) وَعِدَ ما كان و ما يكون. » (جمال ابهی، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) (مضمون: به او (محبوب امکان) همه آنچه که بود و می‌باشد وعده داده شده است.)

(۴۴) « قل يا معشر الأمراء و العلماء و العرفاء، قد ظهر اليوم الموعود و اتى رب الجنود. » (مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۴۷) (مضمون: بگوای گروه امراء و علماء و عرفاء، به راستی یوم موعود فرارسید و پروردگار لشکریان آمد.)

(۴۵) « قد اتى من كان موعوداً في كتب الله، ان انتم تعرفون. » (مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۵۱) (مضمون: اگر می‌فهمید، کسی که در کتاب‌های الهی وعده داده شده بود، آمد.)

(۴۶) « (يا الهی) انت الذي... وَعَدْت من على الارض في كتبك و زبرك و صحفك بظهور نفسك و كشف سبحات الجلال عن وجهك. » (لوح اشراقات، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۶۶)

[مضمون: (ای خدای من) تو کسی هستی... که در کتاب‌ها و نوشته‌ها و صحیفه‌هایت، اهل عالم را به ظهور خودت و رفع پرده‌های بازدارنده از سیمایت وعده دادی..]

(۴۷) « ذکر حزن و سجن و ابتلاء که بر آن خلاصه فطرت الهی (حضرت باب) وارد شد در اخبار قبل ذکر شده. فی البحار: "إِنَّ فِي قَائِمِنَا أَرْبَعِ عِلَامَاتٍ مِنْ أَرْبَعَةِ نَبِيِّ مُوسَى وَعِيسَى وَيُوسُفَ وَمُحَمَّدٍ. أَمَّا الْعِلَامَةُ مِنْ مُوسَى الْخَوْفُ وَالْإِنْتِظَارُ؛ وَأَمَّا الْعِلَامَةُ مِنْ عِيسَى مَا قَالُوا فِي حَقِّهِ؛ وَالْعِلَامَةُ مِنْ يُوسُفَ السَّجْنُ وَالْتَّقِيَةُ؛ وَالْعِلَامَةُ مِنْ مُحَمَّدٍ يَظْهَرُ بِأَثَارٍ مِثْلِ الْقُرْآنِ." با این حدیث به این محکمی که جمیع امورات را مطابق آنچه واقع شده ذکر فرموده‌اند، مع ذلك احدی متنبه نشده و گمان ندارم که بعد هم متنبه شوند؛ إِلَّا مَنْ شَاءَ رَبُّكَ. » (ایقان مبارک، بند ۲۸۲)^۱

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۴۸) « موعود جمیع ملل ظهور کلی بود و ظهور کلی مطابق جمیع علامات. » (حضرت عبدالبهاء، مجموعه یاران پارسی، بند ۶۸۵، ص ۴۶۱)

(۴۹) « فی الحقیقه به اسرار حکمت‌های الهیه نتوان پی‌برد؛ چه که بین شیراز و طهران و بغداد و اسلامبول و ادرنه و عکا و حيفا چه مناسبتی است. خداوند به حکمت و وقار قدم به قدم، در این شهرها، به حسب تقدیرات محتومه لن‌یتغیرش، حرکت فرمود تا نبوت و اخبارهایی که انبیاء از قبل خبر داده‌اند، تحقق یابد. » (مندرج در بهاء‌الله و عصر جدید، ص ۲۸۷) (بیانات حضرت عبدالبهاء در ماه فوریه سال ۱۹۱۴ در حيفا)

(۵۰) « ملاحظه فرما که حکمت الهیه چقدر عظیم است؛ در سه هزار سال پیش به لسان انبیاء بشاراتی به ارض مقدس داد که "ای ارض مقدس، مژده باد (که) موطأ قدم رحمن خواهی شد و خیمه حضرت یزدان بلند خواهد گشت؛ نفحات قدس مرور نماید و نیر تقدیس پرتو افکند. ای ارض مقدس، شاد باش و شاد باش، آن مه تابان در آسمان لائح گردد و آن خورشید درخشان از خاورت بدرخشد." حضرت مقصود به حکمت بالغه خواست که وعده‌های دو هزار و سه هزار سال انبیاء را وفا فرماید؛ اعدای خویش را برانگیخت و به قوت نافذه درآویخت و آن‌ها را واسطه نمود تا به دست خویش، ریش و ریشه خود از بن و بنگاه براندازند و همچو سراج منیری را از زجاج وطن خود اخراج نمایند تا ارض مقدس منور گردد و وعد انبیاء تحقق یابد؛ وادی ایمن انجمن یاران الهی شود و بقعه مبارکه مرکز معارف روحانی گردد؛ نور احدیت طلوع کند و ظلمت جهل زایل شود. هذا من حکمة ربکم البالغة و نعمة مولیکم السابعة و رحمة

^۱ مضمون حدیث به فارسی: «قائم ما چهار علامت از چهار نبی- موسی، عیسی، یوسف و محمد- دارد. علامت موسی خوف و انتظار است و علامت عیسی آنچه در حقیقت گفتند و علامت یوسف زندانی شدن و تقیه است و علامت محمد اظهار آثاری شبیه قرآن است.»

محبوبکم السّابقة.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۳۶) (مضمون بخش عربی: این از حکمت رسای پروردگارتان و نعمت برتر مولایتان و رحمت پیش‌تر محبوبتان است.)

۵۱ « جمیع علامات ظاهر شده و کلّ اشارات مشهود گشته؛ و آنچه در جمیع کتب و صحف بوده، تماماً واضح گردیده؛ محلّ توقّف برای احدی نمانده.» (حضرت عبدالبهاء، منقول در کتاب دور بهایی، ص ۲۷، مندرج در توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

۵۲ « بشاراتی که خدا در دو سه هزار سال پیش از لسان انبیاء داده بود ظاهر شد و خداوند به وعده وفا نمود؛ زیرا به بعضی انبیاء وحی فرموده و بشارت به ارض مقدّس داده که ربّ الجنود در تو ظاهر خواهد شد، جمیع این وعده‌ها وفا شد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۲۴)

۵۳ « ای پروردگار در کتب و صحف به واسطه انبیاء اخبار فرموده‌ای و اسرائیل را بشارت داده‌ای و نوید بخشیده‌ای که روزی آید (که) اسرائیل نومید امیدوار گردد و اسیر ذلّت کبری عزّت ابدیه یابد.» (مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۴۴۷)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۵۴ « حضرت عبدالبهاء... به ما اطمینان می‌دهد که وقوع چنین امری (ورود حضرت بهاءالله به اراضی مقدسه) «در دو سه هزار سال پیش، از لسان انبیاء» پیش‌گویی شده بود و «خداوند عاقبت به وعده وفا نمود؛ زیرا به بعضی از انبیاء وحی فرموده و بشارت به ارض مقدّس داده که ربّ الجنود در تو ظاهر خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۲۵۹)

۵۵ « حضرت اعلی فقط مبشّر ظهور بهایی نیست؛ بل چنان که خود در کتاب بیان فارسی تصریح فرموده، همان موعود مقدّسی است که به ظهورش وعود جمیع انبیای سلف تحقّق یافته است.» (کتاب دور بهایی، ص ۲۴)

۵۶ « حضرت اعلی، به فرموده حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب ایقان، همان قائم موعودی است که بنفسه، بیست و پنج حرف از بیست و هفت حرفی را که جمیع انبیاء مأمور به بیان آن بوده‌اند، ظاهر فرموده است.» (توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

۵۷ «سلطان سریر لاهوت بر عرش کبریا مستقر گردید... بشارت کتب مقدّسه پدیدار شد و وعود الهیه تحقّق یافت؛ میقات امم منقضی گشت و بهاء کرم‌ل نمودار شد. صهیون بن‌دا آمد و اورشلیم به نفحات یوم عظیم احیا گشت.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده آسمانی ۶، ردیف ۵ از باب بیست و هفتم، ص ۸۱)

(۵۸) « حضرت بهاءالله و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء... مسیری را معین فرمودند که به موجب آن، تمام آمال و وعود انبیاء الهی و صاحب‌دلان و شاعران قرون پیشین تحقق خواهد یافت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۷-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

(۵۹) « وعود الهی دال بر ظهور حضرتش (حضرت بهاءالله)، به نحوی بارز تحقق یافت.» (حضرت ولی امرالله، مرور معبود، ص ۳۰۸)

(۶۰) « (مصائب و بلاهای وارد بر حضرت بهاءالله) منتهی به نفی و مسجونیت هیکل اطهر در ارض اقدس و تحقق نبوت انبیاء گشته است.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۶۱) « با حلول این عصر مجید (دور و کور بهایی) که از لحاظ امتداد و عظمت و انبساط و نورانیت سرآمد دهور و اعصار سالقه است "دوره نبوت" منطوقی و "زمان اكمال و انجام"؛ یعنی انجام (تحقق) وعود الهیه و تحقق بشارات کتب سماویة افتتاح شد.» (پیام رضوان ۱۹۸۷)

(۶۲) « حضرت بهاءالله... پیامبری که می‌باید وعود همه ادیان گذشته را تحقق بخشد و روابط و موجبات روحانی لازم را برای تأسیس وحدت عالم انسانی به وجود آورد.» (بیت العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۲)

(۶۳) « حضرت بهاءالله به صراحت اعلام می‌فرمایند که یوم موعود فرا رسید و آن که ظهورش در کتب و صحف الهیه بشارت داده شده، باعلی النداء من فی الارض و السماء را به این خطاب اعلی مخاطب می‌سازد: "لا اله الا هو المهیمن القیوم. تالله قد ظهر ما کان مخزوناً فی ازل الازال فی علم الله، عالم الغیب و الشهود؛ طوبی از برای چشمی که مشاهده نمود و وجهی که به وجه الله رب ماکان و ما یکون توجه کرد."» (ترجمه) (پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲) (مضمون بخش عربی: نیست خدایی جز او که مَهِیْمَن و قَیُوم است. به خداوند سوگند، ظاهر شد آنچه از آغاز زمان، در علم خداوند که دانای پنهان و آشکار است، مخزون بود)

(۶۴) « در حول قوس کوه کرمل ابنیه مجللی ساخته شد و در دامنه‌اش از پای تاقله کوه، طبقاتی با حدائق بی نظیر احداث گردید... و جمعیت زیادی از هر سرزمین که به زیارتش می‌آیند و هر روز پلکان‌ها و مسیر حدائقش را پرمی‌کنند و خیل مهمانان عالی قدرش که در مهمانسرایش مورد استقبال مرکز جهانی قرار می‌گیرند، این بیان اشعیا را که دو هزار و سیصد سال قبل بیان داشته به خاطر می‌آورند که فرمود: "و در ایام آخر واقع خواهد شد که خانه خداوند، بر قلّه کوه‌ها ثابت خواهد شد و فوق تلّ‌ها برافراشته خواهد

گردید و جمیع امت‌ها به سوی آن روان خواهند شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱

میلادی، ص ۱۱۸)

(۶۵) « حضرت ولی امرالله در باره مقام بی‌همتای جمال اقدس ابهی و عظمت ظهور مبارکش

می‌فرمایند که با ظهور حضرت بهاءالله وعود کتب مقدسه در باره "یوم‌الله" تحقق یافته است.» (کتاب

اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۱۶۰)

فصل دوم

عصر تکوین، قیام جهانی علیه امرالله و نتایج حاصل از آن (۴۲)

۱۹. صف‌آرایی عالمیان علیه امرالهی (۴۲)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) «یا احبّاء الله اذا اشتدّت الارياح وهطلت الامطار ودمدمت الرعود ولمع البرق ونزلت الصواعق و اشتدّت الانواء و الطوفان لاتحزنوا لانّ بعد هذا الطوفان یأتی الربیع الرحمانی و یخضر التلال و الدیار و یموج الزروع فی المروج و تهتّر و تنبت الارض بالزهور و الریحان و تلبس الاشجار حلیة الاوراق و تتزین بالازهار و الاثمار و تظهر البركة فی کلّ الدیار فهذه المواهب انما نتائج تلك الانواء و الطوفان.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۱۹۷) (مضمون: ای احبّای الاهی، وقتی بادهای تند بوزد و باران‌های شدید بیارد و رعد به صدا در آید و برق بدرخشد و آذرخش نازل شود و طوفان و باران شدت یابد محزون نشوید؛ زیرا بعد از این طوفان است که بهار الاهی فرامی‌رسد و تپه‌ها و دیارها سبز و خرم می‌گردد و سبزه زارها بر دشت‌ها موج می‌زند و گل‌ها و گیاهان از زمین می‌جوشند و می‌رویند و درختان جامه زیبای برگ می‌پوشند و به شکوفه‌ها و میوه‌ها مزین می‌گردند و در هر سرزمینی برکت و رحمت ظاهر می‌شود؛ و این مواهب همه نتیجه آن طوفان و بوران و باران است.)

۲) «یا احبّاء الله لاتحزنوا اذا قامت الاحزاب علی الاذی و الاستهزاء و التعذیب و التویخ و السبّ و البغضاء؛ سیزول هذه الظلمات و تشرق انوار الآیات البینات و یرتفع الغطاء و یرتفع نور الحقیقة من غیب الابهی و نخبرکم بهذا قبل الوقوع حتّی اذا حدث هجوم الاحزاب علیکم لحبّی، لا تضطربون ابدأ بل تثبتون ثبوت الجبال لانّ استهزاء القوم و تعذیبهم لکم امر محتوم طوبی لنفس ثبتت علی الصراط و علیکم التّحیة و الثناء.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۱۹۷، ص ۱۴۱) (مضمون: ای احبّای الاهی، هنگامی که احزاب به اذیت و آزار و استهزاء و عذاب و تویخ و بغض و بدگویی قیام کنند، محزون و دلخون نشوید؛ به زودی این تاریکی زایل خواهد شد و انوار آیات بینات ظاهر خواهد گشت و پرده بر خواهد افتاد و نور حقیقت از عالم پنهان ابهایی پدیدار خواهد شد؛ و قبل از وقوع این امور آن را به شما خبر می‌دهیم تا وقتی که به خاطر محبت شما به من، هجوم احزاب و گروه‌ها واقع شد اصلاً مضطرب و نگران نشوید، بلکه چون کوهساران ثابت و مستقیم بمانید؛ و چنین است زیرا استهزاء و عذاب قوم

ستمگر علیه شما امری قطعی و حتمی است. خوشا به حال کسی که در راه الهی ثابت بماند و بر شما باد تکبیر و ثناء.)

۳ « امر عظیم است، عظیم و مقاومت و مهاجمهٔ جمیع ملل و امم شدید؛ عنقریب نعرهٔ قبائل افریک و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و نالهٔ هند و امت چین از دور و نزدیک بلند شود و کل به جمیع قوی به مقاومت برخیزند.» (حضرت عبدالبهاء، امروخلق ۴، ص ۴۷۸، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۲۴-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰- مائدهٔ آسمانی ۳، ص ۴۹- مرور معبود، ص ۴۶۶)

۴ « عنقریب ملاحظه خواهید نمود که نفوس بسیار مهمی از شرق و غرب صحائف عظیمه بر ردّ (امرالله) نوشته و نعره زنان فریاد کنند؛ چه که عظمت امر آنچه بیشتر ظاهر شود، مغرضین و منکرین و رادین عظیم تر و کثیرتر گردد.» (مائدهٔ آسمانی ۵، باب چهارم از ردیف ص، ص ۱۷۲)

۵ « از پیش به یاران مرقوم گردید و همچنین شفاهاً بیان شد که البته یاران غرب را نصیب و بهره از بلایای دوستان شرق خواهد بود؛ لابد در سیل حضرت بهاءالله مورد اذیت اهل جفا خواهند گشت.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره ۱۹۶) (۹ سپتامبر ۱۹۰۹)

۶ « امیدوارم به تأیید حق روزی فرارسد که جمعی از اولیای کلیسا قیام کنند و با رئوس برهنه، فریاد برآورند که بهایان گمراهند. مشتاقم که آن یوم را ببینم؛ زیرا زمانی است که امرالهی انتشار خواهد یافت. جمال مبارک چنین نفوسی را منادیان امرش توصیف فرموده. آنان از فراز منابرشان اعلان خواهند کرد که بهایان نادانند؛ شرور و زشت کارند؛ اما شما در امرالله ثابت و مستقیم باشید. آنان منادیان امرالله خواهند بود.» (کتاب عبدالبهاء، انگلیسی، تألیف جناب بالیوزی، ص ۳۲۵، سخنان حضرت عبدالبهاء در اقامتگاهشان، واقع در واشنگتن، خیابان هجدهم، شماره ی ۱۹۰۱، خطاب به جمعی از احباب)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۷ « در سنین آتیّه این دور بهایی... حنین رؤسای کنائس و ادیان عتیقه در هند و چین و ژاپان مانند حنین منابر و نالهٔ علما و فقهای شریعت اسلامیّه، از دور و نزدیک بلند شود.» (توقیع منیع ۱۰۵، مجموعهٔ توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۵-۱۸۳)

۸ « دشمنان^۱ پرقدرت امرالله... دیدگاهی را که امرالله از آیندهٔ جهان ارائه می دهد واهی و فریبنده شمردند.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولیّ امرالله، ص ۳۸)

^۱ به مباحث ۱۹ و ۲۱ مراجعه شود.

۹) « حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء... آنان (اعضاء محافل روحانی) را اذار نموده‌اند که منتظر حملات و لطماتی باشند که از نادانی دوستان و کید دشمنان متوجه آنان خواهد شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۷-توقیع مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹)

۱۰) « پیروان امر حضرت بهاءالله... باید بدانند که قلعه نشینان مقتدر متعصب دینی که گذشت زمان به مؤسسایشان فی الجمله اعتباری داده هرگز نمی‌خواهند از تسلط خویش بر آراء و افکار مردم دست بردارند. از این روی به مجردی که از دعوی عظیم حضرت بهاءالله کما هو حقّه با خبر گردند، قیام بر ضدّش خواهند کرد و در آن وقت است که این آیین نوزاد مظلوم با دشمنانی روبرو خواهد شد که به مراتب از روحانیون متعصب و خونخوار دوران گذشته قویتر و مکارترند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۳-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۱) « هنگامی که تمدن کنونی به سكرات موت افتد و رعهش مرگ بر هیکلش نشیند، امرالهی نیز با دشمنانی روبرو گردد که بر صدمات و لطماتی که تا به حال متحمل شده، به مراتب بیفزایند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۳-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۲) « اقوام و ملل جهان و پیروان جمیع ادیان با هم متعاقباً قیام خواهند کرد تا وحدت امر بهاء را در هم شکنند و قوایش را تحلیل بخشند و نام مقدّسش را آلوده کنند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۴-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۳) « آنها (اقوام و ملل جهان و پیروان جمیع ادیان) تنها به قوه روحانی امر بهایی هجوم نخواهند برد، بلکه به تشکیلات بهایی که به منزله مجرا و وسیله و تجسم آن روح قدسی در عالم امکان است، حمله ور خواهند شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۴-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۴) « هر چه اصالت و قدرتی که حضرت بهاءالله به جامعه متحدالمرام آینده بهایی عنایت فرموده واضح‌تر و معلوم‌تر شود، هجوم حملات به حقائق مکنونه‌اش شدیدتر خواهد شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۵-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۵) « ظلم و ستمی که روسیه برای قلع و قمع بهاییان در پیش گرفت، یا بغض و عنادی که حزب شیعه اسلام در سلب حقوق بهاییان در بیت حضرت بهاءالله در بغداد از خود نمایان ساخت، و یا غیظ و غضب عبثی که رهبران مذهب سنی اسلام در مصر در طرد برادران روحانی ما از آن کشور ظاهر ساخته‌اند، فقط نمونه‌ای از عداوت و خصومتی است که مقدّر است دول و ملل و پیروان ادیان علیه این آیین مظلوم و معصوم از خود بروز دهند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۳۵-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۶) «روح مقدسی که در مؤسّسات مترقی آیین بهایی تجسّم یافته، در مسیرش به سوی نجات عالم، با قوایی مواجه می‌گردد که اغلب منکر آن روح قدسی الهی بوده و در صدد منع تحقق مقاصد عالیهاش خواهند بود.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۶-توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۷) «چون ذاتاً آن دستگاه‌ها (دستگاه‌های مسیحی) تحلیل یابد و انضباطشان سست شود، آن وقت با رعبی عمیق بر ارتفاع نظم بدیع حضرت بهاءالله خواهند نگرست و رفته رفته بر ضدّش قیام خواهند کرد و نفس این قیام، سقوطشان را تسریع خواهد نمود.» (کتاب نظم جهانی بهایی، ص ۱۲۰-توقیع منیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۸) «منازعه قریب‌الوقوعی... باید زود یا دیر، در داخل ایالات متّحده بین مؤسّسات جدیدالتأسیس نظم اداری جنینی حضرت بهاءالله از طرفی و طرفداران عقائد کهنه و مدافعین عرفی و مذهبی یک اجتماع فاسد رو به زوال از طرف دیگر، درگیرد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۲۱ سپتامبر ۱۹۵۷، مندرج در حصن حصین شریعت‌الله، ص ۲۰۳)

۱۹) «آن مبارزان امر حضرت بهاءالله (احبای آمریکا) به زودی شاهد آن خواهند بود که دشمنان حمله بر دین و ایمانشان آورند و بر نیاتشان تهمت و افتراء بسته و مقاصدشان را سوء تعبیر کرده و آمالشان را به استهزاء گرفته و مؤسّسات و معابدشان را تحقیر نموده و نفوذشان را خوار شمرده و اختیاراتشان را سرسری گیرند؛ حتی شاید ملاحظه نمایند که قلبی از نفوسی که یا از درک حقیقت امرالله بی‌خبر و یا از تحمل لطمات حملات و انتقادات روزافزون عاجزند از امرالهی تبری جویند.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۲۱)

۲۰) «این حقیقت که امرالهی، در ایام آتی، قبل از حلول عظمت‌های ملازم با احاطه و استیلای موعودش در جهان جدید، ساعات چالش برانگیز متعدّدی را تجربه خواهد کرد و مراحل بحرانی را پشت سر خواهد گذاشت، مکرراً و به نحوی تردید ناپذیر توسط مولای محبوب و فقیدها (منظور حضرت عبدالبهاء است) تصریح گشته است.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، کتاب نظم بهایی، انگلیسی، ص ۶۰، توقیع منیع مورّخ ۲۳ فوریه ۱۹۲۴)

۲۱) «حملات و تعرّضات حتمیه‌ای... به تدریج، از جانب دوائر و احزاب مختلفه مذهبی مجتمعاً و متشکلاً نسبت به امر مبین و شرع حضرت ربّ العالمین به عمل خواهد آمد و کلّ به جمیع قوی، به مقاومت برخوانند خاست.» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۳۲-۳۱)

۲۲) « البته هرچه امرالله نافذتر شود، مفسدین امر نیز بیشتر گردند و دشمنانی قوی‌تر به میدان آیند و محرکین عجیب و غریب در سراسر، به تحریک اهل غلّ و بغضاء پردازند و رایات فساد برافرازند.» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه بحران‌ها و پیروزی‌ها، بند ۹۱)

۲۳) « پیروان امر حضرت بهاءالله باید به یقین بدانند که هر چه مراحل تجزّی و تلاشی جامعه بشری امروزی پیش‌تر رود بهمان نسبت نیز شدت طوفان‌هایی که به این امر نبّاض الهی هجوم می‌کند، بیشتر خواهد شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۴، توفیق مورّخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۲۴) « حال تخمین نمی‌توان زد که حملات شدیدی که روحانیون مقتدر مسیحی در مغرب زمین بر مؤسّسات امر حضرت بهاءالله خواهند کرد، تا چه حدّی انحطاطشان را تشدید و دامنه مصیبات ناگزیرشان را وسیع‌تر خواهد کرد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۲۵، توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۲۵) « حضرت عبدالبهاء خود... به وضوح به این حملات (حملات علیه مؤسّسات بهایی) اشاره فرموده است؛ حملاتی که مقدر است از لحاظ وسعت و شدت، همچنان فزونی یابد و آشوب و غوغایی برپا کند که در هفت گنبد گردون انعکاس یابد.» (مرور معبود، ص ۴۶۶)

۲۶) « مبارزه و جدالی که... مطابق پیش‌بینی حضرت عبدالبهاء، باید به دنبال حملات متحدانه رهبران مذهبی-کسانی که نسبت به توسعه و پیشرفت عظیم آن همچنان بی‌توجهند- به آیین الهی واقع شود، هنوز رخ نداده است.» (مرور معبود، ص ۵۳۴)

۲۷) « ظهور چنین جامعه‌ای (جامعه‌ای... که مدعیات دینانی جهانی را مطرح می‌کند، و تا پنج قاره گیتی گسترده گشته بود) آن هم در جهانی غرقه در تعصبات دیرین و منقاد خدایانی دروغین (ناسیونالیزم، کمونیزم، و رشلیزم-م) و مبتلا به اختلاف و انشقاقی درونی، و کور کورانه متشبّث به اصولی پوسیده و موازینی از کار افتاده، جز این نبود که دیر یا زود، بحران‌هایی را تسریع کند، گرچه با نمودی کمتر، به همان شدت و حدت مصیباتی که در دوره‌ای متقدّم، بر بنیان گذاران آن و پیروان اولیه‌اش مهاجم گشته بود.» (مرور معبود، ص ۴۶۵)

۲۸) « همین قلم است (قلم حضرت عبدالبهاء) که پیش‌بینی می‌کند پیشرفت مقاومت ناپذیر امرالهی و برخوردش با نظام‌های روحانی ادیان مسیحی، بودایی و برهمنی در مغرب زمین و هندوستان و خاور دور، که همواره از احترامات فائقه برخوردار بوده‌اند، حملاتی شدید علیه آن برخواهد انگیخت.» (حضرت ولیّ امرالله، مرور معبود، ص ۴۱۹)

۲۹) « من بعد، متدرّجاً، در میقات معلوم، به اسباب غیبیه، این مقاومت و مهاجمه (علیه امرالله) به اعضاء و رؤسای کنائس از رهبان و قسّیس و اساقفه و مطارنه و بطارکه از مذاهب مختلفه در قارّات

خمس، بالاخص به رؤسای طائفة انجلیّه در جزائر بریطانیا و حبر اعظم رئیس اقدم و اکبر طوائف مسیحیه در مدینه رومیه سرایت خواهد کرد، و رفته رفته انعکاساتش در ممالک جنوب شرقی قاره آسیا و جزائر مجاوره و شرق اقصی ظاهر و پدیدار خواهد گشت و "نالۀ هند و امت چین" به فرمودۀ مرکز میثاق ربّ العالمین مرتفع خواهد شد، و حنین رؤسای دو طائفة برهمیه و بوداییه مانند حنین منابر در موطن اصلی جمال ابهی، به عنان آسمان متصاعد خواهد گشت.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع منیع ۱۱۳ بدیع)

۳۰ « شبهه‌ای نبوده و نیست که این مقاومت و مهاجمه (علیه امرالله)، به مرور ایام شدت نماید و این اصطدام (برخورد) بین سپاه ضلال و لشکر حیات، نطاقش وسعت یابد و ولوله‌اش جهان‌گیر گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع)

۳۱ « به تدریج در اثر همّت و بسالت و شجاعت و استقامت و اقدامات مستمرّه متزایدۀ گروه مجاهدان و مهاجران، این مقاومت (مقاومت و تحریکات مبشرین مسیحیت) به سایر مذاهب سرایت نماید و رعب الهی را متدرّجاً در قلوب زمامداران اندازد و بر شدت و حدّت این رزم روحانی و اتّساع دایرۀ معرکه‌اش بیفزاید.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع / مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۲۱)

۳۲ « امرالله در عقود و عهد آتیه، دچار شداید و مصائب عظیمه گردد و... بر خطرات و انقلابات هائله در مرحله بعدی تکامل جهانی امرالهی بیفزاید و حملات و مهاجمات اعدا از هر ناحیه و جهت علیه آیین نازنین تشدید پذیرد و امواج سهمگین مخالفت از هر سو سفینه نجات را احاطه نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۹-۸۱۸)

۳۳ « آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیزّ غیب به عرصۀ شهود خواهد آمد... (از جمله) مقاومت و مهاجمۀ پیشوایان و رؤسای ادیان (است).» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)

۳۴ « همین آثار است (آثار حضرت عبدالبهاء) که پیش‌نگری می‌کند رهایی آیین الهی از قیود تندروی‌های مذهبی، آشوب و انقلابی عظیم در قارّات آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا ایجاد خواهد کرد.» (مرور معبود، ص ۴۱۹)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۳۵ « ترقی مداوم امرالله و تقدّم آن، ناگزیر باعث قیام مخالفان گردد و بلاتردید مقدّمۀ اعتراضات جهانی را در آینده فراهم آورد.» (معهد اعلی، ۲۶ نوامبر ۱۹۷۴)

۳۶ « روزی آید که جمیع ملل و دول عالم بر اضمحلال آیین نازنین مجهّز گردند و به حملات و لطمات عظیمه، اشدّ از قبل پردازند. نفس این مکابره و مقابله و مهاجمه، به حکم "سنّة الله التّی قد خلت

من قبل"، سبب تشیتیت شامل اعدا شود.» (پیام ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه بشارات جانفزا، ص ۲۴)

۳۷) « این اعلان (اعلان آیین یزدان در تمام جهان) تحقق نیابد الا به قیام زمامداران دول و امم شرقیه و غربیه و رؤسای ادیان عتیقه در قارّات خمسه و ایجاد ولوله‌ای اعظم و آشوبی اکبر و زلزالی (زلزله‌ای) اشدّ از آنچه تا به حال دشمنان امر ذوالجلال در بعضی از ممالک شرقیه احداث نمودند.» (پیام ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه بشارات جانفزا، ص ۲۴-۲۵)

۳۸) « شبهه‌ای نبوده و نیست که مقاومت سیل امرالله و هجوم بر مقدّسات دین الله از طرف جمهور ناس و زمامداران هر دو، در شرق و غرب و جنوب و شمال و همچنین از طرف رؤسای کنائس در دو قارّه اروپا و امریک و مبشرین حضرت روح در دو قارّه استرالیا و افریک و اقطاب و رؤسای ادیان عتیقه هند و چین در جنوب شرقی قارّه آسیا و شرق اقصی خواهد بود.» (پیام ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه بشارات جانفزا، ص ۲۵)

۳۹) « چه کسی می تواند تردید کند که ما اکنون به دوره‌ای مشحون از تحولات بی سابقه و تصوّرناپذیر در مسیر پیشرفت و تقدّم امرالهی وارد شده‌ایم؟... ما آگاهییم که پیروزی‌های جاری به مخالفت‌های محکم منجر خواهد شد؛ مخالفت‌هایی که جامعه جهانی بهایی باید خود را برای مقابله با آن آماده نماید.» (ترجمه) (معهد اعلی، ۲۷ دسامبر ۱۹۸۵، مجموعه دخول افواج مقبلین)

۴۰) « همانطور که حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند، بالاخره مخالفت و خصومت با امر در همه قارّات جهان پیش خواهد آمد. ضدّیت با امرالهی اگر چه ممکن است در هر نقطه‌ای به صورتی خاصّ جلوه نماید، اما بدون تردید شدید خواهد بود.» (پیام رضوان ۱۹۹۶)

۴۱) « همانطور که حضرت ولیّ امرالله مکرراً تأکید فرموده‌اند، این ترقّی و تقدّم (امرالله) به نحوی اجتناب‌ناپذیر مورت مخالفتی حتی شدیدتر از آنچه که تا کنون امر مبارک با آن مواجه بوده است، خواهد شد؛ مخالفتی که به نوبه خود قوایی عظیم‌تر را برای وظایف و مسئولیت‌های به مراتب دشوارتر ایجاد خواهد نمود.» (پیام ۲۴ می ۲۰۰۱)

۴۲) « اگر چه به فتح و ظفرنهایی اطمینان مبرم داریم؛ اما نباید... فراموش کنیم که امر مبارک ناگزیر، با دشمنانی قوی‌تر و مکارتر از آنچه در گذشته برهیکل نازنینش تاخته‌اند، رو به رو خواهد شد.» (پیام رضوان ۲۱ آپریل ۲۰۰۶)

فصل سوم

عصر تکوین، عاقبت حال ناقضان میثاق الله و دشمنان امرالله (۱۲۴)

۲۰. فنای ناقضان میثاق الهی (۲۴)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱) «یا اغنام الله... (س) یتزلزل بنیان الشبهات.» (لوح خراسان، مکاتیب ۱، صص ۱۴۴-۱۴۳-منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۱۴۰-مندرج در توفیق مورخ ژانویه ۱۹۲۹) [مضمون: ای اغنام الهی... (به زودی) بنیان شبهات متزلزل خواهد شد.]
- ۲) «اهل نقض خوار و ذلیل شوند.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۸)
- ۳) «شبهات نقض مانند کف دریاست و دریا بی کف نمی شود. بحر میثاق یک موج زند تا اجسام میته (مرده) را به کنار اندازد... این کف‌های دریا بقایبی ندارد، عنقریب محو و نابود گردد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۸۴)
- ۴) «روزی خواهد آمد که ذکری از این‌ها (تابعان یحیی ازل) نخواهد ماند... این نفوس مانند ثعالبند (ثعالب = روباه‌ها) و بندگان جمال مبارک اسد (شیر) غالب، و عنقریب این (امر) ظاهر و آشکار گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۲، باب سی و سوم، ص ۳۸)
- ۵) «ملاحظه بعد از مسیح را بکنید که چقدر نفوس بر فساد و فتنه در امر حضرت قیام نمودند؛ ولی عاقبت خائب و خاسر شدند و حقیقت علم برافراخت. این نقض عهد نیز چنین است؛ مثل سراب است؛ عنقریب محو و نابود خواهد شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۴۷)
- ۶) «ای ثابتان بر پیمان شکر و ثنا نمایند که در ظل خیمه میثاقید و در کهف صون و حمایت نیر آفاق؛ عنقریب ملاحظه نمایید که ناقضین در حفرات شبهات پرده‌نشین گشتند و ناکثین چون خراطین در اسفل درکات زمین منزل و مأوی جستند، یومئذ یفرح المخلصون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۵۸)
- ۷) «عنقریب... اهل فتور نادم و پشیمان گردند و حزب عجول متشتت و پریشان؛ و هذا وعد غیر مکذوب.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۸- ص ۲۵۹)

۸ « هیئات هیئات، فسوف یرون (الناقضین) انفسهم فی مهاوی الردی و حفرات الشقی و غمرات العمی و ینوحون و یمکون علی ما فرطوا فی جنب الله و هتکوا حرمة الله و نقضوا میثاق الله و نکسوا رایة الله و فرقوا کلمة الله و شتتوا شمل مرکز العهد و نشروا ما نظمہ ید الفضل.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۹- ص ۲۶۰) (مضمون: وای وای، به زودی (ناقضین) خود را در جایگاه نابودی و حفره‌های سیه‌روزی و ژرفای کوری خواهند دید؛ آنگاه به سبب آن که در مقابل خداوند تندروری کردند و حرمت الهی را هتک نمودند و میثاق ربّانی را شکستند و رایت رحمانی را سرنگون کردند و کلمه الهی را متفرق نمودند و جمع تابعان مرکز عهد را متشتت کردند و آنچه را دست فضل منتظم کرده بود پراکنده ساختند، نوحه و گریه خواهند کرد.)

۹ « هنوز از صعود (جمال مبارک) چند روزی نگذشته بود و قمیص مبارک هنوز تر بود که در روزنامه‌ها نقض و اختلاف را اعلان نمودند؛ از جمله روزنامه اختر به مجرد وصول خبر صعود، اختلاف را نیز اعلان نمود. ملاحظه فرمایید چقدر اهل نقض سریع النکث (بی ثبات) بودند، فسوف تری الناقضین فی خسران مبین و الحمد لله رب العالمین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۹- ص ۲۹۹) (مضمون بخش عربی: به زودی ناقضان را در زیان آشکار خواهی دید، و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است.)

۱۰ « این عهد را جمال قدم روحی لرتبه الفداء گرفت و او حامی و معین متشبّثین است. البتّه وَا نگذرد (نگذار؟) و اغماض نفرماید. عنقریب متزلزلین را در خسران مبین افکند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۱۲۲)

۱۱ « عنقریب اشعه آفتاب ملکوت توحید آفاق کور جدید را چنان روشن نماید که خفّاشان ظلمانی (ناقضین میثاق الهی) را اسیر مهالک تنگ و تاریک گلخن فرماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۴۳۰)

۱۲ « همچو گمان نمی‌کنم که کسی سبب ذرّه‌ای اختلاف در امر مبارک شود، خواه سرّی و خواه جهری و خیر ببیند، عنقریب معلوم خواهد شد و هذا وعد غیر مکذوب.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۵۶۴- مائده آسمانی ۹، مطلب صد و هفتم، ص ۱۲۳)

۱۳ « هیئات هیئات، ظلمت مقابلی به نور ننماید و شیطان خاسر مقاومت شهاب باهر نکند و جعل کتیف رائحه لطیف جنّت ابهی را منع نتواند؛ فسوف تری الناقضین فی خسران مبین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۵۶۱)

۱۴) « بعض من أهل النفاق، بغية للاقاء الشقاق في دين الله و طلباً لحياة الدنيا، بعد ما آمنوا أنكروا و بعد ما خضعوا استكبروا و بعد ما أقرّوا جحدوا و بعد ما شكروا شكّوا، فهاموا في هيماء الخسران و ضلّوا في بیداء الهوان. فیا حسرة لهم في مستقبل من الزمان آمین. أقول لكم انّ خسرانهم خسران الفريسيين^۱ و هوانهم هوان كهنة (كاهنان) البعل^۲ في زمن ايليا^۳ من الاسرائيلين.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۵۰) [مضمون: بعضی از منافقین، از روی بغض و عناد و برای القاء اختلاف در دین الهی و به امید حیات دنیوی، بعد از ایمان انکار کردند و بعد از خضوع استکبار ورزیدند و بعد از اقرار اعتراض کردند و بعد از شکر شک و تردید پیشه نمودند، و بدین سبب در صحرای خسران سرگردان شدند و در بیابان خواری گمراه گشتند. وای به حال آنان در آینده زمان، آمین. و برای شما می گویم که زیان آنان زیان فريسيان است (در زمان حضرت مسیح) و ذلت آنان ذلت كهنة بعل است در زمان حضرت ايليا، از اسرائیلیان.]

۱۵) « بگوای بیچارگان (منظور ناقضین میثاق است) عبودیت عبدالبهاء آفاق را منجذب نموده و صیت رقیبتش جهان گیر گشته و محویت و فنایش مثل آفتاب مشهور اقطار شده "قصد آن دارند این گل پاره ها از حسد پوشند این فقر و فنا" هیهات هیهات، عنقریب قرین ناله و حنین گردند و در خسران مبین افتند؛ ویل للمکذبین، ثم ویل للمکذبین، ثم ویل للمکذبین.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۳۲۳) (مضمون عبارت مکرر عربی: وای به حال دروغگویان.)

۱۶) « فسوف يأتيهم (الناقضين) نبأ ما كانوا يعملون و ترى العَلَمَ المعقود بيد قدرة ربك الودود يرتفع على اعلام الشهود و يتموج فوق صروح الوجود و يتشتت الغيوم و ينكسف السحاب المركوم عن نير ميثاق ربك القيوم بشعاع ساطع يحترق حجاب الضباب و يتشتت شمل طيور الظلام فالثابتون يومئذ لفي حظ عظيم و المتزلزلون لفي عذاب اليم.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۲۸) (مضمون: به زودی خبر (نتیجه) آنچه که (ناقضین) مرتکب شدند به آنان خواهد رسید و خواهی دید علم افراشته (میثاق) را که به دست قدرت پروردگار مهربان فوق علم های خلق بلند گشته و برفراز قلّه وجود به اهتزاز آمده و (خواهی دید که) ابرهای سیاه متشتت خواهد شد و سحاب غلیظ از پیش خورشید میثاق پروردگار قیوم کنار خواهد

^۱ فرقه بزرگ مذهبی یهود که بعد از قیام یهودا مکابی به وجود آمد و آن ها بر خلاف فرقه بزرگ صدوقیان، به رسائل منظمه به تورات و به احادیث و سنن یهود و بقای روح و مجازات بعد از مرگ معتقد بودند. (نوزده هزار لغت) رؤسای مذهبی این فرقه از جمله کسانی بودند که در صدور فتوای شهادت حضرت مسیح دست داشتند.

^۲ نزد فنیقی ها و در زمان رونق بابل، بعل نام خدای خدایان بود و هر شهر و طائفه ای هم بعلی داشتند و مجسمه بعل، مجسمه خدا بود. می نویسند که بعل به زبان سامی یعنی صاحب و خداوند. بعدها که اقوام توحیدی با بت پرستی مبارزه کردند، نام بعل مترادف با شیطان گردید. (همان منبع)

^۳ (به زبان عبری) یعنی خبر دهنده از خدا. از انبیای بنی اسرائیل است که در زمان آخاب، در قرن نهم قبل از میلاد می زیسته. نامش در کتب عهد عتیق و عهد جدید آمده و محلش را بر کوه مقدس کرمل دانسته اند و امروز هم غاری به نام وی در جبل مزبور وجود دارد. در قرآن به نام الیاس مذکور است. (همان منبع)

رفت و به شعاعی خواهد درخشید که توده‌های مه تاریک را بسوزاند و گروه طیور ظلمت را بپراکند؛ آنگاه ثابتان در شادی عظیم خواهند بود و سست‌ایمانان در عذاب الیم.)

۱۷) « یاران حقیقی را مزده تأیید جمال قدم دهید که عنقریب... کلمه نفی منسوخ (از میان رفته) گردد و عقده نقض مفسوخ (گشوده) و امت نکث ممسوخ (زشت و بدشکل شده)؛ فسوف ترون المتزلزلین فی خسران مبین.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، ص ۲۲) (مضمون عبارت عربی: به زودی سست‌ایمانان را در زیان آشکار خواهی دید.)

۱۸) « جمال مبارک ناصر میثاق است و حامی عهد خویش. این نفوس (ناقضین میثاق) به منزله بعوضند (پشه خاکی)، چندی در گل و کنافات خویش می غلطند، یک عربده‌ای میاندازند و عاقبت کآن لم یکن شیئاً مذکوراً معدوم گردند.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، ۹، مطلب هفتادم، ص ۷۸) (مضمون عبارت عربی: انکار که چیزی وجود نداشته است.)

۱۹) « ناقضین که عبارت از عده‌ای نفوس مستضعفینند، چه خواهند کرد؟ سی سال است می کوشند عاقبت چند نفوسی بیهوش و چند زن‌های خفیف المشرب را به خودشان متفق کردند. عنقریب خواهید دید که این نفوس معدومه نیز متفرق شوند.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، ۹، مطلب صد و چهل و سوم، ص ۱۵۱)

۲۰) « میثاق مانند دریاست که وحدت بهایی را حفظ می نماید و این نفوس (ناقضین میثاق) مانند کف است؛ موقت حرکتی می نمایند، ولی مانند یهودای اسخر یوطی^۱ و عونه یهوذا و نفوسی که موافقت به یهوذا نمودند، عنقریب مانند کف دریا نسیاً نسیاً (به کلی فراموش شده) خواهند شد. ولیکن دریای میثاق باقی و برقرار، زیرا وحدت بهایی را محافظه می نماید.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، ۹، مطلب صد و چهل و سوم، ص ۱۵۳)

۲۱) « فسوف تری الناقضین فی خسران مبین. اینست که آثار نکبت کبری احاطه نموده، از این حد و درجه بدتر خواهد شد، به مقامی خواهد رسید که سلاله آنان انکار انتسابشان به آنان نمایند و به جایی روند که کسی نداند و نشناسد که آنها از سلاله آنانند و هذا وعد غیر مکذوب و امر محتوم.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، ۹، مطلب صد و چهل و چهارم، ص ۱۵۶) (مضمون عبارت عربی: این وعده‌ای راستین و امری حتمی است.)

^۱ کسی که به ازاء چند سگه نقره، حضرت مسیح را اصطلاحاً لو داد و به سربازان رومی معرفی کرد؛ قضیه‌ای که به محاکمه و شهادت آن حضرت منتهی شد. به فرموده جمال احدیه در کتاب بدیع: «یهودای اسخر یوطی یکی از حروفات اثنا عشریه انجیل بوده و بعد به شقاوتی ظاهر که کلمه الله (حضرت مسیح) را تسلیم یهود نمود.» (کتاب بدیع، تصویر خط جناب زین المقربین، ص ۳۳۶)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۲۲) « آینَ هو (میرزا محمد علی) و اعوانه الخادعین و سفرائه المکذبین و امنائه المبطلین و اتباعه المتزلزین؟... سوف ینعدم ذکرهم و تمحو آثارهم و لا یسمع منهم صوتا و لا رکزا و یجعلهم الله نسیاً نسیاً... » (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۸۰ / مائده آسمانی ۶، ردیف غ از باب نوزدهم، ص ۵۶) (مضمون: او و یاران حیلہ‌گر و سفیران دروغگو و امنای باطل و اتباع متزلزلش کجا هستند؟... به زودی ذکرشان فراموش می‌شود و آثارشان نابود می‌گردد و از آنان دیگر صدا و نوایی شنیده نخواهد شد و خداوند به حفره خاموشی و فراموشیشان خواهد افکند.)

۲۳) « قد قطع الله لسانهم (نفوس سافله و اهیه از بیوفایان و علی رأسهم الغراب (کلاغ سیاه) الاکبر، قطره متنه، آواره بیچاره) و سوف یلحقهم بالذین ظلموا و استکبروا من قبلهم اذاً سیعلمن ائ مرجع یرجعون... » (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، ردیف ۳ از باب چهارم، ص ۱۰) (مضمون: خداوند زبانشان را قطع نمود و به زودی آنان را به کسانی ملحق خواهد کرد که پیش از آنان، ستم نمودند و استکبار ورزیدند. آنگاه خواهند فهمید که در چه جایگاهی مقرر دارند.)

۲۴) « سوف تمرّ علیه (اخ الناقض الاکبر و خلیفته، بدیع قبیح بدخصال) نفحات العذاب کما مرّت من قبل علی من کان اعظم منه (الناقض الاکبر) و اشر منه و یجعله الله عبرة للناظرین... » (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۷) (مضمون: به زودی روایح عذاب بر او (برادر ناقض اکبر و جانشین او، بدیع زشت کار بد خصال) خواهد وزید، همان‌گونه که قبلاً بر کسی که بزرگتر از او و شرورتر از او بود (محمد علی، ناقض اکبر) وزید و خداوند درسی برای ناظرانش قرار خواهد داد.)

۲۱. زوال دشمنان امرالله و ستم‌ورزان بر احبّاء الله (۱۰۰)

الف) از آثار حضرت بهاء الله

- ۱) « عنقریب معرضین نادم و خاسر مشاهده شوند... » (آثار قلم اعلی جلد ۶، ص ۱۳۱)
- ۲) « شوکت و سطوت ظالمین عنقریب معدوم و مفقود خواهد شد... » (مائده ۴، ص ۱۷)
- ۳) « عنقریب نفوس معرضه که بأهل بها ظلم نموده اند در کمال ندامت مشاهده شوند، إِنَّ الرَّحْمَنَ مَعَكُمْ وَالْخُسْرَانِ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ، أَنْتُمْ أُسْرَاءُ اللَّهِ فِي الدِّيَارِ... » (لثالی الحکمة ۱، فقره ۱۱۹) (مضمون بخش

عربی: خداوند رحمن با شما است و خسران و زیان با آنان و علیه آنان است؛ شما اسیران الهی در سر زمین های مختلف هستید.)

۴ « شوکت معتدین و طغیان ظالمین و نار مفسدین عنقریب افسرده و فانی و محمود مشاهده شود.»
(لثالی الحکمة ۱، فقره ۱۰۷)

۵ « قُلْ يَا قَوْمِ اِنَّ اَقْرَبَ لَوْحِ الرَّئِيسِ وَمَا نَزَلَ فِي الْاَلْوَا حِ لَعَلَّ يَرْجِعُونَ اِلَى اللّٰهِ وَيَجِدُونَ عَرَفَ الْقَمِيصِ سَوْفَ يَأْخُذُ اللّٰهُ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا كَمَا اَخَذَ الظّٰلِمِيْنَ مِنْ قَبْلُ اِنَّهٗ لَا تُعْجِزُهٗ صُفُوْفُ الْعَالَمِ وَلَا سَطُوْفَةُ الْاُمَمِ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْفَرْدُ الْوَاحِدُ الْمُقْتَدِرُ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ.» (لثالی الحکمة ۳، فقره ۵۲) (مضمون: بگو ای قوم، لوح رئیس و آنچه را که در الواح نازل شده است بخوانید شاید به خداوند راجع شوید و بوی پیراهن را بیابید. به زودی خداوند کسانی را که ظلم کردند، همانند ظالمین پیشین، اخذ خواهد کرد؛ نه صفوف عالمیان و نه سطوت مردمان او را عاجز نخواهد کرد. هر کاری که خواهد می کند و او فرد و واحد و مقتدر و علیم و حکیم است.)

۶ « لَا تَحْزَنُوْا بِمَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ قَدْ وَرَدَ عَلَيْنَا مَا نَاحِ بِهٖ رُوْحُ الْقُدُسِ وَصَاحَ السَّحَابِ، سَوْفَ يَرْوُنَ الظّٰلِمُوْنَ جَزَاءً مَا عَمِلُوْا اِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمِرْصَادِ.» (لثالی الحکمة ۱، فقره ۵۵) (مضمون: غمگین مشوید از آنچه بر شما وارد شد؛ بر ما نیز وارد شد آنچه که روح القدس به آن ناله نمود و ابر فریاد برآورد. به زودی ستمگران جزای اعمال خود را خواهند دید. همانا پروردگارت بر کمین گاه ایستاده است.)

۷ « لَا يَحْزَنُكَ اَقْوَالُ الْمَعْرُضِيْنَ وَلَا ظَلْمُ الظّٰلِمِيْنَ؛ سَوْفَ يَمْحُو اللّٰهُ اَثَارَهُمْ وَيُزِيْنُ بِذِكْرِكُمْ لَوْحَ الْاِبْدَاعِ.» (لثالی الحکمة ۲، فقره ۱۲۵، ص ۲۴۶) (مضمون: گفتارهای معرضین و ظلم ظالمین محزونت نکند؛ به زودی خداوند آثارشان را محو و نابود خواهد کرد و به ذکر شما لوح ابداع را زینت خواهد داد.)

۸ « یا احبایی، ان افرحوا باسمی ثم اذکروا ربکم العزیز الحمید؛ لا تحزنوا من الذین اعرضوا، سوف یأخذهم الله بقهر من عنده، انه مهلك قرون الاولین؛ و یرفع اسمائکم بالحق انه لهو المقتدر القدير.» (لثالی الحکمة ۲، فقره ۶۱، ص ۱۳۹) (مضمون: ای احبای من، به نامم شادمان باشید و پروردگار عزیز و حمیدتان را یاد کنید. به خاطر کسانی که اعراض کردند محزون مباشید، به زودی خداوند به قهری از نزد خود اخذشان خواهد کرد، هم اوست که (معرضین) قرون اولین را هلاک نمود. سپس به حق و راستی اسامی شما را بلند خواهد کرد؛ همانا او، به راستی او، مقتدر و توانا است.)

۹ « حَقَّ مَطَّلَعِ ظَلَمٍ وَ نِفَاقٍ رَا مَهْلَتَ نِدَادٍ وَ اَخَذَ نَمُوْدُ؛ سَوْفَ يَأْخُذُ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا فِي الْاَرْضِ مِنْ دُوْنِ بِيْتَةِ وَ لَا كِتَابِ مَبِيْنِ.» (لثالی الحکمة ۲، فقره ۵۲، ص ۱۳۰) (مضمون بخش عربی: به زودی اخذ خواهد کرد کسانی را که در زمین، بدون دلیل و کتابی مبین، ظلم نمودند.)

۱۰) « از ظلم ظالمان دل‌تنگ مباش؛ حق در کمین‌گاه قائم، زود است که همه را به نیران راجع فرماید؛ انه على كل شيء قدير.» (پیام آسمانی ۲، ص ۲۴۵)

۱۱) « ای‌ک ان تأخذک فی الله لومة الجہلاء او تمنعک اشارات المغلین... يدعون لانفسهم المقامات العلیا و یأکلون اموال الناس بالباطل؛ ألا انهم من الخاسرین. سوف یأتی یوم فیہ یستغیثون و لا یغاثون، كذلك یخبرک من عنده لوح عظیم.» (حضرت بهاء‌الله، مائده ۸، مطلب هفتاد و چهارم، ص ۵۵) (مضمون: مبدا در راه خدا سرزنش جاهلان بر تو اثر کند و یا اشارات بدخواهان بازت دارد... آنان ادعای مقامات عالیه دارند و به باطل اموال مردم را می‌خورند؛ بدان که آنان از زیان‌کارانند. به زودی روزی فرا خواهد رسید که فریاد کمک بلند کنند و کسی به دادشان نرسد؛ این گونه کسی که صاحب لوح عظیم است، ترا با خبر می‌کند.)

۱۲) « ای‌ک ان تحزنک شئون الارض و اشارات الذین اعرضوا عن الوجه، سوف یأخذهم الله بقهر من عنده.» (قلم اعلى ۷، ص ۴۹) (مضمون: مبدا اوضاع عالم و اشارات معرضین از حق محزونت کند؛ به زودی خداوند با قهر و غلبه اخذشان خواهد کرد.)

۱۳) « عنقریب عزت‌های ملوک و مملوک و أمراء و علماء کل به عدم راجع.» (آیات الهی ۱، ص ۲۰ دسامبر- قلم اعلى ۶، ص ۲۷۶)

۱۴) « در جمیع اعصار در رتبه اولیه معرض علمای عصر بوده‌اند. به اعراض آن نفوس، کل معرض... از ظلم ذنب (شیخ محمد باقر، مجتهد اصفهانی) و امثال او مکدر مباش، اگر از برای حجاب بر وجه ماء قرار و استقرار است، از برای آن نفوس هم سکون قرار بوده. هیئات هیئات عنقریب کل به فناء راجع.» (حضرت بهاء‌الله، مائده ۸، مطلب دویست و هفتم، ص ۱۷۱)

۱۵) « امر به قسمی شده که عنقریب اصحاب الهی در همه دیار معزز باشند، الحمد لله جمیع اعداء مخدول خواهند شد؛ دیگر مثل قبل نیست که مردود همه دول باشند.» (حضرت بهاء‌الله، مائده ۸، مطلب یکصد و چهل و ششم، ص ۱۲۰)

۱۶) « لو انهم (العلماء) یفرحون بما ورد علینا من البلاء، فسوف یأتی یوم فیہ ینوحون و ینکون.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره ۱، ص ۳۵) [مضمون: اگر چه (علماء) از بلائی وارد بر ما شادمانند، اما به زودی روزی خواهد آمد که در آن به ناله و گریه آیند.]

۱۷) « اذا نزلنا الآیات قالوا انها مفتریات و اذا اظهرنا ما تحیرت عنه العقول و الارواح قالوا هذا سحر مستمر. ای‌ک ان تحزنک اشارات القوم، دعها عن ورائک. سوف تمر علیهم نفحات العذاب و یرونهم الموحدون کاعجاز نخل منقعر.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره ۲، ص ۴۱) (مضمون: هرگاه آیات نازل کردیم

گفتند مفتریات است و هر وقت ظاهر نمودیم آنچه را که عقول و ارواح را متحیر کرد گفتند این جادویی است آشکار. مبدا اشارات قوم محزونت کند، رهیشان کن. به زودی روایح عذاب بر آنان مرور خواهد کرد و یکتاپرستان آنان را همچون برگ خمیده نخل خواهند دید.)

۱۸) « قد مرت نساء الفضل و بها حملت الاشياء و كان الله على ما اقول شهيداً. سوف يظهر من كل شيء ما تفرح به افئدة الموحدين. اذا تشاهد المشركين يفرون عن اليمين و الشمال و لن يجدوا لانفسهم مقراً اميناً.» (آثار قلم اعلى ۱، فقرة ۱۲، ص ۶۸-امروخلق ۴، ص ۴۷۶) (مضمون: نسیم های فضل مرور نمود و اشیاء به آن حامله شدند و خداوند بر آنچه می گویم شاهد است. به زودی از هر شیئی ظاهر خواهد شد آنچه که یکتاپرستان را شادمان کند. آنگاه مشرکان را خواهی دید که می گریزند به چپ و راست، ولی به هیچ وجه جایگاه امنی برای خود نمی یابند.)

۱۹) « لا يحزنك قول المشركين، انهم كرماد؛ سوف تمرّ عليه ارياح عاصفات و تجعله هباء منثوراً.» (آثار قلم اعلى ۱، فقرة ۵۸، ص ۱۱۸) (مضمون: مبدا گفته های مشرکان محزونت کند؛ آنان همانند خاکسترند. به زودی تندبادهای توفنده بر او خواهد وزید و چون غباری پراکنده اش خواهد کرد.)

۲۰) « يا باقر لا تطمنن بعزك و اقتدارك؛ مثلك كمثل بقية اثر الشمس على رئوس الجبال. سوف يدركها الزوال من لدى الله الغني المتعال. قد اخذ عزك و عز امثالك و هذا ما حكم به من عندهام الالواح.» (مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۶۱- الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۳۰- لوح برهان- نقل توسط بيت العدل اعظم، رساله حضرت بهاء الله، می ۱۹۹۲، ص ۶۱) (ای باقر، به عزت و اقتدارت مطمئن مباش؛ مثل تو مثل بقیه اثر خورشید است بر بلندای کوهستان. به زودی زوال از نزد خداوند غنی متعال محوش خواهد کرد. او عزت تو و عزت امثال تو را اخذ کرد و این همانی است که امّ الالواح بدان حکم کرد.)

۲۱) « عنقریب معرضین نادم و خاسر مشاهده شوند... هذا حتم عند ربك، انه لهو العليم الخبير.» (قلم اعلى ۶، ص ۱۳۱- آیات الهی ۱، ۳ دسامبر- مندرج در توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۶) (مضمون عبارت عربی: این نزد پروردگارت امری حتمی است؛ او دانا و آگاه است.)

۲۲) « مقصود از جبار و فراعنه در جمیع مقامات، علمایی هستند که سبب احتجاج خلق شده اند و بر حقّ جلّ جلاله فتوا داده اند و لکن غافل که آخر امرشان به کجا منجر خواهد شد. عنقریب از برای کلب مقام و عزّی مشاهده شود و از برای آن نفوس ابداً نخواهد شد.» (آیات الهی ۲، ۲۴ ژوئیه)

- ۲۳) «ای گروه علما، از این پس دیگر خود را صاحب اقتدار نخواهید دید، زیرا آن را از شما اخذ نمودیم و به مؤمنان خود بخشیدیم.» (ترجمه) [جمال ابهی، مندرج در روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۸۴- نقل توسط بیت العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۶۱]
- ۲۴) «(خطاب به دشمنان امرالله)... به زودی آنچه را مالکید از دست خواهید داد و عزتتان به ذلت کبری تبدیل خواهد شد و همانگونه که خداوند علیم حکیم مقدر فرموده، به سبب آنچه مرتکب شدید، تنبیه خواهید شد.» (ترجمه) (جمال ابهی، مندرج در روز موعود فرا رسید انگلیسی، ص ۹۲)
- ۲۵) «قل یا قوم، اتمکرون فی امرالله و تخادعون به فی انفسکم؟... فسوف یأخذکم بمکرکم.» (جمال ابهی، مندرج در توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۲۸- مانده آسمانی ۶، ردیف ق از باب بیست و یکم، ص ۶۵) (مضمون: ای قوم، آیا در امر خداوند مکر و حيله می کنید و در نفس خود به آن خدعه می زیند؟... به زودی شما را به مکر خودتان اخذ خواهد کرد.)
- ۲۶) «سوف... تمحو آثار من استکبر علی الله.» (جمال قدم، مندرج در توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶) (مضمون: به زودی... آثار کسانی که بر خداوند استکبار ورزیدند، محو و نابود خواهد گشت.)
- ۲۷) «سوف یرون المشرکون رایات النصر و یسمعون اسم الله من کلّ الجهات؛ یومئذ یقولون انا آمنّا بالله. قل الله أعلم بما فی صدور العالمین.» (جمال ابهی، مندرج در توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶) (مضمون: به زودی مشرکان پرچمهای پیروزی را مشاهده خواهند کرد و نام خداوند را از هر سویی خواهند شنید؛ آن وقت می گویند به خدا ایمان آوردیم. بگو خداوند داناتر است به آنچه در قلبهای عالمیان است.)
- ۲۸) «اگر اراده کند تندبادهای سخت بر آنان (دشمنان امرالله) خواهد وزاند و آنان را چون خاک و خاشاک خواهد کرد.» (ترجمه) [جمال ابهی، روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۸۸]
- ۲۹) «او (خداوند) به زودی... بقایای آثار کسانی را که در یوم بازگشتش انکارش کردند، محو و نابود خواهد کرد.» (ترجمه) [جمال ابهی، نظم بهایی (انگلیسی)، ص ۱۷۴]
- ۳۰) «آن روز فرا خواهد رسید که (دشمنان امرالله) به گریه و ناله و ندبه مشغول شوند.» (ترجمه) [جمال ابهی، مذکور در روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۹۱]
- ۳۱) «(خطاب به دشمنان امرالله)... به زودی نتایج اعمال خود را خواهید دید؛ زیرا پروردگار من، خداوند، شاهد و ناظر اعمال و رفتار شما است.» (ترجمه) [جمال ابهی، نظم بهایی (انگلیسی)، ص ۱۷۳-۱۷۴]

۳۲) « (خطاب به دشمنان امرالله) سوف یفنی ما عندکم و یبدل عزمکم بالدلة الكبرى و ترون جزاء اعمالکم من الله الامر الحکیم.» (جمال ابهی، توقیع ۱۱۳ بدیع) (مضمون: به زودی آنچه نزدتان است فانی خواهد شد و عزتتان به ذلت کبری مبدل خواهد گشت و خداوند امر حکیم، جزای اعمالتان را خواهد داد.)

۳۳) « سوف تأخذهم زبانية العذاب من لدن عزیز مقتدر قیوم.» (جمال ابهی، توقیع ۱۱۳ بدیع) [مضمون: به زودی، به فرمان خداوند عزیز مقتدر قیوم، مأمورین عذاب دهنده دوزخ آنان (دشمنان امرالهی) را اخذ خواهند کرد.]

۳۴) « عنقریب نفوس غافله معرضه، خود را در خسران عظیم مشاهده نمایند.» (آیات الهی جلد ۱، ص ۲۶۵)

۳۵) « اگر چه الیوم علمای عصر حجاب شده‌اند بین حق و خلق، و لکن زود است که کل به خسران خود اعتراف نمایند.» (آیات الهی ۲، ۲۷ اکتبر)

۳۶) « سوف یظهر الله من هذا الافق نوراً و قدرةً و بهما تظلم الشمس و تمحو آثار من استکبر علی الله.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۲) [مضمون: به زودی خداوند از این افق (مظهرالهی) نوری و قدرتی ظاهر خواهد کرد که به واسطه آن‌ها خورشید تاریک شود و آثار کسانی که به خداوند استکبار ورزیدند محو گردد.]

۳۷) « فی الحقیقة کلّ من أعرض عن الحقّ فهو من ثمود^۱، من ای نسل کان. فسوف یدمدم علیهم العذاب كما دُمدم علی الاحزاب من قبلهم، انّ ربک لهو المقتدر القدير.» (مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۱۶) (مضمون: در حقیقت هر کسی از حق اعراض کند از اهل قوم ثمود است؛ از هر نسلی که می خواهد باشد. به زودی عذاب بر آنان چیره خواهد شد، همان گونه که بر احزاب پیشینشان چیره شد. همانا پروردگارت مقتدر و توانا است.)

۳۸) «ایاک ان یحزنک ظلم الذین ظلموا او یمنعک سطوة المشرکین. سوف یاخذهم الله بقدره من عنده كما اخذ من قبلهم الاحزاب؛ انّ ربک لشدید العقاب و یبقی الملك لنفسه المهيمنة علی العالمین.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره ۱، ص ۳۵- امر و خلق ۴، ص ۴۷۶- پیام آسمانی ۲، ص ۲۴۵) (مضمون: مبادا ظلم ظالمین غمگینت کند یا سطوت مشرکین از حق بازت دارد. به زودی خداوند به قدرتی از نزد

^۱ نام قومی ناصالح از اعراب صحرائشین که حضرت صالح پیام آور آنان بود. به بند یا فقره ۱۰ از کتاب مستطاب ایقان رجوع شود.

خودش اخذشان خواهد کرد، همان گونه که احزاب قبل از آنان را اخذ کرد؛ همانا تنبیه پروردگارت شدید است. آنگاه مُلک برای خود خداوند که چیره بر عالمیان است، باقی خواهد ماند.)

(۳۹) « لا تحزنوا من الذين ظلموا؛ سوف نأخذهم كما اخذنا قبلهم الاحزاب.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره ۵، ص ۵۲) (مضمون: از دست ستمگران محزون نشوید؛ به زودی آنان را اخذ خواهیم کرد؛ همان گونه که احزاب قبل از آنان را اخذ کردیم.)

(۴۰) «سوف... تنهدم آثار الذين كفروا بيوم المآب.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره ۵، ص ۵۲) (به زودی آثار کسانی که به روز آمدن کفر ورزیدند، منهدم خواهد شد.)

(۴۱) « ان اختر لنفسك ما اخترناه لك و لا ترى الذين ظلموا الا كمنلة تطير في ساعة او اقل منها. فسوف يطهر الله الارض من هؤلاء... انه لهو الغالب على من في ملكوت الامر و الخلق.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره ۲۲، ص ۸۱- امر و خلق ۴، ص ۴۷۶- پیام آسمانی ۲، ص ۲۴۵) (مضمون: برای خود چیزی را برگزین که ما برایت برگزیدیم و به کسانی که ستم نمودند منگر مگر همانند مورچه (بالداری) که پروازش فقط ساعتی یا کم تر از آن می یابد. به زودی خداوند زمین را از پلیدی آنان پاک خواهد کرد... همانا او قطعاً بر اهل ملکوت امر و خلق غالب است.)

(۴۲) « ان الذين غرتهم الدنيا اولئك ليس لهم من محيص. سوف تمر عليهم ریح صرصر و تجعلهم كهشيم المحتظر او كهباء منتشر و ترجعهم الى السقر ان ربك لهو المقتدر القدير.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره ۷۳، ص ۱۳۳) (مضمون: برای کسانی که دنیا را برگزیدند گریزگاهی نیست. به زودی تند باد تنبیه بر آنان خواهد وزید و چون کاه بر آغل ریخته، یا غبار پراکنده اشان خواهد کرد و به دوزخ راجعشان خواهد نمود، همانا پروردگارت مقتدر و توانا است.)

(۴۳) « سوف ينوح كل غافل و يحن كل جاهل و يصيح كل ظالم لئيم. انه ياخذ من كفر به و يعذب الذين انكروا ما ظهر في ايام الله العليم الخبير الاقدم الاعظم.» (آثار قلم اعلى ۲، ص ۲۰۰) (مضمون: به زودی هر غافلی نوحه خواهد کرد و هر جاهلی ناله خواهد نمود و هر ستمگر فرومایه ای صیحه خواهد زد. همانا او اخذ خواهد کرد کسی را که کفر ورزید و عذاب خواهد داد کسانی را که انکار کردند آنچه را ظاهر شد در ایام خداوند علیم خبیر اقدم اعظم.)

(۴۴) « ان الذين كفروا بالله و سلطانه اولئك ترهقهم ذلّة و ما لهم من الله من عاصم، فسوف يأخذهم سيأط القهر من لدى الله القادر القهار.» (آثار قلم اعلى ۴، ص ۱۷- سورة القميص) (مضمون: کسانی که به خداوند و سلطنت او کافر شدند، ذلت بر آنان خواهد تاخت و نگهدارنده ای برایشان نخواهد بود، به زودی تازیانه قهر خداوند قادر قهار، اخذشان خواهد کرد.)

﴿ ٤٥ ﴾ « يا ملاء المشركين... جعلناكم عبدة الاسماء و من المعتكفين عليها... اذا فاعبدوا الهتكم و هويكم؛ فسوف يجعلكم الله و اياهم هباء، بحيث لن يبقى منكم على الارض من اثر و هذا ما قُضى بالحق على الواح عزّ حفيظ. » (آثار قلم اعلى ٤، ص ٤٥- لوح الروح) (مضمون: ای گروه مشرکان... شما را بنده نامها و عابدين آنها قرار داديم... پس الهه خود و هوای نفستان را عبادت كنيد. به زودی خداوند شما و آنها را غباری بر بادرفته خواهد کرد؛ به گونه ای که اثری از شما بر ارض باقی نخواهد ماند؛ و این چیزی است که به راستی در الواح معزز محفوظ، مقدر شده است.)

﴿ ٤٦ ﴾ « قل ان الله قدر في الكتاب بان يأخذ الظالمين بظلمهم و يقطع دابر المفسدين. » (نداء رب الجنود، سورة ملوك، بند ٥٢) (مضمون: بگو خداوند در کتاب مقدر کرد که ستمگران را اخذ کند و دنباله فاسدان را قطع نماید.)

﴿ ٤٧ ﴾ « شوكت معتدين و طغيان ظالمين و نار مفسدين عنقريب افسرده و فانی و مخمود مشاهده شود. » (آیات الهی ٢، ١٩ مارس)

﴿ ٤٨ ﴾ « (ای دوستان حق) از... اقتدار اولی البغضاء محزون مباحثید؛ زود است که... به ضعف و فنا تبدیل شود. » (آیات الهی ٢، ٢٩ اکتبر)

﴿ ٤٩ ﴾ « لا تنظر الى الذين ظلموا احبابي... سوف يأتي يومٌ فيه يضعون اناملهم بين انيابهم و يبكون على انفسهم. كذلك قُضى الامر من لدن مقتدر قدير. » (جمال ابهي، امروخلق ٤، ص ٤٧٦) (مضمون: به کسانی که بر احبابی من ستم کردند توجهی ننما... به زودی روزی فرا خواهد رسید که انگشتان حسرت بر دندان نهند و به حال خود بگریند. کار از نزد خداوند مقتدر توانا، این گونه مقدر شد.)

﴿ ٥٠ ﴾ « از ظلم ظالمان دلتنگ مباح؛ حق در کمینگاه قائم. زود است که همه را به نیران (آتشها) راجع فرماید. انه على كل شئی قدير. » (جمال ابهي، امروخلق ٤، ص ٤٧٧- ٤٧٦)

﴿ ٥١ ﴾ « عنقريب نفوس معرضه که به اهل بهاء ظلم نموده اند در کمال ندامت مشاهده شوند... الخسران لهم و عليهم. » (جمال ابهي، امروخلق ٤، ص ٤٧٧) (مضمون عبارت عربی: زیان برای آنان و بر آنان است.)

﴿ ٥٢ ﴾ « الذين هم ظلمونا بغير جرم و لا ذنب مبین... كان الله قائماً عليهم... و (سوف) يأخذهم بذنبيهم و انه اشد المتتقمين. » (منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، فقره ٦٦) (مضمون: کسانی که به ما بدون جرم و گناهی ستم ورزیدند... خداوند مسلط است بر آنان... و (به زودی) به سبب گناهی که مرتکب شدند اخذشان خواهد کرد؛ زیرا او شدیدترین انتقام گیرندگان است.)

۵۳ « عنقریب نفوس مغرضه که به اهل بهاء ظلم نموده‌اند، در کمال ندامت مشاهده شوند.» [جمال ابهی، مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸]

۵۴ « سوف... یأخذُ (الله) الذین ظلموا؛ إنَّ هذا لَحَقُّ مبین.» (جمال ابهی، امر وخلق ۴، ص ۴۷۷) [مضمون: به زودی... (خداوند) کسانی را که ستم ورزیدند اخذ خواهد کرد. همانا این، به راستی، حقیقتی معلوم است.]

۵۵ « سوف یرون الغافلونَ و الظالمونَ جزاء اعمالهم.» (جمال ابهی، مندرج در مجموعه بحرانها و پیروزیها، بند ۴۶) (مضمون: به زودی غافلان و ظالمان جزای اعمال خود را خواهند دید.)

۵۶ « لا یحزنکم كثرة الاعداء، سوف یجعلهم الله هباء و لا تسمع ضوضائهم الا کطین الذباب؛ انه کان بکلّ شیء علیما.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره ۵، ص ۵۳- مندرج در توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۶) (مبادا کثرت دشمنان غمگیتان کند، به زودی خداوند آنان را همانند غباری پراکنده شده خواهد کرد و دیگر فریادشان شنیده نخواهد شد، مگر همچون صدای پرواز پشه‌ای. او به راستی بر هر چیزی آگاه است.)

۵۷ « از بلایای وارده محزون باشید... عنقریب... نقطه ظلم از لوح کون محو شود؛ هذا وعد غیر مکذوب.» (آیات الهی ۲، ۲۹ ژانویه) (مضمون عبارت عربی: این وعده‌ای است راستین.)

۵۸ « سوف نأخذ الذین ظلموا الیوم و قاموا علی الاعراض و عدا من عندنا و انا المقتدر علی ما اقول؛ لا تبقی فی الارض انفسهم و لا اموالهم و لا آثارهم و یبقی لک و للذین استقاموا ما لا یفنی بدوام الملک و الملکوت.» (قلم اعلی ۷، ص ۳۲۴) (مضمون: به زودی کسانی را که امروز ستم کردند و به اعراض برخاستند اخذ خواهیم کرد؛ این وعده‌ای است از نزد ما و ما بر آنچه می‌گوییم تواناییم؛ نه خودشان و نه اموالشان و نه آثارشان در زمین باقی نخواهد ماند و برای تو و کسانی که پایداری نمودند، چیزی باقی می‌ماند که به دوام ملک و ملکوت فانی نشود.)

۵۹ « ابرهای تیره هوی (متعلق به علمای عصر) افق هدی را ستر نموده، و لکن سوف یزیلها الله بالحق. انه لهو المقتدر القدير.» (آیات الهی ۲، ۲۷ اکتبر) (مضمون بخش عربی: ولی به زودی خداوند به حق و راستی آن را زایل خواهد کرد. همانا او مقتدر و توانا است.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۶۰ « ای دوستان... از سطوت علمای جاهل خائف نباشید و از ثروت دنیا مسرور نگردید؛ زود است قضای مبرم الهی هر دو را اخذ نماید و فانی سازد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۷۵)

۶۱) « در بدایت انقلاب (مشروطه)... صدر اعظم رفته که حضرات علما را از قم به طهران در نهایت احترام وارد کند... این عزت مانند ظلّ زائل است؛ عنقریب مبدل به ذلت کبری شود و ضربت علیهم الذلّة و المسکنة و باثوا بغضب من الله، یخربون بیوتهم بایدیهم و ایدی المؤمنین. به دست خود تیشه بر ریشه خود زدند.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب دهم از ردیف ع، ص ۱۹۷) (مضمون جمله عربی: برای آنان ذلت و مسکنت مقدر شد و غضب الهی مهیا گشت، به دست خود و به دست مؤمنین خانه‌های خود را خراب می‌کنند.)

۶۲) « یا اغنام الله س... ترون اعلام الاحزاب منکوسه و رایاتهم معکوسه و الوجوه ممسوحه ممسوخه و الاعین شاخصه غائره و القلوب خافقه خاسره و البيوت خالية خاوية و الجسوم واهیه بالیه و الارواح هاویه فی الهاویه.» (لوح خراسان، مکاتیب ۱، صص ۱۴۴-۱۴۳-۱ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۱۴۰- مندرج در توفیق مورخ ژانویه ۱۹۲۹) (مضمون: ای اغنام الهی... به زودی پرچم‌های احزاب را واژگون، و علم‌هایشان را سرنگون، و چهره‌هایشان را سیاه و زشت، و چشم‌هایشان را وادریده و پرحسرت، و قلب‌هایشان را در تپش وحشت، و خانه‌هایشان را تهی و فراموش شده، و جسم‌هایشان را سست و فرسوده، و روح‌هایشان را متمایل به دوزخ، مشاهده خواهید نمود.)

۶۳) « این عزت (دشمنان امرالله) به سخت‌ترین ذلت و این شکوه و جلالشان به بدترین انحطاط و اضمحلال مبدل خواهد شد.» (ترجمه) [حضرت عبدالبهاء، مذکور در روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۹۳]

۶۴) « آنان (دشمنان امرالله)، همچون برف در آفتاب بهاران مضمحل و نابود خواهند شد.» (ترجمه) [حضرت عبدالبهاء، روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۹۳]

۶۵) « (در مورد دشمنان امرالهی) این عزت مبدل به ذلت کبری گردد و این سطوت و شوکت منقلب به مقهوریت عظمی شود. ایوان مبدل به زندان گردد و اوج ماه به قعر چاه انجامد. قهقهه و خنده نماند؛ بلکه نحیب بکاء (گریه) بلند شود.» (حضرت عبدالبهاء، توفیق ۱۱۳ بدیع)

۶۶) « (در مورد دشمنان امرالهی) گنبد‌های سفید و نیلگون سرنگون گردد.» (حضرت عبدالبهاء، توفیق ۱۱۳ بدیع)

۶۷) « عنقریب این نغمه و اطوبی، و اطوبی (از جانب دشمنان امرالله)، منقلب به فریاد و اوایلا، و اسفا گردد.» (حضرت عبدالبهاء، توفیق ۱۱۳ بدیع)

۶۸ « من بعد دستگاه اجتهاد و حکمرانی علماء و مرافعه در نزد مجتهدین و تمسک عوام به ایشان و صف جماعت و ریاست رؤسای دین پیچیده خواهد شد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب دهم از ردیف ع، ص ۱۹۳)

۶۹ « سید عبد الله می گوید العزّة لی فی الآخرة و الاولى، شیخ فضل الله می گوید الملک لی و السلطنة العظمی، سید محمد می گوید انّی مصدر فی صدر الجلال و خضعت لی الاعناق... حضرات علما آخور را دیدند، اما آخر را ندیدند. عنقریب این فریادهای یاطوبی، یاطوبی، مبدل به و اسفا و اوایلا گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب دهم از ردیف ع، ص ۱۹۷) (مضمون عبارات عربی: در دنیا و آخرت عزت از آن من است... حکومت و سلطنت عظمی از آن من است... من در صدر جلال جالس هستم و گردن‌ها برایم خم شده است.)

۷۰ « رساله سیاسی... در سنه هزار و سیصد و ده در بدایت انقلاب (مشروطه) مرقوم گردید... به آن رساله مراجعت نمایید و به دیگران بنمایید... به وضوح مرقوم گردیده که اگر آخوندها و فقهای زمان مداخله در امور نمایند، بعینه مثل زمان شاه سلطان حسین و فتحعلی شاه... گردد. در زمان شاه سلطان حسین، از مداخله آقایان پیشوا، ایران به دست عثمانی و روس و افغان افتاد و در زمان فتحعلیشاه، به مداخله آن گروه بیانتباه، نصف آذربایجان به باد رفت و غرامت عظیم کشیده شد و دریای مازندران از دست رفت.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب دهم از ردیف ع، ص ۱۹۷)

۷۱ « انّ جندنا لهم الغالبون؛ عاقبت این قبه‌های گرد سفید و سبز و نیلگون سرنگون گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب هفدهم از ردیف م، ص ۴۶) (مضمون عبارت عربی: همانا سپاه ما غالب است.)

۷۲ « هر چند علمای رسوم و رؤسای جهول ظلم به ظاهر عربده‌ای می نمایند و جولانی میدهند؛ عنقریب ملاحظه خواهید نمود که این قوم مانند بوم هر یک به گوشه خرابه‌ای خزیده و به زاویه خسران ابدی دویده و در حفره لعنت سرمدی افتاده.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۴۶)

۷۳ « از تعدّیات تقی شقی مرقوم نموده بودید... این نفوس، عقرب صفت، افعی سیرت، مار رفتارند و رعیت حتّی حکومت به شَرشان گرفتار، ولی غافل از این که خداوند منتقم هرچند صبور است، ولی غیور است. عنقریب چنان تیشه بر ریشه این ستمکاران زند که اشجار آمالشان از بیخ برافتند، انّ ربّک لبالمصراد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۲۶۸) (مضمون عبارت عربی: همانا پروردگارت در کمینگاه است.)

(۷۴) « عنقریب آه و انین مظلومان در قلب امکان تأثیر نماید و مفسدین به نکبت کبری مبتلا گردند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۲۷۷)

(۷۵) « عنقریب ملاحظه خواهید فرمود که کل (دشمنان امرالهی) با عنق منکسر خائب و خاسر... مبتلا گردند... و عاقبت کآن لم یکن شیئاً مذکوراً معدوم گردند.» (حضرت عبدالبهاء، توقیع ۱۱۳ بدیع (مضمون عبارت عربی: انگار که اصلاً چیزی موجود نبوده است).)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۷۶) « (حضرت بهاءالله) در کتب و الواح خود... خطاب به «کلّ علمای ایران»، آیاتی توییح آمیز نازل می‌کند و در آن‌ها، اعمال و رفتارشان را سرزنش می‌نماید و پیش‌بینی می‌کند که «شکوه و جلالشان به ذلّت کبری منتهی خواهد شد»، و مجازاتی را «که خداوند قدیر و حکیم برایشان مقدر فرموده»، مشاهده خواهند کرد.» (مرور معبود، ص ۲۹۳)

(۷۷) « حضرتش (حضرت بهاءالله) خطاب به ناصرالدین شاه نیز لوحی نازل نمود که طولانی‌ترین توقیع صادر برای یک سلطان است، و در آن... ذلّت آینده "علماء" را پیش‌بینی می‌نماید.» (مرور معبود، ۲۴۷)

(۷۸) « به دیده بصیرت ملاحظه نمایید که دشمنان حضرت مسیح با وجودی که در سنین معدوده به مقاومت و معارضه مشغول بودند، به این ذلّت کبری در مدّت بیست قرن مبتلا گشتند. پس در این ظهور اعظم و کور مفخّم... به اعدایی که مدّت هفتاد سال به جمال قدم و مبشر امر اتمش و غصن اعظم مکرمش چنین بلایایی وارد آورده‌اند که شبه آن در هیچ تاریخی ثبت نگشته، من بعد چه وارد گردد و چه ذلّتی رخ بگشاید و چه مجازاتی در عرصه شهود جلوه نماید. ان القلم یرجف من ذکر ما یرد علی هولاء الظالمین و القلب ینوح علیهم لذّتهم و کربتهم فی هذاالدور المشعشع الممتنع العظیم.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۸۵) (مضمون بخش عربی: قلم از ذکر آنچه بر این ستمگران وارد خواهد شد، به خود می‌لرزد و قلب به سبب ذلّت و نکبتشان در این دور مشعشع ممتنع عظیم، ناله می‌کند.)

(۷۹) « آنچه از این به بعد (دسامبر ۱۹۳۷) در اقلیم مجاوره (مجاور کشور ترکیه) بر علمای سوء، از سنی و شیعه، وارد گردد، کل از تأثیرات روعیه آن ظلم مبین (شهادت حضرت رب اعلی و مصیبات بعد از آن) است که در مدت هفتاد سال، از آن دو ملک غدار و دو حامی علمای سوء در آن دو اقلیم (ایران و امپراطوری عثمانی) وارد گشته.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۸۳)

- ۸۰ « عنقریب... سلطه ظاهره اسم اعظم زلزله به ارکان ممالک و بلدان اندازد و علمای رسوم از هر فرقه و در هر کشوری، بعضی را مرعوب و متنبه و برخی را مخدول و متشتت و مقهور و معدوم سازد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۳۱)
- ۸۱ « (خطاب به بازماندگان شهدای جهرم) زود است منتقم قهار زلزله به ارکان دشمنان اندازد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۴)
- ۸۲ « هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده قضا مکنون و تحقق مواعید جانپوروش به وقت دیگر مرهون... ذئاب کاسره، علمای دین و دشمنان دیرین و پرکین، قلع و قمع گردند.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۸)
- ۸۳ « سوف یرون المستهزئون یوم النصر باعینهم و یسمعون الصیحة بأذانهم یومئذ ترجف ارکانهم و تقشعر جلودهم و یرون انفسهم فی اسف عظیم.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۷۶-مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۵) (مضمون: به زودی استهزاء کنندگان روز پیروزی را به چشمان خود خواهند دید و فریاد سرافرازی را به گوش های خود خواهند شنید؛ آنگاه ارکانشان به لرزه در خواهد آمد و پوست هایشان مرتعش خواهد شد و خود را در حرمان عظیم خواهند یافت.)
- ۸۴ « این هیجان و اضطراب (دماء مسفوکة در سیل امرالهی)، هیچ شبهه نبوده (که) به... تذلیل و پریشانی اعدا مبدل خواهد گشت.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۲۵)
- ۸۵ « این عبد (حضرت ولی امرالله)، در احیان زیارت و فراغت... هدم بنیان ظالمان و دشمنان امر یزدان را متمنی (است).» (مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۱)
- ۸۶ « همان گونه که در جایی دیگر نیز ذکر کردیم، آن روز چندان دیر نیست که علائم موعود تنبیه الهی انتقام خون گلگون بندگان مقتول حضرت بهاء الله را اخذ کند.» (ترجمه) [حضرت ولی امرالله، کتاب نظم بهایی (انگلیسی)، ص ۱۰۸]
- ۸۷ « به یقین مبین بدانند که... دشمنان بالمال مقلوب و منکوب گردند و امرالهی غالب و کلمه الله نافذ گردد.» (حضرت ولی امرالله، مجموعه بحرانها و پیروزیها، بند ۶۴)
- ۸۸ « این عبد (حضرت ولی امرالله)... یاران (ایران) را به صبر و شکیبایی و تحمل این مشقات و متاعب و مصائب دلالت نماید، الی ان ینجز الله وعده... و یتشتت شمل اعدائه.» (حضرت ولی امرالله، ۱۳ شهرالقدره ۱۰۴ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۱) (مضمون بخش عربی: تا این که خداوند به وعده اش وفا کند... و جمع دشمنانش را متفرق سازد.)

۸۹) « به یقین مبین بدانید که نفس این قیام و تولید لوله و آشوب و ظلم و ستم و تهدید و مقاومت و تحریک و زجر و هجوم (علیه امرالله)، بالمآل باعث انحطاط و علت هبوط و سقوط جمهور محرکین و متعصبین و ظالمین و مفسدین و معترضین و معتدین و مهاجمین و انقراض و زوال علمای سوء و رؤسای ادیان عتیقه در اقالیم سایره گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع)

۹۰) « این فرایند انحلال و انحطاط (در اقبال دشمنان امرالله)... هنگامی که مخالفت با امرالهی از منابع مختلف و در زمینه‌های متعدد افزایش یابد، سرعت بیشتری خواهد گرفت و آثار بیشتری از قدرت مخرب‌اش نمودار خواهد شد.» (ترجمه) [حضرت ولی امرالله، توقیع روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۱۷۷]

۹۱) « دشمنان حسود و لدود که در کمینند و بر اقدامات و خدمات جلیله یاران به نظر حقارت نظر می‌نمایند، خائب و خاسر و مایوس و منکوب گردند.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱ نوامبر ۱۹۴۷، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۹۴-۹۳)

۹۲) « به یقین مبین بدانند... عربده جهال خاموش شود... و قهاریت امر مبرم نمودار گردد... و مبطلین و مطرودین و مکذبین را به اشد عذاب مبتلا گردانند.» (حضرت ولی امرالله، تلگراف ۱۱ ژانویه ۱۹۴۶، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۴-۲۳)

۹۳) « اشرار حتماً به مجازات خواهند رسید.» (حضرت ولی امرالله، تلگراف ۳ جولای ۱۹۴۶، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۳۸)

۹۴) « ایّاکم ایّاکم ان یمنعکم عن اداء رسالات ربکم و مولاکم و محبوبکم دولة هاتک او لومة لائم او صولة ظالم او شوکة فاتک، سوف یدمدم علیهم العذاب کما دمدم علی الذین کانوا من قبلهم و انّ هذا لوعد غیر مکذوب.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۳) [مضمون: مبدا مبدا که دولت هر بی ادبی و لومت هر سرزنشگری و صولت هر ستمگری و سکوت* هر غاصبی شما را از رساندن رساله‌های پروردگارتان و مولایتان و محبوبتان بازدارد. به زودی عذاب بر آنان (سپاهیان جباران و قدرت فرعونان) مستولی خواهد شد؛ همان گونه که بر پیشینیانسان مستولی گشت؛ و همانا این، به راستی وعده‌ای است قطعی.]

۹۵) « فَوَرَبِّ الْعَمَاءِ، سَوْفَ يُفْتَوْنَ بِفِتْنَةٍ عَمِيَاءَ صَمَاءَ وَ يَضْرِبَنَّ عَلَيَّ فَمِهِمْ مَلَأْتُكَ الْأَمْرَ وَ تَنْزِلُ اللَّعْنَةُ عَلَيْهِمْ وَ تَمُرُّ الرِّيحُ الْحَمْرَاءُ وَ يُحِيطُهُمْ عَذَابُ اللَّهِ الْكَبِيرِ الْكَبِيرِ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ تَحْتَ أَرْجُلِهِمْ وَ يَحِلُّ بِهِمْ بَلَاءٌ لَمْ يُسْمَعْ بَلَاءٌ أَشَدُّ مِنْهُ؛ إِذَا تَرَجَّفَ أَرْكَانُهُمْ وَ تَقَشَّرَ جُلُودُهُمْ وَ يَضِعُونَ أُنَامِلَ الْحَسْرَةِ بَيْنَ أُنْيَابِهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ لَأَنْفُسِهِمْ نَاصِراً وَ لَا مَعِيناً؛ إِذَا يَأْكُلُهُمُ النَّيْرَانُ وَ يَمْحُو اللَّهُ آثَارَهُمْ وَ تُلْحِقُهُمُ بِالْهَالِكِينَ؛ إِذَا لَا تَسْمَعُ

لهم صوتاً ولا ركزاً.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع) (مضمون: قسم به پروردگار هستی، به زودی (دشمنان امرالهی) به فتنه‌ای کور و سخت امتحان خواهند شد و ملائکه امر بر دهانشان خواهند زد و بر آنان لعنت نازل خواهد شد و باد سرخ وزان خواهد شد و عذاب کبیر اکبر الهی از بالای سرهایشان و از زیر قدم‌هایشان فرایشان خواهد گرفت و بلایی بر آنان وارد خواهد شد که شدیدتر از آن شنیده نشده است؛ آنگاه ارکانشان مرتعش خواهد شد و پوستشان لرزان خواهد گشت و انگشتان حسرت بر دهان خواهند برد و برای خود یار و یآوری نخواهند یافت؛ آنگاه در آتش خواهند سوخت و خداوند آثارشان را محو و نابود خواهد نمود و به هلاک شدگان ملحقشان خواهد کرد؛ آنگاه دیگر در باره آنان حرف و حدیثی نخواهی شنید.)

۹۶) « علماء سوء گمان نمایند که به زجر و عقوبت و پستی و دنائت و ظلم و لثامت، روح آزاد این امر مقهور و مغلوب گردد... ولی غافلند که این جور و ستم، دول و امم را بیدار نماید... شوکت و صولت و سطوت خویش را عاقبت از بنیاد براندازد و مضمحل سازد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۵)

۹۷) « ید غیبی دوستان را نصرت می فرماید و اهل ظلم و ستم را عنقریب مقهور و مغلوب خواهد نمود.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۴۰)

۹۸) « همین قلم است (قلم حضرت عبدالبهاء) که پیش آگهی می دهد... نفوذ قدرتمند علمای شیعه در ایران افول خواهد کرد.» (حضرت ولی امرالله، مرور معبود، ص ۴۱۹)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۹۹) « جمال مبارک جلّ ثنائه به اصرح کلام اهل بهاء را بشارت داده و وعده فرموده‌اند که: "ای دوستان... ظلم ظالمین و اعراض معرضین و ضوضاء فاسقین شما را محزون ننماید. قسم به سلطان وجود، عنقریب جمیع این بساطها برچیده شود و اثری از این نفوس در ارض باقی نماند." » (پیام ۲۱ مارس ۱۹۸۶/ اول شهرالبهاء ۱۴۳ بدیع)

۱۰۰) « شکی نبوده و نیست که هر بساطی که بناپیش بر کذب و افترا و ظلم و جفا باشد بقایی نیابد و به زودی منطوی گردد و نجم آمال دشمنان حضرت ذوالجلال (در ایران) آفل شود و غلبه امرالله محقق گردد.» (پیام ۲۱ مارس ۱۹۸۶، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۶۵)

فصل چهارم

عصر تکوین، عاقبت حال بشریتی سرکش و خداگریز (۱۲۰)

۲۲. تنبیه الهی (۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «عالم از برای عرفان مالکِ قدمِ خلق شده؛ ولکن اهلش حجت الهی را انکار کردند و برکفران نعمت قیام نمودند؛ عنقریب آثار غضب اسم قهار روی زمین را اخذ نماید و مقتدرین را به سقر فرستد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۲۴۶)

(۲) «قسم به حقیقت ازلی، آن یوم نزدیک می‌شود که خشم و غضب خداوند قدیر آنان (بشر معروض از خداوند) را اخذ کند. او به راستی مقتدر و مهیمن و علیم است.» (ترجمه) (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۰۳، ص ۲۰۸، متن انگلیسی)

(۳) «قسم به حقیقت ازلی،... او (خداوند) زمین را از لوث پلیدی آنان (بشر معروض از خداوند) پاک خواهد کرد و آن را همچون میراثی، به بندگان مقربش خواهد بخشید.» (ترجمه) (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۰۳، ص ۲۰۸، متن انگلیسی)

(۴) «هر امری اعتدالش خوب و محبوب است؛ تمدن زیاد سبب خرابی بوده و هست؛ چنانچه مشاهده می‌شود که در اروپا به قول خودشان قتل نفس هم مُد شده؛ به اقسام مختلفه می‌کشند؛ به ظلمی که شبه آن شنیده نشده تاچه رسد به مشاهده. عنقریب به عقوبات عظیمه مبتلا می‌شوند؛ چه که ارکان دین در عالم سست شده و این سستی، سبب قوت جهال و جرأت و جسارتشان می‌شود» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۳۳)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۵) «حضرت (بهاءالله)، خطاب به امپراطور فرانسه، ناپلئون سوم، که برجسته‌ترین و متنفذترین فرمانروای روزگار ایشان در مغرب زمین بود، و او را "رئیس ملوک" نامیده... به وضوح پیش‌بینی می‌کند که مملکتش "گرفتار اغتشاش" و آشوب خواهد شد و "امپراطوریش از دستش" بیرون خواهد رفت، و "فتنه و فساد همه مردمان سرزمینش را فرا خواهد گرفت"، مگر آن که به حمایت امر خداوند برخیزد و از

فرمان کسی که رجعت همان روح الله موعود است (حضرت مسیح- م) پیروی نماید. « (مرور معبود، ص ۲۸۸)

(۶) (حضرت بهاء الله) در همان کتاب مبین (کتاب مستطاب اقدس) "سواحل رود راین (Rhine)" را خطاب کرده، پیش‌گویی می‌کند که "شمشیرهای تنبیه" بر آن‌ها کشیده خواهد شد و "ناله‌های برلن" بلند خواهد گشت، هر چند در آن روزگار از "عزت آشکار" برخوردار بوده است. « (مرور معبود، ص ۲۸۹)

(۷) « سقوط سریع امپراطوری‌ها... (از جمله) سقوط ناگهانی بنیانگذار خاندان سلطنتی جدید در ایران (منظور رضا شاه است)، مثال‌های بیشتری از احاطه و استیلای آن "تنبیه الهی" (را) که حضرت بهاء الله در همان سوره جاودانه (سوره ملوک) پیش‌گویی فرموده، ارائه می‌کند. « (مرور معبود، ص ۳۱۳)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۸) « عالم انسانی در حال عبور از دورانی پر از ناملازمات است که در آن، انواع حوادث ناگوار اتفاق افتاده و می‌افتد. این مصائب و بلاها آن قدر ادامه خواهد یافت تا عالم انسانی از آلام وارده درس عبرت گیرد و مظهر الهی این عصر را بشناسد و به او ایمان آورد. « (پیام ۱ می ۲۰۰۷)

۲۳. توسعه و تشدید لامذهبی (۶)

الف) از آثار حضرت بهاء الله

(۱) « وجه آن (عالم) بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد؛ به شأنی که ذکر آن حال مقتضی نه. « (منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله نشر آلمان، فقره ۶۱- آیات الهی ۱، ۱۲ می- امروخلق ۴، ص ۴۷۲- نقل در نظم جهانی بهایی، ص ۴۱- نقل در توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(۲) « وجه عالم بر لامذهبی متوجه بوده. در کل سنین بل در کل شهور بل در کل ایام، از ایمان و ایقان و عرفان بعید و به ظنون و اوهام نزدیک و تا مدتی به این نحو خواهند بود، چنانچه میقات آن در کتاب الهی نازل و ثبت شده (است). « (آیات الهی جلد اول، ۲۴ اوت- امروخلق ۴، ص ۴۷۳- مائده ۴، ردیف الف، باب چهارم، ص ۱۹)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۳) « وجه عالم به لامذهبی متوجه و منتهی به هرج و مرج خواهد شد. « (مندرج در بهاء الله و عصر جدید، ص ۲۸۳)

۴ « جمیع خلق، اروپامشرب گردند (یعنی روش اروپایی پیش گیرند) و به آسایش این جهان پردازند؛ اساس دین به کلی مضطرب و متزلزل گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب دهم از ردیف ع، ص ۱۹۳)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۵ « (حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) افسوس می خورد که " ارکان دین در عالم سست شده " و "وجه آن (عالم) به غفلت و لامذهبی متوجه " است.» (مرور معبود، ص ۳۰۰)

۶ « حضرت عبدالبهاء در الواح قدسیه... تصریح فرموده که... غفلت و لامذهبی در بین جمیع طبقات رواج یابد.» (حضرت ولی امرالله، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۸-۶۸)

۲۴. انحطاط اخلاق عمومی (۴)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱ « حضرت ولی امرالله... پیش بینی فرمود که قدرت کشورها به عنوان داور و حکم برای سرنوشت بشر ضعیف خواهد شد.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۴)

۲ « حضرت ولی امرالله... پیش بینی فرمود که... انحطاط عمومی اخلاقی در انسجام و پیوستگی اجتماع تأثیر مهلکی خواهد داشت.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۴)

۳ « حضرت ولی امرالله... پیش بینی فرمود که... مردم از سیاست به واسطه فساد که در دستگاهش رخنه کرده، مأیوس و دلسرد خواهند شد.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۴)

۴ « روش های افراطی و منحرف را به بهانه حقوق بشر مشروع شمردن، هنرها و جرائد و رسانه های جمعی منحط و تجاوز و خشونت را در سراسر عالم تجلیل نمودن، همه این ها و سایر مظاهر هرج و مرج اخلاقی از آینده ای خبر می دهد که قوه مخیله را فلج می کند.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۰)

۲۵. گسترش تعصب و تفرقه و تعدی (۴)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «ظلم و تعدی عالم را احاطه خواهد نمود.» (ترجمه) [مندرج در روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۱۲۱]

(۲) «مرض عالم به مقامی رسیده که نزدیک به یأس است، چه که طیب، ممنوع و متطّیب مقبول و مشغول... غبار نفاق قلوب را اخذ نموده و ابصار را احاطه کرده؛ سوف بیرون ما عملوا فی ایام الله، کذلک ینبئک الخیر من لدن مقتدر قدیر.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۱۶) (مضمون بخش عربی: به زودی آنچه را که در ایام الهی مرتکب شدند، ملاحظه خواهند کرد. این گونه خبیر از نزد خداوند مقتدر قدیر به تو خبر می دهد.)

د) از آثار بیت العدل اعظم

(۳) «مستقبل جهان در ظلمتی عمیق و مشؤم (بدیمن، بدشگون) فرو رفته است.» (۲ سپتامبر ۱۹۸۲)

(۴) «هر روز که می گذرد بر این خطر افزوده می شود که شعله تعصبات دینی آتشی در جهان خواهد افروخت که نتایج دهشتناکش از حد تصور ما بیرون است و به قدری شدید است که دولت ها و حکومت ها به تنهایی از فرونشاندنش عاجزند.» (بیانیه آوریل ۲۰۰۲، خطاب به رؤسای ادیان)

۲۶. وقوع جنگ های ویرانگر (۱۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «أنا جعلنا میقاتاً لكم؛ فاذا تمت الميقاتُ و ما أقبلتم الى الله، ليأخذنكم عن كل الجهات و يُرسل عليكم نفحات العذاب عن كل الاشطار و كان عذاب ربك لشدید.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۰۸) [مضمون (با توجه به ترجمه انگلیسی بیان مبارک): (ای مردمان) ما برای شما میقاتی تعیین کرده ایم؛ اگر نتوانید در زمان مشخص شده به خداوند روی آورید، شما را به شدت اخذ خواهد کرد و از هر جهتی مصیبات شدیده بر شما نازل خواهد نمود و عذاب پروردگارت به راستی سخت است.]

(۲) « (خطاب به مردم جهان) روز موعود فرارسید، هنگامی که بلایای معذبانه بر فراز سرهایتان و زیر اقدامتان موج زند و بگوید "بچشید آنچه را که دست‌هایتان مرتکب شد."» (ترجمه) [جمال ابهی، مندرج در روز موعود فرارسید (انگلیسی)، ص ۱]

(۳) « یا ایهاالملوک... ان لن تستنصحوما بما انصحناکم فی هذاالکتاب (سوره ملوک) بلسان بدع مبین، یاخذکم العذاب من کلّ الجهات و یاتیکم الله بعدله، اذا لاتقدرون ان تقوموا معه و تکونن من العاجزین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقرة ۱۱۸) [مضمون: ای پادشاهان... اگر به اندرزهایی که در این کتاب (سوره ملوک) به زبانی بدیع و بی نظیر به شما دادیم توجه ننمایید، عذاب از همه طرف شما را احاطه خواهد کرد، و خداوند با عدلش با شما برخورد خواهد نمود؛ آنگاه قادر نخواهید بود در برابرش بایستید و به ضعف و ذلت خود واقف خواهید شد.]

(۴) « غفلت عباد و اعمال باطله ایشان به صور بلایای مختلفه ظاهر شده و ارض را احاطه کرده؛ نظر به ما قُدر من قلم الاعلی، این جهان را نار حروب و دخان بلایا اخذ نموده و آن شعله در بلاد ایران مستور است و البته ستر را ظهور و بروزی از پی، مگر به ملاحظه نفوس مقدسه ثابته راسخه مطمئنه مستقیمه بلایای کبری و رزایای عظمی منع شود؛ انه علی کل شیء قدير.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸-۸، مائده ۸، مطلب هفتاد و ششم، ص ۵۸]

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۵) « حضرت بهاءالله شصت سال پیش مانند آفتاب از افق ایران طلوع نمود و اعلان فرمود که افق عالم تاریک است و این تاریکی نتایج وخیمه بخشد و حروبات شدید و وقوع یابد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقرة ۲۰۲)

(۶) « لأبد حرب^۱ و انقلاب عظیمی در عالم ظاهر خواهد شد، به درجه‌ای که جمیع بشر بر رؤسای ارض قیام خواهند نمود و خواهند گفت که "شما در قصرهای خود در کمال سرور می‌نشینید، با نهایت لذت می‌خورید و با نشاط و انبساط می‌خواهید، غذاهای بسیار لذیذ دارید، در باغ‌های خوش منظر و با صفا سیر و تفریح می‌کنید؛ اما برای شهرت و نام خود رعایا را به حرب می‌اندازید؛ خون ما را می‌ریزید؛ جسم‌های ما را پاره پاره می‌کنید؛ ولی خاری به دست شما نمی‌نشیند و دقیقه‌ای در آسایش شما فتور حاصل نمی‌شود."» (حضرت عبدالبهاء، کتاب پیام ملکوت، ص ۲۷۴)

^۱ به مباحث ۲۶ و ۲۷ رجوع شود.

(۷) «البته این غفلت و کفران نعمت و عدم انتباه، سبب حسرت و مشقت و جنگ و جدال و حصول خسران و وبالست. اگر اهل عالم توجه به اسم اعظم نمایند، خطر عظیم در استقبال. ولی در حق یاران امیدم چنان است که آثار لطف الهی ظاهر گردد (و) امورشان از جمهور استثناء یابد و علیک البهاء الابهی.» (حضرت عبدالبهاء، مجله نجم باختر، سال پنجم، بندی ۸- پیام آسمانی ۱، ص ۹)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۸) «نار تنازعات نژادی مشتعل شود؛ آلات جهنمیّه حرب توسعه یابد؛ مدن در آتش کینه بسوزد؛ کره ارض آلوده و غیر قابل استفاده گردد.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام بیت العدل اعظم مورخ ۷ جولای ۱۹۷۶)

(۹) «منتخباتی از آثار بی شمار حضرت بهاءالله (۸۹ فقره دقیقه متسلسله، صفحات ۴۰-۳۶ همین منبع) ... (از جمله) مشتمل است بر خطراتی که پیش بینی فرموده و بر اوضاعی که ابلاغ و بر اندازاتی که اخطار... فرموده است.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۳۶)

(۱۰) «جنگ جهانی گذشته (منظور جنگ جهانی دوم است- م) تنها نوعی پیش چشایی بوده است برای انحطاط و اضمحلالی که این آتش ویرانگر (جنگ جهانی سوم) بر پیکره عالم وارد خواهد ساخت که در نتیجه آن، شهرهای ممالکی که در آن نزاع عالمگیر مشارکت خواهند کرد، به مخروبه و متروکه مبدل خواهد شد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۲)

(۱۱) «سلاح های مخربه ای که دشمن سرسخت و قوی و بیدار (شوری سابق و روسیه فعلی) تدارک نموده... از آسمان بر شهرهای امریک فرو خواهد ریخت.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۶۶) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)

(۱۲) «مادام که روح امر مبارک در قلوب انسان ها نفوذ و رسوخ نموده و تعالیم جهانش موانع موجود را از میان بر نداشته، جناح های اقتصادی، احزاب سیاسی، عداوت های ملی، تعصبات نژادی، و خصومت های دینی، همچنان به ایجاد جنگ های مخرب ادامه خواهند داد.» (توقیع مورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۳۱، صادر از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا)

(۱۳) «با توجه به شرایط فعلی (ماه مارس ۱۹۴۸)، ذکر این که جنگ دیگری در کار نخواهد بود حماقت است؛ و بیان این که اگر جنگ دیگری رخ دهد در آن بمب اتمی به کار نخواهد رفت نیز احمقانه است.» (ترجمه) (نقل قول حضرت ولی امرالله توسط حضرت حرم، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۰)

۱۴ « تشنجاتی حتی شدیدتر (از جنگ جهانی دوم) عصری دردآلود را تهدید می‌کند.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، نوامبر ۱۹۴۸، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۱)

۱۵ « سایه‌های شوم جنگی دیگر، افق عالم را تاریک می‌کند.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، نوامبر ۱۹۴۸، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۱)

۱۶ « غرّش‌های مهیب از پیش خبر می‌دهند که عذاب سوم (جنگ جهانی سوم)، نیم کره‌های شرقی و غربی را احاطه خواهد کرد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، نوامبر ۱۹۴۸، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۱)

۱۷ « این نبرد جهان شمول (جنگ جهانی سوم) ... سومین مرحله از آن انهدام سیاره‌ای است که مع الاسف، بشریتی غافل از خداوند و بی‌توجه به اخطارهای آشکاری که پیام آور برگزیده‌اش برای این عصر و زمان اعلان داشته است، باید به ناچار تجربه نماید.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۲)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۸ « پس از پایان جنگ جهانی دوم و پیدایش سازمان ملل متحد، حضرت ولی امرالله به سال ۱۹۴۸ مرقوم فرمودند که هنوز باید در انتظار "انقلابات و تشنجاتی شدیدتر بود" و به "تصادم دیگری" اشاره فرمودند که مقدر است "افق بین‌المللی را تیره و تار سازد".» (پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)

۲۷. وقوع بلایای عظیم و جهانی (۵۰)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱ « آنچه از قلم حکمت جاری و ثبت شده به منزله آفتاب است از برای جهان. راحت و امنیت و مصلحت کلّ در آن است؛ و آلا هر یوم بلای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه تازه‌ای بر پا شود.» (آیات الهی، ۱، ص ۳۳۵)

۲ « عنقریب سیاط قهر الهی بر شما (بشریت معرض از خدا) فرودآید و خاکستر جحیم (شما را) در برگیرد.» (جمال مبارک، مندرج در پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)

۳ « عنقریب نار تمدن، مدن را به خاکستر تبدیل کند.» (جمال مبارک، مندرج در پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)

- ۴ « هنگامی که ساعت موعود فرا رسد، ناگهان ظاهر خواهد شد آنچه که ارکان عالم انسانی را به لرزه در آورد.» (ترجمه) (مندرج در توقیع منیع روز موعود فرارسید، متن انگلیسی، ص ۱)
- ۵ « بگو ای اهل ارض، به راستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقاب عظیمی از عقب؛ گمان مبرید که آنچه را مرتکب شدید از نظر محو شده؛ قسم به جمال که در الواح زبرجدی از قلم جَلّیّ جمیع اعمال شما ثبت گشته.» (کلمات مکنونه فارسی، فقره ۶۳/ منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۰۴)
- ۶ « به زودی تازیانه تنبیه الهی بر شما (اهل عالم) فرود خواهد آمد و خاکستر دوزخ فرایتان خواهد گرفت.» (ترجمه) (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۰۳، ص ۲۰۹، متن انگلیسی)
- ۷ « آن روز به زودی فرا خواهد رسید که آنان (اهل عالم) فریاد کمک بر آورند، اما پاسخی نشنوند.» (ترجمه) (جمال ابهی، روز موعود فرارسید انگلیسی، ص ۲)
- ۸ « بگو ای نادانان گرفتاری ناگهانی شما را از پی، کوشش نمایید تا بگذرد و به شما آسیب نرساند.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۸۵)
- ۹ « بگو ای عباد غافل، اگر چه بدایع رحمتت جمیع ممالک غیب و شهود را احاطه نموده و ظهورات فضلتم بر تمام ذرات ممکنات سبقت گرفته، و لکن سیاط (تازیانه) عذابم بسی شدید است و ظهور قهرم به غایت عظیم.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۵۳)
- ۱۰ « بعد از بلوغ (دنیا)، خطر عظیم و بلای عقیم عالم و اهل آن را از عقب، مگر آن که کلّ در رضوان الهی وارد شوند.» (جمال ابهی، مائده آسمانی ۱، باب دوازدهم، الواح مبارکه درباره اکسیر، ص ۴۰)
- ۱۱ « ضغینه و بغضای (کینه و دشمنی) مذهبی ناری است عالم سوز، و اطفاء آن بسیار صعب؛ مگر ید قدرت الهی ناس را از این بلای عقیم (سخت و شدید و نابودکننده) نجات بخشد.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۳۲)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱۲ « بدان (که) شداید و رزایا روزبه روز ازدیاد یابد و خلق پریشان شوند؛ ابواب مسرت و آسایش از جمیع جهات مسدود گردد؛ حروبات مهیبه واقع شود؛ یأس و ناامیدی خلق را چنان احاطه کند که مجبور بر توجه به حق گردند؛ آن وقت انوار سعادت عظمی آفاق را روشن نماید.» (مندرج در بهاءالله و عصر جدید، ص ۲۸۴) (بیان حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۰۴ میلادی)
- ۱۳ « این ظلمات (ظلمات عارض بر مدنیت مادیّه و هیأت اجتماعیّه) منکشف نگردد و این امراض مزمنه (ضغینه و بغضا) شفا نیابد؛ بلکه روزبه روز سخت تر شود و بدتر گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج

در توفیق ۸۹ بدیع، مجموعه توفیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۰- نظم جهانی بهایی، ص ۴۱- توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۱۴) « بلیات و مصیبات محتومه مقدره... باید دیر یاز زود، اجتماعی را که اغلب افراد آن طی مدّت بیش از یک قرن از ندای مظهر الهی غافل مانده‌اند، فراگیرد و نسل بشر را از لوث مفاسدی که در طی قرون مبتلای آن بوده، تطهیر نماید و در مآل، اعضای مرکبه آن را در قالب (یک) دوستی و اخوت جهانی به نحوی مستحکم، به یگدیگر ترکیب و تلفیق نماید.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ۷ جولای ۱۹۷۶)

۱۵) « آشفتنگی و عدم تعادل شدیدی جهان را فراگیرد، حرکات و نوساناتی فرائض عالم را بلرزاند؛ تحولات اساسی اجتماع بشر را در برگیرد و نظم موجود را درهم پیچد و اساس حکومتات را دگرگون سازد؛ اعتقادات مذهبی تضعیف گردد؛ حکومتات مطلقه نضج گیرد؛ ظلم و بیداد گسترش یابد... مؤسّسات مذهبی منحط و مضمحل گردند؛ آشوب و هرج و مرج توسعه یابد؛ نهضت‌های مخالف گسترش و استحکام یابد.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ۷ جولای ۱۹۷۶)

۱۶) « بلیاتی که تصوّرش را نتوان کرد؛ بحران‌هایی که به خوابش نتوان دید؛ انقلابات، جنگ، قحط و غلا و آفات، همه شاید دست به دست هم دهند تا در دل و جان بشر غافل حقایق و اصولی را حکّ نمایند که همواره از شناسایی و پیرویش سر می‌پیچیده است. باید رنج‌های عاجزکننده بی‌سابقه بر ارکان جامعه از هم گسیخته بشری وارد آید تا بتوان بار دیگر آبادش کرد و جانیش بخشید. حضرت بهاءالله می‌فرماید: " اِنَّ التَّمَدَّنَ الَّذی یَدْكُرُهُ عِلْمَاءُ مِصرِ الصَّنَاعِیَةِ وَ الفِضْلِ لَوْ یَتَجَاوَزُ حَدَّ الْعُقْدَالِ لَتَرَاهُ نِقْمَةً عَلَی النَّاسِ ... اِنَّهُ یَصِیْرُ مَبْدَأَ الْفَسَادِ فِی تَجَاوِزِهِ کَمَا کَانَ مَبْدَأَ الْاِصْلَاحِ فِی اِعْتِدَالِهِ ... سَوْفَ تَحْتَرِقُ الْمَدُنُ مِنْ نَارِهِ وَ یَنْطِقُ لِسَانُ الْعِظْمَةِ الْمَلِکُ لِلّهِ الْعَزِیزِ الْحَمِیدِ." (نظم جهانی بهایی، ص ۱۴۰- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) (مضمون بخش عربی: تمدنی که دانشمندان عرصه علم و صنعت می‌گویند، اگر از حدّ اعتدال خارج شود آن را گرفتاری عظیمی برای مردمان خواهی یافت... این تمدن همان قدر که در صورت اعتدال می‌تواند مبدأ اصلاح امور باشد، در حالت تجاوز از حدّ اعتدال، منشاء فساد خواهد بود... به زودی شهرها از آتش آن خواهد سوخت و لسان عظمت نطق خواهد کرد: سلطه و سلطنت از آن خداوند عزیز و حمید است.)

۱۷) « هر قدر مضامین مکنونه این نظم دائم الاتساع الهی (نظم بدیع جهان آرا) مکشوف تر گردد و شاخ و برگ آن کره ارض را بیشتر فراگیرد، بر شدت و وسعت این انقلاب (نزول بلای ناگهانی که از جمیع جهات اساس تمدن کنونی را تهدید می نماید) خواهد افزود.» (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۹۴)

۱۸) « معتقدیم... این ظلمتی که جهان را فرا گرفته هر چند بسیار شدید است، اما مصیبات و بلاهای فوق التصوری که لاجرم به جهان دردمند خواهد رسید، هنوز در بوتۀ تعویق مانده است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۹) « آیا این بشر بدبخت هنوز باید که بلای دیگری را متحمل شود تا مصفا گردد و او را برای ورود به ملکوت مقدر الهی که در این جهان برپا خواهد شد، آماده نماید؟» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۲- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۲۰) « آیا بنا است که افتتاح چنان عصر ملکوتی و وسیع و بی همتا و درخشانی در تاریخ بشر (عصر ذہبی) بعد از زمانی طالع شود که عالم به غذایی الیم مبتلا شده باشد که به مراتب شدیدتر از غذایی است که سبب سقوط تمدن روم در قرن اول مسیحی شد؟» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۲- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۲۱) « افسوس و دریغ که هیچ چیز به جز آتش سوزان امتحان و بلیات نمی تواند عوامل متضاد و متخاصمی را که اجزاء مرکبه تمدن امروزه ماست، چنان در هم ذوب نماید و به هم جوش دهد که همه آنها را اجزاء مرکبه یک اتحادیه جهانی آینده گردانند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۳- توقیع منبع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۲۲) « این انداز حضرت بهاء الله در اواخر کلمات مکنونه است که می فرماید: "بگو ای اهل ارض، به راستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقاب عظیمی از عقب". گویا سرنوشت فوری و غم انگیز بشر چنین است که تا از کوره سوزان مشقات و بلیات پاک و آماده بیرون نیاید، هرگز در قلوب رهبران جهان احساس مسؤلیتی که لازمه این عصر نوظهور است، القاء نخواهد شد.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۵۰- نظم جهانی بهایی، ص ۶۳- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۲۳) « شاید تشکیل اتحادیه جهانی ایجاب نماید که بشر دچار مصائب و آلامی شود که تا کنون شبیه و نظیری نداشته است.» (حضرت ولی امرالله، نظم جهانی بهایی، ص ۶۲، توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۲۴) « گودالی هولناک دهان گشوده تا همه را در یک بلیه عمومی در کام خود فرو کشد و همه را در بر گیرد؛ چه از ملل مرفه باشند چه غیر مرفه، چه حکومت دموکراسی داشته باشند چه دیکتاتوری یا سرمایه

داری و یا رنجبری، چه اروپایی باشند و چه آسیایی، چه مؤمن باشند و چه کافر، چه سیاه و چه سفید.»
(نظم جهانی بهایی، ص ۱۳۵، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۲۵ « هنوز مصائب دردناک بیشتری لازم است تا کشورهای متخاصم و اصول و عقاید متناقض و طبقات و نژادهای مختلف را در کوره بلیات عمومی ذوب نماید و در قالب مصیبات شدید ریزد و از آنها جامعه متحدالمرامی به وجود آورد که با نظامی متحد و هماهنگ کار کند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۴۰، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۲۶ « قبل از حلول ساعت نهایی استخلاص عالم انسانی... الزاماً باید جریانهای متقابل و طوفانهای شدید، به طور فزاینده، بر پیکره آن ضربه وارد کند.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۰)

۲۷ « آیا بشریت که هم اکنون هم معذب و مغموم است؛ همچنان باید تأثیرات تطهیریته بلایایی شدیدتر را تجربه نماید تا آمادگی دخول در ملکوت آسمانی را که مقدر است بر زمین مستقر گردد، حاصل نماید؟» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۱ مارس ۱۹۳۶، مندرج در مجموعه دخول افواج مقبلین)

۲۸ « مقدمات... وقوع عذاب کبیر اکبر در عالم فراهم (است).» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۶۲)

۲۹ « آیا پیش از آن که حضرت بهاءالله در دل و جان مردمان خیمه افرازد، پیش از آن که عظمتش به تصدیق اهل عالم رسد، پیش از آن که قصر مشید نظم جهانیش ارتفاع یابد، مقدر چنین است که زلزله به ارکان جهان افتد و بنیاد بشر را زیر ویر سازد؟» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۳- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۳۰ « (حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) اخطار می دهد: "هنگامی که میقات (غفلت و لا مذهبی و هرج و مرج- م) به سر آید، ناگهان ظاهر شود چیزی که ارکان عالم را به لرزه درآورد." (مرور معبود، ص ۳۰۱)

۳۱ « تا عالم امکان در نیران مصائب و بلاها نسوزد و دول و ملل مشتمل از مکاید سیاسی و مقاصد سیئه خفیه شان نگردند و افراد بشر از هبوب این بادهای مسموم مخالف هوی و هوس پشیمان و مأیوس نشوند، انوار ابدی از مشرق این ظهور کلی الهی پرتوی بر عالم نیفکند و لب تشنگان عالمیان به کوثر عرفان و ایمان واصل نگردند.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۹۵-۹۴)

۳۲) « بشر... در امواج خروشان شرور و مفاسدی که در اثر انحرافات و سیئات اعمال خویش ایجاد نموده، مستغرق خواهد گردید.» (توقیع مبارک رضوان ۱۱۲ بدیع، مندرج در مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۲۳۵)

۳۳) « این حوادث و وقایع هولناک (بلا یا و مشاکل عظیمه‌ای که این عصر پرانقلاب را احاطه نموده) علائم و آثاری است که منادی و یا همعنان (با) مصیبت عظیمی (یک انقلاب عمومی که از لحاظ وسعت و شدت در تاریخ بشری مثل و نظیر است) خواهد بود که به فرمان داور آسمانی و منجی عالم انسانی دیر یا زود جامعه بشریت را... فراخواهد گرفت.» (توقیع مبارک رضوان ۱۱۲ بدیع، مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۲۳۳)

۳۴) « آیا باید آغاز عصری چنان یگانه و ممتد و تابناک در تاریخ بشریت (عصر ذهبی^۱)، با فاجعه‌ای چنین عظیم و هولناک در امور انسانی همعنان گردد؟ فاجعه‌ای که نه تنها سقوط مهیب تمدن رومیان را در قرون اولای دور مسیحی به یاد می‌آورد، بلکه از آن هم سبقت می‌گیرد؟» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱ مارس ۱۹۳۶، مجموعه دخول افواج مقبلین)

۳۵) « علائم نزول بلای ناگهانی... از جمیع جهات، اساس تمدن کنونی را تهدید می‌نماید و به نحوی حیرت‌بخش، سقوط امپراطوری روم غربی را به خاطر می‌آورد.» (کتاب دور بهایی، ص ۹۴-۸ فوریه ۱۹۳۴-ارکان نظم بدیع، ص ۲۰)

۳۶) « افسوس که جز قوای بلیات عظیمه و قدرت مصیبات شدید، چیز دیگری نمی‌تواند افکار بشری را در مرحله جدید وارد کند. نظر به این اصل مسلم، آن بلای ناگهانی و مصیبت عظیمه با کمال سرعت هر زمان ظاهرتر می‌گردد و هر لحظه آشکارتر می‌شود.» (حضرت ولی امرالله، ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱، ارکان نظم بدیع، ص ۳۰)

۳۷) « این وظیفه ما است که قبل از استیلای آن فاجعه عظیم بر هموعانمان (جنگ جهانی سوم)، تعدادی هرچه بیشتر از آنان را به شاه راه نجات بکشانیم.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۳)

۳۸) « هنگامی که زمان آن فاجعه عظیم (جنگ جهانی سوم) فرا رسد، هرچه تعداد مؤمنانی که همچون مشعل‌های فروزان در دل شبگاهان عمل خواهند کرد، بیشتر باشد بهتر است، و به همین دلیل است که تبلیغ امرالله در این زمان، از اهمیت فوق تصور برخوردار است.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۳)

^۱ به بحث ۱۳۰ رجوع شود.

۳۹) « عقوبات شدید... بر وفق تقدیر الهی و به اقتضای حکمت خفیه ربّانی مقدّر گشته تا بالمآل عناصر متخاصمه جامعه انسانیّت را با یکدیگر التیام داده و به شکل یک حکومت واحد متحدالاعضای لا یتجزّای جهانی در آورد.» (حضرت ولیّ امرالله، تلگراف ۹ می ۱۹۴۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۵)

۴۰) « بانیان دلیر نظم جهان آرای حضرت بهاءالله... به یقین مبین بدانند که زمان اعظم مساعی و مجهودات آنان و اعلی فرصت انجام فتوحات باهره ایشان باید با اضطراب شدیدی که در مکاشفات یوحنا به آن اخبار گشته و نشانه ادنی مرحله انحطاط عالم انسانی است، مقارن باشد.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۷۵)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۴۱) « چراغ دین بی نور است و کوکب هدایت در ظلمات ضلالت مستور و بیانات مبارکه الهیه کل مبین امور؛ از جمله این آیات باهرات است که تقریباً یک قرن قبل از قلم اعلی نازل، قوله الاحلی: "عالم منقلب است و انقلابات او یوما فیوما در تزیید و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد به شأنی که ذکر آن حال مقتضی نه؛ و مدتی بر این نهج ایام می رود و اذا تمّ المیقات یظهر بغتة ما ترتعدّ به فرائض العالم؛ اذا ترفع الاعلام و تغردّ العنادل علی الافنان."» (پیام مارس ۱۹۶۵)

۴۲) « تشنّجات عالم تخفیف نخواهد یافت؛ بلکه روزبه روز زیاد خواهد شد و عالمیان، ایمان خود را به علاج های انسانی از دست خواهند داد و سرانجام، این حقیقت جلوه گر خواهد شد که "هیچ گریزگاهی نیست، مگر پناه خداوند یگانه."» (ترجمه) (معهد اعلی، رضوان ۱۹۶۵، مجموعه دخول افواج مقبلین)

۴۳) « گمان مبرید که ظهور... بلیات و آفات، فقط متوجه جامعه ای یا مملکتی است؛ بل اهل عالم که متجاوز از یکصد و سی سال از اجابت ندای حضرت ذوالجلال محروم و در کابوس اوهام و غرور مستغرق و به هرج و مرج در جمیع شئون مبتلا، جزائاً لغفلتهم و استکبارهم، به عذاب الیم و عقابی عظیم محکوم هستند.» (پیام ۹ شهر العزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه بشارات جانفزا، ص ۲۳)

۴۴) « در نصوص مبارکه محتوم است که... فوران نار عذاب... به اراده منتقم قهار، تطهیراً لهیکل العالم (برای پاکسازی پیکر بشریت)، جمیع بلاد را مشتعل و محترق نماید.» (پیام ۹ شهر العزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه بشارات جانفزا، ص ۲۳)

۴۵) « ماده فساد که به علت ردّ و انکار آیین حضرت پروردگار در هیکل عالم غلظت یافته... جز با نیشتر قهر و سخط الهی منفجر نشود و اثر سمّ افعی لامذهبی و ماده پرستی و غرور و غفلت و لجاج که

هیأت بشریه را مجروح و مسموم ساخته، جز به داغ بلایا و مصائب لاتحصی علاج نپذیرد.» (پیام ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعهٔ بشارات جان‌فزا، ص ۲۳)

۴۶) « امثال این انحرافات (انحرافات این نسل سرگردان) سبب گردد که به فرمودهٔ جمال مبارک "هر یوم بلای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه‌ای تازه برپا شود" و "سوف تحترق المدن من ناره" تحقق یابد.» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، خطاب به بهاییان ساکن ممالک خارج از ایران) (مضمون عبارت: به زودی شهرها از آتشش خواهد سوخت).

۴۷) « صلح جهانی آیا فقط بعد از وقوع وحشت و بلایی عظیم که مولود تمسک مصرّانه بشر به روش‌های ناهنجار قدیمی است، باید تحقق یابد؟» (بیت‌العدل اعظم، رسالهٔ وعدهٔ صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، مقدمه، ص ۱)

۴۸) « نظام‌های دیگر که در قالب مدنیت مادی هنوز بر جا و دایر مدار عالم انسان در این زمان است، چون از نفثات روح‌القدس محروم است و از قوهٔ نافذة خلاقهٔ الهیه ممنوع نیز سرنوشتی بهتر از آن (سقوط شوری سابق و زوال عرق وطن پرستی ملل اروپا) نخواهد داشت و چنان به مشکلات لاینحل اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی گرفتار گردد که ناچار شکست پذیرد و از پای بست ویران شود. قلم اعلی در این باره تصریح فرموده "زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد؛ ان ربک لهو الحقّ علام‌الغیوب."» (پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰) (مضمون عبارت: همانا پروردگارت، برحقّ و دانندهٔ پنهانی‌ها است).

۴۹) « گذشت زمان سستی آن بنیان (مدنیت کنونی عالم) را هر دم بیشتر نمایان سازد.» (پیام آگوست ۱۹۹۳، مجموعهٔ بشارات جان‌فزا، ص ۷۹)

۵۰) « حضرت بهاء‌الله... فرموده‌اند که با کمال تأسّف، مصائب و یأس و حرمان بیشتری برای بشر لازم است تا او را مجبور سازد که به چنین جهش بلندی (حکومت جهانی) پردازد.» (بیت‌العدل اعظم، رسالهٔ قرن انوار - ۲۰۰۱ میلادی، ص ۷۹)

۲۸. انهدام بعضی ممالک و مدّن (۱۲)

الف) از آثار حضرت بهاء‌الله

(۱) « انّ التمدنّ الذی یذکره علماء مصر الصّناع و الفضل، لو يتجاوز حدّ الاعتدال لتراه نقمة علی الناس؛ كذلك یخبرکم الخیر. انه یصیر مبدء الفساد فی تجاوزه كما كان مبدء الاصلاح فی اعتداله. تفکروا یا قوم و لا تكونوا من الهائمین. سوف تحترق المدن من ناره و ینطق لسان العظمة الملک لله العزیز الحمید.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۱۶۴- نقل در تویق روز موعود فرارسید انگلیسی، ص ۱) (مضمون: تمدنی که دانشمندان عرصه علم و صنعت می گویند، اگر از حدّ اعتدال خارج شود آن را بلیه ای برای مردم خواهی یافت؛ مخر آگاه این گونه شما را مطلع می سازد. این تمدن همان قدر که در صورت اعتدال می تواند مبدء اصلاح امور باشد، در حالت تجاوز از حدّ اعتدال، منشاء فساد خواهد بود. بیندیشید ای قوم، و از گمراهان مباشید. به زودی شهرها از آتش آن خواهد سوخت و لسان عظمت نطق خواهد کرد: ملک از آن خداوند عزیز و حمید است.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « ایام بگذرد و جمیع بساطها پیچیده گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۲۲۲)

(۳) « ایام بگذرد... و هر بنیانی ویران شود و هر درختی سایه دار (نماد هر چیز یا هر کسی که پناه و امان مردم است) از بیخ برافتد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۲۲۲)

(۴) « ای بنّاء بنیان ثابت محکم متین، آنچه بینی از ابنیه عالیه، هر چند سر به کهکشان کشیده و به عنان آسمان رسیده، عنقریب با خاک یکسان گردد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۱۵)

(۵) « آنچه الیوم در تماشاگاه امکان مشاهده نمایی، عنقریب مشهود و واضح گردد که اوهام باطله و خیالات خالیه است؛ چون موج سراب مفقود و نابود گردد و چون نقش بر آب معدوم و مطموس. شهدش سمّ قاتل گردد و مهدش سنگلاخ مشکل، روشنیش تیره شود و دیده اش کور و خیره گردد؛ عزّت بی پایانش ذلّت پایدار شود و نشئه بی منتهایش شدت صداع (سردرد) و خمار.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۶۰)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۶) « ما در آستانه عصری هستیم که اضطرابات و تشنجاش... نماینده سكرات موت نظمی کهنه و فرسوده است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴- تویق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶- ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۵)

(۷) « نسبت به مدنیت مادیّه و تجاوز از شئون معتدله آن، (حضرت بهاءالله) می فرماید: "سوف تحترق المّدن من ناره و ینطق لسان العظمة الملک لله العزیز الحمید."» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم،

ص ۳۸) (مضمون بخش عربی: به زودی شهرها از آتش آن خواهد سوخت و لسان عظمت نطق خواهد کرد: ملک از آن خداوند عزیز و حمید است.)

۸) « حضرت بهاءالله به کمال صراحت و تأکید، در آثار خود آن را (فلسفه مادی صرفه (را)... که در جمیع شئون زندگانی حکم فرما بوده و برای رفاه و آسایش ظاهری اهمیّت فوق العاده و دائم التّزاید قائل و از حقائق روحانیّه که یگانه اساس ثابت و رزین جامعه بشری است عاری و مهجور است) مذموم شمرده و به آتش جهان سوزی تشبیه می فرمایند که علت اصلی نزول بلاهای عظیمه و ظهور بحرانهای شدیدهای است که سبب احتراق مُدن و ایجاد وحشت و اضطراب در قلوب کلیّه عباد خواهد بود.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعتالله، ص ۱۶۴) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)

۹) « (حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) پیش بینی می نماید آن روز نزدیک می شود که "شعله های تمدنی عنان گسیخته، شهرهای بزرگ عالم را در کام کشد."» (مرور معبود، ص ۳۰۱)

۱۰) « اراده مطلقه حیّ قدیر بر آن تعلق گرفته که مدنیّت الهیّه، بنیاد رفیعش بر اتلال مخروبه و بقایای ویران مدنیّت حاضرّه جهان مرتفع گردد و استقرار یابد.» (حضرت ولیّ امرالله، ۲۱ مارس ۱۹۳۰، ارکان نظم بدیع، ص ۲۴)

۱۱) « ماده پرستی کور و سرطانی... عامل اصلی است در تسریع عذابهای هول انگیز و بحرانهای تکان دهنده که الزاماً باید با سوختن شهرها و گسترش وحشت و حیرت در قلوب انسانها توأم باشد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، ۱۹۵۴ میلادی، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۲-۱۹۱)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۲) « انحرافات سبب گردد که به فرموده جمال مبارک "هر یوم بالای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه تازه ای برپا شود" و "سوف تحترق المدن من ناره" تحقّق یابد.» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، مجموعه بشارات جانفزا، ص ۳۰)

۲۹. پیچیده شدن بساط (نظم) موجود در عالم (۱۰)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- (۱) «یا حزب الله... شما باید ساقیان سلسیل بیان مقصود عالمیان. زود است بساط عالم پیچیده شود. هر شیئی از اشیاء به لسان ظاهر و باطن بر تغییر و فنایش شهادت می دهد، طوبی لِّلْسَامِعِينَ.» (آیات الهی ۲، ۱۶ دسامبر)
- (۲) «لَعَمْرِي سَوْفَ نَطْوِي الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَنَبْسُطُ بَسَاطًا آخَرَ. اِنَّهٗ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرًا.» (جمال ابهی، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۹۴-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶-مذکور در روز موعود فرارسید انگلیسی، ص ۱۶) (مضمون: قسم به جانم، آن روز نزدیک می شود که بساط عالم را جمع کنیم و بساطی دیگر بگسترانیم. همانا او بر هر چیزی توانا است.)
- (۳) «قسم به جمال که... همه این رنگ های مختلفه را از میان بردارم؛ مگر کسانی را که به رنگ من درآیند و آن، تقدیس از همه رنگ ها است.» (آیات الهی ۱، ص ۲۳۹)
- (۴) «عنقریب رنگ های مختلفه دنیا را ید فنا اخذ نماید و در خیمه یک رنگ تراب در آورد.» (آیات الهی ۲، ص ۳۲۸)
- (۵) «زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد. اِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْحَقُّ عَلَامُ الْغُیُوبِ.»^۱ (منتخبات آثار حضرت بهاء الله، فقره ۴- مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۹۴-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶-نقل توسط حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۶۶)
(ج) از آثار حضرت ولی امرالله
- (۶) «اگر اهل بهاء به کمک اهل عالم نشتابند و جهان را از روحی که حضرت بهاء الله به عالم عنایت فرموده اند مشحون نسازند، عالم با مصائب مختلفی که بدان مبتلا شده، کاملاً ویران و مدنیتش بالمره نابود خواهد شد.» (توقیع مورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۳۱، صادر از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا)
- (۷) «رهبران عصر (حاضر)... موازین قدیمه را می خواهند در عصری به کار برند که بیش از دو راه در پیش ندارد؛ یا باید طبق طرحی که حضرت بهاء الله ارائه فرموده^۲، متحد گردد و یا راه دیگر رود و سرانجامش به نابودی کشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۰-توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

^۱ حضرت ولی محبوب امرالله این بیان مبارک را طوری ترجمه فرموده اند که مضمون آن چنین است: «به زودی نظم موجود برچیده و نظمی نوین بر جای آن مستقر خواهد شد. به راستی پروردگارت حق را می گوید و داننده چیزهای ناپیدا است.» (ترجمه)

^۲ به بحث ۷۷ مراجعه شود.

(۸) «خرابی و دمارى که این آتش خانمان سوز (فلسفه مادى صرفه) در عالم ایجاد خواهد کرد... نتیجه غفلت از حق و عدم توجه به اندازات صریحه حامل برگزیده پیام الهی در این یوم جلیل است... و تجربه تلخ آن در جنگ جهانی گذشته (جنگ دوم) که مرحله ثانی این دمار و خرابی عمومی جهانی بود، به دست آمده است.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۶۴) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۹) «حامیان شریعت مقدسه حضرت بهاءالله... با اطمینان تام بدانند که زمان بذل مساعی جمیله وسیعه آنان محققاً مقارن با هنگامی است که مقدرات نوع بشر سریعاً به حضيض انحطاط می رسد.» (پیام ۲۶ دسامبر ۱۹۷۸، خطاب به محافل روحانیه ملیه)

(۱۰) «حوادث اخیر (جنگ خاورمیانه در نیمه دوم سال ۱۹۹۰) نمونه دیگری از "سکرات موت تمدنی را اعلام می نماید که در شرف تلاشی و اضمحلال است."» (ترجمه) (رضوان ۱۹۹۱)

۳۰. فنای عالم (کهن) و مردمان آن (۸)

(الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «بگوای دوستان، ترس از برای چه و بیم از که؟ گل پارهای عالم به اندک رطوبتی متلاشی شده و می شوند.» (لوح دنیا، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۴۷)

(۲) «از امورات ظاهره و شئونات دنیای دنییه محزون مباش، چه که کل را فنا اخذ نماید؛ و بقا مخصوص حق بوده و خواهد بود. عنقریب کل به تراب راجع و سلطنت و قدرت و عظمت و ملک از برای رب الارباب خواهد ماند.» (آیات الهی ۲، ص ۳۴۷)

(۳) «چه مقدار از بساطهای مبسوطه را که ید قضا پیچید و برداشت و ملوک و مملوک هردو را به خاک فرستاد... عنقریب آنچه مشاهده می شود سطوت فنا آن را اخذ کند و به عدم راجع نماید.» (آیات الهی ۲، ص ۳۰۲)

(۴) «هنگام فنای عالم و اهل آن رسیده (است).» (مجموعه الواح حضرت بهاءالله به خط مشکین قلم، ص ۹۵- اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۹۵- مائده ۴، ردیف ع، باب ششم، ص ۱۶۵)

(۵) «قل تالله سیفنی عزه الوزراء و سطوة الأمراء و قصور القیاصرة و اهرام الفراعنة و یقی ما قدرناه لكم فی الملکوت.» (مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۷۲) (مضمون: بگو به خداوند

سوگند، به زودی عزت وزراء و سطوت أمراء و قصرهای قیصرها و اهرام فرعون‌ها، فانی خواهد شد و آنچه را برای شما در ملکوت مقدر کرده‌ایم، باقی و برقرار خواهد ماند.

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۶) « ای یار مهربان،... آنچه بینی و شنوی رو به زوال است، مگر الطاف حضرت لایزال. عنقریب قصور معمور را مطمور بینی و زینت و آرایش جهان را معدوم یابی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۲۴۵)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۷) « هیچ بنیانی اساسش استوار نگردد و باقی و برقرار نماند، مگر بنیان الهی و هیچ امری در عالم امکان ترویجی ابدی و تعمیمی دائمی نیابد، مگر آن که مستمد از قوای روحانیه گردد و اساسش مبنی بر تعالیم امرالهی باشد؛ لذا هر سطوت و سلطنتی رو به زوال است و هر شوکت و جلالی عنقریب محو و فراموش گردد.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی، ۳، ص ۳۳- مجموعه توفیعات مبارکه، ۱۹۲۶- ۱۹۲۲، ص ۶۹)

(۸) « اگر جهان و جهانیان عصر حاضر، مطابق تعالیم حضرت بهاءالله راه وحدت و اتحاد بیمایند، از فنا و زوال محفوظ و مصون مانند، و گرنه به هلاکت دچار شوند و به فنا و زوال محکوم گردند.» (حضرت ولی امرالله، ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱، ارکان نظم بدیع، ص ۲۷)

فصل پنجم

عصر تکوین، آغاز تعامل علنی امرالله با عالم انسانی (۲۶۴)

بخش اول- با بعضی ملل مخصوصه (۴۱)

۳۱. ملت آمریکا (۲۳)

آینده نزدیک (۵)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- ۱) « در نتیجه معضلات و مشکلات غامضه متعدده که تدریجاً عالم انسانی را فرا می‌گیرد، ناچار آینده نزدیک ملت آمریکا بسیار تاریک و طاقت‌فرسا است و بلیاتی که ارکان عالم را می‌لرزاند و در بیانات حضرت بهاءالله مذکور (و) در صفحات قبل به وضوح تصویر گشته، آن ملت را چنان احاطه و گرفتار نماید که شبهش را ندیده (است).» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۴۲)
- ۲) « آن دردهای لاینقطع وارده (آشوب‌ها و اضطرابات بی سابقه) شدید نیست، مگر درد تولد روزگاری تازه و متجدد برای ملت آمریکا.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۴۷)
- ۳) « ملت آمریکا... آتیه نزدیکش از هر نقطه نظر، با خطر شدید مواجه است. بلایا و رزایی که این ملت را تهدید می‌کند بعضی قابل اجتناب بوده، ولی اکثر حتمی الوقوع و من جانب الله است.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۶۶) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)
- ۴) « این آلودگی‌ها (اوساخ و آلودگی‌های متراکمه که در نسل‌های متوالیه در نتیجه تعصبات نژادی و شیوع مادیت و توسعه لامذهبی و سستی مبانی اخلاق به وجود آمده) تا کنون مانع از آن بوده که ملت امریک (آن) مقام اولویت روحانی جهانی را که حضرت عبدالبهاء صریحاً بدان وعده فرموده‌اند احراز نماید؛ مقامی که تحصیل آن جز با تحمل رنج و الم مقدور و میسر نخواهد بود.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۶۶) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)
- ۵) « مصائب شدیده... ملت آمریکا را از تفاله‌های قرون و اعصار... مطهر خواهد کرد و آن را برای رهبری روحانی عالم، آنگونه که خرد خطاناپذیر حضرت عبدالبهاء پیش بینی نموده است، آماده خواهد

نمود، و این نقشی است که الزاماً از طریق رنج و مشقت و اندوه، ایفا خواهد شد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۲)

آینده دور (۱۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۶) « امید است ملت آمریکا اولین ملتی باشد که اساس اتفاق و آشتی بین ملل را بنیان نهد و اتحاد و یگانگی نوع انسان را اعلان نماید؛ پرچم صلح اعظم^۱ بر افرازد و راییت محبت و وداد^۲ در قطب امکان مرتفع سازد.» (ترجمه) (حضرت عبدالبهاء، نقل در ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۸)

(۷) « امیدوار چنانم که مردم این ممالک (ایالات متحده آمریکا) چون ملائکه آسمانی وجوهشان به حق متوجه باشد و جمیع، بر خدمت خداوند توانا قیام نمایند و از ترقیات مادیّه حالیّه برتر روند، تا انوار آسمانی از این خطّه به جمیع مردم جهان بتابد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۴۲)

(۸) « این ملت بزرگ (ملت آمریکا) می تواند در اثر استعداد و قدرت حاصله، به امور عظیمه ای موفق گردد که صفحات تاریخ بدان تزیین یابد و السنّه امم در شرق و غرب عالم به ذکر خیر و ثنای او مألوف شود؛ مغبوط جهانیان گردد و مورد نظر عالمیان.» (ترجمه) (حضرت عبدالبهاء، مذکور در ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۴۰)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۹) « آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) در خصوص این ملت (اهل امریک) می فرماید: "فی الحقیقه ملت آمریکا را چنان لیاقت و شایستگی موجود که خیمه صلح عمومی را برپا نماید و وحدت عالم انسانی را اعلام کند."» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۴۲)

(۱۰) « از کلك اطهرش (کلك حضرت عبدالبهاء) نازل: "امید چنان که مردم این سرزمین (کشور آمریکا) معارف مادی را به معرفت الهی منضم نمایند و از مدنیت جسمانی به مدنیت روحانی و نورانیت آسمانی گرایند و این حقیقت از این بلاد به سایر جهات سرایت نماید." (ترجمه) (قرن بدیع، ص ۵۰۴-۵۰۳)

^۱ به مبحث ۱۳۳ مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۱۳۹ رجوع شود.

۱۱) « آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) در خصوص این ملت (اهل امریک) می فرماید: "فی الحقیقه این ملت سزاوار آن است که خیمه صلح عمومی را برافرازد و وحدت عالم انسانی را اعلان کند."» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۴۳)

۱۲) « فی الحقیقه این ملت (ملت آمریکا) سزاوار آن است که خیمه صلح عمومی (صلح اعظم^۱) را برافرازد و وحدت (روحانی)^۲ عالم انسانی را اعلان کند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در حصن حصین شریعت الله، ص ۴۳)

۱۳) « در آن وقت (بعد از آینده نزدیک که بسیار تاریک و طاقت فرسا خواهد بود) است (که) ملت آمریکا... قادر خواهد شد که صدایش را به گوش مجالس علنی جهان برساند و صلح عمومی دائمی را پایه گذارد و وحدت و یگانگی و بلوغ نوع انسان را اعلان و در استقرار بنیان خیر و راستی در جهان معاضدت نماید.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۴۲)

۱۴) « ملت آمریکا... قادر خواهد شد به سرنوشت پرجلالی که پروردگار توانا برایش مقدر ساخته و در الواح حضرت عبدالبهاء مصرح گشته فائز گردد؛ در آن وقت است که ملت آمریکا "به آنچه سبب زینت تاریخ است واصل شود"، و "مغبوط و محسود خاور و باختر جهان گردد."» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۴۲)

۱۵) « چنین ملت و دولتی (ملت و دولت آمریکا) در اثر این بلایا و رزایا (بلایایی که ارکان عالم را خواهد لرزاند) از لوث عقاید و افکار ناموافق پاک و مطهر خواهد گشت و به مفاد و عود حضرت عبدالبهاء، حاضر و مهیا خواهد شد که در... (ایجاد) اتحاد بشر... سهم مهمی را اداء نماید.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۶۴) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)

۱۶) « نسبت به همین دموکراسی آمریکا است که آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) امید شدید ابراز داشته، می فرماید: "امید است ملت امریک اولین ملتی باشد که اساس اتفاق و آشتی بین ملل را بنیان گذارد" و "وحدت نوع بشر را اعلان نماید."» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۴۳) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۱۷) « نسبت به همین دموکراسی آمریکا است که آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) امید شدید ابراز داشته، می فرماید: "پرچم صلح اعظم را برافرازد"» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۴۳) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

^۱ به فقره ششم از همین مبحث رجوع شود.

^۲ به مبحث ۱۳۱ مراجعه شود. در ضمن فقرات مبارکه کثیره‌ای اشعار می‌دارد که تحقق صلح اعظم بعد از حصول وحدت روحانی عالم خواهد بود. به زیرنویس ۳۰۵ در صفحه ۳۳۴ رجوع شود.

۱۸) « نسبت به همین دموکراسی آمریکا است که آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) امید شدید ابراز داشته، می فرماید...: "روحانیت از این مرکز (کشور آمریکا) به قطعات دیگر سرایت کند و عالم غرق انوار شود."» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۴۳) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۱۹) « نسبت به همین دموکراسی آمریکا است که آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) امید شدید ابراز داشته، می فرماید: "اهل امریک از مدنیت مادیة کنونی به درجه ای ترقی کند که نورانیت ملکوتی از این مرکز به سایر اقطار عالم انتشار یابد."» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۴۳) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۲۰) « چون (ملت امریک) از این ورطه (گرداب مهالک و مخاطر) نجات یابد، می توان تصور نمود که... به همت و اراده کامل، قیام نماید و... حد اکثر نفوذ و قدرت خویش را در حلّ مشاكل جسیمه... به کار برد و با همکاری... سایر ملل... جامعه انسانی را از این بلاء عقیم و داء سقیم (جنگ و نابودی)... نجات دهد و عالم خاک را از لوث منازعات و مخاصمات خانمان سوز بالمره، پاک و منزّه نماید.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۸۵)

۲۱) « در آن هنگام و فقط در آن هنگام (پس از نجات یافتن از ورطه محن و آلام و شداید و اسقام) است که ملت امریک... صدای خود را در مجامع عظیمه عالم و محافل متشکله امم مرتفع و حجر زاویه (سنگ زیر بنای) صلح عمومی و مؤید جهانی را به دست خویش بر قرار سازد.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۸۷-۱۸۶)

۲۲) « در آن هنگام و فقط در آن هنگام (پس از نجات یافتن از ورطه محن و آلام و شداید و اسقام) است که ملت امریک... اتحاد و اتفاق بشر (وحدت سیاسی عالم) و بلوغ و آمادگی آن را در ارتفاع خیمه وحدت انسان (وحدت روحانی عالم) و تاسیس مدنیت لاشرقیه و لاغریبه در قطب امکان اعلام و در استقرار صدق و صفا و آشتی و وفا در بسیط غربا، چنان که در کتب و زیر قیمة الهیه بشارت داده شده، جهد موفور و سعی مشکور مبذول دارد.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۸۷-۱۸۶)

۲۳) « در آن هنگام و فقط در آن هنگام (پس از نجات یافتن از ورطه محن و آلام و شداید و اسقام) است که ملت مذکور (آمریکا)، در حالی که جامعه بهایی آن کشور در قلب آن سرزمین رسالت معنویّه خویش را به نحو اتمّ و اوفی به اكمال رسانیده، قادر خواهد بود مقام رفیعی را که ید قدرت سبحانی برای آن مقدر فرموده و به نحو ابد، در آثار و ادبیات مقدسه حضرت عبدالبهاء مخزون و مکنون است، به عرصه شهود رساند و به انجام امور عظیمه ای موفق گردد که به فرموده مبارک "صفحات تاریخ بدان تزیین یابد و

السنة امم در شرق و غرب عالم به ذکر خیر و ثنای آن مألوف شود؛ مغبوط جهانیان گردد و مورد نظر عالمیان." (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۸۷)

۳۲. بنی اسرائیل (۱۸)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱) « الحمد لله آنچه در الواح به اسرائیل تبشیر فرموده‌اند و در مکاتیب عبدالبهاء نیز تصریح شده جمیع در حیز تحقیق است؛ بعضی وقوع یافته و بعضی وقوع خواهد یافت.» (حضرت عبدالبهاء، مذکور در ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۲۱)
- ۲) « جمال مبارک در الواح مقدسه تصریح فرموده‌اند که ایام ذلت اسرائیل گذشت، ظلّ عنایت شامل گردد و این سلسله، روزبه‌روز ترقی خواهد نمود و از خمودت و مذلت هزاران سال، خلاصی خواهد یافت.» (حضرت عبدالبهاء، منقول در ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۲۱)
- ۳) « ذلتی را که اسرائیل در دو هزار و پانصد سال کشیدند، حال بدل به عزت سرمدیه خواهد گشت و به ظاهر ظاهر نیز عزیز خواهند شد؛ به قسمی که محسود اعدا گردند و مغبوط اوّدا.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۲، باب هجدهم، ص ۹)
- ۴) « اسرائیل در این ظهور اعظم مظهر الطاف ربّ جلیل گردید، لهذا در جمیع آفاق روزبه‌روز عزیز می‌شود؛ نظر عنایت مخصوصی به آن مظلومان شده تا از ذلت کبری نجات یافته، عزت ابدیه یابند و ارض مقدّس ویران را دوباره عمران و آباد نمایند و این به یقین مبین حاصل خواهد شد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۴۰)
- ۵) « وعده‌هایی که خدا به لسان انبیاء به این قوم پراکنده و پریشان (قوم بنی اسرائیل) داده، در این دوره اعظم تحقیق خواهد یافت.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۴۰)
- ۶) « الحمد لله در این دور اعظم، نظر عنایت شامل اسرائیل است تا جمیع وعده‌های انبیاء در حق ایشان در عالم وجود و شهود تحقیق یابد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۰۱)
- ۷) « آن نهال بی‌همال (مظهر کلی الهی = حضرت بهاءالله) جمیع (بنی) اسرائیل را جمع خواهد کرد؛ یعنی اسرائیل در دوره آن، در ارض مقدّس جمع خواهند شد و امت یهود که در شرق و غرب و جنوب و شمال متفرّقند، مجتمع شوند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

۸) « اسرائیل پراکنده در جمیع عالم، در دوره مسیحی در ارض مقدّس مجتمع نشدند؛ اما در بدایت دوره جمال مبارک این وعد الهی که در جمیع کتب انبیاء منصوص است، بنای ظهور گذاشته؛ ملاحظه می‌نمایید که از اطراف عالم طوایف یهود به ارض مقدّس آیند و قرايا و اراضی تملک نموده، سکنی کنند و روزبه‌روز در ازدیادند، به قسمی که جمیع فلسطین مسکن آنان گردد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۲)

۹) « اسرائیل عنقریب جلیل گردد و این پریشانی به جمع مبدل شود.» (مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۴۴۷)

۱۰) « شمس حقیقت طلوع نمود و پرتو هدایت بر اسرائیل زد تا از راه‌های دور با نهایت سرور، به ارض مقدّس ورود یابند. ای پروردگار وعد خویش آشکار کن و سلالة حضرت خلیل را بزرگوار فرما. تویی مقتدر و توانا و تویی بینا و شنوا و دانا.» (مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۴۴۷)

۱۱) « بنی اسرائیل در اراضی مقدّسه جمع خواهند شد... ملت یهود آن چنان عظمت خواهد یافت که مغبوط دشمنان و محسود دوستان واقع گردد.» (ترجمه) (حضرت عبدالبهاء، انوار هدایت، فقره ۱۶۷۷)

۱۲) « روزی آید که اسرائیل نوید امیدوار گردد و اسیر ذلت کبری عزت ابدیه یابد.» (مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، ص ۴۹۳، فقره ۴۴۷)

۱۳) « روزی آید که... آن قوم پریشان (قوم یهود)، در ظلّ ربّ الجنود، در ارض مقدّسه، سر و سامان یابند.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، ص ۴۹۳، فقره ۴۴۷)

۱۴) « (شاخه بیرون جسته از تنه یسه = جمال مبارک) قوم اسرائیل را از آشور و مصر و فتروس و حبش و عیلام و شنعار و حماة و از جزیره‌های دریا در ارض مقدّس جمع خواهد نمود، یعنی آوارگان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکنندگان اولاد یعقوب را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۱۶۶)

۱۵) « آن قوم پریشان (بنی اسرائیل) در ظلّ ربّ الجنود در ارض مقدّسه سر و سامان یابند و از اقالیم بعیده توجه به صهیون^۱ فرمایند؛ ذلیلان عزیز گردند؛ مستمندان توانگر شوند؛ گمنامان نام و نشان یابند و مبعوضان محبوب جهانیان شوند.» (مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۴۴۷)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

^۱ در مقامی اورشلیم است و در مقامی برابر تاریخ، نام قسمتی از اورشلیم یا تپه‌ای در قسمت جنوبی اورشلیم که بر آن، قلعه مستحکم بود و داود آن را فتح کرد و سلیمان معبد را بر آن بنا نمود. امروز قلب اورشلیم و یادآور جلال یهود است. (نوزده هزار لغت)

- ۱۶ « مدت دو هزار سال است که بنی اسرائیل در نتیجه این ظلم فاحش (نقش علمای یهود در به صلیب کشیدن حضرت مسیح) به این عذاب عظیم معذب و در اطراف و اکناف عالم متشتت. حال در این عصر افخم و کور مکرم بساط ذلتشان منظوی گردد و دوره مجازاتشان منتهی شود و در ظل ظلیل تعالیم الهیه عزت قدیمه شان چهره گشاید.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۸۴)
- ۱۷ « قوم یهود، همان گونه که حضرت عبدالبهاء تصریح فرموده است، سرنوشت روحانی عظیمی در پیش دارد؛ و به تدریج و در گروه های بزرگ، در ظل امرالله وارد خواهد شد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، انوار هدایت، فقره ۱۶۸۱)
- ۱۸ « همین قلم است (قلم حضرت عبدالبهاء) که پیش آگهی می دهد بنی اسرائیل در موطن دیرین خود جمع خواهند شد.» (حضرت ولی امرالله، مرور معبود، ص ۴۱۹)

بخش دوم- با برخی کشورها و سرزمین های ویژه (۱۹۴)

۳۳. کشور ایران (۱۱۶)

موارد فضلیه (۱۰۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱ « ای پروردگار... نیروی یزدانیت بنما و بخشش آسمانیت آشکار کن، این کشور (ایران) را بهشت برین ساز و این خاور و باختر را پرتو بخش روی زمین.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه یاران پارسی، بند ۱۲، ص ۷۰)
- ۲ « جهان از نفخه صور الهی در جنبش است و عالم آفرینش از تجلی حضرت یزدان در نهایت آرایش، این تخم پاک در خاک تابناک کشته گشت؛ اکنون دیده تن به مشاهده رهنمون نه، عنقریب بروید و سبز و خرم گردد، چشم ها روشن شود و دل و جان شادمان گردد؛ ایران جنت رضوان شود و خاور و باختر از فیض شمس حقیقت آئینه جهان بالا گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه یاران پارسی، بند ۷۱۶، ص ۴۷۵)

- ۳) « امیدوارم که ایران را دوباره رشک جهان خواهد نمود و فارسیان را در دو جهان سرفراز خواهد کرد... بشارت باد شما را که شب هجران به پایان آمد و روز روشن پیشدادیان دوباره طلوع نمود.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه یاران پارسی، بند ۶۵۲، ص ۴۴۳)
- ۴) « ای یاران پارسیان... آفتاب پارسی از افق ایران درخشیده و به جمیع آفاق نور پاشیده، عنقریب ایران محسود عالمیان گردد و ایرانیان مغبوط جهانیان شوند.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه یاران پارسی، بند ۶۵۰، ص ۴۴۲)
- ۵) « امیدم چنان است که... ایران ویران آباد گردد و آزاد شود و روز به روز پیش آید و از زخم نیش برهد، بنیان نیاکان به بخشش اورمزدیار دوباره بلند شود و خورشید برتری پارسی درخشنده و تابان گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه یاران پارسی، بند ۵۴۷، ص ۳۸۹)
- ۶) «هیكل ایرانی بعد از پیری، دور جوانی گرفت و پس از ناتوانی موهبت آسمانی یافت. عنقریب خواهید دید و شنید که خطه ایران و اقلیم پارسیان چگونه به نور ماه و خورشید درخشنده و تابان گردند.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه یاران پارسی، بند ۴۰۲، ص ۳۱۱)
- ۷) «ای یاران، مژده باد شما را که ایران به پرتو بخشش خداوند مهربان ترقی عظیم نماید و جنه النعیم گردد، بلکه امید چنین است که در آینده، غبطه روی زمین شود و نفعه مشکین ایران خاور و باختر را معطر نماید.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه یاران پارسی، بند ۲۳۱، ص ۲۱۰)
- ۸) «عنقریب شرق و غرب نعره یا بهاءالابهی بلند کند و در جمیع اقلیم کشور ایران را تقدیس نماید و جمیع امم فارسیان را تمجید کنند؛ زیرا شمس حقیقت از آن افق درخشید و ندای الهی از آن اقلیم بلند شد.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه یاران پارسی، بند ۲۰۱، ص ۱۹۲)
- ۹) «ای اسفندیار، ای بهرام... عنقریب مشاهده خواهید نمود که پرتو انوار فارسیان خاور و باختر را چون مه تابان روشن و رخشان نماید؛ آوازه فارسی جهان گیر گردد.» (ع، ع، مجموعه یاران پارسی، بند ۱۴۵، ص ۱۶۰)
- ۱۰) «عنقریب خواهی دید که آن کشور (ایران) به نفعات قدس معطر است و آن اقلیم به نور قدیم منور.» (ع، ع، مجموعه یاران پارسی، بند ۱۳۱، ص ۱۵۰)
- ۱۱) «ای یار دیرین، افق ایران بسیار تاریک بود و جولانگاه ترک و تاجیک... تا آن که شب تاریک به پایان رسید و صبح امید بدمید و آفتاب حقیقت بدرخشید؛ عنقریب گلخن، گلشن گردد و تاریک، روشن شود و آن اقلیم قدیم مرکز فیض جلیل شود و آوازه بزرگواریش گوشزد خاور و باختر گردد و مرکز سَنوحات

رحمانیه شود و مصدر فیوضات ربّانیه گردد؛ عزّت قدیمه بازگردد و درهای بسته بازشود.» (ع، مجموعهٔ یاران پارسی، بند ۱۳۱، ص ۱۵۰)

۱۲ «به نزدیکی خواهید دید که دیلم و تاجیک، بلکه امریک و افریک را آفتاب خاور ایران روشن نماید و آنچه کام دل و آرام جان پیشینیان بود حاصل گردد.» (ع، مجموعهٔ یاران پارسی، بند ۱۲۹، ص ۱۴۸)

۱۳ «ای یاران، خداوند پارسیان را دوباره تاجی از گوهر شاهوار بر سر نهاد و طوقی مرصع از بخشش پروردگار در گردن انداخت و جامه ای از موهبت بی پایان در بر نمود تا آفتاب عزّت ابدیهٔ ایران درخشنده و تابان گردد و بزرگواری پیشینیان پدیدار شود.» (ع، مجموعهٔ یاران پارسی، بند ۱۲۸، ص ۱۴۷)

۱۴ «ای دو بندهٔ خدا... به نزدیکی خواهید دید که آن کشور (ایران) رشک گلزار گردد و آن مرز و بوم نشانهٔ باغ بهشت جاودان؛ پرستش پروردگار را باید و شاید که این خاک سیاه را به باران بخشش دوباره سبز و خرم فرمود و ایرانیان را افسر سرافرازی بر سر نهاد؛ بزرگواری دیرین با پرتوی دلنشین در این بهشت برین رخ گشود و آوازه اش به هر کشور رسید.» (ع، مجموعهٔ یاران پارسی، بند ۸۳، ص ۱۱۶)

۱۵ «افق ایران از پرتو مه آسمان روشن و منیر گردید؛ عنقریب آفتاب عالم بالا چنان بدرخشد که آن اقلیم اوج اثیر گردد و به جمیع جهان پرتو اندازد و عزت ابدیهٔ پیشینیان دوباره چنان ظهور نماید که دیده ها خیره و حیران گردد.» (ع، مجموعهٔ یاران پارسی، بند ۶۹، ص ۱۰۹)

۱۶ «عنقریب خیمهٔ آسایش بلند گردد و ظلّ ممدود کلّ را اخذ فرماید؛ بحر حقیقت چنان موج زند که سواحل کاینات را غرق فرماید؛ نعرهٔ یابشری یا بشری از آن خطّه و دیار شهدا (ایران و یزد) به ملکوت اعلیٰ رسد؛ زخم ها مرهم یابد؛ دردها درمان شود؛ دل های شکسته تسلی جوید؛ گل های پژمرده طراوت و لطافت بنماید.» (حدیقهٔ عرفان، ص ۱۹۵)

۱۷ «باید دعا کنیم که ایران به فضل الهی از مدنیت مادی و ذهنی مغرب زمین نصیب برد و در عوض به فیض رحمانی، انوار روحانی به آن سمت بتاباند. جهد و تلاش ساعیان و مؤمنانهٔ مردم متحد، چه شرقی و چه غربی، چنین ثمره ای به بار خواهد آورد؛ زیرا قوهٔ روح القدس پشتیبان است.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، جمعه، ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱)

۱۸ «در ایران که وطن حق است، هنوز خفته بسیارند و در خواب گرفتارند. صور اسرافیل هم آنها را بیدار نکرد؛ و لابد روزی خواهد آمد که ایران را خدا بیدار می کند.» (حضرت عبدالبهاء، طراز الهی جلد ۱، ص ۳۱۸)

- ۱۹) « عنقریب برادرانتان (برادران احبای ستمدیده ایران) از اروپا و امریک به ایران خواهند آمد و تأسیس صنایع بدیعه و بنا و آثار مدنیّت و انواع کارخانه‌ها و ترویج تجارت و تکثیر فلاح و تعمیم معارف خواهند نمود... خواهند آمد و خطّه ایران را رشک جهان و غبطه اقالیم سائر خواهند نمود.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۵)
- ۲۰) « بهاءالله ایران را روشن نموده و در انظار عمومی عالم محترم نماید و ایران چنان ترقی نماید که محسود و مغبوط شرق و غرب گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۰۱)
- ۲۱) « امید چنین است که در آینده، (ایران) غبطه روی زمین شود و نفعه مشکین ایران، خاور و باختر را معطر نماید.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام شهرالاعلاء ۱۲۲ بدیع- کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶)
- ۲۲) « یقین نمایم که نور حقیقت در آن مملکت (ایران) چنان بدرخشد که ظلمات ضلالت محو و نابود گردد و این، به برکت صبر و تحمل احبّ در موارد بلا یا است.» (مجموعه آثار جلسات تذکّر، جلد دوم، ص ۹۵)
- ۲۳) « امیدوارم که به تأیید ملکوت ابهی و مساعی حکیمانه و دلالت نفوس مهمّه و معاونت اشخاص عظیمه، روحی جدید در جسم ایران دمیده گردد؛ انقلاب و اضطراب به سکون و اطمینان مبدل شود.» (مکاتیب عبدالبهاء، جلد چهارم، ص ۴۴) (۱۹ ربیع الثانی ۱۳۳۷ قمری = اول بهمن ۱۲۹۷ شمسی و ۲۲ ژانویه ۱۹۱۹ میلادی)
- ۲۴) « این دماء مطهره (شهدای یزد) که تراب اغبر را رشک لاله احمر نمود، چنان جوشی زند که خطّه ایران را جنت رضوان نماید؛ روح و ریحان بخشد؛ ریاحین عرفان برویاند؛ آهنگ ملاء اعلی بلند کند و نغمه و آواز خوشی در هر کشور اندازد.» [حضرت عبدالبهاء، مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۲- حدیقه عرفان، ص ۱۹۵]
- ۲۵) « عنقریب شرق و غرب نعره یا بهاءالابهی بلند کند و جمیع اقالیم، کشور ایران را تقدیس نماید و جمیع امم فارسیان را تمجید کنند؛ زیرا شمس حقیقت از آن افق درخشید و ندای الهی از آن اقلیم بلند شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۲۶۴)
- ۲۶) « آن مملکت (کشور ایران) فی الحقیقه معرض مرض‌های بی‌پایانست، از هر جهت مضطرب. یک قوت ربّانی می‌خواهد که از عهده انتظام آن برآید. قوای بشریه تا یک درجه تمشیت امور تواند؛ ولی چون خلل از هر جهت حاصل گشت، یک قوتی ربّانیه و موهبتی رحمانیه و عنایتی سبحانیه لازم تا این خلل

- برطرف شود. لهذا ما دعا می‌کنیم که الطاف حضرت احدیّت شامل گردد و این جسم مرده (ایران) زنده شود و این ناتوان توانا گردد، چاره‌ای جز این نه.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۸۷)
- (۲۷) « مذاق ایرانیان به کلیّ تغییر کرده، مشرب دینی نمانده (اشاره به نفوذ کمونیزم است) و عاقبت، مشارب ناشایسته نیز در ایران تأثیر خواهد بخشید؛ ولی مطمئن باشید که قوه امرالله عاقبت غالب گردد و امواجی از این بحر بی‌پایان برخیزد و این کف‌ها را از دریا به صحرا اندازد و آنّ جندنا لهم الغالبون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۳۴۴) (مضمون عبارت عربی: همانا لشکر ما پیروز است.)
- (۲۸) « باید به نهایت همّت، ثبات و استقامت نمود و در خیر دولت و ملت کوشید و اتحاد و اتفاق تامّ تأسیس کرد تا جمیع ایران حکم یک تن و یک جان یابند. اگر چنین وحدتی تأسیس گردد، یقین بدانید که دلبر آمال شاهد انجمن شود و عزّت ابدیّه ایران و ایرانیان جلوه نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۴۶۲)
- (۲۹) « قسم به جمال قدم که عنقریب سلالة اهل ایران طیش (سبک‌سری) آباء را فراموش کنند و از فرط عیش در جوش و خروش آیند که به این نسبت مشرفند و به این منقبت مبجل (گرامی داشته شده)؛ مستغرق بحر عنایتند و ملحوظ به نظر عاطفت.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۱۷۲)
- (۳۰) « چون آغاز طلوع این مهر تابان از افق ایران بود و از آن خاور به باختر اشراق فرمود، آرزوی دل و جان چنان است که شعله آتش عشق در آن خطّه و دیار شدیدتر باشد و نورانیّت امر مبارک پدیدتر؛ ولوله امرالله غلغله در ارکان آن کشور اندازد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۰۵ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره ۲۰۶)
- (۳۱) « روحانیّت کلمة الله چنان جلوه نماید که آن اقلیم (ایران) مرکز صلح و صلاح گردد و راستی و آشتی و مهر و وفاء.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۰۵ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره ۲۰۶)
- (۳۲) « ایران سبب حیات جاودان جهانیان گردد و علم صلح عمومی و امان و روحانیّت محضه در قطب امکان برافرازد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۰۵ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره ۲۰۶)
- (۳۳) « مفرّ و مقرّی و ملجأ و پناهی جز ملکوت ابهی نه، که ولوله و زلزله در آفاق انداخته و عنقریب ایران را معمور و ایرانیان را عزیز در دو جهان نماید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۸۷ - حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب سوم، ص ۷۹)

۳۴ « هر چند ایران در بین دول آلان گمنام است، ولی این امر عظیم عاقبت اهل ایران را سرور عالم امکان کند.» [مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۲۰۱- مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰) ص ۹]

۳۵ « در کمون (کشور ایران)، آتش عشق در شعله و شدتست. انشاءالله این شعله، جهان سوز گردد و این لمعه، عالم افروز.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ششم، ص ۷۵)

۳۶ « اگر یاران به این عهد ارتباط و اتحاد چنان که باید و شاید تمسک نمایند، عنقریب ملاحظه خواهید نمود که در عروق و شریان ایران تأثیر نماید و چنان روحانیتی حاصل گردد که شرق و غرب به جنبش و حرکت آید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۲۳)

۳۷ « مستقبل ایران را به یک مثل از برای شما می گویم بعد خودتان قیاس کنید؛ این دلیل کافی وافی است. این مکه یک قطعه سنگستان است، وادی غیر ذی زرع است، ابداً گیاهی در آن نمی روید. آن صحرا صحرای شن زار است و در نهایت گرما، قابل این که آباد شود نیست. از سنگستان و شن زار بی آب چه خواهد رویید؟ لیکن جهت این که وطن حضرت رسول بود، این سنگستان، این سنگلاخ، قبله آفاق شد؛ جمیع آفاق رو به او سجده می کنند؛ دیگر از این بفهمید که مستقبل ایران چه خواهد شد. این نمونه ای است؛ این سنگلاخ به جهت این که وطن حضرت رسول بود، قبله آفاق شد؛ اما ایران که سبز است، حرم است، گل های خوب دارد، هوایش لطیف است، مائش (آبش) عذب است، از این قیاس کنید که چه خواهد شد، این میزان کافی است.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۷۳)

۳۸ « همچنین موهبتی خدا در حق آنها (ایرانیان) نموده که مثل و نظیر ندارد و همچنین عنایتی در حق آنها مقدر گشته، همچنین تاجی خدا بر سر آنها گذاشته است؛ حال معلوم نیست؛ لیکن بعد معلوم می شود که خداوند چه موهبتی به ایران و ایرانیان کرده است؛ اگر ایرانیان بدانند الی الابد افتخار می کنند و از شدت فرح و سرور پرواز می کنند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۱۰۴-۱۰۳)

۳۹ « خیرخواهی ایران این است که جمیع ملل و شعوب و قبائل عالم را خاضع و خاشع نماید.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب سوم از ردیف ت، ص ۷۹- مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۸۷)

۴۰ « عنقریب مثل اروپا، (در ایران؟) دین و مذهب نسیاً نسیاً خواهد شد؛ مگر این که به نفثات روح القدس دل ها زنده و نفوس آزاده شوند و دوری جدید به میان آید؛ این قضیه ای است واضح و مشهود؛ دلیل و برهان لازم ندارد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب دهم از ردیف ع، ص ۱۹۳)

- (۴۱) « عنقریب (به زودی) ایران محسود عالمیان گردد و ایرانیان مغبوط جهانیان شوند.» (حضرت عبدالبهاء، کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶- پیام آسمانی ۲، ص ۳۰۸)
- (۴۲) « مستقبل ایران در نهایت شکوه و عظمت و بزرگواری است، زیرا موطن جمال مبارک است... هذا بشارة کبری، بلغها لمن تشاء و هذا وعد غیر مکذوب و ستعلمن نباء بعد حین.» [حضرت عبدالبهاء، کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶- مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷۸] (مضمون جمله عربی: این مژده ای است بزرگ، به هر که می خواهی بگو، و این وعده ای است راستین و به زودی، بعد از مدتی، خبرش را خواهی شنید.)
- (۴۳) « جميع اقالیم عالم توجه و نظر احترام به ایران خواهند نمود... هذا بشارة کبری، بلغها لمن تشاء و هذا وعد غیر مکذوب و ستعلمن نباء بعد حین.» (حضرت عبدالبهاء، کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶) (برای مضمون بخش عربی، به فقره ۲۶ رجوع شود.)
- (۴۴) « یقین بدانید (ایران) چنان ترقی نماید که انظار جميع اعظم (بزرگان) و دانایان عالم حیران ماند. هذا بشارة کبری، بلغها لمن تشاء و هذا وعد غیر مکذوب و ستعلمن نباء بعد حین.» (حضرت عبدالبهاء، کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶-) [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷۸] (برای مضمون بخش عربی به فقره ۲۶ مراجعه شود.)
- (۴۵) « ایران در خواب غفلت گرفتار... امید چنان است که شعاع شمس حقیقت این ابر غفلت را متلاشی نماید و افق ایران روشنی به آفاق بخشد؛ یاران بیدار گردند و ایرانیان هوشیار شوند.» [حضرت عبدالبهاء، کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶-) (مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷۸]
- (۴۶) « قوت بنیه ایران جز به تأسیس اخلاق الهی ممکن نه؛ چون تعدیل و تأسیس اخلاق گردد، ترقی در جميع مراتب محتوم است... علوم و فنون رواج یابد و افکار بی نهایت روشن گردد... سیاست به درجه نهایت رسد؛ صنایع بدیعه رواج یابد؛ تجارت اتساع جوید؛ شجاعت علم افرازد؛ ملت از برزخی به برزخ دیگر انتقال نماید؛ خلق، جدید شود؛ فتبارک الله احسن الخالقین تحقق یابد.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸۳] (مضمون عبارت عربی: خجسته است خداوند، نیکوترین آفرینندگان)
- (۴۷) « حجاز در بیابان ریگ زار بی آب و علف، وادی غیر ذی زرع بود، لکن به طلوع نیر حقیقت (حضرت محمد) قبله آفاق شد و مطاف عالمیان گردید؛ حال که نیر اعظم از مطلع ایران اشراق کرده،

ملاحظه نمایید که در آینده چه خواهد شد.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸۳] [لوح مبارک مورخ ۹ شوال ۱۳۳۹ قمری] (۴۸) «ای یاران، مژده باد شما را که ایران به پرتو بخشش خداوند مهربان، ترقی عظیم نماید و جنة النعم گردد. بلکه امید چنان است که در آینده غبطة روی زمین شود و نفعه مشکین ایران خاور و باختر را معطر نماید.» (حضرت عبدالبهاء، کتاب ایران آینده، ص ۲۵۶- مندرج در پیام معهد اعلی، شهرالعلماء ۱۲۲ بدیع = ۱۹۶۵- نیز مندرج در پیام مارس ۱۹۶۶، خطاب به یاران و یاوران امرالهی در کشور مقدس ایران)

(۴۹) «عنقریب آفتاب عالم بالا چنان بدرخشد که آن اقلیم (ایران) اوج اثیر گردد و به جمیع جهان پرتو اندازد و عزت ابدیه پیشینیان دوباره چنان ظهور نماید که دیده‌ها خیره و حیران گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلی خطاب به احبای ایران، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳)

(۵۰) «ایران مرکز انوار گردد؛ این خاک، تابناک شود و این کشور، منور گردد و این بی نام و نشان شهره آفاق شود و این محروم، محرم آرزو و آمل و این بی بهره و نصیب فیض موفور یابد و امتیاز جوید و سرافراز گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقرة ۲۱۲، مندرج در پیام معهد اعلی خطاب به احبای ایران، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ و نیز پیام ۸ آوریل ۱۹۷۷)

(۵۱) «در ایران... از قوه کلمة الله آثار عظیمه ظاهر خواهد گردید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقرة ۱۲۷)

(۵۲) «آیات غیرباهره و حجج غیربالغه، یعنی مجتهدین مهمل، ایران را ویران کردند و به کلی از انظار انداختند. حال بلکه به تأیید بهاء، تأسیس عزت قدیمه در ممالک فرنگ و امریک، از برای ایران و ایرانیان گردد و لیس ذلک علی الله بعزیز.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقرة ۸۰) (مضمون عبارت عربی: برای خداوند این کار سختی نیست.)

(۵۳) «هو الله، ای ثابت بر پیمان، نامه شما رسید. از اغتشاش ایران مرقوم نموده بودید. این تشویش را سبب، تخدیش علما و تعرض سفها به احبای الهی^۱ است. تا چنین است ایران بی قرار و تمکین است. این اضطراب در ازدیاد. لکن عاقبت حال ایران، سکون و قرار و ثبوت و استقرار است. نفعات الله احاطه نماید و تعالیم الهی نفوذ تام حاصل کند. تخم پاک در آن کشتزار به فیض سحاب عنایت بروید. ایران جنت رضوان شود و سکون و سرور و قرار تام یابد... و علیک البهلاء الابهی.» (الواح نازله به اعزاز میرزا آقاخان بشیرالسلطان ملقب به بشیر الهی، ص ۸۸)

^۱ به مباحث ۱۹، ۲۱ مراجعه شود.

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- ۵۴) « این عبد (حضرت ولیّ محبوب امرالله) دعا و تضرّع نماید و از مسبب‌الاسباب استدعا و تمنا کند که... امر تبلیغ ترویجی سریع یابد و یوم یدخلون فی دین الله افواجاً، از افق آن اقلیم (ایران) فجرش طالع و باهر گردد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۳۱۸)
- ۵۵) « ای محبوب ابهی... وعود باقیه که در ام‌الکتابت به تلویح و تصریح به قلم اعلایت، ثبت نمودی ظاهر نما و حزب مظلوم را در موطن اصلیت (ایران) از قیود و سلاسل صد ساله برهان.» (مجموعه مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۲۹)
- ۵۶) « ای قویّ قدیر،... ملائکه تأیید، پی‌درپی بفرست و آن موطن اعلی (کشور مقدس ایران) را جنت ابهی نما.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)
- ۵۷) « ای قویّ قدیر،... آنچه را به ایرانیان که یاران عزیز تواند وعده فرمودی ظاهر کن.» (مجموعه مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله، ص ۱۹)
- ۵۸) « رفته رفته، به نحوی فزاینده آشکار می‌شود که وعود درخشانی که به کرات از فم مولای محبوبمان (حضرت عبدالبهاء) (راجع به ایران) صادر می‌شد، با دقتی خارق‌العاده و سرعتی برجسته، متوالیاً در حال تحقق است.» (ترجمه) (توقیع منیع مورخ ۶ دسامبر ۱۹۲۸، سرنوشت رو به ظهور جامعه بهایی انگلستان، انگلیسی، ص ۷۱)
- ۵۹) « بشارات الهی که حاکی از مستقبل باهر آن دیار (کشور ایران) است در کتاب، هر یک منصوص و محتوم است.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۴۰)
- ۶۰) « امید این عبد آستان (حضرت ولیّ محبوب امرالله) چنان است که... به تدریج... بشارات موعوده در حق ایران و ایرانیان یک یک تحقق پذیرد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۴۲)
- ۶۱) « کلّ، به شور و شعف آید و بر اطمینان و اعتماد بیفزاید و بدانید که به چه حدی مستقبل آن دیار (ایران) باهر است و فیض الهی کامل.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۰۸)
- ۶۲) « ترقی و عمران و نجات و استخلاص آن اقلیم (ایران) منوط و مشروط به تعمیم و اجرای تعالیم اساسیّه امرالله است.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۴۸)

^۱ به مبحث ۱۱۳ رجوع شود.

۶۳) « روزی این شعله رحمانی (امراللهی) آن اقلیم (ایران) و سایر اقلیم را نورانی و متلثاء خواهد نمود. ولی حیف است ما که به اسم و نام او موسومیم، علت تأخیر و فتور و تعویق گردیم.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۶۳)

۶۴) « به تدریج آنچه از قلم خفی مسطور گشته، در نهایت جلوه و وضوح، از افق آن خطّه منقلبه (ایران) اشراق نماید.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۵)

۶۵) « هر چند الیوم (۶ مارس ۱۹۲۵) افق آن کشور (ایران) تاریک است و مصائب و متاعب متنوعه مترادف و متتابع... ولی این تنگی و پریشانی و ذلت و نادانی باقی نماند و این جور و اسارت و انقلاب و وحشت دوامی نکند "سوف یظهر الله من هذا الافق نوراً و قدرة و بها تظلم الشمس و تمحو آثار من استکبر علی الله و تستضی و جوه المخلصین."» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۸) (مضمون بخش عربی، بیان حضرت بهاءالله: به زودی خداوند از این افق (ایران)، نور و قدرتی پدیدار خواهد کرد که خورشید را تاریک کند و آثار مستکبران بر خداوند را محو نماید و چهره‌های مخلصان را نورانی کند.)

۶۶) « این وعود الهیه و بشارات سامیه (راجع به ایران) که از قلم اعلی و کلک ملهم مؤید مرکز عهد و میثاق نازل گشته، به مدلول این آیه مبارکه، حتمی الوقوع است، قوله الاحلی: "و آنچه از قلم اعلی جاری، البتّه ظاهر شده و خواهد شد و لایقی من حرف الآ و قد یراه المنصفون مستویاً علی عرش الظهور"؛ ولی صبر و تحمل و شجاعت و شهامت لازم است.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۹) (مضمون بخش عربی: حرفی باقی نمی ماند مگر آن که منصفان آن را مستوی بر عرش ظهور خواهند دید.)

۶۷) « زود است که آن اقلیم (ایران) جنّة النعیم گردد... و انّ هذا الوعد، غیر مکذوب.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۹) (مضمون عبارت عربی: و همانا این وعده، تکذیب ناپذیر است.)

۶۸) « انعکاسات این همم عالیّه (قیام حیرت انگیز مارثا روت به تبلیغ امراللهی) عنقریب کشور ایران را منور نماید و از ظلام اسارت و جهالت و عسرت نجات دهد و آزاد نماید. و انّ هذا لوعده محتوم.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۳۰۱) (مضمون عبارت عربی: و همانا این، وعده‌ای حتمی است.)

^۱ به مباحث ۹ و ۱۰ رجوع شود.

۶۹) « ای برادران و خواهران روحانی، دور دور ایران است... و تابشیر عصر عزت موعوده آن ستمدیدگان؛... اگر در ممالک بیگانگان همچو آثار عظیمه و ظهورات هائله و شئونات غریبه ظاهر و نمودار گشته (اشاره به توفیقات جامعه جهانی بهایی است که در صفحات ۱۱۱ تا ۱۱۳ همین توفیق منیع ذکر شده است)، پس در موطن اصلی جمال قدم و اسم اعظم که به نص صریح مرکز عهد اقوم، حکومتش محترمترین حکومت عالم و ابنائش مغبوط و محسود اقوام و امم گردند، من بعد چه خواهد شد؟» (مجموعه توفیقات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۱۴)

۷۰) « آنچه آمل اهل بهاءست، در آن سرزمین (ایران) تحقق پذیرد. عنقریب ملاحظه خواهند نمود که تأییدات الهیه چه ظهور و بروزی در آن خطه مبارکه و اقلیم مقدس خواهد نمود.» (مجموعه توفیقات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۷۷-۳ شهرالنور ۹۴ بدیع، مطابق با ۷ جون ۱۹۳۷/ نیز مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۷)

۷۱) « بذلك (قيام احبای ایران بر وظایف مهمه اصلیه خود) (از جمله) تظهر مقاماتکم و تسطع انوار عزکم و تنكشيف الظلمات من افق دیارکم و تظهر خفیات دینکم و تنهزم جنود اعدائکم و تتحقق وعود ربکم و مولاکم و یصبح وطنکم قطعه من الفردوس الاعلی و مرآتا تتعکس فيه الانوار الساطعة من الملكوت الابهی. فیا حبذا لهذا اليوم المشعشع المقدس المبارک العظیم.» (مجموعه توفیقات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۹۴/ نیز مائده آسمانی ۶، ردیف ۳ از باب چهارم، ص ۱۱) (استخراج از لوح مبارک مورخ شهر المسائل ۹۴ بدیع، مطابق دسامبر ۱۹۳۷، خطاب به احبای ایران) (مضمون: به این ترتیب، مقامات شما ظاهر می شود و انوار بزرگواریتان می درخشد و تاریکی از سرزمینتان می رود و پنهانی های دینتان نمایان می شود و لشکریان دشمنانتان^۱ فراری می گردند و وعود پروردگارتان و مولایتان تحقق می یابد و وطنتان قطعه ای از بهشت برین می شود و به سان آینه ای، انوار تابان از ملکوت ابهی را منعکس می سازد^۲. چه نیکو است این روز نورانی پاکیزه خجسته بزرگ.)

۷۲) « (در دوره میثاق) احبای آمریکایی و اروپایی... پیشتازان آن سپاه حامیانی بودند که به پیش بینی حضرت عبدالبهاء در موعد مقرر به پا خواهند خاست تا منافع امرالهی و نیز مصالح سرزمین زادگاهش (ایران) را به پیش برند.» (مرور معبود، ص ۳۹۹)

۷۳) « به وسایل غیبیه این مشاکل عدیده (تضییقات شدید... و موانع و مشاکل بی حد و شمار و تهدیدات دشمنان و دسایس اهریمنان) حل گردد و آنچه آمل اهل بهاءست در آن سرزمین (ایران) تحقق

^۱ به مبحث ۲۱ رجوع شود.

^۲ به مبحث ۳۳ رجوع شود.

پذیرد.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۷]

(۷۴) «خطه ایران... سراپا روشن و منور گردد؛ روح به عالم امکان دمد؛ مطاف عالمیان گردد و نائره عشق را برافروخته، در قطب آفاق ندای یا بهاءالابهی را به سمع جهان و جهانیان رساند.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۲۵)

(۷۵) «مگذارید گمان کنند که بهاییان تعلق به وطن خویش ندارند؛ بلکه به راستی بدانند و یقین نمایند که از همه بیشتر و از همه مخلص تر و از همه ثابت تر، در احیای ایران و تعزیز ایرانیان به وسائلی حقیقی می کوشند و مطمئنند که ایران عاقبت عزیز و توانا خواهد شد.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۶۰- مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۶۷)

(۷۶) «سلطانی که طبق وعده حضرت بهاءالله در کتاب اقدس، باید سرپر سرزمین وطنی آن حضرت (کشور مقدس ایران) را زینت دهد، و سایه حمایت شاهانه خود را بر سر پیروان ستمدیده اش بیفکند، هنوز (۱۹۴۴ میلادی) ظاهر نشده است.^۱» (مرور معبود، ص ۵۳۴)

(۷۷) «آنچه در هویت این امر عظیم در آن اقلیم جلیل (ایران) است، متدرجاً پدیدار و آشکار گردد و حزب مظلوم (احبای ایران)، عزیز و بزرگوار و آزاد و سرافراز گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱ نوامبر ۱۹۴۷، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۹۴-۹۳)

(۷۸) «به حسب ظاهر اگر چه آثار باهره این طلوع الهی (دور اعز بهی الانوار جمال اقدس ابهی) بتمامه در حیز شهود مشهود نه، اما در حقیقت وجود تحقق یافته و به مقتضای استعداد... عباد، ظاهر و عیان گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۲۴)

(۷۹) «اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که عاقبت الامر آن اقلیم (ایران) را جنة النعیم فرماید و به فرموده مرکز میثاق بهاء، حضرت عبدالبهاء، "دولت وطنی جمال مبارک را در جمیع بسیط زمین محترم ترین حکومت و ایران را معمورترین بقاع عالم" نماید.» [حضرت ولی امرالله، توقیع ۸۹ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰- مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۷۵]

(۸۰) «یک چشم بینا می تواند به راحتی در تمامی این حوادث^۱ علائم و نشانه هایی را کشف کند که به خوبی خبر از آینده ای می دهند^۲ که مطمئناً شاهد جدایی کامل و رسمی دین از دولت خواهد بود.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۱۴۹، توقیع ۶ دسامبر ۱۹۲۸)

^۱ به مبحث ۱۱۵ مراجعه شود.

(۸۱) « ما چه کار دیگری می‌توانیم بکنیم؟ جز آن که از صمیم قلب دعا کنیم که ید قدرت حضرت بهاءالله به زودی بر این سبزه تأسف‌بار و این ظلم و ستم طولانی (روند مظالم وارد بر احبای ایران) غلبه یابد و همان‌گونه که او (حضرت عبدالبهاء) پیش‌بینی فرموده است، سرزمین زادگاهش "حائز محترم‌ترین حکومت عالم و سبب افتخار عالمیان و مورد تحسین و غبطه آنان واقع گردد."» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۱۱۸)

(۸۲) « همین قلم است (قلم حضرت عبدالبهاء) که پیش‌آگهی می‌دهد... در آینده‌ای دور، ساکنان وطن حضرت بهاءالله در کُلّ، و دولت آن سرزمین بخصوص، از شرافت و عزّتی عظیم برخوردار خواهند شد.» (حضرت ولی امرالله، مرور معبود، ص ۴۱۹)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۸۳) « باید یاران (در ایران) به کمال وقار و متانت و حکمت و فراست... به اجرای وظایف خطیره روحانیّه خویش من دون توقف و تعطیل متوکّلاً علی الله و مستعیناً من فضله، مداومت بخشند و مطمئن باشند که کوب نوار امرالله روزبه‌روز غیوم کثیفه متراکمه را از هم بدرد و در نهایت جمال و عظمت از افق آن اقلیم بدرخشد و جلوه‌ای تازه نماید.» (پیام ۲۰ نوامبر ۱۹۶۴)

(۸۴) « کل آرزومند بل منتظر و مترصدیم که آثار تحقق این وعود مبارکه (ایران... ترقی عظیم نماید و جنة‌النعیم گردد) بر اثر همم عالیّه و روحانیت و نورانیت آن معاضدان وفادار هر چه زودتر ظاهر و آشکار گردد و باعث سرور و افتخار شود. اینست ادعیه قلبیه این خادمان آستان در این جوار پرانوار.» (شهرالعلماء ۱۲۲ بدیع = ۱۹۶۵ میلادی/ نیز پیام مارس ۱۹۶۶، خطاب به احبای ایران)

(۸۵) « در این ایام پراشوب... لازم دانستیم به کمال اخلاص سخنی چند با آن دوستان ارجمند (بهایان عزیز ایرانی مقیم ممالک و دیار سایره) در میان گذاریم... تا انشاءالله... دیده امید به صبح وعده‌های جانپور الهی دوزند و یقین نمایند که در پس این سحاب ظلمانی (شرایط حاکم بر احبای ایران در جمهوری اسلامی) آفتاب مشیت یزدانی در اوج رفعت و اقتدار قرار دارد و به تابش و نور افشانی پردازد و چندی نگذرد که این ابرهای متراکم ظلم و عدوان و غفلت و تعصب و طغیان از آفاق برافتد و روزی فیروز بدمد و عصری جهان افروز علم در عالم افرازد.» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰)

^۱ اقدامات رضا شاه در سنه ۱۳۰۷ شمسی، علیه سطله** و اقتدار روحانیت شیعه.

^۲ این نکته مهمی است که هیکل مبارک، اقدامات شدید رضا شاه را در جهت جداسازی دین از دولت، کافی نمی‌دانند و آن‌ها را فقط علائم و نشانه‌هایی برای این پدیده برجسته و سرنوشت‌ساز در آینده می‌بینند؛ حادثه‌ای که شاید اکنون (۱۳۹۳) دیگر تحقق کاملش نزدیک شده باشد.

- (۸۶) «گمان مبرید که آنچه در این زمان در... کشور مقدّس ایران واقع گشته و می شود، وقایعی تصادفی و منفرد و بی نتیجه و مقصد است. به فرمودهٔ مولای عزیز (حضرت ولیّ محبوب امرالله) "ید غیبی در کار است و انقلابات ارض، مقدمهٔ اعلان شریعت پروردگار".» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰)
- (۸۷) «این وقایع و مشکلات (مصائب احبّای ایران)، فتح و ظفر عظیمی را به دنبال دارد.» (پیام ۱۳۶۲/۷/۱۵ = ۱۹۸۳ میلادی)
- (۸۸) «(احبّای ایران) مطمئن باشند که آینده بسیار درخشان خواهد بود.» (پیام زمستان ۱۳۶۲ = ۱۹۸۳ میلادی)
- (۸۹) «در بهار روحانی که بلافاصله بعد از صولت زمستان آفاق را فراگیرد، غنچهٔ آمال آن عزیزان (احبّای ایران) در موطن جمال ابهی بشکفتد و آن حبیبان مظلوم و باوفا را بر مسند عزّت نشانند و در جمع روحانیان مُشارٌ بالبنان (مورد توجّه همگان) کند.» (پیام ۱۳۶۳/۱/۱۹ = مارس ۱۹۸۴ میلادی)
- (۹۰) «شدّت شتا بالمآل از آن اقلیم (ایران) برخیزد و به اصطلاح معروف، روسیاهی به زغال ماند.» (پیام ۱۳۶۳/۱/۱۹) (۸ آوریل ۱۹۸۴)
- (۹۱) «از آستان مبارک رجا کنیم که انتصارات عظیمه... از جمله سبب طلوع شمس راحت و رجا از افق آن اقلیم (ایران) گردد و آن ستمدیدگان را از جمیع جهات آسوده و سربلند سازد.» (پیام ۲۲ آوریل ۱۹۸۶)
- (۹۲) «تردیدی نیست که ظلم و ستم پیگیری که با این قساوت بر احبّای ایران^۱ وارد می شود، بالمآل مغلوب و مقهور ید قدرت الهی خواهد گردید و جریان حوادث را به اسبابی غیبی به سوی مقدرات قطعیهٔ پرشکوه و جلالی که از مواعید الهی است، سوق خواهد داد.» (پیام رضوان ۲۰۰۰)
- (۹۳) «اهراق خون مطهر شهیدان و تحمّل لطمات و صدمات طاقت فرسای نفوس نفیسه‌ای که در مهد امرالله به نیروی ایمان و ایقان خود به این موهبت الهی مفتخرند، مسبّب پیشرفت امرالهی در سراسر عالم بوده و مآلاً موجب افتخار و مباهات مردم آن سرزمین خواهد شد.» (پیام ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵)
- (۹۴) «بهاییان مهد امرالله... آمادگیشان برای تحمّل مشقّات بی شمار به منظور رعایت اصول روحانی و حفظ حقوق حقّهٔ جامعهٔ بهایی در مهد امرالله، آن سرزمین را به سوی سرنوشت باشکوهی که در آثار مبارکه به آن اشاره شده است، سوق می دهد.» (پیام ۲۲ مارس ۲۰۰۶)

^۱ به مباحث ۱۹ و ۲۱ مراجعه شود.

۹۵) « این تجدید تدریجی قوای روحانی مردم (از طریق تبلیغ انفرادی) توأم با ارائه خدمات اجتماعی و اقتصادی... بالمآل و با کمک تحولات ناشی از نقشه کلی الهی، در میقات معین موجب احیای آن سرزمین مقدس (ایران) خواهد شد.» (پیام ۲۱ آگست ۲۰۰۶)

۹۶) « قوای خلاقه منبعثه از نقشه عظیمه الهیه^۱ شرایط سرزمین مقدس ایران را با سرعتی شدید تغییر می دهد.» (پیام اکتبر ۲۰۰۷)

۹۷) « آنچه را که یاران و یاوران حضرت رحمان در کشور مقدس ایران در این دوران پرافتتان تحمل می نمایند، درد و الم تولد عصری جدید در تاریخ امر مبارک در آن سرزمین است که به مدد تأثیرات روح خلاق امر حضرت بهاءالله پا به عرصه وجود گذارد و روان آن خسته دلان را طراوت و لطافتی تازه بخشید.» (پیام ۲۸ آوریل ۲۰۰۸)

۹۸) « (خطاب به احبای عزیز ایران) با عموم مردم با صدق و صفا معاشرت کنید... و شعله امید، ایمان و اطمینان به آینده پرشکوه ایران... را که خود معتقدید مآلاً تحقق خواهد یافت، در قلوبشان برافروزید.» (پیام مورخ ۳ جون ۲۰۰۸)

۹۹) « نوبت بزرگداشت فتوحات آن سرزمین مقدس (ایران) هم فرا خواهد رسید.» (پیام ۱۱ آگوست ۲۰۰۸)

۱۰۰) « بدون شک، سگان ملاء اعلی از قیام عاشقانه آن دلدادگان جمال ابهی (احبای مقیم ایران) در اهتزازند و مترصدند شما را یاری نمایند تا آن سرزمین مقدس را بهشت برین نمایید.» (پیام ۲۰ آگست ۲۰۰۸)

۱۰۱) « (خطاب به بهاییان عزیز ایران) اطمینان به آینده درخشان ایران را در قلوبتان زنده نگاه دارید و بر این باور استوار مانید که سرانجام نور معرفت و دانانی غمام تیره جهل و نادانی را زایل خواهد ساخت... و محبت و وداد بر نفرت و عناد چیره خواهد گشت.» (پیام ۲۳ جون ۲۰۰۹)

۱۰۲) « امید آن که این بیان حضرت عبدالبهاء در گوش ها طنین افکند: "ایران مرکز انوار گردد؛ این خاک، تابناک شود و این کشور، منور گردد."» (پیام ۲۳ جون ۲۰۰۹)

۱۰۳) « شما دلباختگان جمال ابهی (پیروان حضرت بهاءالله در کشور مقدس ایران) به آینده درخشان ایران مطمئن هستید.» (پیام ۲۱ مارس ۲۰۱۰)

۱۰۴) « آرزوی اهل بهاء به فرموده حضرت عبدالبهاء، آن است که: "ایران سبب حیات جاودان جهان گردد و علم صلح عمومی و امان و روحانیت محضه در قطب امکان برافرازد." این بینش روحانی است که

^۱ به بحث ۷۷ رجوع شود.

به شما (پیروان جانفشان جمال قدم در کشور مقدس ایران) نیرو می‌بخشد تا به رغم همه مشقات و تضییقاتی که پیوسته بر شما وارد می‌شود، هم‌چنان مشتاق خدمت به این آب و خاک بمانید.» (پیام ۱۴ می ۲۰۱۱)

(۱۰۵) «پیام حضرت بهاءالله برای آینده کشورشان (بهاییان مهد امرالله) (مقتضیات و تأثیرات عمیقی) در بردارد.» (پیام رضوان ۲۰۱۳)

(۱۰۶) «ایمان به آینده درخشان کشور مقدس ایران و خدمت صادقانه به آن سرزمین عزیز در قلب هر فرد از افراد بهایی بوده و هست.» (مندرج در مجموعه پیام‌ها، ژانویه ۱۹۷۲ تا ژانویه ۱۹۷۸، ص ۹۱) موارد قهریه (۱۰)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱۰۷) «می‌گفتند ایران چه خواهد شد؟ من گفتم این تفصیلی که الان در میان است اسباب دمار است؛ این اختلافات، این احزاب مختلفه... این ها روز به روز ایران را ویران می‌کنند... این اختلافات ایران را ویران کرده است و روز به روز بیشتر می‌شود.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۳۷- نطق مبارک مربوط به سنه ۱۳۳۲ هجری قمری، یعنی هفت سال قبل از صعود هیکل مبارک- خطابات حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۷۳)

(۱۰۸) «حال (سال ۱۹۱۹) ایران محتاج حزب صلح و سلام و سکون و اطمینان است؛ قبل از حرب (جنگ جهانی اول) از پیش مرقوم گردید؛ یعنی به صریح عبارت به خط عبدالبهاء، که دولت و ملت باید مانند شهد و شیر آمیخته گردد و الا ایران ویران شود.» (مکاتیب عبدالبهاء ۴، ص ۴۴) (۱۹ ربیع الثانی ۱۳۳۷ قمری= اول بهمن ۱۲۹۷ شمسی و ۲۲ ژانویه ۱۹۱۹ میلادی)

(۱۰۹) «خدا چه نعمتی به ایرانیان عنایت فرمود؛ ولكن قدر ندانستند. اگر کفران ننموده بودند، دولت ایران اول دولت می‌شد. من... به ایران نوشتم که تا دولت و ملت مانند شهد و شیر آمیخته نگردد، نجات و فلاح محال است.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب هفدهم از ردیف الف، ص ۴۶)

(۱۱۰) «اما ایران، لیس له الامان؛ الا بالدخول فی ظلّ الرحمن.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰) ص ۹] امضمون: برای ایران امن و امانی نخواهد بود؛ مگر به ورود در سایه امر رحمان (امر الهی).]

(۱۱۱) «ایران هنوز ویرانست و تا عدل و داد بنیان و بنیاد نگردد، روزبه‌روز بدتر شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقرة ۲۵)

(۱۱۲) « عاقبت خواهید دانست ایران ویران گردد و دولت و ملت به نهایت مشقت افتد.» [مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۲۰۱- مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷]

(۱۱۳) « ای بنده صادق جمال ابهی، مکاتیب رسید و بر آه و ناله و گریه و زاری شما در مصیبت احباء و هجوم اعداء (شهادت شهدای یزد) مطلع گشتم... ایرانیان کف زنانه چه عجب، پاکوبانند چه عجب، خندانند چه عجب، کامرانند چه عجب، رقص کنانند چه عجب، هذا دأب الاحزاب فی القرون الاولی؛ ولی این رقص را نقص عظیم در پی و این خنده را گریه پاینده در عقب و این سرور را عذاب قبور در پس و این شادمانی را ندامت و پشیمانی مقرر. فسوف ترونهم فی خسران مبین.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب ششم از ردیف ش، ص ۱۶۶- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۴۳۵) (مضمون عبارات عربی: این خوی و شأن احزاب است در قرن‌های گذشته... به زودی آنان را در زیان آشکار خواهی دید.)

(۱۱۴) « آن ستمکاران (ظالمان یزد) بلکه جمیع اهل آن کشور (ایران) را، جلیل اکبر بلایا مسلط نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۵۹۶)

(۱۱۵) « در ایران حال بدایت بی تقیدی است و آغاز ضعف دین. اگر به قوه تعالیم الهیه جلوگیری نشود، عاقبت هرج و مرج و پریشانی است و ذلت و نحوست ابدی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۳۴۴)

(۱۱۶) « ایران ویران شود و عاقبت، امر منجر به مداخله دول متجاوره گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب هفدهم از ردیف الف، ص ۴۶)

۳۴. کشور آمریکا (۱۹)

الف) از آثار حضرت بهاء الله

(۱) « یا ملوک امریقا و رؤساء الجمهور فیها، اسمعوا ما تغنُّ به الورقاء علی غصن البقاء انه لا اله الا انا الباقي الغفور الکریم. زینوا هیکل الملک بطراز العدل و التقی و رأسه باکلیل ذکر ربکم فاطر السماء، كذلك یامرکم مطلع الاسماء من لدن علیم حکیم... اجبروا الکسیر بایادی العدل و کسروا الصحیح الظالم بسیاط اوامر ربکم الامر الحکیم.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۸۹) (مضمون بیان مبارک: ای پادشاهان آمریکا و رؤسای جمهور در آنجا، بشنوید آنچه را که ورقا (یکی از نمادهای مظهر الهی)، نشسته بر

شاخسار بقاء، به آن تغنی می‌کند: همانا نیست خدایی جز من، که باقی و بخشاینده و بخشنده هستم. پیکر ملک را به زینت دادگری و پرهیزگاری بیارایید و سر آن را به تاج یاد پروردگارتان، که گشاینده آسمان است، زینت دهید؛ این گونه مطلع اسماء، از نزد خداوند علیم حکیم به شما فرمان می‌دهد... درهم شکسته را با دست‌های عدالت بلند کنید و درست‌نمای ستمگر را با تازیانه اوامر پروردگارتان که فرمان روا و دانا است، درهم شکنید.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۲) « این کار (مهاجرت و تبلیغ احبای آمریکا) عظیم است؛ اگر به آن موفق شویم، امریک مرکز سنوحات رحمانیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۴۵)

۳) « کالیفورنیا و سایر ایالات غربی نیز باید به ارض مقدس مشابَهت معنویّه یابد و از آن خطّه و دیار به جمیع امریک و اروپا نفتات روح القدس منتشر گردد و ندای ملکوت الله جمیع آذان را به اهتزاز آرد و تعالیم الهی حیات جدیدی بخشد و احزاب مختلفه حزب واحد گردد و افکار متعدده در مرکز واحد استقرار یابد؛ شرق و غرب امریکا دست در آغوش یکدیگر شود و آهنگ وحدت عالم انسانی جمیع بشر را حیات تازه بخشد و خیمه صلح عمومی در قطب امریک افراخته شود تا اوروپ و افریک نیز از نفتات روح القدس زنده شود.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۵۰- لوح چهارم از سری دوم الواح تبلیغی، ۱۵ فوریه ۱۹۱۷)

۴) « با عزمی ثابت و قلبی طاهر و روحی مستبشر و لسانی ناطق به ترویج تعالیم الهی پردازید، تا وحدت عالم انسانی^۱ در قطب امریک خیمه برافرازد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح دوم از سری دوم الواح تبلیغی، ۳ فوریه ۱۹۱۷)

۵) « امید چنان است که امریکا مرکز انتشار انوار روحانی گردد و جمیع عالم از این فیض الهی نصیب برند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۴۲)

۶) « امریک مرکز سنوحات رحمانیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد.» (حضرت عبدالبهاء، منقول توسط حضرت ولی امرالله در حصن حصین شریعت الله، ص ۳۸) (توقیع ۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

^۱ به مباحث ۱۰۴ و ۱۳۱ مراجعه شود.

(۷) « شاخ و برگ این نهال نوحاسته (امرالله) به همه جا کشیده شود، و از مرز و بوم این کشور (آمریکا) برتر رود، و به همه جا سایه افکند، و بالمآل آفتاب ظهورش بالا گیرد، و در نصف النهار جلالش اشراق نماید، و شجره طیبه امر عظیمی که در خاک شما (احبای آمریکا) کاشته شده، در موعد مقرر، به ثمرات پرحلاوت رسد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۵۹)

(۸) « در امریک آثار تقدّم و پیشرفت از هر جهت نمایان و آینده آن اقلیم بس روشن و تابان، چه که آرائش نافذ است و افکارش فائق و در عوالم روحانیه گوی سبقت از سایر ملل و طوایف عالم خواهد ریود.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۴۰)

(۹) « قطعه امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۸۹ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۷)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱۰) « هرگز هیچ امری قادر نخواهد بود مسیری را که قلم مصون از خطای حضرت عبدالبهاء برای آمریکا معین فرموده تغییر دهد. حال که اتحاد فدرالی آن کشور به دست آمده و مؤسسات داخلش استحکام پذیرفته... باید به سیر تحوّل و تکامل دیگرش به عنوان عضوی از خانواده جهانی، مبادرت ورزد و این امر در اوضاع و احوالی صورت خواهد گرفت که امروز کیفیتش بر ما معلوم نیست.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۴۲)

(۱۱) « ما با اطمینان کامل به کلمات حضرت عبدالبهاء مطمئن هستیم که آن جمهوری کبیر (ایالات متحده آمریکا) که به منزله صدفی این عضوگران بهای جامعه پیروان حضرت بهاءالله (جامعه بهاییان آمریکا) را در آغوش دارد مظفر و منصور، وحدت خود را حفظ کرده، به حرکت خود ادامه خواهد داد تا سهم کامل خود را در ظهور و ترقی و به ثمر رساندن مدنیت جهانی^۱... ایفا کرده، آخرین وظیفه خود را انجام دهد.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعتالله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

(۱۲) « پرچم صلح عمومی که طبق وعده حضرت عبدالبهاء باید در کشور شما (احبای آمریکا) بلند شود، هنوز به اهتزاز در نیامده.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۷۰)

^۱ به مبحث ۱۳۸ رجوع شود.

۱۳) « تقریباً همه یاران آمریکا... از این (امر) بی‌خبرند که قاره آمریکا شمالی به حکم تقدیر، چه وظیفه خطیری را باید در هدایت امر جهان‌گیر الهی ایفا نماید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۷۱، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۱۴) « آیا مبالغه است اگر انتظار داشته باشیم که در آن کشور (آمریکا)... ناگهان دوره تجددی (رنسانس) روحانی که سرنوشت عصری منحط و روبه‌زوال را معین خواهد ساخت، برپا شود؟» (توفیق ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توفیعات حضرت ولی امرالله، ص ۴۳-۴۲)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۵) « حضرت (عبدالبهاء) در الواح جاودانی و ابدی الآثارشان از مقدرات روحانی آمریکا پرده می‌افکنند و می‌فرمایند: "قطعه آمریکا در نزد حق میدان اشراق و انوار است و کشور ظهور اسرار و مجمع احرار. جمیع مبارک است."» (پیام ۲ سپتامبر ۱۹۸۲)

۱۶) « از تسلیم بیانیه صلح به رئیس جمهور آمریکا، رونالد ریگن، امتنان کامل حاصل. از آنجا که ارائه بیانیه همزمان با برگزاری مراسم عمومی "روز حقوق بشر" انجام گرفت و از این که رئیس قوه مجریه جمهوری بزرگ غرب آشکارا از حقوق خواهان و برادران ما در ایران دفاع کرده و در نهایت تأکید بی‌گناهی و ایراد ظلم الیم را بر آنان اعلام داشته‌اند، این پیروزی را به درجه‌ای از اهمیت رسانده است که درک آن تنها در قالب وعود پرمجد و شکوه نازله در نصوص مقدسه الهیه در باره سرنوشت کشور شما (آمریکا)، میسر خواهد بود.» (پیام ۱۲ دسامبر ۱۹۸۵)

۱۷) « حضرت ولی امرالله در اهمیت این اقدام تاریخی (تشکیل جامعه ملل) توفیقی مرقوم داشته‌اند که بهایان که در صدد فهم وقایع این قرن پرآشوبند، باید در آن دقت کامل نمایند و در آن بیان ذکر فرموده‌اند که دو تحوّل سبب طلوع بامداد صلح جهانی است و تأکید گشته که این دو تحوّل "مقدّر است به موقع خود با یکدیگر ممزوج گشته و یکی شوند."... تحوّل اول به رسالت و مأموریت جامعه بهایی در آمریکای شمالی و تحوّل دوم به مقدرات کشور آمریکا به عنوان یک ملت مستقلّ مربوط است.» (معهد اعلی، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۲۹)

۱۸) « حضرت ولی امرالله... پیش‌بینی فرمود که آمریکا در سازمان دادن و ایجاد توافق در امور عالم انسانی سهمی بزرگ و تعیین کننده خواهد داشت.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۵)

۱۹) «(خطاب به محفل روحانی ملی ایالات متّحده آمریکا) سرنوشت شکوهمندی که چنان به وضوح در نصوص الهی وعده داده شده است، پیروان جمال قدم را در آن دیار به صعود بر بلندای کوشش و تلاشی می خوانند که در پیش داریم.» (پیام ۲۶ آوریل ۲۰۰۲)

۳۵. اتّحاد ایران و آمریکا (۴)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « برای ترقیّات مادّیه ایران بهتر از ارتباط به آمریکاییان نمی شود و هم از برای تجارت و منفعت ملت آمریکا مملکتی بهتر از ایران نه، چه که مملکت ایران موادّ ثروتش همه در زیر خاک پنهان است. امیدوارم ملت آمریکا سبب شوند که آن ثروت ظاهر شود و ارتباط تامّ در میان ایران و آمریکا حاصل گردد؛ خواه از حیث مدنیّت جسمانیّه، خواه از حیث مدنیّت روحانیّه، به یکدیگر معاونت نمایند تا آن که مدنیّت مادّیه آمریکا در ایران و مدنیّت روحانیّه ایران در آمریکا نهایت نفوذ و تأثیر نماید.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۳۰)

۲) « این محفل نورانی الحمدلله سبب اتّحاد شرق و غرب است؛ اساس تعاون و تعاضد دو ملت (ایران و آمریکا) است... یعنی در ایران مدنیّت مادّیه رواج و شیوع یابد و ابواب تجارت برای آمریکا باز خواهد شد و یقین است سبب ترقّی و منفعت طرفین گردد و این ارتباط، اعظم وسیله حصول محبّت بین ملل شرق و غرب شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۳۱)

۳) « امید چنان است که ملت ایران و آمریکا یک ملت و یک جنس و یک طائفه و یک عائله گردند؛ تفاوتی در میان نماند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۳۲)

۴) « از بدایت عالم تا الی الآن ارتباط در میان ایران و آمریکا نشده و ابداً ما بین ساکنین این دو قطعه مخابره و مکاتبه نگردیده... حال بدایت طلوع صبح (و) نتایج سحر است؛ عنقریب کوكب این وحدت چنان اشراق نماید که آفاق را روشن و منیر کند و ارتباط تامّ و وحدت حقیقی بین جمیع قطععات عالم حصول یابد. اما سرعت حصول این آمال بسته به آنست که یاران غرب به کمال همّت و قوّت کمر بر خدمت بریندند و سعی بلیغ مبذول دارند... و در نهایت انقطاع و روحانیّت و حسن نیّت و علوّ همّت به ترویج تعالیم الهی شتابند و به موجب وصایا و نصایح حضرت بهاءالله عمل نمایند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۲۶۹)

۳۶. قاره آفریقا (۵)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « عنقریب ملاحظه می‌نمایید که اقالیم تاریک روشن گشته و کشور... افریک گلبن و گلشن شده (است).» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره ۲۰۶- مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۰۵)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۲) « همچنان که امرالهی بر عرصه گیتی گسترش می‌یابد، شتاب تحرکش نیز فزونی خواهد گرفت و مراکز جدیدی در آفریقا، به طریقی اسرار آمیز، انعکاساتی روحانی بروز خواهند داد که به تشکیل مراکز بدیعه در هر جایی از سیاره، مساعدت خواهند نمود.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، ۳۰ جون ۱۹۵۲، مجموعه دخول افواج مقبلین)

(۳) « محافل مرکزی در جزائر بریتانیا و قاره آمریکا و ایران و هندوستان و برما و پاکستان و مصر و سودان که در این مضمار (اجرای نقشه جهاد کبیر اکبر برای قاره آفریقا) مجاهد و مساعد یکدیگرند، به تمام قوی ساعی که نار موقده، یوماً فیوماً مشتعل تر گردد و نعره قبائل از دور و نزدیک بلند شود و مصداق یدخلون فی دین الله افواجا در ممالک مستقله و اقالیم تابعه و جزائر مجاوره آن قاره وسیعه مستعده (قاره آفریقا) ظاهر و نمایان گردد.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۱۰ بدیع، مجموعه توفیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۶۸)

(۴) « آفریقا سر از خواب بر می‌دارد و متوجه مقام و موقعیت خویش می‌شود و قطعاً حامل پیامی بزرگ برای عالم انسانی خواهد بود و در پیشرفت مدنیت جهانی سهمی عظیم خواهد داشت.» (حضرت ولی امرالله، توفیق مبارک خطاب به لجنه آفریقا- انگلیس، مورخ ۴ جون ۱۹۵۴)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۵) « حضرت ولی محبوب امرالله در یکی از مکاتیبی که از سوی ایشان نوشته شده، ما را مطمئن می‌سازند که "آفریقا فی الحقیقه در حال انتباه و بازیافتن خویش است؛ بدون شک پیامی بزرگ دارد و در پیشرفت تمدن جهانی سهمی عظیم را ایفا خواهد کرد."» (ترجمه) (پیام ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۶، خطاب به شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی نایروبی)

۳۷. مغرب زمین (۳)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « انّ الشّرق استضائت آفاقها بانوار الملكوت و عنقريب يتلألأ هذه الانوار فى مطالع الغرب اعظم من الشرق و تحيى القلوب فى تلك الاقاليم بتعاليم الله و تأخذ محبة الله الافئدة الصافية.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در حصن حصين شريعت الله، ص ۳۷) (۵ ژوئيه ۱۹۴۷) (مضمون بيان مبارك: افق‌های شرق به انوار ملكوت روشن شد و به زودى اين انوار در مطالع مغرب بيشتراز شرق، تابان خواهد گشت و قلوب در آن سرزمين‌ها به تعاليم الهى زنده خواهد شد و محبت الهى افئدة پاکيزه را تسخير خواهد نمود.)
- (۲) « عنقريب ملاحظه خواهيد کرد که از انوار بهاءالله غرب، شرق مى شود؛ ابر رحمت پرودگار مى بارد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در حصن حصين شريعت الله، ص ۳۷) (۵ ژوئيه ۱۹۴۷)

(د) از آثار بيت العدل اعظم

- (۳) « حضرت عبدالبهاء پيش بينى فرمود که مردم نيمکره غربى روزه روز بيشتتر در همان جهت (پايه گذارى اساس تفاهم بين المللى) حرکت خواهند کرد.» (بيت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ ميلادى، ص ۴۵)

۳۸. آمريکاي مرکزى و جنوبى (۳)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « به مرور زمان، جميع قطعات امريک، مثل مکزيکو، کانادا، آمريکاي جنوبى و مرکزى، جمعيتش داخل اتحاد با عموم مى شوند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۱۱۸)
- (ج) از آثار حضرت وليّ امرالله
- (۲) « ممالک آمريکاي مرکزى و جنوبى... به حکم تقدير، مقرر است که سهم روزافزون مهمى را در سرنوشت آينده جهان ايفاي نمايند.» (ظهور عدل الهى، ترجمه فتح اعظم، ص ۲۹)
- (۳) « مردم آن (آمريکاي مرکزى و جنوبى) در تعيين مقدرات آتیه جهان، سهم عظيم و دائم التزايدى (روزافزونى) را عهده دار خواهند بود... امکاناتى که در کمون هريک از ملل مذکوره (در نيم کره غربى)

مودوع و مکنون است، یوماً فیوماً مشهودتر و لائحتر خواهد گردید.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۲۴)

۳۹. قاره اروپا (۱)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « عنقریب ملاحظه می نمایید که اقالیم تاریک روشن گشته و کشور اروپا... گلبن و گلشن شده (است).» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره ۲۰۶- مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۰۵)

۴۰. کشور فرانسه (شهر پاریس) (۸)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « حال بشارت شادی بخش برایتان بگویم! پاریس باغی پر از گل های رز خواهد شد! همه انواع گل های زیبا در این بستان رشد و نمو خواهد کرد و شهرت جمال و رایحه آنها به هر دیاری خواهد رسید. وقتی به پاریس آینده فکر می کنم، آن را غرقه در انوار روح القدس می بینم. آن روز نزدیک می شود که پاریس انوار ملکوت را دریافت دارد و برکت و رحمت الهی در هر موجودی مشاهده شود.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۱ دسامبر ۱۹۱۱)

(۲) « روزی خواهد آمد که از جمیع این صحرا، این قراء، این دره ها (در کشور فرانسه)، ندای یا بهاءالابهی بلند شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۴۷)

(۳) « یقین است در آینده این آهنگ الهی (آهنگ یا بهاءالابهی) در آن مدینه (پاریس) بلند خواهد شد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلی، آگوست ۱۹۷۶ خطاب به کنفرانس پاریس)

(۴) « پاریس چون مرکز بزرگیست، من آرزویم اینست که مرکز سنوحات رحمانیه شود؛ جمیع بلاد فرنگ به نور پاریس روشن شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۴۸)

(۵) « این مجلس (مجلس نطق مبارک در پاریس، ۴ نوامبر سنه ۱۹۱۱) روزبه روز وسعت می یابد؛ این مجلس عنقریب به درجه ای رسد که بر جمیع مجالس عالم تفوق خواهد کرد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۱۱۰)

- (۶) « شماها (مجلس نطق مبارك در پاریس، ۴ نوامبر سنه ۱۹۱۱) بدانید که خدا تاج موهبتی بر سر شما گذاشته و کوكبى نورانى از افق شما طالع کرده که این اقلیم را عاقبت احاطه خواهد کرد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۱، ص ۱۱۰)
- (۷) « به شما (احبابی پاریس در ۱ دسامبر ۱۹۱۱) بشارت می‌دهم که روزی خواهد آمد که پاریس گلشن شود و انواع ریاحین بروید و روائح طیبه به آفاق منتشر شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۱، ص ۲۳۹)
- (۸) « (نطق مبارك در پاریس، ۲۸ نوامبر ۱۹۱۱) حالا من به شما می‌گویم، این را در خاطر داشته باشید. نورانیت شما آفاق را احاطه کند؛ قوه شما بر جمیع قوای عالم غالب گردد؛ روحانیت شما در جمیع اشیاء اثر کند؛ شماها شمع روشن عالم می‌شوید؛ ظلمات هر چه قوی باشد مقاومت نورانیت شما را نخواهد کرد؛ این وعده الهی است که به شماها می‌دهم؛ یقین داشته باشید و به قوت الهیه قیام کنید.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۱، ص ۲۳۳)

۴۱. کشور کانادا (۹)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « اقلیم کانادا مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی‌نهایت جلیل؛ مشمول نظر عنایت الهیه خواهد گشت و مظهر الطاف سبحانیه خواهد شد؛ زیرا عبدالبهاء در سیر و سیاحت به آن دیار، نهایت سرور در آن اقلیم یافت.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، ص ۵۴- ظهور عدل الهی، ص ۱۲۱)
- (۲) « دوباره نگاشته می‌شود که مستقبل کانادا بسیار عظیم است، چه از حیثیت مُلک و چه از حیثیت ملکوت؛ مدنیت و آزادی روزبه‌روز تزايد خواهد نمود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، ص ۵۵- لوح پنجم از سری دوّم الواح تبلیغی، ۲۱ فوریه ۱۹۱۷)
- (۳) « کانادا... سرزمینی که از نظر مادی و معنوی آتیه‌ای عظیم دارد و مهبط عنایات الهی خواهد شد.» (مندرج در پیام معهد اعلی، جولای ۱۹۷۶)
- ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله
- (۴) « اقلیم کانادا به فرموده حضرت عبدالبهاء "مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی‌نهایت جلیل." (مجموعه توفیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۷۳)

- (۵) « حضرت عبدالبهاء... این وعده مبارکه را تأکید کرده، می فرماید: "مستقبل کانادا بسیار عظیم است چه از حیثیت مُلک و چه از حیثیت ملکوت."» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۴۲)
- (۶) « منظر باشکوهی که هم اکنون در مقابل چشمان شما (احبای کانادا) مفتوح گشته، هرگز نباید تیره و تار شود. وعود روشن گر مندرج در الواح حضرت عبدالبهاء (راجع به کشور کانادا) یک لحظه هم نباید فراموش گردد.» (ترجمه) (توقیع منیع مورخ ۴ نوامبر ۱۹۴۸، خطاب به محفل روحانی ملی کانادا، مجموعه توقیعات خطاب به کانادا، انگلیسی، ص ۷)
- (۷) « (جامعه بهاییان کانادا وظایف و مسئولیت های خود را) با چنان وجه تمایزی انجام داده اند که شایسته وعود درخشان و بیانات تابانی است که در الواح حضرت عبدالبهاء در باره قوا و استعداد های مادی و معنوی آن سرزمین مستعد و بزرگ عطا شده است.» (ترجمه) (توقیع منیع مورخ ۱۹ جون ۱۹۴۹، خطاب به محفل روحانی ملی کانادا، مجموعه توقیعات خطاب به کانادا، انگلیسی، ص ۹)
- (۸) « هر سعی و تلاشی که این جامعه (احبای کانادا) انجام دهد... اگر با استقامت و پایداری توأم باشد، از برکات و عنایات نفس مقدسی برخوردار خواهد بود که چنین مأموریت برجسته ای را به عهده آن نهاده است... و چنین وعود برجسته ای را برای آینده آن بیان فرموده است.» (ترجمه) (۳۰ توقیع منیع مورخ اکتبر ۱۹۵۱، مجموعه توقیعات خطاب به کانادا، انگلیسی، ص ۲۰)

د) از آثار بیت العدل اعظم

- (۹) « یومی فرارسد که آن اقلیم (کانادا) به "گلستان الهی و بهشت آسمانی" بدل گردد.» (پیام جولای ۱۹۷۶)

۴۲. کشور آلمان (۵)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- (۱) « مولای محبوب (حضرت عبدالبهاء) آرزوهای درخشان را برای آینده احبای کشور آلمان در قلب می پروراند. وعده ها و پیش گویی های آن حضرت قطعاً محقق خواهد شد و امر الهی نه تنها مجدداً در آن سرزمین متمکن خواهد گشت، بلکه به نحوی بی سابقه رشد و توسعه خواهد یافت.» (ترجمه) (توقیع منیع مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۴۵، انوار هدایت، جلد اول، انگلیسی، ص ۸۵)

- (۲) « (جامعه بهائیان آلمان) محبوب قلب حضرت عبدالبهاء بوده و همان طور که حضرتش پیش‌بینی فرموده‌اند، مقدّر است که این جامعه، انوار امر اعظم الهی را نه تنها در قلب اروپا، بلکه در اطراف و اکناف آن قاره تاریک منتشر نماید؛ قاره‌ای که از لحاظ ظاهری ویران و از نظر روحانی ورشکسته می‌نماید.» (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۴۶، انوار هدایت، جلد اول، انگلیسی، ص ۹۴)
- (۳) « (جامعه‌ای که) از فم و قلم حضرت عبدالبهاء چنان وعود و عنایاتی دریافت داشته است (جامعه بهائیان آلمان)، اگر به سرنوشت خود وفادار باشد، نمی‌تواند فعالیت‌های آتی خود را منحصر به عرصه محدود وطن خویش نماید.» (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۲۸ جون ۱۹۵۰، انوار هدایت، جلد اول، انگلیسی، ص ۱۴۲)
- (۴) « مرکز میثاق الهی، در سنوات آغازین شکل‌گیری جامعه قهرمان بهائیان آلمان... به کرات و مراتب با وعود مشعشعی که به لسان بدع مبین نثار آن می‌فرمودند، روح امید و اطمینان را به پیکرش می‌دمیدند.» (ترجمه) (توقیع مورخ ۲۱ جون ۱۹۵۶، انوار هدایت، جلد اول، انگلیسی، ص ۲۵۲)
- (۵) « کشور آلمان... به فرموده مرکز میثاق محبوب امکان و مالک ادیان، در مستقبل ایام چنان مشتعل و نورافشان گردد که اقالیم مجاوره را روشن و نورانی نماید.» (توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه توقیعات ۱۴۹ بدیع، ص ۵۵۱)

۴۳. کشور ژاپن (۴)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- (۱) « وعود حضرت عبدالبهاء راجع به سهمی که مقدّر است شما (احبای ژاپن) در زمینه انتشار امرالله در شرق اقصی به عهده گیرید، دیر یا زود کاملاً محقق خواهد شد... بنابراین، با قلبی سرشار از نشاط و اطمینان بکوشید تا وعود مشعشع آن حضرت تحقق یابد.» (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۳۷، ژاپن مشتعل خواهد شد، انگلیسی، ص ۵۱)
- (۲) « آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) در انتهای هر تقاضایی که در محضر مبارکشان قرائت می‌کردم، چه وعده‌هایی، تماماً راجع به آینده امرالله در آن سرزمین (ژاپن) بیان می‌فرمودند! بگذارید صریحاً مؤثرترین و الهام بخش‌ترین آن‌ها را در اینجا ذکر نمایم: "ژاپن مشتعل خواهد شد. ژاپن برای اشاعه امرالله حائز ظرفیت و استعداد عظیمی است. ژاپن... قائد تجدید حیات روحانی ملل و مردمان خواهد شد و جهان

به زودی شاهد آن خواهد بود.» (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۲۲، ژاپن مشتعل خواهد شد، انگلیسی، ص ۵۷)

۳ «در فرصتی دیگر که به وضوح آن را به یاد می آورم، آن حضرت (حضرت عبدالبهاء) در صندلی خود جالس شدند و از فرط خستگی چشمان خود را فرو بستند؛ و در حالی که دست هایشان را تکان می دادند، با قدرت و نشاط، این کلمات را بر زبان راندند "ما در اینجا آرام و آسوده و عاقل نشستیم؛ اما ید غیبی در ممالک و دیار، حتی در سرزمین دوردست ژاپن، پیروزمندانه در کار است."» (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۲۲، ژاپن مشتعل خواهد شد، انگلیسی، ص ۵۷)

۴ «حضرت عبدالبهاء نسبت به انتشار امرالله در ژاپن بسیار امیدوار بودند.» (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۵۷، ژاپن مشتعل خواهد شد، انگلیسی، ص ۸۸)

۴۴. کشور انگلستان (۲)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۱ «هرگاه به زیارت اعتبار مقدسه می روم، مشتاقانه دعا می کنم که احبای انگلستان... هرچه زودتر شاهد تحقق وعود عظیمه ای باشند که حضرت عبدالبهاء راجع به آینده آن سرزمین و تجدید حیات روحانی مردمش، عنایت فرموده اند.» (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۲۳ - سرنوشت رو به ظهور جامعه بهایی انگلستان، انگلیسی، ص ۲۳)

۲ «دوستان عزیز، با هیجان عمیق قلبی، وعود درخشانی را (راجع به کشور انگلستان) به یاد می آوریم که به کرات از فم مطهر مولای فقیدمان شنیده می شد و با قلبی نباض از تحقق تدریجی عزیزترین آرمان حضرتش مسروریم.» (ترجمه) (توقیع منبع مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۲۶، سرنوشت رو به ظهور جامعه بهایی انگلستان، انگلیسی، ص ۵۶)

۴۵. کشور پاناما (۳)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « در آن نقطه (جمهوری پاناما) خاور و باختر (از طریق کانال پاناما) با یکدیگر اتصال یافته و در میان دو محیط اعظم واقع، این موقع در مستقبل بسیار مهم (خواهد شد). هر تعالیم که در آنجا تأسیس یابد شرق و غرب و جنوب و شمال را به یکدیگر ارتباط دهد.» (حضرت عبدالبهاء، نقل توسط حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷) - (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، ص ۶۱)
- (۲) « جمهوری پاناما که در آن مرکز، محیط (اقیانوس) آتلانتیک و محیط پاسیفیک به هم ملحق می شوند و مرکز عبور و مرور از آمریکا به سایر قطعات خمسۀ عالم است،... در آینده اهمّیت کبری خواهد یافت.» (حضرت عبدالبهاء، ظهور عدل الهی، ص ۱۴۷)
- (ج) از آثار حضرت ولی امرالله
- (۳) « جمهوری پاناما... به فرمودۀ حضرت عبدالبهاء در آینده اهمّیت کبری خواهد یافت.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۱ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۲۴۳)

۴۶. کشور هندوستان (۳)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « در هندوستان بدایت تأسیس است، لهذا قدری مشقّت دارد؛ ولی چون اساس وضع گردد، به کمال راحت و آسانی نور هدایت بتابد و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا^۱ تحقق یابد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره ۶۱۷) (مضمون بخش عربی: و می بینی که مردمان دسته دسته در دین الهی داخل می شوند.)
- (ج) از آثار حضرت ولی امرالله
- (۲) « خطۀ هندوستان... مورد عنایت مخصوصه مرکز میثاق بوده و به وعده های گوناگون شاد و امیدوار گشته (است).» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۷)
- (۳) « از الطاف الهیه امیدوارم... که مبلغین کاملی... در آن اقلیم (هندوستان) مبعوث گشته... و وعده های صریحه و بشارات آتیۀ امریه را از حیز غیب به حیز شهود آورند.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۸)

^۱ به مبحث ۱۱۳ مراجعه شود. نیز اشاره به آیه شریفه ۲ از سوره نصر است.

۴۷. کشور روسیه (۲)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- (۱) « این بلایای متتابعه بالمآل برطرف گردد و شمس عزت و رخا در آن اقلیم (شوروی سابق) نیز ساطع و باهر شود. استعداد نفوس ازدیاد یابد و میدان تبلیغ حاضر و آماده گردد و وعود الهیه تحقق پذیرد و ندای ملکوت رنه در صوامع و مجامعش اندازد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۵۷)
- (۲) « اقلیم روس در آینده جنه النعیم گردد و امر تبلیغ ترویجی عظیم یابد و اسم اعظم جمال قدم رنه در معاهد و صوامع و معابدش اندازد.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ - جزوه دست خطهای معهد اعلی، جلد دوم، صص ۱۷۶-۱۶۴)

۴۸. کشور آذربایجان (۱)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « الحمدلله نسیم آذربایجان معطر است و نفعات ریاض قلوب احباءالله جانپور. شمس حقیقت را عنقریب در آن کشور پرتو جهان افروزی ساطع گردد که عقول حیران ماند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقرة ۳۶۷)

۴۹. کشور ترکمنستان (۱)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- (۱) « کلّ، دعا در حق آن یاران (احبای ترکستان قدیم و ترکمنستان امروز) نمایم تا... وعدههای اعلای امرالله که از قلم حضرت عبدالبهاء نازل (شده)، در آن سامان کاملاً سریعاً تحقق یابد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۳۳)

۵۰. کشور چین (۲)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) « مملکت چین را که فی الحقیقه دارای عالمی و تمدنی مخصوص است... دارای مستقبلی محتوم و لامع (است). » (مجموعه توفیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۰۴)

د) از آثار بیت العدل اعظم

(۲) « در پرتو تمجید و ستایش هایی که حضرت عبدالبهاء از تمدن چین فرموده اند، می توان دریافت که در آینده، مؤمنان چینی چه سهم عظیمی در حیات عقلانی و معنوی امرالهی خواهند داشت. » (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۹۲)

۵۱. شهر نیویورک (۱)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « نیویورک مبروک گردد و آوازه ثبوت بر عهد و میثاق، از آن شهر به آفاق رسد. » (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلی، رضوان ۱۹۹۰)

۵۲. شهر مونترآل (۲)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « عبدالبهاء... توکل به حق نموده توجه به منتریال کرد... در مجامع و کنائس آن دیار به نهایت سرور، نداء به ملکوت الله نمود و تخمی افشاند که ید قدرت الهی آبیاری خواهد کرد؛ البته آن تخم سبز و خرم خواهد شد و خرمن های عظیمه تشکیل خواهد داد. » (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۵۴)

(۲) « امیدوارم که در آینده منتریال چنان به فوران آید که آوازه ملکوت از آن اقلیم جهان گیر گردد و نفثات روح القدس از آن مرکز به شرق و غرب امریک رسد. » (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۵۵- لوح پنجم از سری دوم الواح تبلیغی، ۲۱ فوریه ۱۹۱۷)

بخش سوم- با تعدادی موارد متنوعه (۲۹)

۵۳. اشیاء، حامل فیوضات جدید (۱۱)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « قل تالله قد هبت نسائم الفضل عن مشرق العدل و بها حملت كل الاشياء ان انتم بذلك خبيراً و سوف يضع الامكان حملة، اذا تشهد المشركين يفرون من اليمين و الشمال و لن يجدن لانفسهم مقراً امينا. كذلك انبثاك من نبأ الامر لتطلع باسرار التي كانت خلف سراق العز مقنوعاً.» (قلم اعلى ۷، ص ۳۴۸) (مضمون: بگو به خداوند قسم نسیم‌های فضل از مشرق عدل وزیدن گرفت و به واسطه آن، همه اشیاء حامله شدند، اگر آگاه باشید؛ و به زودی عالم امکان حمل خود را خواهد گذاشت؛ آنگاه خواهی دید که مشرکان به راست و چپ می‌دوند و جایگاه امنی برای خود نمی‌یابند. این گونه خبر امر را به تو دادیم تا به اسراری که در پشت خیمه‌های عزت پوشیده است، آگاه شوی.)

(۲) « عالم هستی به جمیع این عنایات (عنایات مذکور در بند ۶۴ از کتاب مستطاب ایقان) حامله گشته، تا کی اثر این عنایات غیبی در خاکدان ترابی ظاهر شود و تشنگان از پا افتاده را به کوثر زلال محبوب رساند و گمگشتگان صحرای بُعد و نیستی را به سراق قرب و هستی معشوق فایز گرداند و در ارض قلوب که (چه کسی)، این حبه‌های قدس انبات نماید و از ریاض نفوس که، شقایق‌های حقایق غیبی بشکفد.» (کتاب مستطاب ایقان، بند ۶۵)

(۳) « من دمائم (الشهداء) حملت الارض بدایع ظهورات قدرتك و جواهر آیات عز سلطنتك و سوف تحدت أخبارها اذا أتت میقاتها.» (ادعیه حضرت محبوب، ص ۲۰) [مضمون: از خون‌های آنان (شهداء)، زمین به بدایع ظهورات قدرت تو و جواهر آیات عز سلطنت تو حامله شد، زود است که اخبارش گفته آید؛ هنگامی که زمانش فرارسد.]

(۴) « ظهور این عمل (صدور خطابات به زمامداران عالم) از مالک علل دو اثر بخشیده، هم سیوف مشرکین را حدید نموده و هم لسان مقبلین را در ذکر و ثنایش ناطق فرموده. اینست اثر آن لواقحی که در لوح هیکل از قبل نازل شده. حال ارض حامله مشهود، زود است که اثمار منیعه و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعماء جنیه مشاهده شود. تعالت نسمة قمیص ربك السبحان، قد مرت و احیت، طوبی للعارفین.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۹۹- مندرج در توقیع ۸۹ بدیع، مجموعه توقیعات ۱۰۹ بدیع،

ص ۵۱- مذکور در نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶- ندا به اهل عالم، ص ۱۲ و ص ۷۴) (مضمون بخش عربی: بلند مرتبه است نسیم پیراهن پروردگار پاکیزه‌ات، به راستی مرور نمود و زندگی بخشید، خوشا به حال شناسندگان.»

(۵) «در حین ظهور، کلّ اشیاء حامل فیوضات و استعدادات لأتخصی شده و خواهند شد و به اقتضای وقت و اسباب مُلکیّه ظاهر می‌شود.» (آیات الهی ۱، ۲۹ فوریه)

(۶) «قل الیوم قد هبّت لواقح الفضل علی الاشیاء و حمل کلّ شیء بما هو علیه ولكنّ اکثر الناس عنه معرضون. قد حملت الأشجار بالأثمار البدیعة و البحور باللثالی المنیره و الانسان بالمعانی و العرفان و الأکوان بتجلیات الرّحمن و الأرض بما لا اطّاع علیه احدٌ الاّ الحقّ علام الغیوب. سوف تضع کلّ (ذی حمل) حملها، تبارک الله مرسل هذا الفضل الّذی احاط بالاشیاء کلّها عمّا ظهر و عمّا هو الممكنون. كذلك خلقنا الأکوان بدعاً فی هذا الیوم، ولكنّ الناس اکثرهم لا یشعرون.» (نداء ربّ الجنود، سورة هیکل، بند ۴۷- قلم اعلى ۴، ص ۲۸۲- نقل توسط حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۶۶- نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۵- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) (مضمون: بگو امروز به راستی بادهای باردارکننده فضل بر هر چیزی وزیده است، به گونه‌ای که هر چیزی به آنچه توانا است حامله گشته است، ولی مردم از آن رویگردانند. درختان به میوه‌های تازه، و دریاها به مروریدهای منیره، و انسان به معانی و عرفان، و اکوان به تجلیات رحمان، و زمین به آنچه که احدی به جز خداوند داننده پنهانی‌ها از آن آگاه نیست، حامله گشتند؛ و به زودی هر یک حمل خود را به دنیا خواهد آورد. خجسته باد خداوند از این فضلی که احاطه کرده است همه اشیاء را از آنچه نمودار گشته و از آنچه هنوز پوشیده مانده است. بدین سان، در این روز، تمامی هستی‌ها را از نو خلق نمودیم، ولی مردم اکثرشان نمی‌دانند.)

(۷) «قد مرّت نسائم الفضل و بها حملت الاشیاء... فسوف یظهر من کل شیء ما تفرّح به افئدة الموحّدين.» (جمال ابهی، امر وخلق ۴، ص ۴۷۶- آثار قلم اعلى ۱، فقره ۱۲، ص ۶۸) (مضمون: به راستی نسیم‌های بخشش مرور نمود و اشیاء را حامله کرد... به زودی از هر شیئی نمودار خواهد شد آنچه که افئدة یکتا پرستان از آن شادمان گردد.)

(۸) «حین الّذی تستشرق عن افق البیان شمس اسمی العلام، یحمل کلّ شیء من هذا الاسم بدایع العلوم علی حدّه و مقداره^۱ و یظهر منه فی مَدی الاّیام بامر من لدن مقتدر علیم.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۷۳) (مضمون: هنگامی که از افق بیان، خورشید اسم بسیار داننده ما اشراق می‌نماید، هر

^۱ به مباحث ۵۳ و ۱۴۳ رجوع شود.

شیئی در حدّ و مقدار خود، از این اسم به علوم جدیده حامله می شود؛ علومی که به امر خداوند مقتدر علیم به مرور زمان ظاهر و عیان خواهد شد.

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۹) « ما در آستانه عصری هستیم که... حاکی از درد تولّد نظم بدیع و جهان آراییی^۱ است که نطفه اش در آیین حضرت بهاءالله انعقاد یافته است و اینک ما می توانیم جنبش آن جنین را در رحم این عصر دردزا احساس کنیم؛ عصری که منتظر است (تا) در میقات مقررّ حمل خود را بر زمین نهد و بهترین ثمره خویش را به دنیا آورد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴ - توفیق مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(۱۰) « هر بهایی معتقد و متعهدی چون از هر سوی ناظر به دردهای عارض بر جهان گردد، متذکّر شود و دریابد که آن دردها علامت آن است که زمان وضع حمل جهان فرارسیده و نوزادی در شرف تولّد است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۳۹، توفیق مورّخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱۱) « عالم آستن حوادث عظیمه است.» (پیام مورّخ نوروز ۱۶۷ بدیع، ۲۱ مارس ۲۰۱۰)

۵۴. دانشگاه الازهر قاهره (۶)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) « (قلم حضرت عبدالبهاء است که پیش بینی می کند) علم حضرت بهاءالله بر بلندای دژ مستحکم سنی اسلام در کشور مصر (دانشگاه شهیر الازهر قاهره)، افراشته خواهد گشت.» (مرور معبود، ص ۴۱۹)

(۲) « پرچم یا بهاءالابهی، که... مطابق پیش بینی آن حضرت (حضرت عبدالبهاء)، باید بر فراز مناره های بزرگترین مرکز علمی عالم اسلام (دانشگاه الازهر) به اهتزاز آید، هنوز (سال ۱۹۴۴ میلادی) نصب نشده است.» (مرور معبود، ص ۵۳۳)

(۳) « همین مدینه و مرکز است (دانشگاه الازهر قاهره) که به سبب موقعیت یگانه اش، به عنوان مرکز علم و اندیشه در حوزه های اسلامی و عربی، ناگزیر در زمان های آتی، سهمی قاطع و برجسته، در عرصه مسئولیت استقرار نهایی آیین الهی در تمامی ممالک مشرق زمین به عهده خواهد گرفت.» (مرور معبود، ص ۴۰۳)

^۱ به مبحث ۱۲۹ مراجعه شود.

۴) « ایمان تعدادی از اساتید و تلامیذ برجسته دانشگاه الازهر در اثر تلاش‌های خستگی‌ناپذیر دانشمند شهیر، میرزا ابوالفضل... نشانه آگاهاننده پیش‌تازانه‌ای است برای حلول روز موعودی که مطابق بیان حضرت عبدالبهاء، علم عظمت امرالله در قلب آن مرکز علمی معتبر و دیرینه اسلامی منصوب خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۴۰۲)

۵) « در سنین آتی این دور بهایی... علم یا بهاء‌الابهی... در قلب اولین جامعه اسلامی در مدینه قاهره منصوب گردد.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۶) « آنچه در هویتین امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه شهود خواهد آمد... (از جمله) ارتفاع لواء یا بهاء‌الابهی... بر فراز اعظم و اقدام معهد اسلامی (دانشگاه الازهر) است.» (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)

۵۵. فنّ طبّ و صحّت عمومی (۴)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « چون اطبای حاذقه معالجات را به اغذیه رسانند و اطعمه بسیطه ترتیب دهند و نفوس بشر را از انهماک در شهوات منع کنند، البته امراض مزمنه متنوعه خفت یابد و صحّت عمومیّه انسانیّه بسیار ترقی کند و این محقق و مقرر است که خواهد شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، فقره ۱۳۴- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، ص ۱۰۲)

۲) « البته در این دور بدیع فنّ طبّ منجر به آن خواهد شد که به اغذیه اطباً معالجه نمایند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، فقره ۱۳۴- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، ص ۱۰۱)

۳) « طبّ هنوز در درجه طفولیت است، به حدّ بلوغ نرسیده، و چون به حدّ بلوغ برسد، معالجه به اشیایی شود که مشام و مذاق انسان گره (انزجار) از آن ندارد.» (مفاوضات مبارک، ص ۱۸۱)

۴) « چون طبّ به درجه کمال رسد به اطعمه و اغذیه و فواکه و نباتات طیبیه الرائحہ (خوشبو) و میاه مختلفه بارده و حاره و درجاش، معالجه خواهد شد.» (مفاوضات مبارک، ص ۱۸۲)

۵۶. ردیه‌های علیه امرالله (۲)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « بعضی از فلاسفه یونان و رومان کتبی ردّاً علی روح الله (حضرت مسیح) مرقوم نمودند و انتشار دادند و این واضحست که اقوال فلاسفه در آن زمان در بین اقوام مانند وحی منزل بود. عاقبت آن کتب جمعاً مهجور گشت؛ بعضی از آن (که) در کتاب خانه‌های اروپا باقی، رزق مورخانه است و اینک انجیل جلیل به فلک اثیر رسید؛ این سیل، جمیع آن خاشاک‌ها را برداشت و برد. حال نیز چنین گردد؛ مطمئن باش.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، ۹، مطلب صد، ص ۱۱۶)

(۲) « در ایام حضرت رسول روحی له الفداء نیز از این قبیل اشیاء (منظور ردیه‌ها و هجونامه‌ها است) بسیار انشاء و انشاد نمودند. مثلاً: الفیل ما الفیل و ما ادراک ما الفیل له خرطوم طویل^۱، و این را در محافل و مجالس می‌خواندند و (به آن) قرآن می‌گفتند؛ ولی آیا این نزاع و جدال سبب اضمحلال امرالله شد؟ لا والله، بلکه سبب قوت امر گردید. پس مطمئن باشید که امر (حضرت بهاءالله) عنقریب... به یک موج، این خس و خاشاک‌ها را به وادی هلاک اندازد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۱۸۸)

۵۷. مادّیون و تمدنّ مادّی (۲)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) « شبهه‌ای نیست که آن روز مبارک خواهد رسید که نفس مخربین آیین و دین الهی و مروّجین عقائد سخیفه مادّیون عالم، خود قیام نمایند و این آشوب و فتن را به دست خویش خاموش کرده، بنیان بیدینی مفرطشان را از اساس براندازند و به جان و دل به قوایی اشدّ و اکمل از قبل، به تلافی مافات قیام نموده، خود را منضمّ به پیروان این امر مبارک نمایند و مروّج تعالیم حضرت بهاءالله گردند.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده آسمانی، ۳، ص ۵۴)

^۱ کنایه‌ای تمسخرآمیز است از آیات سوره مبارکه القارعه که می‌فرماید: "القارعه، ما القارعه؟ و ما ادراک ما القارعه؟" با این ترجمه که "در هم کوب. در هم کوب چیست؟ و تو چه دانی که در هم کوب چیست؟" (ترجمه بهاءالدین خرمشاهی)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۲) « هیكل تمدن مادی بشری فریاد می‌زند و هر روز با حسرت بیشتری، در آرزوی آنست که برای جسم بی‌جان خود روحی بیابد و تا جان نیابد و قوای روحانیش بیدار نگردد مانند سایر تمدن‌های بزرگ تاریخ، هرگز روی صلح و آرامش و عدل و انصاف نخواهد دید و به اتحادی که از مذاکره و مواضعهٔ معمول امروز فراتر رود، نائل نخواهد شد.» (بیت العدل اعظم، رسالهٔ قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۲۰)

۵۸. دیدار ادوارد براون از ارض اقدس (۱)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « (خطاب به ادوارد براون) از مورخین فرنگستان کسی جز آن جناب (ادوارد براون) به ساحت اقدس فائز نگشت و این موهبت تخصیص به شما یافت. بسیار باید قدر این بخشش یزدانی و موهبت رحمانی را بدانید؛ هر چند حال معلوم نه، ولیکن در استقبال نهایت اهمیّت را پیدا خواهد نمود.» (حضرت عبدالبهاء، مائدهٔ آسمانی ۹، مطلب هشتماد و پنج، ص ۹۵)

۵۹. ایوان مداین (۱)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « دوباره ایوان (مداین) شکوه خسروی یابد و جلوهٔ کسروی نماید... این پایتخت ویران، دوباره معمور و آبادان گردد... شبهه‌ای نیست که شهر شهری خواهد شد.» (کتاب تذکره الوفا، ص ۳۴ الی ۳۸)

۶۰. مادهٔ اکسیر (۱)

^۱ تاق کسری، (اتاق خسرو) یا ایوان مداین، نام کاخ پادشاهان ساسانی در ۳۷ کیلومتری جنوب شهر بغداد در ساحل خاوری رود دجله واقع، و از مهم‌ترین سازه‌های دوران ساسانیان است و آرامگاه سلمان فارسی از یاران حضرت محمد پیامبر اسلام در نزدیکی آن، زیارتگاه مسلمین است. این بنا با داشتن عنوان بزرگترین تاق خشتی جهان (با بلندای ۳۵ متر، پهنای ۲۵ متر و درازای ۵۰ متر) مشهورترین بنایی است که پادشاهان ساسانی ساخته‌اند و هنوز ویرانه‌های آن در عراق کنونی موجب حیرت سیاحان می‌شود. (دانشنامهٔ ویکی پدیا با اندکی تغییر)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «الیوم حکمای ارض این سررانیه و حکمت الهیه (صنعت مکنونه = کشف اکسیر) را انکار نموده‌اند و نزد خود به برهان ثابت کرده‌اند که چنین چیز محال است... سبب انکار، حفظ ید مختار است که این کتور را از ابصار خائنین و ایدی سارقین حفظ فرموده؛ ولکن عنقریب بعضی (واقعیت اکسیر را) تصدیق نمایند و اذعان کنند.»^۱ (جمال ابهی، مائده آسمانی ۱، باب دوازدهم، الواح مبارکه درباره اکسیر، ص ۴۰)

۶۱. یاران پارسی (۱)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) «این قوم (یاران پارسی) عزیز در درگاه حضرت پروردگار، مقربند و روز به روز ترقی خواهند نمود تا تلافی ذلت و مشقت هزارساله گردد؛ این مژده‌ای عظیم است که به شما داده می‌شود، پس بسیار امیدوار و خرم و شادمان باشید.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه یاران پارسی، بند ۱۸۴، ص ۱۸۳)

^۱ از دیرباز تبدیل مس به طلا و ساخت داروی جاودانگی که به آن "اکسیر" نیز گفته می‌شده، بیشترین تلاش کیمیگران را به خود معطوف داشته‌است. با توجه به این مسئله، به کیمیا، علم اکسیر نیز گفته می‌شده است....
مهمترین اهداف کیمیگران تبدیل فلزات رایج به طلا و نقره، و نیز خلق یک "نوشدارو"، یعنی ماده‌ای بوده که تمام بیماری‌ها را درمان کند و زندگی را به مدت نامحدودی طولانی نماید. گرچه این‌ها تنها موارد استفاده از این علم نبوده است، اما این اهداف بیش از همه ثبت شده و شناخته شده‌است. (دانشنامه ویکی پدیا، با اندکی تغییر در متن)

فصل ششم

عصر تکوین، اوضاع آینده بعضی جنبه‌های مهم دنیای بهایی (۴۶۶)

بخش اول- اراضی و مداین و اماکن مقدسه و مخصوصه (۱۰۳)

۶۲. ارض اقدس (۴۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « (خطاب به غصن اطهر بعد از شهادت او) ان یا دال الابدیه، قد تشرقت بک تلك الارض (ارض اقدس) و ماحولها. انک انت ودیعة الله و کنزه فی هذه الدیار. سوف یظهر الله بک ما اراد؛ انه لهو الحق علام الغیوب.» (جمال ابهی، مندرج در مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۰۱) (مضمون بیان مبارک: ای دال ابدی، به واسطه تو این ارض و اطراف آن شرافت و عزت یافت. تو ودیعه خداوند و گنجینه او در این دیار هستی. به زودی خداوند به وسیله تو آنچه را اراده نموده ظاهر خواهد کرد؛ همانا او، به راستی او، حق و داننده پنهانی‌ها است.)

(۲) « اذن داده شد که در این ارض (اراضی مقدسه) بناهای عالیه ترتیب دهند و به اسم حق جل جلاله، اراضی طیبه طاهره که به نهر اردن متصل است و یا حول او، اخذ نمایند؛ لیظهر ما کان مسطوراً من القلم الاعلی فی کتب القبل و ما اراده الله رب العالمین فی هذا الظهور الامنع الاقدس العزیز البدیع.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقرة ۵۹) (مضمون بخش عربی: تا آنچه از قلم اعلی در کتب قبل نوشته شده و آنچه خداوند، پروردگار عالمیان، در این ظهور اقدس عزیز بدیع اراده فرموده، ظاهر گردد.)

(۳) « یا کرمل... طوبی لک بما جعلک الله فی هذا الیوم مقرر عرشه و مطلع آیاته و مشرق بیئاته.» (لوح کرمل، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱) (مضمون: ای کرمل،... خوشا به حال تو؛ چون که خداوند در این یوم (دور حضرت بهاءالله) تو را مقرر عرش عظیم خود و مطلع آیات خود و مشرق بیئات خود قرار داد.]

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۴) « در آینده، مسافت بین عکا و حیفا آباد شود و این دو شهر، متصل به یکدیگر شوند. از اتصال این دو نقطه، یک مدینه عظیمی (حاصل) شود. چون این فضا را ملاحظه کنم، واضحاً می بینم این نقطه یکی

از مراکز تجارتی نمره اول عالم خواهد شد و این ساحل که به شکل نصف‌الدائرة است، قشنگ‌ترین اسکله شود و کشتی‌های ملل در آن ملجأ و پناه گیرند. سفن عظیمه عالم، هزاران هزار رجال و نساء را از جمیع اقطار کره ارض به این اسکله وارد کنند. کوه و دشت به امارات و قصوری به طرز جدید مزین شود. دارالصنایع (تأسیس) گردد و مراکز و ملاحیء (آسایشگاه‌ها) خیریه تأسیس یابد. ازهار مشک‌بیز مدنیّت و تهذیب ملل، در این نقطه نشو و نما کند و نفحاتش با یکدیگر آمیزش جوید (و) شاهراه اخوت انسانی را نورانی کند. در جمیع اطراف، بساطین و حدائق (و) چمنستان‌ها و منتزهات (گردشگاه‌ها) بسیار باصفا، در نهایت ظرافت، ترتیب یابد. این مدینه عظیم، شب‌ها از چراغ‌های کهربایی (برقی)، یک قطعه نور گردد و ساحل عکا و حیفا، جمیعش یک خیابانی نورانی شود. مصباح‌های بزرگ نورافشان در دو سمت کوه کرمل برای هدایت کشتی‌ها نصب شود. خود کوه کرمل از سر تا پا، غرق دریای انوار گردد. شخصی که بر قلّه کوه کرمل ایستاده باشد و تماشای ورود مسافری از کشتی‌ها کند، منظر عجیبی بیند و سیر غریبی نماید که در عالم مثل ندارد. از تمام اطراف کوه، ضجیح (نالۀ توأم با بیتابی) یا بهاء‌الابهی به عنان آسمان رسد و نغمات موسیقی جانبخش دلربا، در اسحار، توأم با اصوات و آواز به عرش اعلیٰ رسد.» (مندرج در بهاء‌الله و عصر جدید، ص ۲۷۹) (بیانات حضرت عبدالهء در ماه فوریه سال ۱۹۱۴ در حیفا)

۵) « هذا القطر العظیم و الاقلیم الکریم (اراضی مقدسه) منعوت بلسان الانبیاء و المرسلین، موصوف و موسوم بانّه ارض مقدسه و خطه طیبه طاهره و انها مشرق ظهور الرب بمجده العظیم و سلطانه القویم و انها مطلع آیاته و مرکز رایاته و مواقع تجلیاته و سیظهر فیها بجنود حیاته و کتابت اسراره.» (مکاتیب حضرت عبدالهء، ص ۵۵) [مضمون: این ناحیه عظیم و اقلیم کریم (اراضی مقدسه) به زبان انبیاء و مرسلین ستوده شده و چنین توصیف و تسمیه گشته که سرزمین مقدس و دیار پاکیزه و منزّه است؛ و مشرق ظهور پروردگار با مجد عظیمش و سلطنت قویمش است؛ و مطلع آیاتش و مرکز رایاتش و جایگاه تجلیاتش است؛ و به زودی لشکریان حیات و سپاهیان اسرارش را در آن ظاهر خواهد کرد.]

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۶) « حضرت بهاء‌الله در مناجاتی بسیار مهم که به یاد پسر از دست رفته (غصن اطهر)، از قلم قادرش نازل شده،... این عبارات پیش‌گویانه را خطاب به آن فرزند شهید بیان می‌دارد: "تو ودیعه الهی و گنجینه او در این سرزمین (اراضی مقسه) هستی. به زودی خداوند به واسطه تو آنچه را اراده نموده است، ظاهر خواهد کرد." (مرور معبود، ۲۶۶)

(۷) « به تدریج و مرور ایام، نوایای مقدّسه جلوه نماید و معاهد جلیله در جوار روضات مقدّسه (در ارض اقدس)، بنیادش استوار و بنیانش مرتفع گردد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۵۶)

(۸) «ای اهل زمین به حقّ الیقین بدانید و هر متردّد (آدم شکاک) و متوقّفی را آگاه و پرانتباه گردانید که آنچه را قلم اعلی تصریح فرموده، کالشمس فی قطب الزوال (چون خورشید نیمروزی) بالمآل نمایان و پدیدار گردد و در این بقعه بیضاء و دیار اخری (به احتمال زیاد منظور ارض اقدس است) به اراده ازلیّه حضرت باسط الارض و رافع السماء، معشوق آمال از خلف سبعین الف (هفتاد هزار) حجاب قدم به عرصه شهود گذارد و یگانه آرزوی اهل بهاء باحسنها و اکملها و اتقنها تحقّق پذیرد. هذا ما وعدنا مولانا فی السّر و الاجهار و إنّ هذا الوعد غیر مکذوب.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۶۷، خطاب به برادران و خواهران روحانی در اقطار و بلدان شرق) (مضمون جمله عربی: این چیزی است که مولای ما، علنی و پنهانی، به ما وعده داده و همانا این وعده، تکذیب ناپذیر است.)

(۹) « در ظلّ (ظلیل) این دو مرکز روحانی حزب الله (مرکز اول، دو مرقد مقدّس حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء واقع در مقام اعلی، و مرکز دوم، سه مرقد مطهر حضرت ورقة علیا و غصن اطهر و أمّ حضرت عبدالبهاء)، مشروعات جلیله و تأسیسات بین‌المللی اداری و علمی و اجتماعی آیین بهایی تشکیل شود و سریر ملکوت الله مستقر شود و علم یا بهاء‌الابهی بر اعلی الاعلام منصوب گردد و شلیک وحدت عالم انسانی بلند شود؛ اذا يتحقّق ما نُزل فی لوح الكرمل من قلم عزّ منیر: "سوف تجری سفینه الله علیک و يظهر اهل البهاء الذین ذکّرهم فی کتاب الاسماء"^۱.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۱۵-مائدة آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۶-مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۶۷) (مضمون جمله عربی: آنگاه آنچه که در لوح کرمل از قلم عزّ نورانی نازل شده است، محقّق خواهد شد: "به زودی سفینه (کشتی) خداوند بر تو (کوه کرمل) برخواهد نشست و اهل بهاء، کسانی که (حضرت اعلی) در کتاب (قیوم) الاسماء، ذکرشان فرموده است، نمایان خواهند شد.)

(۱۰) « در این کور بدیع مشعشع الهی (کور بهایی)... مرکز روحانی و اداری امرالهی (هر دو) در یک اقلیم، یعنی ارض اقدس، ارض المیعاد، سیناء الروح، طور الایمن، حوریب^۲ الظهور، البقعة الاحدیّه،

^۱ از این بیان مبارک چنین استنباط می‌شود که استقرار سفینه الهی بر کوه کرمل و بخصوص**، ظهور کسانی که در قیوم الاسماء از آنان یاد شده است، فقط منحصر به تأسیس بیت‌العدل اعظم و استقرار آن مرجع الهی در مقرّ ابدیش در دامنه کوه کرمل نیست، بلکه شامل تمامی عظمت‌هایی است که به تدریج، در امتداد زمان، در این کوه پرشکوه ظاهر و نمایان خواهد شد.

^۲ کوهی که در آن خدا بر حضرت موسی تجلی کرد. (نوزده هزار لغت)

مرج عکا، مآدبه (سفره سرشار) الله، المَلَحْمَة العظمی، جبل الرب، مجتمع و مستقر (است).» حضرت ولی امرالله، مآدبه آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۵

۱۱) «مرکز اداری امرالله در جوار قبله اهل بهاء و مقام اعلی، مرکز روحانی جامعه پیروان آیین حضرت کبریا، در کمال عظمت و جلال تأسیس شود.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

۱۲) «ارض اقدس... قلب عالم و قبله امم است.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۵۸)

۱۳) «حول این سه مرقد مقدس، ضریح سلیله البهاء و بقیته (حضرت ورقه علیا) و دو ودیعه الهیه، غصن اطهر ابهی و امّ حضرت عبدالبهاء، من بعد، به مرور ایام، مرکز اداری جامعه اهل بهاء تأسیس گردد.» (حضرت ولی امرالله، مآدبه آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۵)

۱۴) «استقرار رمس حضرت بقیه البهاء (حضرت ورقه علیا، بهائیه خانم) در جوار دو مقام اعلی (مراقد مطهره حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء) و تأسیس این دو مرقد مطهر (مراقد غصن اطهر و امّ حضرت عبدالبهاء) قرب این مضجع منور (مرقد حضرت ورقه علیا) بنفسه، پرتوی از اشراقات این تأسیس الهی (تعیین محل مقام اعلی توسط جمال اقدس ابهی) است و مقدمه حوادث مهمه و تأسیسات بین المللی آینده و مشروعات عظیمه و معاهد جلیله و امور خطیره در دامنه این کرم اعظم الهی (کوه کرمل) است که به همت وراثت ملکوت به مرور ایام و تأییدات حتمیه ربّ علام از عرصه غیب، قدم به عرصه شهود گذارد و چنان زلزله‌ای به ارکان عالم اندازد که اهل آن واله و حیران گردند.» (حضرت ولی امرالله، مآدبه آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۳- مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۱۲)

۱۵) «این مرکز اداری جامعه بهاییان عالم (در ارض اقدس) بنفسه، محور تأسیسات نظم بدیع ۲ آن مُحیی رمم و منبع جود و کرم، و رمز وحدت اصلیه دول و امم ۳ و مقر سلطنت و جلوه‌گاه سلطه روحانیه ۴ و زمنیه (?) (شاید زمنیه بوده است) و مرجع اعلای پیروان امراتم اکمل و محل انعکاس و معرض تجلیات عرش مصور رمم بر آفاق عالم... است؛ این است که می فرماید، قوله تکبر کبریا: "عمری سوف نظوی الدنيا و ما فیها و نبسط بساط آخر، انه کان علی کل شیء قدیر."» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۶۸- توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه

^۱ "ملحمة" به معنی محل جنگ و کشتار بزرگ است و "ملحمة الکبری" از القاب شهر عکا است. (همان منبع)

^۲ به مبحث ۱۲۹ رجوع شود.

^۳ به مبحث ۱۳۱ مراجعه شود.

^۴ به مبحث ۱۳۵ رجوع شود.

- توقیعات مبارکه ۱۴۹ بدیع، ص ۵۶۳] (مضمون بخش عربی: قسم به جانم، آن روز نزدیک می‌شود که دنیا و آنچه در آن است را در هم بیچیم و بساط دیگری بگسترانیم؛ همانا او بر هر چیزی توانا است.)
- ۱۶) « این معهد جلیل (دارالآثار بین‌المللی بهایی) بنفسه، مقدمه تأسیس مرکز عظیم الشان اداری جهانی بهاییان در آن جبل مقدس (کوه کرمل) است.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۶۸] (توقیع منیع مورخ ۱۱۱ بدیع)
- ۱۷) « این اقدام (خریداری اراضی همجوار دریای طبریّه)، به منزله مقدمه و مبشری بود برای ظهور "ابنیه عظیمه جلیله" ای که به پیش‌بینی آن حضرت (حضرت بهاءالله) در الواح مبارکه، "در طول و عرض" اراضی مقدسه و نیز در "زمین‌های غنی" و پاکیزه موجود در جوار خاک اردن و اطراف آن "مرتفع خواهند شد و به اذن و اجازه آن حضرت در همان الواح، به "خدمت و عبادت خداوند یگانه" اختصاص خواهند یافت.» (مرور معبود، ص ۲۷۳)
- ۱۸) « (قلم حضرت عبداله‌اء است که پیش‌بینی می‌کند) شکوه و عظمت مؤسساتی که این امر پیرومند بر دامنه‌های کوه خداوند (کوه کرمل) ایجاد خواهد کرد، درخشان و نمایان خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۴۱۹)
- ۱۹) « (قلم حضرت عبداله‌اء است که پیش‌بینی می‌کند) این کوه پرشکوه (کوه کرمل) به تقدیر الهی، با شهر عکا مرتبط خواهد گشت و از اتحاد آن‌ها، مدینه‌ای عظیم و یگانه به وجود خواهد آمد و مقر و مرکز روحانی و اداری اتحادیه آینده بهایی را در بر خواهد گرفت.» (مرور معبود، ص ۴۱۹)
- ۲۰) « مزایایی احصاء‌ناپذیر، با اهمیت روحانی و اداری هر دو، به کوه مقدس خداوند (کوه کرمل)... افاضه گشت؛ مزایایی که همچنان در سالیان آتی نیز آن کوه پرشکوه را که مشرف بر سجن اعظم است، در بر خواهد گرفت.» (مرور معبود، ص ۳۰۸)
- ۲۱) « چنین است شمه‌ای از بیانات مهیمن حضرت بهاءالله خطاب به آن کوه مقدس خدا (در لوح عظیم کرمل): "بشتاب ای کرمل، چون که انوار وجه خداوند... بر تو تابیده است... شادی کن، زیرا که خداوند در روز خود، تو را محلّ عرش خویش قرار داد، و تو را مطلع آیات و مشرق بیناتش معین فرمود."» (مرور معبود، ص ۳۷۱)
- ۲۲) « در مستقبل ایام بقعه مجللی که محلّ استقرار عرش مطهر شارع امر اعظم الهی خواهد بود، در آن محلّ (روضه مبارکه در عکا) مرتفع شود.» (تلگراف ۱۱ ژوئن ۱۹۵۲، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۳۶۳)

۲۳) « شبهه‌ای نبوده و نیست که این بقعه نورا و حدیقه غلباء و روضه نورا (منظور روضه مبارکه در وضعیّت فعلی آن است)... مقدّمه تشیید ضریح اقدس اطهر امنع ارفع ابهی در سنین آتیه است.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۶۱)

۲۴) « مقام مقدّس حضرت باب... به خوبی اثبات نموده است که با گذشت سالیان، ید تقدیر، آن بنای جلیل را از آن مقدار شهرت و عظمت و اعتباری که متناسب با مقصد بلند و هدف ارجمند حاکم بر ایجادش بوده است، برخوردار خواهد کرد.» (مرور معبود، ص ۳۷۰)

۲۵) « همین بنای عظیم (مقام حضرت باب در دامنه کوه کرمل)، با گذشت زمان، و با استقرار تدریجی مؤسّساتی که حول مرکز اداری و جهانی متعلّق به اتّحادیه آینده بهایی (future Bahai Commonwealth)، حلقه خواهند زد؛ قوای مکنونه عظیمه‌ای را که همان مقصد متعالی در حقیقتش ودیعه نهاده، ظاهر و باهر خواهد ساخت.» (مرور معبود، ص ۳۷۱)

۲۶) « چنین نهاد و بنیادی الهی (مقام حضرت باب در دامنه کوه کرمل)، هر چقدر هم کینه و عناد دشمنان آینده‌اش سخت و شدید باشد، به نحو مقاومت ناپذیر، رشد خواهد کرد و توسعه خواهد یافت تا این که به تدریج، تمامی شکوه و کبرایش در برابر دیدگان عالمیان ظاهر و عیان گردد.» (مرور معبود، ص ۳۷۱)

۲۷) « این اتّحاد و همجواری (همجواری مراقد حضرت غصن اطهر و مادر حضرت عبدالبهاء با مرقد حضرت ورقه علیا)، قوای روحانی مکانی را که نفس حضرت بهاءالله، برای مقرّ سلطنت زمینی خود برگزیده، بسی تقویت می نماید؛ و نیز در امتداد شاهراه نمادگونه‌ای که به سرزمین مرکز ابدی و اداری اتّحادیه جهانی بهایی آینده منتهی خواهد شد، یک نشان هدایت بخشنده و اطمینان دهنده دیگر نصب می کند؛ مقرّی که مقدّر گشته از مرکز روحانی امرالهی هرگز جدایی نپذیرد و همواره در جوار آن به کار و فعالیت ادامه دهد.» (مرور معبود، ص ۴۵۸)

۲۸) « دوائر و تاسیسات و معاهد اداری امریه... در آینده، بر حسب اشارات و رموز الواح مقدّسه، در دامنه این مزرعه الهیه (جوار مرقد ورقه مقدّسه علیا، خانم اهل بهاء) تأسیس خواهد شد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۶۲)

۲۹) « این جاده مجلل و زیبا که امتدادش از مقام اعلی تا شهر حیفا و محاذی (روبروی) اعظم خیابان آن مدینه مکرمه است... به شاهراه ملوک و سلاطین ارض مبدل گردد و این تاجداران عظام و مُحَرمان کعبه رحمان، پس از وصول به ساحل ارض مقصود و زیارت و طواف قبله اهل بهاء و مطاف ملاء اعلی در مرج دشت سرسبز) عکا، به این مدینه مکرمه مشرفه توجّه نمایند و به جبل کرمل صعود نمایند و به کمال شوق

و وله و انجذاب، به سوی این مقام محمود شتابند و از راه این طبقات خاضعاً خاشعاً متذللاً منکسراً تقرب به آن مرقد منور مطهر جویند و در باب حرم کبریا تاج را بر خاک اندازند و سجده کنان، تراب مشکبیزش را تقییل نمایند و لیبک لیبک یا علی الاعلی گویان در رواق مقدسش طواف نمایند و به کمال عجز و ابتهال آیات باهرات لوح کرم را تلاوت نمایند... و آلام و محن و بلایا و رزایا و اسارت و مسجونیت و شهادت آن مظلوم عالم را با چشمی اشکبار و قلبی سوزان یک یک به یاد بیاورند... و پس از ادای فرائض زیارت... و استفاضه و کسب دستور از مرکز اداری بین‌المللی بهایی... به اقالیم مجاور عراق توجه نمایند و به سوی مدینه‌الله (بغداد) بشتابند و فرائض حج بیت الله الاعظم را به تمامها ادا نمایند و... به مهد امرالله... رهسپار گردند و به زیارت بیت مکرم در مدینه شیراز و اماکن متبرکه در ارض طاء و ارض خا و نقاط اخری... پردازند و از آن دیار به ممالک و اوطان خویش، هریک چون کره نار مراجعت نمایند.»

(حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۸ بدیع، توفیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۲۷۲-۲۶۹)

۳۰ « به فرموده حضرت عبدالبهاء در آینده، سلاطین عالم برای زیارت و اظهار خضوع به مقام حضرت باب، مبشر شهید حضرت بهاءالله، این راه (جاده سلاطین) را خواهند پیمود.» (حضرت ولی امرالله، تلگراف ۱۰ آپریل ۱۹۵۱، توفیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۳۰۲-۳۰۱)

۳۱ « انشاءالله به تأییدات الهیه و هدایت سماویه، پس از تأسیس بیت عدل اعظم و تشکیل اولین محکمه شرعی بهاییان عالم، این اراضی مجاوره (مجاور مقامات مقدسه ارض اقدس) بر حسب شرع مبین و نص صریح، به موقوفات امریه تماماً و کمالاً محول و مبدل گردد و به مرور ایام، معاهد جلیله و ابنیه شاهقه و قصور مشیده و حدائق بدیعه در حوالی مقامات مقدسه تعمیر و تشکیل و تأسیس گردد و نوایای رب عزیز باحسنها و اکملها، در ارض مقدس جلوه نماید و بر عزت و حشمت و شهرت امرالله بیفزاید.»

(حضرت ولی امرالله، توفیق ۳۰ کانون دوم ۱۹۲۶، ارکان نظم بدیع، صص ۲۱۹-۲۱۸- مجموعه توفیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، صص ۲۸۲)

۳۲ « حینئذ (بعد از تشکیل بیت العدل اعظم) یستقر عرش حکومت البهاء فی ارض المیعاد و ینصب میزان العدل و یتموج علم الاستقلال و ینشق حجاب الستر عن وجه ناموسه الاعظم و تندفق انهر السنن و الاحکام من بقعة المنوره البیضاء بغلبه و هیمنه لم تر شبهها القرون الاولون.» (حضرت ولی امرالله، ۲۷ نوامبر ۱۹۲۹، ارکان نظم بدیع، صص ۲۲۷) [مضمون: آنگاه (بعد از تشکیل بیت العدل اعظم)، عرش حکومت بهاء در ارض موعود مستقر خواهد شد و ترازوی عدالت منصوب خواهد گشت و علم استقلال

^۱ نام رومی ماه ژانویه

موج خواهد زد و پرده پوشش از چهره قانون اعظم الهی کنار خواهد رفت و نهرهای سنن و احکام از بقعه منوره بیضاء، به غلبه و هیمنه‌ای که چشم قرن‌های گذشته هرگز ندیده است، جاری خواهد گشت.]

۳۳ « تأسیس این مقرر حکومت آتی جهانی بهایی^۱ (در ارض اقدس)، مبشر ظهور سلطنت و سیطره شارع مقدس این آیین نازنین^۲ و استقرار ملکوت اب سماوی در بسیط غربا^۳ است.» (حضرت ولی امرالله، نوامبر ۱۹۵۴، ارکان نظم بدیع ص ۲۴۴)

۳۴ « این بنیان رفیع الشان قوی الارکان سرمدی الآثار (منظور مقام مقدس اعلی است)... مقدمه سلطنت ابدیه و سُلطه ظاهره و سیطره محیطه شارع اعظم و مظهر قدرت پروردگار است.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۱۱ بدیع، مجموعه توفیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۲۶)

۳۵ « به مرور ایام، شعبه‌های سایر محافل روحانی مرکزی در شرق و غرب و جنوب و شمال، در ارض اقدس... تأسیس خواهد شد.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۱۱ بدیع، مجموعه توفیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۵۸)

۳۶ « به مرور ایام... پیروان امرملیک علام به تأسیس ثالث در این جبل و در رأس کرمل... مباشرت خواهند نمود... تأسیس اول... که از حیث مقام برکافه تأسیسات آتیه در این جبل، مقدم، مقام علی اعلی (است)... (و) تأسیس ثانی در رأس آن جبل، مشرق‌الاذکار، (و) تأسیس ثالث در آن جوار پرانوار، مرجع ابرار و اختیار و مرکز رتق و فتق امور جامعه پیروان امرکردگار (خواهد بود).» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۱۱ بدیع، مجموعه توفیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۷۰-۵۶۹)

۳۷ « فقط و فقط در آن زمان (هنگام استقرار مؤسسات اداری مرکز جهانی بهایی) این وعده برجسته که صفحات پایانی لوح مبارک کرمل را منور می‌سازد، محقق خواهد شد "به زودی خداوند سفینه خود را بر تو (کوه کرمل) جاری خواهد کرد و اهل بهاء را که در قیوم الاسماء مذکور گشته‌اند، ظاهر خواهد فرمود."» [کتاب هدایت برای امروز و فردا (انگلیسی) ص ۷۱]

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۳۸ « امید و طید چنان است که مساعی خستگی‌ناپذیر یاران در جمیع نقاط جهان، موجب تسریع ظهور آن یومی گردد که قوای حیرت‌انگیز مکنونه در لوح مبارک کرمل را کاملاً متجلی سازد و همان قسمی که حضرت ولی محبوب امرالله بدان اشاره فرموده‌اند، از کوه مقدس خدا، انهار احکام و قوانین

^۱ به میحث ۱۳۴ مراجعه شود.

^۲ به میباحث ۱۱۸ و ۱۳۵ رجوع شود.

^۳ به میبحث ۱۴۷ مراجعه شود.

الهیّه با شوکت و عظمت و قدرت قاهره سریان و جریان یابد.» (پیام ۱۹۸۳ - جزوه دست‌خط‌های معهد اعلیٰ، جلد دوم، ص ۴۴)

۳۹) « این کتابخانه (کتابخانه بین‌المللی بهایی در ارض اقدس)، به صورت مرکز مؤثری برای اقسام علوم و معارف و هسته مرکزی مؤسسات عالیّه تحقیقات و اکتشافات علمی^۱ در خواهد آمد.» (پیام ۳۱ اگوست ۱۹۸۷)

۴۰) « کار عظیم ساختمان طبقات، ایجاد حدایق در اطراف آن، و ارتفاع ساختمان‌های باقی مانده حول قوس، مکمل بنای پرشکوه و جلال مرکزی جهانی است که بنا به وعده حضرت ولیّ محبوب امرالله، در کمال استحکام، شاهد مزی قرون آتیه و رشد شگفت‌آور جامعه بهایی خواهد بود.» [پیام ۳۱ اگوست ۱۹۸۷ (۱۳۶۶/۶/۹)]

۴۱) « ای معاضدان با وفا، و ای دلدادگان جمال کبریا، تشیید این مشروعات فخره از لوازم ضروریّه امرالهی است؛ زیرا ارتفاع آن ابنیه (حول قوس کرمل) تحقّق بشارت جانبخش لوح کرمل را نوید می‌دهد و تأسیس دوائر و معاهدی را مژده می‌دهد که به جمال قدم، رافع بنیان صلح اعظم منسوب است. این است که باید کلّ، به ابداع جمال، در نهایت شکوه و جلال در کوه کرمل، لانه و آشیانه انبیاء بنا شود و وعده جان پرور "و تری الارض غیر الارض"^۲، جلوه‌ای جدید نماید.» (پیام سپتامبر ۱۹۸۷ - جزوه ۴۱، ص ۷۰)

۴۲) « تصویب طرح ساختمانی طبقات مقام اعلیٰ... در تحقّق بخشیدن نوایای حضرت مولی‌الوری و حضرت ولیّ امرالله در باره جاده‌ای که سلاطین و فرمانروایان از آن طریق، به کوه کرمل صعود خواهند نمود و به تقبیل عتبه سامیه ضریح مبشر شهید حضرت بهاءالله نایل آیند، مرحله جدیدی را آغاز می‌نماید.» (پیام رضوان ۱۹۸۹)

۴۳) « از یاران عزیز در جمیع نقاط دعوت می‌کنیم تا با بذل مساعی مجدانه، این طرح مقدّس (طرح طبقات مقام مقدّس اعلیٰ) را که اکنون به صورتی تفکیک‌ناپذیر با ابنیه حول قوس کوه کرمل ارتباط یافته، به نحوی شایسته اكمال و اتمام بخشند... و ایمان و تعهد خود را به صلاهی حضرت بهاءالله در لوح کرمل که مبشر تأسیس مقرر سلطنت الهیّه^۳ بر فراز آن جبل مقدّس است اثبات نمایند.» (پیام ۲۳ می ۱۹۹۰)

۴۴) « امروز است که از ما ضعفاء خواسته‌اند که به اقتضای وفا به اوامر مولای بی‌همتا، در این مشروع جلیل (تشیید و ساختن ابنیه فخره در کوه کرمل) شرکتی لائق نمائیم و بنیانی را در تحقّق بشارت لوح

^۱ به میحث ۱۴۳ مراجعه شود.

^۲ به میحث ۱۰۲ مراجعه شود.

^۳ به میحث ۱۳۵ رجوع شود.

کرمل بر صفحه روزگار برجای نهمیم که آثار پیرانوارش... مرکز و محور و مرجع اقدامات لازمه بین‌المللی شود و حشمت و عظمت امرالله و تأثیر و نفوذ کلمه‌الله را ظهور و بروز بخشد و اسرار و رموز مندمجه در لوح مبارک کرمل را مکشوف سازد.» (پیام آگوست ۱۹۹۳)

۴۵ « موقعیت حاصله حاکی از اقدام اساسی در اكمال و اتمام طرحی بود که حضرت ولی امرالله آن را چنین پیش‌بینی فرموده بودند: "انشاء تأسیسات و مشروعات بهیة بدیعه در صفح جبل کرمل و اتّسع مدینة حیفا و اتّصال آن مدینة به مدینة منورة عکا و تشکیل واحد عظیمی که مقرّ اداری و مرکز روحانی اهل بهاء را در آغوش خواهد گرفت." (پیام ۴ ژانویه ۱۹۹۴ - جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۵۳)

۴۶ « می‌توانیم تحقّق تدریجی پیش‌بینی حضرت ولی امرالله را به نحو شایسته‌تری دریابیم که در بیان تأثیر ارتفاع ابنیه‌ای که مقرّ جهانی (و) اداری امر حضرت بهاءالله را تشکیل می‌دهد، چنین فرموده‌اند: "این جریان وسیع و حتمی‌الوقوع، همزمان با دو واقعه‌ای که از لحاظ اهمّیت کمتر از آن نخواهد بود، تحقّق خواهد یافت - یکی استقرار صلح اصغر و دیگری تکامل مؤسّسات ملی و محلی بهایی." پیش‌بینی هیکل مبارک با در نظر گرفتن اوضاع و احوال کنونی جهان، تکمیل طرح‌های ساختمانی کوه کرمل را طبق برنامه زمانی تعیین شده، ضرورت و اهمّیت بخشیده است.» (رضوان ۱۵۲ بدیع = ۱۹۹۵)

۴۷ « حضرت ولی امرالله سه سال قبل از صعود به عالم بالا،... در باره کیفیت و اهمّیت طرح ابنیه دامنه کوه کرمل... چنین مرقوم فرمود: "این ابنیه در حول قوسی محیط بر مراقده حضرت و رقه مقدسه علیا و برادر و مادر عظیم‌الشان ایشان، با سبکی هماهنگ ساخته خواهد شد." (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۸)

۴۸ « این بنا (مقام اعلی) کانون مساعی و مجهوداتی خواهد شد که به تدریج حیات انسان را در این کره خاک نظم و نسقی جدید بخشد.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۳۴)

۶۳. بیت بغداد (۱۲)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱ « سینزل علیه (بیت بغداد) من الدلّة ما تجری به الدّموع عن کلّ بصرٍ بصیر. كذلك القیناک بما هوالمستورُ فی حجب الغیب و ما اطلع به احدُ الاالله العزیز الحمید. » (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، فقره ۵۸- آثار قلم اعلی ۱، ص ۷۳، بند ۱۴) [مضمون: به زودی ذلّتی بر آن (بیت بغداد) وارد خواهد شد

که چشم هر فرد بصیر را به گریه وادارد. این گونه، آنچه را که در پرده‌های غیب مستور است و هیچ کس جز خداوند از آن آگاه نیست، به تو القاء نمودیم.]

(۲) « ثمّ (بعد از دوره ذلت) تمضی ایام یرفعه (بیت بغداد) الله بالحقّ و یجعلهُ عَلَمًا فی الْمَلْک، بحیثُ یطوفُ فی حوله ملاء عارفون. هذا قولُ ربّک من قبل ان یأتی یومُ الفزع (دوره ذلت بیت)، قد أخبرناک به فی هذا اللّوح لئلا یحزنک ما ورد علی البیت بما اکتسبت ایدی المعتدین و الحمد لله العلیم الحکیم.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، فقره ۵۸) امضمون بیان مبارک: سپس (بعد از دوره ذلت) ایامی سپری می‌شود و خداوند به قدرت راستی، آن (بیت بغداد) را مرتفع خواهد ساخت و همچون علمی در تمامی سرزمین خواهد کرد (در برابر دیدگان مردمان برتری خواهد داد)، به گونه‌ای که گروه شناسندگان (مؤمنان) حول آن طواف خواهند نمود. این گفته پروردگار تو است قبل از آمدن روز اندوه (دوره ذلت بیت)، در این لوح، این امر را به تو خبر دادیم تا شاید آنچه به دست ستمگران (در زمان جمال مبارک) بر بیت وارد شد، غمگینت نکند و ستایش خداوند راست که علیم و حکیم است.]

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۳) « در این مقام (وعود راجع به بیت اعظم بغداد) بداء (تغییر پذیرفتن اراده پیشین) حکمی نداشته و ندارد و تغییر و تبدیل حتی تأخیر و تعویق ممتنع و مستحیل.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۰)

(۴) «ای قویّ قدیر،... بیت اعظمت را از پنجه اهل عدوان برهان و قدر و منزلتش را بر مدعیان ظاهر و آشکار کن.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

(۵) « چون میقات مقدر فرارسد و موعد مقرر تحقّق یابد، وسائل استخلاص بیت اعظم (در بغداد) موطن اقدام جمال قدم، فراهم شود و مقام و موقعیتی که از قلم اعلی در شأن آن منظر اکبر نازل شده، به ابداع وجه، چهره گشاید.» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۷۱۸)

(۶) « هر چند این بحران (غصب بیت مبارک بغداد) به سبب مجموعه‌ای از دلایل مذهبی و سیاسی، هنوز (۱۹۴۴ میلادی) رفع نشده است؛ اما... در زمان مقرر...، هنگامی که به مشیت الهی، اسباب حلّ و فصل آن فراهم شود، سرنوشت پرشکوهی که آن حضرت در الواح مبارکه برای آن مقدر فرموده، نمودار خواهد گشت.» (مرور معبود، ص ۴۶۹)

(۷) « حضرت بهاءالله (قبل از غصب بیت مبارک بغداد توسط شیعیان)... در اشاره به آینده همین بیت، این پیش‌بینی را مطرح نموده بود: "در آینده‌ای دور، حضرت پروردگار، به قدرت حقیقت، آن (بیت

بغداد) را در برابر عیون عالمیان اعتلا خواهد بخشید و آن را علم قدرتمند سلطنت خود قرار خواهد داد و معبدی مقرر خواهد نمود که اهل ایمان به دورش طواف کنند.» (مرور معبود، ص ۴۷۲)

۸ « بیت اعظم بغداد که حضرت بهاءالله در کتاب اقدس آن را مقرر حج معین فرموده، هنوز (۱۹۴۴ میلادی) آزاد نگشته است.» (مرور معبود، ص ۵۳۳)

۹ « در سنین آتیه این دور بهایی... بیت الله الاعظم و کعبه الامم از چنگ غاصبان و ظالمان مستخلص گردد و زیارتگاه عالمیان شود.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۵)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۰ « حضرت بهاءالله با بیاناتی اندوه‌بار پیش بینی فرمودند که اهانت‌های بیشتری بر بیت مبارک‌شان وارد خواهد شد. "لیس هذا اول وهن نزل علی بیتی و قد نزل من قبل بما اکتسبت ایدی الظالمین و سینزل علیه من الدلّة ما تجری به الدّموع عن کلّ بصر بصیر. كذلك القیناک بما هو المستور فی حجب الغیب و ما اطّلع به احد الا الله العزیز الحمید."» (پیام ۱۷ جولای ۲۰۱۳)

۱۱ « جمال قدم در بیانی مهیمن و مهیج خطاب به بیت اعظم بغداد فرمودند: "قد زینک الله بطراز ذکره بین الأرض و السماء و انه لا یهتک ابدأ." آن حضرت هم چنین وعده فرمودند که علی‌رغم آنچه که بر آن مقرر اسنی وارد گردد، ظهور عظمت و جلال آینده آن مکان مقدس حتمی الوقوع است: "ثم تمضی ایام یرفعه الله بالحق و یجعله علماً فی الملک بحیث یطوف فی حوله ملاً عارفون."» (پیام ۱۷ جولای ۲۰۱۳) (مضمون دو جمله عربی: (خطاب به بیت مبارک) خداوند ترا به زیور ذکرش در میان زمین و آسمان زینت داد و همانا او، هرگز این زینت را زایل نکند.) (سپس ایامی می‌آید که خداوند به حق و راستی، آن (بیت اعظم) را علم افراشته‌ای در عالم قرار خواهد داد، به طوری که گروه عارفان در حولش طواف خواهند کرد.)

۱۲ « حضرت بهاءالله بیان فرمودند که بیت اعظم (بغداد) در آینده، مورد بی‌حرمتی‌های شدید قرار خواهد گرفت؛ ولی همچنین در بیاناتی که موجب قوت قلب هر مؤمن مخلصی می‌باشد، فرمودند که با وجود هرگونه لطماتی که وارد شود، امرالله محفوظ و مصون خواهد بود.» (پیام ۱۷ جولای ۲۰۱۳)

۶۴. ارض طاء (شهر طهران) (۱۴)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « قل يا مدينتي لا تحزني عما ورد عليك من الذين استنكفوا عن عبادة ربك و اعرضوا عن الله رب العالمين. سوف ترتفع فيك الاعلام باسمي و يرفع الله الذين مستهم البأساء في هذا الامر المنيع.» (لثالی الحکمة ۲، فقره ۱۲۰، ص ۲۳۴) (مضمون: ای شهر من، غمگین مباش از آنچه بر تو وارد شد از دست کسانی که از عبادت پروردگارت روی گردانند و از خداوند، پروردگار جهانیان اعراض نمودند. به زودی در تو علم های پیروزی به نام من بلند خواهد شد و خداوند کسانی را که در این امر منیع سختی و مشقت دیدند، و الامقام خواهد کرد.)

۲) « يا ارض الطاء... نفحات قميص الهی از تو قطع نشده و نخواهد شد.» (آیات الهی ۱، ۱۱ می-منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۵۵)

۳) « يا ارض الطاء... سوف تنقلب فيك الامور و يحكم عليك جمهور الناس. ان ربك لهو العليم المحيط.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۹۳) (مضمون: ای سرزمین طهران،... به زودی امور در تو منقلب خواهد شد و جمهور مردم بر تو حکومت خواهند کرد. همانا پروردگار تو علیم و محیط است.) (پیش‌گویی محقق شده، وعده انقلاب مشروطیت است.^۱)

۴) « يا ارض الطاء... سوف يأخذك الاطمینان بعد الاضطراب. كذلك قضی الامر فی کتاب بدیع.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۹۳) [مضمون: ای سرزمین طهران،... به زودی، بعد از ترس و اضطراب، اطمینان تو را اخذ خواهد کرد. امر در کتاب بدیع (منظور کتاب اقدس است) چنین مقدر شده است.]

۵) « در کتاب اقدس در ذکر ارض طاء نازل شده آنچه که سبب انتباه عالمیان است.» (لوح دنیا، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۴۷)

۶) « اگر چه حال این مقامات (متعلق به ارض طاء) مستور است؛ ولیکن ید قدرت البتّه مانع را بردارد^۲ و ظاهر فرماید آنچه را که سبب و علت روشنی چشم عالم است.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۵۵)

^۱ به مبحث ۲ رجوع شود.

^۲ به مبحث تنبیه‌انگیز ۲۱ مراجعه شود تا ماهیت این مانع و نیز قطعیت برداشتن آن یادآوری شود.

(۷) «یا ارض الطاء لا تحزنی من شیءٍ قد جعلک الله مطلع فرح العالمین.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۹۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۵۶) (مضمون: ای طهران، از چیزی محزون مباش، (زیرا) خداوند ترا مطلع فرح و شادی عالمیان قرار داد.)

(۸) «یا ارض الطاء... اطمئنی بفضل ربک؛ انه لا تنقطع عنک لحظات اللطاف. سوف يأخذک الاطمینان بعد الاضطراب. كذلك قضی الامر فی کتاب بدیع.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۹۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۵۶) (ای طهران... به فضل پروردگارت مطمئن باش؛ او نظر الطاف را از تو برنخواهد تافت. آن روز نزدیک می شود که ترس و اضطراب تو به آرامش و اطمینان تبدیل شود.»

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۹) در لوح طهران و ایران فرموده‌اند: «اگر از سر نهانی و بلایای ناگهانی و خسران مبین که در پی دارند خبر شوند، فریاد و فغان آغاز کنند و سر به بیابان‌ها نهند و واحسرتا گویند واسواتا بلند کنند.» (مائده آسمانی ۹، مطلب ۱۱۵، ص ۱۲۷)

(۱۰) «در خصوص ارض طاء، آنچه بشارت شده، بعد تحقق خواهد یافت.» (مائده آسمانی ۹، مطلب چهل و نهم، ص ۳۶)

(۱۱) «(ارض طاء) عاقبت سکون یابد و راحت جان حاصل گردد و سلامت وجدان رخ بنماید.» (مائده آسمانی ۹، مطلب اول، ص ۱)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱۲) «هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده قضا مکنون و تحقق مواعید جان‌پرورش به وقت دیگر مرهون. ارض طاموطن جمال ابهی مرکز سنوحات الهیه گردد و مطلع بهجت و فرح عالمیان شود.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۸)

(۱۳) «ای قوی قدیر... مدینه منوره طهران را مطلع سرور عالمیان و مطمح نظر جهانیان کن.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

(۱۴) «در سنین آتی این دور بهایی... ملک عادل بر سریر سلطنت در ارض طام (طهران) جالس گردد.» [حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع (۱۹۴۸ میلادی)، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۵]

^۱ توقیع مبارک در سال ۱۳۲۶ شمسی صادر شده و دوره سلطنت محمد رضا شاه از ۱۳۵۷-۱۳۲۰ شمسی بوده است؛ لهذا "ملک عادل" مورد اشاره، شخصیتی مربوط به آینده است. (ثبت این مطلب در تاریخ مهرماه ۱۳۹۳ شمسی).

۶۵. شهر شیراز (۴)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « ما را نیز امید چنین است و آرزو اعظم از این، و یقین است که موطن آن نور مبین (موطن حضرت اعلیٰ، فارس) به همت دوستان الهی عنقریب تزین یابد و غبطه بهشت برین گردد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، ص ۳۰۱)

(۲) « شیراز پر آواز گردد و ندای الهی بلند شود و یاران الهی به ساز و آوازی دمساز شوند که جمیع اصوات خاشع گردد و هر موضوعی ساکت و صامت شود تا مصداق شعر ادیب شیراز شود: ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار

فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، ص ۳۰۲)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۳) « مدینه شیراز... سراپا روشن و منور گردد؛ روح به عالم امکان دمد؛ مطاف عالمیان گردد و نائره عشق را برافروخته، در قطب آفاق ندای یا بهاءالابهی را به سمع جهان و جهانیان رساند.» (مجموعه توفیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۵۸/مائدة آسمانی، ۳، ص ۲۵)

(۴) « حضرت بهاءالله روحی لمضجعه الانور فداء، کراراً و مراراً شفاهاً و در الواح محکمه‌اش... فتوحات روحانیّه و ترقیّات کلیّه به آن عزیزان (احبای شیراز) وعده فرموده (است).» (حضرت ولی امرالله، مائدة آسمانی، ۳، ص ۲۴)

۶۶. شهر اصفهان (۲)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « اصفهان تمام جهان شود و یاران، هر یک مانند مه تابان، از مطلع اصفهان درخشنده و عیان گردند.» (نقل از نسخه خطی؛ مندرج در پیش مقدمه کتاب "تحقیق در باره مسیرهای مبارک حضرت اعلیٰ در اصفهان و بررسی کوتاهی در مورد اماکن متبرکه این شهر"، تألیف جناب محمد لیب و تکمیل توسط جناب گلستان مصفايي)

(۲) « خون مطهر شهداء، علی‌الخصوص دم مبارک سلطان‌الشهداء و محبوب‌الشهداء، عاقبت غلیان شدید خواهد نمود و اصفهان را روح و ریحان خواهد بخشید.» (تحقیق در باره مسیره‌های مبارک حضرت اعلی در اصفهان و بررسی کوتاهی در مورد اماکن متبرکه این شهر"، تألیف جناب محمد لیب و تکمیل توسط جناب گلستان مصفايي، ص ۱۱۰)

۶۷. شهر ادرنه (۴)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « أَنْ يَا عَبْدَ النَّازِرِ إِلَى اللَّهِ فَأَعْلَمَ بَأَنَّ أْتَى الْقَضَاءَ وَأَمْضَى مَا نَزَلَ فِي الْوَاحِ مَالِكِ الْأَسْمَاءِ وَأَخْرَجُوا الْغَلَامَ مِنْ أَرْضِ السَّرِّ بِظُلْمٍ مُبِينٍ... وَمَا مَرَرْنَا عَلَى شَجَرٍ وَحَجَرٍ وَأَرْضٍ وَمَدْرٍ إِلَّا وَقَدْ أَوْدَعْنَا فِيهِ سِرًّا مِنْ أَسْرَارِ اللَّهِ الْمُهِمِينَ الْعَزِيزِ الْقَدِيرِ، فَسَوْفَ يَطْهَرُ بِالْحَقِّ وَإِنَّ رَبَّكَ لَعَلِيمٌ وَحَكِيمٌ.» (لثالی الحکمة ۱، فقره ۱۸) [مضمون: ای عبد ناظر به خداوند، بدان که حکم مقدر پدیدار شد و هر آنچه که در الواح مالک اسماء نازل گشته بود، آشکار گشت و غلام را به ظلم مبین از سرزمین سر (ادرنه) اخراج کردند... و ما مرور نکردیم بر درختی یا سنگی یا خاکی یا شنی مگر این که سری از اسرار خداوند مهیمین عزیز قدیر را در آن ودیعه نهادیم که به زودی ظاهر خواهد شد؛ و همانا پروردگارت به راستی علیم و حکیم است.]

(۲) « قل قد خرج الغلام من هذه الديار (ادرنه) و أودع تحت كل شجر و حجر وديعة، سوف يخرجها الله بالحق. كذلك أتى الحق و قضى الأمر من مدبر حكيم. لا يقوم مع أمره جنود السموات والأرضين ولا يمنعه عما أراد كل الملوك و السلاطين.» (مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۹۲- آثار قلم اعلی ۱، فقره ۳، ص ۴۴- نداء رب الجنود، لوح رئیس عربی، بند ۱۴- الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، لوح اول رئیس، ص ۲۱۲) [مضمون: بگو غلام (منظور غلام الهی، یعنی حضرت بهاءالله است) از این سرزمین (ادرنه) خارج شد و در زیر هر درخت و سنگی و دیعه‌ای بنهاد، به زودی خداوند به حق و راستی، خارجشان خواهد کرد. این گونه حق آمد و امر از نزد (خداوند) تدبیر دهنده حکیم مقدر شد. لشکریان آسمان‌ها و زمین‌ها در برابر فرمانش ایستادگی نتوانند و همه ملوک و سلاطین عالم از خواسته‌اش بازش ندارند.]

(۳) « به شانی بلایا وارد که احدی جز حق محصی (برآوردکننده) آن نه و ارض سر سرّاً در اضطراب و احدی بر آن مطلع نه، الا ربك العزيز الوهاب. و زود است که از سر به ظهور آید؛ لا يعلم ذلك الا من

عنده علم الكتاب.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۷۴) (مضمون عبارت عربی: کسی از این موضوع آگاه نیست، جز آن که علم کتاب داشته باشد.)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۴) «حضرت بهاءالله خود در سوره رئیس می‌فرماید: "غلام الهی از این دیار (ادرنه) خارج شد و در زیر هر درخت و هر سنگی ودیعه‌ای بر جای گذاشت که به زودی خداوند به قدرت حق و راستی، آن‌ها را ظاهر خواهد کرد.» (مرور معبود، ص ۲۵۶)

۶۸. نور و تاکر (۵)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) «سنگستان تاکر گلشن و گلستان خواهد شد؛ از کوه اورنگ آهنگ تنزیه و تقدیس به ملاء اعلی

خواهد رسید؛ این مقرر است و محتوم.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، ص ۲۶) (۱۱ ذیقعدہ ۱۳۳۹)

(۲) «هیچ شبیه (ای) نیست که اقلیم نور روشن خواهد شد و فیوضات ربّ غفور احاطه خواهد نمود.»

(مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، ص ۲۶) (۱۱ ذیقعدہ ۱۳۳۹)

(۳) «یقین است که در آن سرزمین (نور مازندران) جلوه نور مبین ظاهر خواهد شد و مطاف مؤمنین

خواهد بود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، ص ۲۶) (۱۱ ذیقعدہ ۱۳۳۹)

(۴) «حال اقلیم نور موطن مکلم طور است؛ دیگر ملاحظه کنید که در ممر اعصار و دهور چه جلوه (ی)

پرشکوه خواهد کرد؛ آشیان طیور ملکوت گردد و بیشه شیران ربّ غفور، مطاف مقربین شود و پناه ملائکه

عالین گردد؛ زیرا شعله طور در اقلیم نور تجلی کرد و نیر اعظم از آن افق مبین طلوع نمود.» (منتخباتی از

مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره ۲۳۱)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۵) «یاران... باید... محافلی چنان مجلل و مکمل در حوالی آن مقامات مقدسه (مسقط رأس مبارک

جمال اقدس ابهی، نور مازندران) بیاریند که نفحات مشکبیزش مشام این مشتاقان را معطر و عنبرین

نماید؛... و به خدمات و اقداماتی در سبیل تحسین احوال و ترقی و پیشرفت وطن خویش و عالم انسانی

قیام نمایند که افکار کلّ متوجه به آن نقطه مبارکه گردد و اشعه هدایت بر آن اقلیم بلکه تمام اقلیم عالم

منتشر شود. همچو یوم مبارکی محتوم الوقوع است و بشارات منزله در حق آن خطه مطهره حکم بداء از آن

مرفوع» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۳۶- مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۷۳)

۶۹. ارض خاء (خراسان) (۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «یا ارض الخاء، نَسْمَعُ فیک صوت الرجال فی ذکر ربک الغنی المتعال» (کتاب اقدس، بند ۹۴) (مضمون: ای سرزمین خراسان، در تو صدای مردان را در ذکر پروردگار غنی متعال می شنویم.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) «ای بنده جمال ابهی، خراسان را در عرف مورخین مشرق زمین نامند... از فحوای الواح الهیه چنان استنباط گردد که آن کشور، شرق را منور نماید و نار الله الموقده چنان شعله ور شود که آتشکده نار سینا گردد؛ یعنی نور مبین از ملکوت غیب بهاء در آن بیداء (بیابان) جلوه و ظهوری نماید که جنت ابهی خیمه و خرگاه در قطب آفاق زند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۱۱۷)

(۳) «امیدوار گشتیم که در خراسان نار محبت الله شعله شدید خواهد زد و انوار معرفت الله سطوع عظیمی خواهد نمود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۴۱)

(۴) «در الواح مبارکه نازل، از ارض خاء اعلاء کلمه الله گردد و نشر نفعات الله شود و نفوس در ظل شجره مبارکه استقرار یابند. این بشارات سبب است که همواره منتظر آنیم که شمس حقیقت پرتو شدید بر آن اقلیم زند که در جمیع انحاء ارض خاء، ندا بلند گردد و اقلیم معرض نور مبین شود و (به) این موهبت، به شدت، اشتعال قلوب و انشراح نفوس و انجذاب ارواح جلوه نماید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۲۱۴)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۵) «هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده قضا مکنون و تحقق مواعید جان پرورش به وقت دیگر مرهون... صوت رجال از ارض خا بادیه مسکینه خراسان زلزله به ارکان کشور (ایران) اندازد و الویه نصر بر قلال آن سامان موج زند "اذا یفرح المؤمنون بنصر الله و ینوحن المشرکون"» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۸) (مضمون عبارت عربی: آنگاه مؤمنان به خاطر نصرت الهی شادی خواهند کرد و مشرکان نوحه و زاری خواهند نمود.)

(۶) «ای قوی قدیر... صوت رجال امرت را گوشزد اقلیم بعیده نما.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

(۷) «ای رب عزیز... ندای اسم اعظمت را به گوش هر قریب و بعید و ضعیف و شریف برسان تا بادیه خراسان که در بدو ظهور اعلام و آیات نصرت امرت را مرتفع ساخته، دوباره به اهتزاز آید و از اخلاف، رجالی چون اسلاف مبعوث گردند که صیت آن قطعه نورا را در شرق و غرب عالم مشتهر سازند. این است دعای قلبی صمیمی مستمری این عبد از درگاه الهی.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۵۱)

(۸) «(حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) پیش بینی (می فرمایند) که «صوت رجال خراسان» در تمجید و ستایش پروردگارش بلند خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۲۹۸)

(۹) «در سنین آتی این دور بهایی... صوت رجال از ارض خا (خراسان)... گوشزد قریب و بعید گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۵)

۷۰. ارض کاف و الرء (کرمان) (۴)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «یا ارض الکاف و الرء، انا نراک علی ما لایحبه الله... لاتحزنی بذلك، سوف یظهر الله فیک اولی بأس شدید؛ یدکرنی باستقامة لا تمنعهم اشارات العلماء و لا تحجبهم شبهات المریین. اولئك ینظرون الله باعینهم وینصرونه بانفسهم؛ الا انهم من الراسخین.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۱۶۴) (مضمون: ای کرمان، ما تو را در وضعیتی می بینیم که خداوند را خوش نمی آید... از این امر محزون مباش، به زودی خداوند در تو دارندگان صولت و جرأت عظیم مبعوث خواهد کرد. آنان به استقامتی مرا یاد خواهند نمود که نه اشارات علماء منعشان کند و نه شبهات شکاکان بازشان دارد. آنان حق را با چشمان خود خواهند نگریست و با ابدان خود یاری خواهند کرد. آنان به راستی از راسخان و مستقیمان هستند.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) «ای یاران نورانی عبدالبهاء... امید چنانست که آن بذر طیب طاهر چنان انبات گردد که آن اقلیم (کرمان) جنة النعم شود و گلشن حقیقت گردد. الحمدلله یاران کرمان و سیرجان در شور و ولهد و در جذب و طرب... مطمئن باشید که این شجره مبارکه ریشه خواهد نمود، "مثل کلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها

ثابت و فرعها فی السماء و تؤتی أكلها فی كلّ حین^۱.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۴۳۵) (مضمون آیه قرآنی: کلمه طیبه مانند شجره طیبه است که ریشه‌اش ثابت و شاخه‌اش در آسمان است و در هر لحظه میوه‌اش را نثار می‌کند).

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۳) «هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده قضا مکنون و تحقق مواعید جان‌پرورش به وقت دیگر مرهون... از ارض کاف و راء نفوسی اولوالبأس مبعوث گردند و پرده حجبات و اشارات و شبهات مرئیین را بدرند؛ کسر اصنام نمایند و شریعت رب الانام را جها و علانیتة تبشیر و تأیید نمایند.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۸)

(۴) «حضرت بهاءالله می‌فرمایند (مردانی "با قدرت و شهامت فراوان" از سرزمین کرمان به پا خواهند خاست و به ذکر و ثنای حضرتش خواهند پرداخت.» (مرور معبود، ص ۲۹۸)

۷۱. بندرعبّاس (۱)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) «عنقریب بندرعبّاس مشکاة اقتباس گردد و آیین ملاً اعلی ترویج شود.» (مجموعه آثار مبارکه، بند ۸۴، ص ۵۵۱)

بخش دوم- احبّاء و اشخاص متفاوتة (۱۷۴)

۷۲. احبّای الهی به طور کلی (۸۸)

(الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «فسبحانک اللهم یا الهی... انزل من سحاب رحمتک ما يطهر به افئدة محبیک و یقدس به قلوب عاشقیک. ثم ارفهم برفعتک ثم غلبهم علی من علی الارض و هذا ما وعدت به احبّاءک بقولک الحق

^۱سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۲۴.

"نريد ان نمنّ على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمةً و نجعلهم الوارثين"۱» (ادعیه محبوب ص ۱۴۵، لوح مبارک فسبحانک یا هو) (مضمون: پاک و مقدس تو ای خدای من... فروفرست از ابر رحمت آنچه پاکیزه می‌شود به آن افتده محبّات و مقدّس می‌گردد به آن قلوب عاشقانت. سپس برافراز آنان را به رفعت خودت، سپس غالب گردان آنان را بر اهل زمین، و این همان است که احبّایت را به آن وعده دادی، به گفته‌ات که حق است: "اراده داریم منت نهیم بر کسانی که در زمین ضعیف داشته شدند و پیشوایان و وارثانشان قرارشان دهیم.")

(۲) « لا تَحْزَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُ مَعَ مَنْ قَبَلَ اللَّهُ سَوْفَ يُظْهِرُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ مَقَامَاتِ الرَّاسِخِينَ. » (تالی الحکمة ۳، فقره ۹۴) (مضمون: از چیزی محزون مباش؛ به زودی خداوند مقامات بندگان راسخ را در زمین ظاهر خواهد کرد.)

(۳) « عنقریب... مقبلین به کمال عزّ و تمکین (مشاهده شوند)؛ هذا حتم عند ربك، انه لهو العليم الخبير. » (آثار قلم اعلی جلد ۶، ص ۱۳۱) (مضمون بخش عربی: این وعده ای حتمی نزد پروردگارت است؛ همانا او دانا و آگاه است.)

(۴) « جميع دوستان آن ارض را از قَبَل حق تکبیر برسان و بما قُدِّرَ لَهُمْ بشارت ده، عنقریب مقام ایشان بر عالمیان ظاهر و هویدا گردد إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ. » (تالی الحکمة ۳، فقره ۱۸۱)

(۵) « اگر چه الیوم نفوس مشتعلّه مقبله را لِأِقْبَالِهِمْ إِلَى كَلِمَةِ اللَّهِ ذَلَّتْ اخذ نموده، ولكن عنقریب كَلَّ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ به اعزاز تمام به ذکر آن نفوس مشغول شوند و ذاکر گردند. » (تالی الحکمة ۳، فقره ۱۵۴)

(۶) « عنقریب ذکر شما و سایر دوستان حق در جمیع بقاع ارض منتشر شود، چنانچه حال در ملکوت الهی اسامی کل مذکور است. » (تالی الحکمة ۱، فقره ۱۱۹)

(۷) « قسم به انوار وجه، جمیع بلا یا که وارد شده عنقریب کل به عطیّه کبری و نعمت عظمی و مائده لا شبه لها مبدل شود. » (تالی الحکمة ۱، فقره ۱۰۷)

(۸) « يا أَحِبَّائِي لا تَحْزَنُوا عَمَّا وَرَدَ عَلَيْكُمْ فِي سَبِيلِي سَوْفَ تَرَوْنَ أَنْفُسَكُمْ فِي مَقَامٍ تَسْتَضِيءُ مِنْهُ الْآفَاقُ، أَنْتُمْ تَحْتَ جَنَاحِ فَضْلِي وَأَهْلُ سُرَادِقِ عِرْفَانِي. » (تالی الحکمة ۱، فقره ۲۵) (مضمون: ای احبای من، از آنچه در راه من بر شما وارد شد غمگین مشوید؛ به زودی خود را در مقامی خواهید یافت که افق‌ها از آن روشن گردد. شما تحت جناح فضل من و اهل خیمه‌های عرفان من هستید.)

^۱ سورة القصص، آیه ۵

۹ « سَوْفَ يَظْهَرُ اللَّهُ عِزَّ الدِّينِ آمَنُوا بِمَطَّلِعِ الْوَحْيِ إِذَا يَرُونَ الْمُشْرِكُونَ أَنفُسَهُمْ فِي خُسْرَانٍ مُبِينٍ. » (لتالی الحکمة ۳، فقره ۸۳) (به زودی خداوند عزت کسانى را که به مطلع وحى ایمان آوردند ظاهر خواهد کرد؛ آن‌گاه مشرکان خود را در خسران مبین خواهند دید.)

۱۰ « اگر چه اليوم نفوس مشتعلۀ مقبله را لإقبالِهِم إلى کَلِمَةِ اللَّهِ ذَلَّتْ اخذ نموده و لكن عنقريب کلّ من علی الأرض باعزاز تمام بذکر آن نفوس مشغول شوند و ذاکر گردند. » (لتالی الحکمة ۳، فقره ۱۵۴)

۱۱ « طوبى للذين حملوا الشدائد فى سبيلى و حُبسوا لاسمى، ألا انهم تحت خباء عظمتى. سوف نطرز ديباج كتاب الابداع باسمائهم بين الاكوان. » (لتالی الحکمة ۲، فقره ۱۲۴، ص ۲۴۲) (مضمون: خوشا به حال کسانى که در راه من شداید و بلايا تحمل کردند و به نام من زندانى شدند؛ بدان که آنان تحت خیمۀ عظمت من قراردارند. به زودی به نام آنان و در میان اکوان، ديباجۀ کتاب ابداع را زينت خواهيم داد.)

۱۲ « ای احبای الهی... شکر کنید خدا را که مظاهر هدایتید و مطالع موهبت؛ اگر پرده و حجاب برخیزد و کشف غطا گردد، ملاحظه می‌نمایید که چه تاجی بر سر دارید و چه خلعتی در بر؛ ولی به حکمت الهیۀ این موهبت حال سرّ مکتوم است و رمز مصون و در استقبال ظاهر و آشکار گردد. » (حدیقه عرفان، ص ۱۶۶)

۱۳ « خداوند یکتا... در سنین معدودات در سجن اعظم محض فضل، شما (احبای الهی) را ذکر نموده و می‌نماید. اگر چه قدر این فضل نظر به عدم ظهور استعداد عالم اليوم معلوم نیست؛ و لكن حقّ جلّ جلاله عنقريب این مقام را ظاهر فرماید. » (حدیقه عرفان، ص ۱۰۲-۱۰۱)

۱۴ « بگو ای دوستان، قدر خود را بدانید؛ زود است که جمیع السن به ذکر شما ناطق و جمیع وجوه به شما متوجه خواهد شد؛ انه یُرفع امره کیف اراد؛ انه لهو المقتدر القدير. » (حدیقه عرفان، ص ۴۹) (مضمون جمله عربی: او هرگونه که بخواهد امرش بلند می‌نماید. همانا او مقتدر و توانا است.)

۱۵ « امروز شأن دوستان حق و مقامات ذکر و بیان نظر به عدم قابلیت خلق مستور و مکنون است؛ و لكن البته اصبع قدرت حجاب را خرق نماید و مقامات هر نفسی و مکافات هر عملی را ظاهر فرماید. اوست قادر و مقتدر. » (پیام آسمانی ۲، ص ۱۹۳)

۱۶ « جای تفکر و تبه است. مشاهده نمایید که به فرع چگونه متشبثند (داستان استقبال از کفش حضرت رسول الله توسط اولیای حکومت عثمانی) و از اصل چگونه غافل... چنانچه در این ایام، احدی اعتناء به حبس آن اسراء الله نداشته و ندارد؛ و لكن عنقريب به ذکر جزئیات ما ورد علیکم، ناطق خواهند شد. » (جمال ابهی، مائده ۴، ردیف ک، باب سوم، ص ۲۱۶)

۱۷) « از برای حق عبادی است یَحْرُقُونَ حجابِ الاوهام و یَحْرُقُونَ سبحاتِ الانام؛ اولئك لا یمنعهم ما فی ایدی النَّاس و لا ما ینطق به السنتهم الکاذبة. انهم انوار التوحید فی البلاد و انجم التجرید بین العباد. سوف ینظرون مقامهم علی من علی الارض.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۶- مجموعه الواح حضرت بهاء الله به خط مشکین قلم، ص ۲۶۶) (مضمون: می سوزانند پرده‌های اوهام را و فرومی ریزند موانع انام را؛ آنچه در دست مردمان است و آنچه بر زبان‌های دورغ پردازشان جاری است آنان را از حق باز نخواهد داشت. به راستی آنان انوار توحید در دیارها و ستارگان تجرید میان بندگان هستند. به زودی مقام آنان برای زمینیان ظاهر خواهد شد.)

۱۸) « لعمری سیفنی ما عند النَّاس و ینقی العزّة و الاقتدار لمن اقبل الی مطلع الانوار.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۴) (مضمون: قسم به جانم، به زودی آنچه نزد خلق است فانی خواهد شد و عزت و اقتدار برای کسانی که به مطلع انوار اقبال نمودند باقی خواهد ماند.)

۱۹) « عنقریب دنیا و آنچه در او است مفقود و ینقی العزّة لاجبّاء ربک العزیز الکریم.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله نشر آلمان، فقره ۱۴۰) (مضمون بخش عربی: و عزت و برگواری برای احبای پروردگار عزیز و کریمت باقی خواهد ماند.)

۲۰) « جند الله غالب بوده و خواهد بود.» (مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۳۳۷- دریای دانش، ص ۱۳۱)

۲۱) « یا معشر العلماء... این الدین کانا قبلکم؟ تفکروا یا اولی الابصار. طوبی لعالم خرق الحجاب الاکبر مقبلا الی المنظر الاطهر، انه من اعلى الخلق لدى الحق المتعال. سوف تفنی الدنیا و ما تفتخرون به و ینقی العزّة و الاقتدار للذین اقبلوا الی هذا الوجه الذی خضعت له الاعناق.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره ۱، ص ۴۰، لوح احبّاب) (مضمون: ای گروه علماء... کجايند آنان که قبل از شما بودند؟ بیندیشید ای صاحبان بینش. خوشا به حال عالمی که حجاب اکبر را درید و به منظر اطهر اقبال کرد، همانا او نزد حق بلند مرتبه، از والاترین خلق است. به زودی دنیا و آنچه به آن فخر می فروشید فانی خواهد شد و عزت و اقتدار برای کسانی که به این وجه اقبال کردند باقی خواهد ماند؛ وجهی که گردن‌ها نزد آن خم گشت.)

۲۲) « یا احبّائی... سوف یفتخرون من علی الارض باسمائکم و ینوحون علی ما ورد علیکم من الدین کفروا بالله فائق الاصباح.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره ۲، ص ۴۳) (مضمون: ای احبای من... به زودی اهل عالم به نام‌های شما افتخار خواهند کرد و بر آنچه که از دست کافران به خداوند- خداوندی که گشاینده بامدادان است- بر شما وارد شد، نوحه و ناله خواهند نمود.)

۲۳) « یا إلهی... أنزل من سحاب رحمتك ما يطهر به أفئدة محبيك و يقدس به قلوب عاشقيك. ثم ارفعهم برفعتك، ثم غلبهم على من على الارض و هذا ما وعدت به احبائك؛ بقولك الحق: "نريد أن نمّن على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم أئمة و نجعلهم الوارثين"^۱. (ادعیه حضرت محبوب، ص ۵۲) (مضمون: ای خدای من... از ابر رحمتت فرو فرست آنچه را که افتدۀ محبانت به آن پاکیزه می‌گردد و قلوب عاشقانت مقدّس می‌شود. سپس به بزرگیت آنان را برافراز، بعد بر اهل ارض غالبشان ساز و این چیزى است که احبایت را بدان وعده دادی، به فرموده‌ات: "اراده کردیم که بر ضعیف داشته‌شدگان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم.")

۲۴) « (از) اهل قریه هر که را مقبل الی الله دیدی من قبل الله (از جانب خدا) ذاکر شو و بگو محزون مباشید از آنچه بر شما وارد شده چه که بر جمال قدم اعظم از آن وارد... محزون مباشید از آنچه به تاراج رفت؛ زود است که جمیع من علی الارض به ذکر شما ذاکر شوند؛ اجر هیچ نفسی ضایع نشده و نخواهد شد.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۱۸۰)

۲۵) « سوف... تستضیء وجوه المخلصین.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۲) (مضمون: به زودی... سیمای مخلصان نورافشان خواهد شد.)

۲۶) « لا تحزن من البلیا، قد فصل الله بها بین المخلصین والمریبن. سوف یری الموحّدون عزّ أنفسهم و ارتفاع مقامهم و ما قدر لهم من لدن مقتدرٍ قدیر.» (نفحات الرحمن، ص ۸۱) (مضمون: از بلایا محزون مباش، خداوند به وسیله آن، میان مخلصان و شکاکان جدایی افکند. به زودی یکتاپرستان عزّت خود و ارتفاع مقام خود و آنچه را برایشان از نزد مقتدر توانا مقدّر شده، خواهند دید.)

۲۷) « عنقریب... مقبلین به کمال عزّ و تمکین (مشاهده شوند)؛ هذا حتم عند ربّک؛ انه لهو العلیم الخیر.» (آیات الهی ۱، ۳ دسامبر- قلم اعلی ۶، ص ۱۳۱- نیز منقول در توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۶) (مضمون عبارت عربی: این، نزد پروردگارت امری حتمی است.)

۲۸) « عنقریب... کلمة مباركة العزة لله و لا ولیائه ظاهر و هویدا گردد.» (آیات الهی ۱، ۲۰ دسامبر- قلم اعلی ۶، ص ۲۷۶) (مضمون عبارت عربی: عزّت و بزرگی از آن خداوند و برگزیدگان او است.)

۲۹) « الیوم مقامات عنایات الهی مستور است، چه که عرصه وجود استعداد ظهور آن را نداشته و ندارد؛ ولکن سوف یتظهر امراً من عنده.» (آیات الهی ۱، ۵ ژوئن) (مضمون عبارت: به زودی به فرمانی از نزد او، ظاهر خواهد شد.)

^۱ سوره قصص، آیه ۵.

۳۰ « لَعَمْرُ اللَّهِ (به خداوند قسم) در صحیفهٔ حمرا از قلم اعلی دربارۀ آن نفوس (نفوسی که الیوم فایز شدند) نازل شده آنچه شبه و مثل نداشته و ندارد. سوفَ تَظْهَرُ آثارُهُ و انوارُهُ.» (آیات الهی ۱، ۶ ژانویه) (مضمون عبارت عربی: به زودی آثارش و انوارش ظاهر خواهد شد.)

۳۱ « حقّ آگاه می‌فرماید عنقریب اعمال و افعال و اذکار عباد و اماء (کنیزان حقّ) در انجمن عالم ظاهر شود و بر منابر گفته آید.» (آیات الهی ۲، ۱۹ نوامبر)

۳۲ « ای دوستان الهی... از بلایای وارده محزون مباشید. عنقریب از افق نصر ربّانی شمس سرور طالع شود و اریاح عزّ مرور نماید و خباء مجد مرتفع گردد... هذا وعدٌ غیرُ مکذوب.» (آیات الهی ۲، ۲۹ ژانویه) (مضمون عبارت عربی: این وعده‌ای است راستین.)

۳۳ « قسم به انوار وجه، جمیع بلایا که (بر اولیای الهی) وارد شده، عنقریب کلّ به عطیۀ کبری و نعمت عظمی و مائده لا شبه لها (بی مانند) مبدّل شود.» (آیات الهی ۲، ۱۹ مارس)

۳۴ « زود است که عالم ترابی و آنچه در اوست فانی و معدوم شود و آنچه از قلم الهی در بارۀ احبّای او ثبت شده، باقی و دائم ماند.» (آیات الهی ۲، ۲۶ اوت)

۳۵ « اگر چه الیوم علمای عصر حجاب شده‌اند بین حقّ و خلق، و لکن زود است که کلّ... به ذکر احبّای الهی ناطق گردند.» (آیات الهی ۲، ۲۷ اکتبر)

۳۶ « (ای دوستان حقّ)، از شماتت اعداء... محزون مباشید؛ زود است که... به مدح و ثنا... تبدیل شود.» (آیات الهی ۲، ۲۹ اکتبر)

۳۷ « سوفَ یَظْهَرُ اللَّهُ... مقام احبّائه. انه لهو المهيمن على الاشياء.» (آیات الهی ۲، ۲ اکتبر) (مضمون: به زودی خداوند مقام احبّایش را ظاهر خواهد کرد. همانا او بر همه چیزها چیره است.)

۳۸ « لَعَمْرِي (قسم به جانم) آنچه مشهود، مفقود خواهد شد و الملك و الملكوت لِحَبَاءِ اللَّهِ الفرد العليم الخبير.» (آیات الهی ۲، ۲۸ آوریل) (مضمون بخش عربی: و ملك و ملكوت برای دوستان خداوند علیم خبیر خواهد بود.)

۳۹ « ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله امور بر خلاف رضاء از جبروت قضا واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید.» (منتخبات آثار حضرت بهاء الله، فقره ۱۵۳)

۴۰ « سوفَ یَنْصُرُ اللَّهُ احبّائه... إِنَّ هَذَا لِحَقٌّ مبین.» (جمال ابهی، امر و خلق ۴، ص ۴۷۷) (مضمون: به زودی خداوند دوستانش را یاری خواهد کرد... همانا این، حقیقتی معلوم است.)

۴۱ « لَعَمْرِي سيفي ما عند الناس و يبقى العزّة و الاقتدار لمن اقبل الى مطلع الانوار.» (مجموعه الواح حضرت بهاء الله به خط مشکین قلم، ص ۲۶۴- اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۴) (مضمون: قسم به

جانم، به زودی آنچه نزد مردم است فانی خواهد شد و بزرگواری و توانمندی برای کسانی که به مطلع انوار اقبال نمودند باقی خواهد ماند.

۴۲ « عنقریب آنچه در او (دنیا) است معدوم و مفقود خواهد شد و از برای نفوس عاملین مقدر شده آنچه که به او معادله نماید کنائز ارض.» (آیات الهی ۲، ص ۲۴۰)

۴۳ « و نفسه الحق، سوف یزین الله دیباچ کتاب الوجود بذكر احبائه الذين حملوا الرزایا فی سبيله و سافروا فی البلاد باسمه و ذكره.» (جمال قدم، مندرج در توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۵) (مضمون: قسم به نفس حق، به زودی خداوند دیباچه کتاب وجود را به ذکر احبائش که در راهش بلایا تحمّل کردند و به نامش و ذکرش سفر نمودند، زینت خواهد داد.)

۴۴ « سوف یظهر الله من هذا الافق نوراً... و (بها) نستضی و جوه المخلصین.» (جمال قدم، منقول در توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶) (مضمون: به زودی خداوند از این افق نوری ظاهر خواهد کرد... و (به آن) چهره‌های مخلصان را نورانی خواهیم نمود.)

۴۵ « ناظر به این مباش که احبای الهی در این ایام به ذلت ظاهره مبتلی شده‌اند؛ این ذلت فخر عزت‌هاست... زود است که سحاب مانعه خرق شود و شمس کلمه مشرقه العزة لله و لاحبائه از افق سماء مشیت مشرق و طالع گردد.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آمان، فقره ۱۴۰- آیات الهی ۱، ص ۹۹) (مضمون عبارت عربی: عزت و بزرگواری برای خداوند و دوستان او است.)

۴۶ « سوف... یلقى (الله) فی القلوب حب اولیائه، هذا حتم من لدن عزیز جمیل.» (مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۹۵- آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۳، ص ۴۶، لوح رئیس- نداء رب الجنود، بند ۲۱) (مضمون: به زودی خداوند محبت اولیائش را در قلوب خواهد افکند، این امری حتمی از نزد خداوند عزیز و جمیل است.)

۴۷ « عنقریب دنیا و آنچه در او است مفقود و بقی العزة لاحبائه ربك العزیز الکریم.» (آیات الهی ۱، ص ۹۹) (مضمون عبارت عربی: و عزت و بزرگواری برای دوستان پروردگار عزیز و کریمت باقی خواهد ماند.)

۴۸ « فسوف یظهر من کل شیء ما تفرح به افئدة الموحدين.» (حضرت بهاءالله، امر وخلق ۴ جلد، ص ۴۷۶- ۴۷۵) (مضمون: پس به زودی از هر چیزی ظاهر خواهد شد آنچه که قلب‌های یکتا پرستان را شادمان کند.)

۴۹ « عنقریب ذکر شما (ستم‌دیدگان بهاء) و جمیع دوستان حق، در جمیع بقاع ارض منتشر شود.» (جمال ابهی، امر وخلق ۴، ص ۴۷۷- مائده ۸، مطلب نودم، ص ۷۱)

۵۰ « آن روز (وقتی اعلام امریه بر بقاع ارض مرتفع شد) لسان‌های من علی الارض به ذکر و ثنای نفوس مقبله که الیوم به شطر احدیه توجه نموده‌اند، ناطق گردد و به حسرت تمام ذکر این ایام را نمایند.» (جمال ابهی، امروز خلق ۴، ص ۴۷۷)

۵۱ « زود است که حجات خرق شود و تجلی اسماء و صفات، اکثری از عباد را اخذ نماید و کلّ به تقدیس و تنزیه مقربان درگاه حق شهادت دهند، تا چه رسد بنفسه تعالی.» (مجموعه الواح جمال مبارک به خط جناب مشکین قلم، ص ۲۶۲ - اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۲)

۵۲ « سوف یُظهرُ الله ما كان مستوراً فی هذا الیوم و یریهم... مقام احبائه. انه لهو المهیمن علی الاشیاء.» (آیات الهی ۲، ص ۲۱۴) [مضمون: به زودی خداوند آنچه را در این روز (دور بهایی) مستور است ظاهر خواهد کرد... مقام احبای خود را به آنان نشان خواهد داد. همانا او، به راستی مهیمن است بر اشیاء]

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۵۳ « اهل ثبوت، عزیز و جلیل گردند.» (حضرت عبدالبهاء، مفاوضات مبارک، ص ۴۸)

۵۴ « ای یاران نورانی عبدالبهاء،... شما به تمجید ربّ مجید پردازید که در این دور جدید هر یک در میدان عرفان فرید و وحید گشتید. این عطا و این وفا و این الطاف بی منتهی هر چند در این ایام مستور و پنهان است، ولی عنقریب آشکار و عیان گردد که محرمان راز را چه ساز و آواز است و مقربان درگاه کبریا را چه عزّت در درگاه بی نیاز. عنقریب مشهود و واضح گردد که عبودیت آستان مقدّس سلطنت دو جهان است و بندگی درگاه احدیت سروری کون و مکان.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۲۵۳)

۵۵ « ای یاران الهی، شکر کنید خدا را که مورد نظر عنایت شدید و مظهر الطاف حضرت احدیت... هر چند این موهبت هنوز چنان که باید و شاید در معرض شهود جلوه‌گر نگشته و قدرش معلوم نیست، اما عنقریب فراز و نشیب عالم از این نور مبین بهره و نصیب گیرند. آن وقت معلوم و مشهود شود که سر وجود چه موهبتی در عرصه شهود ظاهر فرمود و هر یک از یاران مانند مه تابان در افق عزّت جاودان رخشنده و درخشنده و ظاهر و عیان گردند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۲۶۱)

۵۶ « وقوعات آنچه شده و می شود محض آنست که انسان بدانند امور در ید ملیک مقتدریست و البتّه دوستان خویش را منصور و مظفر خواهد فرمود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۲۸)

۵۷ « ملوک عالم، مملوک؛ در قید بستگی و مفلوک؛ ولی یاران شهریاران کشور آزادگی اند و کواکب روشن آسمان تقدیس و پاکی. عنقریب عزّت روحانیّه و عظمت معنویّه رحمانیّه یاران الهی حیرت بخش

عقول و افکار گردد و ثابت و محقق شود که ملک باقی چه لذت و عظمت و شادمانی دارد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره ۱۳۹)

۵۸ « آنچه در راه حق واقع، علت حصول عزت قدیمه است... عنقریب ملاحظه نمایی که هر ذلتی در سبیل حضرت مقصود سبب عزت و بزرگواری بود و هر زحمت و مشقتی علت راحت و رستگاری.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره ۳۱۲)

۵۹ « الطاف بی نهایت سلطان احدیت در حق مخلصین اگرچه به ظاهر عند الغافلین مشهود نه، ولكن عنقریب چون شمس لائحه در قطب امکان من دون ستر و حجاب، ظاهر خواهد گشت. البته در آن حین محتوم، نفوس متکاسله (تن پرور) پشیمان و نادم و محروم خواهند شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۳۶)

۶۰ « ای فایز به موهبت عظمی، در یوم لقا، در یوم ظهور مجلی بر طور، به شرف حضور فایز شدی... عنقریب عظمت این فوز لقا چنانچه در عوالم ملکوت الهی مشهود است، در این عالم ظاهر نیز واضح و مشهور گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۲۱۲)

۶۱ « عنقریب ملاحظه خواهید نمود که انوار عزت ابدیه بر رؤس یاران چنان بتابد که شرق و غرب روشن شود و جمیع احزاب به بندگان جمال قدم خطاب نمایند و تالله لقد اترکم الله علینا گویند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۲۱۶) (مضمون عبارت: به خداوند قسم و به راستی، خداوند شما را بر ما بزرگی بخشید.)

۶۲ « ای عائله محترمه، الحمد لله آن خانواده، مؤمن به خداوند یگانه‌اند و در سبیل الهی مورد طعن هر بیگانه... حضرت خدیجه را قریش بسبب التبیجه (بد نتیجه)، شاید کنایه از بی فرزندی البته قبل از ازدواج با حضرت رسول الله باشد) می‌گفتند و در هر دمی سهمی روا داشتند ولی آن مخدره نورانیه و ورقه رحمانیه شماتت و ملامت نفوس قبیحه را به کمال سرور و فرح و بشارت و بشاشت مقابلی می‌نمود... لهذا شما نیز در کمال سرور و فرح و بشارت و بشاشت شماتت و ملامت را تلقی نمایید. عنقریب خواهید دانست که این قدح عین مدح بود و این مذمت اعظم منقبت. شرق و غرب زبان به ستایش بندگان و اماء رحمن گشایند و تراب قدوم آنان را تبرک شمارند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۳۴۶)

۶۳ « عنقریب ملاحظه خواهید نمود که... وجوه ابرار به فیض انوار بتابد و روحانیت اخیار بر جسمانیت اشراق غلبه کند، هنالک یفرح المؤمنون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۴۳۲) (مضمون عبارت: آنگاه مؤمنان شادمانی خواهند کرد.)

۶۴ « العزّة والعلوّ والسّموّ والمکنة والشّوكة لاحباءالله في القرون الاولين و الآخريين. فسوف يظهر الله قدر احبائه و شان اصفیائه و عزّة اودائه و عظمتة مقام الموحّدين.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۴۱۴) (مضمون: در قرن‌های آغازین و آخرین، عزّت و الایبی و سربلندی و توانمندی و بزرگواری از آن احبای الهی بوده است. به زودی خداوند قدر و منزلت احبایش و شان و مقام اصفیانش و عزّت و بزرگواری دوستانش و عظمت مقام یکتاپرستان را آشکار خواهد کرد.)

۶۵ « خوشا به حال تو که به این آستان منسوبی و به این درگاه از بندگان محسوب. قسم به اسم اعظم که عنقریب این نسبت آرزوی شهریان عالم گردد و سرمایۀ افتخار ملوک امم.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۵، ص ۱۴)

۶۶ « ای ورقه نورا،... موقن به نیر آفاقی و مؤمن به حضرت مبشّر نیر اشراق... این فضلی است که کنوز آسمان و زمین به او معادله ننماید؛ هر چند حال نمودار نیست، ولكن عنقریب این دلبر حقیقت واضح و مشهود، در انجمن عالم چهره گشاید و جلوه نماید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۷، ص ۱۸۹)

۶۷ « (نطق مبارک در پاریس، ۲۸ نوامبر ۱۹۱۱) حالا من بشما می‌گویم، این را در خاطر داشته باشید. نورانیت شما آفاق را احاطه کند؛ قوۀ شما بر جمیع قوای عالم غالب گردد؛ روحانیت شما در جمیع اشیاء اثر کند؛ شماها شمع روشن عالم می‌شوید؛ ظلمات هر چه قوی باشد مقاومت نورانیت شما را نخواهد کرد؛ این وعده الهی است که به شماها می‌دهم؛ یقین داشته باشید و به قوۀ الهیۀ قیام کنید.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۲۳۳)

۶۸ « عنقریب به اسم سلالۀ شهداء افتخارها خواهند کرد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب نوزدهم از ردیف م، ص ۲۶۰)

۶۹ « هر چند اویس ساریان بود، ولی به ایمان و ایقان در یوم ظهور (حضرت محمد) چنین مقام پیدا نمود که بعد از هزار و سیصد سال سلاله‌اش ممتاز و مفتخرند و در این دور اسم اعظم و نور قدم و هیکل مکرم صد درجه اعظم است، ولی حال معلوم نیست؛ چنان که در دورۀ سابق در بدایت مجهول بود، عنقریب واضح گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۹، مطلب هشتم، ص ۸۸)

۷۰ « رَبُّ أَنْجِزْ بِنَا وَعِدَّتْ فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ بِصَرِيحِ كَلِمَاتِكَ فِي زُبْرِكَ وَالْوَاكِحِ، نَصْرَ الْمُخْلِصِينَ عَلَى نَشْرِ التَّفْحَاتِ وَ تَأْيِيدَ الْمُقْرَبِينَ بِمَلَائِكَةِ السَّمَوَاتِ وَ تَقْوِيَةَ النَّاشِرِينَ لِلْآثَارِ وَ الْآيَاتِ وَ تَكْرِيمِ الْمُنْجَذِبِينَ إِلَى جَمَالِ الرَّحْمَنِ.» (مجموعۀ مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۹۳) (مضمون: ای پروردگار، آنچه را در کتاب محکمت و زبر و الواحت به صریح بیانت وعده داده‌ای، وفا کن؛ وعده

داده‌ای که مخلصان را در نشر نفحات نصرت دهی، و مقربان را به ملائکة سماوات تأیید نمایی، و ناشرین آثار و آیات را تقویت کنی و منجذبان به جمالت رحمانت را تکریم نمایی.)

(۷۱) « ای یاران، الحمد لله سرگشته بادیة عشقید و گمگشته صحرای محبت الله... عنقریب ملوک و مملوک و وزیر و امیر و توانگر و درویش کلّ در تحت طبقات تراب مطمور و بی نام و نشان در زوایای قبور، و شما هر یک مانند نجم بازغ از افق حقیقت بر عالم وجود ساطع، (و) به مرور اعصار و قرون لامع؛ عزت ابدیه شما روزبه روز افزون گردد و در انجمن بالا با رخی روشن چنان جلوه نمایید که پرتو نورانی بر قرون و اعصار بتابد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۲۴۸ و فقره ۸۱)

(۷۲) « یا امة الله سیزول الاحتجاج و يتقشع غيوم مظلمة فی الآفاق... عند ذلك يظهر قدرکن بین ملل العالم و تقوم علی ثنائکن القبائل و الأمم و لك العبرة فی الأدوار السابفة و المظاهر المقدسة السالفة.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، بند ۶۱۸، ص ۵۱۹) (مضمون: ای کنیز الهی، به زودی خصومت و دشمنی زایل خواهد شد و ابرهای تاریک نفاق متلاشی خواهد گشت... آنگاه قدر و منزلت شما در میان ملل عالم نمودار خواهد شد و قبایل و امت‌ها به ثنایتان قیام خواهند کرد؛ خوب است که از ادوار گذشته و (پیروان) مظاهر مقدسه سابقه عبرت بگیری.)

(۷۳) « انّ النور سیحیط باماء منجذبات بنفحات الله و یشرق من وجوههن علی الأقطار.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، بند ۶۱۸، ص ۵۲۰) (مضمون: به زوی نور الهی اماء منجذب به نفحات ربّانی را فرا خواهد گرفت و از چهره‌هایشان به سرزمین‌های دیگر خواهد درخشید.)

(۷۴) « یا احباء الله هل من معطٍ غیر الله یختص برحمته من یشاء؟ سیفتح علیکم ابواب معرفته و یملاً قلوبکم بمحبته و یشیر ارواحکم بمرور نفحات قدسه و یضیء وجهکم بنوره المبین و یعلو به ذکرکم بین العالمین انّ ربکم لرحمن رحیم.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، بند ۱۵۷، ص ۱۸۲) (مضمون: ای احبای الهی، آیا غیر از خداوند بخشنده‌ای هست؟ خداوندی که رحمتش را به هر کسی که بخواهد اختصاص می‌دهد؟ به زودی درب‌های معرفتش را باز خواهد کرد و قلوب شما از محبتش سرشار خواهد شد و ارواحتان به مرور نفحات قدسش بشارت خواهد یافت و چهره‌هایتان به نور آشکارش نورانی خواهد شد و نامتان میان عالمیان بلند خواهد گشت؛ همانا پروردگارتان به راستی بخشنده و بخشاینده است.)

(۷۵) « یا احباء الله... سیؤیدکم بجنود لم تروها و ینجدکم بجیوش الالهام من الملاء الاعلی و یرسل الیکم نفحات جنته العلیا و یعطر مشامکم بانفاس طیب تعبق من ریاض الملاء الاعلی و ینفخ فی قلبکم روح الحیات و یدخلکم سفینه النجات و یریکم آیاته البینات انّ هذا لهو الفضل العظیم انّ هذا لهو الفوز

المبین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، بند ۱۵۷، ص ۱۸۲) (مضمون: ای احبای الهی...، به زودی (خداوند) با لشکریان نادیدنی تأییدتان خواهد کرد و با سپاهیان الهام، نازل از ملاء اعلی، یاریتان خواهد نمود و بوهای خوش جنت ابهائش را برایتان خواهد فرستاد و مشامتان را به نسیم‌های پاکیزه‌ای که از بستان‌های ملاء اعلی می‌وزد، معطر خواهد کرد و در قلبتان روح حیات خواهد دمید و در سفینه نجات داخلتان خواهد کرد و آیات حقانیتش را به شما نشان خواهد داد؛ همانا این فضلی عظیم است، این فوزی مبین است.)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۷۶) « بهاییان... عنقریب زمام امور را به دست گیرند و علم استقلال حقیقی را علی رؤس الاشهاد بر افرازند و شوکت و سطوت دیرینه را در انظار اهل مکر و حسد و ظلم و ارتیاب مشکوف و مشهود سازند.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۷)

(۷۷) « عنقریب کل شهادت دهند که بهاییان کاسر اصنام اوهامند و از تعصبات جاهلانه فارغ و آزاد، هوشمند و غیورند و توانا و مقتدر، با درایت و کفایتند و خیرخواه دولت و ملت، پرنشئه و نشاطند و از پیشرفت مقاصدشان پرهجت و انبساط، مستمد از فیض فیاضند و متکل بر امدادات متابعه حضرت بی نیاز، عده اشان یوماً فیوماً در ازدیاد و انفاس مسکیه قدسیه شان آناً فاناً در انتشار، در اکثر اقالیم با روحی پرفتوح چون فارسان دلیر به تسخیر قلوب و تطهیر اخلاق و تزکیه نفوس مانوس.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام نوروز ۱۹۸۶ معهد اعلی - مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۴)

(۷۸) « عنقریب کل شهادت دهند که بهاییان... حاملین پیام نجاتند و رافعین خیمه وحدت عالم انسان.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام نوروز ۱۹۸۶ معهد اعلی)

(۷۹) « (احبای الهی) به یقین مبین بدانند که در بحبوحه انقلاب و اضطراب و اغتشاش و اعتراض و طغیان دول و امم و قبایل و ملل... وحدت اصلیه و متانت اساس و علو منزلت جامعه پیروانش (پیروان امرالله) بر عالمیان مکشوف و مبرهن گردد.» [حضرت ولی امرالله، مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۷]

(۸۰) « چون بر تعداد و جمعیت جامعه‌های بهایی افزوده شود و قوتشان به عنوان یک نیروی اجتماعی نمایانتر گردد، اهل بهاء ناگاه مشاهده نمایند که اولیاء امور و ارباب نفوذ در عالم سیاست آنان را تحت فشار خواهند گذاشت به این امید که برای پیشبرد مقاصد سیاسی خود از آنان مدد گیرند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۸۷-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۲)

(۸۱) « حضرت بهاءالله در بیان مبارکی چنان نفوس عزیز را چنین ستایش می‌فرماید: "و نفسه الحق سوف یزین الله دیاج کتاب الوجود به ذکر احبائه الذین حملوا الرزایا فی سبيله و سافروا فی البلاد باسمه و ذکره و یفتخر کل من فاز بلقائهم بین العباد و یتنیر بذکرهم من فی البلاد.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۳۳- مائده آسمانی ۶، ردیف ۳ از باب چهارم، ص ۲۳) (مضمون بخش عربی: قسم به نفس برحقش، آن روز نزدیک می‌شود که خداوند دیباچه کتاب وجود را به ذکر احبایش زینت دهد، کسانی که در راهش تحمل بلایا کردند و به نامش و ذکرش در سرزمین‌ها سفر نمودند؛ و هر کسی از بندگان خدا که به دیدارشان فایز شده، به این موضوع افتخار خواهد کرد و قلوب اهل دیارها به یادشان نورانی خواهد شد.)

(۸۲) « این هیجان و اضطراب (دماء مسفوکة در سبیل امرالهی) هیچ شبهه‌ای نبوده (که) به امن و امان و راحت و اطمینان و... تعزیز و نصرت احباً... مبدل خواهد گشت.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۲۵)

(۸۳) « (از جمله) آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور (و) به تدریج از حیز غیب به عرصه شهود خواهد آمد... تحقق و عود کتاب اقدس و استظلال یاران ستمدیده الهی در موطن رحمانی، در ظل صون و معدلت شهریاری^۱ (است).» (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۷-۸۱۶)

(۸۴) « هنوز در این عالم، توفیقات عظیمه در انتظار ما است؛ و مطمئنیم به عنایت و هدایت لاینقطع او (حضرت بهاءالله)، چه در حال و چه در آینده، شایستگی خود را برای تحقق مقصد عظیم حضرتش برای نوع بشر، ثابت خواهیم کرد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۱۶)

(۸۵) « (احبای الهی) باید به سوی آینده گام بردارند؛ با اطمینان راسخ به این که ساعت قدرتمندانه‌ترین اقداماتشان و عالی‌ترین فرصت‌ها برای عظیم‌ترین فتوحاتشان الزاماً باید مصادف باشد با طغیان و بحرانی مکاشفه‌ای (رستاخیزی) که نشان از سقوط اقبال سریعاً رو به زوال بشریت به پایین‌ترین حد ممکن، خواهد داشت.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، گوهر یکتای انگلیسی، ص ۱۹۲)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۸۶) « برگزیدگان جمال کبریا (یاران عزیز مهد امرالله در جمیع بلاد عالم)... یقین نمایند که آیه "فسوف ینزل علی احبائه ما یجعلهم به غالباً علی کل شیء و انهم بعد ما غلبوا سیغلبون" در حق ایشان نازل.» (پیام مارس ۱۹۸۶، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۶۵) (مضمون بخش عربی: به زودی نازل می‌کند بر

^۱ از آنجا که کتاب مستطاب گاد پسر بای در سال ۱۹۴۴ مرقوم گشته و محمد رضا شاه از سال ۱۹۴۱ تا سال ۱۹۷۹ سلطنت کرده و در زمان حکومت او، نشانی از این "صون و معدلت شهریاری" مشاهده نشد؛ لذا شهریار مورد اشاره شخصیتی مربوط به دوره بعد از جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

احبایش آنچه را که آنان را غالب بر هر چیزی خواهد کرد و آنان بعد از آن که مغلوب شدند، به زودی غالب خواهند شد.)

(۸۷) « فی الحقیقه ربّ الجنود وعده فرموده است که فتح و ظفری محتوم و کامل نصیب یارانش خواهد بود.» (پیام رضوان ۱۹۹۶)

(۸۸) « آیا حضرت بهاء الله با این کلمات پرهیمه در نصایح محبت آمیز خود وعده نفرموده و قوت و قدرت عنایت ننموده‌اند که می‌فرمایند: "از حوادث دنیا محزون مباشید؛ بحر فرح، لقای شما را آمل؛ چه که هر خیری مخصوص شما خلق شده و به مقتضای اوقات ظاهر خواهد شد؟"» (پیام رضوان ۲۰۰۲)

۷۳. احبای ایران (۴۳)

الف) از آثار حضرت بهاء الله

(۱) « جمال مبارك جلّ ثنائه، به اصرح کلام، اهل بهاء (در کشور مقدس ایران) را بشارت داده و وعده فرموده‌اند که: "...قسم به سلطان وجود، عنقریب جمیع این بساطها (ظلم ظالمین و اعراض معرضین و ضوضاء فاسقین) بر چیده شود... و در عرصه هستی و انجمن عالم ذکر شما و مقامات شما و آنچه از شما ظاهر شده و یا در سیل حق بر شما وارد گشته، حرف به حرف ظاهر شود و در عالم منتشر گردد.» (جمال ابهی، مندرج در پیام معهد اعلی، مارس ۱۹۸۶، مجموعه بشارت جان‌فزا، ص ۶۵)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۲) « این ظلم‌های وارده، به فرموده مظهر احدیه، تدارک عدل اعظم می‌نماید و این انقلاب و هیجان، بنفسه، مقدمه نجات و استخلاص آن ستم‌دیدگان و شیفتگان روی جمال رحمن (احبای ایران) از قیود صد ساله امریزدان در آن سامان است.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۷)

(۳) « روزی (در ایران) سرّ مکنون معلوم و مشهود شود و اسرار ملکوت، علی رؤس الاشهاد اعلان گردد؛ وقتش خواهد رسید.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۲۵)

(۴) « زود است که... مظلومان ایران فخر جهان و مقتدای جهانیان گردند؛ و انّ هذا الوعد، غیر مکذوب.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۱۹) (مضمون عبارت عربی: و همانا این وعده، تکذیب‌ناپذیر است.)

- (۵) « هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده قضا مکنون و تحقق مواعید جان‌پرورش به وقت دیگر مرهون... اغنام ستمدیده (احبای ایران) در کمال رفاهیت و جلال، در ظلّ رایت عدل محشور و مجتمع گردند.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۸)
- (۶) « (خطاب به بازماندگان شهدای جهرم) زود است منتقم قهار... یاران مقهور (ایران) را مفتخر و آزاد و عزیز و دلشاد فرماید. لا یبقی حرف الا و قد یراه المنصفون مستویاً علی عرش الظهور.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۴) (مضمون بخش عربی: حرفی باقی نمی‌ماند مگر آن که منصفان آن را مستوی بر عرش ظهور خواهند دید.)
- (۷) « ای منقد قدیر... سراج آزادی وجدان را در قلب آن سامان (ایران) برافروز... تا انجمن روحانیان در آن بلدان... مبادی سامیه حضرت بهاءالله را علی رؤس الاشهاد فریاد زنند و مردگان ناسوت را از نسائم یوم موعود حیات و نشئه جدید بخشند. ارکان مدنیت الهیه بنهند و قصر مشید وحدت عالم انسانی را مرتفع سازند. مصدر اختراعات عظیمه گردند و مرکز اکتشافات عجیبه شوند. اسم اعظم را مشتهر در آفاق گردانند و عالم ادنی را مرآت جهان بالا نمایند.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۹)
- (۸) « قدر این نفوس زکیّه (مانند حضرت امین الهی که صعود نموده بوده) الیوم معلوم نه. سوف یفتخر بهم رجال الارض و یتذکر آثارهم اهل الانشاء و یتباهی بهم الجمهور علی وجه الغبراء.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۹۳) (مضمون بخش عربی: به زودی رجال ارض به آنان افتخار خواهند کرد و همه خلق از آثارشان پند خواهند گرفت و تمام مردم، در همه جهان، به آنان خواهند بالید.)
- (۹) « این عبد (حضرت ولی امرالله) ... یاران (ایران) را به صبر و شکیبایی و تحمل این مشقات و متاعب و مصائب دلالت نماید، الی ان یُنجز الله وعده.» (۱۳ شهرالقدره ۱۰۴ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۱) (مضمون عبارت: تا این که خداوند به وعده‌اش وفا کند.)
- (۱۰) « نخستین علائم آزادی موعود آنان (احبای ستمدیده ایران)، همان گونه که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده است، بدایتاً باید به واسطه مجاهدات برادرانشان در آن جمهوری آزادی‌دوست مغرب زمین (منظور ایالات متحده آمریکا است) ظاهر و عیان گردد.» (ترجمه) (کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۱۱۷)
- (۱۱) « برای... آزادی و شناسایی و فتح و فیروزی جامعه یاران (در ایران) دعا می‌کنم.» (حضرت ولی امرالله، تلگراف ۲۲ فوریه ۱۹۵۰، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۱۶)
- (۱۲) « این عبد (حضرت ولی امرالله)، در احیان زیارت و فراغت... طلوع شمس عزت و اقبال اهل بهاء را از افق آن اقلیم پر بلا (کشور ایران) راجی.» (مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۷۱)

۱۳) « اگر چنانچه تلاطم دریای بلا ازدیاد یابد و طوفان محن و رزایا از شش جهت آن جمعیت مظلوم (بهایان ایران) را احاطه نماید، به حقّ یقین بدانید و آنی متردّد (شکاک) ننمایید که میعاد نجات و میقات جلوه موعودۀ دیرینه نزدیک گشته و وسایل اخیرۀ فوز و نصرت عظمی از برای ملت ستمدیده بهاء در آن کشور (ایران) مهیا و فراهم شده. قدم ثابت لازم و عزم راسخ واجب تا این مراحل باقیه طی گردد و مقصود و آمال اهل بهاء در اعلی المقامات پدیدار گردد و جلوه‌ای حیرت انگیز نماید. هذه سنة الله و لن تجد لسنة تبدیلا. » (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ معهد اعلی، مجموعه بشارات جانفرا، ص ۳۶) (مضمون عبارت عربی: این روش و سنت خداوند است و برای سنت او هرگز تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.)

۱۴) « مشیت حیّ قدیر بر این تعلق گرفته... که خاصان حقّ، در کشور مقدّس ایران مال و منال، حتی دمّ مطهر خویش را ایثار نمایند تا... به مرور ایام، اقوام و قبایل و ملل متنوعه متباغضه اروپ و امریک و تاجیک و افریک را در ظلّ ظلیلش در آورد و تألیف دهد. » (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ژانویه ۱۹۸۵، مجموعه بشارات جانفرا، ص ۵۰)

۱۵) « به مرور ایام و تتابع شهر و اعوام آنچه (برای ایران) در هویت این امر خفیّ الطف اعزّ اعلی مکنون و مخزون و مندمج است، مکشوف و پدیدار گردد و رفعت مقام آن سروران عظام (اعضای محفل روحانی مرکزی ایران) در مابین انام واضح و مبرهن شود؛ و انّ هذا لوعده غیر مکذوب. » (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه توقیعات ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۷۸، ۳۰ آوریل ۱۹۲۸) (مضمون عبارت عربی: همانا این وعده راستین است.)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۶) « هرچه کار صعب تر و موانع بیشتر، آتش غیرت احبّای جمال مبارک تیزتر و هرچه عزم یاران در خدمت آستانش راسخ تر، تأییدات غیبیّه مبارکه اش شامل تر و هرچه عنایات فائقه اش شدیدتر... میعاد استقرار یاران باوفایش (در کشور ایران) بر کرسی عزّت و جلال قریب تر. » (پیام آوریل ۱۹۶۴ - جزوه ۴، ص ۱۱۶)

۱۷) « آرزوی شدید این بندگان آستان (اعضای بیت العدل اعظم الهی) چنانست که یاران عزیز ایران چون بحر رحمت بجوشند و چون سحاب عنایت بخروشند تا پرتو نیر آفاق در وثاق (خانه، خلوتکده) هر مشتاق افتد و کوکب آمالشان از افق سعادت ابدی بدرخشد و جمیع، عاقبت به ملک عافیت درآیند و بر مسند عزّت موعود نشینند. » (پیام ۲۹ نوامبر ۱۹۷۶ / ۷ شهر القبول ۱۳۳ بدیع)

- ۱۸) « امیدوار از عنایات حضرت پروردگار چنانیم که ابواب رخا و آسایش بر وجه (یاران عزیز و ثابت قدم و جانفشان ایران = بهاییان ایران) گشایش یابد. » (پیام نوروز = ۲۱ مارس ۱۹۷۹ - جزوه ۴۱، ص ۱۰۲)
- ۱۹) « به زودی روزی فرارسد که داستان‌های این "سرخوشان مست دل از دست رفته" (قهرمانان میدان وفا در کشور مقدس ایران)... به آب زر بر دیباچه کتاب فدا بنویسند و همچنان که امروز شرح پریشانی و قربانی اصحاب وفا در عصر رسولی موجب اشتعال نار محبة الله در قلوب ماست، داستان‌های این ایام نیز به مرور اعصار و دهور باعث وله و نشاط و سرور و امتنان اهل عالم در ادوار آینده گردد. » (شهرالاسماء ۱۳۸ بدیع = آگوست ۱۹۸۱، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۴۱)
- ۲۰) « ثمرات این بلیات و صدمات (وارد بر احبای ایران)، در مستقبل ایام چون شمس ظاهر و معلوم گردد و نتیجه این پریشانی و ویرانی احبای، بعد از این، بر وجه یاران و دشمنان هر دو مکشوف شود. » (حضرت ولی امرالله - مندرج در پیام شهرالاسماء ۱۳۸ بدیع = آگوست یا سپتامبر ۱۹۸۱)
- ۲۱) « این وقایع و مشکلات (مصائب احبای ایران)، فتح و ظفر عظیمی را (برای احبای ایران) به دنبال دارد. » (پیام ۱۳۶۲/۷/۱۵) (۷ اکتبر ۱۹۸۳)
- ۲۲) « در بهار روحانی که بلافاصله بعد از صولت زمستان آفاق را فراگیرد، غنچه آمال آن عزیزان (یاران ایران) در موطن جمال ابهی بشکفد و آن حبیبان مظلوم و باوفا را بر مسند عزت نشانند و در جمع روحانیان مشار بالبنان کند. » (پیام ۱۳۶۳/۱/۱۹) (۸ آوریل ۱۹۸۴)
- ۲۳) « احبای ایران... مطمئن باشند که آینده بسیار درخشان خواهد بود. » (پیام ۱۹۸۴، جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۵۸)
- ۲۴) « قرارگرفتن موضوع (تضییع حقوق بهاییان ایران) در دستور جلسه مجمع عمومی (سازمان ملل)... مقدمه فرارسیدن روزی خواهد بود که آزادی کامل امرالله در آن سرزمین (ایران) تحقق یابد. » (۱۷ دسامبر ۱۹۸۵)
- ۲۵) « جمال مبارک جل ثنائه به اصح کلام اهل بهاء را بشارت داده و وعده فرموده‌اند که: "... ظلم ظالمین و اعراض معرضین و ضوضاء فاسقین شما (احبای ایران) را محزون نماید. قسم به سلطان وجود، عنقریب... در عرصه هستی و انجمن عالم ذکر شما و مقامات شما و آنچه از شما ظاهر شده و یا در سبیل حق بر شما وارد گشته، حرف به حرف ظاهر شود و در عالم منتشر گردد. » (پیام نوروز ۱۹۸۶ = ۱۴۳ بدیع)
- ۲۶) « شکی نبوده و نیست که... غلبه امرالله (در ایران) محقق گردد. » (پیام نوروز = ۲۱ مارس ۱۹۸۶)

۲۷) « برگزیدگان جمال کبریا (یاران عزیز مهد امرالله در جمیع بلاد عالم)... یقین نمایند که آیه: " فسوف ينزل على احبائهم ما يجعلهم به غالبا على كل شيى و انهم بعد ما غلبوا سيغلبون" در حق ایشان نازل.» (پیام مارس ۱۹۸۶، مجموعهٔ بشارات جان‌فزا، ص ۶۵) (مضمون بخش عربی: به زودی بر احبائش نازل خواهد شد آنچه که آنان را بر هر چیزی غالب خواهد کرد؛ زیرا آنان بعد از آن که مغلوب شدند، غلبه خواهند یافت.)

۲۸) « از آستان مبارک رجا کنیم که انتصارات عظیمه... از جمله، سبب طلوع شمس راحت و رخا از افق آن اقلیم (ایران) گردد و آن ستمدیدگان (احبای ایران) را از جمیع جهات آسوده و سربلند سازد.» (پیام ۲۲ آوریل ۱۹۸۶- جزوهٔ دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱۰۲)

۲۹) « البته این سحاب تیره (دشمنان و معاندان امرالله) از آسمان آن اقلیم (ایران) زایل شود و انوار عظمت امر جمال قدم و عزت پیروان اسم اعظم از افق آن کشور مکرم درخشنده و تابان گردد.» (پیام ۲۸ آوریل ۱۹۸۷- جزوهٔ ۴۱، ص ۹۸)

۳۰) « دلدادگان جمال جانان در کشور مقدس ایران... به یقین مبین بدانند که ظلمت این ایام شداد به نور فرح و سرور تبدیل خواهد شد.» (پیام نوروز= ۲۱ مارس ۱۹۹۰- جزوهٔ ۴۱، ص ۱۰۵)

۳۱) « احبای عزیز وفادار و ثابت قدم در آن کشور مقدس (ایران) باید مطمئن باشند که اوضاع و احوال بدین منوال نخواهد ماند و انشاءالله عزیزان ایران نیز به رفاه ظاهری نائل شوند و جبران این مشقات و سختی‌ها می‌شود.» (پیام ۱۷ فوریه ۱۹۹۱)

۳۲) « جامعهٔ بهایی (ایران) اقلیتی خلاق و نمونه‌ای از تمدن آیندهٔ مورد نظر حضرت بهاءالله و نشانه‌ای از ارادهٔ آهنگین آن جمال مبین، برای تحقق مقصد اعلای خویش است.» (پیام خطاب به احبای ایران، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳)

۳۳) « شب تیرهٔ تضییقات به سر آید و (شما بهاییان ایران) عظمت و جلال بنیان قوی‌الارکانی را که با جانبازی و فداکاری بنا نهاده آید، با سرور و مباهات مشاهده خواهید کرد.» (پیام ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳)

۳۴) « احبای عزیز باید مطمئن باشند که جمال اقدس ابهی پیروان مظلوم خود (در ایران) را در هر حال، ملحوظ لحاظ عنایت و حفاظت و مشمول الطاف مشفقانهٔ خود داشته و فتح و ظفر نهایی و افتخار ابدی را از برای آنان مقدر داشته‌اند.» (۳۱ می ۲۰۰۶)

۳۵) « احبای ایران همچون نیاکان روحانی خود نقش خود را در راه تحقق نوایای مقدسهٔ الهیه با موفقیت انجام داده و خواهند داد.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

- (۳۶) « صبر و اصطبار بیش از پیش لازم و آمادگی کامل جامعه برای قبول مسئولیت‌های مضاعفه ناشی از رفع موانع و محدودیت‌ها واجب تا در میقات معین و به اراده جمال قدم، ابواب رخا بر وجه احبای (ایران) گشوده شود؛ یار دلنشین رخ بگشاید و روز پیروزی جلوه نماید.» (پیام ۲۹ جون ۲۰۰۶)
- (۳۷) « این گونه وقایع (مثل دستگیری ۵۴ نفر از جوانان بهایی شیراز) و نتایج حاصله از آن،... فرارسیدن روز موعود را بشارت می‌دهد.» (پیام ۵ نوامبر ۲۰۰۶)
- (۳۸) « آنچه را که یاران و یاوران حضرت رحمان در کشور مقدس ایران در این دوران پرافتخار تحمل می‌نمایند، درد و الم تولد عصری جدید در تاریخ امر مبارک در آن سرزمین است.» (پیام ۲۸ آپریل ۲۰۰۸)
- (۳۹) « ما مشتاقان (اعضاء بیت العدل اعظم الهی) نیز در اعتاب مقدسه علیا به راز و نیاز مشغولیم و در کمال تضرع و ابتهاج از جمال اقدس ابهی مسئلت می‌نماییم که... روز استخلاص و رهایی شما عزیزان (احبای ایران) از قید تعصبات واهیه و تضییقات دیرینه هرچه زودتر فرا رسد.» (بیت العدل اعظم، پیام ۱۵ اسفند ۱۳۸۷) (۵ مارس ۲۰۰۹)
- (۴۰) « وسایل پایان کامل تضییقات و آزادی امر مبارک در آن سرزمین (ایران) نیز در میقات معین به ید غیبی الهی مهیا خواهد شد؛ مطمئن باشید.» (پیام ۱۳ ژانویه ۲۰۱۳)
- (۴۱) « ید قدرت الهی... برای احبای ممتحن ایران نقشی مخصوص در انجام نوایای حضرت غنی متعال (ایجاد جهانی بدیع و آراسته به سجایای روحانی) معین کرده است و از افتخارات احبای عزیز ایران آن است که جامعه اسم اعظم در آن سرزمین همیشه کوشیده است خود را بیش از پیش آماده این نقش سازد.» (معهد اعلی، ۲۴ جولای ۲۰۱۳، خطاب به یکی از احبای)
- (۴۲) « تعمق و تتبع در آثار مبارکه و دست‌خط‌های بیت العدل اعظم، بیانگر آنست که راهی که جمال مبارک برای بلوغ و اتساع قابلیت جامعه ی بهایی در مهد امرالله برگزیده، هر چند ممزوج به انواع بلایا است، ولی در منظر مقصودش بروز جامعه‌ای قوی و مستحکم است که قادر به انجام رسالت عظیم خود خواهد بود.» (معهد اعلی، ۲۴ جولای ۲۰۱۳، خطاب به یکی از احبای)
- (۴۳) « لازمه استقامت و ادامه اقامت در ایران، فداکاری و از خود گذشتگی، اطمینان به قوه کلمه‌الله و قدرت میثاق و تشبث به جبل اتحاد است و نتیجه آن، رشد روحانی فردی و تقرب به آستان مبارک و بر طبق وعود الهی، حصول عنایت لاتحصی در عوالم الهی برای شخص مؤمن، پیشرفت امرالله و مآلاً تاسیس وحدت عالم انسانی می‌باشد.» (معهد اعلی، ۲۴ جولای ۲۰۱۳، خطاب به یکی از احبای)

۷۴. احبای آمریکا (۳۹)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « عنقریب ملاحظه می‌نمایی که در آمریکا مراکز متعدده به جهت نشر تعالیم الهیه ترتیب داده خواهد شد و عاقبت جمیع کنائس به جهت استماع نطق اماء الرحمن و بیان احبای الهی باز و گشوده خواهد گشت.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۷، ص ۱۲۲)

۲) « این ندای الهی، چون از خطه امریک به اروپ و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد، احبای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازه بزرگواریشان جهان‌گیر گردد.» (حضرت عبدالبهاء، نقل در حصن حصین شریعت الله، ص ۲۵) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۳) « از پیش به یاران مرقوم گردید و همچنین شفاهاً بیان شد که البتّه یاران غرب (از جمله امریکا) را نصیب و بهره از بلایای دوستان شرق خواهد بود؛ لابد در سبیل حضرت بهاء الله مورد اذیت اهل جفا خواهند گشت.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۱۹۶، (۹ سپتامبر ۱۹۰۹) - منقول در مجموعه بحران‌ها و پیروزی‌ها، بند ۱۰)

۴) « عنقریب در آن دیار (آمریکا)، اشرار ملامت ابرار نمایند و شماتت اختیار کنند؛ هر روز لطمه‌ای زنند و هر آن صدمه‌ای وارد آورند؛ جمیع یاران را به جهت محبت بهاء و عبدالبهاء سرزنش کنند و شماتت و ملامت روا دارند و به قدر امکان در اذیت قصور نمایند.» (حضرت عبدالبهاء، مجموعه بحران‌ها و پیروزی‌ها، بند ۱۳)

۵) « ابر بهاری، به عنایت و شفقت پدر آسمانیم بر شما (احبای آمریکا) ببارد و شاخ و برگ این نهال نوحاسته (امرالله) به همه جا کشیده شود.» (حضرت عبدالبهاء، منقول در توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۴۵)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۶) « حضرت عبدالبهاء... در وقتی که ناله جهان زیر بار سنگین جنگی مهلک (جنگ جهانی اول) به عنان آسمان رسیده بود، خطاب به آن جامعه (جامعه بهاییان آمریکا) بیان فرموده است: «قطعه امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۴)

(۷) «جامعه بهایی امریکای شمالی... هم محرک اصلی و هم نمونه و الگوی جامعه‌های آینده است که باید در سراسر نیم‌کره غربی، در ظلّ امر حضرت بهاءالله به وجود آید.» (ظهور عدل الهی، ص ۴)

(۸) «در لوح دیگر (از آثار حضرت عبدالبهاء) خطاب به جمیع یاران قاره امریکای شمالی این بشارت مثبت است: "موقّیت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته، عنقریب خواهید دید که هر یک مانند ستاره‌های درّی درخشنده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیه اهل امریک شدید."» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۵)

(۹) «تأثیرات عظیمه فرمان صادر از قلم مهیمن سالار جند بهاء خطاب به انصار دین الله و علمداران شریعت سمحاء در قاره امریکا (الواح طرح ملکوتی^۱)، ولوله در قارّات خمسّه دنیا و جزائر دو محیط اعظم اندازد.» (توقیع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

(۱۰) «هر کس که بخواهد مقام بلند یکتایی را که به جامعه بهایی امریکا اعطاء گشته کم بشمرد، یا در نقش مهمّی که در آینده ایام ایفا خواهد کرد شک و تردید نماید، خوب است در این کلمات بارور و روشنگر حضرت عبدالبهاء تأمل نماید که... فرموده است: «قطعه امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۱)

(۱۱) «کامل کردن آن سلاح‌ها (صفات و کمالات عالیه) و به کار بردن مؤثر و درست و خردمندانه آن‌ها است که بهاییان امریکا را... تأیید خواهد کرد و برای زمانی آماده خواهد ساخت که دست تقدیر، آنان را برای مساعدت در ایجاد و به کار انداختن نظمی جهانی که حال در کالبد مؤسّسات اداری آیین مقدّسشان در حال تکوین است، هدایت خواهد نمود.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۲۱)

(۱۲) «تحقق وعود و بشاراتی که برای آن عزیزان (احبای امریکا) مقدر گشته، محتوم (است).» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۸)

(۱۳) «نسل حاضر (احبای امریکا) که... محلّ الطاف و توجّهات مخصوصه مرکز عهد و میثاق الهی... واقع، قدم به قدم پیشرفت خواهد نمود و روزه‌روز تقویت و تقدّم خواهد یافت، تا با اختتام قرن اول دور بهایی، مشعل هدایت الهیه را که به یقین مبین از تند باد حوادث و تطوّرات عالم کون مصون و محفوظ باقی خواهد ماند، به نسل‌های آتی که در قرن ثانی این دور اعظم جانشین آن خدام ملکوت خواهند گشت واگذارد، تا آنان نیز به نوبه خویش... این نور مبین و پرتو امر حضرت ربّ العالمین را... به مظلم‌ترین

^۱ به مجت ۷۹ مراجعه شود.

زویای ارض کشانند و از اشراق انوار هدی و شعشعات ملکوت ابهی^۱، عالم و عالمیان را روشن و منور سازند.» (ظهور عدل الهی، ترجمه مودت، ص ۱۵۶)

۱۴ « اعضای برازنده آن جامعه (جامعه بهاییان آمریکا)... به حق، در خور آنند که کشورشان مهد نظم جدید جهانی^۲ و نیز حصن حصین آن نظم به شمار آید؛ نظمی که هم موعود و هم مظهر جلال و عظمت دور حضرت بهاءالله است.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۳)

۱۵ « هر چند دشمنان عنود در هر زمان که در اجراء وظائف مخصوصان توفیق حاصل گردد، با لشگری جرّار، بی رحمانه و با عزمی جزم، بر شما (احبای آمریکا) هجوم شدید نمایند؛ ولی چنان که موعود است جنود غیبی ملاءاعلی آن سالکان سیل استقامت و وفاء را امداد فرماید و بر اضمحلال قوای دشمنان پرکین پیروز سازد و به یأس و خسرا نشان اندازد.»^۳ (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۸)

۱۶ « یاران آمریکا استعداد و لیاقت آن را دارند که بتوانند مسئولیت‌هایی را که در آینده بر دوششان نهاده خواهد شد، چنان که باید و شاید ایفای نمایند.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۵)

۱۷ « (جامعه بهاییان آمریکا) استعداد آن را دارد که در آینده، در وقت مقرر، ثابت نماید که حقاً مهم‌ترین سازنده و قهرمان نظم جهانی حضرت بهاءالله محسوب گردد.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۵)

۱۸ « فقط و فقط در چنین موقعی است (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴) [موقعی] که یاران طریقی را که مطالع انوار و مجاهدان امر حضرت کردگار در قرن گذشته به کمال شهامت و سربلندی پیموده‌اند اختیار نمایند که افراد جامعه بهایی امریک می‌توانند طلوع یوم مبارکی را که قلم معجز شیم حضرت عبداله‌بهاء به آن بشارت داده تسریع نمایند و موجبات تحقق وعده صریح الهی را فراهم سازند که می‌فرماید: "احبای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد." (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۷۳)

۱۹ « مأموریتی... که حضرت عبداله‌بهاء به پیروان امرالهی در قاره آمریکا شمالی محول فرموده‌اند... حلول روزی را تسریع خواهد نمود که عصر ذهبی^۴ افتتاح گشته و شاهد "جلوس" آنان "بر سریر سلطنت ابدیه" خواهد بود." (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۷۰)

^۱ به مبحث ۱۴۷ مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۱۲۹ رجوع شود.

^۳ به مباحث ۱۹ و ۲۱ مراجعه شود.

^۴ به مبحث ۱۳۰ مراجعه شود.

۲۰) « شداید و امتحاناتی که در آینده به وقوع خواهد پیوست باعث آن خواهد شد که افراد آن جامعه (جامعه بهاییان آمریکا) بتوانند در میدان فداکاری به تشریک مساعی، به مراتب عالی‌تری نائل گشته، آینده درخشانی را که برای آنان مقدر است، بیش از پیش ظاهر و نمودار کنند.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۸۷) (۱۶ مارس ۱۹۴۹)

۲۱) « این است وعده و طید و الهام بخش حضرت عبدالبهاء که می‌فرماید: "این ندای الهی چون از خطه آمریکا به اروپا و آسیا و آفریقا و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد، احبای آمریکا بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازه بزرگواریشان جهانگیر گردد."» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۲۵) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷) (توضیح: حضرت ولی امرالله، واقعه مشروط را نیز در زمره وعود تلقی می‌فرمایند.)

۲۲) « امیدوارم... هرچه زودتر آن یومی فرارسد که به وعده مبارک (حضرت عبدالبهاء)، "احبای آمریکا بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازه بزرگواریشان جهانگیر گردد." آن وقت است که "امریک مرکز سوحات رحمانیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد."» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۳۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۲۳) « اعضای این جامعه (جامعه بهاییان آمریکا)... طلیعه مشعل‌داران مدنیت جهانی^۱ آینده‌اند.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۴۲) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۲۴) « آن دوره را (چهل سال گذشته؛ از زمانی که اول بار، قاره آمریکا به انوار ظهور حضرت بهاءالله روشن و گرم شد) به چهار مرحله متمایز می‌توان تقسیم کرد که هر یک، به واقعه مهمی منتهی شده که نقطه عطفی و علامت شاخصی در راه سیر احبای آمریکا به سوی پیروزی موعودشان بوده است.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۴۹-۴۸)

۲۵) « ای یاران عزیز در قاره آمریکا، تاریخ گذشته و انجازات (وفاداری‌های) حالیه شما عظیم است، عظیم، و اعظم از آن، آینده شگرفی است که در انتظار شما است.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۷۰)

۲۶) « جامعه اهل بهاء در آمریکا... به این موهبت ممتاز شد که در تسریع پیدایش عصر زرینی^۱ که بشارتش از قلم علی نازل گشته، رهبری جامعه‌های بهایی شرق و غرب را به عهده گیرد.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۳۶)

^۱ به بحث ۱۳۸ رجوع شود.

۲۷) «جامعه‌ای که به چنین خدمات لائقه منبغه توفیق یافته (یاران و یاوران امر حضرت رحمان در امریک) ... بالقوه صاحب نبوغ و استعداد و واجد صفات و ملکاتی است که بلاتردید می‌تواند در میقات مقدر، این حق و حقیقت را برای خویش احراز و به جهان و جهانیان ثابت و مدلل نماید که نظم جهانی حضرت بهاءالله^۲ را رافع عظیم است و صرح مشید (قصر افراشته) امرالله را حامی و مدافع قویم.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه مودت، ص ۲۲)

۲۸) «یاران امریک... مساعی جمیله معمول خواهند داشت و در انظار اهل عالم مقام و موقف خویش را به عنوان رافعان بنیان و واضعان ارکان اقوی مؤسسات آیین مقدس حضرت بهاءالله، تثبیت و تحکیم خواهند نمود.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه مودت، ص ۳۳)

۲۹) «چون اقدامات یاران (آمریکا) برای دفاع و مبارزه‌ای که در پیش است متشکل گردد و دامنه آن بسط و اتساع حاصل نماید، طوفان‌های شدید طعن و لعن در حرکت آید و اعلام تکفیر و تدمیر علیه آنان مرتفع شود و روزی در خواهند یافت که حریم مقدس دین الله مورد هجوم و رجوم اعداء واقع، مقاصدشان (سوء) تعبیر و اهداف و مآریشان تکذیب و افکار و آرائشان تحقیر و مشروعات و مؤسساتشان تحریم و قدرت و نفوذشان تضعیف و حقوق و اختیاراتشان تزییف (پست شمردن) خواهد گردید و در پایان، پاره‌ای عناصر که یا از درک حقیقت گرانمایی که در دست دارند، ذاهل و یا از تحمل ضربات و لطمات متکثره‌ای که چنین مبارزه شدید قطعاً در بر خواهد داشت، عاجز و قاصر مشاهده می‌شوند، حصن حصین امرالله را ترک خواهند نمود و این در ثمین را به ثمن بخس (قیمت ناچیز) از کف خواهند داد. در این مقام، مولای عظیم و کریم، با اخبار از وقایع مدهش آتیه می‌فرماید قوله العزیز: "به سبب عبدالبهاء بسیار امتحان خواهید یافت و زحمت و رنج خواهید دید."» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه مودت، ص ۸۸)

۳۰) «همین قلم است (قلم حضرت عبدالبهاء) که پیش‌آگهی می‌دهد... جامعه اسم اعظم در آمریکای شمالی، در نتیجه مستقیم قیام به اجرای مأموریتی جهانی که به آنان محول فرموده، مقامی یگانه و رشک‌برانگیز کسب خواهد کرد.» (حضرت ولی امرالله، مرور معبود، ص ۴۲۰)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۳۱) «مأموریتی که حضرت عبدالبهاء به جامعه بهاییان آمریکا اعطاء فرموده‌اند در تمام مدت اجرای نقشه ملکوتی ادامه خواهد داشت. بدین ترتیب وظایف جامعه شما نه تنها کم یا متروک نمی‌شود؛ بلکه به

^۱ به مبحث ۱۲۹ رجوع شود.

^۲ به مبحث ۱۲۸ مراجعه شود.

مراتب توسعه و تنوع بیشتر خواهد یافت و در اجرای نقشه ملکوتی که به تدریج ظاهر و انجام می‌شود، لاجرم فعالیت‌های شما نیز به مسائل و مراکز دیگری معطوف خواهد گردید.» (پیام ۱۵ می ۱۹۶۴، خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا)

۳۲ « مسافرت (حضرت) مولی‌الوری به آمریکا، قرار دادن حجر زاویه اولین مشرق‌الاذکار غرب به دست‌های مبارک، و صدور الواح عمومی فرامین تبلیغی که پنج سال بعد نازل گردید و مجریان اصلی آن نقشه الهی^۱ (احبای آمریکا) و هم‌عهدانشان را فضیلتی مخصوص بخشید، مراحل متتابعه افشای تدریجی رسالتی را تشکیل می‌دهد که مبانی آن را می‌توان در خطاب مبارک حضرت نقطه اولی به ملل مغرب زمین یافت، (جایی) که آنان را به نصرت آیین مقدس دعوت می‌فرمایند.» (پیام ۲ سپتامبر ۱۹۸۲)

۳۳ « جوامع بهایی در آمریکا همچنان که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده‌اند، باید پیش‌گامان روحانی جهان باشند.» (پیام ۲ سپتامبر ۱۹۸۲)

۳۴ « به فرموده حضرت عبدالبهاء: "موقعیت شما (جوامع بهایی در آمریکا) حال معلوم نه؛ امیدوارم که به زودی موفقیت شما زلزله در آفاق اندازند."» (پیام ۲ سپتامبر ۱۹۸۲)

۳۵ « گذشته جامعه شما (بهاییان آمریکا) پرشکوه بوده است؛ آینده آن نیز بی‌نهایت درخشان خواهد بود.» (پیام ۱۹ می ۱۹۹۴، خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا)

۳۶ « تحقق وعده‌های الهی (خطاب) به آن جامعه (جامعه بهاییان آمریکا) حتمی است.» (پیام ۱۹ می ۱۹۹۴، خطاب به محفل ملی آمریکا)

۳۷ « حضرت ولی امرالله پیش‌دیدگان بهاییان آمریکای شمالی، مقدرات روحانیان را نمایان ساخت و آنان را "فرزندان روحانی قهرمانان امرالله" خوانده، تشکیلات روزافزونشان را نشانی مشهود از حاکمیت امر بهایی، و مبلغین و مهاجرینش را "مشعل‌داران مدنیت آینده" توصیف فرمود و جامعه مذکور را تشویق نمود که قیام کنند و در پایه‌گذاری نظم (ی) جهانی^۲ که حضرت باب بشارتش را دادند و حضرت بهاءالله تکوینش فرموده و حضرت عبدالبهاء اجزاء اصلیه‌اش را معین ساخته و هندسه‌اش را طراحي نمودند، سهم عمده خویش را ایفای نمایند.» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۵۷)

^۱ از آنجا که طبق نصوص مبارکه، احبای در اجرای "نقشه کلی الهی" (به مبحث ۷۷ رجوع شود) نقشی نخواهند داشت؛ منظور از عبارت "نقشه ملکوتی" مذکور در فقره ۳۱ و نیز عبارت "نقشه الهی" موجود در فقره ۳۲، اشاره به همان الواح طرح ملکوتی یا الواح تبلیغی یا فرامین تبلیغی یا منشور تبلیغی حضرت عبدالبهاء (مبحث ۷۸) است.
^۲ به مبحث ۱۲۹ مراجعه شود.

۳۸ « سرنوشت شکوهمندی که چنان به وضوح در نصوص الهی وعده داده شده است، پیروان جمال قدم را در آن دیار (ایالات متحده آمریکا) به صعود بر بلندی‌های کوشش و تلاشی می‌خواند که در پیش داریم.» (پیام ۲۶ آپریل ۲۰۰۲)

۳۹ « در آستان مقدس الهی دعا می‌کنیم که در این دوره بحرانی، سرنوشت پرشکوهی که (چنان به وضوح در نصوص الهی وعده داده شده است و) ... در آینده نزدیکی در دسترس ایشان (جامعه بهایی آمریکا) است، با کوشش‌های بی‌وقفه و فتورناپذیر، با پیروزی بارزی تحقق یابد.» (پیام ۲۶ آپریل ۲۰۰۲)

۷۵. بومیان قاره آمریکا (۳)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱ « این نفوس (بومیان آلاسکا) آن چنان "نورانی گردند که سراسر کره زمین را روشن سازند"» (پیام جولای ۱۹۷۶)

۲ « (اهالی) شبه جزیره یوکاتان^۱... از همان اقوامی هستند که حضرت عبدالبهاء در الواح فرامین تبلیغی توصیف نموده، می‌فرماید "آتیۀ عظیمی در ظلّ امر حضرت بهاءالله خواهند داشت."» (پیام بیت العدل اعظم خطاب به شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی تبلیغی در مریدا- مکزیک، ص ۱۶۱ از مجموعه پیام‌های ژانویه ۱۹۷۲ تا ژانویه ۱۹۷۸)

۳ « به موجب وعود حتمیۀ حضرت عبدالبهاء، اقوام هندی آمریکا (سرخپوستان آن سرزمین) منبع انوار عالم امکان خواهند گشت.» (پیام بیت العدل اعظم خطاب به شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی تبلیغی در مریدا- مکزیک، ص ۱۶۱ از مجموعه پیام‌های ژانویه ۱۹۷۲ تا ژانویه ۱۹۷۸)

^۱ آلاسکا، بزرگ‌ترین ایالت کشور ایالات متحده آمریکا است که به واسطه معادن غنی و نیز نفت، یکی از ثروتمندترین ایالت‌های این کشور محسوب می‌شود. این ایالت، شبه جزیره‌ای است در شمال غربی قاره آمریکا شمالی. نام آلاسکا از زبان قوم آلوت (Aleut) گرفته شده است که مردم بومی کهن این سرزمین بوده‌اند. (دانشنامه ویکی پدیا)
^۲ واقع در جنوب شرقی کشور مکزیک و شمال کشور گواتمالا. این ناحیه محلّ مدنیت درخشان مایاها بوده است. مایا نام گروهی از اقوام سرخپوست در جنوب مکزیک و شمال آمریکای مرکزی و نام تمدنی قدیمی در همین منطقه است... حوزه زندگی و فعالیت مایاها حدود جنوبی کشور مکزیک و نیز سرتاسر گواتمالا و السالوادور را شامل می‌شد. قوم مایا پدیدآورنده یکی از تمدن‌های بسیار پیشرفته آمریکای مرکزی بوده که دستاوردهای بسیار چشمگیری در هنر، معماری، ستارشناسی و ریاضیات** داشته است. (همان منبع)

۷۶. یاد و خاطره امةالبهاء روحیه خانم (۱)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱) « پیروان جمال ابهی طیّ قرون و اعصار آتیه، با کمال اعجاب و امتنان، کیفیت خدمات خستگی ناپذیر، صمیمانه و لایق حضرت امةالبهاء (ایادی امرالله، روحیه خانم) را در سبیل ترویج و صیانت امرالله در مدّ نظر خواهند داشت.» (پیام ۱۹ ژانویه ۲۰۰۰)

بخش سوم- بعضی زمینه‌های متنوعه (۱۸۹)

۷۷. نقشه کلی الهی (۲۲)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۱) « این صعود و نزول و تألیف و تحلیل و انتظام و انقلاب که به موازات یکدیگر در عالم وجود مشهود و تأثیرات متقابله‌اش مستمرّ و محسوس، انعکاسی از عالم بالا و جلوه‌ای از نقشه اعظم اقدس ابهی است، نقشه واحد و غیرقابل انفصالی که مبدئش غیب مکنون و مؤسس و موجدش شارع این امر اعزّی و دایره تصرفاتش بسیط غبراء و مقصد و هدف نهایش وحدت عالم انسان و استقرار صلح و سلام در بین کافه انام است.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، منقول در پیام معهد اعلی، ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲- جزوه دست خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۲۰ / نیز مندرج در پیام معهد اعلی، ۱۹ می ۱۹۹۴، خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا)

(۲) « مشیّت الهی... به حکمت بالغه و اراده مطلقه بسیطه‌اش، به نحوی مرموز، مقدرات امر اعظم و نیز سرنوشت بشر را در قبضه اختیار خویش دارد و تقارن این دو جریان، یعنی از طرفی ارتفاع و از طرف دیگر سقوط، یکی ترکیب و دیگری تحلیل، یکی نظم و دیگری هرج و مرج، که پیوسته با هم فعل و انفعال دارند (منظور تولّد پیروزی از بطن بحران است)؛ کلّ، جنبه‌هایی از یک نقشه عظیم است که سرچشمه‌اش حضرت کبریا است و طراحش جمال ابهی و میدانش بسیط غبراء؛ هدفش وحدت جهان است و تأسیس صلح عمومی در عالم انسان.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۳۵)

۳ « خداوند به طور اسرار آمیز، آهسته و مقاومت ناپذیر، طرح خود را به پیش خواهد برد... ولو این که عالم انسانی به نحو رقت‌باری مطیع و منقاد صداهای فریبنده‌ای باشد که می‌کوشند آن را به درون دوزخی عمیق و وسیع ساقط سازند.» (ترجمه) [حضرت ولی امرالله، توقیع منیع "روز موعود فرارسید" (انگلیسی)، ص ۱۲۰]

۴ « نقشه الهی... متضمن طرحی است که خداوند برای وحدت عالم انسانی در این قرن مقدر فرموده است.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ۲۱ دسامبر ۱۹۶۷)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۵ « نقشه عظیم الهی که پیش‌رویش پُراغتشاش و آشوب است، و در کل، به واسطه عالم انسانی عمل می‌نماید، در حرکتش به سمت وحدت بشریت، موانع موجود را درهم خواهد شکست و نوع انسان را در آتش بلا و مصیبت و مستمداً از یادگیری و تجربت، عاقبت، به صورت هیکلی واحد و متحد در خواهد آورد.» (ترجمه) (معهد اعلی، ۸ دسامبر ۱۹۶۷، مجموعه دخول افواج مقبلین)

۶ « نقشه عظیم خداوند برای نجات عالم به نحوی اسرار آمیز و به طریقی که او خود تمهید می‌کند، به پیش خواهد رفت.» (ترجمه) (پیام ۸ دسامبر ۱۹۶۷، مجموعه دخول افواج مقبلین)

۷ « نقشه اصلی الهی، به جهتی که هدایت آن با نفس حضرت بهاءالله است، به طور اسرار آمیز اجراء می‌شود.» (پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)

۸ « نقشه عظیم الهی که توسعه‌اش ملازم با اغتشاش و آشوب فراوان... است؛ هر مانعی را در سبیل اتحاد دنیا از میان برمی‌دارد و عالم انسانی را در آتش رنج و بلا به صورت هیکلی واحد متحد خواهد کرد.» (پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)

۹ « (خطاب به بهاییان ایرانی مقیم ممالک خارجه) گمان مبرید که آنچه در این زمان در چهار گوشه جهان، از جمله (در) کشور مقدس ایران، واقع گشته و می‌شود، وقایعی تصادفی و منفرد و بی نتیجه و مقصد است. به فرموده مولای عزیز "ید غیبی در کار است و انقلابات ارض مقدمه اعلان شریعت پروردگار."» (۱۰ فوریه ۱۹۸۰)

۱۰ « وقایع پر دامنه‌ای که در آستانه دهه سرنوشت ساز و نهایی این قرن انوار در صحنه گیتی به ویژه در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی روی می‌دهد، نشان شگفت‌انگیز دیگری از کیفیت تجلی نقشه کلی الهی است که تقلیب جامعه بشری را به نحو غیرقابل مقاومتی تحقق می‌بخشد.» (پیام ۸ فوریه ۱۹۹۰)

۱۱) « تغییر ناگهانی در اوضاع سیاسی که بدون شک در اثر نقشه کلی الهی تحقق یافته، مناطق وسیعی از کره زمین را که عمده شامل کشور شوروی سابق و نیز کشورهای بلوک شرق (اروپا) می‌شود، برای نفوذ و رسوخ تعالیم الهی مفتوح ساخت.» (پیام رضوان ۱۹۹۲)

۱۲) « در اثر قوه دافعه نقشه عظیم الهی دنیا دوران تغییرات سریعی را می‌گذراند و تنها جامعه بهایی است که صریحاً از جهت و مقصد این تغییرات آگاه است.^۱» (پیام ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲)

۱۳) « طرح کلی الهی که بشر را به بلوغ روحانی^۲ می‌رساند، از دسترس ما بیرون است و در خزانه غیب محفوظ و تحققش به اراده حق موكول است.» [پیام شهرالبهاء ۱۵۴ بدیع (۱۹۹۷) - جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه جلد سوم، ص ۱۹]

۱۴) « نقشه کلی الهی متضمن نزول بلايا و مصائبی است که... به نحوی قاطع و خلل‌ناپذیر، بشریت را به سوی وحدت و بلوغ سوق می‌دهد.» (پیام رضوان ۱۹۹۸)

۱۵) « همچنان که حضرت ولی امرالله بیان فرموده‌اند، نقشه کلی الهی برای تحقق مقصد آنی و مآلاً تأسیس ملکوت الهی بر روی زمین^۳، خرد و کلان را همچون مهره‌های شطرنج، در حرکتی جهان‌آرا، به کار می‌گیرد.» (پیام رضوان ۱۹۹۸)

۱۶) « هم‌نوعان ما در همه نقاط به نحوی ناآگاه و غیرمحسوس تحت نفوذ عواطف متضادی قرار دارند که تحت تأثیر مداوم جریانات هم‌زمان "صعود و نزول و تألیف و تحلیل و انتظام و انقلاب" به وجود می‌آید. حضرت ولی امرالله این جریانات را جنبه‌هایی از نقشه کلی الهی و نقشه اختصاصی الهی^۴ تشخیص داده‌اند؛ یعنی دو طریق شناخته شده‌ای که در آن، نوایای الهیه برای نوع بشر به پیش می‌رود.» (پیام رضوان ۱۹۹۸)

۱۷) « گاهی اوقات چنین به نظر می‌رسد که جریان نقشه کلی الهی سبب توقف و به هم ریختن اقدامات مربوط به اجرای نقشه اختصاصی می‌گردد. اما احبای الهی به دلائل بسیار نباید دچار نگرانی و هراس شوند؛ زیرا منشاء و مصدر آشوب‌هایی را که گاه به گاه در جهان روی می‌دهد می‌شناسند و به فرموده حضرت ولی امرالله "به ضرورت آن اعتراف داشته و روال مرموز آن را مشاهده کرده و با حال تصرع و ابتهال برای تخفیف شدت آن دعا (می‌نمایند).."» (پیام رضوان ۱۹۹۸)

^۱ بدیهی است این آگاهی، تا حد زیادی نتیجه غور و تفحص در وعود الهی برای آتیه عالم انسانی است؛ حقیقتی که نگارنده را واداشته این مجموعه غنی و بدیع را فراهم آورد.

^۲ در این بیان مبارک علناً تصریح به نوعی بلوغ می‌شود که "روحانی" است؛ اما لازم است بشریت نوعی بلوغ اجتماعی را نیز تجربه نماید. مباحث ۱۰۳ و ۱۳۶ با هم مقایسه شوند.

^۳ به مبحث ۱۴۷ مراجعه شود.

^۴ به مباحث ۷۷ و ۷۹ مراجعه شود.

۱۸) « این‌ها (کنفرانس سران به مناسبت هزاره جدید، روش‌های جدید مخابره، عدالت و تساوی حقوق در امور مالی بین المللی) مثال‌هایی از دو سلسله جریاناتی است که متضاد یکدیگرند و در هم تأثیر متقابل دارند و بیان معجز شیم حضرت ولی امرالله را در باره نقشه کلی الهی به یاد می‌آورند که فرمودند: "مقصد و هدف نهایش وحدت عالم انسان و استقرار صلح و سلام در بین کافه انام است."» (ترجمه) (پیام رضوان ۲۰۰۰)

۱۹) « نقشه کلی الهی در سراسر گیتی در کار است و هم زمان، با تأسیس نظامی نوین، اضمحلال نظم کهن^۱ را تسریع می‌نماید.» (معد اعلی، پیام ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱)

۲۰) « تقدّم نقشه عظیم الهی، فتح و ظفر نهایی امر یزدانی و پیشرفت جهان به سوی وحدت عالم انسانی، امری است محتوم.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

۲۱) « (خطاب به بهاییان سراسر عالم) برای پیروان جمال اقدس ابهی که به دیدگاه شفابخش نقشه الهی در مرحله فعلی آن واقفند، ناآرامی‌هایی که متناوباً این سرزمین انبیای الهی (اراضی مقدسه) را تحت تأثیر قرار می‌دهد، می‌تواند بیش از هر چیز یادآور و فی الحقیقه انگیزه‌ای برای انجام (دادن) مجهودات و ایفای وظایف فوری ایشان باشد.» (پیام ۱۷ آگوست ۲۰۰۶)

۲۲) « البتّه شما عزیزان (احبای مظلوم و باوفای جمال اقدس ابهی در کشور مقدس ایران) به خوبی واقفید که ید غیبی الهی در کار است، (و) جمیع امور در قبضه قدرت اوست و آنچه می‌گذرد جزئی از نقشه‌های حیات بخش او است که ممدّ تأسیس مدنیت ملکوتی و تحقق نهایی رفاه عالم انسانی^۲ است.» (پیام ۱۹ می ۲۰۰۸)

۷۸. بیت العدل اعظم (۱۰)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « یا کرمل... سوف تجرى سفینه الله عليك، و يظهر أهل البهاء الذين ذكرهم فى كتاب الاسماء.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۱) [مضمون: ای کرمل،... به زودی سفینه الهی (بیت العدل اعظم

^۱ به مباحث ۲۹ و ۳۰ مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۱۴۱ رجوع شود. در ضمن در این بیان مبارک تصریح می‌شود که "تحقق نهایی رفاه عالم انسانی" بعد از "تأسیس مدنیت ملکوتی" یا همان مدنیت الهی خواهد بود.

الهی) بر توجاری خواهد شد و اهل بهاء، کسانی که (حضرت اعلی) در کتاب اسماء (قیوم‌الاسماء، اولین اثر نازل از قلم آن حضرت) از آنان نام برده است، ظاهر خواهند گشت.]

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « کم من امرئ منجذبه فافت الرجال فی ظلّ البهاء و سبقت مشاهیر الآفاق و اما بیت العدل بنصوص قاطعة فی شریعة الله اختصّ بالرجال حکمة من عند الله و سیظهر هذه الحکمة کظهور الشمس فی رابعة النهار.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، بند ۳۸، ص ۷۷) (مضمون: چقدر از نساء منجذبه که در ظلّ امر حضرت بهاء الله بر رجال برتری یافتند و از مشاهیر آفاق سبقت گرفتند و اما بیت العدل به نصوص قاطعة شریعت الله، و به حکمت الهی، مختصّ رجال است و به زودی این حکمت، مانند ظهور خورشید در میانه روز، آشکار و پدیدار خواهد گشت.)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امر الله

(۳) « سوف ینکشف القناع باذن ربنا البهیّ الابهی، عن وجه ناموسه الاعظم و ینصب میزان دستوره البدیع، اساس بیت عدله الاکرم الاقوم الافخم، فی هذه البقعة الاحدیة المبارکة البیضاء، مطاف الخلاق الاجمعین.» (توقیع منیع مبارک نوامبر ۱۹۲۷، مجموعه توقیعات ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۶۳) (مضمون: به زودی، به اذن پروردگار بهیّ ابهیمان، پرده از وجه ناموس اعظمش (قانون اساسیش) برداشته خواهد شد و میزان فرمان بدیعی، که اساس بیت عدل اکرم اقوم افخمش است، در این بقعه مبارکه بیضاء (اراض مقدسه)، طوافگاه تمامی مردمان، نصب خواهد شد.)

(۴) « ای قویّ قدیر،... عمود دیوان عدل اعظمت را به اصبع اقتدار بلند نما و امم و قبائل متنازعه را در ظلّ ظلیلش در آور.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

(۵) « مصداق آیات لوح کرمل (استقرار بیت العدل اعظم) کاملاً پدیدار گردد.» (توقیع منیع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

(۶) « فقط نفوسی که پس از ما (نسل حاضر) پا به عرصه وجود می‌گذارند درک خواهند کرد که چه حکم عجیبه و اسرار غریبه‌ای در تشکیل بیت العدل و ولایت امر (دو رکن رکن نظم بدیع الهی) موجود است.» (حضرت ولیّ امر الله، ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳، ارکان نظم بدیع، ص ۴۲- مائده آسمانی ۶، ردیف ب از باب دوم، ص ۷)

(۷) « چون دین بهایی در جمهور خلائق شرق و غرب نفوذ نماید و حقانیتش به قبول اکثریت مردم بعضی از کشورهای مستقل جهان درآید، آن وقت بیت العدل اعظم به ذروه قدرت و سلطه خود خواهد رسید و به عنوان اعلی مقام ممالک متحد المرام بهایی (اتحادیه جهانی بهایی)، جمیع حقوق و وظائف و

مسئولیت‌های متعلق به یک حکومت علیای جهانی را به عهده خواهد گرفت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۳- توقیع مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹- ارکان نظم بدیع، ص ۲۲۸)

(۸) « ساختار نهایی و فوقانی همین نظم (نظم بدیع جهان‌آرا) است (بیت‌العدل اعظم) که به واسطه حلول اتحادیه جهانی بهایی؛ یعنی استقرار ملکوت رب العالمین برگستره زمین؛ مقام کامل خود را حاصل خواهد کرد؛ ملکوت موعودی که عصر ذهبی همین دور درخشان، در نهایت زمان، شاهد و ناظر آن خواهد بود.» (مرور معبود، ص ۷۲)

(۹) « از آن سرچشمه نظم الهی (بیت‌العدل اعظم) ماء حیوان که کافل حیات ابدیه و دافع شرور و مکاره عالم ترابیه و شافی اسقام و علل مزمنه است، بر تمام اقوام و ملل متباینه متباغضه جهان جاری و ساری گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۲۷ نوامبر ۱۹۲۹ مندرج در کتاب ارکان نظم بدیع، ص ۲۰۰)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

(۱۰) « چنان که در الواح وصایا (ی حضرت عبدالبهاء) مصرح است، به هر دو مؤسسه ولایت امرالله و بیت‌العدل اعظم وعده هدایت محتومه الهیه اعطاء شده است: "فرع مقدس و ولی امرالله و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداست. آنچه قرار دهند من عندالله است."» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۸۰)

۷۹. طرح ملکوتی و نقشه‌های آتی (۲۷)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱) « منظور از این جهاد (جهاد کبیر اکبر= نقشه ده ساله)، اجرای فرمان تبلیغی حضرت عبدالبهاء (نقشه یا طرح یا منشور ملکوتی) در بسط غبراء است تا به این وسیله، مدنیت الهی^۱ تأسیس و نورانیت و استخلاص عالم انسانی که غایت قصوا و مقصد اعلی است، تحقق پذیرد.» (حضرت ولی امرالله، تلگراف ۱۹ آپریل ۱۹۵۲، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۳۵۸)

(۲) «انجام موفقیت آمیز این نقشه (نقشه ده ساله) که در وسعت بی سابقه و در کیفیت منفرد و از جهت قوای روحانیه بسی عظیم است، در مستقبل ایام، در عصر تکوین امرالله، مشروعاتی به دنبال خواهد داشت که تمام محافل روحانیه در سراسر عالم بهایی را در نطاق خود در خواهد آورد؛ مشروعاتی که به

^۱ به بحث ۱۳۸ مراجعه شود.

خودی خود در عهد آینده همان عصر، مقدمه طرح و اجرای نقشه‌های جهانی وسیع تری است که مقدر است از طرف بیت‌العدل اعظم طرح گردد تا وحدت جامعه را نمودار ساخته، مجهودات محافل ملیه را هم آهنگ و متحد نماید» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، مورخ ۹ مارس ۱۹۶۵)

۳ « حضرت عبدالبهاء... در الواح جاویدانی (الواح طرح ملکوتی) که در ارتباط با احبای عزیزش (در کشور آمریکا) نازل فرموده بود، منویات خاطرش را در باره مقدرات روحانی یاران آمریکا آشکار فرمود و نقشه ملکوتیش را برای اجرای رسالتی که به آنان عنایت فرموده بود، معلوم داشت.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۶۰)

۴ « جواهر کلماتی که در صدف الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء، خطاب به جمهور مؤمنین و مؤمنات ایالات متحده آمریکا و کانادا مکنون... به ممر دهور و اعصار درخشنده و تابان و پر جذب و لمعان باقی خواهد ماند.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه مودت، ص ۱۵۳)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۵ « در سپیده دم امروز، اعضای بیت‌العدل اعظم به همراه اعضای دارالتبلیغ بین‌المللی... در اطاق مبارک حضرت عبدالبهاء در بهجی برای بزرگداشت لحظه سرنوشت‌ساز صدور اولین لوح از الواح نقشه ملکوتی از قلم معجزشیم مرکز میثاق مجتمع شدند. مناجات‌هایی از آن الواح منیع به شکرانه توفیقات شکوهمند و پرافتخار گذشته تلاوت شد، تأییدات الهیه برای موفقیت مجهودات لازم در مرحله بعدی بسط و اجرای آن نقشه طلب گردید و مواهب آسمانی برای فتوحات عظیم‌تر در انجام وظایف خطیر در مراحل پی در پی آینده تا وصول به آستانه عصر ذهبی مسئلت شد.» (پیام ۲۶ مارس ۲۰۱۶)

۶ « نقشه ملکوتی، آن مجموعه مکاتیبی که از قلم توانای حضرت عبدالبهاء بین ۲۶ مارس ۱۹۱۶ و ۸ مارس ۱۹۱۷ میلادی خطاب به احبای امریکای شمالی صادر گشته یکی از منشورهای مهیمین آیین نازنین آب بزرگوار آن حضرت است. (به فرموده) حضرت شوقی افندی... در آن چهارده لوح "عظیم‌ترین نقشه‌ای که تا کنون قوای خلاقه اسم اعظم الهی ترسیم" نموده مندرج می‌باشد. "میدان فعالیت این نقشه پنج قاره عالم و جزایر هفت دریا را در بر می‌گیرد"، توسط "قوای محرکه مافوق قدرت پیش‌بینی و ادراک ما" در حرکت است و "عامل بالقوه احیای روحانی و نجاح و فلاح نهایی عالم انسانی" در آن نهفته می‌باشد.» (ترجمه) (پیام ۲۶ مارس ۲۰۱۶)

۷ « سفینه امرالهی که در بحر فرمان تبلیغی حضرت مولی‌الوری در حرکت بوده، تحت قیادت و هدایت اعلای حضرت ولی محبوب به مرحله‌ای از پیشرفت و توسعه در سراسر جهان نائل آمده و چنان

قوت و قدرتی یافته که اکنون به مدد آن، به سوی مرحله بعدی رسالت نجات بخش جهانی خود؛ یعنی دوّمین دوره نقشه ملکوتی^۱ سوق می‌یابد.» (پیام ۷ می ۱۹۶۳)

۸ « حال ما در آستانه مرحله ثانی از نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء قرار داریم.» (پیام اکتبر ۱۹۶۳)

۹ « مولای حنون (حضرت ولی امرالله) دهمین مرحله از مراحل مذکوره^۲ را بسی طویل توصیف فرمود و با دیده جهان بینش پیش‌بینی فرمود که در این مرحله طویل‌المده، بیت‌العدل اعظم متتابعاً نقشه‌های متعددهای را تنظیم نماید تا جمیع مراحل باقیه دو عصر تکوین و ذهبی را فراگیرد.» (پیام آوریل ۱۹۶۴)

۱۰ « باید بر اثر طرح و اجرای نقشه‌های ملی و بین‌المللی و جهانی، مقاصد و وعود آن منشور مبارک (منشور ملکوتی حضرت عبدالبهاء) تماماً به حیز شهود درآید.» (پیام آوریل ۱۹۶۴)

۱۱ « اشارات حضرت شوقی ربّانی در توقیعات منیعه، در باره این که متعاقب جهاد روحانی ده ساله، نقشه‌های دیگری تحت قیادت بیت‌العدل اعظم اجراء خواهد شد، دلیل دیگری است که مناسب بودن زمان انتخاب بیت‌العدل را (در سال ۱۹۶۳) تأیید می‌نماید.» (پیام ۹ مارس ۱۹۶۵)

۱۲ « نقشه کوچکی (طرح ملکوتی حضرت عبدالبهاء) که به عنوان سهم ما در آن نقشه عظیم (نقشه کلی الهی)، اجرائش به ما سپرده شده است، کاملاً مشروح و مشخص است.» (ترجمه) (پیام ۸ دسامبر ۱۹۶۷، مجموعه دخول افواج مقبلین)

۱۳ « سلسله نقشه‌ها (ی بیت‌العدل اعظم) و مجاهدات (احبای عالم)...مقدّر است انوار امرالهی را به سرزمین‌ها و نقاط باقی مانده کره ارض بتاباند و منجر به ارتفاع کامل هیكل نظم اداری حضرت بهاءالله در سراسر جهان گردد.» (پیام ۳۰ جون ۱۹۷۲)

۱۴ « حلقات سلسله نقشه‌های تبلیغی...باید در مستقبل ایام متدرجاً اعمده نظم بدیع الهی را در بسیط زمین استوار سازد و بالمال مدنیت ساطع الانوار بهایی^۳ را در جمیع اقطار استقرار بخشد.» (پیام نوروز ۱۳۱ بدیع / ۲۱ مارس ۱۹۷۴)

۱۵ « این نقشه‌های تبلیغی که اهل بهاء را پی‌درپی در سراسر جهان به حرکت آورده و نطق امر اعظم را وسعت داده، کل مخلوق فرمان ملکوتی حضرت عبدالبهاء (فرامین تبلیغی) است که متجاوز از هشتاد سال است که بندگان آستان جمال ابهی را به فتح روحانی جهان دعوت نموده و موظف ساخته است و این نقشه‌ها تا عصر ذهبی ادامه خواهد داشت.» (پیام مارس یا آوریل ۱۹۷۷)

^۱ آغاز اجرای اولین دوره "طرح ملکوتی" حضرت عبدالبهاء، سال ۱۹۳۷ بوده است. به فقره ۱۵ از همین مبحث مراجعه شود.

^۲ « (مرحل جلوه و بروز) قوه قدسیه الهیه... (که) حال (آغاز نقشه نه ساله)، به دهمین و آخرین مرحله ارتقای خود وارد گشته. جهاد روحانی ده ساله... نهمین مرحله از مراحل ارتقاء آن قوه ساریه ازلیه بود.» (پیام آوریل ۱۹۶۴)

^۳ به مبحث ۱۳۷ رجوع شود.

۱۶ « این فتوحات بالغه (آمار پیشرفت امرالله مندرج در نفس پیام) هنوز از نتایج سحر است و اهل بهاء که فضلاً من عنده به منزله وسائط و وسائل تحقق اراده الهیه در تأسیس مدنیت روحانی و وحدت عالم انسانی محسوبند، از پای نشینند و متتابعاً در ظل نقشه‌های بدیعه در ارتفاع اساس حصن حصین نظم بدیع جهان‌آرای رب العالمین در هر اقلیم و سرزمین کمر همت بندند.» [پیام اکتبر- ۱۹۷۸ (شهر العزّة ۱۳۵ بدیع)]

۱۷ « اولین نقشه هفت ساله در قارات امریکا که در سنه ۱۹۳۷ بنا بر اراده و فرمان حضرت ولی عزیز امرالله شروع شد... آغاز اجرای منظم طرح عظیمی است که حضرت عبدالبهاء جهت فتح و غلبه روحانی (بر) بسیط غبراء ابداع فرموده و بدین ترتیب، عهد اولای آن نقشه ملکوتی آغاز گردیده بود.» (پیام رضوان ۱۹۸۷)

۱۸ « بذل توجه به وقایع خاص سال مقدس به یقین ما را برای قبول وظائف و مسئولیت‌های فوری و ضروری مرحله بعدی در سیر تکامل نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء مجهز و مهیا خواهد ساخت.» (پیام رضوان ۱۹۹۲)

۱۹ « حضرت ولی امرالله ضمن توفیعات مبارکه برای بیت العدل اعظم چند وظیفه اصلی و مهم از قبیل ایجاد نقشه‌های تبلیغی جهانی آینده، مباشرت امور اداری امر، و هدایت و تنظیم و توسعه امور امری را در سراسر جهان تصریح فرموده‌اند.» (پیام ۲۷ می ۱۹۶۶ / نیز پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲)

۲۰ « نقشه‌ای سه ساله را آغاز می‌نمائیم. کوتاهی دوره این نقشه به دلیل تغییرات پرشتاب زمانه است؛ اما هدف اصلی این نقشه از آینده امر مبارک و آتیه بشریت جدائی‌پذیر نیست و در واقع مرحله بعدی بروز و ظهور منشور الهی تبلیغ و توسعه امر مبارک (فرامین تبلیغی یا طرح ملکوتی) است که از قلم مرکز میثاق عزّ صدور یافته است.» (پیام رضوان ۱۹۹۳)

۲۱ « بهترین تعبیر آن است که نظم اداری بهایی وسیله اصلی برای اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، یعنی نقشه الهی^۱ بوده و نقشه مزبور نیز واسطه پر قدرتی برای توسعه و پیشرفت سازمان اداری امر بهایی است.» (پیام ۴ ژانویه ۱۹۹۴)

۲۲ « (یکی از وظایف بیت العدل اعظم الهی) تعیین مسیر اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء (است).» (پیام ۲ جولای ۱۹۹۶)

^۱ در این فقره مبارکه مسلماً منظور این نیست که "فرامین تبلیغی" همان "نقشه کلی الهی" است؛ چون تعدادی کثیره از فقرات مذکوره (به مباحث ۷۷ و ۷۹ مراجعه شود) تصریح می‌نماید که این دو نقشه متفاوت از یکدیگرند. شاید منظور تأکید در الهی بودن منشأ طرح ملکوتی است.

۲۳) « برخلاف نقشه کلی الهی که به نحوی اسرارآمیز عمل می‌کند، نقشه اختصاصی الهی به طور وضوح طراحی و ترسیم گردیده و طبق روالی منظم و معلوم برای اجرا به ما سپرده شده است. هدف غائی این نقشه صلح اعظم است.» (پیام رضوان ۱۹۹۸)

۲۴) « (خطاب به کنفرانس هیأت‌های مشاورین قاره‌ای) در مشاورات خود درباره چگونگی مرحله جدیدی از تحقق اهداف نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء، باید عظمت و وسعت تغییراتی را که در مصالح و مقدرات امر در شرف وقوع است، در نظر داشته باشید.» (پیام ژانویه ۲۰۰۱)

۲۵) « پیشرفت جریان دخول افواج مقلین^۱... در طی مراحل متوالی نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء، ظهور و بروز خواهد یافت.» (پیام رضوان ۲۰۰۱)

۲۶) « در آثار بهایی مکرراً آمده است که البته در نتیجه تحولات حاصله از نقشه کبیر الهی و ثمرات اجرای نقشه صغیر الهی^۲ که مراحل مختلف تحقق بخشیدن به فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء است، این آتش (آتش خانمان سوز جنگ و جدال در نقاط مختلفه عالم) در میقات معین خاموش خواهد شد و انوار صلح اعظم جهان را منور خواهد نمود.» (پیام ۲۵ آوریل ۲۰۰۷)

۲۷) « مشتاقانه از شما (حاضران در کنفرانس مشاورین قاره‌ای) می‌خواهیم... مفهومی را در نظر داشته باشید که زیر بنای نقشه جهانی جاری^۳ و در واقع، قلب پنبنده هر مرحله از نقشه ملکوتی است؛ و آن، این که پیشرفت، محصول رشد و توسعه سه عامل است، که عبارتند از: فرد، تشکیلات، و جامعه.» (پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰)

۸۰. کتاب اقدس (۶)

الف) از آثار حضرت بهاء الله

۱) « کتاب اقدس به شانی نازل شده که جاذب و جامع جمیع شرایع الهیه است... و به انبساطی نازل شده که کل را قبل از اقبال، احاطه فرموده؛ سوف یظهر فی الارض سلطانه و نفوذه و اقتداره. ان ربك لهو العليم الحكيم.» (جمال ابهی، امر وخلق ۴، ص ۴۸۰- الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۲۴- لوح سید

^۱ به مبحث ۱۱۳ مراجعه شود.

^۲ نکات مندرج در این فقره بسیار مهم و گویا هستند. «مراحل مختلف تحقق بخشیدن به فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء»، «نقشه صغیر الهی» تعبیر شده است که از لحاظ مفهومی، در مقابل «نقشه کبیر الهی» که سرچشمه‌اش مشیت مهیمن نفس حضرت بهاء الله است، قرار دارد.

^۳ نقشه پنج ساله (که از) «رضوان ۲۰۱۱ تا رضوان ۲۰۱۶ ادامه خواهد یافت و تشکیل دهنده اولین نقشه از دو نقشه پنج ساله متوالی‌ای است که در یکصدمین سال عصر تکوین امر الهی خاتمه خواهند یافت.» (پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰)

مهدی دهجی - آیات الهی ۱، ۵ مارس) (مضمون بخش عربی: به زودی سلطنت آن و نفوذ آن و اقتدار آن، در زمین پدیدار خواهد شد. همانا پروردگار توبه راستی علیم و حکیم است.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « عنقریب... اسرار این کتاب اقدس رحمانی ملکوت وجود را مزین کند، از امواج بحر معانیش لثالی حقایق ظاهر گردد و از اشعه صبح مبانش کواکب مواهب باهر شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره ۱۹۸)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۳) « نیز می‌توان این کتاب مبین (کتاب اقدس) را که مقررات و موازینش افزون بر یک هزار سال جاری و برقرار خواهد ماند... درخشان‌ترین فوران ذهن حضرت بهاءالله و ام‌الکتاب دور آن حضرت، و منشور نظم بدیع^۱ جهانیش محسوب داشت.» (مرور معبود، ص ۲۹۵)

(۴) « این اثر وزین (کتاب مستطاب اقدس)... آن اصول و قوانین بنیادی را که ساختار آتی نظم جهانی حضرت بهاءالله لاجرم بر آن مستقر خواهد شد، برای نسل‌های آینده، محفوظ می‌دارد.» (مرور معبود، ص ۲۹۶)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

(۵) « کتاب مستطاب اقدس منشور مدنیته آتیة جهانی می‌باشد.» (پیام ۷ ژانویه ۱۹۹۲ - جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۸)

(۶) « احکام نازله در کتاب اقدس هسته مرکزی قوانین متنوعه وسیع‌ای است که در قرون آتی به منصه ظهور خواهد رسید. بسط اصول و تفصیل متفرعاتش بنا به اختیاراتی که حضرت بهاءالله به بیت‌العدل اعظم تفویض فرموده‌اند، به آن هیأت راجع است.» (کتاب اقدس، دیباچه، ص ۱۱)

۸۱. کلمة الله (۲۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

^۱ به مبحث ۱۲۹ رجوع شود.

- (۱) « امروز هر چیز را طالب مشاهده می‌شود مگر لئالیء ثمینه که از خزانه قلم اعلی ظاهر و باهر است؛ بی مشتری مانده. طالب مفقود، مشتری غیر موجود، و لکن وقتی آید که مردمان به جان گوهر بحر بیان را خریدار شوند.» (لئالی الحکمة ۳، فقره ۱۵۲)
- (۲) « زود است چشم‌های عالم به مشاهده آنچه از قلم اعلی نازل شده روشن و منیر گردد.» (لئالی الحکمة ۳، فقره ۱۹۴)
- (۳) « کلمه‌ای که لامرالله لسان به آن تکلم می‌نماید، آن به مثابه نیر اعظم است؛ اگر حال فی الجمله سحاب و غمام حائل شود، عنقریب از خلف سحاب برآید و تجلیاش عالم را منور سازد.» (جمال ابهی، پیام آسمانی ۲، ص ۱۹۲)
- (۴) « به حرفی از کتاب، ملکوت ملک سموات و ارض معادله نموده و نمی‌نماید. عنقریب درایح و مقامات ظاهر گردد.» (آیات الهی ۲، ۱۰ آوریل)
- (۵) « عنقریب آنچه مشهود، مفقود خواهد شد و آنچه باقی و دائم است کلمه الله بوده و هست؛ آثارش را محو نیابد و به او نرسد و ثمراتش به دوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است.» (قلم اعلی ۷، ص ۱۶۹)
- (۶) « زود است که نفوذ کلمه الهیه و احاطه قدرتتش را ملاحظه نمایید؛ اگر چه حال هم مشهود و واضح است.» (حضرت بهاء الله، مائده ۸، مطلب پنجاه و هشتم، ص ۴۳-۴۲- لئالی الحکمة ۲، فقره ۸۸، ص ۱۷۹)
- (۷) « ای کنیزان حق، قدر کلمه الهی را بدانید؛ خزائن ملوک به یک حرف آن برابری ننماید؛ عنقریب مقامش بر عالمیان ظاهر گردد.» (قلم اعلی ۷، ص ۱۷۹)
- (۸) « قد احطنا العالم بکلمة العلیا. سوف یسخر الله بها افئدة من علی الارض؛ انه لهو المقتدر القدير.» (مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۷۰) (مضمون: با کلمه الهی به عالم احاطه یافتیم. به زودی خداوند به وسیله آن، قلوب ساکنان زمین را تسخیر خواهد کرد؛ او مقتدر و توانا است.)
- (۹) « کلمه (ای) که حق به آن تکلم می‌فرماید در آن کلمه، روح بدیع دمیده می‌شود و نفحات حیات از آن کلمه بر کل اشیاء ظاهراً و باطناً مرور می‌نماید، دیگر تا چه زمان و عصر، آثار کلمه الهیه از مظاهر آفاقیه و انفسیه ظاهر شود.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۸۸)
- (۱۰) « اگر مدعیان محبت الیوم به آنچه در الواح از قلم اعلی نازل شده تمسک نمایند و عمل کنند، عنقریب انوار آثار الهی بر کل تجلی نماید؛ یشهد بذلك لسان العظمة فی هذا الحین المبین.» (اشرافات

^۱ در نسخه موجود در لئالی الحکمة ۲، "می‌نمایید" ثبت شده است.

و چند لوح دیگر، ص ۴۶) (مضمون عبارت عربی: لسان عظمت در این لحظه خجسته، به این حقیقت گواهی می‌دهد).

(۱۱) «قسم به آفتاب بیان که از اعلی افق امکان مشرق و لائح، آنچه دیده می‌شود عنقریب به فنا راجع و آنچه باقی و دائم است کلمه‌ای است که از قلم اعلی جاری و نازل.» (آیات الهی ۲، ۸ ژانویه)

(۱۲) «لَعْمَرَالله (به خداوند قسم) به کلمه یا اَمْتی (ای کنیز من) معادله نمی‌نماید آنچه در ارض مشهود است. زود است چشم‌های عالم به مشاهده آنچه از قلم اعلی نازل شده روشن و منیر گردد.» (آیات الهی ۱، ۱۹ آوریل - مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۵۷)

(۱۳) «ای علی، بلسان بدیع پارسی کلمات ربانی را اصغاء نما و اگر تو نشنوی، البته قدرت محیطه الهیه انفسی بدعا خلق فرماید که بشنوند ندای او را و بر نصر امرش قیام نمایند. لیس هذا علی الله بعزیز.» (جمال ابهی، مائده آسمانی ۷، ص ۲۶)

(۱۴) «لابد از خلف سرادق عصمت ربانی عبادی روحانی ظاهر شوند و آثارالله را جمع نمایند و به احسن نظم منتظم سازند و هذا حتم لا ریب فیه.» (مائده آسمانی ۷، ص ۹۲) (مضمون عبارت عربی: این امری حتمی است و تردیدی در آن نیست.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱۵) «در آن تاریخ اوقتی صیت (آوازه) عظمت و اقتدار و قهاریت و غلبه ظاهره و سیطره محیطه (امراهی) جهان‌گیر گردد، آثار علو و امتناع و سمو و اعتلاء از برای کلمه الله در شرق و غرب حاصل گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توفیق ۱۱۰ بدیع، مجموعه توفیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۲۸-۴۲۷)

(۱۶) «عنقریب... نفاتح الله منتشر و کلمه الله مشتهر گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۱۸۸)

(۱۷) «یا احبباء الله، لاتحزنوا اذا قامت الاحزاب علی الاذی و الاستهزاء و التعذیب و التوبیخ و السب و البغضاء، سیزول هذه الظلمات و تشرق انوار الآيات البینات.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۱۹۷، ص ۱۴۱) (مضمون بیان مبارک: ای احببای الهی، هنگامی که احزاب به اذیت و استهزاء و عذاب و توبیخ و بغض و بدگویی قیام کنند محزون نشوید؛ به زودی این ظلمات زایل گردد و انوار آیات بینات درخشان شود.)

(۱۸) «مشاهده خواهید نمود که... چگونه... رایات کلمات الهیه بر جبال عالیة حقائق موجودات بلند می‌گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۷۴)

۱۹) « عنقریب مشاهده خواهید نمود که... ترتیل آیات ربّ مجید نغمه‌اش اهل ملاً اعلی را به طرب آورد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۱۲۵)

۲۰) « قسم به جمال قدم که الیوم هیات عالم و هیکل امم در ظلّ اسم اعظمست و حال اگر چه ناس ملتفت نیستند؛ لکن عنقریب قوّة نفوذ کلمة الهیة چنان در ارکان عالم تأثیر نماید که کلّ به ثنای ربّ جلیل و تقدیس احبّای رحمن مشغول شوند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، ص ۱۸)

۲۱) « سطوت کلمة الله شرق و غرب را به حرکت آرد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلی، اگوست ۱۹۸۱، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۳۹)

۲۲) « در این دور بدیع... کلمة الله چنان قوتی و قدرتی در حقایق انسانیّه نموده که شئون بشریّه را تأثیر و نفوذی نگذاشته، به قوت قاهره کلّ را در بحر احدیت مجتمع فرموده و می‌فرماید.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلی، مارس ۱۹۹۷، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۸۵)

۲۳) « الیوم جز قوّة کلمة الله که محیط بر حقایق اشیاء است، عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانی را در ظلّ شجره واحده جمع نتواند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۷، توقیع مورّخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۲۴) « سوف ترتفع الحجاب و تزول النقاب و ینکشف الظلام عن صبح ساطع الاشراف علی الآفاق و ترتفع اعلام کلمة الله و تنتشر روائح نفحات الله و یلوح فجر البقاء و یبوح بالسّر المستسر و الرمز المکنون سراج موهبة الله و تهبّ نسائم موهبة الله من مهبّ العناية علی الارحاء و الانحاء.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، ص ۹۶) (مضمون: به زودی حجاب کنار خواهد رفت و نقاب زایل خواهد شد و تاریکی از جلوی بامدادی که بر آفاق می‌تابد محو خواهد گشت و علم‌های کلمة الله مرتفع خواهد شد و عطر نفحات الهی منتشر خواهد گشت و سپیده‌دم بقا سرخواید زد و سراج موهبت ربّانی، با سرپوشیده و رمز مکنون، خواهد تابید و نسیم‌های بخشش خدایی از محل عنایت بر دیارها و سرزمین‌ها خواهد وزید.)

۲۵) « یقین است که کلمة الله نور مبین آفاق گردد و جهان و جهانیان را روشن نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۱۰۶)

۲۶) « عاقبت منکرین نیز از مقبلین گردند و مستکبرین نیز به غایت خضوع و خشوع برخیزند. همانست که مرقوم نموده‌ای؛ نفوذ کلمة الله کوه البرز را مانند پرکاه نماید.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۶۲)

۲۷) « کلمة ربّانی... قوتیست که عالم وجود را تغییر و تبدیل کلی دهد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، فقره ۳۵)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- (۲۸) « احباً... عاقبت را خیر محض دانند و ارتفاع کلمه‌الله... را که قلم اعلی به آن بشارت داده، مؤکد و محتوم شمرند.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۵۲)
- (۲۹) « در سنین آتی این دور بهایی... جلوه سلطنت بهائیّه و غلبه ظاهره شریعت الهیّه... ملوک و سلاطین را در ظلّ سیطره محیطه کلمه‌الله مجتمع گردانند.» (توقیع منیع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۵)

۸۲. عهد و میثاق الهی (۲۸)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « عنقریب کتاب میثاق در صوامع آفاق ترتیل گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۰۵)
- (۲) « قسم به جوهر وجود و سلطان غیب و شهود که مقامی به جهت ثابتین و متمسکین بر عهد و میثاق الهی مقدر شده است که غبطه اولیاء و منتهی آرزوی اصفیاست. عنقریب انوار این پیمان الهی شرق و غرب را احاطه نماید.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۳۳-منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره ۱۹۸]
- (۳) « اگر به دیده بصیرت نظر بشود، جمیع قوای عالم بالتّیجه خادم میثاق؛ ولی در استقبال ظاهر و آشکار خواهد گشت.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره ۱۹۲- مائده آسمانی ۹، مطلب صد و چهل و سه، ص ۱۵۴)
- (۴) « عنقریب نفوسی به فیوضات ملکوت ابهی مبعوث گردند که سیف شاهر (کشیده شده) میثاق را بر هیکل آفاق بیاویزند و نور عهد قدیم را از افق جبین طالع فرمایند و علم پیمان را در قطب امکان برافرازند، یومئذ یستبشر المؤمنون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۸- ص ۲۴۱) (مضمون عبارت: آن زمان، مؤمنان شادی خواهند کرد.)
- (۵) « نصوص کتاب اقدس، لوح محفوظ الهی، منسوخ نگردد و مرکز میثاق الهی نلغزد؛ علم مبین سرنگون نشود؛ کوکب صبح منیر آفل نگردد؛ بحر محیط از فیض منقطع نشود؛ شمس شهیر در پس سحاب شدید نماند؛ نسیم عنایت منقطع نگردد و باب رحمت مسدود نشود؛ مواهب جمال ابهی مفقود نگردد و موارد فرات سائغ بارد و شراب (سرد و نوشیدنی) مقطوع نشود. عنقریب کوکب میثاق اشراق بر

آفاق نماید و آفتاب عهد بر شرق و غرب بتابد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۸- ص ۲۵۹)

(۶) « فیض شامل نجم آفل نگرده و غیث هاطل (باران ریزنده) شیء باطل نشود؛ انوار ملکوت ظلمات لیل دیجور نشود و آیات لاهوت منسوخ اهل غرور نگرده. عنقریب آیات عهد موج گردد و انوار ساطع میثاق، کوکب و هاج؛ این سیل عظیم آبیاری هفت اقلیم نماید و این نور مبین پرتو افشانی بر روی زمین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۹- ص ۲۷۰)

(۷) « انت الصخرة و علی هذه الصخرة ابني کنیستی... این کلمه از مسیح، هزار سال وحدت مسیحی را محافظه کرد؛ دیگر معلوم است کتاب عهد که اثر قلم اعلی است، چه خواهد نمود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۴۸) [مضمون آیه انجیلی: تو (خطاب حضرت مسیح به پطرس حواری) صخره هستی، و من کلیسای خود را بر روی این صخره بنا خواهم کرد.]

(۸) « تالله الحق سوف تری رایة الميثاق تخفق فی اعلى قلال الآفاق و ان نیر عهد ربك یشرق اشراقاً تشخص منه الابصار، عند ذلك تری المتزلزلین فی خسران مبین و الغافلین فی حسرة و یأس شدید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۸- ص ۲۴۳- مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۵۴) (مضمون: سوگند به خداوند، به زودی پرچم میثاق را بر بلندترین قله‌های آفاق در اهتزاز خواهی دید و خورشید عهد پروردگارت چنان بدرخشد که دیدگان را بزند، آنگاه متزلزلان را در زیان آشکار و غافلان را در حسرت و یأس شدید مشاهده خواهی کرد.)

(۹) « معدودی محدود، هوس سروری نمودند و... به قوتی چون بعوض (پشه) نفوذ در میثاق خواهند... هیئات هیئات، هرگز آفتاب عهد به قوت اهل مهد پوشیده نشود و رخ مهر تابان به همسات (وسوسه‌های) خفاشان رنجیده نگرده و سیل فیض بهاران به مشتت خاک مسدود نشود و نسیم ریاض میثاق مقطوع نگرده؛ فسوف یسمعون نقرات هذا الناقور و نغمات هذا السافور من الملاء الاعلی سبحان ربی الابهی، هنالک ینطقون المؤمنون و المتزلزلون تالله لقد اثرک الله علینا.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۹- ص ۲۶۲) (مضمون بخش عربی: به زودی صدای این ناقور (بوق بزرگ) و آواز این سافور (شیپور بزرگ) را از ملاء اعلی خواهند شنید؛ پاکیزه است پروردگار ابهای من؛ آنگاه هم مؤمنان و هم متزلزلان خواهند گفت: به خدا قسم و به راستی خواست خدا بر ما ظاهر شد.)

(۱۰) « آن منشور (کتاب عهدی، وصیت نامه حضرت بهاء الله) اثر خامه ربّ التّشور است و آن لوح محفوظ اثر کلک سلطان ظهور. در قرآن می فرماید "اَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاَنَا لَهُ لِحَافِظُونَ"، محفوظ است

^۱ سوره حجر، آیه ۹.

و مصون. مثبت است و منصوص. بنیانش مرصوص، صفوف اوهام را مجالی نه و الوف بغضا را نفوذی نه. عنقریب ملاحظه می‌نمایید که علم میثاق موج بر آفاق زند و نور پیمان چون مه تابان بر اکوان درخشد؛ یومئذ یفرح قلوب الثابتین و یقشعر جلود الناقضین، الا انهم فی خسران مبین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقرة ۲۳۲) [مضمون عبارات عربی: همانا ما ذکر (قرآن) را نازل کردیم و خودمان آن را حفظ می‌کنیم... آنگاه قلوب ثابتان شاد شود و پوست ناقضان بلرزد؛ بدان که آنان در زیان آشکارند.]

(۱۱) «ای ناظر الی الله، اگر احزاب امم و جموع ملل مجتمع گردند و کلّ مقاومت میثاق خواهند، به قوت ملکوت ابهی جند هنالک مهزوم من الاحزاب گردند و خائب و خاسر شوند و سوف ترون المتزلزلین فی خسران مبین. عنقریب انوار میثاق آفاق را منور نماید و هذا حقّ معلوم و وعد غیر مکذوب.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقرة ۴۳۴) (مضمون عبارات عربی: سپاهی در آنجا درهم شکستند... به زودی متزلزلان را در زیان آشکار خواهید دید. نه چندان دیر، انوار میثاق آفاق را روشن خواهد کرد و این حقّی نمایان و وعده‌ای راستین است.)

(۱۲) «عنقریب علم پیمان یزدان در قطب امکان موج زند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقرة ۴۸۵)

(۱۳) «اگر چنانچه طیوری پرتو خاوری را انکار نمایند و یا خود، ضعف بصر خویش را آشکار نمایند، ضرری ندارد. عنقریب شمس میثاق به قسمی اشراق نماید که این طیور به حفرة خمول دوند و این ضعفاء در پس پرده اختفا برآیند و لا تسمع لهم صوتاً و لا ركزاً.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقرة ۴۸۷) (مضمون عبارت: و از آنان صدایی نشنوی و نشانی نیابی.)

(۱۴) «عنقریب علم میثاق متموج در شواحق (بلندی‌ها) آفاق گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقرة ۵۱۹)

(۱۵) «عزیز مصر الهی (اشاره به خود هیکل مبارک است که به حضرت یوسف تشبیه شده است) به رغم هر حسود عنود، "ز قعر چاه برآید" (و) به عنایت جمال ابهی، "به اوج ماه رسد." عنقریب ملاحظه خواهید فرمود که به تأیید ملکوت ابهی علم میثاق در قطب آفاق به موج آید و شمع پیمان در زجاج امکان چنان ساطع شود که ظلمات نقض به کلی زائل گردد و فریاد "تالله لقد آثره الله علی الوری" استماع شود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، ص ۲۶۹) (مضمون عبارت: به حق قسم و به راستی، خداوند آن را بر خلق برتری داد.)

۱۶) « عاقبت، آفتاب عهد چنان شرق و غرب را گرم نماید که این خفّاشان چون اضعف موجود، در ارض، معسور (دچار سختی و تنگ دستی) و محسور گردند و از حسرت و پشیمانی شب و روز همدم ناله و فغان شوند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۱۷۴)

۱۷) « دریای میثاق الی الابد پُرموج است و در جوش و خروش.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۸۴)

۱۸) « یاران حقیقی را مژده تأیید جمال قدم دهید که عنقریب... علم میثاق پرچمش موج بر آفاق زند؛ نور احدیت بدرخشد و کوکب هدایت نور بخشد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، ص ۲۲)

۱۹) « عنقریب ملاحظه نمایید که پرتو تقدیس میثاق، آفاق را روشن نماید و انوار عهد، جهان و کیهان را مطلع مه تابان فرماید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ششم، ص ۹۹)

۲۰) « فسوف تری علم الميثاق خافقاً علی اعلى قیل الآفاق.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، ص ۵۷) (به زودی پرچم میثاق را بر بلندترین قله‌های آفاق در اهتزاز خواهی دید.)

۲۱) « ای ورقه موقنه منجذبه،... عنقریب آیات عهد و میثاق را بینی که بر صروح (قصرها) آفاق بلند است.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۷، ص ۲۰۲)

۲۲) « سترون أنّ الأشعة الساطعة من شمس الميثاق احاطت الآفاق و تزلزلت أرض الشبهات و فاض غمام العهد و غيض غدیر النقص. یومئذ ترون جمال العهد مستقراً علی کرسی الجلال و آیات الميثاق تتلی علی الآفاق.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۲۴) [مضمون: به زودی خواهید دید که پرتوهای درخشان خورشید میثاق افق‌ها را فراگرفته است و زمین شبهات به لرزیدن آمده است و ابر عهد فیضان کرده است و برکه نقض خشکیده است. آن روز خواهید دید که جمال عهد (اشاره به خود هیکل مبارک) بر کرسی جلال مستوی است و آیات میثاق در همه سرزمین‌ها خوانده می‌شود.] (این وعده تا حدی تحقق یافته است.)

۲۳) « عنقریب انوار این پیمان الهی، شرق و غرب را احاطه نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره ۱۹۸)

۲۴) « و لو أنّکم یا أغانم الله بین برائن الضواری من السّباع و مخالب جوارح البقاع، لا تیأسوا من روح الله س... یتزلزل بنیان الشبهات و ینشقّ حجاب الظلمات و ینقلق صبح الیّنات و یشرق بانوار الآیات ملکوت الأرض و السموات.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۱۴۰- مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۱۴۳، لوح خراسان) (مضمون: ای اغنام الهی، گرچه بین پنجه‌های وحوش درنده و میان چنگال‌های گوشتخواران پرنده اسیرید، اما از روح الهی مأیوس نشوید؛ نه چندان دیر، بنیان شبهات لرزان

خواهد شد و حجاب ظلمات دریده خواهد گشت و بامداد بینات خواهد دمید و به انوار آیات، عرصه زمین و اوج آسمان را روشن خواهد کرد.

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۲۵) « قدرت عهد و میثاق الهی هرگونه امتحان و افتتانی را که از سماء قضای مبرم نازل شود، محو و نابود خواهد کرد و به این طریق، نشان خواهد داد که قادر است دنیای پراضطراب را نجات داده و علم ملکوت الهی^۱ را بر روی زمین برافرازد.» (۹ مارس ۱۹۶۵، ارکان نظم بدیع، صص ۲۹۰-۲۸۹)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۲۶) « ما یقین داریم همین که شما (اعضای محفل روحانی ملی هلند) مضمون این نامه را با یاران در میان گذارید و منتخبات آثار مبارکه و مرقومات حضرت ولی امرالله توجه آنها را جلب نماید، شک و شبهه آنان از میان رفته، خواهند توانست تمام مساعی و همت خود را در نشر امر حضرت بهاءالله صرف نمایند و با کمال صفا و مسرت مطمئن باشند که قدرت عهد و میثاق الهی هرگونه امتحان و افتتانی را که از سماء قضای مبرم نازل شود محو و نابود خواهد کرد و به این طریق نشان خواهد داد که قادر است دنیای پراضطراب را نجات داده و علم ملکوت الهی را بر روی زمین برافرازد.» (پیام ۹ مارس ۱۹۶۵، خطاب به محفل روحانی ملی هلند راجع به تشویش خاطر بعضی از احباب نسبت به زمان انتخاب بیت العدل اعظم)

(۲۷) « همچنان که ظلمت مستولی بر عالم انسانی غلظت می‌یابد، انوار حیات بهایی تابان‌تر و درخشان‌تر خواهد شد و عالمیان را در پناه میثاق حضرت بهاءالله، تنها کسی که قادر است صلح و عدالت و حیاتی منظم برایش تأمین کند، وارد خواهد ساخت.» (ترجمه) (معهد اعلی، آگوست ۱۹۶۸، مجموعه دخول افواج مقبلین)

(۲۸) « دریای میثاق الهی الی الابد پرموج است و پرجوش و خروش.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام ۷ دسامبر ۱۹۶۹، خطاب به یکی از احباب)

۸۳. معبد بهایی (مشرق‌الاذکار) (۲۵)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

^۱ به مبحث پرشکوه ۱۴۷ مراجعه شود.

- (۱) « عنقریب... صبح مبین عزت قدیمه پرتوش خاور و باختر را روشن کند. آهنگ ملکوت ابهی در مشارق اذکار بلند شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۴۸۵)
- (۲) « این مسئله (بنای مشرق‌الاذکار)، بعد خیلی اهمیّت پیدا می‌کند. بعد، هزاران مشرق‌الاذکار ساخته خواهد شد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب پنجم از ردیف ع، ص ۱۸۹)
- (۳) « مشرق‌الاذکار مدور و دایره شکل است؛ نه خیابان، نه باغچه، نه حوض با فواره‌های آب و نه دروازه در اطراف دارد و هر خیابانی به محلی می‌رود؛ مثل محلّ ایتم، دارالشفا، مدرسه ابتدایی و کلیه امثال این‌ها که از لوازم مشرق‌الاذکار است. داخل مشرق‌الاذکار ارغنون و غرفات خواهد بود و کرسی خطابه مخصوص مناجات و عبادت؛ ولی خطابه هم در آنجا می‌توان داد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب پنجم از ردیف م، ص ۲۵۰)
- (۴) « دوستان را محفلی باید و مجمعی شاید... این محافل مشارق اذکار است که به قلم اعلی تعیین و مقرر گردیده است که باید در جمیع مدن و قراء تأسیس شود... این مجامع روحانی در نهایت تنزیه و تقدیس ترتیب یابد تا از محلّ و ارض و هوایش نفعات قدس استشمام گردد.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۴۵]
- (ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله
- (۵) « در قرب آن مقامات [در مرج عگا، روضه مبارکه مطهره جمال اقدس ابهی؛ (و) در جبل کرم، در مقام مقدّس اعلی، عرش مطهر حضرت نقطه اولی؛ و رمس منور حضرت من طاف حوله الاسماء (حضرت عبدالبهاء)] ... مشرق‌الاذکار ارض اقدس بنیانش مرتفع گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۵)
- (۶) « به مرور ایام، بنیان رفیع مشرق‌الاذکار در حوالی و اکناف (مواقع جبلیه و بقاع متبرکه ایران) مرتفع گردد و بر رونق و روحانیت و ابّهت و صفا و جلال معاهد امریه بیفزاید و روح زنده و آزاد آیین ربّ العالمین را بر روی زمین به ظاهر ظاهر، مثالی برازنده و تمثالی پاینده میسر و مقرر گردد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۴)
- (۷) « معابد متعدده بهایی در ارض طاء، امّ‌العالم (طهران)، افق نور و جبل مقدّس کرم در قلب‌العالم و مطاف‌الامم، و مرکز عربی و اسلامی (قاهره)، و مدینه‌الله (بغداد)، و عواصم ممالک آخری در شرق و غرب تأسیس شود.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

۸ « وسائل بنای توابع و ملحقات اولین مشرق‌الاذکار عالم بهایی در مدینه عشق و آم‌المعابد غرب در قاره آمریکا، به کمال اتقان و انتظام فراهم گردد.» (توقیع منیع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

۹ « فی الحقیقه این معبد (مشرق‌الاذکار شیکاگو، آم‌المعابد مغرب زمین) از لحاظ تبرک و تقدس با اولین مشرق‌الاذکار عالم بهایی (در عشق آباد روسیه که به سبب زلزله ویران شد) و مشرق‌الاذکارهای دیگری که در مستقبل ایام در نقاط مختلفه مرتفع می‌گردند، قابل قیاس نبوده و نیست.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۸۹) (۱۱ آوریل ۱۹۴۹)

۱۰ « این بنا (مشرق‌الاذکار شیکاگو) که تأسیسش از مفاخر سنین اخیراً عصر اولای دور بهایی است، در این عصر تکوینی (تکوین) امر مرتفع و متفرعات آن باید در طی عهدهای متوالیه این عصر به وجود آید و ثمرات بدیعه‌اش در عصر آینده، یعنی عصر نهایی و ذهبی اولین و مشعشع‌ترین دور کور پانصد هزار سال (۵ ی) بهایی عاید گردد.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۹۰) (۱۱ آوریل ۱۹۴۹)

۱۱ « قوای خلاقه مکنونه این بنای عظیم مقدس (مشرق‌الاذکار شیکاگو) که رمز و منادی مدنیته جهانی آینده... است به تمامه، ظاهر و مکشوف گردد و انوار جلال و عظمت روح قدسی مستوره‌اش به اشده اشراق ظاهر و ساطع شود و آنچه حضرت عبدالبهاء در باره آینده و سرنوشت آن بیان فرموده‌اند واضحاً مشهوداً تحقق یابد.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۹۲) (۱۱ آوریل ۱۹۴۹)

۱۲ « اعضای شجاع جامعه بهایی آمریکا... اولویت خود را از طریق... ابتیاع اراضی برای ساختمان‌های آینده معابد بهایی به ثبوت رسانیده‌اند.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۲۰۴) (۲۱ سپتامبر ۱۹۵۷)

۱۳ « حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی نموده است که: " وقتی... آن بنای عظیم الهی (مشرق‌الاذکار شیکاگو) به اتمام رسد، حرکتی عجیب و جنبشی غریب در عالم وجود احداث خواهد شد... از آن مرکز نورانی، روح تبلیغ... در جمیع اقطار عالم نفوذ خواهد کرد." (مرور معبود، ص ۴۶۱)

۱۴ « (حضرت عبدالبهاء) در الواح طرح ملکوتی (الواح تبلیغی) تصریح نموده است که: " البته از این مشرق‌الاذکار (مشرق‌الاذکار شیکاگو) هزاران مشرق‌الاذکار تولد خواهد یافت." (مرور معبود، ص ۴۶۱)

۱۵ « (حضرت عبدالبهاء) هنگام تشریف فرمایی به اراضی معبد (شیکاگو) اظهار داشته است: " هزاران مشرق‌الاذکار در خاور و باختر تأسیس خواهد گردید..." (مرور معبود، ص ۴۶۲)

۱۶) « حضرت عبدالبهاء هنگام تشریف فرمایی به اراضی معبد (شیکاگو)... در اشاره به آن بنای باشکوه فرموده است: "این تأسیس مشرق‌الاذکار، نمونه‌ای از برای قرون آتیه گردد و به منزلهٔ مادر باشد." (مرور معبود، ص ۴۶۲)

۱۷) « ام‌المعابد غرب (مشرق‌الاذکار شیکاگو- م) رمز مدنیت الهیه (است) که به فرمودهٔ حضرت عبدالبهاء هزاران مشرق‌الاذکار از آن تولد خواهد یافت.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۱ بدیع، مجموعهٔ توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۲۴۱)

۱۸) « به مرور ایام و به تأییدات لاریبیهٔ مستمرهٔ مولی الانام و سابق الانعام، پیروان امر ملک علام... به تشیید ام‌المعابد ارض اقدس و توابع و ملحقاتش کاملاً اقدام خواهند کرد.» [مجموعهٔ پیام آسمانی (مجموعهٔ نصوص مبارکهٔ مندرج در مجلهٔ پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۶۹]

۱۹) « و چون در مستقبل ایام اجزاء و ملحقات این تأسیس بدیع (مشرق‌الاذکار) که وظائف مکمل مشارق اذکار است، تشکیل گردد و تأسیسات فرعیهٔ اعم از ملی یا محلی، مانند دارالانشاء و صندوق و محفظهٔ آثار و کتابخانه و دایرهٔ نشریات و طالار اجتماع و محل انعقاد جلسات و مسافرخانه، حول این مقر مقدس به تمشیت امور و انجام (دادن) خدمات مألوف شود، آنگاه است که اهمیت این کانون فعالیت‌های اداری که نمودار روح خدمتگزاری جامعهٔ بهایی به آستان عزّ الهی و عالم انسانی علی‌الاطلاق است، بنحو اوفی واضح و آشکار خواهد گردید.» (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۶۸۵)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۲۰) « این مشرق‌الاذکار (مشرق‌الاذکار پاناما)... به فرمودهٔ حضرت عبدالبهاء "در میان دو محیط اعظم واقع" و "در آینده، اهمیت کبری خواهد یافت." (پیام رضوان ۱۹۶۷)

۲۱) « این اقدام (تأسیس دو مشرق‌الاذکار ملی جدید و پنج مشرق‌الاذکار محلی برای اولین بار) نوید دهندهٔ روزی است که به پیروی از دستور حضرت بهاءالله، در هر شهر و دهکده، بنایی برای نیایش و عبادت پروردگار ساخته خواهد شد. از این مطالع ذکر الهی، پرتو انوارش ساطع و طنین حمد و ثنایش مرتفع خواهد گشت.» (بیت‌العدل اعظم، پیام رضوان ۲۰۱۲)

۲۲) « مرکز میثاق... در شامگاه قبل از این مراسم (زدن اولین کلنگ بنای مشرق‌الاذکار شیکاگو) در بارهٔ مشرق‌الاذکار فرمودند: "تا نوع بشر مکانی جهت اجتماع داشته باشد" و "اعلان وحدت عالم انسانی از صحن مقدس آن بلند شود." (بیت‌العدل اعظم، پیام رضوان ۲۰۱۲)

(۲۳) «در مستقبل ایام، در همهٔ مدن و قری، معابد بهایی بنا خواهد شد.» (کتاب مستطاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۵۳)

(۲۴) «حضرت ولی امرالله... نظر مبارک را به آتیۀ این مشروع معطوف داشته، می‌فرمایند که معبد بهایی و متفرعات آن، عاجزان را آسایش بخشد؛ فقرا را دستگیر شود؛ مسافران را مأوی دهد؛ غم زدگان را تسلی عطاء کند و نادانان را تربیت نماید.» (کتاب مستطاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۵۳)

(۲۵) «معبد بهایی مختص به ستایش و عبادت حق است. این معبد، بنای مرکزی مشرق‌الاذکار است که در آتیۀ علاوه بر محل عبادت، شامل ملحقاتی خواهد بود که به فعالیت‌های اجتماعی، بشر دوستی، تربیتی و علمی اختصاص خواهد داشت.» (کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۵۳)

۸۴. شهادی فی سبیل الله (۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) «جفاکاران دست تطاول گشودند و ذره‌ای رحم ننمودند؛ تالان و تاراج نمودند؛ حلق‌ها بریدند و قلب‌ها دریدند و خون‌ها ریختند؛ تن‌ها را پاره پاره نمودند و اجساد را بسوختند و اطفال و نساء را نیز شهید نمودند. این شهادت... عنقریب آثار باهره‌اش مانند کوکب ساطع بر جهان و جهانیان لامع گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۲۰۷)

(۲) «سبحان الله، از خون شهیدان، آن دشت و صحرا (در یزد) گلزار و لاله زار گشت؛ ولی مشام غافلان هنوز به زکام مبتلا. عنقریب چنان برویاند خدا که اهل مشرق و مغرب مبهوت و حیران مانند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره ۵۹۶)

(۳) «این واقعه عظمی (شهادت احبای یزد)، سبب اعلاء کلمة الله گردد و نشر نفعات الله؛ نسمة الله به هیوب آید و نیر موهبه الله طلوع کند.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب ششم از ردیف ش، ص ۱۶۶ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره ۴۳۵)

(۴) «این واقعه عظمی (شهادت احبای یزد)، سبب (شود که) امر صد مرتبه عظیم تر شود و رایت الهیه بلندتر گردد؛ آیت تقدیس ظاهر شود و جمیع ملل از هجوم جنود شهادت، مغلوب و مقهور و مهزوم گردند.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب ششم از ردیف ش، ص ۱۶۶ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره ۴۳۵)

- (۵) « آن جوهر وجود (یکی از شهدای امرالله)... اگر به ظاهر به ذلت کبری شهید شدند، ولی به حقیقت، بر سریر عزت سرمدی جالس؛ عنقریب مشاهده خواهد شد که ملوک به آن تراب تبرک خواهند جست و جمیع اعناق خاضع خواهد گشت.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۴۹)
- (۶) « ای یاران الهی، این نفوس (جناب ورقا و حضرت روح الله) سزاوار بندگی جمال مبارکند که به مبارکی اسمشان جهان و جهانیان عنقریب در بشارت. روحی لهم الفداء و کینونتی لهم الفداء.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، ۹، مطلب صد و چهل و پنجم، ص ۱۵۸) (مضمون عبارت: روحم و ذاتم برای آنان فدا باد.)
- (۷) « آن امة الله... شخص خطیری را که از جان عزیزتر داشت در میدان فدا سرداده دید و جسم لطیفی را که پرورده پزند و پرنیان بود پایمال سُم ستوران یافت... لا بأس؛ انّ ذلك الجسد سیکون مزار الملوک اولی السطوة والاشتهار.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۴۹) [مضمون عبارت عربی: عیبی ندارد؛ همانا (خاک) این جسد به زودی زیارتگاه ملوک پر قدرت و شهرت خواهد شد.]
- (۸) « عنقریب از سقایه به خون، مزرعه امرالله چنان گل و ریاحین برویاند که شرق و غرب معطر گردد و جنوب و شمال معنبر شود.» [حضرت عبدالبهاء، مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۱۲]

۸۵. هنر بهایی (۱۰)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « امیدوارم که اشعار فارسی جمال مبارک را حفظ نمایی و به ابداع انغام در محافل و مجالس بخوانی. عنقریب این اشعار تطبیق با الحان انگلیسی گردد و در نهایت وجد و سرور این سرود به ملکوت ابهی رسد.» (پیام آسمانی، ۲، ص ۴۲)
- (۲) « الحمد لله تو آهنگ موسیقی را با نغمه ملکوتی آمیخته‌ای، جهان جان را شادمان کنی و الی الابد احساسات وجدانیه را تحریک نمایی و باقی و برقرار ماند و ذکرش در مرور اعصار و قرون مستمر گردد.» (پیام آسمانی، ۲، ص ۴۳)

۳ « اشعاری که در این زمان نظم می‌شود تا ابدالآباد زبان زد فصحا و بلغای عالم گردد و بعد از هزار سال نیز در محافل کبری و مجامع عظمی و معابد عظیمه در جمیع دنیا ترتیل و ترنیم گردد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۵۶)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۴ « مطمئناً روح این ابطال (مذکور در مطالع الانوار) بسیاری از هنرمندان را برخواهد انگیخت که بهترین آثار خود را به وجود آورند.» (حضرت ولی امرالله، ۲۰ جون ۱۹۳۲، مجموعه اهمیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۲۰)

۵ « ما معتقدیم که در آتیه ایام، وقتی که روح امر بهایی در عالم نفوذ کرده و جامعه را عمیقاً متحول کرده باشد، موسیقی تحت تأثیر آن قرار خواهد گرفت.» (حضرت ولی امرالله، ۳ فوریه ۱۹۵۲، مجموعه اهمیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۲۹)

۶ « در زمانی امرالهی چون آتش به همه جا سرایت خواهد کرد که روح و جوهر تعالیمش بر صحنه نمایش یا در هنرهای متنوع یا در ادبیات، به عالمیان عرضه گردد.» (حضرت ولی امرالله، نقل توسط بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۷۹- نیز مندرج در پیام رضوان ۱۹۹۶- و با ترجمه‌ای بهتر، مندرج در پیام آسمانی ۲، ص ۴۸، فقره ۶۹)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۷ « هنرهای ترسیمی و نمایشی و ادبیات نقش عمده‌ای در اتساع دائره نفوذ امرالهی ایفاء نموده‌اند و در آینده نیز ایفاء خواهند نمود.» (پیام آسمانی ۲، ص ۴۸)

۸ « از بیانات مندرج در آثار مبارکه تردیدی نمی‌توان روداشت که تبلور و شکوفایی بدیع هنرهای جدید و جمیل را می‌توان در آتیه ایام انتظار داشت.» (معهد اعلی، ۱۷ ژانویه ۱۹۷۳، مجموعه اهمیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۳۳)

۹ « معماری جدیدی که این ظهورالهی به وجود خواهد آورد، بعد از نسل‌های بسیار شکوفا خواهد شد. ما تنها در بدایت این جریان عظیم هستیم.» (معهد اعلی، ۱۸ جولای ۱۹۷۴، مجموعه اهمیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۳۴)

۱۰ « جمیع این‌ها (فرهنگ، هنر، موسیقی یا معماری بهایی) بالاترین، در آتیه ایام به عنوان نتیجه طبیعی مدنیت بهایی^۱ ظهور خواهد کرد.» (معهد اعلی، ۲۳ جون ۱۹۸۵، مجموعه اهمیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۴۲)

۸۶. محاکم بهایی (۲)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- ۱) « اقدامات اولیه برای استقرار مؤسسات محاکم بهایی، که حق قانونی اجرای... قوانین و احکام به آنها محول گشته، هنوز (۱۹۴۴ میلادی) انجام نشده است.» (مرور معبود، ص ۵۳۴)
- ۲) « در سنین آتیه این دور بهایی... محکمه شرعی بهائیه به کمال عظمت و متانت تشکیل گردد.» (توقیع ۱۰۵، مجموعه توقیعات مبارکه ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳)

۸۷. دانشگاه بهایی (۲)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- ۱) « مدارس تابستانه... در آتیه ایام به دانشگاه‌های بزرگ بهایی منتهی خواهد گردید.» (قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۶۸۸)
- ۲) « تاکنون (۱۹۴۴ میلادی) سایر جامعه‌های بهایی... از برنامه‌ها و فعالیت‌های این مدارس (مدارس بهایی آمریکا) الهام گرفته‌اند؛ الهامی که به آن‌ها کمک خواهد کرد... مؤسساتی را به وجود آورند که امید می‌رود به دانشگاه‌های آینده بهایی مبدل و منتهی گردند.» (مرور معبود، ص ۴۴۹)

۸۸. تاریخ و مورخین بهایی (۱۲)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

^۱ به بحث ۱۳۸ مراجعه شود.

- (۱) « افسوس که ما از شرایط دقیق حاکم بر آن اعلان سرنوشت ساز (اظهار امر علنی در باغ نجیب پاشا) اطلاع چندانی در دست نداریم. سخنانی که حضرت بهاءالله در آن موقعیت خطیر بیان کرد؛ نحوه اعلان امر حضرتش و واکنش‌هایی که این اعلان عظیم ایجاد نمود، و بخصوص تأثیر آن بر میرزا یحیی؛ هویت کسانی که مفتخر به شنیدنش شدند؛ همه، در هاله‌ای از ابهام فرو رفته که زدودنش برای تاریخ نویسان آینده، چندان آسان نخواهد بود.» (مرور معبود، ص ۲۲۲)
- (۲) « محال است اهمیت این همه خدمات متنوع (خدمات حال و آینده احبای آمریکا) را نادیده گرفت یا ارزش روزافزون نتایج حاصله‌اش را به درستی تخمین زد و این کار فقط از عهده مورخین آینده بهایی ساخته است.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۵)
- (۳) « امر بهایی... اینک برای تحقق مشیت الهیه در عالم امکان در حال تکامل است. شکی نیست که مورخین صاحب قلم آینده، در باره این امر اعظم بهتر از هر یک از پیروانش در نسل حاضر قادر خواهند بود که آثار جاودانه و استادانه ای بیافرینند و... از نیروی ذاتی امر الهی سخن گویند.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۳۹)
- (۴) « تاریخ حقیقی مؤمنین اولیه عصر رسولی این امر نازنین و تحقیقات کاملی که مورخین میرز بهایی در مستقبل ایام به عمل خواهند آورد، بیان بلیغی از تاریخ آن اعصار در اختیار اخلاف خواهد گذاشت.» (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴)
- (۵) « در این اوراق فقط رئوس اقدامات و خدمات مهمه داخلی و خارجی یاران آمریکا را می‌توانم ذکر نمایم... بالمآل بر عهده نسل‌های آینده است که از عظمت و از قدر و ارزش آن اقدامات سخن گویند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۶، توقیع مورخ ۲۱ آوریل ۱۹۳۳)
- (۶) « مورخین آینده، آن (عصر گرفتار تجزی و فساد و سرگردانی فعلی) را پیش‌درآمد عصری عظیم خواهند شناخت که از روزگار زرینش امروز جز بارقه ضعیفی به چشم ما نمی‌آید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۳۱، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- (۷) « تبیین و تشریح کامل روابطی که این دو رکن اساسی الواح وصایای حضرت عبدالبهاء (دو مؤسسه ولایت امرالله و بیت‌العدل اعظم الهی) را به یکدیگر متصل و هر یک را به شارع آیین و مرکز میثاق مرتبط می‌نماید وظیفه ایست که نسل‌های آینده آن را کما ینبغی و یلیق ایفا خواهند نمود.» (کتاب دور بهایی، ص ۷۸)

^۱ به مبحث ۱۳۰ مراجعه شود.

(۸) «تحقیق دقیق در تاریخ تکامل و استحکام تدریجی نظم اداری بهایی... از عهده من و معاصرین ما برنیاید؛ زیرا هنوز وقت آن نرسیده که از قوای محرکه‌اش بتوان تجزیه و تحلیلی جامع و تخمینی درست عرضه داشت.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۳۸)

(۹) «تاریخ حقیقی حیات مؤمنین اولیه عصر رسولی این امر نازنین و تحقیقات کاملی که مورخین مبرز بهایی در مستقبل ایام به عمل خواهند آورد، بیان بلیغی از تاریخ آن اعصار (اعصار سه گانه امرالله) در اختیار اخلاف خواهد گذاشت که در حال حاضر انجام آن برای این عبد مقدر نیست.» (کتاب دور بهایی، ص ۴)

د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱۰) «جزئیات دقیق و کامل این ابلاغ خصوصی (اظهار امر علنی حضرت بهاءالله در باغ رضوان بغداد)، بنا بر نوشته مرجع معتبر امر بهایی، یعنی حضرت شوقی ربّانی که خود نسبت به مدارک و اسناد آن ایام اطلاع کامل و عمیقی داشته، "در پرده ابهامی مستور است که کشف آن برای مورخین آتیّه امر بهایی خالی از صعوبت و اشکال نخواهد بود."» (بیت العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله - می ۱۹۹۲، ص ۲۰)

(۱۱) «مورخین آینده بی تردید با ستایش و تکریم، تجهیز مساعی لازم برای تشکیل بیت العدل اعظم را مرهون اقدام ایادی امرالله خواهند شمرد، زیرا آنان بودند که در فقدان رهبری ولی امرالله در عالم بهایی، کار هماهنگ کننده را به عهده گرفتند.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار - ۲۰۰۱ میلادی، ص ۶۹)

(۱۲) «مورخین اجتماعی در آینده، نظری بی طرف تر و عالم بین تر از آنچه امروز دارند خواهند داشت و با استفاده و دسترسی به همه اسناد و مدارک دست اول، خواهند توانست تغییرات و تحولاتی را که حضرت عبدالبهاء در این سال‌های اولیه (قرن بیستم) ایجاد فرمود، دقیقاً مطالعه کنند.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار - ۲۰۰۱ میلادی، ص ۹)

۸۹. تعلیم و تربیت بهایی (۴)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « آن مظهر کلی (جمال مبارک) چنان تربیت کند که امم و ملل هر چند در تباین احوال و اختلاف عادات و اخلاق و تنوع ادیان و اجناس، مانند گرگ و بره و مار و طفل شیرخواره و پلنگ و بزغاله‌اند، با هم همدم و هم آغوش و هم‌راز گردند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۶)

(۲) « در جمیع کتب و صحف انبیاء، موعود و مذکور که در آن یوم خداوند (یوم ظهور ربّ جنود)... عالم بشر تربیت شود.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)

(۳) « نوع انسان تربیت و روش و سلوک دیگر یابد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در ترجمه گاد پاسز بای توسط نصرالله مودت، ص ۵۶۵)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۴) « موفقیت مؤسسات مذکور [مراکز دائمی آموزشی (training institutes)] معلوم ساخت که در آینده، سیستم عمومی بهایی در تعلیم و تربیت در همان مسیر حرکت خواهد کرد.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۹۳)

۹۰. نقش مؤسسه ولایت امرالله (۲)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱) « در حال حاضر اشارات دقیق و اهمیت کامل دستورالعمل‌های مندرج در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به نحو کامل دریافت نشده است؛ گذشت زمان کمک خواهد کرد تا حکم بالغه و تأثیرات وسیعه کلمات حضرتش ظاهر و آشکار گردد.» (ترجمه شخصی) [توقیع ۹ آوریل ۱۹۲۳، کتاب نظم اداری بهایی (انگلیسی)، ص ۴۷]

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۲) « فاصله میان مؤسسه ولایت امرالله و مقام فرید مرکز میثاق الهی هر چقدر عظیم باشد، نقشی که حضرت شوقی افندی بعد از صعود حضرت عبدالبهاء به عهده گرفت، در تاریخ امرالله یکتا و یگانه است و این نقش محوری در قرون آتی، همچنان در حیات امرالهی باقی و برقرار خواهد ماند.» (ترجمه شخصی) [بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی (انگلیسی)، ص ۵۵]

۹۱. حظیرة القدس (۱)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱) « این مؤسسه (مؤسسه حظیرة القدس)، ... هنگامی که اجزای مرکب‌اش، از جمله بخش‌های دفتری، امور مالی، بایگانی، کتابخانه، چاپخانه، تالار اجتماعات، اتاق شور و مشورت، و مسافرخانه، حول آن حلقه زبند... به شکلی درخور و شایسته، روحیه خدمت و فداکاری را که به جامعه بهایی جان می‌بخشد، در ارتباط با امرالهی به نحو اخص، و عالم انسانی به طور کلی، تعیین و تحقق خواهد بخشید.» (مرور معبود، ص ۴۴۷)

۹۲. مؤسسه حقوق الله (۱)

د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱) « هنوز بدایت توسعه مؤسسه حقوق الله در سطح جهانی است، مؤسسه‌ای که در قرون آینده وسعت خواهد یافت و شکوفا خواهد شد و منابع مادی لازم را برای پیشرفت جامعه بشری فراهم خواهد آورد.» (پیام ۱۴ فوریه ۱۹۹۷)

فصل هفتم

عصر تکوین، رشد امرالله و توسعه تعامل آن با عالم انسانی (۸۱۲)

۹۳. مراحل متوالی استیلای امرالله بر عالم (۲)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱) « این مراحل ثلاثه که مرحله استحکام اساس و اتساع نطاق و اشتها صیت امر نیر آفاق است مقدمه اعلان آیین یزدان در تمام جهان است.» (مندرج در پیام معهد اعلی، ۹ شهرالعره ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه بشارات جانفرا، ص ۲۴)

(۲) « مراحلی که متوالیاً (successively)، بشریتی خون‌آلود و به نحوی اسف‌بار، غافل از خدای خود و بی‌توجه به حضرت بهاءالله را از صلیب‌گاه عیسائیش به رستاخیز نهایش^۱ رهنمون خواهند شد (عبارتند از):

- عبور از درون کوره گدازان بلایا،
- حلول صلح اصغر (شامل بازسازی عالم انسانی که نتیجه شناخت عمومی وحدت و جامعیت آن خواهد بود)،
- شناخت مشخصه و قبول مدعیات امر حضرت بهاءالله،

^۱ گفته شده که حضرت مسیح از فراز صلیب تا فلک چهارم را طی فرمود. در این بیان مبارک، به طور ضمنی، بشریت به آن حضرت تشبیه شده است، یعنی علاوه بر این که حائز همان ارزش و اهمیت است، عاقبت هم به واسطه طی کردن مراحل مذکوره، از بحبوحه ظلم و عذاب کنونی به اوج عزت و اعتلای روحانی عروج خواهد کرد. در ضمن در این بیان مبارک، به نحوی بارز، توالی بعضی از مهم‌ترین رویدادهای آینده مربوط به امر الهی و عالم انسانی مشخص شده است؛ یعنی به استنباط نگارنده، به ترتیب: صلح اصغر، اقبال افواج، تجدید حیات روحانی عالم انسانی، اتحاد سیاسی عالم بشری، استقرار نظم بدیع الهی، حلول عصر ذهبی، استقرار صلح اعظم ابهایی، تحقق سلطنت الهی، بروز مدنیت جهانی و استقرار ملکوت ابهی بر بسط غیرا، از پی یکدیگر محقق خواهند شد. این بیان مبارک یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای ترتیب و تنظیم سلسله‌وار مباحث این مجموعه بوده است. برای اکتشاف حقایق بیشتر راجع به هر یک از این مراحل، لطفاً به کمک فهرست مفصل عناوین، به مباحث مربوطه رجوع شود.

- روحانی شدن توده‌های بشری،
- تلفیق و ترکیب نهایی نژادها، تیره‌ها، طبقات و ملت‌ها در هم (نوع دیگری از بیان وحدت سیاسی عالم انسانی)،^۱
- ظهور نظم بدیع الهی،
- بعد، تمامی مردمان و ملت‌های ارض حلول عصر تمامیت نژاد انسانی (عصر ذهبی) را اعلان خواهند کرد و جشن خواهند گرفت.
- سپس، علم صلح اعظم افراشته خواهد شد.
- بعد، سلطنت جهانی حضرت بهاءالله مورد اقبال و استقبال واقع خواهد شد و به طور مستحکم مستقر خواهد گشت.
- سپس، يك مدنیت جهانی متولد شده، رشد و نمو نموده، ابدیت خواهد یافت.
- بعد، عهد ازلی به طور کامل تحقق خواهد یافت.
- سپس، وعده مندرج در تمامی کتب سماوی محقق خواهد شد؛
- و همه پیش‌گویی‌های انبیای سلف واقع خواهد شد؛
- و نظاره‌های حکیمان و شاعران تحقق خواهد یافت.
- بعد؛ سیاره ارض، که به سبب ایمان عمومی ساکنانش به خدایی واحد و اطاعت آنان از ظهوری مشترک، زرگونه شده است؛ تحت محدودیت‌های حاکم بر آن، عظمت‌های مشعشع سلطنت حضرت بهاءالله را که در وفور شکوه جنت ابهایش متجلی خواهد بود، منعکس خواهد کرد.» [حضرت ولی امرالله، آخرین صفحه از توقیع منبع "روز موعود فرارسید" (انگلیسی)] (ترجمه شخصی)

۹۴. رهایی امرالله از قید مقهوریت (۳)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

^۱ مطابق فقرات واضحه کثیره، استقرار نظم بدیع الهی (مبحث ۱۲۹) آخرین مرحله عصر تکوین و در بدایت جلوه عصر ذهبی خواهد بود، لهذا چنین استنباط می‌شود که این نوع "تلفیق و ترکیب" که قبل از استقرار نظم بدیع الهی حاصل خواهد شد، نوع دیگری از بیان همان وحدت سیاسی عالم انسانی است.

- (۱) « همان‌گونه که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده‌اند، آینده نزدیک امراللهی... الزاماً بسیار تاریک خواهد بود.» (ترجمه) [توقیع منبع مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۴۰- سرنوشت رو به ظهور جامعه بهایی انگلستان، (انگلیسی)، ص ۳۵۴]
- (۲) « دورهٔ مجهولیت که اولین مرحله در نشو و نماي جامعهٔ اهل بهاء است و مرحلهٔ ثانیهٔ مظلومیت و مقهوریت، هر دو منقضی گردد.» (ظهور عدل الهی، ترجمهٔ فتح اعظم، ص ۷- توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعهٔ توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)
- (۳) « در سنین آتی این دور بهایی... جامعهٔ پیروان امر اعزّاسنی در موطن اصلی جمال ابھی (ایران) و ممالک اسلامیّه و اقطار شرقیه، از قید اسارت و مقهوریت رهایی یابند.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۹۵. آزادی عمل امرالله (۲)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « عنقریب زمانی آید که آزادگان به آزادی به خدمت امر پردازند و مظلومان بی‌پرده، آهنگ ملکوت ابھی بنوازند، مطمئن باش.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره ۱۶۳)
- (د) از آثار بیت العدل اعظم
- (۲) « حضرت ولی امرالله بیان فرمود که این تحولات (تأسیس بنیادهای جهانی... تنسيق و تنظيم فعالیت‌های اقتصادی... تعیین موازین بین‌المللی و تشویق همبستگی و اتفاق میان نژادها و فرهنگ‌های مختلف) و تحولاتی دیگر، بالمآل اوضاع و شرایطی را به وجود خواهد آورد که امر بهایی را در آینده قادر خواهد ساخت که بهتر و مؤثرتر به اجرای مأموریت خویش در عالم انسان موفق گردد.» (بیت العدل اعظم، رسالهٔ قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۴)

۹۶. درخشش امرالله در مغرب زمین (۲)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) «إعلم بان الشرق قد استضئت آفاقها بانورالملکوت و عنقرب تتلأ هذه الانوار في مطالع الغرب اعظم من الشرق و يحيى القلوب في تلك الاقاليم بتعاليم الله و تأخذ محبة الله الافتدة الصافية.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توفیق ۸۹ بدیع، مجموعه توفیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۶) (مضمون: به راستی افق‌های خاور از انوار ملکوت روشن شد و به زودی این انوار در مطالع مغرب بیشتر از مشرق درخشان خواهد گشت و در آن دیارها، قلوب به تعالیم الهی زنده خواهد شد و محبت الهی قلب‌های صاف و پاکیزه را تسخیر خواهد نمود.)

(۲) « با وجود این که این امر در ایران ظاهر شده، عاقبت اهالی اروپ (آن را) از دست ایران و ایرانیان خواهند گرفت. این را در گوشه کتابچه مرقوم فرمایید؛ عاقبت خواهید دید؛ هنوز ایرانیان بهاییان را می‌کشند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در مجموعه توفیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۰۲)

۹۷. مرحله انفصال امرالله (۵)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱) « این تبلیغات (تبلیغات ناشی از حمله به امرالله در دوره فلسفی) مقدمه انفصال تدریجی آن ستمدیدگان شجاع (احبای ایران) از قیود مشقت بار علمای رسوم عتیقه است که هر چند متجاوز از یک قرن است رو به انحطاط فاحش گذاشته، ولیکن هنوز از قوه و نفوذ عظیمی در دوائر عالیه و در بین توده ملت برخوردارند. این انفصال که محدود به وطن حضرت بهاءالله نتواند بود، به درجات مختلفه در ممالک اسلامی تأثیر خواهد داشت و حتی ممکن است پیش از آن که قضایای مشابهی در ممالک مجاور اتفاق افتد، این انفصال در آنها حاصل گردد و محرک تازه‌ای شود تا بندهایی را که مانع آزادی پیروان امراللهی در این مرحله از طفولیت است بگسلد.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۸۵) (۲۰ اوت ۱۹۵۵)

(۲) « ید غیبی در کار است... اریاح عدلیه به اراده نافذه مولى البریه، در میقات معلوم، مرور نماید... و منتهی به حلول عصر جدید و ورود جامعه پیروان امر رب مجید (در ایران) به مرحله ثالث که مرحله انفصال آیین بدیع منبع از شرع منسوخ و عتیق است، خواهد شد.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۱۳ بدیع، مجموعه توفیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۷)

(۳) « در سنین آتی این دور بهایی... انفصال شریعت‌الله از ادیان عتیقه کاملاً تحقق پذیرد.» (حضرت ولی امرالله، توفیق منبع ۱۰۵، مجموعه توفیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

- (۴) « انفصال شریعه‌الله از ادیان منسوخه عتیقه رخ گشاید.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه مودت، ص ۳۲)
- (۵) « دوره ثالث که مرحله انفصال شریعه‌الله از ادیان عتیقه است، چهره بگشاید.» (توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)

۹۸. مرحله استقلال امرالله (۹)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- (۱) « ید غیبی در کار است و سائق (سوق‌دهنده، محرک) تقدیر به انواع وسائل و اسباب، فئه مظلومه را از گرداب‌های بلایا و رزایا و حوادث و انقلابات مستمره، عاقبه الامر نجات و استخلاص دهد و به سرمنزل مقصود که علویت و غلبه و استقلال ظاهره است رساند.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، ص ۷۹-مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۹)
- (۲) « در این عهد و عهد آتیه این عصر و در عصر ذهبی دور مقدس جمال ابهی... علم استقلال دین الله در قطب آفاق موج زندا.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)
- (۳) « آنچه در هویت ین امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه شهود خواهد آمد... (از جمله) رهایی شریعت ربانی از تزییقات و تعصبات مذهبی و تمهید مقدمات برای استقلال... عمومی (است).» (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)
- (۴) « در سنین آتیه این دور بهایی... علم استقلال دین الله علی رئوس الاشهاد مرتفع گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)
- (۵) « علم استقلال دین الله بلند گردد.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمه مودت، ص ۳۲)
- (۶) « میقات رفع تزییقات و آزادی امرالله و استقلال شریعت الله، مجهول و علمش عند الله (است).» (حضرت ولی امرالله، امروخلق ۴، ص ۴۸۲)
- (۷) « به یقین مبین بدانند... سلطه قاهره اسم اعظم... امرالهی را از مرحله ای به مرحله دیگر انتقال دهد... و علم استقلال آیین الهی را علی رئوس الاشهاد مرتفع نماید.» (حضرت ولی امرالله، تلگراف ۱۱ ژانویه ۱۹۴۶، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۴-۲۳)

^۱ از این بیان مبارک چنین بر می آید که پدیده استقلال دین الله فرایندی متدرج و متکامل است و از عهد اولیه عصر تکوین شروع شده و تا عصر ذهبی ادامه خواهد یافت.

(۸) « در این عصر تکوین امرالله، در طی عهد کنونی و عهد آینده آن... آیین الهی از قید تعصبات مذهبی رهایی یابد و استقلال و اصالت آن در سراسر عالم مورد قبول و اعتراف قرار گیرد.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

(۹) « این انفصال (امرالله از ادیان عتیقه) بنفسه، مقدمه ارتقاء علم استقلال دین الله (مرحلهٔ رابع) و اقرار و اعتراف به حقوق مسلوبهٔ اهل بهاء و مساوات پیروان جمال ابهی با تابعان ادیان معتبره در انظار رؤسای جهان (گردد).» (ظهور عدل الهی، ترجمهٔ فتح اعظم، ص ۷-توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعهٔ توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)

۹۹. مرحلهٔ رسمیت امرالله (۱۰)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱) « استخلاص جامعهٔ بهایی و تحقق مواعید الهی و رسمیت کامل و فتح و مظفریت نهایی پیروان ستمدیدهٔ ثابت قدم عزیز محبوب را که در موطن اصلی (ایران) به خدمت مشغولند، از آستان الهی ملتسم.» (حضرت ولی امرالله، تلگراف ۱۲ جولای ۱۹۵۰، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۲۹)

(۲) « آنچه در هویت ین امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصهٔ شهود خواهد آمد... (از جمله) ... رسمیت عمومی (است).» (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)

(۳) « مساوات پیروان امر جمال اقدس ابهی با تابعان ادیان سایره که مُمهد سبیل از برای رسمیت آیین الهی است، تصدیق و اعلان شود.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ترجمهٔ مودت، ص ۳۲)

(۴) « رهایی کامل امراللهی از قیود تندروی مذهبی، که شرط ضروری رسمیت عمومی آن، و ظهور نظم جهانی آن است، هنوز (۱۹۴۴ میلادی) حاصل نشده است.» (مرور معبود، ص ۵۳۳)

(۵) «همین جریان است (جریان انحلال و اضمحلال در قوانین اسلامی) که به سکولار (secularization) (دنیوی) شدن تمامی دولت‌های اسلامی منتهی خواهد شد و در نهایت، تحت تأثیر آن، همهٔ ملت‌ها و خلق‌های مسلمان، قانون حضرت بهاءالله را به رسمیت خواهند شناخت و محبت آن را در سراپردهٔ قلوب خود جای خواهند داد.» (مرور معبود، ص ۸۱)

(۶) « تمامی جوامع بهایی در شرق و غرب عالم از این اعلامیه (اعلامیهٔ استقلال امراللهی در محکمهٔ شرعی مصری) استقبال کردند و آن را نخستین منشوری دانستند که در راه رهایی امر حضرت بهاءالله از

قیود تند روی اسلامی صادر شده بود و اولین جهشی در نظر گرفتند که در مسیر منتهی به رسمیت نهایی و جهانیش برداشته می شد.» (مرور معبود، ص ۴۷۹)

۷ « این استقلال (دین الله) ممهّد سبیل (است) از برای رسمیت آیین الهی (مرحله خامس) و ظهور نصرتی عظیم شبیه و نظیر فتح و فیروزی که در قرن رابع از میلاد حضرت روح در عهد قسطنطین کبیر نصیب امت مسیحیه گشت.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۷- توفیق منیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)

۸ « آن فتوای تاریخی (رای صادر توسط علمای دینی قاهره مبنی بر این که امرالهی دینی است مستقل)... تأثیرات آتیش عاقبت و به حکم ضرورت، به استقرار این آیین نوین بر پایه تساوی مطلق با سایر ادیان آن سرزمین (کشور مصر)، منتهی خواهد گشت.» (مرور معبود، ص ۴۸۱)

۹ « سازمان ملل متحد آیین بهایی را به عنوان یک هیأت غیر دولتی بین المللی شناخته و از این راه تعیین و انتصاب نمایندگان ذی اعتبار برای کنفرانس های سازمان ملل متحد میسر گشته است. این امر مقدمه آن است که رسمیت دیانت مقدسه حضرت بهاء الله در سراسر جهان اعلان گردد.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۶۲) (۱۶ آوریل ۱۹۴۸- تلگراف ۱۵ آوریل ۱۹۴۸، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۹۴)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۰ « با شکرانه و سرور... آزادی غالب زندانیان بهایی در ایران را اعلان می داریم. گرچه این اقدام سبب شادی و سرور است؛ اما نمی توانیم فراموش کنیم که این، آزادی کامل جامعه بهایی ایران و تضمین حقوق انسانی اعضای آن در تمام زمینه ها است که باید به رسمیت شناخته شود.» (پیام رضوان ۱۹۸۹- ترجمه شخصی)

۱۰۰ . ازدیاد انقلاب و اختلاف و آشوب در عالم (۱۶)

الف) از آثار حضرت بهاء الله

۱ « انقلاب عالم هر یوم در ازدیاد است؛ و لکن اهل آن، سبب و علت را ادراک ننموده اند.» (قلم اعلی ۷، ص ۷۷)

۲) «عالم منقلب است و انقلاب او یوماً فیوماً (روزبه‌روز) در تزیاید.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۶۱- آیات الهی ۱، ۱۲ می- امروخلق ۴، ص ۴۷۲- نقل در نظم جهانی بهایی، ص ۴۱- نقل در توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۳) «فی الحقیقه اریاح یأس از جمیع جهات در عبور و مرور است و انقلابات و اختلافات عالم یوماً فیوماً در تزیاید.» (دریای دانش، ص ۲۵- الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۰۵- لوح مقصود- منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۱۰)

۴) «عالم منقلب و احدی سبب آن را ندانسته. بآسا و ضراء (بیچارگی و بدبختی) احاطه نموده. ارض آرام نخواهد گرفت، مگر به ندای اُسکنی (فرمان آرام شو)؛ ولکن نظر به اُس اساس سیاست الهی و اصول احکام ربّانی، در القای کلمه توقف رفته و می‌رود... تفکر در انقلابات دنیا نما؛ لعمری لاتسکن بل تزداد فی کل یوم. هذا ما یخبرک به الخیر.» (آیات الهی ۱، ۱۴ سپتامبر) (مضمون بخش عربی: قسم به جانم، ساکن نخواهد شد، بلکه در هر روز زیادت‌تر خواهد گشت. این آنچه است که شخص آگاه به تو خبر می‌دهد.)

۵) «آثار هرج و مرج مشاهده می‌شود؛ چه که اسبابی که حال موجود است، به نظر موافق نمی‌آید. از حقّ جلّ جلاله میطلبم که اهل ارض را آگاه نماید و عاقبت را به خیر منتهی فرماید و به آنچه سزاوار است مؤید دارد.» (دریای دانش، ص ۲۵- الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۰۵- لوح مقصود- منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۱۰- منقول در نظم جهانی بهایی، ص ۹۴، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۶) «حضرت بهاءالله همیشه ذکر می‌فرمودند زمانی خواهد آمد (که) بی دینی منجر به هرج و مرج شود و عالم را فراگیرد و این اغتشاش، جهتش اعطای حرّیت فاحش است به طوائفی که هنوز استعداد آن را ندارند.» (مندرج در بهاءالله و عصر جدید، ص ۲۸۳)

۷) «روزبه‌روز هرج و مرج در دنیا در ازدیاد است. عاقبت به درجه‌ای رسد که بنیة انسانی را تحمّل نماند؛ آن وقت انتباه رخ دهد و نفوس، آگاه گردد که دین، حصن حصین است و آیین، نور مبین و احکام و نصیح و تعلیم الهی مَحیی روی زمین.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلیٰ ۱۰ فوریه ۱۹۸۰- امروخلق ۴، ص ۴۷۹)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۸ « همان گونه که حضرت عبدالبهاء پیش بینی فرموده اند، آینده نزدیک... عالم انسانی، الزاماً بسیار تاریک خواهد بود.» (ترجمه) [توقیع منبع مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۴۰- کتاب سرنوشت رو به ظهور جامعه بهایی انگلستان، (انگلیسی)، ص ۳۵۴]

۹ « حضرت عبدالبهاء در الواح قدسیه... تصریح فرموده که... تعصبات جاهلیه ازدیاد یابد و مفسد قویه شدت نماید و حرکت های تازه عمومی بر هیجان و انقلاب بیفزاید.» (حضرت ولی امرالله، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۸-۶۸)

۱۰ « حضرت عبدالبهاء در الواح قدسیه... تصریح فرموده که... آفات و بلیات من کلّ الجهات (از هر سو) هیأت اجتماعی را احاطه نماید و عاقبه الامر، طغیان این طوفان منتهی به انقلابی گردد که شبه آن را چشم عالم ندیده و در هیچ تاریخی ثبت و مدون نگشته (است).» (حضرت ولی امرالله، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۸-۶۸)

۱۱ « انقلابات جهان... متتابعاً متزایداً از پس پرده قضا ظاهر و پدیدار می گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۰)

۱۲ « مقدمات حدوث انقلاب عظیم اعظم... در عالم فراهم (است).» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۶۲)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۳ « به عقیده ما (اعضای بیت العدل اعظم) این انقلابات مدهشه ای که عالم انسانی به سرعت با آن روبه رو می شود، سبب نابودی تمدن بشری نمی گردد؛ بلکه باعث بروز قوای مکنونه در حقیقت انسان می شود.» (بیت العدل اعظم، رساله وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، مقدمه، ص ۵)

۱۴ « چنان که در الواح مبارکه مصرح است، این امر (تشنجات و ابتلائات و آلام و مشکلات جامعه کنونی) روزبه روز شدت خواهد نمود تا آن که اهل عالم را چاره ای دیگر نماند مگر آن که به مشیت غالبه الهیه گردن نهند و آنچه را که جمال قدم جهت نجات عالم نازل فرموده، متابعت نمایند.» (پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ - جزوه دست خط های معهد اعلی، جلد دوم، صص ۱۷۶-۱۶۴)

۱۵ « حضرت عبدالبهاء (در اسفار مغرب زمین) هم در خطابات عمومی و هم در گفتگوهای خصوصی... به خطرات فوری و حتمی... که هم در افق امر بهایی و هم در جهان پدیدار بود، به تأکید تمام اشاره فرمود و به تعبیر حضرت ولی امرالله زمستانی را که در شدت بی سابقه بود، پیش بینی نمود.» (معهد اعلی، رساله قرن انوار - ۲۰۰۱ میلادی، ص ۲۳)

۱۶) « حضرت ولی امرالله در تبیین منظر جهانی انقلابات و ابتلائاتی که در اثر وخامت روزافزون امور جامعه بشری در زمانی که استقرار ملکوت الهی بر روی زمین نزدیک می شود، رخ خواهد داد؛ با این بیانات بصیرت بخش و تشویق آمیز خطاب به احبای امریکای شمالی می فرمایند: "یاران الهی و حامیان شریعت ربّانی باید بدون آن که ادنی خللی در عزم و اراده آنان راه یابد و یا در کمترین لحظه، وظیفه خطیر و متعالی خویش را به دست فراموشی و نسیان سپارند، این لطیفه دقیقه را هر قدر اوضاع و حوادث عالم تیره و شدید گردد و زوایع افتتان ارکان وجود را متزلزل سازد، از خاطر محو نمایند که تقارن چنین بحران و تحوّل عظیم که عالم وجود را مندهش و مرتعش نموده با علوّ و امتناع امرالله و سموّ و اعتلاء کلمه الله و اقتطاف (چیدن) اثمار رسالتی که از جانب حیّ قدیر به رافعان امر الهی اعطاء شده، بنفسه لفسه، منبعث از مشیّت نافذّه رحمانی و حکمت بالغه سبحانی و اراده غالبه محیطه یزدانی است.» (پیام ۱۹ می ۱۹۹۴)

۱۰۱. توسعه نظم اداری بهایی (۲۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱) « محافل بهایی نورانیست، روحانیست، رحمانیست، محرک قلوب و مبشر ارواح انسانی. حال بدایت تأسیس است؛ عنقریب ترقی خواهد نمود و به درجه ای رسد که این محافل، مجامع ملکوت گردد و این نفوس (اعضای محافل روحانی آینده) ملائکه عالم لاهوت شوند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، فقرة ۱۰۰)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۲) « مقصد اصلی و ضمنی که محرک آن (نظم اداری) است، استقرار نظم بدیع^۱ جهان آرای است که شالوده آن را حضرت بهاء الله بنیان نهاده (است).» (کتاب دور بهایی، ص ۹۶- توفیق منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

۳) « عصر تکوین دور بهایی به ارتفاع نظم اداری مخصّص گشته؛ و این نظم به مثابه صدفی برای حفظ و صیانت گوهر گرانبهای امرالله است و به مرور زمان واضح و مبرهن خواهد شد که این نظم عامل

^۱ به مبحث ۱۲۹ رجوع شود.

- اصلیه ایست که این شرع انور را به مرحله نهایی وارد خواهد کرد.» (کتاب دور بهایی، ص ۹۵- نقل در کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بند ۱۸۹) (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴)
- ۴ « این نظم اداری، همین که اجزای مُرکبه و تأسیسات اصلیه‌اش با کمال اتقان و جدیت شروع به فعالیت نمود، دعوی خود را مبرهن داشته، ثابت خواهد کرد که نه تنها قابلیت آن را داراست که به منزله هسته نظم بدیع الهی محسوب گردد، بلکه نمونه کامل آنست و باید در میقات خود عالم انسانی را فرا گیرد.» (کتاب دور بهایی، ص ۷۲- نقل در کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۱۸۹)
- ۵ « حضرت عبدالبهاء مکرراً تأیید فرموده‌اند که چون وقتش فرا رسد، محافل روحانی امروز در آینده به بیوت عدل تبدیل خواهند شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۲- توقیع مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹)
- ۶ « در آینده، چون مقاصد و مقام امر بهایی بیشتر مفهوم و شناخته شود، این هیأت‌ها (محافل روحانی امروزی) به تدریج به بیت‌العدل که اسم دائمی و مناسب آن‌هاست، نامیده خواهند شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۲- توقیع مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹- نقل در کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۴۹)
- ۷ « این محافل روحانی امروزی) در آینده، فقط نامشان تغییر نمی‌یابد؛ بلکه اختیارات و مسئولیت‌های دیگری نیز که مناسب و مطابق با شناسایی بیشتر امر حضرت بهاء‌الله باشد، بر وظائف کنونی آن‌ها افزوده خواهد شد؛ زیرا در آن زمان، آیین بهایی را فقط به عنوان یک نظام دینی در جهان نمی‌شناسند؛ بلکه آن را به صورت دین رسمی یک کشور مستقل خواهند شناخت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۳- توقیع مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹- نقل در کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۴۹)
- ۸ « فقط آیندگانند که می‌توانند ادراک نمایند که مؤسساتی را که حضرت عبدالبهاء ایجاد فرموده، چقدر با وضع اجتماع آینده که مقدر است از میان آشوب و هرج و مرج عصر حاضر برخیزد، مناسبت و موافقت خواهد داشت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵- توقیع مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹)
- ۹ « مؤسسات و دستگاه‌های کنونی مسیحی که از روح و تعالیم مسیح محرومند، ناچار با رشد نظم جنینی حضرت بهاء‌الله، متدرجاً محو خواهند شد و راه را برای ترقی مؤسسات خدادادی که به صورت ناگسستنی با تعالیم بهایی پیوسته است، هموار خواهند کرد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۲۷- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- ۱۰ « قدرت و سرعت و استحکام جهادهای آینده (نقشه‌های آینده) که باید به اعزاز امر حضرت بهاء‌الله و به امتثال خطاب‌های مهمنه مرکز میثاق در الواح مهمه (بخصوص الواح طرح ملکوتی^۱) به آن

^۱ به مبحث ۷۹ رجوع شود.

مبادرت گردد، تابع توسعه مستمر و تقویت مداوم تشکیلات داخلی‌های است که اساس و پایه اصلی اقدامات آینده در تمام عالم است.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۳۵) (۲۳ نوامبر ۱۹۵۱)

۱۱) «زنهار زنهار که طرفداری، جاه طلبی و تعلق به دنیا در اداره امور (امرالله) رسوخی نمایند؛ زیرا به مرور زمان، نورانیت آیین مقدس را ظلمانی و طهارت (و) تنزیهش را لگه‌دار و اثرات عمیق‌اش را فلج و معلول خواهد ساخت.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، ردیف ش از باب سیزدهم، ص ۴۳)

۱۲) «هم اکنون (۱۹۴۴ میلادی)، ... گام‌های اولیه‌ای که باید عاقبت، با نهایت شکوه و عظمت، به تأسیس پایگاه‌های اداری جوامع بهایی ... منتهی گردد، برداشته شده است.» (مرور معبود، ص ۴۴۸)

۱۳) «مقدّر است (که الواح طرح ملکوتی حضرت عبدالبهاء) در سالیان آتی، مؤمنانش را قادر سازد انوار امرالهی را بیش از پیش، در سراسر این سیاره منتشر سازند و ساختار نظم اداریش را در طول و عرض پنج قاره برپا دارند.» (مرور معبود، ص ۴۲۸)

۱۴) «مؤسّسات امریه (ی فعلی)، مبشّر حلول عصر موعود یزدانی (است) که خود شاهد طلوع و ارتفاع نظم اتم اقوم (حکومت) حضرت بهاءالله در سراسر عالم کون است.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الاهی، ص ۱۶)

۱۵) «شعارش (شعار نظم اداری بهایی)، وحدت عالم انسانی، علمش صلح اعظم، سرانجامش حلول دوره ذهبی هزار ساله (است).» (کتاب دور بهایی، ص ۹۶) (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

۱۶) «این انقلاب (سقوط تمدن مادی و در نهایت، حدوث بلای ناگهانی) بر اثر ولادت نظم اعظم آیین حضرت بهاءالله در عالم به وجود آمده است؛ و هر قدر مضامین مکنونه این نظم دائم الاتّساع الاهی مکشوف تر گردد و شاخ و برگ آن کره ارض را بیشتر فراگیرد، بر شدت و وسعت این انقلاب خواهد افزود.» (حضرت ولی امرالله، توقیع دور بهایی، ص ۹۸)

۱۷) «اساس آن (اساس نظم اداری) طی جهادها (نقشه‌ها)ی روحانی متوالی با کوشش و مجاهدت، در سراسر کره ارض مرتفع خواهد گشت و از هر نژاد و زبان و عقیده و رنگ و ملت در ظلّ سرپرده آن وارد خواهند شد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع مبارک مورخ ۱۸ جولای ۱۹۵۳، خطاب به محفل روحانی ملی آمریکا)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۸) «مقدّر است که قرن دوم بهایی شاهد صف‌آرایی عظیم و تقویت شدید نیروهایی باشد که در جهت توسعه گسترده نظم (اداری) و نیز نخستین جلوه‌های آن نظم بدیع جهانی^۱ که سیستم اداری موجود هم زمان، طلّیعه و هسته و نمونه آن است، عمل خواهند کرد.» (ترجمه) (معهد اعلی، رضوان ۱۹۹۲، مجموعه دخول افواج مقبلین)

۱۹) «این نظم اداری اصل و نمونه نظم بدیع جهان‌آرای الهی است که به مشیت الهی، به نشو و نمای ذاتی و حرکت جوهریه‌اش ادامه دهد و... دایره مؤسّساتش اتّسع یابد و فروعات ممدّش امتداد جوید و متفرّعات تابعه‌اش ارتفاع گیرد و وظائف تنوع یابد و اجرائاتش ازدیاد پذیرد.» (قانون اساسی بیت‌العدل اعظم، ارکان نظم بدیع، ص ۳۲۴)

۲۰) «مؤسّسات امریه... باید در مستقبل ایام نقش عمده‌ای در هدایت مقدّرات ملل داشته باشند.» (۲ می ۱۹۹۸)

۲۱) «محافل روحانی ملی و محلی... پیش‌آهنگان همان بیت‌العدل‌هایی هستند که حضرت بهاءالله تعیین فرموده است... آنها، جزئی از آن نظم اداری می‌باشند که در وقت خود "دعوی خود را مبرهن داشته، ثابت خواهد کرد که نه تنها قابلیت آن را داراست که به منزله هسته نظم بدیع الهی محسوب گردد، بلکه نمونه کامل آن است و باید در میقات خود عالم انسانی را فراگیرد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۷)

۲۲) «در "عصر تکوین"... نظم اداری بهایی در سراسر کره زمین مرتفع و تشکیلات و مؤسّساتش برپا و نیروهای نهفته جامعه‌سازش آشکار خواهد شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۷)

۲۳) «حضرت ولی امرالله در پیش‌بینی مسیری که رشد و نمو امرالهی خواهد پیمود چنین مرقوم فرمود: "در مراحل آینده عصر تکوین، بیت‌العدل اعظم اقدامات مهم جهانی دیگری را آغاز خواهد کرد که نماینده وحدت و باعث هماهنگی و توحید مساعی محافل ملی خواهد بود."» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۷۹)

۲۴) «اتمام این اقدام عظیم (ابنیه حول قوس محیط بر مرافد حضرت ورقه مقدّسه علیا و برادر و مادر عظیم الشان ایشان) به منزله اكمال پیشرفت نظم اداری الهی امرالله است که در سنوات اخیر عصر رسولی بهایی شروع شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۸)

^۱ به مبحث ۱۲۹ مراجعه شود.

(۲۵) « بر خلاف ادیان پیشین، ظهور الهی در این عصر، به فرموده حضرت شوقی افندی "موجود حی و زنده‌ای" را متولد ساخته که احکام و مؤسساتش متضمن یک "سیستم و نظم الهی" و "نمونه‌ای برای اجتماع آینده" و "سازمانی برای اتحاد جهانی و اعلان حکومت خیر و عدالت در جهان" است.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۷)

(۲۶) « مؤسسات نظم اداری بهایی که در حال حاضر دایر است و به منزله اساس (و) بنیان نظم بدیع حضرت بهاءالله محسوب، در آینده ایام به مرحله بلوغ خواهد رسید و به اتحادیه جهانی بهایی^۱ مبدل خواهد شد.» (کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۱۸۹)

۱۰۲. تجدید حیات و ترقی نسبی عالم انسانی (۲۰)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « در نفس این عالم ابواب لا تحصی موجود، انشاءالله به اصبح اراده بگشاید و عوالم جدید در این عالم مشاهده گردد.» (جمال ابهی، مائده ۴، ردیف خ، باب اول، ص ۹۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « در جمیع کتب و صحف انبیاء موعود و مذکور که در آن یوم خداوند (یوم ظهور ربّ جنود)... جهان تجدید می‌گردد و روح جدیدی در جسم امکان دمیده می‌شود و موسم بهار الهی آید، ابر رحمت بیارد و شمس حقیقت بتابد و نسیم جان پرور بوزد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)

(۳) « کُل، موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود و اخبار نمودند که در این دو ظهور... عالم وجود تجدید گردد و امکان، خلعت جدید پوشد.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)

(۴) « در این دور بدیع... عاقبت... شجره مبارکه حیات، چنان نشو و نما نماید که بر شرق و غرب سایه افکند.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)

(۵) « هیکل عالم نیز از این روح مفتّم (آثار ظهور اعظم) در بدایت درجات خلقت است؛ عنقریب آثار باهره فیض روح القدس الهی را در این هیکل نورانی به قسمی مشاهده نمایند که عقول حیران و

^۱ عبارت گویا و متجدد "اتحادیه جهانی بهایی" نوع دیگری از بیان مفهوم "حکومت جهانی بهایی" است که در مبحث ۱۳۴ بررسی شده است.

- ۱- بصار، خیره، نگران گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب اول از ردیف ظ، ص ۱۷۸-
منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۳۳۳، ص ۲۷۱)
- ۶ « آهنگ وحدت عالم انسانی جمیع بشر را حیات تازه بخشد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح چهارم از
سری دوم الواح تبلیغی، ۱۵ فوریه ۱۹۱۷)
- ۷ « تأسیسات و تعلیمات الهی جهت جامعه (یعنی محور هدایت بخش) ابدی است... مانند شعاع
آفتاب، ظلمات مستولی بر آفاق را به کلی ازاله نماید؛ حیات معنوی بخشد، (و نورانیت الهی جلوه
نماید.» (حضرت عبدالبهاء، لوح ششم از سری دوم الواح تبلیغی، ۸ مارس ۱۹۱۷)
- ۸ « عنقریب مشاهده خواهید نمود که... کیهان مطلع آن روح جانپرور (اسم اعظم = حضرت بهاءالله)
گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۱۲۵)
- ۹ « چند وقت پیش که برای اولین بار وارد شهر پاریس شدم، با اشتیاق به اطراف نظر کردم و در
ذهن، این شهر زیبا را به یک باغ بزرگ تشبیه نمودم. با دقت و محبت خاک آن را آزمودم و بذر
محبت الله را در آن افشاندم. آنگاه سحاب رحمت الهی بر آن بارید و اشعه شمس حقیقت بر آن تابید و
اکنون در میان شما ولادت ایمان را مشاهده می‌کنم. دانه‌های افشاندن اکنون رویده است و روزه‌روز
رشد و نمو خواهد کرد تا به فیض ملکوت ابهی خرمی اعجاب‌انگیز حاصل شود.» (ترجمه) (گفتارهای
پاریس، ۱ دسامبر ۱۹۱۱)
- ۱۰ « به قوه حضرت بهاءالله... (جمیع من علی الارض) سبب ترقیات معنوی و صورتی گردند.»
(خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۴۲)
- ۱۱ « بعد، آن بهار جان‌پرور (یوم ظهور مظاهر مقدسه) منتهی به تابستان پشمر شود (و از جمله در
تابستان ظهور حضرت بهاءالله)... نفوس تربیت شود؛ نتایج مشکوره حاصل گردد و ترقیات کلیه در عالم
انسانی جلوه نماید.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۸)
- ج) از آثار حضرت ولی امرالله
- ۱۲ « در این کور بدیع حضرت غصن الله الاطهر به فرموده جمال قدم و اسم اعظم جام شهادت را
بنوشید تا... عالم و عالمیان حیاتی جدید یابند.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۰۳)
- ۱۳ « شیوه عشق و وفا را که از رب عزیزمان (حضرت عبدالبهاء) هشتاد سال تعلیم گرفته‌ایم، به
بازماندگان خویش بیاموزیم... تا این امانت آسمانی و پیام یزدانی... در اعصار و ادوار آتیه، هیکل عالم امر
را روحی مسیحایی دمد و نوع بشر را از حسیض ذلت و خسران به اوج آسمان رساند.» (مجموعه
توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۱۹۸)

۱۴) « ای قوی قدیر... نهر دافق آیین نازنین را از قلّه شاهقش جاری نما و حیات جدید بر عالم و عالمیان مبدول کن.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

۱۵) « همان روح قدسی الهی که در عصر رسولی کلیسا، سبب احیاء مسیحیان اولیه... شده بود، دو باره به جهان باز خواهد گشت و در نتیجه تبیین حقایق اصلیه و توضیح مقصد اولیه دین الهی، جهان را زنده خواهد ساخت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۲۷، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۶) « این تصرفات عجیبه غریبه... در سنین اولیه این کور مقدس... از نتایج سحر است که بنفسه... مقدمه طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزت موعوده عالم انسانی است.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۰-۱۰۹)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۷) « امر بهایی تجدید حیات کامل جامعه بشری را به عالم عرضه می کند؛ تجدید بنایی با تأثیری چنان وسیع و دامنه دار که در جمیع ظهورات ماضیه به انتظار آن بوده اند و آن را استقرار ملکوت الهی^۱ بر وجه ارض خوانده اند.» (معهد اعلی، ۱۸ جولای ۱۹۷۴، مجموعه اهمیّت هنرها در ترویج امرالله، ص ۳۴)

۱۸) « طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزت موعوده عالم انسانی... در قرن های لاحقه و ادوار آتیّه این کور مجید بسیط خاک را نورانی و مثلثاً نماید و خلعت جدید پوشاند.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)

۱۹) « چه هدایت بخش است این کلمات حضرت بهاءالله که نحوه تجدید حیات ملل عالم را پیش بینی نموده و می فرمایند: "ان اتحدوا یا معشر الملوک، به تسکُن اریاح الاختلاف بینکم و تستریح الرعیة و من حولکم، ان اتم من العارفين. ان قام احد منکم علی الآخر، قوموا علیه؛ ان هذا الا عدلٌ مبین."» (پیام رضوان ۱۹۹۱) (مضمون بیان مبارک به فارسی: ای گروه پادشاهان متحد شوید؛ به این ترتیب طوفان های اختلاف جاری در بینتان آرام می گیرد و مردم و اطرافیانتان راحت می شوند، اگر از دانایان باشید. اگر یکی از شما بر دیگری شورید، همگی علیه او قیام کنید؛ این نیست مگر عدل آشکار.)

۲۰) « مقدر بود که... فرامین تبلیغی آن حضرت (عبدالبهاء) موجب آغاز فرایندی گردد که در میقات معین، به تحوّل روحانی تمامی کره زمین انجامد.» (پیام ۲۱ مارس ۲۰۰۹)

^۱ به مبحث ۱۴۷ رجوع شود.

۱۰۳. تحقق بلوغ اجتماعی عالم انسانی (۳۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « امیدوارم در این قرن انوار، نور ملکوتی محبت بر همه جهان پرتو افکند و بر عقول و قلوب نفوس مستعده تأثیر نماید تا نور شمس حقیقت سیاسیون را هدایت نماید زنجیرهای تعصبات و موهومات را بگسلند و اذهان را آزاد نمایند تا از سیاست الهی تبعیت کنند؛ زیرا سیاست الهی نیرومند است و سیاست‌های بشری ضعیف.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، بند ۴، خیابان کامنون، ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱)
- (۲) « به قوت روح القدس بهاء الهی از شرق به غرب تجلی کرد و به قدرت همین روح سمایی فضایل و کمالات عالم انسانی ظاهر و باهر خواهد گشت.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۹ نوامبر ۱۹۱۱)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- (۳) « دیر یا زود باید... بلوغ حیات اجتماعی نوع انسان پدیدار شود و موجب ظهور و بروز آثار اعجاب انگیزتر در روابط جهانی گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۶، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- (۴) « مرحله بلوغ (بشریت)... طلوع عصری (عصر ذهبی^۱) را بشارت می دهد که سرآمد اعصار است.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۲)
- (۵) « در سنین آتی این دور بهایی... دوره صباوت عالم انسانی منتهی گردد؛ و علامات بلوغ عالم... پدیدار... شود.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)
- (۶) « (مشخصه‌های کلی جامعه متحد جهانی) رئوس کلی و برجسته نظامی (است) که حضرت بهاءالله پیش بینی و تدبیر فرموده و اعلی ثمره عصری است که به تدریج رو به بلوغ نهاده است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۵- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)
- (۷) « اگر بدیده امانت و وفا بنگریم، به یقین ملاحظه می کنیم امر حضرت بهاءالله که مقصد اقصایش اتحاد صوری و معنوی^۲ اقوام و ملل عالم است، آغاز دوران بلوغ نوع بشر محسوب می گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۳- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ / نیز همین منبع، ص ۹۶، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

^۱ به مبحث ۱۳۰ رجوع شود. در ضمن از این بیان مبارک چنین مستفاد می شود که نوعی از بلوغ که در فقره سوم همین مبحث، "بلوغ حیات اجتماعی" خوانده شده است، قبل از حلول عصر ذهبی است.

^۲ در این بیان مبارک تصریح شده است که اتحاد عالم، طی دو مرحله "صوری" یعنی ظاهری یا اجتماعی یا سیاسی و "معنوی" یعنی روحانی خواهد بود. در مورد "وحدت سیاسی عالم انسانی" به مبحث ۱۰۴ و در مورد "وحدت روحانی عالم انسانی" به مبحث ۱۳۱ رجوع شود.

۸) « اگر بیانات حضرت بهاءالله را به درستی ادراک کنیم، چنین دریابیم که همان تغییرات نهانی و توصیف ناپذیر و جامع التاثری که با دوره بلوغ جسمانی یک فرد همراه و مثلاً برای رسیدن میوه درخت لازم است، برای تکامل نظام جامعه انسانی نیز ضرورت می یابد؛ و دیر یا زود باید مرحله مشابهی در بلوغ حیات اجتماعی نوع انسان پدیدار شود.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۷- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۹) « اگر به درستی عظمت دعوی رسالت حضرت بهاءالله را دریابیم، یقین خواهیم کرد که پدید آمدن چنین مرحله بلوغی (مانند بلوغ جسمانی انسان) در نظام حاکمه بشری با ظهور آیین بهایی پیوستگی خواهد داشت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۷- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۰) « در عالم بشر بلوغ در وقتی است که عقل و درایت انسان به اعظم درجه رشد و قوت رسد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۸- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۱) « بهایان را اعتقاد بر این است که دیانتی را که پروردگار توانا به واسطه حضرت بهاءالله ظاهر فرموده، با مقتضیات مرحله بلوغ عالم انسان مطابق است و این بلوغ، اوج دوران تکاملی است که بشر را از مرحله کودکی به مرحله رشد می رساند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۰- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۲) « رسالت حضرت بهاءالله اعلان این مطلب است که زمان شیرخوارگی و صباوت بشری سپری گشته و التهابات و هیجاناتی که حال مشهود است مربوط به مرحله بلوغ اوست که به تدریج و همراه با درد و ملال، او را آماده وصول به مرحله رشد و کمال می سازد.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۲)

۱۳) « در این عصر تکوین امرالله، در طی عهد کنونی و عهد آینده آن... عالم انسانی به رتبه بلوغ رسد^۱.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۳۷) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۱۴) « در سنین آتیه این دور بهایی... علامات بلوغ عالم که در الواح الهیه مصرح، ظاهر و پدیدار شود.» (توفیق ۱۰۵، مجموعه توفیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۷)

۱۵) « عالم انسانی حال به هیجان و التهابی دچار است که با سخت ترین دوره تکاملش، یعنی دوره ما قبل بلوغش ملازمت دارد؛ دوره ای که غرور جوانی و سرکشش به حد اعلی رسیده، به تدریج فروکش می کند و آرامش و معقولیت و متانت که مخصوص دوره بلوغ است به جایش می نشیند. سپس نوع بشر به مرحله رشد و کمال می رسد و قادر می شود به قوا و قابلیت های فایز شود که ترقیات نهاییش وابسته به آن است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۳- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

د) از آثار بیت العدل اعظم

^۱ در این فقره مبارکه مصرح است که نوعی از بلوغ عالم، قطعاً در عصر تکوین رخ خواهد داد. به بحث ۱۰۳ رجوع شود.

- ۱۶) « این سرکشی و طغیان که امروز نوع بشر ناچار بدان مبتلاست، علامت وصول هیأت اجتماع به مرحله بلوغ اوست.» (بیت العدل اعظم، رساله وعده صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مقدمه، ص ۵)
- ۱۷) « تمام نیروهای تاریخ، نوع بشر را جبراً به چنین اقدامی (عقد انجمن دول عالم) که نشانه طلوع فجر بلوغ موعود عالم است، سوق می دهد.» (بیت العدل اعظم، رساله وعده صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۵)
- ۱۸) « حضرت بهاءالله خود را حامل وحی آسمانی و پیامبر الهی در دوران بلوغ عالم انسانی اعلام فرمود.» (بیت العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۲)
- ۱۹) « عالم انسانی در راه ترقی و تکامل خود، مراتب مختلفی را پیموده است که یادآور دوران نوزادی، کودکی، جوانی، بلوغ و پختگی یک فرد است. اکنون ما شاهد آغاز مرحله بلوغ جمعی عالم بشریت هستیم؛ دوره ای که در آن، استعدادها و قابلیت های نوینی خواهد شکفت و فرصت های جدید و بی سابقه ای نمودار خواهد شد که ما اکنون فقط به اندکی از آن (ها) آگاهی داریم.» (بیت العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۴۱)
- ۲۰) « به بلوغ رسیدن عالم بشریت مستلزم تغییر کلی در نظام اجتماعی است؛ تغییری که باید همه انواع گونه گونی های بشر را در برگیرد و از انواع مختلف استعدادها و بینش ها که در طی هزاران سال تجربه فرهنگی تلطیف شده اند، بهره جوید.» (بیت العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۴۳)
- ۲۱) « وجه امتیاز وصول به مرحله بلوغ عالم انسانی این است که برای اولین بار در تاریخ، همه نوع بشر، ولو به میزانی محدود، از روی بصیرت و دانایی به مفهوم وحدت ذاتی انسان و این که کره خاک در واقع یک وطن محسوب است، آگاهی یافته اند.» (بیت العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۷۱)
- ۲۲) « بلوغ نوع انسان... در شرف تحقق است.» (بیت العدل اعظم، رساله رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۱)
- ۲۳) « به وسیله همین بلوغ نوع انسان که در شرف تحقق است، اصل وحدت در کثرت^۱ به کاملترین وجه نمودار خواهد شد.» (بیت العدل اعظم، رساله رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۱، ص ۵)
- ۲۴) « به فرموده حضرت بهاءالله آنچه که در حال حاضر بر مردم جهان می گذرد، جریان فرارسیدن مرحله بلوغ جمعی جامعه انسانیست.» (بیت العدل اعظم، رساله رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، ص ۵)

^۱ در این بیان مبارک مصرح است که "اصل وحدت در کثرت" (یا همان وحدت سیاسی عالم)، مستلزم تحقق بلوغ اجتماعی نوع انسان است؛ یعنی میبندی بر آن و بعد از آن محقق خواهد شد.

۲۵) « ثروت عظیمی که از انواع فرهنگ‌ها در طول هزاران سال فراهم آمده است، بسیار شبیه به مخزن ژن‌ها در زندگی بیولوژیکی نوع انسان و محیط زیست اوست و برای توسعه اجتماعی و اقتصادی بشر که در حال رسیدن به مرحله بلوغ است، بسیار حیاتی است. این ثروت عظیم، حاکی از میراثی است که باید به آن فرصت داد تا در تمدنی جهانی بارور شود.» (بیت‌العدل اعظم، رساله رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۲)

۲۶) « امروز... بشر در آستانه بلوغ قرار گرفته (است).» (بیت‌العدل اعظم، رساله رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۵)

۲۷) « نوع انسان، به اقتضای نیازهای دوران بلوغش، ناگزیر است خود را از قید مفهوم موروثی کاربرد قدرت رها سازد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۶)

۲۸) « ایجاد يك طرح کلی برای توسعه و عمران جهانی که وصول به مرحله بلوغ عالم انسانی را تسریع بخشد، مستلزم کوشش جدی برای دگرگونی و اصلاح عموم مؤسسات جامعه بشری است.» (بیت‌العدل اعظم، رساله رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۷)

۲۹) « تنها اگر دوران کودکی نوع انسان به راستی به پایان آمده و دوران بلوغش فرارسیده باشد، چنین دورنمایی از آینده (ایجاد يك طرح کلی برای توسعه و عمران جهانی) را دیگر نمی‌توان صرفاً مدینه فاضله دانست.» (بیت‌العدل اعظم، رساله رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۷)

۳۰) « نقشه کلی الهی^۱ متضمن نزول بلايا و مصائبی است که ظاهراً در اثر اغتشاشات و بی‌نظمی‌های تصادفی به پیش برده می‌شود؛ اما در حقیقت، به نحوی قاطع و خلل‌ناپذیر، بشریت را به سوی وحدت و بلوغ سوق می‌دهد.» (پیام رضوان ۱۹۹۸)

۳۱) « در کتاب اقدس احکامی که برای حیات فردی و اجتماعی لازم است، چنان تدوین گشته که نیازمندی‌های جامعه‌ای مرکب از جمیع نوع بشر را با تنوع و تفاوتشان برآورد. تعالیم و مفاهیم جدید به نحوی نازل گشته که حوائج نوع بشر در مرحله بلوغ اجتماعی ارضاء گردد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۷)

۳۲) « فرد، تشکیلات، و جامعه، سه مدافعین نقشه ملکوتی، تحت تأثیر مستقیم ظهور آن حضرت در حال شکل‌گرفتنند، و مفهومی جدید از هر يك، متناسب با احوال بشریتی که در آستانه بلوغ است، در حال ظهور است.» (پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰)

^۱ به مبحث ۷۷ رجوع شود.

۳۳) « پیروان حضرت بهاءالله معتقدند که نوع بشر به آغاز مرحله درخشانی در فرایند طولانی تکامل خود رسیده، فرایندی که او را از مرحله طفولیت به آستانه بلوغ، یعنی استقرار یگانگی نوع بشر رسانده است. همانند یک فرد که قبل از ورود به مرحله بلوغ جسمانی، دورانی متغیر اما نویدبخش را می‌گذراند و بسیاری از قوا و استعدادهای نهفته‌اش آشکار می‌گردد، عالم انسانی نیز اکنون در بحبوحه تحوّل بی‌سابقه قرار گرفته و بسیاری از اغتشاشات و تلاطمات جهان امروز را می‌توان فوران احساسات پر جوش و خروش این مرحله و نشانه آغاز بلوغ نوع انسان دانست. با ظهور و بروز مقتضیات این بلوغ، آداب و رسوم و نگرش‌ها و عادات متداوله قرون و اعصار دیرین یکی پس از دیگری از کارآیی بازمی‌ماند.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳ = ۱۲ اسفند ۱۳۹۱)

۳۴) « همان‌گونه که از مطالعه آثار بهایی دریافته‌اید، اصل یگانگی نوع انسان که نشانه بارز دوران بلوغ اوست، باید در تمام جوانب حیات اجتماعی تجلی کند.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳ = ۱۲ اسفند ۱۳۹۱)

۳۵) « اعتقاد بهاییان بر این که نوع بشر با گذشتن از مراحل اولیه تکامل اجتماعی، اکنون به آستانه بلوغ خود رسیده است؛ ایمانشان را به اصل وحدت نوع بشر، یعنی خصیصه بارز دوران بلوغ نوع انسان... شکل می‌دهد.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳ = ۱۲ اسفند ۱۳۹۱)

۳۶) « این بهار پرانوار (ظهور حضرت بهاءالله)... فرارسیدن بلوغ جمعی بشر را نوید دهد.» (پیام نوروز، ۲۱ مارس ۲۰۱۳)

۱۰۴. تحقق وحدت سیاسی عالم انسانی (۶۱)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « همّت را در تربیت اهل عالم مصروف دارید که شاید نفاق و اختلاف از مابین امم به اسم اعظم محو شود و کلّ اهل یک بساط و یک مدینه مشاهده گردند.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۵۶- آیات الهی، ص ۱۱۲)

۲) « ای احزاب مختلفه، به اتحاد توجه نمایید و به نور اتفاق منور گردید. لوجه الله (به خاطر خدا) در مقرّی حاضر شوید و آنچه سبب اختلاف است از میان بردارید تا جمیع عالم به انوار نیر اعظم فائز گردند و در یک مدینه وارد شوند و بر یک سریر جالس. این مظلوم از اول ایام الی حین، مقصودی جز آنچه ذکر شد نداشته و ندارد.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۱۱)

۳ « وجه عالم بر لامذهبی متوجه... ولكن محزون مباش، چه که اشراقات شمس حقیقت، رطوبت زائده طبیعت را جذب خواهد نمود و تشنّات حروف را جمع خواهد نمود.» (آیات الهی ۱، ص ۱۶۵)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۴ « امیدوارم که این تأسیس وحدت عالم انسانی در نهایت قوت ظاهر شود تا شرق و غرب با یکدیگر در نهایت التیام آیند؛ ارتباط تامّ پیدا کنند؛ قلوب شرق و غرب به یکدیگر متحد و منجذب شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۱۹- خطابات حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۳۴)

۵ « در آینده، شرق و غرب یکی خواهند شد. متحد خواهند شد. من در مکاتیبم گفته‌ام که شرق و غرب مثل عاشق و معشوق خواهند شد. هر يك دیگری را دوست خواهد داشت. شرق و غرب یکدیگر را در آغوش خواهند گرفت؛ دست در دست هم خواهند نهاد؛ هر يك محبوب دیگری خواهد شد؛ هر يك دیگری را در بر خواهد گرفت. وحدت بشریت بدایت تشعشع این نور مبین خواهد شد.» (ترجمه) حضرت عبدالبهاء، خاطرات زولیت تامپسون^۱، ص ۱۰۲-۱۰۱

۶ « نور وحدت بشری تازه بر عالم دمیده است؛ به زودی علم اتحاد و اتفاق ملل در آسمان به اهتزاز خواهد آمد. بلی، نفثات روح القدس تمام عالم را ملهم خواهد کرد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۱ نوامبر ۱۹۱۱)

۷ « عنقریب نور توحید آفاق شرق و غرب را چنان نورانی فرماید که مجال انکار به جهت احدی نماند.» (مندرج در مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۱۹۷- منقول در توقیع دور بهایی، ص ۲۸)

۸ « از جمله خارق عادات این قرن که فی الحقیقه معجزه است، تأسیس وحدت عالم انسانیست و تفرّعات آن صلح عمومی.» (مکاتیب عبدالبهاء ۴، ص ۱۶۰)

۹ « ما را نیز مقاصد چنین که... خیمه وحدت عالم انسانی بر شرق و غرب سایه افکند.» (مکاتیب عبدالبهاء ۴، ص ۱۶۲)

۱۰ « عنقریب... علم وحدت عالم انسانی... بلند شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۴۸)

۱۱ « احزاب مختلفه حزب واحد گردد و افکار متعدده در مرکز واحد استقرار یابد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح چهارم از سری دوم الواح تبلیغی، ۱۵ فوریه ۱۹۱۷)

^۱ این خاطرات متفاوت ترجمه شده است و انشاءالله به زودی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.

- ۱۲) « ای خدای مهربان، یاران جانفشانند و دوستان ساعی به دل و جان تا... آثار اعتساف نماند... شمع یگانگی برافروزد و پرده بیگانگی بسوزد.» (مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، ص ۱۰۵)
- ۱۳) « به عون و عنایت حضرت احدیت، جمیع ملل را در ظل کلمه وحدانیت درآرید، تا... شمع توحید برافروزد و حقیقت تحدید (محدود و مجزا کردن) به شعله‌ای از نار موقده الهیه بسوزد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، فقره ۶۳)
- ۱۴) « این (آرزوی صلح و سلام ناشی از حرب جهانسوز اول)، از حکمت بالغه الهی (است) تا استعداد حاصل شود و علم وحدت عالم انسانی (بلند گردد).» (حضرت عبدالبهاء، لوح هفتم از سری اول الواح تبلیغی، ۱۱ آوریل ۱۹۱۶)
- ۱۵) « اگر نفوسی به شروط مذکوره قیام نمایند و به اطراف جهان شتابند... به عموم ممالک و جزائر عالم سفر کنند؛ در اندک زمانی، نتایج عظیمه حاصل گردد... و انوار وحدت عالم انسانی جهان را روشن نماید.» (حضرت عبدالبهاء، لوح هشتم از سری اول الواح تبلیغی، ۱۹ آوریل ۱۹۱۶)
- ۱۶) « جمیع ملل عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، فقره ۱۵)
- ۱۷) « روز وحدت عالم بشر است و اتحاد جمیع ملل... عنقریب وحدت عالم انسانی در قطب آفاق موج زند؛ جدال و نزاع نماند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۱، ص ۲۰)
- ۱۸) « در جمیع کتب الهیه از جمیع ملل، روزی موعود است که آن روز... عالم انسانی اتحاد و اتفاق حاصل خواهد نمود؛... جمیع ملل با هم ارتباط خواهند یافت و وحدت عالم انسانی جلوه خواهد کرد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۱، ص ۶۴)
- ۱۹) « عنقریب ملاحظه خواهید نمود که چگونه شرق و غرب دست در آغوش شود و علم وحدت عالم انسانی خیمه برافرازد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۲۸)
- ۲۰) « امیدم چنان است که... نهایت اتحاد و اتفاق در بین امم حاصل شود. این است منتهای آرزوی من و این است مقصد من از سفر خود به امریک.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۲، ص ۸۲)
- ۲۱) « اگر جمیع ملل اتحاد و اتفاق نمایند چگونه خواهد شد؟ یقین است... علم وحدت عالم انسانی موج زند... آهنگ تحسین و تمجید از ملا اعلی بگوش رسد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۲، ص ۴۶)
- ۲۲) « به عون و عنایت بهاءالله، جمیع من علی الارض متحد گردد؛ جمیع اجناس با یکدیگر مرتبط شوند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۲، ص ۲۴۲)

۲۳ « به قوه حضرت بهاءالله، علم وحدت عالم انسانی بلند شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۴۲)

۲۴ « این است مقصود از تجلی شمس حقیقت: تا وحدت عالم انسانی ظاهر گردد؛ وحدت وطن حاصل شود؛ وحدت ملت استقرار یابد؛ وحدت سیاست حاصل گردد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۸۵)

۲۵ « آن قرن آمده که... جمع اقالیم عالم اقلیم واحد شود، تا نوع بشر بتمامه در ظل خیمه وحدت عالم انسانی زندگانی نمایند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۳۱۸)

۲۶ « مرقوم نموده بودید که سه نفر روس اقبال نموده‌اند. عنقریب ملاحظه خواهید کرد که جمع طوائف و قبائل در ظل خیمه وحدت عالم انسانی درآیند.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۹، مطلب نود و هشتم، ص ۱۰۹)

۲۷ « یقین است که... نزاع و جدال از کل اقالیم مرتفع شود و دلبر وحدت عالم انسانی در قطب امکان جلوه نماید؛ این است تمنا و آرزوی این مظلومان.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۱۰۶)

۲۸ « شمع دوم (از لوح هفت شمع وحدت)، وحدت آراء در امور عظیمه است؛ آن نیز عنقریب اثرش ظاهر گردد.» (حضرت عبدالبهاء، نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۲۹ « شمع پنجم، وحدت وطن است... این اتحاد و یگانگی نیز به نهایت قوت ظاهر شود.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۳۰ « بر ما نیست؛ ما شاهدان عینی قدرت تسلیم ساز امر حضرت بهاءالله، که علی رغم ظلمت فلاکت باری که عالم انسانی را فراگرفته، حتی برای یک لحظه، قدرت حضرتش را زیر سؤال بریم و تردید کنیم که به عنوان آهنگر ملکوت، این اجزای متشتت و متقابلا ناسازگار جهانی فاسد و متمرد را، در کوره گدازان بلایا سرخ کند و با پتک اراده غالبه اش، بر سندان این عصر دردآلود، به شکل ویژه‌ای که خرد متعالیش مقرر نموده، درآورد؛ شکلی واحد و یگانه، مستحکم و تقسیم ناپذیر، که بتواند طرح عظیمش را برای بنی آدم به اجرا در آورد.» (توفیق منبع روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۹) (ترجمه شخصی)

(۳۱) « وحدت عالم انسانی^۱ است که یگانه راه تأسیس نظم جهانی جدید حضرت بهاءالله است؛ نظمی که جلوه‌ای از جلال و عظمت ملکوت ابهی^۲ را بر بسیط غبراء نمایان می‌سازد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۴) (۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(۳۲) « در پرتو تحولات کنونی بین‌المللی، این بیان مبارک حضرت بهاءالله چه صریح و واضح و پیش‌بینانه می‌نماید که فرمود: "ان اتحدوا یا معشر الملوك به تسكن ارياح الاختلاف بينكم و تستريح الرعية و من حولكم ان انتم من العارفين. ان قام احد منكم على الآخر قوموا عليه، ان هذا الا عدل مبين." [نظم جهانی بهایی (۱۱ مارس ۱۹۳۶)، ص ۱۳۸- پیام رضوان ۱۹۹۱] (مضمون بخش عربی: ای پادشاهان، متحد شوید؛ به این وسیله، طوفان‌های اختلاف در بین شما ساکن خواهد شد و رعایا و اطرافیان‌تان آرامش خواهند یافت؛ اگر از دانایان باشید. اگر یکی از شما علیه دیگری قیام کرد، همگی علیه او به پاخیزید؛ این نیست مگر عدلی آشکار است.)

(۳۳) « عصر تکوین... امتدادش مجهول و در علم الهی مخزون، انتهایش... جلوه وحدت اصلیه^۳ در انجمن بنی آدم (خواهد بود).» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۴۵-۱۴۴)

(۳۴) « هنگامی که از هر سویی، افزایش تشنجات این عصر پر آشوب را مشاهده می‌کنیم، قلوبمان از عواطف توأمان ترس و امید سرشار می‌شود... امید و اطمینان عمیق به این که هر فاجعه دیگری که به سر بشریت بیاید، جز این نیست که حلول صلحی جهانی و پایدار را تسریع خواهد کرد؛ صلحی که حضرت بهاءالله چنان با تأکید بر آن صحه نهاده‌اند.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، کتاب نظم بهایی، انگلیسی، ص ۱۴۵)

(۳۵) « در این عهد و عهد آتیه این عصر (عصر تکوین)... شلیک وحدت عالم انسانی بلند شود.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

(۳۶) « این است (جامعه متحد جهانی)، هدف و مقصدی که نوع انسان، ناگزیر، بر اثر نیروهای وحدت بخش حیات به سویش روان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۷، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

^۱ به مبحث ۱۰۴ رجوع شود. در اینجا نوعی از وحدت مورد نظر هیکل مبارک است که قبل از استقرار نظم بدیع الهی ایجاد خواهد شد. در مبحث مربوطه، این حالت، "وحدت سیاسی" تلقی شده است. "وحدت روحانی" حادثه‌ای در عصر ذهبی است و در مبحث ۱۳۱ مطرح شده است.

^۲ به مبحث ۱۴۷ مراجعه شود.

^۳ وحدتی که اولاً اصلیه است و ثانیاً در انتهای عصر تکوین، یا به عبارتی، اوایل عصر ذهبی رخ خواهد داد، همان وحدت روحانی عالم انسانی است. به مبحث ۱۳۱ رجوع شود.

^۴ در این فقره مبارکه تصریح می‌شود که نوعی از وحدت (که وحدت سیاسی نامیده شده) در عصر تکوین ظاهر خواهد شد.

۳۷) « انقلاب اعظم (حاطة بلیات من کل الجهات بر هیات اجتماعیة)، بنفسه، مُمدّ آیین الهی است و مؤسس وحدت عالم انسانی؛ تعصبات را زائل نماید و کافّة دول و امم را در بسیط زمین متوجّه و متمسک و مروج وحدت اصلیه گرداند.» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۹)

۳۸) « به سوی این مرحله (مرحله وحدت عالم انسانی) است که بشریت خواه ناخواه، و به نحو مقاومت ناپذیر، در حرکت است.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۲)

۳۹) « این التهاب و هیجان (حالت استحاله‌ای که سبب دگرگونی کلی می‌گردد) باعث تطهیر و تبدیل نوع بشر می‌شود و راه را برای زمانی هموار می‌سازد که در آن، جامعیت و وحدت عالم انسان شناخته و اتحادش تأسیس خواهد شد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۵- توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۴۰) « در این عصر تکوین امرالله، در طیّ عهد کنونی و عهد آینده آن... وحدت نوع بشر تحقق پذیرد.» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۷) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۴۱) « اصل وحدت عالم انسانی... به روابط ضروری‌های... مربوط می‌شود که ممالک و ملل را به هم پیوند می‌دهد و عضویک خانواده بشری می‌نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، نقل توسط بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۳)

۴۲) « اتحاد جهانی هدفی است که بشر پریشان به سویش روان است. دوره تأسیس اوطان خاتمه یافته و هرج و مرجی که ملازم حاکمیت مطلقه حکومت ملّی است، حال به اوج خود رسیده است و جهانی که به مرحله بلوغ وارد می‌گردد، باید این طلسم را بشکند و به وحدت و یگانگی و جامعیت روابط انسانی اعتراف نماید و یکباره دستگاهی ابدی به وجود آورد که این اصل اساسی وحدت را در حیاتش تجسم بخشد.» (حضرت ولیّ امرالله، نقل توسط بیت‌العدل اعظم، رساله وعده صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۴، ص ۲۷)

۴۳) « اصل وحدت عالم انسانی... با خود این دعوی را به کمال تأکید همراه دارد که وصول به این هدف عظیم که مقصد نهایی در تکامل جامعه انسانی است؛ نه فقط امری ضروری و لازم، بلکه حتمی و یقین الوصول و قریب‌الوقوع است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۹، توقیع مورّخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

^۱ در این بیان مبارک، تحقق نوعی از وحدت (وحدت سیاسی) در عصر تکوین صراحت تامّه دارد.

۴۴ « اتحاد اهل عالم درخشانترین مرحله‌ای است که حال جامعه انسان رو به آن روان است... اتحاد جهان است که هدف و مقصد بشر سرگردان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۳، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۴۵ « آیین بهایی آشوب کنونی جهان و مصائب حاصله در حیات انسان را به منزله یک مرحله طبیعی از مراحل رشد و نمو یک جریان حیاتی و زنده بشری می‌شمارد که مآلاً و حتماً به وحدت نوع انسان در ظل یک نظم اجتماعی که حدود و مرزی جز مرز کرم زمین ندارد، منجر خواهد شد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، مقدمه، ص ۴)

۴۶ « وجود جامعه بهایی در حد خود، دلیل مثبت دیگری است که آنچه مؤسس بزرگوارش در باره وحدت عالم انسانی از قبل بیان فرموده، امری است قابل اجراء.» (بیت‌العدل اعظم، رساله وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۴، ص ۲۸)

۴۷ « اهل بهاء که نظر بر منظر اعلی گشوده و رخت به وادی ایمن کشیده‌اند، به پرتو آیات بیانات از قوه محرکه این وقایع عظیمه آگاهند و می‌دانند که به فرموده مبارک "جمع امور و اوضاع عالم خادم امرالله است" و آنچه واقع گردد در مسیر تحقق مشیت الهیه است که مقدر فرموده بشر در مسیر مستمر به سوی ترقی و کمال قطع مراحل کند و از وحدت خانواده و قبیله و شهر و وطن به وحدت عالم انسانی که مقصد اصلی آیین جهان‌آرای بهایی است واصل گردد.» (پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)

۴۸ « در بین کلیه ادیان مستقل جهان تنها امر بهایی و جامعه پیروانش موفق شدند که از مراحل بحرانی اولین قرن موجودیت خویش، با حفظ یگانگی کامل بگذرند، بی آنکه از آفت انشقاق مشهود در دوره‌های گذشته، آسیبی ببینند. این تجربه جامعه بهاییان شاهدهی است متین بر اثبات بیانات اطمینان بخش حضرت بهاءالله مبنی بر آن که نوع انسان با وجود کلیه تنوعاتش قادر است بیاموزد که چون ملتی واحد، در وطنی جهانی و مشترک زیست نماید و با هم‌نوع خویش همکاری کند.» (بیت‌العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله - می ۱۹۹۲، ص ۷۲)

۴۹ « ساختن جامعه مشترک‌المنافع جهانی بر مبنای وحدت در کثرت و با اتکاء به قوه محرکه عشق و عدالت... وظیفه ایست که باید به خاطر خود، و به خاطر کودکان امروز و برای نسل‌های آینده، برعهده بگیریم.» (پیام ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۰ - بیانیه جامعه بین‌المللی بهایی خطاب به اجلاس هزاره رهبران مذهبی جهان برای برقراری صلح)

۵۰ « وحدت عالم انسانی که محور اصول و اساس تعالیم امر بهایی است... از عناصر اولیه سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طی این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلی، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

۵۱ « حضرت عبدالبهاء به خانم وایت مرقوم فرمود: "ای محترمه، در دوره‌های سابق هرچند ائتلاف حاصل گشت؛ ولی به کلی ائتلاف من علی الارض غیر قابل (حصول) بود؛ زیرا وسائل و وسائط اتحاد مفقود... حال وسائل اتصال بسیار... لهذا اتفاق کلّ و اتحاد عموم ممکن الحصول، و این اسباب از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است... زیرا این قرن انوار، عالمی دیگر و قوتی دیگر و نورانیتهی دیگر دارد. این است که ملاحظه می‌نمایی... آثارش از افق عالم نمودار گشته."» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۰۷)

۵۲ « چنین پیش‌بینی (اتحاد بین ملل)، جان کلام و نیروی نهفته در توقیعات حضرت شوقی افندی در دوره سی و شش ساله ولایت امرالله بود و می‌توان گفت که محتوای برخی از امهات آثار ایشان شرح جنبه‌های گوناگونی از پیش‌بینی مذکور بود.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۲)

۵۳ « حضرت عبدالبهاء اولین خطابه عمومی خود را از قلب کلیسای "سیتی تمپل" (City Temple) ایراد فرمود و سخنانش در باره کیفیت عصری جدید در تکامل و تطوّر مدنیت جهان بود که منظر بدیعی پیش دیده شنوندگان آورد: "این روز، روز بدیعت و این عصر، عصر خداوند عزیز. عنقریب جهان بهشت برین گردد. روز وحدت عالم بشر است و اتحاد جمیع ملل... عنایت خداوند این روز فیروز را محقق فرمود."» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۷)

۵۴ « در بطون پیام حضرت عبدالبهاء (در اسفار مغرب زمین) این حقیقت نهفته است که روز موعود برای اتحاد بشر... فرارسیده است.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۹)

۵۵ « حضرت عبدالبهاء... اعلان فرمود... در آن قرن (قرنی که در پیش است) حقیقت وحدت عالم انسانی بر جهانیان معلوم خواهد شد.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۰۷)

۵۶ « پیشرفت جهان به سوی وحدت عالم انسانی، امری است محتوم.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

۵۷ « احبای عزیز ایران می‌توانند کماکان با تخلق به حیات بهایی و استقامت و فداکاری و استمرار در تبلیغ انفرادی، قوه عظیمی برای پیشرفت امرالله نه تنها در آن کشور، بلکه در سراسر جهان باشند و مآلاً نقش خود را در روندی که منجر به وحدت عالم انسانی خواهد شد ایفا کنند.» (پیام ۲۵ آوریل ۲۰۰۷)

۵۸) « احباً (حائز این دیدگاه مثبت و اعتماد تزلزل ناپذیرند)... که عالم انسانی در شرف ورود به مرحله جدیدی از تاریخ رشد و تکامل خود است که خصوصیات آن، صلح و وحدت عالم انسانی می باشد.» (پیام ۱ می ۲۰۰۷)

۵۹) « شما دلباختگان جمال ابهی (پیروان حضرت بهاءالله در کشور مقدس ایران)... به یقین مبین می دانید که عالم آستن وقایع عظیمه است و این درد و الم عمومی و آشوب و هیجان همه جانبه، صرفاً رنج سفر در مسیر تحقق وحدت عالم انسانی... است.» (پیام ۲۱ مارس ۲۰۱۰)

۶۰) « این بهار پرانوار (ظهور حضرت بهاءالله)... ملل و اقوام مختلف را به سوی دنیایی مخصص به اصل وحدت در کثرت به پیش برد.» (پیام نوروز ۲۰۱۳)

۶۱) « از خود گذشتگی های شما (پیروان امر حضرت یزدان در کشور مقدس ایران) و مساعی دیگر بهایان... با الطاف و عنایات خداوندی در میقات معین ثمرات عالیه به بار خواهد آورد، قلوب را روشن خواهد کرد، جهان تاریک را رشک گلزار و چمن خواهد نمود و بالمآل وحدت عالم انسانی را محقق خواهد ساخت.» (پیام ۱۰ می ۲۰۱۳)

۱۰۵. تأسیس حکومت اولیة جهانی (۱۵)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۱) « هر قدر راه طولانی تر و پُریچ و خم باشد معذک باید (جامعه ملل)، پس از یک سلسله فتوحات و عقب نشینی ها، بالمآل به وحدت سیاسی شرق و غرب و تأسیس حکومت جهانی... منجر گردد.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۴۰ / نیز مندرج در رساله قرن انوار - ۲۰۰۱ میلادی، ص ۲۹) (مورخ ۵ ژوئن ۱۹۴۷)

۲) « چنین ملت و دولتی (ملت و دولت آمریکا) در اثر... بلایا و رزایا، از لوٹ عقاید و افکار ناموافق پاک و مطهر خواهد گشت و به مفاد وعود حضرت عبدالبهاء، حاضر و مهیا خواهد شد که در... استقرار حکومت متحده جهانی در سراسر بسیط غبراء سهم مهمی را اداء نماید.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۶۴) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)

۳) « حکومت اعلاى جهانی... همچنین یک پارلمان جهانی خواهد داشت که انتخاب اعضایش با مردم هر کشور و با تأیید هر دولت خواهد بود.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۴ - توفیق مورخ ۲۸ نوامبر

۱۹۳۱- ندا به اهل عالم، ص ۴۱- نقل توسط بیت العدل اعظم در رساله وعده صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۲)

۴) « (در جامعه متحد جهانی) یک مجموعه از قوانین بین المللی که محصول مشاورات نمایندگان پارلمان بین المللی است، تدوین خواهد گشت که ضامن اجرایش واحدهای نیروی اتحادیه جهانی خواهند بود.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۵- توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱- ندا به اهل عالم، ص ۴۱)

۵) « در چنان جامعه ای (جامعه متحد جهانی) یک هیأت مجریه به پشتیبانی یک نیروی پلیس بین المللی (ایجاد خواهد شد که) مصوبات هیأت مقننه را اجراء کند، به تنفیذ قوانینش پردازد و وحدت اصلیه تمام جامعه جهانی را حفاظت نماید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۶) « (در جامعه متحد جهانی)... یک نظام مشترک برای پول و اوزان و مقادیر تعیین شود و روابط و تفاهم بین نژادهای متنوع و ملل جهان را ساده و سهل نماید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۷) « در سایه چنین نظامی (حکومت متحد جهانی)، مطبوعات به اظهار نظرات و عقاید بشر کاملاً میدان دهد و از این که مورد سوء استفاده ارباب غرض، چه شخصی و چه عمومی، قرارگیرد، ابا کند و از قیود نفوذ ملل و دول متنازع رهایی یابد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۶- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۸) « در سایه چنین نظامی (حکومت متحد جهانی)... منابع اقتصادی جهان تحت نظم در آید و از مواد خامش بهره بردای و استفاده شود؛ بازار فروشش توسعه و هم آهنگی یابد و محصولاتش عادلانه توزیع شود.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۶- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۹) « در چنان جامعه ای (جامعه متحد جهانی) یک نظام فدرال جهانی برقرار گردد که بر جمیع بلاد حکومت نماید و فرمانروای بلامنازع منابع بسیار عظیمش باشد و مرامهای عالیّه شرق و غرب را در برگیرد و... به استفاده از جمیع منابع موجود در زمین راغب باشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۶- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۰) « (در جامعه متحد جهانی) نیروهای عظیمی که در راه جنگ های اقتصادی و سیاسی به هدر می رود؛ از آن پس، معطوف به اهداف لایقی از قبیل توسعه اختراعات و ترقیات فنی و ازدیاد تولیدات و محصولات بشری و ازاله امراض و توسعه تحقیقات علمی و بالابردن سطح صحت و تشحید و اعتلاء مغز و فکر بشری و بهره مندی از منابع بکر و ناشناخته کره زمین و درازی عمر انسان گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۶- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۱) « مقتضای زمان چنین است که یک حکومت اعلاى جهانى ایجاد شود که در ظلّ آن، تمام ملل عالم به طیب خاطر از داشتن حقوق و اختیاراتى از قبیل حقّ اعلان جنگ و حقّ وضع بعضى مالیات‌ها و کلیه حقوق مربوط به تسلیحات، جز آنچه برای امنیت داخلی‌شان لازم است، صرف نظر نمایند.» (حضرت ولیّ امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۱- نظم جهانی بهایی، ص ۵۴)

۱۲) « باید یک نوع حکومت عالی که مافوق حکومت ملی است بر اثر تکامل جهان تدریجاً قوام گیرد.» (حضرت ولیّ امرالله، نقل توسط بیت‌العدل اعظم، رساله و عده صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۲)

۱۳) « يك دستگاہ ارتباطات و مخابرات بین‌المللی به وجود آید که با سرعت حیرت‌انگیز و نظم و ترتیبی کامل، به کار افتد و جمیع کره ارض را در برگیرد و از جمیع موانع و قیود ملی آزاد باشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۵، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۴) « (حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) نوعی حکومت مشروطه را توصیه می‌کند که در آن، ایده آل‌های جمهوریت و شکوه سلطنت - که آن را «آیتی از آیات الهی» می‌داند - تلفیق گردد، و تحقق آن را توفیقی بزرگ می‌شمارد.» (مرور معبود، ص ۳۰۲)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۱۵) « بازسازی یا تحوّل که به برکت این جنبش (تجدید نظر در روابط انسانی) در سازمان ملل متحد به وجود می‌آید بدون تردید، به تأسیس اتحادیه جهانی ملل که دارای هیأت‌های مقننه و قضائیه و مجریه خواهد بود، منجر می‌گردد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، مبحث ۳)

۱۰۶. استقرار صلح اصغر (۲۳)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱) « در سنین آتیه این دور بهایی... اعلان صلح اصغر عالم را از بلای عقیم و داء و بیل (بیماری سخت) نجات دهد.» توفیق منبع ۱۰۵، مجموعه توفیقات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۵-۱۸۳)

۲) « هر سازمانی که بخواهد با موازینی کمتر از آنچه که در آیین بهایی نازل شده، به کار پردازد؛ یا نمونه‌هایی را به کاربندد که ساخته دست بشری است؛ ولی بر آثار حضرت بهاءالله انطباق نداشته باشد،

هرگز به جایی نمی‌رسد و فقط حدّ اکثر می‌تواند به "صلح اصغر" دست یابد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۵-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶- ندا به اهل عالم، ص ۶۷)

۳) « آنچه ما می‌دانیم این است که صلح اصغر و صلح اعظم تأسیس خواهد شد؛ اما تاریخ دقیق آن‌ها را نمی‌دانیم.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ۱۹ آوریل ۲۰۰۱)

۴) « (به پیش‌بینی حضرت ولیّ امرالله، جریان سازمان ملل متحد) باید با عبور از یک رشته فتوحات و شکست‌ها، همان طور که حضرت بهاءالله پیش‌بینی فرموده و اشعیای نبی از پیش بدان بشارت داده است، با اتحاد سیاسی دو نیم‌کره شرقی و غربی، به ظهور یک حکومت جهانی^۱ و تأسیس صلح اصغر منجر گردد.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در بیانیه دارالانشاء، ۱۹ آوریل ۲۰۰۱)

۵) « در این عصر تکوین امرالله، در طیّ عهد کنونی و عهد آینده آن... صلح اصغر تأسیس (خواهد شد.)» (حضرت ولیّ امرالله، حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۷) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۶) « جریان این قوه (نقشه عظیم الهی) در میقات خود، صلح اصغر را به وجود خواهد آورد و آن، عبارت از وحدت سیاسی جهان است که در آن زمان، بشریت را می‌توان به هیگلی تشبیه کرد که موجود است؛ ولی فاقد روح حیات می‌باشد.» (پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)

۷) « در سایه پریشانی و نابسامانی که اوضاع جامعه امروزی را مختل ساخته، نوری از دور نمایان است... این نور، به ما نوید می‌دهد که زمان تحقق یافتن سه امری که حضرت ولیّ محبوب امرالله وعده فرموده‌اند که به موازات و در ارتباط با یکدیگر به وقوع خواهد پیوست؛ یعنی نمایان شدن صلح اصغر، و ارتفاع ساختمان‌های قوس کوه کرمل، و تکامل محافل روحانی ملی و محلی، به آهستگی اما به نحوی قطعی فرا می‌رسد.» (پیام رضوان ۱۹۸۹)

۸) « از کم و کیف شرایط و احوالی که موجب تأسیس صلح اصغر خواهد شد بی‌خبریم، حتی زمان دقیق وقوع آن در نقشه اعظم الهی مستور است.» (پیام رضوان ۱۹۸۹)

۹) « هیچ ناظر صادقی نمی‌تواند منکر وجود علائمی شود که نشان می‌دهند صلح اصغر در دسترس است.» (پیام رضوان ۱۹۹۰- ترجمه شخصی)

۱۰) « حصول صلح اصغر لازمه‌اش تغییرات کلیه در قواعد و ارکان جامعه کنونی بشری است. گرچه شواهد و آثار، امید بخش می‌نماید؛ ولیکن نباید فراموش کرد که هنوز کاملاً از گذرگاه‌های تاریک عصر تحوّل و انتقال نگشته‌ایم و راهی طولانی و لغزنده و پریپیچ و خم در پیش داریم.» (پیام رضوان ۱۹۹۰)

^۱ از این بیان مبارک به وضوح چنین برمی‌آید که تأسیس نوعی حکومت جهانی، پیش‌نیاز استقرار صلح اصغر است.

۱۱) «در مرکز جهانی بهایی امور ساختمانی مشروعات جبل کرمل آغاز گردید تا تأسیسات و تسهیلات شایسته‌ای برای مؤسسات مرکزی اداری امر حضرت بهاءالله فراهم گردد و مؤسسات مزبور برای تعهد مسئولیت‌های سنگینی که با شروع تأسیس صلح اصغر در جهان بر عهده آنان قرار خواهد گرفت، آماده شوند.» (پیام ۱۸ نوامبر ۱۹۹۱- جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱)

۱۲) «(از تغییرات و تحولات داخلی حاصله بین ملل مختلفه و در روابط آن‌ها با یکدیگر... چنین به نظر می‌رسد که صلح اصغر قریب‌الوقوع است. ولیکن همزمان با این تحولات، قوای خشی کننده‌ای (مثل ملیت پرستی، نژاد پرستی، تعصبات دینی، تروریسم و عدم ثبات وضع اقتصادی) نیز دوباره ظاهر گردیده است.» (پیام رضوان ۱۹۹۲)

۱۳) «مشروعات عظیم ابنیه کرم مقدس الهی (کوه کرمل)... بخشی از یک جریان را تشکیل می‌دهد که به تصریح حضرت ولی عزیز امرالله با دو رویداد مهم دیگر همزمان خواهد بود: تأسیس صلح اصغر و تحوّل و تکامل تشکیلات ملی و محلی بهایی.» (پیام رضوان ۱۹۹۳- جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۳۲)

۱۴) «این زمان، تیره‌ترین ساعات پیش از دمیدن روز است. چنانچه وعده داده‌اند، صلح پس از پایان شب فراخواهد رسید. پای بفشارید و به دیدار سپیده دم رهسپار گردید.» (پیام رضوان ۱۹۹۳- جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۳۳)

۱۵) «در حالی که سرعت حرکت به سوی صلح اصغر در حال افزایش است، جامعه بهایی مسئولیت‌های سنگینی در قبال آینده نزدیک و دور بر عهده دارد.» (پیام ۱۹ می ۱۹۹۴، خطاب به محفل ملی آمریکا)

۱۶) «با در نظر گرفتن رشد و پیشرفتی که در جوامع محلی و ملی بهایی در جریان است، می‌توانیم تحقق تدریجی پیش‌بینی حضرت ولی امرالله را به نحو شایسته‌تری دریابیم که در بیان تأثیر ارتفاع ابنیه‌ای که مقرّ جهانی اداری امر حضرت بهاءالله را تشکیل می‌دهد، چنین فرموده‌اند: "این جریان وسیع و حتمی‌الوقوع، همزمان با دو واقعه‌ای که از لحاظ اهمّیت کمتر از آن نخواهد بود، تحقق خواهد یافت؛ یکی استقرار صلح اصغر و دیگری تکامل مؤسسات ملی و محلی بهایی."» (پیام رضوان ۱۹۹۵- جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه جلد سوم، ص ۳)

۱۷) «در آن موقعیت تاریخی و مهم در کپنهاگه کوشش مؤثری به همّت دوئیست و پنجاه نفر از احبّای بیش از چهل کشور مختلف جهان معمول گردید... این اقدامات بدون شک، نمایانگر توفیق و پیشرفت

جامعه جهانی بهایی به منظور کمک به جریانی است که منجر به صلح اصغر خواهد شد.» (پیام رضوان ۱۹۹۵)

۱۸) «این جریان وسیع و حتمی الوقوع (ارتفاع ابنیه‌ای که مقرّ جهانی اداری امر حضرت بهاءالله را تشکیل می‌دهد) همزمان با دو واقعه‌ای که از لحاظ اهمّیت کمتر از آن نخواهد بود، تحقّق خواهد یافت. یکی استقرار صلح اصغر و دیگری تکامل مؤسّسات ملّی و محلی بهایی". پیش‌بینی هیکل مبارک... تکمیل طرح‌های کوه کرمل را... ضرورت و اهمّیت بخشیده است.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام رضوان ۱۹۹۵)

۱۹) «ما اهل بهاء، شتاب جریاناتی را که نقشه کلی الهی^۱ به وجود می‌آورد و اقداماتی را که سبب می‌شود، و در مراحل اولیه همراه با آلام و محن است، نشانه‌های فرارسیدن صلح اصغر می‌دانیم.» (پیام رضوان ۱۹۹۸)

۲۰) «در بحبوحه ولوله و غوغای جهانی پرآشوب و پراضطراب، تمایل و روندی قطعی را که آشکارا متوجه صلح اصغر است، می‌توان تشخیص داد. دخالت روز افزون سازمان ملل متحد با پشتیبانی دول قدرتمند برای حلّ مشکلات مبرم... اشارتی شگفت انگیز به روال مزبور محسوب می‌گردد. نمونه دیگر، پیوستگی جمیع ملل در امور مالی و تجاری است... و از شرایطی است که حضرت ولیّ امرالله آن را از خصوصیات دنیایی که از وحدت و یگانگی زنده و فعال برخوردار خواهد بود، پیش‌بینی فرموده‌اند.» (پیام رضوان ۱۹۹۸- جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، ضمیمه جلد سوم، ص ۳۲)

۲۱) «ابتدا صلح اصغر واقع می‌گردد، و آن زمانی است که اتحاد ملل^۲ حاصل می‌شود.» (پیام ۳۱ ژانویه ۱۹۸۵، مندرج در بیانیه دارالانشاء، ۱۹ آوریل ۲۰۰۱)

۲۲) «هر قدر راه طولانی‌تر و پُریچ وخم باشد، معدلک باید (جامعه ملل)، پس از یک سلسله فتوحات و عقب نشینی‌ها، بالمآل به... استقرار صلح اصغر... منجر گردد.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۲۹- حصن حصین شریعت الله، ص ۴۰)

۲۳) «در این بیانیه (وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵)، بیت العدل اعظم، با بیانی ملایم ولی قاطعانه، اعلام کرد که بهاییان مطمئنند که صلح جهانی مرحله آینده تکامل جامعه انسانی است.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۰۳)

^۱ به مبحث ۷۷ مراجعه شود.

^۲ در این فقره مبارکه نیز تصریح شده است که نوعی اتحاد ملل (با وحدت سیاسی عالم)، پیش‌زمینه استقرار صلح اصغر است.

۱۰۷. پیروزی امرالله در مقابل صفوف معاندان (۲۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « قل يا ملاء الارض موتوا بغیظکم، سوف ترتفع اعلام النَّصر فی کلّ مدینه و تستضیئ منها الدیار.» (حضرت بهاءالله، مندرج در مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۱) (مضمون: ای اهل زمین، بمیرید به خشم و غضب خود، به زودی پرچم‌های پیروزی در هر شهری بلند خواهد شد و سرزمین‌ها از انوار آن نورانی خواهد گشت.)
- ۲) « سوف تطلع شمس العزّه من افق امری و تستضیئ منها الآفاق؛ کذلک نزلنا لک الآیات لتفرح فی نفسک و تقوم علی ذکر ربّک العزیز الوّهاب.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۱۲۹، ص ۱۸۹) (نه چندان دیر، خورشید عزت و عظمت از افق امر من طلوع خواهد کرد و همه افق‌ها از آن نورانی خواهد شد، این چنین آیات را نازل کردیم تا شادمان شوی و به ذکر پروردگار عزیز و بخشنده‌ات قیام نمایی.)
- ۳) « محزون مباشید، عنقریب رایات امریه در اکثر بلاد مرتفع خواهد شد... انه علی کل شیء قدیر.» (جمال ابهی، امروخلق ۴، ص ۴۷۵) (مضمون عبارت عربی: او بر هر چیزی توانا است.)
- ۴) « سوف یرون الموحّدون اعلام الظهور فی کلّ الاقطار.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۱، ص ۳۵- نقل در توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶- امروخلق ۴، ص ۴۷۷) (مضمون: به زودی یکتاپرستان علم‌های پیروزی را در همه سرزمین‌ها مشاهده خواهند کرد.)
- ۵) « سوف یرون الموحّدون اعلام الامر علی اعلیٰ الاعلام، انّ ربّک کان علی شیء قدیرا.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۵، ص ۵۳) (مضمون: به زودی یکتاپرستان علم‌های امرالله را بر فراز افراشته‌ترین علم‌ها خواهند دید، همانا پروردگارت بر هر چیزی توانا است.)
- ۶) « انک یا عبد، ان اطمئنّ بفضل الله و رحمته، سوف یری الموحّدون رایات النَّصر من کلّ الجهات، باسمی الاعظم العظیم.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۱۴۴، ص ۲۰۴) (مضمون: ای بنده، به فضل و رحمت پروردگارت مطمئن باش، به زودی یکتاپرستان پرچم‌های پیروزی را، که به نام اعظم عظیم من بر افراشته شده است، از هر سو مشاهده خواهند کرد.)
- ۷) « انّ الذّین کفروا ارادوا ان یطفئوا هذا النور المشرق من افق مشیة ربّک العلیّ العظیم، لا و عمری، لا یقدر احد بذلک؛ سوف تری آثاره من کلّ الجهات، انه لهو الحاکم علی ما یرید.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۲۰۹، ص ۲۶۹) (کفوروزان خواستند این نور درخشنده از افق اراده پروردگار بلند مرتبه

والامقامت را خاموش کنند؛ نه، قسم به جانم که کسی نمی تواند چنین کند؛ به زودی آثار آن را از هر جهتی خواهی دید، همانا او حاکم است بر آنچه بخواهد.)

(۸) «اعراض بعضی از عباد غافل، شما را محزون نماید؛ زود است که اعلام امریه الهیه بر بقاع ارض مرتفع مشاهده شود.» (جمال ابهی، امروخلق جلد چهار، ص ۴۷۷- پیام آسمانی ۲، ص ۲۴۵)
(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۹) «جمع صفوف عالم (در مقابله با حضرت بهاءالله) شکست خورده و می خورند.» (حضرت عبدالبهاء، امروخلق ۴، ص ۴۷۸)

(۱۰) «عنقریب غمام کثیف (ابر تاریک) از افق عالم متلاشی شود و صبح منیر (امرالله) به شعاع ساطع بدرخشد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقرة ۱۸۸)

(۱۱) «از جمله وقایع جسیمه که در یوم ظهور آن نهال بی همال (جمال مبارک) وقوع خواهد یافت: علم الهی به جمیع امت ها بلند خواهد شد؛ یعنی جمیع ملل و قبائل در ظل آن علم الهی که نفس آن نهال ربانیست، درآیند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

(۱۲) «عنقریب ملاحظه خواهی فرمود که علم الهی در جمیع اقطار ارض بلند گردد و پرچم حقیقت موج زند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقرة ۱۲۳)

(۱۳) «غلبه، به صفت رحمانیت است، نه به جلادت و خونخوارگی و تیزچنگی و سبیت. عنقریب ملاحظه خواهید نمود که نفحات قدس شرق و غرب را احاطه نماید و لوی یا بهاءالابهی در جمیع آفاق موج زند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقرة ۴۳۲)

(۱۴) «امید چنان است که عنقریب اهتزازی عظیم در امم قریب و بعید افتد و رایت ملکوت ابهی^۱ در خاور و باختر موج زند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، ص ۱۱۰)

(۱۵) «(بعد از مهاجمه جمیع ملل و امم به امرالله) فارسان میدان الهی به تأییدی از ملکوت ابهی، به قوت ایقان و جند عرفان و سپاه پیمان، جند هنا لك مهزوم من الاحزاب (سپاهی شکست خورده در آنجا از احزاب) را آشکار کنند.» (حضرت عبدالبهاء، امروخلق ۴، ص ۴۷۸- نقل در نظم جهانی بهایی، ص ۲۴- مندرج در توفیق مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

(۱۶) «انشاءالله... مضمون این فقرات مرقومه از قلم عبدالبهاء من بعد، تحقق خواهد یافت و ظاهر خواهد شد و آن این است: سینکشف القناع باذن الله عن وجه الامر و یسطع هذا الشعاع فی آفاق البلاد و

^۱ به مبحث ۱۴۷ رجوع شود.

یعلو معالم الدین^۱ و تخفق رایات ربکم المجید علی الصرح المشید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، ص ۱۴۰) (مضمون بخش عربی: به زودی و به اذن خدا، پرده از وجه امرالله برداشته خواهد شد و این شعاع در آفاق سرزمین‌ها خواهد درخشید و نشانه‌های دین الهی آشکارا خواهد شد، و علم‌های قدرت پروردگار مجیدتان بر بلندای قصرهای پرشکوه برافراشته خواهد گشت.)

۱۷) «ولو أنکم یا أغنام الله بین برائن الصّواری من السّباع و مخالب جوارح البقاع، لا تیأسوا من روح الله؛ سینکشف القناع باذن الله عن وجه الامر و یسطع هذا الشعاع فی آفاق البلاد و تعلو معالم التوحید^۲ و تخفق أعلام آیات ربکم المجید علی الصرح المشید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۱۴۳، لوح خراسان- مندرج در توقیع منبع مورخ ژانویه ۱۹۲۹) (مضمون: ای اغنام الهی، گر چه بین پنجه‌های وحوش درنده و میان چنگال‌های گوشته‌خواران پرنده اسیرید، اما از روح الهی مأیوس نشوید؛ به زودی و به اذن خدا، پرده از وجه امرالله برداشته خواهد شد و این شعاع در آفاق سرزمین‌ها خواهد درخشید و نشانه‌های توحید الهی آشکارا خواهد شد، و علم‌های قدرت پروردگار مجیدتان بر بلندای قصرهای پرشکوه برافراشته خواهد گشت)

۱۸) «یا احبّاء الله اذا اشتدّت الاریاح و هطلت الامطار و دمدمت الرّعود و لمع البرق و نزلت الصّواعق و اشتدّت الانواء و الطّوفان لاتحزنوا لانّ بعد هذا الطّوفان یأتی الرّیبع الرّحمانی و یخضر التّلال و الدّیّار و یموج الزّروع فی المروج و تهتّزّ و تنبت الارض بالزّهور و الرّیحان و تلبس الاشجار حلیة الاوراق و تتزین بالازهار و الاثمار و تظهر البرکة فی کلّ الدّیّار فهذه المواهب انما نتائج تلك الانواء و الطّوفان.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، بند ۱۹۷، ص ۱۴۰) (مضمون: ای احبای الهی، هنگامی که بادها شدت گیرد، و باران‌ها ببارد، و رعد بفرود، و برق بدرخشد، صاعقه فرود آید و طوفان و بوران بوزد، محزون نشوید؛ زیرا بعد از این طوفان، بهار رحمانی می‌آید؛ دامنه‌ها و دیارها سبز و خرم می‌شود، سبزه‌ها در کشتزارها موج می‌زند، زمین گل‌ها و ریاحین می‌رویاند، درخت‌ها زیور برگ به خود می‌پوشند و به شکوفه‌ها و میوه‌ها زینت می‌یابند و برکت در هر دیاری نمودار می‌گردد؛ و این مواهب همه، نتیجه‌ی آن تندبادها و طوفان‌ها خواهد بود.)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱۹) «همین قلم (قلم حضرت عبدالبهاء)... پیش‌گویی می‌نمایند که "عالم الهی به جمیع امت‌ها بلند خواهد شد."» (مرور معبود، ص ۴۲۰)

^۱ در مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۱، "معالم التوحید" آمده است.
^۲ در مکاتیب عبدالبهاء، جلد ۳، "معالم الدین" ذکر شده است.

۲۰) « قوای جهان مقاومت فیض مدارار نتواند و آشوب و غوغای جهانیان تابش انوار را مانع و حائل نگردد؛ بلکه هر قدر آیین مقدس بر شهرت و اتساع بیفزاید و صحیحه پیروانش بلندتر گردد و ابهت و سطوتش در انجمن عالم بیشتر جلوه نماید، انقلاباتش هائل تر و جوش و خروشش عظیم تر و فریاد و فغان اعدایش مرتفع تر و زفیر افتانش شدیدتر شود.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، ردیف راز باب دهم)

۲۱) « مشیت نافذه رحمانی و حکمت بالغه سبحانی... در طریقی مستور از انظار و ماوراء عقول و افکار، سر نوشت امرالله... را... هدایت و به سر منزل مقصود و منظور حقیقیه خویش، دلالت می نماید.» (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۵۱ / نیز مندرج در پیام ۱۹ می ۱۹۹۴)

۲۲) « چقدر در این ایام، حقیقت ساطعه این بیان مبارک حضرت بهاءالله متجلی است که فرموده اند قدرت الهیه، این ظهور اعظم را بر اساسی متین استوار فرموده که البته طوفان انقلابات عالم امکان بنیانش را متزعزع نسازد و اوهام سخیفه بشری هیکلش را متزلزل نکند.» (حضرت ولی امرالله، ۲۱ مارس ۱۹۳۰، ارکان نظم بدیع، ص ۸۵)

۲۳) « هر قدر طوفان انقلاب و غلیان غل و بغضا در قلوب مشرکین تزیاید جوید و صولت هجوم احزاب و قبائل بر جند الهی شدت نماید^۱، اشعه تأیید بر اشراق بیفزاید و بدایع قدرت قدیمه و لطائف حکمت الهیه و ظهورات غلبه و قهاریت کلمه نافذه جامعه بر مدعیان مکشوف تر و واضح تر گردد "سنة الله التي قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلا"^۲ (حضرت ولی امرالله، توفیق ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۱۰-۹ / نیز مائده آسمانی ۶، ردیف راز باب دهم، ص ۲۵) (مضمون آیه مبارکه: سنتی الهی است که از قبل بوده و هرگز برای سنت خدایی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت.)

۲۴) « این انقلاب اعظم (کل به جمیع قوی به مقاومت برخیزند) مقدمه اعلان امرالله در تمام کره ارض و غلبه جندالله و انهزام و انقراض اعداءالله و تنبه عمومی اهل عالم و اقبال دول و امم و تحقق بشارت "یدخلون فی دین الله افواجا"^۳ خواهد بود.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۱۳ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۲۰- نقل در پیام ۹ شهراعه ۱۳۵ / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸ بیت العدل اعظم، مجموعه بشارت جان فزا، ص ۲۵) (مضمون عبارت: فوج فوج در دین الهی وارد می شوند.)

^۱ به مبحث ۱۰۰ مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۱۹ مراجعه شود.

^۳ سوره فتح، آیه ۲۳.

^۴ به مبحث ۱۱۳ رجوع شود.

۲۵) « جمال قدم، سلطان الامم، مُحیی الرّمم، به سپاهیان دلیرش در این انقلاب اعظم (وقتی کُلّ به جمیع قوی به مقاومت برخیزند) کاملاً اطمینان داده و به این بیان اکمل و اتمّ، وعده نصرت داده؛ قوله تکبر کبریائهُ "لَعمری لا یَنزُلُ علی الاحبّ الا ما هو خیرُ لهم".» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۲۲) (مضمون بخش عربی: به جانم سوگند بر احبّ وارد نمی شود مگر آنچه خیر و صلاح آنان است).

۲۶) « این مسئله محقق است که همان قدرت و سطوتی که امرالله را طی یک صد سال تحوّل و تطوّر خویش حفظ نموده و آن را در مسیر ترقی و تعالی سوق داده است؛ این دُرّ ثمین (گوهر گرانبها) را پیوسته از تعرضات اهل عدوان محروس و در کنف صون و حمایت خویش مصون و محفوظ نگاه خواهد داشت و موجبات نشو و ارتقاء آن را فراهم و از هر آفت و بلیّتی حراست و صیانت خواهد نمود.» (حضرت ولیّ امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۹-۸۱۸)

۲۷) « یقیناً ید اقتدار حضرت بهاءالله که به طوقی عجیب و اسرار آمیز عمل می نماید، به حفاظت و حمایت و هدایت و استحکام امر مقدّسش، تا پذیرش جهانی و پیروزی نهایی آن، ادامه خواهد داد.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۱۵۲)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۸) « نفس این مکابره و مقابله و مهاجمه (حملات و لطمات عظیمه جمیع دول و ملل عالم به امرالله) سبب تشنیت شمل اعداء (پراکنده شدن گروه دشمنان) شود و بالمآل انوار شمس ظهور، ظلمت دیجور را زایل سازد و امرالله را از مرحله ای به مرحله اعلی کشاند.» (پیام ۹ شهر العزّة ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه بشارات جان فزا، ص ۲۴)

۲۹) « فتح و ظفر نهایی امریزدانی... امری است محتوم.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

۱۰۸. استحکام و استعلای امرالله (۲۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « این که از حین ارتفاع امرالله سؤال نموده بودید؛ إنّ له وقتٌ مخصوصٌ فی کتاب الله. ولكن... قدر این آیام را باید بدانیم... در آیام ارتفاع امر و غلبه ظاهره، هر نفس مردوده ادّعی ایمان می نماید.»

(آیات الهی ۱، ص ۲۴۵- مائده آسمانی ۱، ص ۶۸) (مضمون بخش عربی: همانا در کتاب الهی برای آن، وقت مخصوصی است.)

(۲) « دین الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت است... اینست راه مستقیم و اس محکم متین؛ آنچه بر این اساس گذاشته شود، حوادث دنیا او را حرکت ندهد و طول زمان او را از هم نریزند.» (جمال ابهی، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(۳) « الها معبودا مسجودا ملکا بی نیازا... سراجت را اریاح عاصفات خاموش ننماید و سدره امرت را سیلاب های عالم از مقرّبر نیارد.» (آیات الهی ۲، ص ۱۰۰)

(۴) « بعد از انقضاء مدت مذکوره در کتاب (میقات اتساع لامذهبی در عالم و دوری آن از ایمان و ایقان و عرفان و نزدیک شدنش به ظنون و اوهام)، بغته امرالله مرتفع و جمیع به آن متوجه (خواهند شد). ان ربك لهو الصادق المتكلم الناطق الامین.» (آیات الهی ۱، ص ۲۴- اوت- امر و خلق ۴، ص ۷۳- مائده ۴، ص ۴) ردیف الف، باب چهارم، ص ۱۹- مائده ۱، ص ۶۸) (مضمون بخش عربی: همانا پروردگار تو به راستی صادق و سخن گو و ناطق و امین است.)

(۵) « (خطاب خداوند به حضرت بهاءالله) ان یا عبد... فاکف بالله ربك ناصرأ و معین؛ انا کتبنا علی نفسنا نصرک فی الملک و ارتفاع امرنا و لو لن يتوجه الیک احد من السلاطین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقرة ۱۱۶- نداء رب الجنود، سورة ملوک، بند ۲۳) (مضمون: ای بنده،... به خداوند، یعنی پروردگار که پیروزی بخش و یاور است اکتفا کن؛ ما نصرت تو و ارتفاع امرمان در (سیاره) زمین را بر خود واجب شمردیم؛ و لو این که هیچ یک از سلاطین توجهی به تو ننماید.»

(۶) « (خطاب خداوند به حضرت بهاءالله) ان یا عبد، ذکر العباد بما القیناک و لاتخف من احد و لاتکن من الممترین. فسوف یرفع الله امره و یظهر برهانه بین السموات و الارضین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقرة ۱۱۶- نداء رب الجنود، سورة ملوک، بند ۲۳) (مضمون: ای بنده، عباد را به آنچه بر تو القا کردیم متذکر دار و از کسی مترس و از تردیدکنندگان مباش. به زودی خداوند در میانه آسمانها و زمینها، امرش را مرتفع خواهد کرد و برهانش را ظاهر خواهد ساخت.)

(۷) « فسوف... یرفع الله امره کیف یشاء، انه لهو الغالب علی من فی ملکوت الامر و الخلق.» (جمال ابهی، امر و خلق ۴، ص ۷۶) (مضمون: به زودی (خداوند) امرش را هرگونه که بخواهد، مرتفع خواهد ساخت. همانا او به راستی بر همه آن کسان که در ملکوت امر و خلق هستند، غالب است.)

(۸) « قل یا قوم، أ تمکرون فی امرالله و تخادعون به فی انفسکم؟ فان الله اشد مکرراً لو انتم من العارفين. فسوف... یرفع امره کیف یشاء و یعلن برهانه و یثبت آیاته و لو یکرهنها هؤلاء المبغضین.» (جمال

قدم، مندرج در توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۲۸- مائده آسمانی ۶، ردیف ق از باب بیست و یکم، ص ۶۵) [مضمون: ای قوم، آیا در امر خدا مکر می کنید و در دل هایتان به آن خدعه می زنید؟ به زودی... امرش را، هر گونه بخواهد، ارتفاع خواهد داد و برهانش را اعلان خواهد نمود و آیاتش را اثبات خواهد کرد، ولو این که این مبغضان اکراه داشته باشند.]

۹) « فسوف يرتفع النداء في كلِّ مدينةٍ و تجدُ النَّاسَ خائفينَ و وجلينَ من سطوة الامر و كذلك كان الامر في اللوح مقضياً.» (جمال قدم، مندرج در توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۵- نیز در لئالی الحکمة ۲، فقرة ۶۲، ص ۱۴۱) (مضمون: به زودی ندا در هر شهری بلند خواهد شد و از سطوت امرالهی، مردمان را ترسان و لرزان خواهی یافت. امر در لوح این چنین مقدر گشته است.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱۰) « اشراق شمس حقیقت چنان شدید است که عنقریب در هفت اقلیم آهنگ سبوح قدوس رب الملائكة و الروح بلند گردد. (حدیقه عرفان، ص ۱۷۶)

۱۱) « ای آوارگان سبیل الاهی... عنقریب ملاحظه نمایید که پرچم علم تقدیس احبای الاهی موج بر آفاق زند و این اشراق (امرالهی) خاور و باختر را روشن نماید.» (حدیقه عرفان، ص ۱۶۹)

۱۲) « تردیدی نکنید که خداوند با ما است؛ در یمین و یسار ما است؛ و تعداد ما روز به روز افزایش خواهد یافت و جلساتمان قدرتمندتر و مفیدتر خواهد شد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۱۹ نوامبر ۱۹۱۱)

۱۳) « مدعیان و ناقضان منتظر فوت و موت عبدالبهاء هستند که یا گرفتار دار گردد و یا در قعر دریا مقرر جوید و یا به دورترین دیار و قلاع سرگون شود و یا به سبب علل و امراض ترک این آواز و راز نماید، تا آنان را جولانگاهی پیش آید؛ هیئات هیئات، امرالله به قوت ملکوت ابهی از جمیع این مخاطرات محفوظ و مصون خواهد ماند، خواه عبدالبهاء موجود و خواه مفقود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، ص ۱۶۷)

۱۴) « هر چند هنوز به ظاهر این نجم هدی (امرالهی) در افق عالم باهر نه؛ ولی صبح مبینش ساطع، و عنقریب شمس منیرش طالع گردد.» (مکاتیب عبدالبهاء، جلد ششم، ص ۱۷۸)

۱۵) « نهضت های دیگری هم هستند که رشد و دوام بیشتری پیدا می کنند، و لکن قبل از وصول به مرحله بلوغ، دچار ضعف و انحلال شده و برای همیشه فراموش می شوند... اما یک نوع حرکت و یا امر دیگری هم هست که ابتدا از نقطه ای کوچک و ناشناخته آغاز می شود، بعد با سیر مسلم و منظم به پیش می رود؛ به تدریج دامنه نفوذش گسترش پیدا می کند تا بالمال وسعت و عمومیت جهانی می یابد. امر

بهبایی از این نوع حرکت‌ها است.» (حضرت عبدالبهاء، نقل توسط بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۹۴)

۱۶ « نداء حق روزبه‌روز، رو به بلندی و علو است و همه صداها یوماً فیوماً، رو به ضعف و سکون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره ۲۷۹)

۱۷ « این موهبت عظمی و این منقبت کبری (منظور امرالهی است) حال اساسش به ید قدرت الهیه در عالم امکان در نهایت متانت بنیان و بنیاد یافت و به تدریج آنچه در هویت دور مقدس است ظاهر و آشکار گردد. الان بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بینات، در آخر این قرن و عصر معلوم و واضح گردد که چه بهار روحانی بود و چه موهبت آسمانی.» (حضرت عبدالبهاء، نقل در توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۳-۳۲- نیز مندرج در توقیع دور بهایی، ص ۷۸)

۱۸ « مطمئن باشید که امر (الهی)، عنقریب اوج گیرد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ششم، فقره ۱۸۸)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۱۹ « وضع اصول اداری و انشاء تأسیسات بدیعه منیعه و تفویض حق تبیین آیات به ولی امرالله، آیین الهی را در این ظهور اعظم به نحوی که در ظهورات گذشته سابقه و نظیر نداشته، از تحزب و انشعاب و تجزی و انشقاق حفظ خواهد نمود.» (حضرت ولی امرالله، نقل توسط بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۳۵)

۲۰ « آنچه در هویت ین امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه شهود خواهد آمد... (از جمله)... ارتفاع لواء یا بهاء‌الابهی در قطب امکان... است.» (قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)

۲۱ « این واقعه (تذلیل ظاهره احباءالله)، مانند ابر بهاری اراضی قلوب را مستعد نموده، به گل و ریاحین ایمان و ایقان زینت و رونقی بدیع بخشد و نار این عذاب، نورش عنقریب پرتو هدایت کبری را بر نفوس و ارواح عالم افکند.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۴۰)

۲۲ « (احبای الهی) به یقین مبین بدانند که در بحبوحه انقلاب و اضطراب و اغتشاش و اعتراض و طغیان دول و امم و قبایل و ملل، عظمت امرالله به اسباب غیبیه و وسایل غیرمنتظره عجیبه بغتة جلوه نماید.» [حضرت ولی امرالله، مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷]

۲۳ « به مرور ایام و تتابع شهور و اعوام، آنچه در هویت این امر خفی الطف اعلی مکنون و مخزون و مندمج است مکشوف و پدیدار گردد و انّ هذا الوعد، غیر مکذوب.» (حضرت ولی امرالله، مجموعه

توقعیات ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۷۸، ۳۰ آوریل ۱۹۲۸) (مضمون عبارت: همانا این وعده، حقیقی و قطعی است.)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۲۴) « ید غیبی در کار است؛ و جمیع حوادث روزگار ممدّ تأسیس شریعت پروردگار. » (پیام ۹ شهرالعهده ۱۳۵ بدیع / ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸، مجموعه بشارات جانفزا، ص ۲۶)

(۲۵) « امرالهی نه به صورت رشد و نموّی یکنواخت، بلکه به گونه تموجاتی که بحرانها و پیروزیها آن را شتاب میبخشد، به پیشرفت خود ادامه خواهد داد. » (ترجمه) (معهد اعلی، ۳۱ آگوست ۱۹۸۷، مجموعه دخول افواج مقبلین)

(۲۶) « حضرت بهاءالله به این واقعیت اشاره نموده اند که در گذشته و بخصوص در زمان نبوت حضرت ابراهیم، حضرت مسیح و حضرت محمد، اثرات عظیم آن ادیان در پیشرفت تمدن هنگامی ظاهر شده که آن تعالیم از شرق به غرب سرایت نموده است. آن حضرت پیشبینی می فرمایند که در این عصر بدیع نیز پیشرفت امرالهی در ممالک غرب به همان ترتیب، ولی به مقیاسی بس وسیع تر، تحقق خواهد پذیرفت. " قُلْ إِنَّهُ قَدْ أَشْرَقَ مِنْ جِهَةِ الشَّرْقِ وَ ظَهَرَ فِي الْغَرْبِ آثَارُهُ. تفکروا فیه یا قَوْمُ. " » (بیت العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۴۸) [مضمون آیه عربی: بگو، همانا او (مظهرالهی) در شرق ظاهر شد و آثارش در غرب نمودار گشت. ای قوم، در این قضیه بیندیشید.]

(۲۷) « قوای عظیمه ای که در هویت این آیین نازنین مکنون است، هر روز در عرصه شهود نفوذی دگر کند و جلوه و بروز بیشتری نماید. » (پیام مارس ۱۹۹۷، مجموعه بشارات جانفزا، ص ۸۴)

(۲۸) « این از وعود الهیه است که روزی آید که... این مژده (ظهورالهی)، گوشزد آفاق گردد و این اشراق، خاور و باختر را روشن و منور نماید. » (۵ جون ۱۹۹۷ / اول شهرالانوار ۱۳۴ بدیع)

(۲۹) « حضرت شوقی افندی... در باره ادواری بودن تاریخ امر بهایی فرموده است که "یک سلسله از بحرانهای داخلی و خارجی با شدت و ضعف گوناگون به وجود خواهد آمد که هرچند آن سبب ویرانی و دمار شود؛ اما هر یک، سرّاً قدرت متشابهی را ایجاد نماید که بر شدت و سرعت جلوه امرالهی بسیار بیفزاید. " » (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۹۴)

۱۰۹. عظمت و جلال امرالله (۲۳)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- (۱) « از حق بخواهید توفیق عنایت فرماید که شاید بر صراط امر مستقیم باشید؛ لآن هذا الامر عظیم عظیم. زود است که عظمت آن واضح و مبرهن شود.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۱۰۳) (مضمون عبارت: زیرا این امر عظیم است، عظیم.)
- (۲) « بالبلاء ربینا الامر فی القرون الماضیه؛ سوف تجد الامر مُشرقاً من افق العظمة، بقدرة و سلطان.» (جمال ابهی، مندرج در توفیق ۱۱۳، مجموعه توفیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۱۷-۶۱۶) (مضمون: در قرن‌های گذشته به بلا امرالهی را رشد دادیم؛ (لهذا) به زودی امرالله را از افق عظمت، با قدرت و غلبه، درخشان و تابان خواهی یافت.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۳) « اتفاق کلّ و اتحاد عموم ممکن الحصول و این اسباب، از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است... اینست که ملاحظه می‌نمایی در هر روزی معجزه جدیدی می‌نماید و عاقبت در انجمن عالم شمع‌های روشنی برافروزد و مانند بارقه صبح، این نورانیت عظیمه (امرالهی)، آثارش از افق عالم نمودار گشته.» (حضرت عبدالبهاء، نقل در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳-توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)
- (۴) « عنقریب این ابرهای تاریک متلاشی گردد و شمس حقیقت به کمال عظمت درخشنده و تابان شود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۰۰)
- (۵) « بگذرد این روزگار و منتهی شود و ساکن شود این غبار و متلاشی شود این ابر تاریک و شمس حقیقت در دایره نصف النهار عاقبت بدرخشد بر اقالیم.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۱۶۰)
- (۶) « این آثار (آثار عظمت امرالهی) روزبه‌روز ظاهر و آشکار شود و این انوار یوماً فیوماً بتابد و این نفعه مشکبار آناً فاناً بر اقطار عنبربار گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۳۰)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

- (۷) « ثبات و استقامت یاران تاثیری عظیم و نفوذی شدید در وقایع حالیه و کیفیت... اعلان شریعت سماویّه، دارد.» (حضرت ولیّ امرالله، امر و خلق، ص ۴۸۲)

۸ « عنقریب به حول الله ربنا البهیّ الابهی و طبقاً لما وصّانا و اخبرنا به مولانا و محبوبنا عبدالبهاء روح الوجود لمرقده الفداء، عروس آمال دیرینه اهل بهاء کشف نقاب نماید و از خلوتخانه امید قدم به عرصه شهود گذارد و جلوه‌ای حیرت‌انگیز در جامعه مشرقیان و مغربیان نماید و عزت قدیمه موعوده را علی رئوس الاشهاد و رغما لآنف کل حاسد لدود و مکذب عنود، هویدا و آشکار سازد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۳۰) (مضمون عبارات عربی: به کمک خداوند، پروردگار بهیّ ابهای ما و مطابق آنچه مولا و محبوبمان، حضرت عبدالبها، روح وجود فدای مرقش باد، وصیت فرمود و خبر داد... در برابر دیدگان مردمان و به عنوان تنبیهی برای هر حسود کینه توز و کذاب ستمگری)

۹ « در سنین آتیّه این دور بهایی... هیکل امرالله در انجمن بنی آدم جلوه‌ای محیرالعقول نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۱۰ « امر حضرت بهاءالله اکنون که در آستانه ششمین دهه حیاتش قرار داشت... ظرفیت و استطاعت خود را ارائه و اثبات نموده بود؛ ظرفیت این که، به نحوی فسادناپذیر و غیرقابل انشقاق در امتداد خطوطی که بنیان گذارش برایش ترسیم کرده بود، به پیش برود؛ و استطاعت این که، علائم و آثار آن قوه قدسی و روح ملکوتی را که آن حضرت چنان سخاوتمندانه به پیکرش بخشیده بود، در مقابل دیدگان نسل‌های متوالی بشری ظاهر نماید.» (مرور معبود، ص ۳۰۹)

۱۱ « چه بسیار امور که در ازمنه سابقه از مقوله ممتنع (ناشدنی‌ها) شمرده می‌شد... حال ملاحظه می‌نماییم که بسیار سهل و آسان گشته؛ و این امر اعظم اقوم که فی الحقیقه آفتاب انور جهان مدنیّت و سبب فوز و فلاح و راحت و نجات کلّ است، از چه جهت ممتنع و محال فرض شود؟ و لابدّ بر اینست که عاقبت شاهد این سعادت، در انجمن عالم جلوه‌گر گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۲- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۱۲ « در آینده... آیین بهایی نه فقط به عنوان یک نظام دینی، بلکه به صورت دین رسمی یک کشور مستقل شناخته خواهد شد.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در کتاب مستطاب اقدس، یادداشت ۴۹)

۱۳ « زود است عظمت و حقیقت و عزت این امرالهی بر غافلان ارض ثابت و مشهود گردد. اذا یفرح المؤمنون.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۸۶) (مضمون عبارت عربی: آنگاه مؤمنان شادی خواهند کرد.)

۱۴ « صبر و تحمّل و ثبات و شکیبایی لازم تا آنچه در این کور اعظم مکنون و مستور است، به اشدّ اشراق در قطب آفاق ظاهر و عیان گردد و چنان صیت شوکت و عظمت این آیین بهایی شرق و غرب را

احاطه نماید که زلزله بر ارکان اعدای جهول و ظلم اندازد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۵۸)

۱۵ « در شرق و غرب عالم پیروان اسم اعظم به تمهید سبیل و تأسیس مدنیته بی مثیل مشغول... سنریم آیاتنا فی الآفاق^۱ و سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون^۲ » (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، نوروز ۱۹۸۶) (مضمون بخش عربی: به زودی نشانه‌های خود را در افق‌ها به ایشان خواهیم نمود و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه بازخواهند گشت.)

۱۶ « ما هنوز نمی‌توانیم نقشی را که مقدر است امر مبارک در حیات جامعه ایفا نماید ارزیابی نماییم. باید منتظر مَضی (گذشت) زمان بود... لکن مآلاً... امر حضرت بهاءالله در نهایت جلال و عظمت، خود را ظاهر و بارز خواهد ساخت.» (از جانب حضرت ولی امرالله، ۱۰ اکتبر ۱۹۳۲، مجموعه اهمیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۲۲)

۱۷ « بر اساس این اصول تشکیلاتی خداداده است که... (در آینده) اقتدار شکست‌ناپذیر امر بهایی استوار می‌گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۶-توقیع ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۱۸ « صیت عظمت و اقتدار و قهاریت و غلبه ظاهره و سیطره محیطه‌اش (امرالله) جهان‌گیر گردد و وعده غصن برومند بهاء... در تفسیر آیه کریمه سفر حضرت دانیال... تحقق پذیرد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۲۷)

۱۹ « تجلیات امر مظفر و منصور الهی، در نهایت قدرت و عظمت، تمامی کره ارض را اشباع و احاطه خواهد نمود.» (حضرت ولی امرالله- مندرج در پیام رضوان ۲۰۱۱)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۰ « ترقی مداوم امرالله و تقدّم آن... بشارت نصرت غایی آیین یزدانی دهد.» (پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۷۴)

۲۱ « نتایجش و اثراتش (مربوط به مهاجمه جهانی علیه امرالله) زلزله به ارکان جهان اندازد و عالمی را حیران سازد و امرالله را علی رؤس الاشهاد اعلان نماید و مصداق "جندُ هنا لک مهزومٌ من الاحزاب" را و "نُرید ان نمّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمةً و نجعلهم الوارثین"^۳ را ظاهر و آشکار سازد.» [حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۳ بدیع (۱۹۷۸)] (مضمون آیات عربی: " سپاهیانی از احزاب در

^۱ سوره فصلت، آیه ۵۳.

^۲ سوره شعراء، آیه ۲۲۷.

^۳ به مبحث ۲، فقره ۷۶ مراجعه شود.

^۴ سوره قصص، آیه ۵.

آنجا پراکنده و فراری است" و "اراده می نمایم برکسانی که در زمین ضعیف داشته شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم." (۲۲)

« به فرموده مولای عزیز (حضرت ولی امرالله) "ید غیبی در کار است و انقلابات^۱ ارض مقدمه اعلان شریعت پروردگار." (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، خطاب به بهاییان ساکن ممالک خارجه)

« چنین مقدر است که انوار این ظهور اعظم کلیه میادین تلاش بشری را منور سازد.» (بیت العدل اعظم، پیام رضوان ۲۰۱۲)

۱۱۰. ارتقاء مقام و منزلت زنان (۲۱)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « چنانچه مساوات حقوق بین نساء و رجال در جمیع عالم تحقق یابد، شبهه‌ای نیست که دنیا از شرّ جنگ آسوده می شود، زیرا آن وقت نساء به هیچ وجه راضی به حرب نمی شوند.» (پیام آسمانی ۲، ص ۲۷۸)
- (۲) « چون نسوان کاملاً در امور این جهان سهم گردند و با مردان تساوی و برابری حاصل کنند، جنگ موقوف شود؛ زیرا مانع و رادع جنگ نسوان خواهند بود؛ در این شک و تردید نیست.» (پیام آسمانی ۲، ص ۲۷۸)
- (۳) « (زنان) عنقریب سبب عزت ملک و مملکت شوند و دشمن جنگ گردند؛ نغمه مساوات بسرایند.» (پیام آسمانی ۲، ص ۲۷۷)
- (۴) « عصر جدید بیشتر با عواطف و نوایای زنان آمیخته است تا با صلابت مردان؛ یا اگر بخواهیم روشن تر و صحیح تر بگوییم، عصری خواهد بود که در آن، دو عنصر مرد و زن در ایجاد تعادل و هماهنگی در مدنیت به طور یکسان مؤثر خواهند بود.» (ترجمه) (حضرت عبدالبهاء، پیام آسمانی ۲، ص ۱۷۲)
- (۵) « قوه نافذه کلمه الله در این دور جدید نساء را هم عنان رجال فرموده و در میدان امتحان گوی از میدان می ربایند.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۶۸)
- (۶) « نساء و رجال در دور حضرت بهاء الله عنان به عنان می روند؛ در هیچ موردی نساء عقب نمی مانند. حقوقشان با رجال متساوی است. در جمیع شعبه‌های اداره هیأت اجتماعیه داخل خواهند شد؛

^۱ به میحث ۱۰۰ رجوع شود.

به درجه‌ای خواهد رسید که به نهایت مرتبه عالم انسانی در جمیع امور صعود خواهند نمود. مطمئن باشید؛ نظر به حال ننمایید؛ در آینده عالم نساء تابنده و درخشنده گردد؛ زیرا اراده حضرت بهاءالله چنین قرار گرفته است.» (مجموعه پیام آسمانی ۲، ص ۱۷)

۷ « اماء الرحمن... عنقریب مانند طيور ملاء اعلى در اطراف و اکناف دنیا به پرواز در آیند و هر نفسی را هدایت کنند و محرم راز گردانند.» (مجموعه پیام آسمانی ۲، ص ۱۷)

۸ « در اندک زمانی نساء حکم رجال یابند و سرخیل عالمیان گردند؛ لسان فصیح بگشایند و بیان بلیغ نمایند و در جمیع آفاق چون سرج هدی جلوه نمایند.» (مجموعه پیام آسمانی، ص ۱۷)

۹ « زنان مصر چون جمال یوسفی مشاهده نمودند از شدت وله انگشتان خویش بریدند و "ما هذا بشر، ان هذا الا ملك كريم" گفتند و همچنین نفوس غافله عنقریب بیدار شوند و هوشیار گردند و یاران و اماء رحمان را کلمه تحسین بر زبان رانند و غبطه عبودیت ایشان خورند و آرزوی خدمت آنان کنند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالههء، فقره ۲۱۰) (مضمون عبارت قرآنی: این انسان نیست، بلکه فرشته‌ای با کرامت است.)

۱۰ « الطاف جمال قدم در این کور در حق اماء الرحمن عظیم است، عظیم.» (مکاتیب عبدالههء، ص ۱۷۷)

۱۱ « در این کور بدیع نساء هم‌عنان رجالند؛ بلکه در بعضی موارد سبقت گیرند.» (مکاتیب عبدالههء، ص ۸۰)

۱۲ « در این کور اعظم نسایی قیام نمایند که غبطه مردان گردند و رشک رستم دستان؛ پای استقامتی محکم و استوار نمایند که نام هر نامداری از دفتر آفاق محو کنند؛ یعنی به نطقی فصیح و ثنایی بلیغ و جنانی قوی (روحی نیرومند) و قدمی راسخ و دلی ثابت و بیانی واضح و تبیینی لائح، در ظل کلمه الهیه محشور گردند.» (مکاتیب عبدالههء، ص ۱۴۱- نیز منقول در مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰، ص ۱۰۱)

۱۳ « عنقریب ملاحظه می‌نمایید که بین نساء، نفوسی چنان منجذب مبعوث شوند که سبب حیرت گردند؛ شمع روشن شوند و ناطق به حجج و برهان رب ذوالمنن گردند.» (حضرت عبدالههء، مندرج در تویق ۱۱۱ بدیع، مجموعه تویقات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۲-۵۸۱)

۱۴ « ای امة الله، از فضل و جود حضرت مقصود و سلطان غیب و شهود امیدوارم که نسایی مبعوث فرماید که آیات باهره این ظهور اعظم و رایات شاهره (پرچم‌های افراشته) بین امم باشند؛ در اخلاق و

^۱ سورة یوسف، آیه ۳۱.

اطوار و احوال جوهر تقدیس کردند و در شئون محبت الله شعله شریانگیز؛ در ذکر و بیان دریای بی پایان شوند و در جوهر تیبان لسان فصیح و بلیغ گشایند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۶، ص ۱۶)

۱۵ « در این دور بدیع نسائی از مرقد غفلت منبعث گشتند و چنان در این میدان جولان نمودند که گوی سبقت و پیشی را از مردان ربودند و عنقریب در این زنان، مرد میدان بسیار ظهور خواهد یافت که به لسانی ناطق و قلبی فارغ و بیانی فائق و برهانی ساطع، در عالم انسان جلوه نمایند و به عصمت کبری و عفت عظمی ظاهر و باهر گردند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۲۴)

۱۶ « ای امه موقنه، در ظل جمال قدیم و نبأ عظیم ایمانی تربیت کردند و نشو و نما نمایند که هر یک به لسانی صفت ستایش او نمایند و در جهان آفرینش چنان طلوع و جلوه نمایند که ذکر نساء اوائل را منسوخ نمایند؛ آن اماء فی الحقیقه ورقات سدره منتهی گردند، چه که در کمال نضارت و فصاحت و بلاغت مبعوث گردند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۷)

۱۷ « ای امه الله، ای ورقه موقنه، در این قرن عظیم و عصر بدیع و کور جمال قدم روحی لاجبائیه الفداء، ایمانی مبعوث گردند که حجبات اهل امکان را به قوه برهان عظیم بردرند و چنان قدم ثبوت و رسوخ بنمایند که جبال راسیات (منظور صاحبان مقام و منصب بلند است) حیران مانند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۴۱)

۱۸ « در این ظهور ابهایی زنان دوش به دوش مردان حرکت خواهند کرد. در هیچ زمینه‌ای عقب نخواهند ماند... در تمام شاخه‌های سیاست وارد خواهند شد. به عالی‌ترین مقامات عالم انسانی واصل خواهند گشت و در همه امور جامعه مداخله خواهند کرد. مطمئن باشید. به اوضاع کنونی ناظر نباشید؛ در آینده‌ای نه چندان دور، دنیای نساء تابان و درخشان خواهد شد؛ زیرا حضرت بهاء الله چنین اراده فرموده است... ورود زنان در تمامی عرصه‌های حیات انسانی قطعی و برگشت ناپذیر خواهد بود؛ هیچ کسی نمی‌تواند آن را به تعویق اندازد یا از آن ممانعت کند.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۸ آگوست ۱۹۱۳)

۱۹ « وقتی زنان متناسب با شرایط زمان و مکان و متکی به ظرفیت عظیم خود، به عالی‌ترین مدارج پیشرفت نایل شوند، مزایای استثنایی کسب خواهند کرد. از این بابت مطمئن باشید. حضرت بهاء الله مقام و موقف زنان را بسیار تقویت فرمود و حقوق و مزایای زنان یکی از مهم‌ترین اصول اندیشه عبدالبهاء است. یقین داشته باشید که به زودی ایامی خواهد آمد که مردان زنان را مخاطب سازند و بگویند "مرحبا به شما، مرحبا به شما، به راستی شما شایسته هر پاداشی هستید؛ حقیقتاً شما مستحق آنید که سرهایتان را به تاج عزت ابدی بیارایید؛ زیرا در علوم و هنرها، در فضایل و کمالات هم طراز مردانید و در رقت قلب و مهربانی و وسعت بذل و همدردی افضل از آنان.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۸ آگوست ۱۹۱۳)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۲۰) « به مرور ایام چون امر حجاب به تدریج و به حسب حکمت الهیه تخفیف یابد و از میان رود؛ نساء و رجال هر دو در انتخاب و عضویت محافل روحانی شریک و سهیم و معاون یکدیگر گردند. همچو یوم فیروز مبارکی خواهد رسید و اماء الرحمن در انجمن یاران ظهور و بروزی عجیب نمایند.» (حضرت ولیّ امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۶۷)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۲۱) « انکار مساوات میان زن و مرد، هیچ مجوز اخلاقی و عملی یا طبیعی ندارد و فقط زمانی که زنان در جمیع مساعی بشری سهمی کامل و متساوی داشته باشند، از لحاظ اخلاقی و روانی، جوّ مساعدی خلق خواهد شد که در آن، صبح صلح جهانی^۱ پدیدار گردد.» (رساله و عده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۱۷)

۱۱۱. سرور و نشاط مؤمنان (۲)

(الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « سوف یظهر الله فی الارض ما تفرح به قلوب الموحّدين.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۱۱۶، ص ۱۷۶) (مضمون: به زودی خداوند در زمین چیزی ظاهر خواهد کرد که قلوب یکتاپرستان را شادمان کند.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « دهقان حقیقی کشت خویش را آبیاری فرماید و عنقریب مظهر کزّرع اخرج شطاه فاستغلاظ و استوی علی سوقه یعجب الزّراع لیغیظ به الکفار^۲ فرماید. آن دم، یاران الهی همدم شادمانی ابدی گردند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۲۳۸) (مضمون عبارت عربی: مانند کشتزاری که خوشه کرد و خوشه هایش رسید و بر ساقه اش برنشست، و دهقانان را شگفت زده کرد تا از انبوهی آنها خداوند کافران را به خشم آورد.)

^۱ به مباحث ۱۰۶ و ۱۱۷ و ۱۳۳ مراجعه شود.

^۲ سوره الفتح، آیه ۲۹.

۱۱۲. اندوه و اضطراب معاندان (۳)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « سوف يجدن المخلصون آيات نصره ربهم الرحمن و يضطرب بها الذينهم مشركون. » (آثار قلم اعلى ۱، فقرة ۱۹۶، ص ۲۵۶) (مضمون: به زودی خالصان نشانه‌های پیروزی پروردگار بخشنده خود را خواهند دید، چیزی که مشرکان از آن مضطرب و ترسان خواهند شد.)

(۲) « طوبى ليوم فيه تُنصبُ آيات الاسماء فى ملكوت الانشاء باسمى الابهى؛ يومئذ... ينوح المشركون. » (كتاب اقدس، بند ۹۴) (برای مضمون به فقرة دوم از مبحث قبلى مراجعه شود.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۳) « دهقان حقیقی کشت خویش را آبیاری فرماید و عنقریب مظهر کزخ اخرج شطاه فاستغلظ و استوى على سوقه يعجب الزراع ليغيط به الكفار فرماید. آن دم... غافلان مبتلای حسرت سرمدی (شوند). » (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقرة ۲۳۸) (مضمون: مانند کشتزاری که خوشه کرد و خوشه‌هایش رسید و بر ساقه‌اش برنشست، و دهقانان را شگفت زده کرد تا از انبوهی آن‌ها خداوند کافران را به خشم آورد.)

۱۱۳. اقبال افواج مؤمنین (۲۷)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « قُلْ يَا مَلَأَ الْأَشْقِيَا فَسَوْفَ يَرْفَعُ أَمْرُ اللَّهِ بِالْحَقِّ وَتَنعَدِمُ رَايَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَيَدْخُلُونَ النَّاسَ فِي دِينِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمُتَعَالِي الْقَدِيمِ. » (لئالى الحكمة ۳، فقرة ۲)

(۲) « قل اذ جاء النصر كل يدعون الايمان و يدخلون فى امرالله. » (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقرة ۱۵۰) (مضمون: بگو هنگامی که یاری برسد، همگان ادعای ایمان خواهند کرد و در امرالهی وارد خواهند شد.)

(۳) « لو علم الناس ما وراء الختام من رحیق رحمة ربهم العزيز العلام، لنبدوا الملام و استرضوا عن الغلام (جمال مبارک) و اما الآن حجبوني بحجاب الظلام الذى نسجوه بأیدی الظنون و الأوهام. سوف تشق اليد البيضاء جيلاً لهذه الليلة الدلماء و يفتح الله لمدينته باباً رتاجا، يومئذ يدخل فيها الناس افواجا و

يقولون ما قالته اللآئمت من قبل ليظهر في الغايات ما بدا في البدايات.» (نداء رب الجنود، لوح سلطان، بند ۲۷۰- امروخلق ۴، ص ۴۷۴- الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۱۹۸) (مضمون: اگر مردمان می دانستند در آن سوی آخرت چه شراب پاکیزه از رحمت پروردگار توانای دانایشان موجود است، قطعاً از ملامت دست می کشیدند و در صدد جلب رضایت این غلام بر می آمدند. اما هم اکنون آنان مرا در حجابی که به دست های ظنون و اوهام تنیده اند، پنهان کرده اند. به زودی دست سپیدوش الهی شکافی در این شبکه تاریک ایجاد خواهد کرد و خداوند برای شهر خود دروازه بسته را باز خواهد نمود و مردمان فوج فوج در آن داخل خواهند شد و بر زبان خواهند آورد آنچه را که زنان نکوهش گر از پیش گفته اند (یعنی با یاد سخن آنان به حالشان تأسف خواهند خورد) تا در نهایت آشکار آید آنچه که در بدایت مقدر شده است.]

۴ « عنقریب از جمیع اقطار عالم ندای بلی بلی و لیبک لیبک مرتفع خواهد شد؛ چه که مفری از برای احدی نبوده و نیست.» (جمال ابهی، مندرج در کتاب دور بهایی، ص ۲۶- ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۳۸- مندرج در توفیق ۱۱۱ بدیع، مجموعه توفیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۵)

۵ « سوف ترون الكل مقبلین الی الله و باکین علی ما فات عنهم فی ایامه، إنه لهو المهیمن العلیم.» (جمال ابهی، نقل در توفیق ۱۱۱ بدیع، مجموعه توفیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶) (مضمون: به زودی کل را مقبل به سوی خداوند و گریان از آنچه در ایام او از دست دادند، خواهید دید. او فراگیرنده و داننده است.)

۶ « جمیع عالم به انوار نیر اعظم فائز گردد و در یک مدینه وارد شوند و بر یک سریر جالس. این مظلوم از اول ایام الی حین مقصودی جز آنچه ذکر شد نداشته و ندارد.» (منتخبات آثار حضرت بهاء الله، فقره ۱۱۱)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۷ « الحمد لله تعالیم جمال مبارک در جمیع آفاق در ترویج است؛ ایران را به هیجان آرد. عنقریب ملاحظه می نماید که آیه مبارکه و یدخلون فی دین الله افواجا تحقق یافته.» (ع، مجموعه یاران پارسی، بند ۵۹۷، ص ۴۱۸)

۸ « حضرت مسیح حین صعود در ظلش نفوسی معدوده بود؛ با وجود این، صیتش جهانگیر گشت و آوازه اش به فلک اثیر رسید؛ اما جمال قدم روحی لاجبائه الفداء، حین صعود مات و الوف (صدها و

^۱ اشاره به آیات سوره یوسف است.

هزارها نفر) در ظلّ رایت عظمتش محشور؛ دیگر معلوم است که در استقبال چه قیامتی برپا خواهد شد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۳۸۵)

۹ « نزدیک است که حقیقت و تری الناس یدخلون فی دین الله افواجا در ایران تحقّق یابد؛ ولی باید که احبای روحانی به خلق و خوی رحمانی رفتار و کردار نمایند تا نفعه مشکبار موهبت الهیه مشام آفاق را معطر نمایند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۶۱۶)

۱۰ « در این ایام استعداد عجیبی در ایران و سایر جهان حاصل. وقت را باید غنیمت شمرد، فرصت هدر نداد. لهذا باید ایادی امرالله جمیع اوقات را صرف تبلیغ نمایند. عنقریب نصرت ملکوت فوق مأمول (بالا تر از حدّ انتظار)، ظاهر گردد و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا^۱ تحقّق یابد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۶۲۰)

۱۱ « با وجود این همه سفک دماء مطهر و بلا یای متابعه و تعرضات مترادفه در ازمنه سالفه، شمع رحمانی روشن تر شد و پرتو شمس حقیقت شدیدتر گردید... عنقریب ملاحظه خواهید نمود که فوج فوج مانند موج به ساحل نجات توجه نمایند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، ص ۶۷)

۱۲ « یا امة الله، انّ الأمر عظیم عظیم؛ یدخلون فیہ افواجا افواجا.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، بند ۶۱۸، ص ۵۱۹) (مضمون: ای کنیز الهی، امر عظیم است، عظیم؛ و افواج انسانی در آن داخل خواهند شد.)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۱۳ « اهل بهاء می دانند که... مردمان فوج فوج در امر یزدان وارد خواهند شد و اوضاع عالم به کلی دگرگون خواهد گشت.» (ترجمه) (۵ اکتبر ۱۹۵۳، مجموعه دخول افواج مقبلین)

۱۴ « احبّاء... عاقبت را خیر محض دانند... و اقبال جهانیان را که قلم اعلیٰ به آن بشارت داده، مؤکّد و محتوم شمرند.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۵۲)

۱۵ « چون یوم موعود در رسد و ندای بهاییان اوج گیرد و علم یابهاء الابهی بر اعلیٰ قتل عالم موج زند و "یدخلون فی دین الله افواجا" تحقّق پذیرد، باید امنای محافل روحانیه که در رتبه اولیٰ، حامی و حارس و نگهبان امراللهند، به دقت نظر و حدّت بصر و تفرّس تام، در مقاصد و مآرب مقبلان تدقیق نمایند و مخلص را از مغرض تمیز دهند و بشناسند.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۲۳، توقیع مورخ ژانویه ۱۹۲۹)

^۱سوره نصر، آیه ۲.

۱۶ « عنقریب فوج فوج در جنوب و شمال و شرق و غرب عالم به این نور مبین (دین الهی) اقبال نمایند.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۴۹- مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۸۸)

۱۷ « این تقویت (هدایت نفوس جدید به شریعه ایمان و الحاق آنان به سپاه رب الجنود) بعلاوه، از فرارسیدن روزی خبر می دهد و حلول روزی را تسریع می کند که چنان که حضرت عبدالبهاء پیش بینی فرموده اند، فوج فوج نفوسی از ملل و اجناس مختلفه وارد امر مبارک گردند.» (حضرت ولی امرالله، حصین شریعت الله، ص ۱۵۴)

۱۸ « وعده ای که سالیانی پیش قائد جنود این امر اعظم (حضرت عبدالبهاء) پیش بینی نموده است (منظور دخول افواج است)، محقق خواهد گشت.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، آوریل ۱۹۵۶، مجموعه دخول افواج مقبلین)

۱۹ « هم اکنون می توان در دیارهای دوردست، علائم آگاهی بخشی را مشاهده نمود که نزدیک شدن یومی را بشارت می دهند که در آن، افواج انسانی به امریزدانی وارد خواهند شد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، آوریل ۱۹۵۶، مجموعه دخول افواج مقبلین)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۰ « در بسیاری از ممالک آثار اولیّه تحقق «و یدخلون فی دین الله افواجا» که در آثار حضرت عبدالبهاء موعود و اشتیاق ظهور آن وعد کریم در قلب ممرّد اصفایش موجود، ظاهر و نمایان شد.» (پیام آوریل ۱۹۶۴)

۲۱ « آمادگی روز افزون مردم جهان به پذیرفتن پیام حضرت بهاءالله، ما را مطمئن می سازد که دخول افواج مقبلین به شریعه حضرت رب العالمین به زودی در ممالک مختلفه یکی پس از دیگری، تحقق خواهد یافت.» (پیام ۹ نوامبر ۱۹۹۳- جزوه دست خط های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۴۸)

۲۲ « هر کس این بیانات مبارکه (مجموعه ای از منتخبات نصوص مبارکه تحت عنوان "موجبات تحقق یدخلون فی دین الله افواجا") را زیارت نماید، متوجه خواهد شد که دخول افواج مقبلین تنها یک مرحله از پیشرفت امر نیست که وابسته به پذیرش جامعه به صورت کلی بوده و مقدر باشد که در میقات معین تحقق یابد؛ بلکه پدیده ای است، که جوامع بهایی می توانند در اثر مساعی و مجهودات خود آن را آماده و به منصفه ظهور رسانند و جریانی است که به محض شروع می توان آن را ادامه داد.» (پیام ۹ نوامبر ۱۹۹۳)

۲۳ « همه یاران باید بدانند که دخول افواج مقبلین مرحله حتمی الوقوعی از پیشرفت امر الهی است.» [پیام رضوان ۱۵۳ بدیع (۱۹۹۶)، خطاب به پیروان اسم اعظم در اروپا]

۲۴) « مطابق وعده نصرت و ظفری که اراده الهیه به آن مظهر احدیه (موعود جمیع قرون و اعصار= حضرت بهاءالله) عطا کرده بود، به شهادت قلم اعلایش "اعلام نصر" از ورودش به عکا استقبال نمودند و (آنگاه) "ناد المناد: فسوف... یدخل الناس فی ظلّ هذه الاعلام." مرحله نوین پراهمیتی در مسیر تحقق نهایی آن وعده عظیم، در اجتماع کنونی شما (اعضای محافل روحانی ملی حاضر در هشتمین کانونشن بین المللی بهایی) آشکار است.» (۲ می ۱۹۹۸) (مضمون بخش عربی: منادی ندا سرداد... که به زودی مردمان در سایه این علم‌ها وارد خواهند شد.)

۲۵) « چون یاران روحانی و برادران و خواهران افغانی در ظلّ نمو سیستماتیک، رشد و ترقی نمایند؛ با زمینه مساعدی که حوادث روزگار در آن دیار فراهم کرده، بالمآل موفق خواهند شد که وعده دخول افواج را در ظلّ اسم اعظم تحقق بخشند.» (پیام ۳۰ می ۲۰۰۲)

۲۶) « تردیدی نیست که آنچه مشاهده می کنیم شدت یافتن جریانی است که منجر به اقبال افواج مردم به امرالهی می گردد و حضرت بهاءالله در لوح سلطان ایران آن را پیش بینی فرموده و حضرت عبدالبهاء مشتاقانه بدان وعده داده و حضرت ولی امرالله آن را به عنوان مقدمه لازم برای اقبال جماعات عظیم^۱ توصیف فرموده اند.» (پیام ۱۷ ژانویه ۲۰۰۳)

۲۷) « در این مقام، یادآوری وعده محکمه الهیه که از قلم مبارک جمال اقدس ابهی در اشاره به توضیقات وارده بر نفس مظهر ظهورالهی نازل شده، روح روان را به وجد و طرب می آورد که می فرمایند: " و اما الان حجّوبنی بحجاب الظلام الذی نسجوه بایدی الظنون و الاوهام. سوف تشقّ ید البیضاء حیاً لهذه اللیلة الدلماء و یفتح الله لمدیته باباً رتاجاً یومئذ یدخلون فیها الناس افواجاً و یقولون ما قالته الاثمات من قبل لیظهر فی الغایات ما بدأ فی البدایات." (پیام ۲۹ جون ۲۰۰۶) (برای آگاهی از مضمون بخش عربی، به فقره ۲ از همین مبحث رجوع شود.)

۱۱۴. حمایت مؤسّسات جامعه انسانی (۱)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

^۱ بر اساس این بیان مبارک دو جریان "اقبال افواج" و "اقبال جماعات عظیم" یا "اقبال دسته جمعی" متفاوت از یکدیگرند و در ازمنه متفاوت رخ خواهند داد. در مورد فرایند دوم به مبحث ۱۱۶ مراجعه شود.

(۱) « رسالت حضرت بهاءالله فقط محدود به بنای جامعه بهایی نیست؛ بلکه ظهور الهی برای جمیع عالم انسانی است و دیر یا زود، حمایت مؤسّسات جامعه انسانی را به خود جلب خواهد کرد.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۹۵)

۱۱۵. ظهور ملوک حامی (۱۶)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- (۱) « یا ارض الطّاء... لویشاء یبارک سریرک بالذی یحکم بالعدل ویجمع اغنام الّتی تفرقت من الذّئاب. إنه یواجه اهل البهائ بالفرح والانبساط. ألا انه من جوهر الخلق لدى الحق. علیه بهاءالله و بهاء من فی ملکوت الامر فی کلّ حین.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۹۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۵۶) [مضمون: ای طهران،... اگر او (خداوند) بخواهد سریر (سلطنت) تو را به کسی زینت خواهد داد که به عدالت حکومت کند؛ کسی که گوسپندان خداوند را که به دست گرگ‌ها پراکنده شده‌اند، جمع خواهد کرد و با اهل بهاء با فرح و انبساط مواجه خواهد شد. در نظر خداوند او همچون مرواریدی است میان مردم. همواره بر او باد بهاء خداوند و بهاء همه کسانی که در ملکوت امر هستند.]
- (۲) « هر یک از حضرات ملوک وفقهم الله بر حفظ این حزب مظلوم قیام فرماید و اعانت نماید، باید کلّ در محبت و خدمت به او از یکدیگر سبقت گیرند. این فقره فرض است بر کلّ، طوبی للعاملین.» (لوح بشارات، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۱)
- (۳) « طوبی لملک ما منعه الملک عن مالکة و اقبل الی الله بقلبه، انه ممنّ فاز بما اراد الله العزيز الحکیم. سوف یری نفسه من ملوک ممالک الملکوت. ان ربک لهو المقتدر علی ما یشاء یعطى من یشاء ما یشاء و یمنع عمّن یشاء ما اراد، انه لهو المقتدر القدير.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره ۱، ص ۲۲) (مضمون: خوشا به حال سلطانی که مملک او را از مالکش باز ندارد و به قلبش به خداوند اقبال نماید. او در زمره کسانی خواهد بود که به آنچه اراده خداوند عزیز حکیم است فائز شده است. او به زودی خود را از سلاطین ممالک ملکوت خواهد دید. همانا پروردگارت بر هر چیزی که بخواهد توانا است؛ هر چه را بخواهد به هر کس که بخواهد می‌بخشد و هر چه را که اراده کند از هر کس که مایل باشد باز می‌دارد، او مقتدر و توانا است.)

(۴) « سوف یبعث الله من الملوک من یعین اولیائه. انه علی کلّ شیء محیط... هذا حتم من لدن عزیز جمیل.» [مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۹۵- آثار قلم اعلى ۱، فقره ۳، ص ۴۶، لوح رئیس- نداء

ربّ الجنود، بند ۲۱- منقول در توقیع منیع "روز موعود فرارسید" (انگلیسی)، ص ۷۵- الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۲۱۶] (مضمون: به زودی خداوند از ملوک، کسی را بر خواهد انگیخت که اولیائش را اعانت کند. همانا او بر هر چیزی تواناست... این امری حتمی از نزد خداوند عزیز و جمیل است.)

(۵) « ان یا معشر الملوک زینوا رؤسکم باکالیل العدل لیستضیی من انوارها اقطار البلاد، کذلک نأمرکم فضلاً من لدنا علیکم یا معشر السلاطین. فسوف یظهر الله فی الارض ملوکاً یتکئون علی نمارق العدل و یحکمون بین الناس کما یحکمون علی انفسهم. اولئک من خیرة خلقی بین الخلاق اجمعین.» [آثار قلم اعلی ۴، ص ۸۸- لوح رضوان العدل- بخش دوم بیان مبارک منقول در توقیع منیع "روز موعود فرارسید" (انگلیسی)، ص ۷۶] (مضمون: ای پادشاهان، سرهای خود را به تاج‌های عدل زینت دهید تا اطراف ملک به انوارش روشن گردد. ای گروه پادشاهان، این گونه به نشانه فضل خود بر شما، فرمانتان می‌دهیم. به زودی خداوند در زمین ملوکی ظاهر خواهد کرد که بر پستی‌های عدالت تکیه زنند و میان مردمان همان‌گونه که بر خود حکم می‌رانند، حکم کنند؛ اینان از برگزیده‌ترین خلق من هستند میان مردمان.»

(۶) « طوبی لِمَلِکٍ قام علی نصره امری فی مملکتی و انقطع عن سِوایی انه من اصحابِ السّفینة الحمراء الّتی جعلها الله لاهل البهاء ینبغی لکلّ ان یُعزّزه و یؤقّروه و ینصروه لیفتح المدن بمفاتیح اسمی المهیمن علی من فی ممالک الغیب و الشّهود انه بمنزلة البصر للبشر و الغرّة الغرّاء لجبین الانشاء و رأس الکرّم لجسد العالم؛ أنصروه یا اهل البهاء بالأموال و النفوس.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۸۴- منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۰۵) [مضمون (با توجه به ترجمه انگلیسی بیان مبارک): چه عظیم است تبرگی که در انتظار سلطانی است که در ملکوت من، به یاری امرم قیام خواهد کرد و خود را از همه چیز جز من منقطع خواهد ساخت. چنین سلطانی از اصحاب سفینه حمراء محسوب است؛ سفینه‌ای که خداوند برای اهل بهاء مقرر داشته است. همه باید نام او را بزرگ دارند، مقامش را محترم شمرند و یاریش دهند تا شهرها را با کلید نام من بگشاید؛ نامی که حامی همه ساکنان غیب و شهود است. چنین سلطانی مردمک دیده بشریت، و زینت درخشان بر پیشانی هستی، و سرچشمه برکت برای عالم خلقت است. ای خلق بهاء، برای یاری رساندن به او، نه فقط اموالتان، بلکه جان‌هایتان را هم نثار کنید.]

(۷) « امید هست که یکی از ملوک لوجه الله، بر نصرت این حزب مظلوم قیام نماید و به ذکر ابدی و ثنای سرمدی فائز شود.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۰۲)

۸) « فسوف يبعث الله من الملوك من ينصر أمره، و أنه على كل شيء قدير. » (جمال ابهی، امر و خلق ۴، ص ۴۸۱) (مضمون: به زودی خداوند از ملوک، کسی را بر خواهد انگیخت که امرش را یاری کند و همانا او بر هر چیزی توانا است.)

۹) « يا ارض الطاء... لو يشاء (الله) يُباركُ سريرك بالذي يحكم بالعدل و يجمع اغنام الله التي تفرقت من الذئب. انه يواجه اهل البهاء بالفرح و الانبساط؛ ألا انه من جوهر الخلق لدى الحق. عليه بهاء الله و بهاء من في ملكوت الامر و الخلق. » (کتاب اقدس، بند ۹۱) (مضمون: ای سرزمین طهران... اگر خدا بخواهد تخت سلطنت تو را به کسی زینت خواهد داد که به عدالت حکومت کند؛ کسی که گوسپندان خدا را که به دست گرگان پراکنده شده اند جمع خواهد کرد. او با اهل بهاء با فرح و انبساط مواجه خواهد شد. آگاه باشید که او از جواهر خلق است نزد حق. بر او باد بهاء خداوند و بهاء هر کس که در ملکوت امر و خلق است.)

۱۰) « از حق جلّ جلاله سائل و آمل که حضرات ملوک و سلاطین را که مظاهر قدرت و مطالع عزتند تأیید فرماید بر اجراء اوامر و احکامش؛ انه هو المقتدر القدير وبالاجابة جدير. » (لوح بشارات، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۵) (مضمون عبارت عربی: همانا او مقتدر و توانا و بر قبول و پذیرش لایق است.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱۱) « عاقبت... سریر سلطنت کبری در نهایت شوکت استقرار جوید و آفاق ایران به نورانیت عدالت شهر یاری روشن و تابان گردد. » (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۹، مطلب اول، ص ۱)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۱۲) « سلطانی که طبق وعده حضرت بهاء الله در کتاب اقدس، باید سریر سرزمین وطنی آن حضرت (کشور مقدس ایران) را زینت دهد، و سایه حمایت شاهانه خود را بر سر پیروان ستمدیده اش بیفکند، هنوز (۱۹۴۴ میلادی) ظاهر نشده است. » (مرور معبود، ص ۵۳۳)

۱۳) « من بعد چون اجل معلوم در رسد، نفس این سلاطین و رؤساء جمهور خود اقتداء به این نصرت دهندگان امرالهی نمایند و پا به میدان گذارند و تاج سلطنت فانیه را بر خاک اندازند و اکلیل مرصع عبودیت صرفه محضه بحته را بر سر نهاده و در صف اول مبلغین در آمده، باموالهم و ارواحهم و ما وهبهم ربهم به تبشیر و نصرت پردازند و بعد از اتمام دوره خدمات، به این اراضی مقدسه شتابند و خاضعاً خاشعاً متذلاً منکسراً طواف مقامات مقدسه کنند و صوت تهلیل و تسبیح و تمجید را به عنان آسمان رسانند و بزرگواری این امر عظیم را بر جهان و جهانیان مکشوف و مبرهن سازند و انّ هذا الوعد محتوم قد

رفع الله عنه حکم البداء و زينه بطراز الاثبات في لوح حفيظ.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۷۵- مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۵-۱۴) (مضمون عبارات عربی: به اموالشان و ارواحشان و آنچه پروردگارشان به آنان بخشید... همانا این وعده، حتمی است؛ و خداوند حکم بداء را از آن مرتفع فرمود و در لوح محفوظ به زینت اثبات مزینش نمود.)

۱۴ « در سنین آتیه این دور بهایی... ملوک و سلاطین در ظلّ سیطره محیطه کلمه الله مجتمع گردند.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۱۵ « آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه شهود خواهد آمد... (از جمله)، استظلال یاران ستمدیده الهی در موطن رحمانی (ایران)، در ظلّ صون و معدلت شهریاری (است).» (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، صص ۸۱۸-۸۱۷)

۱۶ « حامیان تاجدار امرالهی... به پیش‌بینی حضرت بهاءالله، در آینده ایام، قیام خواهند کرد و به فرموده آن حضرت، هر یک چون: "چشمی بینا از برای بشریت و جبینی نورا از برای خلقت و رأس کرم از برای جسد عالم" توصیف و تحسین خواهند شد.» (مرور معبود، ص ۵۰۹)

۱۱۶. اقبال توده‌های بشری (دسته جمعی) (۱۶)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) روزی ورقاء از حضرت بهاءالله سؤال کرد: "چگونه امر الهی به طور جهان‌گیر مورد قبول نوع بشر قرار خواهد گرفت؟" حضرت بهاءالله در پاسخ فرمودند (مضمون): «ابتدا ملل عالم خود را با تجهیزات جنگی جهنمی مجهز خواهند کرد و پس از تجهیز کامل، چون وحشیان خونخوار بر هم هجوم خواهند نمود و در نتیجه خونریزی عظیمی در سراسر جهان به راه خواهد افتاد. سپس خردمندان جهان در جستجوی سبب این خونریزی‌ها دور هم خواهند نشست و به این نتیجه خواهند رسید که سبب اصلی آن خونریزی‌ها تعصبات مختلفه، مخصوصاً تعصبات دینی و مذهبی بوده است. بنا بر این، برای دفع این تعصبات مذهبی، دین را به طور کلی کنار خواهند گذاشت. بعد، به این حقیقت پی خواهند برد که انسان نمی‌تواند بدون دین زندگی کند. آن وقت تعالیم تمام ادیان را مطالعه خواهند کرد تا ببینند کدام یک با شرایط و مقتضیات آن زمان مطابق است. بدین ترتیب و در آن زمان است که امر الهی جهان‌گیر خواهد شد.» (نفحات ظهور حضرت

بهاءالله، ج ۴. مزرعه بهجی ۱۸۹۲-۱۸۷۷ م، تألیف ادیب طاهر زاده با ترجمه باهر فرقانی در ۵۱۸ صفحه، ص ۵۷- ناشر: مؤسسه انتشاراتی سینچری پرس، استرالیا، چاپ اول ۲۰۱۵)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) «کل بشر در امر حق داخل گردد و کره ارض بتمامه، مسکن انسان مؤمن شود.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۲)

(۳) «عنقریب از جمیع اقطار عالم ندای بلی بلی و لیبک لیبک مرتفع خواهد شد چه که مفری از برای احدی نبوده و نیست.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توفیق منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۴) «فقط هنگامی که روح امرالهی در کالبد عالم نفوذ کند، مردمان در تعداد زیاد، به آن ایمان خواهند آورد.» (ترجمه) (از جانب حضرت ولی امرالله، ۱۸ فوریه ۱۹۳۲، مجموعه دخول افواج مقبلین)

(۵) «ما هنوز در وضعیتی هستیم که نفوس منفرد مؤمن می شوند؛ اما به زودی بهاران ایمان فرا خواهد رسید و تمامی مردمان و ملت های جهان، به آن حیات روحانی که حضرت بهاءالله افاضه فرموده، زنده خواهند شد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، ۱۸ فوریه ۱۹۳۲، مجموعه دخول افواج مقبلین)

(۶) «یومی فرا خواهد رسید که امرالهی مانند شعله آتش گسترش خواهد یافت و آن زمانی است که روح و تعالیم امرالله بر روی صحنه یا به طور کلی، در قالب هنر و ادبیات عرضه خواهد گردید.» (از جانب حضرت ولی امرالله، ۱۰ اکتبر ۱۹۳۲، مجموعه اهمیت هنرها در ترویج امرالله، ص ۲۱)

(۷) «جریانی مستمر از تحکیم و تقویت امرالله، حلول روزی را بشارت و شتاب می دهد که به پیش بینی حضرت عبدالبهاء، شاهد دخول افواج مقبلین از ملت ها و نژادهای گوناگون به درون دنیای بهایی خواهد بود؛ روزی که اگر از منظری صحیح ملحوظ گردد، مقدمه آن ساعت موعود دیرینه ای است که در آن، ایمان توده های انسانی از همان ملت ها و نژادها... ناگهان مقدرات امرالهی را تغییر خواهد داد و تعادل عالم را بر هم خواهد زد و توان آماری و تدارکاتی و نیز تفوق روحانی امر حضرت بهاءالله را هزاران برابر خواهد کرد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، توفیق مبارک مورخ ۱۸ جولای ۱۹۵۳، مجموعه دخول افواج مقبلین- حصن حصین شریعت الله، ص ۱۵۴)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۸) « یقیناً زمان چندان به درازا نخواهد کشید تا در سراسر عالم پدیده دخول افواج مقبلین را که حضرت عبدالبهاء آن را مقدمه اقبال توده‌های انسانی پیش‌بینی فرموده‌اند، مشاهده کنیم.» (ترجمه) (پیام ۲۷ دسامبر ۱۹۸۵، مجموعه دخول افواج مقبلین)

۹) « حضرت ولی امرالله در همان توقیع (۱۸ جولای ۱۹۵۳)... می‌فرمایند: "این دخول، مقدمه ظهور یومی است که ملل و اجناس مختلفه در اثر وقوع یک سلسله وقایع خطیره که محتملاً مصیبت بار و حتی به طور تقریبی نیز غیر قابل تصور می‌باشد، تقلیب و تبلیغ دسته جمعی شده که خود بغتۀ مقام و موقع امر مبارک را متغیر، نظم عالم را مضطرب و عده نفوس و قوای مادی و معنوی امر جمال قدم را هزاران بار تقویت خواهد نمود." این همان زمانی است که اهل بهاء باید خود را برای ظهورش آماده سازند، این همان میقاتی است که فرارسیدنش را باید تسریع نمود.» (پیام ۳۱ آگوست ۱۹۸۷)

۱۰) « این امر (اقبال فوج فوج ناس)، مقدمه‌ای برای وصول به آن ساعت (ی) است که از دیر باز در انتظار آنیم؛ زمانی که اقبال دسته جمعی در میان... ملل و نژادها تحقق پذیرد.» [پیام ۳۱ آگوست ۱۹۸۷ (۱۳۶۶/۶/۹)]

۱۱) « حضرت ولی امرالله در توقیعی که در تاریخ ۱۸ جولای سال ۱۹۵۳... صادر گردیده، در ارتباط با احتیاج حیاتی به "دخول و الحاق دائمی نفوس جدید به جیش بطیئ الحركة ولکن دائم التقدّم ربّ الجنود" بر اثر فعالیت‌های تبلیغی، می‌فرمایند: این دخول و الحاق "ظهور یومی را بشارت می‌دهد و تسریع می‌نماید که به فرموده حضرت عبدالبهاء شاهد دخول دسته جمعی مردم از اجناس و ملل مختلفه در ظلّ لوی امرالله خواهد بود." (پیام ۳۱ آگوست ۱۹۸۷)

۱۲) « حضرت عبدالبهاء بدان (دخول افواج مقبلین به سراپرده آیین نازنین) وعده فرموده و حضرت ولی امرالله بیان داشته‌اند عنقریب در اثر اقبال این افواج جمّ غفیری به شرف ایمان فایز خواهند گشت. نتایج سریعه این تطورات منیعه، حصول اتّساعی حیرت‌انگیز در نطق جامعه اسم اعظم است که باید منتظر و مترصد وقوع آن بود؛ اتّساعی که شبیه و نظیری از برای آن متصور نه.» (پیام رضوان ۱۹۸۸)

۱۳) « دخول افواج مقبلین از ملل و اجناس مختلفه به امر مبارک، مقدمه زمان موعودی است که اقبال دسته جمعی نفوسی از همین ملل و اجناس و وقوع یک سلسله اتّفاقات عظیمه و محتملاً حوادث مصیبت بار که حال به زحمت می‌توان آن را تشخیص داد، ناگهان مقدرات امر را دگرگون نموده، نظم عالم را مضطرب ساخته و عدد مؤمنین و قدرت مادی و روحانی امر حضرت بهاءالله را هزار برابر خواهد نمود.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام رضوان ۱۹۹۰)

۱۴) « یاران الهی... برای زمان محتومی آماده خواهند شد که صدها و هزارها نفر از هموعانشان گروه گروه به امر مبارک پناه خواهند آورد؛ و تا آن زمان، مشتاقانه در انتظار خواهند بود و خواهند کوشید تا فرارسیدن آن روز را سرعت بیشتری بخشند.» (پیام ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۴)

۱۵) « تا دخول افواج مقبلین به نحوی وسیع تر ادامه نیابد، شرایط لازم جهت تحقق وعدهٔ حضرت ولیّ امرالله که در آثار خود بدان اشاره فرموده‌اند؛ یعنی اقبال مردم به صورت گروهی به امرالهی، فراهم نخواهد شد.» (پیام رضوان ۲۰۰۰)

۱۶) « حضرت ولیّ امرالله آن (اقبال افواج) را به عنوان مقدمهٔ لازم برای اقبال جماعات عظیم توصیف فرموده‌اند.» (پیام ۱۷ ژانویهٔ ۲۰۰۳)

۱۱۷. استقرار صلح اکبر (۴۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « آنچه در رتبهٔ اولیه سبب نظام عالم و ترقی امم است، صلح اکبر بوده و خواهد بود و تفصیل آن در زبر و الواح ذکر شده، انشاءالله در مدینهٔ انصاف مؤتمری از ملوک به مفاوضهٔ این صلح اکبر جمع شوند و آنچه از قلم اعلی نازل شده مجری دارند؛ در اینصورت عالم ساکن و خود مستریح گردند، آنچه که سبب و علت ترقی دولت و ملت است اینست که ذکر شد، و لکن آذان واعیه باید و ابصار حدیده شاید تا بینند و بشنوند.» (لتالی الحکمة ۳، فقره ۱۵۷)

۲) « اسّ اعظم که ادارهٔ خلق به آن مربوط و منوط آن که اول باید وزرای بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود. این فقره لازم و واجب، چه که محاربه و مجادله اسّ زحمت و مشقت است.» (لوح دنیا، مجموعهٔ الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۵۰)

۳) « بشارت ششم، صلح اکبر است که شرح آن از قبل از قلم اعلی نازل. نعیماً لمن تمسک به و عملاً بما أمر به من لدی الله العلیم الحکیم.» (لوح بشارات، مجموعهٔ الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۲) (مضمون بخش عربی: خوشا به حال کسی که به آن تمسک نمود و به آنچه از نزد خداوند علیم حکیم امر شد، عمل کرد.)

- (۴) « اشراق دوم: جمیع را به صلح اکبر که سبب اعظمست از برای حفظ بشر، امر نمودیم. سلاطین آفاق باید به اتفاق، به این امر که سبب بزرگ است از برای راحت و حفظ عالم، تمسک فرمایند.» (لوح اشراقات، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۷۳)
- (۵) « بشنوید ندای مظلوم را و به صلح اکبر تمسک نمایید.» (کلمات فردوسی، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۳۸)
- (۶) « حضرت موجود در سبب و علت اولیة سکون و راحت امم و عمار عالم می فرماید: لابد بر این است که مجمع بزرگی در ارض برپا شود و ملوک و سلاطین در آن مجمع، مفاوضه (گفتگو) در صلح اکبر نمایند؛ و آن این است که دول عظیمه برای آسایش عالم به صلح محکم متشبث شوند؛ و اگر ملکی بر ملکی بر خیزد، جمیع متفقاً بر منع قیام نمایند. در این صورت عالم محتاج مهمات حربیه و صفوف عسکریه نبوده و نیست؛ الا علی قدر یحفظون به ممالکهم و بلدانهم.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۱۷- لوح مقصود، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۹۹- نقل توسط بیت العدل اعظم در رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۶۵- نقل توسط بیت العدل اعظم در رساله وعده صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۳- مذکور در نظم جهانی بهایی، ص ۱۳۸، توقيع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) (مضمون عبارت عربی: مگر به مقداری که به وسیله آن، سرزمین ها و شهرهای خود را محافظت کنند.)
- (۷) « یا معشرالأمرء... ان قام احدٌ منکم علی الآخر، قوموا علیه؛ ان هذا الا عدلٌ مبین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۱۷) (مضمون: ای گروه فرمانروایان... اگر یکی از شما علیه دیگری قیام کرد، همگی بر ضد او به پا خیزید؛ این نیست مگر عدل آشکار.)
- (۸) « باید مجلس بزرگی ترتیب دهند و حضرات ملوک و یا وزراء، در آن مجلس حاضر شوند و حکم اتحاد و اتفاق را جاری فرمایند و از سلاح به اصلاح توجه کنند؛ و اگر سلطانی بر سلطانی بر خیزد، سلاطین دیگر بر منع او قیام نمایند. در این صورت عساکر و آلات و ادوات حرب لازم نه.» (آیات الهی، ص ۳۶۴)
- (ب) از آثار حضرت عبدالبهاء
- (۹) « وقتی اعلان مساوات بین زن و مرد شد^۱، یقین است که حرب از میان بشر برداشته خواهد شد و هیچ اطفال انسانی را فدای اوهام نخواهند نمود.» (پیام آسمانی، ۲، ص ۲۷۷)

^۱ به مبحث ۱۱۰ مراجعه شود.

۱۰ « از فیوضات ملکوت ابهی امیدواریم که به قوه کلمه الله و نفثات روح القدس در بین این ظلمات، نوری سطوح نماید و شرق و غرب روشن گردد؛ علم صلح اکبر بلند شود و راستی و آشتی انتشار یابد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۳۴)

۱۱ « صلح عمومی امری است عظیم؛ ولی وحدت وجدان^۱ لازم است که اساس این امر عظیم گردد؛ تا اساس، متین شود و بنیان، رزین گردد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۲۴)

۱۲ « تا رایت صلح عمومی^۲ بلند نگردد، محکمه کبرای انسانی تشکیل نشود و جمیع امور ما به اختلاف دول و ملل در آن محکمه قطع و فصل نگردد؛ عالم آفرینش آسایش نیابد؛ بلکه هر روز بنیاد بشر زیر و بر گردد و آتش فتنه زبانه کشد و ممالک قریب و بعید را مثل خاکستر کنند... شهرها خراب شود و ممالک ویران گردد؛ چاره این ظلم و اعتساف صلح عمومی است.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۲۴)

۱۳ « لابد بر این است که عاقبت شاهد این سعادت (صلح عمومی و سرکوب هر دولت یاغی توسط جمیع دول) در انجمن عالم جلوه گر گردد؛ چه که آلات و ادوات حربیه بر این منوال، به درجه ای رسد که حرب به درجه مالایطاق هیأت بشریه واصل گردد.» (حضرت عبدالبهاء، رساله مدنیّه، مندرج در مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۶۸)

۱۴ « الیوم شایسته ملوک مقتدر تأسیس صلح عمومیست؛ زیرا فی الحقیقه آزادی جهانیان است.» (رساله مدنیّه، ص ۸۴)

۱۵ « ناچار صلح واقع خواهد شد، زیرا ملل مجبور به آن گردند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۳۰)

۱۶ « ما جمیع می دانیم صلح خوب است؛ سبب حیات است؛ لکن محتاج ترویج و عملیم. اما چون این عصر، عصر نورانی است و استعداد صلح حاصل، لابد بر این است این افکار منتشر شود، (و) به درجه اجرا و عمل آید.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۹)

۱۷ « حضرت عبدالبهاء در تبیین این موضوع (مجمع بزرگ مشاوره ملوک و سلاطین ارض) می فرماید: "مسئله صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند و به جمیع وسائل و وسائط تشبث نموده، عقد انجمن دول عالم نمایند و یک معاهده قویّه و میثاق و شروط محکمه ثابته تأسیس نمایند و اعلان نموده، به

^۱ استنباطاً منظور مبارک این است که عموم اهل عالم و یا لاقول رهبران و بزرگان آن، وجداناً به لزوم و ضرورت صلح عمومی پی برند و بر آن متعهد شوند.

^۲ صلحی عمومی که قبل از تشکیل محکمه کبرا محقق شود، فرایندی متعلق به در عصر تکوین و لهذا همان صلح اکبر است. یک دلیل این امر در خود فقره مبارکه موجود است؛ زیرا تصریح شده است که اگر این صلح و این محکمه محقق نشود، جنگ های ویرانگر استمرار خواهد یافت، و این در حالی است که با تحقق صلح اعظم در عصر ذهبی، به تصریح نصوص مبارکه، دیگر خبر و اثری از جنگ و جدال باقی نخواهد بود.

اتفاق عموم هیأت بشریه مؤکد فرمایند. این امر اتمّ اقوم را که فی الحقیقه سبب آسایش آفرینش است، کلّ سکن ارض مقدّس شمرده، جمیع قوای عالم متوجه ثبوت و بقای این عهد اعظم باشند و در این معاهده عمومیّه، تعیین و تحدید حدود و ثغور هر دولتی گردد و توضیح روش و حرکت هر حکومتی شود و جمیع معاهدات و مناسبات دولیه و روابط و ضوابط مابین هیأت حکومتیه بشریه مقرر و معین گردد و کذلک قوه حریبه هر حکومتی به حدی معلوم، منحصص شود. چه اگر تدارکات محاربه و قوه عسکریه دولتی ازدیاد یابد سبب توهّم دول سایره گردد. باری، اصل مبنای این عهد قویم را بر آن قرار دهند که اگر دولتی از دول من بعد شرطی از شروط را فسخ نماید کلّ دول عالم بر اضمحلال او قیام نمایند؛ بلکه هیأت بشریه به کمال قوت بر تدمیر آن حکومت بر خیزد. اگر جسم مریض عالم به این داروی اعظم موفق گردد، البته اعتدال کلی کسب نموده و به شفای دائمی باقی فائز گردد.» (رساله مدنیّه، ص ۷۶- مندرج در رساله وعده صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، ص ۲۴- مذکور در نظم جهانی بهایی، ص ۱۳۸) (۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۸ « آن قوه قاهره الهی (قوه کلمه الله) جمیع این عناصر را به یکدیگر ممتزج نماید و خیمه وحدت عالم انسانی را در قطب عالم برافرازد و علم صلح عمومی بر جمیع آفاق موج زند.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۳۹۴)

۱۹ « ما را نیز مقاصد چنین که علم صلح اکبر در قطب عالم موج زند.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۱۶۲)

۲۰ « امروز اهمّ مسائل از مهامّ امور در عالم انسانی، مسئله صلح عمومی است و اعظم وسیله حیات و سعادت عالم انسانی، و جز به این حقیقت ساطعه، ابدأ عالم انسانی آسایش حقیقی نیابد و ترقی ننماید؛ بلکه روزه روز بر فلاکت و بدبختی بیفزاید.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۱۹۹) (جون ۱۹۲۰)

۲۱ « از دل و جان آرزو می نمایم که روزی آید که... علم صلح عمومی بر جمیع آفاق موج زند.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۲۰۱) (۱۷ تموز ۱۹۲۰)

۲۲ « ای خدای مهربان، یاران جان فشاند و دوستان ساعی به دل و جان تا... ظلّ ممدود احاطه بر جمیع وجود کند و سراق صلح اکبر بر این توده اغبر سایه افکند.» (مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء، ص ۱۰۵)

۲۳ « (از جمله وعود الهی) اخبار از صلح عمومی است که عاقبت در عالم انسانی جلوه نماید؛ ولی حال بدایت طلوع صبح است، امیدواریم من بعد آفاق منور گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۸۴)

۲۴) « حال نمایندگان (دول و ملل) غافلند، نمیدانند که این آهنگ (صلح عمومی) از کجاست و این نور از تجلیات شمس حقیقت؛ ولی عاقبت خواهند دانست؛ عاقبت اقرار و اعتراف به این حقیقت خواهند نمود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۵)

۲۵) « ای منجذبه محبت الله... یقین بدان در این عصر رحمانی ملکوت صلح و سلام در قطب آفاق خیمه برافرازد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره ۲۰۱)

۲۶) «عنقریب... احزاب متحاربه مصالحه نمایند و اقوام متباغضه متحابه (دوستدار یکدیگر) گردند؛ امم متعادیه (دشمن یکدیگر)، متوالیه شوند و ملل متهاجمه، متعاقبه گردند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۸، ص ۷۱)

۲۷) « عنقریب... خیمه صلح عمومی بلند شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۴۸)

۲۸) « جمیع کتب مقدسه الهیه... بشارت می دهد روزی خواهد آمد که موعود جمیع کتب ظاهر خواهد شد و یک قرن نورانی تشکیل خواهد کرد... علم صلح و سلام بلند خواهد شد... در میان اقوام و امم بغض و عداوت نماند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۱۶۱)

۲۹) « جمال مبارک تمام عمرشان را صرف کردند تا... نزاع نماند، جدال نماند، قتال نماند، محاربه نماند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۲۵)

۳۰) « آن مظهر کلی (ربّ جنود= جمال مبارک) به قوای روحانیّه جهان را بگشاید، نه به جنگ و جدال؛ و به صلح و سلام بیاراید، نه به سیف و سنان.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۶)

۳۱) « این (آرزوی صلح و سلام ناشی از حرب جهانسوز اول)، از حکمت بالغه الهی (است) تا استعداد حاصل شود... و اساس صلح عمومی... ترویج یابد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح هفتم از سری اول الواح تبلیغی، ۱۱ آوریل ۱۹۱۶)

۳۲) « اگر نفوسی به شروط مذکوره قیام نمایند و به اطراف جهان شتابند... به عموم ممالک و جزائر عالم سفر کنند؛ در اندک زمانی، نتایج عظیمه حاصل گردد و علم صلح عمومی در قطب عالم موج زند.» (حضرت عبدالبهاء، لوح هشتم از سری اول الواح تبلیغی، ۱۹ آوریل ۱۹۱۶)

۳۳) « امیدم چنانست که عاقبت صلح عمومی تقرّر یابد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۲، باب هفتم، ص ۸۷)

۳۴) « صبح صلح اکبر بدرخشد؛ جهان جهان تازه شود و جمیع بشر برادران گردند و کافه ملل رایات جلیل اکبر شوند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد اول، ص ۲۰)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۳۵) «یوم یوم احببنا الله است که به قوه بیان و اعلان و اثبات آثار مبارکه، اولین انوار شفق صبح صلح عمومی را به دیده جنگجویان و مایوسان عالم بنمایند.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۲۶)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۳۶) «به نفوسی که تعلقاتشان به اصول صلح و نظم جهانی، سبب ترویج مقاصد جلیلی است که خداوند مهربان ما را برای آن خلق فرموده، می‌پیوندیم و با همه آنان هم‌گام و هم‌عنایم و برای آن که شدت شوق و امید و غایت اطمینان خود را از اعماق دل و جان به گوش جهانیان برسانیم، این وعده مبارک حضرت بهاءالله را نقل می‌کنیم که می‌فرماید: "این نزاع‌های بیهوده و جنگ‌های مهلک از میان بر خیزد و صلح اکبر تحقق یابد."» (معهد اعلی، رساله وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۳۰) (اکتبر ۱۹۸۵)

(۳۷) «صلح مطلوب که رؤیای بشر در طی اعصار و قرون بوده، حال بر اثر نفوذ کلام خلاق حضرت بهاءالله که مؤید به قوه الهی است، تحققش قطعی است.» (معهد اعلی، رساله وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۲۹)

(۳۸) «قبول عمومی این اصل معنوی (اصل وحدت عامل انسانی) برای هر کوششی در راه تأسیس صلح جهانی ضرورت دارد.» (معهد اعلی، رساله وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۱۷)

(۳۹) «صلح جهانی آیا فقط بعد از وقوع وحشت و بلایی عظیم که مولود تمسک مصرانه بشر به روش‌های ناهنجار قدیمی است، باید تحقق یابد؟ یا آنکه فی الحال، صورت پذیراست و از طریق اراده و عزمی راسخ که نتیجه مذاکره و مشورت باشد، حاصل خواهد شد؟» (رساله وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۱)

(۴۰) «صلح بزرگی که آرزوی دل و جان نیک‌اندیشان جهان در قرون و اعصار بوده و در باره‌اش عارفان و شاعران در نسل‌های پی‌درپی سخن گفته و در کارگاه خیال نمودارش ساخته‌اند، صلحی که تحققش نوید تمام کتب مقدسه در هر دور بوده، حال به دستیابی ملل عالم نزدیک گشته است.» (معهد اعلی، رساله وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۱)

(۴۱) «استقرار صلح جهانی نه تنها امکان دارد، بلکه اجتناب‌ناپذیر است و مرحله دیگری از ترقی و تکامل عالم است که به قول یکی از متفکرین بزرگ، مرحله جهانی شدن عالم بشری است.» (معهد اعلی، رساله وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، ص ۱)

۴۲) « در آثار بعدی (منظور آثار اخیر صادر از قلم اعلی است) از جمله آن‌هایی که خطاب به عموم عالم انسانی است، حضرت بهاءالله بر مساعی و مجهوداتی تأکید فرموده‌اند که جامعه بشری را به مرحله‌ای که از آن به "صلح اکبر" تعبیر شده، سوق خواهد داد.» (بیت‌العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۶۴)

۴۳) « به فرموده حضرت بهاءالله، چنین اقداماتی (صلح اکبر)، از شدت مشقات و هرج و مرجی که در آینده عالم انسانی نهفته است، خواهد کاست تا آن که اهل عالم به پذیرش ظهورالهی فائز گردند و در نتیجه، "صلح اعظم" را مستقر سازند.» (بیت‌العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۶۴)

۴۴) « صلح جهانی، که تا ده سال پیش به منزله آرمانی بیش نبود، در این زمان، به میزانی فوق‌تصور، در شرف شکل گرفتن و قوام یافتن است.» (معهد اعلی، رساله رفاه عالم انسانی- ژانویه ۱۹۹۵، ص ۱)

۴۵) « در این بیانیه (بیانیه وعده صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵)، بیت‌العدل اعظم با بیانی ملایم ولی قاطعانه، اعلام کرد که بهاییان مطمئنند که صلح جهانی مرحله آینده تکامل جامعه انسانی است.» (معهد اعلی، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۰۳)

۴۶) « تأسیس صلح عمومی و دائمی که باید هدف جهانیان باشد... از عناصر اولیه سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طی این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلی، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

۴۷) « حضرت عبدالبهاء اولین خطابه عمومی خود را از قلب کلیسای "سیتی تمپل" (City Temple) ایراد فرمود و سخنانش در باره کیفیت عصری جدید در تکامل و تطور مدنیت جهان بود که منظر بدیعی پیش دیده شنوندگان آورد: "عنقریب... جدال و نزاع نماند؛ صبح صلح اکبر بدرخشد؛ جهان جهان تازه شود و جمیع بشر برادران گردند." (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۷)

۴۸) « ما باور نداریم که جنگ امری ضروری است، و زوال آن یکی از مقاصد اصلی و درخشان‌ترین وعده ظهور حضرت بهاءالله است.» (ترجمه) (بیت‌العدل اعظم، مجموعه نصوص الهی راجع به صلح، انگلیسی، ص ۴۳)

۴۹) « از جمله (وظائف و اختیارات بیت‌العدل اعظم)... جهد و سعی بلیغ در تقویت مبانی الفت و تفاهم بین اقوام و ملل و استقرار صلح عمومی و مجاهدت در سبیل نورانیت و تهذیب نفوس و ترقی و اصلاح عالم (است).» (قانون اساسی بیت‌العدل اعظم، کتاب ارکان نظم بدیع، ص ۳۲۰)

^۱ به مبحث ۱۳۳ رجوع شود. از این توضیح به خوبی بر می‌آید که صلح اکبر قبل از عصر ذهبی و صلح اعظم بعد از آن، تحقق خواهد یافت. در ضمن بدیهی است که صلح اکبر فرایندی غیر از صلح اصغر است؛ در این مورد به مبحث ۱۰۶ رجوع شود.

^۲ کلیسای مشهور تاریخی موجود در شهر لندن.

۱۱۸. قدرت و غلبه مظهر الهی (۵۴)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « لا يَمْنَعُهُ الْمُلُوكُ عَمَّا أَرَادَ وَإِنَّهُمْ الْمَمْلُوكُ فِي قَبْضَةِ مَالِكِ يَوْمِ التَّنَادِ، فَسَوْفَ يُظْهِرُ أَمْرَهُ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ وَإِنَّهُ لَمُحْيِي الْعَالَمِينَ. » (لثالی الحکمة ۳، فقره ۹۴) (مضمون: پادشاهان از آنچه اراده فرموده منعش نکنند؛ زیرا آنان بندگانند و در مشت مالک روز رستاخیز. به زودی امرش به قدرت آشکار نمودار خواهد شد؛ و او به راستی زنده کننده جهانیان است.)

(۲) « اگر چه این ایام عباد غافل به مثابه سحاب و غمام، نور امر را ستر نموده اند؛ و لکن عنقریب اصبح اراده حجاب را شق نماید و نور، عالم را احاطه کند. » (حدیقه عرفان، ص ۱۲۷)

(۳) « سوف یرون الموحّدون رایات النصر من کل الجهات باسمی الاعظم العظیم. » (قلم اعلی ۷، ص ۲۱۲) (مضمون: به زودی یکتاپرستان پرچم های پیروزی را می بینند که در هر سویی به نام اعظم عظیم من برفرشته شده است.)

(۴) « یا علی، ... لا تحزن من احتجاب الخلق، سوف ترونهم متوجهین الى الله رب العالمین. » (مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۷۰) (مضمون: ای علی، ... از غفلت و احتجاب خلق محزون مباش، به زودی آنان را متوجه به سوی خداوند، پروردگار جهانیان، خواهی دید.)

(۵) « زود است که حجاب خرق شود و تجلی اسماء و صفات، اکثری از عباد را اخذ نماید. » (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۲)

(۶) « نصّار (یاری دهنده) حقیقی آمد؛ لعمرا لله (به خداوند قسم) قادر است بر این که به یک کلمه، عالم را منقلب نماید. » (مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۶۷)

(۷) « هذا یومٌ فیه یقول اللاهوت طوبی لك یا ناسوت بما جعلت موطئ قدم الله و مقرّ عرشه العظیم و یقول الجبروت نفسی لك الفداء بما استقرّ عليك محبوب الرحمن الذی به وعد ما كان و ما یكون. » (جمال ابهی، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) [مضمون: امروز روزی است که عالم لاهوت می گوید خوشا به حال تو ای ناسوت، چون که قدمگاه خداوند و مقرّ عرش عظیم او قرار یافتی و جبروت می گوید جانم فدای تو باد (ای ناسوت)، زیرا که محبوب رحمان بر تو مستقر گشت؛ کسی که همه آنچه که بود و آنچه که می باشد به او وعده داده شده است.]

(۸) « عنقریب... آیه غلبه الهیه کلّ بریه را احاطه فرماید. » (آیات الهی ۲، ص ۳۴۲)

- (۹) « طوبی لیوم فیہ تُنصَبُ رایات الاسماء فی ملکوتِ الانشاء باسمی الابهی؛ یومئذ یرحُ المخلصون بنصرِ الله.» (کتاب اقدس، بند ۹۴) (مضمون: خوشا برای روزی که در آن، پرچم‌های اسماء به نام ابهای من در ملکوت انشاء نصب گردد. در آن روز، مخلصان به نصرت الهی شادمانی خواهند کرد.)
- (۱۰) « ان یا قلمَ البقاء... ان اذکر ما اردته لهذا الهیکل، لیظهر فی الارض آثاره و لیملاء الآفاق انواراً لله.» (قلم اعلیٰ ۴، ص ۲۷۷) (مضمون: ای قلم بقاء... هر آنچه را می‌خواهی برای این هیکل (کنایه از مظهر الهی) بگو، تا آثارش در زمین ظاهر شود و انوار الهی افق‌ها را پرکند.)
- (۱۱) « سوف یظهر الله من هذا الافق نوراً و قدره و بهما تُظلم الشمس.» (جمال قدم، منقول در توقیع ۱۱۱ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۵) (مضمون: به زودی خداوند از این افق (یکی از نمادهای هیکل عنصری مظهر الهی)، نوری و قدرتی ظاهر خواهد کرد که خورشید از آن‌ها تاریک شود.)
- (۱۲) « ان یا هیکل امری، قل انی لو أرید ان اجعل کل الاشیاء مرایا اسمایی فی اقل من الحین، لأقدر... لو أرید ان أنقلب کل الممكنات اقرب من لمح البصر، لأقدر.» (قلم اعلیٰ ۴، ص ۲۹۵- نداء رب الجنود، سوره هیکل، فقره ۸۴) (مضمون: ای هیکل امر من، بگو همانا اگر بخواهم همه اشیا را در کمتر از یک لحظه، آینه‌های نام‌های خود قرار دهم، به راستی قادرم... و اگر اراده کنم همه ممکنات را در یک چشم بر هم زدن دگرگون نمایم، به حقیقت می‌توانم.)
- (۱۳) « لعمرة الله مظلومیت بسیار محبوب است... ایام غلبه ظاهریه خواهد رسید؛ ولكن این لذت را نخواهد داشت.» [مجموعه پیام آسمانی (آیات الهی ۱، ۲۷ سپتامبر- دریای دانش، ص ۱۳۱- مندرج در توقیع ۱۱۳ بدیع، مجموعه توقیعات مبارکه ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۸- مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸]
- (۱۴) « ان یا ملأ البیان، انتم ان لن تنصروه (مظهر الهی) سوف ینصره الله بجنود السموات و الارض ثم جنود الغیب؛ بامره کن فیکون.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۱، ص ۱- نداء رب الجنود، سوره هیکل، بند ۸) (مضمون: ای اهل بیان، اگر شما یاریش (مظهر الهی) نمی‌نمایید، به زودی خداوند با لشکریان آسمان‌ها و زمین، سپس با سپاهیان ناپیدا، یاریش خواهد کرد؛ فرمان اوست که می‌گوید بشو، پس می‌شود)
- (۱۵) « قد جعل الله البلاء اکیلاً لرأس البهاء، سوف تستضیء منه الآفاق. كذلك اخبرناکم من قبل، ان ربک لهو العلیم الخبیر.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۱۱۴، ص ۱۷۴) (مضمون: خداوند بلایا را تاجی برای رأس بهاء قرار داد، به زودی افق‌های عالم از پرتوش نورانی خواهد شد. این گونه از قبل شما را خبر می‌کنیم؛ همانا پروردگارت علیم و خبیر است.)

- (۱۶) « ليس العزما عرفه القوم بل ما اشرق اليوم من افق الوحي بسلطنة و اقتدار. سوف ترى القيوم مهيمناً على من على الارض، كذلك قضى الامر من القلم الذى جعله الله سلطان الاقلام.» (آثار قلم اعلى ۱، فقرة ۲۰۴، ص ۲۶۴) [عزت و بزرگی آن نیست که مردمان فهمیده‌اند؛ بلکه آن است که امروز از افق وحی به سلطنت و اقتدار تابان گشت. به زودی قیوم (از القاب مظهرالهی و به معنی قائم بالذات) را چیره بر اهل زمین خواهی دید؛ امر، از قلمی که خداوند سلطان قلم‌هایش قرار داد، این گونه مقدر شد.]
- (۱۷) « عنقریب است که اعلام قدرت الهی را در همهٔ بلاد مرتفع بینی و آثار غلبه و سلطنت او را در جمیع دیار ظاهر مشاهده فرمایی.» (کتاب ایقان، بند ۸۵- امر و خلق ۴، ۴۷۵)
- (۱۸) « عنقریب... آیهٔ غلبهٔ الهیه، کلّ بریه (تمام خلق) را احاطه فرماید... هذا وعد غیر مکذوب.» (آیات الهی ۲، ۲۹ ژانویه) (مضمون عبارت عربی: این وعده‌ای راستین است.)
- (۱۹) « عنقریب کلّ به تراب راجع و سلطنت و قدرت و عظمت و ملک از برای ربّ الارباب خواهد ماند.» (آیات الهی ۲، ۳ فوریه)
- (۲۰) « باید جمیع، به اصلاح عالم و تهنیب امم و تبلیغ امرالهی به روح و ریحان و حکمت و بیان مشغول باشند. زود است که آثار قدرت از جهات عالم ظاهر و هویدا گردد.» (آیات الهی ۲، ۹ ژوئن)
- (۲۱) « ان اذکر احبایی من قبلی... قل ایاکم ان تخوفکم سطوة کلّ ظالم؛ سیفنی العالم و الاعلام، و ترون سلطان ربکم غالباً علی الغیب و الشهود.» (مجموعهٔ الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۷۲) (مضمون: احبایم را از جانب من یاد آور... (و) بگو مبادا سطوت هر ستمگری هراسناکتان کند؛ به زودی عالم و علم‌هایش فانی خواهد شد، و سلطهٔ پروردگارتان را غالب بر پنهان و آشکار خواهید دید.)
- (۲۲) « قل قد اتی المختار فی ظلل الانوار لیحیی الاکوان من نفحات اسمه الرحمن و یتحد العالم و یجتمعوا علی هذه المائدة التي نزلت من السماء.» (لوح شیخ نجفی، ص ۳۵) (مضمون: بگو به راستی اختیاردار، در سایه‌های انوار آمد تا هستی‌ها را از بوهای خوش اسم رحمانش زنده کند و جهان را متحد نماید، تا حلقه زنده حول این سفره گسترده‌ای که از آسمان نازل شده است.)
- (۲۳) « او (خداوند) به زودی، در هر شهر و دیاری علم اقتدار خود را بر خواهد افراشت.» (ترجمه) (جمال ابهی، مذکور در نظم بهایی، انگلیسی، ص ۱۷۴)
- (۲۴) « گوش را از کلمات مظاهر نفی و مطالع قهر پاک و مقدس فرماید که عنقریب حق را محیط بر جمیع و غالب بر کل خواهید دید و دون آن را مفقود و لاشیء (نابود) محض ملاحظه خواهید فرمود.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقرة ۲۹)

۲۵) « سوف يُظهر الله ما كان مستوراً في هذا اليوم و يُريهم فضلَه و سلطانه و قدرته و اقتداره... انه لهو المهيمن على الاشياء.» (آيات الهی، ۲، ۲ اکتبر، ص ۲۱۴) (مضمون: به زودی خداوند آنچه را در این روز (دور بهایی)، مستور است ظاهر خواهد کرد و فضل خود و سلطنت خود و قدرت خود و اقتدار خود... را به آنان نشان خواهد داد. همانا او، به راستی بر همه چیز مسلط است.)

۲۶) « اليوم مقاماتِ عنایاتِ الهی مستور است، چه که عرصه وجود استعداد ظهور آن را نداشته و ندارد؛ ولكن سوف يظهر، امرأ من عنده، إنه لا تضعفه قوة الجنود و لا سطوة الملوك.» (منتخبات آثار حضرت بهاء الله، فقره ۱۰۹) (مضمون بخش عربی با توجه به ترجمه انگلیسی بیان مبارک: اما آن روز نزدیک می شود که به فرمان حضرتش، قوای مکنونه در عنایتی چنین عظیم برای مردمان ظاهر شود. نه قوت و قدرت لشکریان و نه سطوت پادشاهان او را ضعیف و ناتوان نخواهد نمود.)

۲۷) « في ظل كل حرفٍ من حروفات هذا الهيكل (هيكل امرالله یا هيكل مظهر امرالله) نبعتُ خلقاً لا يعلم عدتهم الا الله المهيمن القیوم.» (نداء رب الجنود، سورة هيكل، فقره ۱۳- قلم اعلى ۴، ص ۲۷۰) (مضمون: در سایه هر حرفی از حروف این هیكل، خلقی را مبعوث خواهیم کرد که از تعداد نفرات آنان کسی جز خداوند مهیمن قیوم آگاه نیست.)

۲۸) « قل قد قدر مقادير كل الاشياء في هذا الهيكل المخزون المشهود، و كُنز فيه علم السموات و الارض و علم ما كان و ما يكون.» (نداء رب الجنود، سورة هيكل، فقره ۴۳- قلم اعلى ۴، ص ۲۸۱-۲۸۰) (مضمون: بگو به راستی، قدر و اندازه همه اشياء در این هیكل (هيكل مظهر امرالله) مخزون و مشهود، مقدر گشته است و علم آسمانها و زمین، و دانش آنچه بود و آنچه هست، در آن گنجانیده شده است.)

۲۹) « سوف تُحيط انوار وجه ربك من على الارض؛ انه على كل شئٍ قدير.» (جمال ابهی، مندرج در توفیق ۱۱۱ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶- اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۲) (مضمون: به زودی انوار وجه پروردگارت زمینیان را احاطه خواهد کرد؛ همانا او بر هر چیزی توانا است.)

۳۰) « آنچه منسوب به حق است، باقی و دائم و ثابت؛ و مادون آن فانی و معدوم (است).» (مجموعه الواح حضرت بهاء الله به خط مشکین قلم، ص ۲۶۵)

۳۱) « سوف تُحيط انوار وجه ربك من على الارض؛ انه على كل شئٍ قدير.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۶۲) (مضمون: به زودی انوار وجه پروردگارت زمین را فراخواهد گرفت؛ به راستی او بر هر چیزی توانا است.)

۳۲) « قل انا لو نريد ان نقبض الأرواح من كل الاشياء في آن و نبعتها مرة اخرى لتقدر؛ لا يعرف علم ذلك الا الله العالم العليم؛ و لو نريد ان نظهر من ذرة شمساً لا لهن بداية و لا نهاية لتقدر و نظهر كاهن»

بأمری فی اقل من حین؛ و لو نرید ان نبعث من قطرة بحور السموات و الأرض و نفضّل من حرف علم ما كان و ما يكون لنقدر؛ انّ هذا لسهل یسیر. كذلك كنت مقتدرًا من الاوّل الذی لا اوّل له الی الآخر الذی لا آخر له؛ ولكن خلقی غفلوا عن قدرتی و اعرضوا عن سلطانی و جادلوا نفسی العلیم الحکیم.» (نداء ربّ الجنود، سورة هیکل، بند ۷۵- آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۲۹۱) (مضمون: بگو اگر بخواهیم ارواح همه اشیا را در یک لحظه قبضه کنیم و از نو آن‌ها را بیافرینیم، حتماً می‌توانیم، دانش این کار را کسی جز خداوند عالم علیم نمی‌داند؛ و اگر اراده کنیم از ذره، خورشیدهای بی‌آغاز و بی‌پایان پدید آوریم، قطعاً قادریم و تمامی آن‌ها را به فرمان خود در کم‌تر از یک لحظه ظاهر می‌نماییم؛ و اگر قصد کنیم از قطره دریاهای آسمان‌ها و زمین را برآفرینیم و از یک حرف علم آنچه بود و آنچه هست را تفصیل دهیم به یقین می‌توانیم؛ همانا این بسی سهل و آسان است. این گونه از آغازی که آغازی بر آن متصور نیست، تا پایانی که پایانی ندارد، قادر بوده و قادر خواهیم بود؛ ولی خلقم از قدرتم غفلت نمودند و از سلطنتم روی گرداندند و با نفس علیم و حکیمم به جدل برخاستند.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۳۳ « در هر دمی شبمی رسد و در هر نفسی صبح تأییدی دمد و آثار باهره این کور اعظم ظاهر و باهر شود و قدرت و عظمت سلطان احدیّت (حضرت بهاءالله) واضح و لائح گردد.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۵، ص ۴)

۳۴ « (بعد از استقرار وحدت روحانی عالم انسانی) شبهه‌ای نیست که دلبر رحمانی با جنود مواهب عالم انسانی و تأییدات ربّانی در نهایت صباحت و ملاححت در انجمن عالم جلوه نماید.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، ۵، باب نهم از ردیف الف، ص ۲۹- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، فقره ۲۲۱)

۳۵ « انّ جندنا لهم الغالبون؛ عاقبت... فیض روحانی و پرتو نورانی از حضرت بی‌چون عالم را احاطه نماید.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، ۵، باب هفدهم از ردیف م، ص ۴۶) (مضمون عبارت عربی: همانا لشکر ما به راستی غالب است.)

۳۶ « ملکوت وجود در حرکت است و عرصه شهود در نهایت لطافت و طراوت؛ ولی چشم‌ها کور است و گوش‌ها محروم. عنقریب است که این پرده برافند و این حجاب هتک شود و این نقاب برداشته شود. آن وقت انظار مشاهده آثار مواهب جمال ابهی نمایند و حیران گردند و پشیمان شوند که این چه موهبتی بود و ما از او غافل، و این چه عنایتی بود و ما از او ذاهل؛ صبح نورانی بود و ما گرفتار شام

^۱ سورة صافات، آیه ۱۷۳.

ظلمانی، نیل و فرات بود ولی بر ما جیحون پرخون، زلف مشکین بود ولی ما را زنجیر سنگین، مائده آسمانی بود ولی ما را مضرت جاودانی. این چه بدبختی بود و این چه بی طالعی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۹۲- مائده آسمانی ۹، مطلب شانزدهم، ص ۱۱)

(۳۷) « عنقریب مشاهده خواهید نمود که... صیت ربّ جلیل جهانگیر شود و سبحان ربّی الابهی از جمیع آفاق بلند شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۱۲۵)

(۳۸) « ای موفن به آیات الله... در قوت و قدرت و سطوت و سلطنت اسم اعظم ملاحظه نما و تفکر کن که با وجود آن که وحید و فرید و بی ناصر و معین بود، به قوتی الهیه و قدرتی ربّانیه و سطوتی ملکوتیه، ملکوت وجود را مسخر فرمود و مدائن قلوب را فتح نمود... یک سواره بر صف عالم زد و تنها، جنود عنود ضلالت را شکست داد؛ ولی آثار این فتوح الیوم در غیب وجود است و در استقبال، در حیز شهود خواهد آمد؛ آن وقت ملاحظه خواهد شد چند هنالک مهزوم من الأحزاب.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۱۷) (مضمون عبارت: لشکری شکست خورده از احزاب در آنجا)

(۳۹) « در گوشه کتاب خود بنویسید و صبر کنید؛ جمیع صفوف عالم شکست خورده و می خورند؛ چند سال صبر و تأمل کنید؛ نورانیت بهاء الله آفاق را احاطه می کند.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۹- امر و خلق ۴، ص ۴۷۸]

(۴۰) « آن مظهر کلیه (حضرت بهاء الله)... چنان تربیت کند که امم و ملل هر چند در تباین احوال و اختلاف عادات و اخلاق و تنوع ادیان و اجناس، (و) مانند گرگ و بره، و مار و طفل شیرخواره، و پلنگ و بزغاله اند؛ با هم همدم و هم آغوش و هم راز گردند؛ (یعنی) به کلی، منافرت جنسی و مخالفت دینی و مباینت ملّی زائل (خواهد شد) و کلّ، در ظلّ شجره مبارکه، نهایت الفت و التیام خواهند یافت.» (مفروضات مبارک، ص ۴۶)

(۴۱) « عنقریب ملاحظه خواهید کرد که از انوار بهاء الله غرب، شرق می شود؛ ابر رحمت پروردگار می بارد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توفیق ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخبات توقیقات حضرت ولی امرالله، ص ۴۱)

(۴۲) « آن مظهر کلیه (جمال اقدس ابهی)، به قوای روحانیه، جهان را بگشاید.» (مفروضات مبارک، ص ۴۶)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۴۳) « این مسئله محقق است که... فتوحات و انتصارات خطیره، نصیب اسم اعظم خواهد گردید تا آن که پیام آسمانی حضرت بهاء الله کاملاً تحقق یابد و صیت عظمت و بزرگواریش به سمع اهل عالم رسد و

سیطره محیطه ازلیه اش بر جهان و جهانیان واضح و آشکار گردد.» (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۹-۸۱۸)

۴۴ «حضرت بهاءالله در سوره ملوک... "غلبه و استیلاى خود را بر عالم" پیش بینی می کند، حتی اگر هیچ یک از سلاطین، التفاتی به آن حضرت نمایند.» (مرور معبود، ص ۲۴۶)

۴۵ «(حضرت بهاءالله) خورشید بی مثالی... که مقدر است انوارش تمامی عالم انسانی را فراگیرد.» (مرور معبود، ص ۱۰۹)

۴۶ «سعادت و رفعت و عزت موعوده عالم انسانی... در قرن های لاحقه و ادوار آتیه این کور مجید... ساکنین کره ارض را من اقصاها الی اقصاها (از این سوی تا آن سوی)، به تنفیذ مشیت ازلیه رب البریه (حضرت بهاءالله)... موفق و مفتخر گرداند.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۰-۱۰۹)

۴۷ «به یقین مبین بدانند این بلیات و مخاطرات جدیده نیز زائل گردد و موانع حالیه متدرجاً مرتفع شود... و سلطه قاهره اسم اعظم (حضرت بهاءالله) جلوه جدید نماید و قهاریت امر مبرم مکشوف و نمودار گردد.» (حضرت ولی امرالله، تلگراف ۱۱ ژانویه ۱۹۴۶، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۴-۲۳)

۴۸ «و این سلطنت الهیه^۲، مآلاً به تأسیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوه سیطره محیطه ظاهری و روحانی مؤسس آیین بهایی^۳... منتهی گردد.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۷-۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)

۴۹ «در سنین آتیه این دور بهایی... سطوت رب الجنود چهره بگشاید؛ و مجد اب سماوی (حضرت بهاءالله) عالم را منور فرماید.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۵۰ «این شخص جلیل (موعود دور بیان = حضرت بهاءالله) باید بنا به بشارت همان کتب مقدسه، در عالم ظاهر شود و دوران صلح و آشتی و عدل و تقوی را در جهان آغاز نماید؛ یعنی دورانی را که به منزله اکمال و اتمام ظهورات گذشته و در عین حال مؤسس کور جدیدی در تاریخ دینی عالم انسانی است.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۱۵)

۵۱ «ما امروز در چنین دوره ای (دوره ظلمت اندر ظلمت)، بی اختیار و بی تأمل، به پیش می رویم؛ اما در بحبوحه چنین سایه تیره و تاری که ما را فرامی گیرد، لمعه ای از انوار سلطنت آسمانی حضرت بهاءالله را

^۱ به مبحث ۱۴۹ مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۱۳۵ رجوع شود. در ضمن، از این بیان مبارک چنین استنباط می شود که سلطنت الهی دو جنبه دارد یکی معنوی یا روحانی و یکی صوری یا ظاهری؛ جنبه معنوی آن در اکثر مراحل و مباحث فصل هفتم و بخصوص در مباحث فصل هشتم نافذ و جاری است؛ اما جنبه صوری و عینی و عملی آن فقط در عصر ذهبی و بعد از مراحل عظیمه وحدت روحانی و صلح اعظم و حکومت جهانی بهایی جلوه گر خواهد شد. به مباحث فصل هشتم رجوع شود.

^۳ به مباحث ۱۴۶ و ۱۴۷ مراجعه شود.

مشاهده می‌کنیم که در افق تاریخ درخشنده و تابان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۳- توفیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(۵۲) « اهل بهاء... مطمئن هستند که در مقابل بی‌عاطفگی، سطحی‌نگری و ماده‌پرستی شدید جامعه امروز، جلوه روزافزون عظمت مدّعی حضرت بهاءالله، مؤثرترین وسیله است برای تحقق هدف و مقصدی که حتی ثابت قدم‌ترین و پرشورترین حامیان امرالهی نیز چنان مشتاقانه در آرزوی آن هستند.» (ترجمه) (حضرت ولیّ امرالله، کتاب نظم بهایی، انگلیسی، ص ۱۲۵)

(۵۳) « در سنین آتیۀ این دور بهایی... شلیک یا علیّ الاعلی و یا بهاءالابهی از قطب آفاق بلند گردد.» (توفیع منبع ۱۰۵، مجموعه توفیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

(د) از آثار بیت‌العدل اعظم

(۵۴) « عملی چنین اسفناک (تخریب بیت اعظم بغداد) در آستانۀ کنفرانس‌های بی‌سابقۀ پیروان جوان حضرت بهاءالله^۱ و دوستان آنان در سراسر عالم، ارتباط غیبی بین بحران و پیروزی^۲ را به یاد می‌آورد که از طریق آن، ارادۀ محیطۀ غالبۀ محتومۀ حضرتش نهایتاً تحقق خواهد یافت.» (پیام ۲۷ جون ۲۰۱۳)

۱۱۹. تأسیس محکمۀ کبرای بین‌المللی (۱۳)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « یک محکمۀ کبری توسط ملل و دول عالم انتخاب خواهد شد و از هر مملکت و دولتی نمایندگان در آن حاضر خواهند گشت و تمام مناقشات به آن راجع خواهد شد. مأموریت آن محکمۀ ممانعت از جنگ خواهد بود.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، سخن رانی در انجمن تئوسوفی‌ها)

(۲) « باید محکمۀ کبری از قبل جمیع دول و ملل تشکیل شود و مسائل ملّی و دولی به آن محکمۀ راجع؛ آنچه آن محکمۀ کبری حکم نماید مجری و اگر دولتی یا ملّتی تخلف نماید، عالم انسانی بر آن دولت و ملّت قیام نماید.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۳، ص ۶۸) (ژانویه ۱۹۲۰)

(۳) « جمعیت امم هر چند تشکیل شد، ولی از عهدۀ صلح عمومی برنیاید؛ اما محکمۀ کبری که حضرت بهاءالله بیان فرموده^۱، این وظیفۀ مقدّسه را به نهایت قدرت و قوّت ایفا خواهد کرد و آن اینست که

^۱ مقصود کنفرانس‌های ۱۱۴گانه جوانان بهایی و دوستانشان در سراسر عالم است که در حال حاضر (۱۱ اکتبر ۲۰۱۳) در حال برگزار شدن هستند.**

^۲ به مجموعه بدیعه "پیروزی در بحران" مراجعه شود؛ کاری تحقیقی که به همین سبک و سباق صورت گرفته و در رابطه با جوانب مختلف حیات احبای مقیم ایران، اکثریت قریب به اتفاق پیام‌های معهد اعلی، صادره بعد از تحول ایران را پوشش می‌دهد.

مجالس ملیه هر دولت و ملت، یعنی پارلمانت، اشخاصی از نخبه آن ملت که در جمیع قوانین حقوق بین دولتی و بین مللی مطلع و در فنون متفنن و بر احتیاجات ضروریه عالم انسانی در این ایام واقف، دو شخص یا سه شخص انتخاب نمایند به حسب کثرت و قلت آن ملت. این اشخاص که از طرف مجلس ملی یعنی پارلمانت انتخاب شده‌اند مجلس اعیان نیز تصدیق نمایند و همچنین مجلس شیوخ و همچنین هیأت وزراء و همچنین رییس جمهور یا امپراطور تا این اشخاص منتخب عموم آن ملت و دولت باشند. از این اشخاص محکمه کبری تشکیل می‌شود و جمیع عالم بشر در آن مشترک است؛ زیرا هر یک از این نمایندگان عبارت از تمام آن ملت است. چون این محکمه کبری در مسئله‌ای از مسائل بین‌المللی یا بالاتفاق یا بالاكثریه حکم فرماید نه مدعی را بهانه‌ای ماند نه مدعی علیه را اعتراضی؛ هرگاه دولتی از دول یا ملتی از ملل در اجرای تنفیذ حکم مبرم محکمه کبری تعلق و تراخی نماید، عالم انسانی بر او قیام کند؛ زیرا ظهیر این محکمه کبری جمیع دول و ملل عالمند. ملاحظه فرمایید که چه اساس متینی است؛ ولكن از جمعیت محدود و محصور، مقصود چنان که باید و شاید حصول نیابد. این حقیقت حالست که بیان می‌شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۲۲۷- ص ۲۹۶- مکاتیب عبدالبهاء، ص ۱۱۱- لوح لاهای یا لاهه، مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۱۶)

۴ « در این دور بدیع... منازعات و مجادلات^۲ در محکمه عمومیه دول و ملل، به نهایت عدالت فیصل خواهد یافت و مشاکل متحدته حل خواهد گشت.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۰)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۵ « راجع به طبیعت و حوزه عمل کرد محکمه کبرای بین‌المللی؛ بیت‌العدل اعظم در آینده، این موضوع و مواضع مشابه آن را توضیح و تشریح خواهد نمود؛ مرجعی که مطابق دستورات صریحه حضرت عبدالبهاء، مسائل مهمه اساسیه باید به آن راجع شود.» (ترجمه شخصی) (توقیع ۹ آوریل ۱۹۲۳، کتاب نظم اداری بهایی، انگلیسی، ص ۴۷)

۶ « ای قوی قدیر،... محکمه کبرایت را به قوه تعلیمات بهیهات در انجمن عالم تأسیس کن.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

^۱ به مبحث ۱۱۹ مراجعه شود.

^۲ مشخص است که در عصر ذهبی، پس از استقرار وحدت روحانی عالم، و عدل اعظم و صلح اعظم و استقرار حکومت جهانی بهایی و بخصوص با حصول محبت و اخوت و دوستی حقیقی، دیگر بین دول و ملل منازعاتی در کار نخواهد بود و به فرموده حضرت عبدالبهاء « نزاع و جدال از میان بر خیزد و سیف و سنان بدل به روح و ریحان گردد و جنگ و عدوان منقلب به محبت و امان؛ یعنی میدان جیش و طیش مبدل به عشرت و عیش گردد و ساحت رزم خونریز بزم مشکبیز شود؛ جنگ ننگ گردد و حرب و ضرب به متابیه جرب (بیماری گری) منفور قیائل و امم شود؛ صلح عمومی در قطب عالم خیمه برافرازد و بنیاد حرب و قتال از بن براندازد.» (فقره ۱۱ از مبحث ۱۳۳). بنا بر این، محکمه کبرای بین‌المللی فرایندی مربوط به عصر تکوین خواهد بود.

(۷) « محکمه کبرای جهانی ... مؤسسه فخریه ای که به پیش بینی همان «نهال بی همال» (حضرت بهاءالله)، در زمان مقتضی، ملل و مردمان گیتی باید متحدانه به تأسیس آن همت گمارند. » (مرور معبود، ص ۴۰۷)

(۸) « سلطنت الهیه، مآلاً به... تشکیل محکمه کبری^۱ ... منتهی گردد. » (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۷- توفیق منبع ۱۱۰ بدیع- توفیق ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲- ۵۰۱)

(۹) « یک محکمه کبرای بین المللی به وجود خواهد آمد که حکمش قاطع و بر همه ممالک روا خواهد بود. حتی کشورهایی که مایل نباشند که قضایایشان به آن محکمه ارجاع گردد^۲ باز مجبور بر اطاعت از حکم صادره اش خواهند بود. » (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۱- نقل توسط بیت العدل اعظم، رساله وعده صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۲- نظم جهانی بهایی، ص ۵۵، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(۱۰) « يك محکمه جهانی تشکیل شود که تمام دعاوی حاصله بین عناصر مرکبه این نظام جهانی (حکومت اولیه جهانی) را داوری کند و حکم نهایی و لازم الاجرایش را صادر نماید. » (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۵، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(۱۱) « در سنین آتی دور بهایی ... محکمه کبری تأسیس شود. » (توفیق ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹- ۱۰۲، ص ۱۸۳)

(۱۲) « انقلاب اعظم (احاطه بلیات من کل الجهات بر هیأت اجتماعیه^۳) ... جهانیان را به تأسیس محکمه کبرای الهی دلالت فرماید. » (حضرت ولی امرالله، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۹)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱۳) « ایجاد دادگاه جهانی که اختلافات بین ملل را فیصله دهد... از عناصر اولیه سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طی این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود. » (معهد اعلی، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

^۱ در این بیان مبارک تصریح شده است که تشکیل محکمه کبری بعد از استقرار سلطنت الهی خواهد بود؛ اما از آنجا که اولاً مضامین فقرات مبارکه موجود در این مبحث بیشتر دال بر تحقق محکمه کبرا در عصر تکوین است؛ و ثانیاً سلطنت صوری و عملی الهی به طور قطع در عصر ذهبی تأسیس خواهد شد (از جمله به فقره ۱۴ از مبحث ۱۳۰ رجوع شود)، لهذا ناگزیر باید مفهوم عبارت "سلطنت الهیه" مندرج در این فقره مبارکه را به معنای "قدرت و غلبه مظهر الهی" تعبیر کرد که البته به سهولت قابل استنباط و استخراج از مضامین مبحث ۱۱۸ است. به زیر نویس مربوط به فقره ۴۷ از مبحث ۱۱۸ نیز رجوع شود.

^۲ بدیهی است چنین وضعیتی در عصر ذهبی، با آن همه خصایص عالییه بی سابقه، پیش نخواهد آمد؛ بنا بر این، این فقره مبارکه نیز اشعار می دارد که محکمه کبری، فرایندی متعلق به عصر تکوین است.

^۳ به مباحث فصل چهارم مراجعه شود.

۱۲۰. ظهور قوم (خلق) بدیع (۸۰)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱) « فسوف یبعثن الله خلقاً یتنبهن من کلماته و یعرفن مراده و یتوجهن الیه و ینقطعن عن العالمین.» (کتاب بدیع، ۳۶۱) (مضمون: به زودی حتماً خداوند خلقی را مبعوث خواهد کرد که از کلماتش متنبه شوند و به قصد او پی برند و به او توجه کنند و از عالمیان منقطع گردند.)

۲) « نسئل الله بان یبعث بسطانہ خلقاً لیأت بما فات من هولاء که شاید آن نفوس مقدسه به آنچه لایق و سزاوار این ظهور است قیام نمایند.» (کتاب بدیع، ۳۶۰) (مضمون بخش عربی: از خدا می خواهیم به قدرت خود خلقی را مبعوث نماید که آنچه را از دست اینان رفت، حاصل نمایند)

۳) « البتہ در ملک ابصر حدیده ظاهر شوند و صرافان احدیه به وجود آیند و جواهر کلماتش را به جان خریدار شوند و از کون و مکان در سیلش بگذرند و جان در رهش ایثار نمایند و به اسمش از رسم دنیا منقطع گردند و به ذکرش از ذکر عالمین بی نیاز و به یادش از یاد دوش فارغ.» (کتاب بدیع، ص ۹۹)

۴) « فوالدی نفسی بیده، اگر کل من فی الابداع به قمیص انصاف مزین شوند، از ضجیح قلم (قلم یحیی ازل که به توبه و انابه نزد جمال احدیه بازگشته) و صریر آن... به کوی دوست توجه نمایند و از دنیا و ما قدر فیها منقطع گردند؛ و لکن این ایام که چنین نفوسی مشاهده نمی شوند الا قلیل قلیل؛ دیگر تا چه وقت و زمان وجودات مقدسه منیره از جیب احدیه بیرون خرامند و به نجات الله و کلماته فایز شوند و از غیرش بی نیاز آیند؛ انهم خیره الخلق عند الله الملك المهیمن القیوم.» (کتاب بدیع، ص ۲۵۰) (مضمون عبارت عربی: همانا آنان نیکوترین آفریدگان هستند نزد خداوند ملک مهیمن قیوم)

۵) « ان ربکم الرحمن قد کتب علی نفسیه بان یظهر فی الاحوان ادلاء علیه، لیقومن بین السموات و الارض و یطقن بثناء نفسیه و یرتفعن اعلام النصر بین الخلاق اجمعین. اولئک عباد الذین جعلهم الله مطهراً عن دونه و منقطعاً عما عندکم و متمسکاً بحبل الله المحکم المتین. اولئک لا یمنعهم اشارت من علی الارض و دلالات المشرکین.» (کتاب بدیع، ص ۲۷۱)

مضمون: خداوند رحمان شما، بر خود فرض و واجب نمود که در عالم ابداع دلالت‌گرانی به سوی خود ظاهر نماید تا میان آسمان و زمین قیام نمایند و به ثنای نفس او نطق کنند و علم‌های پیروزی را میان تمام خلائق برافرازند. اینان بندگان هستند که خداوند از غیر خود پاکیزه‌اشان داشته و از آنچه نزد شما است منقطعشان نموده و به ریسمان محکم و استوار الهی تمسکشان بخشیده. نه اشارات عالمیان و نه دلالات مشرکان اینان را (از اراده حق) باز نخواهد داشت.]

۶ « امید چنان است که از فضل سبحانی در این ربیع روحانی کل به خلع انسانی فایز شوند و اثواب خلقة عتیقه رثیة بالیه را به اثواب جدیده الهیه تبدیل نمایند و کل بر امر حق به منتهای استطاعت و قدرت خود قائم شوند و اهل بهاء جناح یکدیگر باشند از برای طیران کل در این هوای روحانی و فضای قدس نورانی و به غیر ماقدره الله تکمیل نمایند و به غیر رضای او مشی نکنند و بر امری تکلم ننمایند مگر به اذن الله.» (کتاب بدیع، ص ۴۰۳)

۷ « قد بعث الله و سوف یبعث لهد الامر ادلاء ینطقن عنه و یتوجهن فی کل حین الیه و لا یتحرکن الا بعد اذنه؛ اولئک لا یبدلن نعمة من نعماتی بکل من فی السموات و الارضین؛ اولئک ادلائ فی الارض و اصفیائی فی البلاد و امنائی بین العباد علیهم رحمتی و بهائی و ذکری و ثنائی و هم عباد مکرمون.» (کتاب بدیع، ص ۴۰۴) (مضمون: خداوند برای این امر مبعوث کرده و نیز به زودی مبعوث خواهد کرد دلالت‌گرانی که از او سخن گویند و در هر لحظه‌ای به او توجه کنند و حرکتی ننمایند مگر به اذن و اجازه او. اینان نغمه‌ای از نعمات الهی را به تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین است مبادله نمایند. اینان دلالت‌گران من هستند در زمین و برگزیدگان من هستند در بلاد و امنای من هستند میان عباد. بر آنان باد رحمت و بهاء و ذکر و ثنای من و آنند بندگان مکرم خداوند.)

۸ « امید هست که حق جل جلاله از توجه و استقامت انا و اصفیای خود برانگیزاند خلقی را که ملتفت شوند و به اصلاح عالم قیام نمایند.» (لثالی الحکمة ۳، فقره ۱۵۷)

۹ « قد کمل الامکان من لواقح الرحمن سوف ینظر منه عباد بهم تنصب ریات اسمی الاعظم علی کل جبل رفیع.» (لثالی الحکمة ۳، فقره ۸۲) (مضمون: عالم امکان از بادهای حامله‌ساز رحمن کامل شد؛ به زودی ظاهر می‌شود از آن، بندگان که به همتشان پرچم‌های نام بزرگوار من بر هر کوهستان بلندی افراشته خواهد شد.)

۱۰ « طوبی لمن عرف البدع فی هذا البدیع الذی به بُدع من فی السموات و الارضین. لویعرف احد حکم البدع فی هذا الظهور، لیطیر من الشوق الی الله الواحد الفرد الخیر.» (لثالی الحکمة ۲، فقره ۷۵، ص ۱۵۷) (مضمون: خوشا به حال کسی که بدعت را در این بدیعی که به آن همه آسمانیان و زمینیان تازه و نوشدند، درک کرد. اگر کسی حکم بدعت را در این ظهور بشناسد، قطعاً از شوق به سوی خداوند واحد فرد خیر پرواز خواهد کرد.)

۱۱ « انا قدرنا هذا الهیکل مبدء الوجود فی خلق البدیع، لیوفنن الکُل بانا کُنّا مقتدرّاً علی ما نشاء؛ بقولی کن فیکون.» (نداء رب الجنود، سوره هیکل، فقره ۱۳- قلم اعلى ۴، ص ۲۷۱) (مضمون: ما این هیکل (هیکل مظهر امرالله) را مبدء وجود در خلق بدیع قرار دادیم؛ تا همه یقین کنند که ما بر هر چه بخواهیم تواناییم؛ به گفته من، "بشو، پس می شود".)

۱۲ « استلک یا الهی ان تظهر لنصرة هذا الظهور من کان قابلاً لاسمک و سلطانک لیدتکرک بین خلقک و یرفع اعلام نصرک فی مملکتک و یزینهم باخلاقک و اوامرک. لا اله الا انت المهیمن القیوم.» (لوح شیخ نجفی، لانگنهان آمان، ۱۳۸ بدیع، ص ۶۴) (مضمون با توجه به ترجمه انگلیسی بیان مبارک: ای خدای من، از تومی خواهم نفوسی را به حمایت این ظهور برانگیزی که لایق نام و سلطنت تو باشند تا تو را در میان خلقت یاد آورند و علم های پیروزی تو را در سرزمینت برافرازند و آنان را به اخلاق و اوامرت زینت دهی. نیست خدایی جز تو که مهیمن و قائم به ذات هستی.)

۱۳ « فسوف یظهرالله فی الارض عباداً ما یمسکهم (بازشان نمی دارد) منع المغلین و یطیرن بجناح القدس و یسیرن فی ممالک البقاء و یدخلن فی سرادق عزمینرا و لا یشغلهم شان فی الملک و لا یلهیهم زخارف الارض عن ذکرالله العلی المقتدر العزیز و اذا یسمعون نغمت الروح تفیض عیونهم من الدمع و یستبشرون بروح الله و یقبلون الی جمال قدس بدیع و لن یدلوا آیات الله بشیء و لو ینفقون بکل من فی السموات و الارض و کلما یسمعون نغمت الله یمیلون الی وطن القرب و یفدون انفسهم فی کل حین.» (جمال ابهی، مائده ۴، ردیف ل، باب هشتم، لوح مدینه التوحید، ص ۳۲۰) (مضمون: به زودی خداوند بندگانی در ارض ظاهر خواهد کرد که منع مغلین آنان را (از حق) باز ندارد؛ بندگانی که به بال های پاکیزه پرواز خواهند کرد و در سرزمین های بقا سیر خواهند نمود و در سراپرده های نورانی عزت وارد خواهند شد و چیزی در عالم ملک آنان را به خود مشغول نخواهد کرد و زخارف دنیا از ذکر خداوند عزیز مقتدر والا بازشان نخواهد داشت و هنگامی که نغمت روح را می شنوند، دیدگان شان از اشک پر خواهد شد و به روح الهی شادمان خواهند گشت و به جمال مقدس بدیع او اقبال خواهند کرد و آیات الهی را با هیچ چیزی عوض نخواهند نمود، حتی اگر هر آنچه در آسمان ها و زمین است به آنان داده شود، و هر وقت به

نعمات الهی گوش می سپارند متمایل به وطن قرب خواهند شد و در هر حین خود را فدای (حق) خواهند کرد.]

۱۴ « فسوف يظهر الله قوما يذكرون أيامنا وكل ما ورد علينا و يطلبون حقنا عن الذين هم ظلمونا بغير جرم و لا ذنب مبین.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۶۶- نداء رب الجنود، سورة ملوك، بند ۵۳) (مضمون: به زودی خداوند قومی را ظاهر خواهد کرد که ایام ما و آنچه را بر ما وارد شد به یاد آورند و حق ما را از کسانی که بدون جرمی و گناهی بر ما ستم روا داشتند، طلب نمایند.)

۱۵ « سوف يخلق الله منه (هذا الهيكل = مظهر الهی) خلقاً لا تحجبهم اشارات الذينهم بغوا على الله و هم يشربون في كل الاحيان كوثر الحيوان الا انهم هم الفائزون. اولئك العباد الذين استقروا في ظل رحمة ربهم و ما منعهم المانعون. يرى من وجوههم نصره الرحمن و يسمع من قلوبهم ذكر اسمى العزيز المكنون. اولئك لو تفتح شفواتهم في تسبيح ربهم يسبحن معهم من في السموات و الارض و قليلاً من الناس ما هم يسمعون و اذا يذكرون بارئهم يذكرون معهم كل الاشياء كذلك فضلهم الله على الخلق و لكن الناس لا يعلمون؛ و يتحركون حول امرالله كما يتحرك الظل حول الشمس. ان افتحوا الابصار يا ملاً البيان لعل انتم تشهدون و بحركة هولاء يتحرك كل شيء و بسكونهم يسكن كل شيء ان انتم توقنون؛ بهم يقبل الموحدون الى قبة الآفاق و ظهرت السكينة و الوقار بين الاخيار ان انتم تعلمون؛ و بهم استقرت الارض و امطرت السحاب و نزلت مائدة القدس من سماء الفضل ان انتم تفقهون. اولئك حفظة امرالله في الارض، يحفظون جمال الامر من عجاج كل مشرك مبعوض و لا يخافن من انفسهم في سبيل الله بل ينفقونها رجاء للقاء المحبوب و استعلائه بهذا الاسم المقتدر القادر العزيز القدوس.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره ۱، ص ۲- نداء رب الجنود، سورة هيكل، بند ۱۳- آثار قلم اعلى ۴، صص ۲۷۲-۲۷۱) (مضمون: نه چندان دير، خداوند از آن (این هيكل = مظهر الهی)، خلقی را خواهد آفرید که اشارات ستمگران و نافرمانان گمراهشان نسازد، و آنان در هر لحظه از كوثر زندگی می نوشند، آیا آنان از فائزان نیستند؟ آنان بندگان هستند که در سایه رحمت پروردگارشان جای گرفتند و منع کنندگان از راه خدا بازشان نداشت. از سیمایشان نصره رحمان دیده می شود و از قلوبشان ذکر نام عزیز و مكنون من شنیده می گردد. آنان اگر لب به ستایش خالقشان بگشایند، همه اهل آسمانها و زمین با آنان ستایش خواهند کرد و اندکند نفوسی که این ستایش را بشنوند و هنگامی که آفریدگارشان را یاد می کنند همه اشیا نیز همصدا با آنان او را یاد می نمایند؛ این چنین خداوند آنان را بر خلق خود برتری داد، ولی مردمان نمی دانند؛ و آنان حول امر الهی طواف خواهند کرد، همانسان که سایه حول خورشید طواف می کند. هان بگشایید چشمانتان را ای اهل بیان، شاید شما هم ببینید؛ و به حرکت آنان هر چیزی حرکت می کند و به سکونشان هر چیزی ساکن می شود، اگر شما از

یقین کنندگانید؛ به واسطه آنان است که یکتاپرستان به قبله عالم اقبال می نمایند و آرامش و وقار میان اختیار ظاهر شد، اگر شما از دانایانید. به وساطت آنان زمین استقرار یافت و ابر باریدن گرفت و مائده قدس از آسمان فضل نازل شد، اگر شما می فهید. آنان حافظان امرالهی در زمینند و جمال و زیبایی امر را از گرد و غبار هر مشرک مبغوضی محافظت می کنند و در راه خدا از جان خود نیز نمی هراسند، بلکه آن را به امید دیدار محبوب و برتری یافتن او به مدد این نام مقتدر توانای عزیز قدوس، انفاق می کنند.

۱۶) « سوف یبعث الله رجلاً ینصرون المظلوم بالحکمة و البیان انه هو العلیم الخیر. » (آثار قلم اعلی ۲، ص ۷۳) (مضمون: به زودی خداوند مردانی مبعوث خواهد کرد که مظلوم (مظهرالهی) را به حکمت و بیان یاری کنند؛ همانا او دانا و آگاه است.)

۱۷) « ان استقیموا یا قوم علی الصراط؛ فسوف یبعث الله قوماً یستقیمن علی الامر و ینکرته بوله و شوق و انجذاب و لا یمنعهم شیء عما فی السموات و الارض. اولئک یرسلون علیهم الملائکة و الروح ثم اهل ملاً القدس ثم الذینهم کانوا فی سرادق القرب عن خلف الحجاب. و ان من شیء الا یدکرن اسمائهم و یستقرین الی الله. قل تالله باسمائهم تصحّ الناقوس و تدلع دیک الفردوس و تغنّ الرباب. » (آثار قلم اعلی ۴، ص ۸، لوح با مطلع: بسم الله البهی الابهی) (مضمون: ای قوم من، در راه خدا پایداری نمایید؛ به زودی خداوند قومی را برخواهد انگیخت که بر امرالهی استقامت ورزند و او را با وله و شوق و انجذاب یاد کنند و هیچ چیزی از آنچه در آسمانها و زمین است از این کار بازشان ندارد. فرشتگان و روح، سپس اهل ملاء قدس، سپس کسانی که در پشت حجاب، در سرادق قرب به سر می برند، بر آنان درود می فرستند. هیچ شیئی نیست مگر آن که نامهای آنان را ذکر می کند و به واسطه آنان به خداوند نزدیکی می جوید. بگو به خداوند قسم، به نامهای آنان ناقوس فریاد می زند و خروس بهشتی بانگ برمی آورد و رباب نغمه می سراید.)

۱۸) « قل تالله یا ملاً الاعراض انتم و ما عندکم من الغلّ و البغضاء، عند الله ککفّ تراب او کقبضة طین مسنون. و انا لو نرید لننشأ خلقاً اخری، فسوف ننشأها بالحق رغماً لانفکم. انه ما من امر الا بعد اذنه و ما من حکم الا بعلمه، یفعل ما یشاء، بقوله کن فیکون. » (آثار قلم اعلی ۴، ص ۳۰-سورة الحج) (مضمون: بگو به خداوند قسم، ای گروه معرضان، شما و آنچه از بغض و کینه دارید، نزد خداوند چون مشت خاکی متعفن است. اگر بخواهیم خلق دیگری برمی آفرینیم، و به زودی، به حق و راستی، و به نشانه شکست و ذلت شما، آن را خواهیم آفرید. هیچ کاری نیست مگر بعد از اذن او و هیچ حکمی نیست مگر به علم او، هر کاری که بخواهد می کند، به فرموده اش: باش، پس می باشد.)

۱۹) « من المشركين من بغى فى نفسه على الله و قال بان الناس لن يتبعوا هذا الغلام الذى استوى على عرش قدس منير و لن يستقر امره فى الارض... قل فوالله الذى لا اله الا هو، فسوف ينزل الله من غمام الامر جنوداً بشهاب من القدرة و القوة و ينصرون الغلام بنصر الذى ما شهدت مثله عيون الخلائق اجمعين، و يبعث بسلطانه حقايق التبيين و المرسلين و يسمعهم اطوار ورقات المعلقات على غصن هذه الشجرة التى نبتت على سيناء الرحمن فى هذا الرضوان الذى ظهر باسم السبحان على هذا المقام المقدس البديع المنيع.» (آثار قلم اعلى ۴، ص ۴۵- لوح الروح) امضمون: از مشركان كسى است كه در نفسش نسبت به خداوند غرور و نافرمانى بنمود و گفت: مردمان از اين غلامى (مظهرالهي) كه بر نشستگاه پاكيزه نورانى برآمده، پيروي نخواهند كرد و امر او در زمين استقرار نخواهد يافت... بگو به خدایى كه نیست خدایى جز او سوگند، به زودی خداوند از ابر امر، لشكريانى با قدرت و قوتى چون برق درخشان، فروخواهد فرستاد و آنان غلام الهى را به نصرتى يارى خواهند كرد كه چشمان همه مردمان ماندش را ندیده باشد و به قدرت خود حقايق انبياء و رسولان را مبعوث خواهد كرد و نغمات كبوتران نشسته بر غصن اين شجره را به آنان خواهد شنواند، شجره‌اى كه بر سرزمين سيناي الهى، در اين فردوس روبيده، فردوسى كه به نام خداوند سبحان، بر اين جايگاه مقدس بديع منيع نمودار گشته است.]

۲۰) « فسوف يبعث الله قلوباً طاهراً و انفساً زكياً و خلقاً بديعاً و يسكنهم فى ظلّ هذا الرضوان و يسقيهم انامل الرحمن خمراً الاطمينان بحيث يشهدن كل من فى السموات و الارض كيوم لم يكن منهم احد مذكوراً. فو جمالى نفس من هؤلاء فى استقامتهم على الامر ليكون عند الله خيراً عن عبادة العالمين مجموعاً. اولئك يستقرن على سرر القدس فى فردوس الاعظم و يطوفن فى حولهم غلمان الرحمن كاؤس من ماء الحيوان و يسقون منها فى كل الاحيان و كذلك رشح عليك بحر الاعظم الذى يغن كل موج من امواجه بانه انا الله لا اله الا انا و انى قد كنت فى قلوب العالمين مذكوراً.» (آثار قلم اعلى ۴، ص ۴۸- لوح الروح) (مضمون: به زودی خداوند قلب‌هایی پاكيزه و نفس‌هایی زكيه و خلقى بديع مبعوث خواهد كرد و آنان را در سايه اين رضوان مسكن و مأوى خواهد داد و انگشتان رحمان شراب اطمينان به آنان خواهد نوشاند، به طوري كه همه اهل آسمان‌ها و زمين را مانند روزى مشاهده كنند كه هيچ يك از آنان مذكور و موجود نبود. قسم به جمال، نزد خداوند، نفسى از آنان در استقامتشان بر امر، نيكوتر از پرستش كل عالميان خواهد بود. آنان بر تخت‌هاى پاكيزه در فردوس اعظم مستقر خواهند شد و غلامان الهى جام‌هایی از آب زندگى را در اطرافشان به دور خواهند آورد كه از آن در هر لحظه خواهند نوشيد. اين چنين دريائى

اعظم، قطراتی بر تو برافشانند؛ دریایی که هر موج آن به آواز بلند می‌گوید: همانا او، من خداوند هستم، نیست خدایی جز من، که از قبل در قلوب جهانیان مذکور بوده‌ام.^۱

(۲۱) «قل لن یقبل الیوم ایمان احدٍ ولا عمل نفس الا بان تتبع هذا الامر المبرم العزیز الحکیم و انتم ان لن تؤمنوا فسوف یبعث الله قوماً و یسمعهم نعمات الامر و یدخلهم فی هذا الرضوان الذی جعله الله آیه کبریائه بین السموات و الارضین. اولئک یعرفون بارتهم بنفسه و بما نزل من عنده من آیات الله المهیمن العزیز الغالب المنیر. و یدعون کل ما عند الناس عن ورائهم و لو یكون کتب الاولین و الآخیرین.» (آثار قلم اعلی ۴، ص ۵۷-سورة السلطان) (مضمون: بگو امروز نه ایمان کسی پذیرفته می‌شود و نه عمل نفسی، مگر این که از این امر مبرم عزیز حکیم تبعیت کند؛ و شما اگر ایمان نمی‌آورید، به زودی خداوند قوم دیگری را مبعوث خواهد کرد و نعمات امرالهی را به آنان خواهد شنواند و آنان را در این رضوان که خداوند نشانه بزرگ خود میان آسمان‌ها و زمین‌ها قرارش داد، داخل خواهد کرد. آنان خالق خود را به نفس او و به آنچه از آیات خداوند که از نزدش نازل شده، خواهند شناخت؛ خداوندی که مهیمن و عزیز و غالب و منیر است. آنان هر آنچه را که مردمان دارا هستند، ولو این که کتاب‌های اولین و آخرین باشد، به کناری خواهند افکند.)

(۲۲) «قل... رُقم من اصبع صنع ربک فی هذا الكتاب (سورة هیکل) ما یعجز عن ادراکة العارفون و خلق فیهِ هیاکلُ التی ما اطّلعَ بهم احدٌ الا نفسُ الله العلی المهیمن القیوم.» (قلم اعلی ۴، ص ۲۸۱) [مضمون: بگو... در این کتاب (سورة هیکل)، از انگشتان آفرینش پروردگارت چیزی رقم خورده است که عارفان از ادراکش عاجزند و در آن، هیاکلی خلق شده است که احدی از آنان آگاهی ندارد، مگر خود خداوند علی مهیمن قیوم.]

(۲۳) «سوف... یبعث (الله) بارادته خلقاً ما اطّلع علیهم احد الا نفسه المهیمن القیوم و یطهرهم عن دنس الوهم و الهوی و یرفعهم الی مقام التقدیس و یظهر منهم آثار عز سلطانه فی الأرض کذلک قدر من لدی الله العزیز الودود.» (نداء رب الجنود، سورة هیکل، بند ۸- آثار قلم اعلی ۱، فقره ۱، ص ۱- آثار قلم اعلی ۴، ص ۲۷۰) [مضمون: به زودی... (خداوند) به اراده خود خلقی را برخواهد انگیزد که هیچ کس از آنان خبر ندارد، مگر خودش که مهیمن و قیوم است؛ و آنان را از لوث وهم و هوی پاکیزه خواهد کرد و به مقام پاکیزگی برخواهد افراشت و آثار عزت و سلطنت خود در زمین را از آنان ظاهر خواهد نمود. این گونه مقدر شد از نزد خداوند عزیز و مهربان.]

^۱ ابتدا با ضمیر اشاره "او" به ذات غیر قابل شناخت خداوند اشاره می‌شود، و سپس با عبارات بعدی از این ذات ازلی، نفی اسماء و صفات می‌گردد.

۲۴) « يا عين هذا الهيكل، لا تلتفتي الى السماء وما فيها ولا الى الأرض و من عليها؛ انا خلقناك لجمالی... سوف نبعث بك عيوناً جديدةً و ابصاراً ناظرَةً، يرون بها آيات بارئهم و يحولن النظر عن كل ما ادركه المدركون و بك نعطي قوّة البصر لمن نشاء و نأخذ الذين منعوا عن هذا الفضل، الا انهم من كأس الوهم يكرعون و لا يفقهون.» (نداء ربّ الجنود، سورة هیکل، بند ۱۹- قلم اعلى ۴، ص ۲۷۲-۲۷۱) [مضمون: ای چشم این هیكل، به آسمان و آنچه در آن است نظر مکن و نه به زمین و آنچه بر آن است؛ ما ترا برای (تماشای) جمال خود آفریدیم. به زودی به واسطه تو، چشم‌هایی تیزبین و دیدگانی بینا خلق خواهیم کرد که با آن آیات خالقشان را ببینند و نظر از همه آنچه مدرکان درک کرده‌اند برتابند؛ و به واسطه توبه هر کس که بخوایم نیروی بینش عطا خواهیم کرد و کسانی را که از این فضل الهی منع شده‌اند اخذ خواهیم نمود، بدان که آنان از جام وهم و خیال می‌نوشتند و نمی‌فهمند.]

۲۵) « يا سمع هذا الهيكل، طهر نفسك عن نعيق كل ناعق مردود، ثم اسمع نداء ربك انه يوحى اليك من جهة العرش انه لا اله الا انا العزيز المقتدر المهيمن القيوم. سوف نبعث بك آذاناً مطهرة لاصغاء كلمة الله^۱ و ما ظهر من مطلع بيان ربك الرحمن؛ الا انها تجد ترنمات الوحي من هذا الشطر المبارك المحمود.» (نداء ربّ الجنود، سورة هیکل، بند ۲۰- قلم اعلى ۴، ص ۲۷۲) (مضمون: ای گوش این هیكل، خود را از صدای شوم هر ندادهنده مردودی پاکیزه دار، سپس ندای پروردگارت را بشنو که از جهت عرش الهی به تو الهام می‌شود و می‌گوید: همانا او، نیست خدایی جز من که عزیز و مقتدر و مهیمن و قیوم هستم. به زودی به واسطه تو، گوش‌هایی مطهر خلق خواهیم کرد تا بشنوند کلمه الهی و آنچه را از مطلع بیان پروردگار رحمانت پدیدار گشته؛ بدان که این گوش، نعمات وحی را که از این جهت مبارک محمود بلند است، درمی‌یابد.)

۲۶) « يا لسان هذا الهيكل، انا خلقناك باسمي الرحمن و علمناك ما كنز في البيان و انطقناك لذكری العظيم في الامكان... بك نبعث السنأ ناطقة تتحرك بالثناء في الملاء الاعلى و بين ملاء الانشاء كذلك نزلت الآيات و قضی الأمر من لدن مالك الأسماء و الصفات.» (نداء ربّ الجنود، سورة هیکل، بند ۲۱) (مضمون: ای زبان این هیكل، ما ترا به نام رحمان خود خلق کردیم و آنچه را در بیان پنهان بود به تو آموختیم و به ذکر و ثنای عظیم خود ناطق کردیم... به وسیله تو زبان‌های گویا مبعوث خواهیم کرد که در ملاء اعلى و میان ملاء انشاء به سخن آیند؛ اینچنین آیات نازل شد و امر از نزد مالك اسماء و صفات مقدّر گشت.)

^۱ به مبحث ۸۱ رجوع شود.

۲۷) «یا حوریة المعانی،... ان لن تجدی احداً ان یأخذ من الید البیضاء الخمر الحمراء باسم ربك العلیّ الاعلیّ الذی ظهر مرّة بعد اولی بأسمه الأبهی، لا تحزنی؛ دعی هؤلاء بانفسهم ثم ارجعی الی سرادق العظمة و الکبرياء، اذاً تجدی قوماً تضیء وجوههم کالشّمس فی وسط الزّوال؛ و هم یهللون و یسبحون ربّهم بهذا الاسم الذی قام علی مقرّ الاستقلال بسطان العزّة و الجلال. انک لن تسمعی منهم الا ذکری و ثنایی، ان ربک شهید علی ما اقول و ما اطلع علی هؤلاء احد من الذین خلقوا من کلمة الله فی ازل الآزال، کذلک فصلنا لك الامر و صرفنا الآیات لعلّ الناس فی آثار ربّهم یتفکرون.» (نداء ربّ الجنود، سورة هیکل، بندهای ۲۲ و ۲۳- قلم اعلی ۴، صص ۲۷۵-۲۷۴) [مضمون: ای حوریة معانی،... اگر کسی را نمی یابی که به نام پروردگار علیّ اعلایت که یک بار دیگر به نام ابهائش ظاهر شد، از دست سفیدوش، شراب سرخ فام اخذ کند، محزون مشو؛ اینان را به حال خود بگذار و به سرادق عظمت و کبریا باز گرد، آنگاه قومی را خواهی یافت که چهره هایشان چون خورشید نیم روزی می درخشد؛ آنان پروردگارشان را به این نامی که به سلطان عزّت و جلال، در مقرّ استقلال قیام کرد، تهلیل (لا اله الا الله گفتن) و تسبیح (سبحان الله گفتن) خواهند کرد. تو از آنان جز ذکر و ثنای من نخواهی شنید، همانا پروردگارت به آنچه می گویم گواه است، و هیچ نفسی از آنان که از آغاز زمان، از کلمة الهی خلق شدند؛ در باره آنان چیزی نمی داند. اینچنین امر را برای تفصیل دادیم و آیات را برای تصریف کردیم، شاید مردمان در آثار پروردگارشان تفکر کنند.]

۲۸) «انهم (قوماً تضیء وجوههم کالشّمس فی وسط الزّوال) ما أمروا بسجدة آدم و ما حولوا وجوههم عن وجه ربک، و هم بنعمة التقدیس فی کلّ حین یتنعمون. کذلک رقم قلم الرّحمن اسرار ما کان و ما یكون، لعلّ الناس هم یعرفون. سوف یظهر الله هؤلاء فی الأرض و یرفع بهم ذکرة و ینشر آثاره و یثبت کلماته و یعلن آیاته رغماً للذینهم کفروا و انکروا و کانوا بأیاته یجحدون.» (نداء ربّ الجنود، سورة هیکل، بند ۲۴) [مضمون: آنان (قومی که چهره هایشان چون خورشید نیم روزی می درخشد) به سجدة حضرت آدم امر نشدند^۱ و چهره از سیمای پروردگارشان باز نتافتند، و در هر لحظه، از نعمت تقدیس برخوردارند. این گونه قلم رحمان اسرار آنچه بود و آنچه هست را بنگاشت، شاید مردمان بشناسند. به زودی خداوند آنان را در زمین ظاهر خواهد کرد و به واسطه آنان ذکر خود را بلند خواهد نمود و آثار خود را انتشار خواهد داد و کلمات خود را تثبیت خواهد کرد و آیات خود را اعلان خواهد نمود، و بدین سان پیشانی کافران و منکران و نیز از آن کسانی را که با آثارش مخالفت کردند، بر خالک خواهد مالید.]

^۱ سورة بقره آیه ۳۴. «وإذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس أبى واستكبر وكان من الكافرين.» (و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید، پس بجز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد [همه] به سجده درافتادند) (ترجمه از متن قرآن است) و نیز سورة اعراف آیه ۱۱.

۲۹) « یا قلم البقاء، لا تحزن عما ورد عليك؛ سوف يبعث الله خلقاً يرون بأبصارهم و يذكرون ما ورد عليك.» (نداء رب الجنود، سورة هیکل، بند ۳۰- آثار قلم اعلى ۴، ص ۲۷۷) ای قلم بقاء (قلم یکی از نمادهای مبین هیکل عنصری مظهرالهی است)، غمگین مشو از آنچه بر تو وارد شد؛ به زودی خداوند خلقی را برخواهدانگیخت که به چشمان خود بنگرند و آنچه را بر تو وارد شد یاد آورند.]

۳۰) « یا هذا الهیکل، ابسط يدك على من فی السموات و الأرض و خذ زمام الأمر بقبضة ارادتک... بارتفاع يدك الى سماء فضلی ترتفع ایدى كل شيء الى الله المقتدر العزيز الودود. سوف نبعث من يدك ایدى القوة و القدرة و الاقتدار و نظهر بها قدرتی لمن فی ملکوت الأمر و الخلق، ليعرف العباد انه لا اله الا انا المهيمن القيوم و بها نعطي و نأخذ و لا يعرف ذلك الا الذينهم ببصر الروح ينظرون.» (نداء رب الجنود، سورة هیکل، بند ۳۱- قلم اعلى ۴، ص ۲۷۸) (مضمون: ای این هیکل (خطاب به نفس هیکل مقدس مظهرالهی است)، دستت را بر آسمانیان و زمینیان برافراز و زمام امر را در قبضة اراده خود گیر... به ارتفاع دست تو به سوی آسمان فضل من، دست همه اشیا به سمت خداوند مقتدر و عزیز و مهربان افراشته می شود. به زودی از دست تو دست های قوت و قدرت و اقتدار خلق خواهیم کرد و با آن، قدرت خود را در ملکوت امر و خلق، ظاهر خواهیم نمود تا بندگان بفهمند که همانا او، نیست خدایی جز من که مهیمن و قیوم هستم، و به واسطه آن دستها، می بخشیم و اخذ می کنیم و کسی این را نمی داند؛ جز آنان که به چشم روح می نگرند.)

۳۱) « یا قلم،... سوف يبعث الله بك ذوی ایدى غالبه و اعضاء قاهرة، يخرجن عن خلف الأستار و ينصرن نفس الرحمن بين الامکان و يصيحن بصيحة تتميز منها الصدور. كذلك رقم فی لوح مسطور و يظهرن بسطوة يأخذ الخوف سكان الأرض بحيث كلهم يضطربون.» (نداء رب الجنود، سورة هیکل، بندهای ۴۰ و ۴۱) (ای قلم،... به زودی خداوند به واسطه تو، صاحبان دست های غالب و بازوانی قاهر مبعوث خواهد کرد؛ آنان از پشت پرده ها بیرون خواهند آمد و خداوند رحمان را میان اهل امکان، یاری خواهند کرد و چنان صیحه ای خواهند زد که سینه ها از آن شکافته شود. اینچنین بر لوحی نوشته شده نقش بست؛ و آنان به سطوت و قدرتی ظاهر خواهند شد که ترس، ساکنان زمین را اخذ کند و همگان مضطرب و هراسان شوند.»

۳۲) « یا هیکل الأمر، ان لن تجد مقبلاً الى مواهبك لا تحزن... انا لَمَّا وجدنا الايدى غير طاهرة فی الأرض، لذا جعلنا ذيلك مطهراً عن مسها و مس الذينهم مشرکون. اصبر فی امر ربك، سوف يبعث الله اولی افئدة طاهرة و ابصار منيرة يهين من كل الجهات الى جهة فضلك المحيط المبسوط.» (نداء رب الجنود، سورة هیکل، بند ۴۸- آثار قلم اعلى ۴، ص ۲۸۲) (مضمون: ای هیکل امر (نوعی خطاب

دیگر به مظهر عظیم الهی)، اگر برای مواهب خود مقبلی نمی یابی، محزون باش... ما چون در زمین دستها را نپاک یافتیم، بنابراین، دامن ترا از لمس آنها و لمس مشرکان پاکیزه داشتیم. در امر پروردگارت شکبیا باش، به زودی خداوند صاحبان قلبهای پاکیزه و چشمهای نورانی خلق خواهد کرد که از همه جهات اعراض کنند و به سوی فضل فراگیر و گسترده تو اقبال نمایند.)

۳۳ «یا رجل هذا الهیکل، انا خلقناک من الحديد؛ استقیمی علی امر ربک بحيث تستقیم بک ارجل المنقطعین علی صراط ربک العزیز الحکیم. ایاک ان تتحرکی من عواصف البغضاء و قواصف هؤلاء الأشقیاء؛ اثبتی علی الأمر و کونی من الثابتین... سوف نبعث منک اولی ارجل مستقیمة یقومن علی الصراط و لا یزلن عنه ولو تحاربهم جنود تعادل جنود الاولین و الآخین.» (نداء رب الجنود، سورة هیکل، بند ۶۱-۶۰ قلم اعلی ۴، ص ۲۸۷-۲۸۶) (مضمون: ای پای این هیکل، ما ترا از آهن خلق کردیم؛ بر امر پروردگارت مستقیم باش، آنچنان که به واسطه تو پاهای منقطعان، در راه پروردگار عزیز و حکیمت مستقیم گردد. مبادا از طوفانهای بغض و عدوان و گردبادهای این ستمگران بلغزی؛ بر امر الهی پایدار و از ثابتان باش... به زودی به واسطه تو پاهایی مستقیم مبعوث خواهیم کرد که در راه خدا قیام کنند و از آن نلغزند، حتی اگر لشکریانی بیشتر از لشکریان اولین و آخرین، با آنان به نبرد برخیزند.)

۳۴ «فسوف یرج الله من اکمام القدرة ایدای القوة و الغلبة و ینصرن الغلام و یطهرن الارض عن دنس کل مشرک مردود و یقومن علی الامر و یفتحن البلاد باسمی المقتدر القیوم و یدخلن خلال الدیار و یأخذن رعبهم کل العباد؛ هذا من بطش الله ان بطشه شدید بالعدل، انه لمحیط علی من فی السموات و الارض ینزل ما یشاء علی قدر مقدور. ولو یقوم احد من هؤلاء فی مقابلة ما خلق فی الابداع لیکون غالباً بغلبة ارادتی.» (سورة هیکل، نداء رب الجنود، فقرة ۳۴- آثار قلم اعلی ۴، ص ۲۷۹) (مضمون: به زودی خداوند از آستینهای قدرت، دستهای قوت و غلبه را خارج خواهد کرد و آنان غلام الهی (حضرت بهاءالله) را یاری خواهند نمود و زمین را از پلیدی هر مشرک مردودی پاکیزه خواهند ساخت و بر امر الهی قیام خواهند کرد و به نام مقتدر و قیوم من، سرزمینها را فتح خواهند نمود و در دیارها وارد خواهند شد و رعبشان کل عباد را اخذ خواهد کرد و این از خشم خداوند است که خشم و غضب او بسی شدید است؛ او بر آسمانیان و زمینیان مسلط است و هر چه را بخواهد به قدر مقدور نازل و ظاهر می نماید. اگر یک تن از اینان در مقابل همه آنچه در ابداع خلق گشته، بایستد؛ قطعاً به غلبه اراده من، پیروز خواهد شد.]

۳۵ «یا صدر هذا الهیکل، انا جعلنا الاشیاء مرایا نفسک و جعلناک مرآت نفسی؛ فاشرق علی صدور الممكنات بما تجلی علیک من انوار ربک لیطهرها عن الحدود و الاشارات... انا بدنا منک صدوراً ممرّدة و نعیدها الیک رحمة من لدنا علیک و علی المقربین. سوف نبعث بک اولی صدور صافیة و ترائب منیرة لن

یحکوا الا عن جمالی و لن یدلن الا علی تجلیات وجهی؛ انهم مرايا اسمایی بین الخلائق اجمعین.» (نداء رب الجنود، سورة هیکل، بند ۶۴-۶۵- قلم اعلیٰ ۴، ص ۲۸۸) (مضمون: ای سینه این هیکل، ما اشیاء را آینه نفس تو و تو را آینه نفس خود قرار دادیم؛ پس بازتابان بر سینه‌های ممکنات آنچه از انوار پروردگارت که بر تو تجلی کرد تا آن‌ها را از حدود و اشارات پاک نماید... ما از تو سینه‌هایی پاکیزه خلق کردیم و آن‌ها را به سوی خودت باز خواهیم گرداند و این رحمتی است از نزد ما بر تو و بر مقربان. به زودی به واسطه تو صدرهایی صاف و سینه‌هایی خالص خلق خواهیم کرد که هرگز از هیچ چیز جز جمال من حکایت نکنند و بر هیچ چیز جز تجلیات سیمای من در میان مردمان، دلالت نمایند.)

(۳۶) «ان یا لسان هذا الهیکل،... فم علی ذکر البدیع و لا تخف من مظاهر الشیطان... بک نبعت السن ناطقة کلها یحرکن بالثناء فی ملاء البقاء و بین ملاء الانشاء، بدایع الذکر هم یدکرون و لن یمنعهم شیء عن ثناء بارئهم.» (قلم اعلیٰ ۴، ص ۲۷۴) (مضمون: ای زبان این هیکل،... به پا خیز بر ذکر بدیع و از مظاهر ابلیس مهراس... به وسیله تو زبان‌هایی ناطق خلق خواهیم کرد که به تمامه میان گروه جاودانگان و میان مردمان، به بدایع ذکر مشغول گردند و هرگز چیزی آنان را از ذکر و ثنای خالقشان باز نخواهد داشت.)

(۳۷) «عنقریب نفوسی در (عرصه) علم ظاهر شوند و به کمال نصرت قیام نمایند و در جواب هر اعتراضی ادله محکمه متقنه مرقوم دارند؛ چه که قلوبشان ملهم می‌شود به الهامات غیبیه الهیه.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۲۰۹- امر و خلق ۴، ص ۴۷۴- مجموعه الواح حضرت بهاء الله به خط مشکین قلم، لوح خطاب به حاجی محمد کریمخان کرمانی، ص ۹۵)

(۳۸) «از خدا می‌طلبیم... از ساذج کلمه امریه، هیاکل مقدسه مبعوث فرماید به شانی که جمیع من فی العالمین را مفقود و معدوم شمرند و جز حق موجود و ناطق و متکلم و قادر نبینند. انه علی ما یشاء قدیر.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۶۰) (مضمون عبارت: همانا او بر آنچه بخواهد توانا است.)

(۳۹) «لن یصینا الا ما کتب الله لنا. اگر چه این ایام مطالع ظلم و اعتساف بر ضرر این مظلوم قیام نموده‌اند؛ سوف یتظهر الله کنوزه لنصرة امره و نباه و این کنوز رجالد لا تمنعهم سطوة و لا تخوفهم شوکه و لا تضعفهم الصفوف و الالوف؛ به حکمت و بیان امکان را مسخر نمایند.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۴) (مضمون بخش‌های عربی: به ما اصابت نمی‌کند مگر آنچه خداوند برایمان مقدر نماید... به زودی خداوند گنج‌های خود را برای یاری امرش و خبرش ظاهر خواهد کرد... نه حمله و هجومی باز نشان دارد و نه شوکت و قدرتی ترسانشان سازد و نه صفوف و الوفی تضعیفشان کند.)

(۴۰) «ای رب، أسئلك باسمك الّذی ما أطلع به إلا نفسک العلیم، بان تبعث بسطانک من یتقوم علی نُصرة أمرک و اعلاء کلمتک و إظهار سلطنتک بین بریتک.» (نفحات الرحمن، ص ۱۵۲) (مضمون: ای

پروردگار من، از تو می‌خواهم به حق اسمت که تنها خودت به آن آگاه هستی، این که به قدرت و احاطه‌ات، کسی را برانگیزی که بر نصرت امرت و اعلاء کلمات و اظهار سلطنت میان خلقت قیام کند.»

(۴۱) « عنقریب ید قدرت محیطهٔ الهیهٔ نفوسی چند خلق فرماید که جمیع احجاب را خرق نمایند و بی‌ستر و حجاب به مکمن ربّ الارباب درآیند و در سبیل محبوب از هیچ آبی مخمود نشوند و از هیچ ناری جزع نمایند؛ غیر معبود را مفقود شمرند و ماسوای مقصود را معدوم مشاهده نمایند و در کلّ اوان اهل امکان را به سلاسل بیان به رضوان قدس رحمن کشند. قسم به آفتاب معانی که انوار این نفوس اهل ملأ اعلیٰ را مستنیر نماید، چنانچه شمس اهل ارض را.» (آیات الهی ۱، ۱۷ نوامبر- مائدهٔ آسمانی ۷، باب اول، ص ۲۵)

(۴۲) « ملاحظهٔ قدرت مظهر ظهور را فرماید که به حرفی از اسم عباد خود، اگر بخواهد، جمیع هیاکل احدیه و مظاهر صمدیه را خلق فرماید.» (آیات الهی ۱، ۲۳ می)

(۴۳) « از حقّ می‌طلبیم نفوسی مبعوث فرماید که حلاوت امر و حلاوت بیان و عظمت یوم را بیابند و از عالم و عالمیان خود را فارغ و آزاد مشاهده نمایند.» (آیات الهی ۲، ۶ ژوئیه)

(۴۴) « از حقّ تعالیٰ شأنه سائل و آمل، از کلمه علیا مبعوث فرماید نفوسی را که شعونات ظاهره ایشان را مشغول نسازد و از سبیل مستقیم باز ندارد.» (آیات الهی ۲، ۲۴ ژوئیه)

(۴۵) « یا ایها الناظرُ الی الوجه، از حقّ جلّ جلالهٔ مسئلت نما خلقی را به قدرت کامله خود برانگیزاند و مبعوث فرماید که شاید حامل امانت شوند و حافظ لئالی حکمت.» (آیات الهی ۲، ۱۴ مارس)

(۴۶) « عنقریب از خلف استار عصمت الهی هیاکلی ظاهر شوند که به بصر الهی حقّ را از باطل و شمس را از ظلّ فرق گذارند و به هیچ بندی از صراط مستقیم ممنوع نشوند و به هیچ سدی از نبأ عظیم محروم نگردند.» (جمال ابهی، مائدهٔ آسمانی ۷، باب اول، ص ۴۰)

(۴۷) « سوف یُظهرُ الله قوماً یدکرون ایامنا و کلّ ما ورد علینا و یطلبون حقّنا عن الذین هم ظلمونا بغیر جرم و لا ذنب مبین.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، فقره ۶۶- مندرج در توقیع ۸۹ بدیع، مجموعهٔ توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۸) (مضمون: به زودی خداوند قومی را ظاهر خواهد کرد که ایام ما و آنچه را بر ما وارد شد، یاد کنند و حقّ ما را از کسانی که به ما بدون جرم و گناهی ستم ورزیدند بگیرند.)

(۴۸) « و لله خلف سُرّادق القدس، عبادٌ یظهرنّ فی الارض و ینصرنّ هذا الامر و لن یخافنّ من احدٍ ولو یحاربنّ معهم کلّ الخلائق اجمعین. اولئک یقومنّ بین السموات و الارض و یدکرنّ الله باعلیٰ ندائهم و یدعون الناس الی صراطِ الله العزیز الحمید.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۲۹- مندرج در ظهور

عدل الهی، ترجمهٔ فتح اعظم، ص ۴۲) (مضمون: برای خداوند پشت پرده‌های پاکیزه، بندگانی است که در زمین ظاهر خواهند شد و این امر را یاری خواهند کرد؛ آنان از هیچ کسی ترسی نخواهند داشت و لو این که همهٔ مردمان به جنگ با آنان برخیزند. آنان بین آسمان‌ها و زمین قیام خواهند نمود و خداوند را به بلندترین نداها ذکر خواهند کرد و مردمان را به راه راست خداوند عزیز حمید دعوت خواهند نمود.)

۴۹) « سوف يُظهِرُ اللهُ كُنُوزَ الارضِ، و هم رجالٌ ينصرونك بك و باسمك الذي به احيى الله افئدة العارفين. » (لوح شیخ نجفی، ص ۱۷- مذکور توسط بیت العدل اعظم در رسالهٔ حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۹) (مضمون: به زودی خداوند گنج‌های زمین را مبعوث خواهد کرد؛ و آنان مردانی هستند که تو (مظهر الهی) را به وسیلهٔ خودت و به نامت یاری خواهند کرد، نامی که خداوند با آن قلوب عارفان را حیات بخشید.)

۵۰) « ان يا هذا الهيكل،... فسوف يعث الله منك ايادياً غالبَةً و اعضاءاً قاهرةً يخرجن عن خلف السكون و ينصرن نفس الرحمن بين الامكان و يصحن بصيحة يتميز عنها صدور كل مغل عنود و يظهرن على سطوة يأخذ الخوف سكان الارض على شان كل يضطربون. اياكم ان لا تسفكوا الدماء؛ ان اخرجوا سيف اللسان عن غمد البيان لان به يفتح مدائن القلوب. » (نداء رب الجنود، سورهٔ هيكل، فقرات ۴۱ و ۴۲ / آثار قلم اعلى ۴، ص ۲۸۰) (مضمون: ای این هیكل،... به زودی خداوند از تو دست‌های غالبه و بازوهای قاهره خلق خواهد کرد؛ آن‌ها از خلف سکون خارج خواهند شد و نفس رحمان را میان عالم امکان یاری خواهند نمود و (صاحبانشان) چنان فریادی برخوانند کشید که سینهٔ هر کینه توز ستمگری از آن شکافته شود و به قدرت و سطوتی ظاهر خواهند شد که خوف، ساکنان زمین را فرا گیرد و همگان مضطرب شوند. اما مبادا خون کسی را بریزید؛ شمشیرهای لسان را از ینام بیان بیرون آورید؛ زیرا به وسیلهٔ آن است که شهرهای قلوب فتح می‌گردد.)

۵۱) « انشاءالله خلقی ظاهر شوند که مقصود حق جل و عزرا از بیانات ادارك نمایند و در کمال خضوع و خشوع در مراتب امرالله و حفظ و صیانت آن از انفس مشرکهٔ مردوده جهد نمایند. » (مجموعهٔ الواح حضرت بهاءالله به خط مشکین قلم، ص ۹۵)

۵۲) « امیدوارم که از نفحات مقدس این ایام، نفوسی ظاهر شوند که عالم و مافیها را به فلسی نخرند و... از کل ما سواه، به شطراالله ناظر شوند و جان دادن در سیل رحمن را اسهل شیء شمرند... تالله حوریات غرفات اعلى از شوق لقای این نفوس نیارامند و اهل ملاء بقا از اشتیاق نیاسایند. » (آیات الهی ۱، ص ۱۲۵)

۵۳) « عبادی خلق خواهند شد که کوثر معانی را از کأس کلمات الهی بیاشامند و به مقصود مطلع گردند.» (جمال ابهی، امروخلق ۴، ص ۴۷۵)

۵۴) « هر حرف که از فم مشیت صادر گردد دارای قوه خلاقه و احیا کننده ایست که می تواند خلق بدیعی^۱ مبعوث نماید؛ خلقی که مقام و عظمت آن بر کلّ مستور مگر خداوند علیم که بر حقایق اشیاء واقف و آگاه است (ترجمه).» (جمال ابهی، نقل در ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۳۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۵۵) « کلمه ربّانی^۲... قوه موجد است؛ ایجاد نماید و تجدید کند و خلق جدید نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۳۵)

۵۶) « امیدوارم قلوب نفوس زنده شود تا همه تولّد جدید یابند. آنگاه بشریت جامعه تازه ای خواهد پوشید که مزین به نور محبت الله است و آن وقت، فجر خلق بدیع خواهد دمید؛ فضل خداوند رحمن بر عالمیان نازل خواهد شد و همه به حیات بدیع فائز خواهند گشت.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۳ اکتبر ۱۹۱۱)

۵۷) « (هنگامی که بشر با تبعیت از مشیت الهی تولّدی جدید یابد) عالم انسانی جامعه جدیدی خواهد پوشید که به نور محبت الله مزین خواهد بود؛ زمانی که فجر خلق بدیع طالع خواهد شد و رحمت حضرت رحمان بر عالمیان نازل خواهد گشت و همگان به حیاتی بدیع فائز خواهند شد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، دوشنبه، ۲۳ اکتبر ۱۹۱۱)

۵۸) « این است روح و ریحان من؛ این است سرور قلب و جان من که نفوسی مبعوث گردند که جز بهاء ندانند و به غیر از محبتش وجد و طربی نمایند؛ از صهباء عنایتش جام سرشار باشند و از فضل و موهبتش سراج های پرانوار.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۳۰۱)

۵۹) « ای سمندر نار موقده در سدره سیناء، جمال مبارک روحی و ذاتی و کینوتی لأرقائه الفدا (روح و ذات و هستیم برای بندگانش فدا باد) در اواخر ایام از فم مطهر وعده فرمودند که به فیض مدرار و تأییدات ملکوت اسرار نفوسی مبعوث گردند و هیاکل مقدسی مشهود شوند که انجم سماء هدایتند و انوار فجر عنایت، مظهر آیات توحیدند و مطلع انوار تقدیس، مهابط الهامند و مشاعل انوار، جبال راسخه اند و اطواد (کوهها) باذخه، سرج نورند و بدور ظهور، وسائط الطافند و وسائل اعطاف، منادی به اسم حقند و مبادی تأسیس بنیان اعظم. این نفوس شب و روز آرام نگیرند و آلام نینند و فراغت نجوینند؛ در مضجع راحت

^۱ به مبحث مهین ۱۲۰ مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۸۱ رجوع شود.

نیارمند؛ آسوده ننشینند؛ آلوده نگردند؛ اوقات را صرف نشر نفحات الله کنند و ازمان را وقف اعلاء کلمه الله؛ وجوهشان مستبشر است و قلوبشان منشرح؛ فؤادشان ملهم است و بنیادشان بر اساس اقوم؛ در ارجاء عالم منتشر گردند و در بین امم متفرق؛ در هر محفلی درآیند و در هر انجمنی مجمع بیارینند؛ به هر لسانی تکلم نمایند و هر معنی تفهیم کنند؛ اسرار الهی کشف نمایند و آثار رحمانی نشر کنند؛ چون شمع در شبستان هر جمع برافروزند و چون ستارهٔ صبحگاهی بر جمیع آفاق بدرخشند؛ نفحات حدائق قلوبشان چون نسائم سحرگاهی آفاق قلوب را معطر نماید و فیوضات عقولشان چون باران بهاری هر اقلیم را مخضر (سرسبز) کند. این عبد در نهایت انتظار است که این نفوس مبارکه کی موجود و این مظاهر مقدسه^۱ کی ظاهر و پدیدار گردد؛ شب و روز در تضرع و ابتهالم که آن نجوم بازغه مشرق و لائح گردد و آن وجوه مقدسه جلوه نماید؛ افواج تأیید رسد و امواج توفیق از بحر ملکوت غیب واصل گردد. مقصد این است که دعا و تضرع فرمایید که این نفوس به فضل جمال قدم زود مبعوث گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره ۲۰۴- مندرج در پیام بهایی بند ۱۵۲، ص ۳۰)

۶۰ «ای منجذب میثاق، جمال قدم به این عبد وعده فرموده اند که نفوسی مبعوث گردد که آیت هدی باشند و رایت ملاً اعلی، شمع توحید گردند و کوکب تجرید فلک تفرید، کوران را بینا نمایند و کران را شنوا و مردگان را احیا، مقاومت من علی الارض نمایند و محاججه (استدلال کردن) با برهان ربّ السموات السبع (پروردگار هفت آسمان). امید از فضل او دارم که این نفوس را به زودی مبعوث فرماید تا امرش بلند گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره ۲۰۳)

۶۱ «این جواهر وجود و لآلی خزائن ربّ ودود [اهل بهاء... (که) منتهای آمال و آرزویشان فدای جمیع شئون است به جهت حیات عالم و احیای شعوب و قبائل امم] هنوز در پس پردهٔ غیرت حق پنهانند، عنقریب کشف نقاب و رفع حجاب نمایند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۷۸)

۶۲ «یا من استبشر ببشارات الله، در این قرن اعظم مبارک... نفوسی از رقد هوی مبعوث شوند که چون شمع در انجمن عالم به نور استقامت برافروزند و چون بحر به محبت جمال مبارک بخروشند و چون بنیان عظیم و چون سدّی از زبر حدید به عهد و میثاق الهی مستقیم و به ایمان و پیمان ربّانی مستدیم گردند و مقاومت و مداومت شدید به جنود نقض و نکث نمایند و کلّ را به ثبوت و رسوخ بر امرالله دلالت فرمایند، حصن حصین کلمه الله را لشکر پرشکوهند و مدینهٔ امرالله را محافظ و مدافع بر مهاجمین انبوه.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد اول، ص ۳۴۲)

^۱ از فحوی فقره مذکور (مخصوصاً آخرین جمله آن) به روشنی چنین استنباط می‌شود که مقصود هیکل مبارک از عبارت "مظاهر مقدسه"، معنای مصطلح آثار الهیه که بر پیام اروان الهی دلالت دارد، نیست؛ بلکه این عبارت اشاره به نفوس مؤمنه مخلصه‌ای می‌نماید که حائز صفات و خصوصیات برشمرده در نفس فقره مبارکه هستند.

۶۳) « امیدوار به فضل پروردگارم که نفوسی مبعوث فرماید که هر یک اقلیمی را هدایت و تربیت نمایند؛ ذلک من فضل الله یؤتیه من یشاء و الله ذو فضل عظیم^۱؛ و البتّه این نفوس مقدّسه مبعوث گردند و این نجوم باهره طلوع نمایند و این سُرُجِ مَضِیئَه روشن گردند و این نفحات قدس به مرور آید و این نسیم جانپور بوزد و در حدائق الهی این گل‌های معنوی با رخی افروخته جلوه نماید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۵۸)

۶۴) « ای متمسک به میثاق، از الطاف حضرت احدیت مترصدیم که در آن اقلیم جسیم (آذربایجان) نفوسی مبعوث فرماید که حصن حصین امرالله را محافظ امین باشند و نور مبین میثاق الله را مشکاة لطیف؛ جمیع یاران را شمع روشن گردند و محفل دوستان را زینت و حرارت و طراوت و لطافت و بشارت دمبدم؛ گلشن توحید را طوطی شکر شکن گردند و گلستان تجرید را بلبل خوش الحان و شیرین سخن.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۳۲)

۶۵) « ای احبای الهی، قدری تأمل و تفکر در عنایات جمال مبارک نماید که آن ذات مقدّس تحمل صد هزار محن و آلام فرمود و ایام مبارکش جمیع، به صدمات شدیده گذشت تا آن که نفوسی مبعوث شوند^۲ که در ظلّ کلمة الله المطاعه آیات توحید گردند و بینات تفرید؛ مظاهر محبت گردند و مطالع انوار الفت؛ از بیگانگی بگذرند و به یگانگی حقائق و نفوس نورانیه پی برند؛ علم اتحاد برافرازند و خیمه اتفاق بلند کنند؛ جام صهبای وحدت اصلیه در دست گیرند و در انجمن توحید رقص کنان جنود اختلاف را شکست دهند.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب اول از ردیف ذ، ص ۱۵۰)

۶۶) « رَبِّ اَبَعْتُ فِي بِلَادِكَ نَفُوسًا خَاضِعَةً خَاشِعَةً مَنُورَةَ الْوُجُوهِ بَانُورِ الْهُدَى مُنْقَطِعَةً عَنِ الدُّنْيَا نَاطِقَةً بِالذِّكْرِ وَ التَّنَاءِ نَاشِرَةً لِنَفْحَاتِ قُدْسِكَ بَيْنَ الْوَرَى رَبِّ اَشْدُّ ظُهُورَهُمْ وَ قَوَّازُورَهُمْ وَ اَشْرَحَ صُدُورَهُمْ بِآيَاتِ مَحَبَّتِكَ الْكُبْرَى.» (مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۵۶) (مضمون: ای پروردگار من، در سرزمین هایت نفوسی خاضع و خاشع با وجوهی نورانی به انوار هدی و منقطع از دنیا و ناطق به ذکر و ثنا و ناشر نفحات قدس میان مردمان برانگیز. ای پروردگار من، کمروهایشان را محکم کن و پشت‌هایشان را قوی نما و سینه‌هایشان را به نشانه عشق و محبت عظیمت منشرح کن.)

۶۷) « ای یزدان پاک، نفوسی را مبعوث فرما که... آزادگان گردند و عالم امکان را به خلعت جدید و قمیص بدیع مزین نمایند؛ جز تو نجویند و جز در ره رضایت نپویند و جز رازت نگویند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، فقره ۳۷۸)

^۱ سوره حدید، آیه ۲۱، نیز سوره جمعه، آیه ۴.

^۲ به بحث ۱۲۰ رجوع شود.

۶۸) « یا امة الله، انى ادعوا الله ان يبعث نفوساً مقدّسة منزّهة روحانيّة فى الاقطار الغربية و الاقاليم الشمالية... عند ذلك تجدين الغرب افق الشرق و الانوار تتألّف كالاقمار فى تلك الاقطار، هنالك تصبّح الارض قطعة من رياض الملكوت و تفيض عليها السحاب من اعلى المقامات و تهتز تلك الارض و تربو و تنبت من رياحين الحكمة و البيان و ازهار المعرفة و الايقان. فاطمّنى يا امة الله ان هذا الفضل سيشرق انواره على الغرب و يبعث الله تلك النفوس.» (حضرت عبدالهاء، مندرج در توقيح ۱۰۱، مجموعه توقيعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۲۴۷-۲۴۶- نیز در مجموعه توقيعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۴۸) (مضمون: ای کنیز الهی، از خدا می خواهم که نفوسی مقدّس و منزّه و روحانی در سرزمین های غربی و دیارهای شمالی مبعوث کند... آنگاه غرب را افق شرق خواهی یافت و انوار در آن دیار چون پرتوهای اقمار خواهد درخشید و زمین قطعه ای از باغ ملکوت خواهد شد و ابر مقامات بلند بر آن خواهد بارید و این خاک، زنده خواهد شد و تربیت خواهد گشت و گیاهان حکمت و بیان خواهد رویاند و گل های معرفت و ايقان خواهد دماند. مطمئن باش ای کنیز خداوند، که انوار این فضل به زودی بر باختران خواهد درخشید و خداوند چنین نفوسی را بر خواهد انگیخت.)

۶۹) « فسوف يأتى الله بقوم يحبهم و يحبونه.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهاء، فقرة ۱۱۷) (مضمون: به زودی خداوند قومی را به وجود خواهد آورد که دوستشان داشته باشد و آنان نیز او را دوست داشته باشند.)

۷۰) « الحق اقول لكم، سيبعث الله نفوساً مقدّسة منزّهة نورانيّة ملكوتيّة روحانيّة يتعارجون الى اوج الهدى و يشرقون اشراق النجوم فى الأوج الأعلى و يعطرون الآفاق بنفحات الله و يذيعون و يبثون حكمة الله و ينطقون بالثناء على الله و ينادون باسم الله.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهاء، بند ۳۰۱، ص ۲۵۱) (مضمون: به راستی برایتان می گویم، به زودی خداوند نفوسی مقدّس و منزّه و نوارانی و ملکوتی و روحانی بر خواهد انگیخت که به اوج هدایت پرواز کنند و چون ستارگان در اوج اعلى بدرخشند و افقها را به نفحات الهی معطر سازند و حکمت ربّانی را بسط و نشر دهند و به ذکر و ثناء الهی نطق نمایند و به نام خداوند ندا سر دهند.)

۷۱) « چون ندای الهی بلند شد در هیکل عالم انسان حیاتی جدید پدید آمد... چیزی نمی گذرد که آثار این حیات جدید پدیدار شود و خفتگان را بیدار نماید.» (ترجمه) (نقل در نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۵- توقيح مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۷۲) « هدف غایی حضرت بهاءالله آن است که افراد جدیدی خلق شوند؛ یعنی مردمی نیکوکار، مهربان، باهوش و صدیق و شریف که بر مبنای احکام و موازین این امر اعظم که در این مرحله از تکامل عالم انسانی ظاهر شده، عمل نمایند.» (نمونه حیات بهایی، ص ۲۵- پیام آسمانی ۲، ص ۱۲۳)

(۷۳) «ای مولای بی همتا... هیاکل مجردة صافیة نورانیة (را) که موعود کتاب اقدس توآند، مبعوث فرما.» (مجموعه مناجات‌های حضرت ولی امرالله، ص ۱۱)

(۷۴) « (حضرت بهاءالله در سورة ملوک) پیش‌بینی می‌نماید که به زودی خداوند هستی، نسلی را مبعوث خواهد کرد که بلایای وارد بر آن حضرت را به یاد آورند و حقوق پایمال شده او را از دشمنانش طلب نمایند.» (مرور معبود، ص ۲۵۰)

(۷۵) « ای مولای بی همتا... از اقطار شمالیه که به نص قاطعت منشأ و مبدأ رجال آتیه‌اند، هیاکل مقدسه منقطعه‌ای مبعوث فرما و به نفثات روح القدس دمساز کن و به فتح مدائن قلوب در اقصی جنوب عالم مأمور ساز.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۱۴۸)

(۷۶) « گمان ننمایید که از سکون و سکوت احدی از احباً وهنی بر امرالله وارد گردد؛ لا والله، رجالی مبعوث شوند و گوی سبقت را از میدان بریابند.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، ردیف د از باب هشتم، ص ۱۹)

د) از آثار بیت العدل اعظم

(۷۷) « هر روز زندانبانان از سه طبقه پله‌های سیاه‌چال فرود می‌آمدند و یک یا چند نفر از مسجونین را گرفته و کشان کشان به محل اعدام می‌بردند... در بحبوحه چنین احوال و احتمال کشته شدن بود که حضرت بهاءالله برای اولین بار از رسالت خویش آگاه شدند. "در شبی از شب‌ها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمه علیا اصغاء شد: "إِنَّا نَنْصُرُكَ بِكَ وَبِقَلْمِكَ. لَا تَحْزَنُ عَمَّا وَرَدَ عَلَيْكَ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ. سَوْفَ يَبْعَثُ اللَّهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ، وَهُمْ رِجَالٌ يَنْصُرُونَكَ بِكَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ أَحْيَى اللَّهُ أَفْتَدَةَ الْعَارِفِينَ". (بیت العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله، می ۱۹۹۲، ص ۹) (مضمون بخش عربی: ما ترا به واسطه خودت و قلمت یاری خواهیم کرد. محزون مباش از آنچه بر تو وارد شد و مهراس، تو از ایمن شدگانی. به زودی خداوند گنج‌های زمین را برخواهد انگیخت و آنان مردانی هستند که ترا به واسطه خودت و نامت، نصرت خواهند کرد؛ نامی که خداوند به وسیله آن قلوب عارفان را زنده نمود.)

(۷۸) « حضرت بهاءالله می‌فرمایند که چون مردمان جهان به قدرت روحانی که در هدایت مظهرالهی در این عصر به ودیعه گذاشته شده، پی‌برند؛ در وجود خویش چنان نیرویی معنوی احساس خواهند کرد که تاکنون هیچ انسانی به اهتمام شخصی خود قادر به ایجاد آن نبوده است. بر اثر این ارتباط معنوی "نوع

جدیدی از انسان"، یعنی خلق (ی) بدیع ظاهر خواهد شد و آنگاه کار تأسیس تمدن جهانی^۱ آغاز خواهد گردید.» (رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۷۱)

۷۹ «زیبایی و شکوه حدائق و طبقات مقام اعلی که حال در جریان ایجاد است، رمزی از کیفیت دگرگونی و تقلیبی است که مقدر است در کنه قلوب مردم جهان و در محیط طبیعی کره ارض به وجود آید.» (پیام ۴ ژانویه ۱۹۹۴- جزوه دست خط های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۵۴)

۸۰ «هریک از این نفوس (شرکت کنندگان در کنفرانس های منطقه ای چهل و یک گانه) جلوه ای بود از آن خلق بدیع، آن انسان متعهد و دلیر و پاک و مقدسی که مقدر است تحت تأثیر مستقیم ظهور اعظم جمال قدم در طی نسل های متمادی تکامل یابد.» (پیام رضوان، ۲۱ آوریل ۲۰۰۹)

۱۲۱. احاطه و استیلاي نسبي امرالله بر عالم (۸۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱ «یا عَنَدَلِيبُ... عنقریب نهالهای مغروسه باثمار بدیعه منیعه در عالم ظاهر شوند؛ هَذِهِ بَشَارَةٌ مِنْ لَدُنَّا لِتَفْرَحَ وَتَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ.» (لثالی الحکمة ۳، فقره ۱۷۷)
- ۲ «اشراقات کلمه کُلِّ مَنْ فِي الْأَرْضِ را احاطه نموده و لکن اکثری از بریه باحجاب وهمیه از مشرق ظهورات احدیه محروم مانده اند، عنقریب کل بشر مقصود توجه نمایند و لکن حسرت از برای نفوسی که از انوار مشرقه محروم گشته اند.» (لثالی الحکمة ۳، فقره ۱۵۴)
- ۳ «اهل ارض غافلند؛ امرالله را مثل سایر امور دانسته و می دانند؛ تَبَّأ لَهُمْ وَ سَحَقَا لَهُمْ. زود است مشاهده نمایند آنچه را که حال منکرند و اقبال نمایند آنچه را که از او معرضند.» (حدیقه عرفان، ص ۱۰۴)
- ۴ «این را بدانید که اگر تمامی دول عالم متحد شوند و جان من و جان همه کسانی را که به این نام منسوبند بگیرند، این آتش الهی (امراهی) هرگز خاموش نخواهد شد. این امر بر همه سلاطین جهان که هیچ، بر تمامی آنچه از آب و گل سرشته شده است، مسلط خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۲۳۰، پیام حضرت بهاءالله برای سفیر کبیر ایران در باب عالی)

^۱ به میحث ۱۳۸ مراجعه شود.

۵ « سوف... يرتفع اعلام النصر على الجبال و الانزال... » (قلم اعلى ۷، ص ۴۹) (مضمون: به زودی... پرچم‌های پیروزی بر کوه‌ها و تپه‌ها افراشته خواهد شد.)

۶ « سطوت أمراء و وضوای علماء، او (محبوب عالمیان) را از اراده‌اش منع نمود، جنود عالم و صفوف امم از مشیتش بازداشت. امرش غالب و اراده‌اش نافذ بوده و خواهد بود. » (حضرت بهاءالله، مائده ۸، مطلب یکصد و شست و دوم، ص ۱۳۵)

۷ « نوری که اهل ایران در اطفاء آن جاهد و ساعی، احزاب مختلفه به ظهور و بروز و اسباب تجلی و اشراق آن مشغول؛ عنقریب ظاهر می‌شود آنچه حال از اعین عالم مستور است. » (حضرت بهاءالله، مائده ۸، مطلب یکصد و سی و هشتم، ص ۱۱۴)

۸ « مدتی بر این نهج (انقلاب و لامذهبی عالم) ایام می‌رود و اذا تمّ المیقات يظهر بغتة ما ترتعد به فرائض العالم، اذا ترتفع الأعلام و تغرد العنادل على الأفنان. » (جمال ابهی، ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۳۸- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۶۱- آیات الهی ۱، ۱۲ می- نظم جهانی بهایی، ص ۴۵- مندرج در توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱) (مضمون: هنگامی که میقات مقرر تمام شود، ناگهان ظاهر خواهد شد آنچه که ارکان عالم را به لرزه در آورد؛ آنگاه علم‌ها بر افراشته خواهد شد و بلبلان بر شاخساران خواهند خوانند.)

۹ « فسوف يغلب ما اراد الله... » (آثار قلم اعلى ۱، فقره ۳، ص ۴۴، لوح رئیس) (مضمون: به زودی آنچه خداوند اراده فرموده، غالب خواهد شد.)

۱۰ « جند الله غالب بوده و خواهد بود. » (مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۳۳۷- دریای دانش، ص ۱۳۱)

۱۱ « قل الله غالب على امره و قادر على فعله، و امره فوق امرکم و تقدیره فوق تدبیرکم؛ يفعل ما يشاء و لن يمنعه شیئی عن قدرته و سلطانه، و انه لهو الباقي الدائم العزيز القدير. فسوف يظهر امره و يعلو برهانه. » (آثار قلم اعلى ۴، ص ۶۹- لوح با مطلع: هو الباقي الظاهر- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۱۱۶) (مضمون: بگو خداوند بر امرش مسلط است و بر عملش قادر است و امر او برتر از امر شما و تقدیر او عالی‌تر از تدبیر شما است؛ هر کار که بخواهد می‌کند و هیچ چیزی از قدرت و سلطنت بازش ندارد، و او باقی و دائم و عزیز و قدیر است. به زودی امرش را پدیدار و برهانش را نمودار خواهد ساخت.)

۱۲ « قل الله... يفعل ما يشاء و لن يمنعه شیئی عن قدرته و سلطانه. فسوف... يرفع سلطانه الى مقام الذى ينقطع عنه ایدی المشركين. » (آثار قلم اعلى ۴، ص ۶۹- لوح با مطلع: هو الباقي الظاهر- منتخباتی از

آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۱۱۶) (مضمون: بگو خداوند... هر کار که بخواهد می کند و هیچ چیز از قدرت و حکومت بازش ندارد. به زودی... سلطه و قدرتش به درجه ای ارتقاء یابد که دست مشرکان از آن کوتاه شود.)

۱۳) « غلبه ظاهره تحت این مقام (نصرت امرالله) بوده و خواهد بود و از برای او وقتی است معین در کتاب الهی. انه يعلم و یظهر بسلطانہ؛ انه لهو القوی الغالب المقتدر العظیم الحکیم.» (الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۲۳- لوح سیّد مهدی دهجی) (مضمون بخش عربی: همانا او می داند و به قدرت خود ظاهر می کند. همانا او، به راستی او، قوی و غالب و مقتدر و عظیم و حکیم است.)

۱۴) « لعمراً (به خداوند سوگند) مظلومیت بسیار محبوب است... اگر درست ملاحظه کنی، عظمت امر را با حالت مذکوره مشاهده نمایی. اینست بیان احلی که از قلم اعلی جاری شد.» (آیات الهی، ۱، ۲۷ سپتامبر- دریای دانش، ص ۱۳۱- مندرج در توفیق ۱۱۳، مجموعه توقیعات مبارکه ۱۴۹ بدیع، ص ۵۹۸) ۱۵) « لعمری (قسم به جانم) این امر به شانی ظاهرکه مغناطیس کلّ ملل و وجود خواهد بود. اگر نفسی درست تفکر نماید مشاهده می نماید که از برای احدی مفری نبوده و نیست.» (الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۲۳- لوح سیّد مهدی دهجی)

۱۶) « یا افنانی علیک بهایی و عنایتی، خیمه امرالهی عظیم است، جمیع احزاب عالم را فرا گرفته و خواهد گرفت.» (مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۲۸۶- الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۴۶، لوح دنیا - منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۴۳- دریای دانش، ص ۸۵- آیات الهی جلد ۱، ۶ آوریل)

۱۷) « یا رئیس،... هل ظننت انک تقدراً ان تُطفئ النار الّتی اوقدها الله فی الآفاق؟ لا و نفسه الحق لو انت من العارفين. بل بما فعلت زاد لهيبها و اشتعالها؛ فسوف يُحيط الارض و من عليها. كذلك قضی الامر و لا يقوم معه حکم من فی السموات و الارضين.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره ۳، ص ۴۴، لوح رئیس- نداء رب الجنود، بند ۴- مائدة آسمانی ۷، باب ششم، ص ۱۹۴- مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۸۸- امر و خلق ۴، ص ۴۷۴- الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۲۰۷) (مضمون: ای رئیس،... آیا گمان نمودی می توانی آتشی را که خداوند در آفاق بر افروخته، خاموش کنی؟ نه، سوگند به نفس بر حقیقتش، نمی توانی، اگر از دانایان هستی... به زودی زمین و زمینیان را فرا خواهد گرفت. این گونه مقدر شد امر؛ امری که حکم اهل آسمانها و زمینها در برابرش ایستادگی نتواند.)

۱۸) « سوف تری الامر مهیماً علی من علی الارض و اشرافه من کلّ الجهات. هل یمنعه السّجن و البلاء عما اراد؟ لا و ربّ الارباب.» (آثار قلم اعلی ۱، فقره ۱۸، ص ۷۷) (مضمون: به زودی امرالهی را

مسلط بر زمینیان و اشراق آن را از کل جهات جلوه گر خواهی دید. آیا زندان و بلا او را از آنچه اراده نموده باز خواهد داشت؟ نه، سوگند به پروردگار پروردگاران.)

۱۹) « ان اشتعل من هذه النار الموقدة في العالم، ليشتعل منك من في البلاد. لا تحسبها ناراً، انها نور سوف تحيط آثاره من في الاقطار.» (آثار قلم اعلى ۱، فقره ۱۸، ص ۷۷) (مضمون: از این آتش برافروخته در عالم مشتعل شو، تا اهل دیارها از تو مشتعل شوند. گمان مکن که آن آتش است؛ آن، نور است؛ و به زودی آثارش ساکنان سرزمینها را احاطه خواهد کرد.)

۲۰) « زود است که انوار امر، عالم را احاطه نماید؛ گرچه حال وجوه به شطركفر متوجه، لکن از برای او میقاتی مقرر است. اذا تمَّ، يظهر ما هو المسطور في كتب الله، رب العالمين.» (جمال ابهی، امروخلق ۴، ۴۷۳) (مضمون بخش عربی: هنگامی که (میقات) پایان یابد، ظاهر خواهد شد آنچه که در کتب خداوند، پروردگار جهانیان، نوشته شده است.)

۲۱) « طوبی از برای نفوسی که مطهراً از شئون الخلق و مقدساً عن الظنون و الاوهام... در صدد آن باشند که خلق محبوب را که در زوایای تاریکی و ظلمت مانده اند، به نور آفتاب کشانند... که شاید تیرگی های عالم بر طرف شود و انوار آفتاب حقیقت، عالم را فراگیرد.» (آیات الهی ۱، ص ۲۵۸)

۲۲) « اراده آن که اختلاف از میان برخیزد و نار ضغینه و بغضا خاموشی پذیرد تا جمیع ارض قطعه واحده مشاهده گردد.» (لوح شیخ نجفی، ص ۹۰)

۲۳) « قسم به کتاب اعظم که امرالله احاطه نماید و جمیع ارض را اخذ کند.» (حضرت بهاءالله، مندرج در توفیق ۱۱۱ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۸۶)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۲۴) « ای سروش پرهوش،... عنقریب ملاحظه نمایی که پرتو انوار تقدیس شرق و غرب را روشن نموده و بانگ سروش ملکوت ابهی باختر و خاور را بیدار نموده.» (ع، مجموعه یاران پارسی، بند ۱۸۱، ص ۱۸۱)

۲۵) « عنقریب پرتو یزدان شرق و غرب را روشن نماید.» (ع، مجموعه یاران پارسی، بند ۲۵۰، ص ۲۲۰)

۲۶) « ای رستم،... آفتاب جهان آسمانی پرتو انداخت، روز به روز این نور، تابنده گردد و تاریکی نادانی پراکنده شود؛ عاقبت نور حقیقت، خاور و باختر را بتمامه روشن نماید.» (ع، مجموعه یاران پارسی، بند ۴۱۹، ص ۳۱۸)

۲۷) « بگذرد این روزگار و منتهی شود و ساکن شود این غبار و متلاشی شود این ابر تاریک و شمس حقیقت در دایره نصف النهار عاقبت بدرخشد بر اقالیم ترک و تاجیک و آسیا و اروپ و امریک و افریک... یومئذ یفرح المؤمنون.» (حدیقه عرفان، ص ۱۸۲)

۲۸) « هنگام مشی چون چند عمود (ستون) مرم که از زلزله شدید سابق یادگار مانده بود، به نظر مبارک رسید، فرمودند: تغییر اوضاع عالم و غلبه امر بهایی به جایی خواهد رسید که از سایر امور جز نمونه‌ای مانند این عمودها باقی نخواهد ماند.» (پیام آسمانی، ۲، ص ۱۵۰ - سفرنامه جلد اول، ص ۲۸۹)

۲۹) « پدر آسمانی خود را دوست بدارید و از او اطاعت کنید و مطمئن باشید که حمایت الهی پشتیبان شما است. به راستی می‌گویم که شما جهان را مستخر خواهید کرد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۱۹ نوامبر ۱۹۱۱)

۳۰) « ای جوان رحمانی و جان جهان انسانی،... شما از تطاول اعداء محزون نگردید و مغموم نشوید... عنقریب... پرتو شمس حقیقت این شب دیجور را متواری کند.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۷۱)

۳۱) « زمین ملک خداست؛ جمیع ملل و دول مانند مستأجرند؛ عاقبت از دست کل خواهد رفت "و لله میراث السموات والارض."^۱» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۸۷) (مضمون آیه عربی: و میراث آسمانها و زمین از آن خداوند است.)

۳۲) « از فضل و موهبت الهیه مطمئن باش که آثار قدرت باهره‌اش عنقریب آفاق را منور فرماید و سطوة برهان الهی ملکوت وجود را احاطه نموده و خواهد نمود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، ص ۷۹)

۳۳) « عنقریب نُقره ناقور^۲ (صدای بوق بزرگ) و نفخه صور^۳ آفاق را مبعوث از قبور نماید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۵، ص ۱۱۰)

۳۴) « یاران حقیقی را مژده تأیید جمال قدم دهید که عنقریب جنود ملکوت ابهی هجوم نماید و وفود ملاً اعلی نزول نماید و اتی امرالله جلوه نماید و انوار عطاء بدرخشد و لیلۀ لیلاء روشن گردد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، ص ۲۲)

۳۵) « عنقریب نور حقیقت بتابد و این ظلمت طغیان اهل جفا، زائل گردد و بلبل الهی در گلشن رحمانی گلبانگ پرمژده بسراید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۲۲۲)

^۱ سوره آل عمران آیه ۱۸۰ و نیز سوره حدید آیه ۱۰.

^۲ مضمونی که در سوره مدثر، آیه ۸ مطرح شده است.

^۳ اشاره به مضمونی است که در سوره طه، آیه ۱۰۲؛ و سوره انعام، آیه ۷۳؛ و بخصوص در سوره یس، آیه ۵۱ مطرح شده است.

- ۳۶) « عنقریب خواهید دید که آهنگ ملکوت ابهی آفاق را به وجد و طرب آورده و هر ضوضاء و غوغایی خاموش گشته.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره ۲۷۹)
- ۳۷) « ای ناشر میثاق،... افواج (تأیید) چون امواج متواصل و جیوش پرخروش مترادف. با این سطوت قاهره و شوکت باهره و قوت غالبه و قدرت کامله البتہ عنقریب خضعت الأعناق و ذلت الرقاب و خشعت الأصوات، تحقق یابد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۱۳۴) (مضمون عبارت عربی: گردن‌ها خاضع شود و فروافتد و صداها آهسته شود.)
- ۳۸) « این واقعه عظمی (شهادت احبای یزد) سبب (شود که) سطوت کلمة الله شرق و غرب را به حرکت آورد و جیوش ملاً اعلی چنان هجوم نمایند که جمیع احزاب مهزوم گردند؛ این است که می‌فرماید "جندٌ هنالک مهزوم من الاحزاب"؛ هذا هو الحق و ما بعد الحق الا الضلال؛ مطمئن باش.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب ششم از ردیف ش، ص ۱۶۶- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۴۳۵- مندرج در پیام معهد اعلی، آگوست ۱۹۸۱، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۳۹) (مضمون عبارت عربی: سپاهی از احزاب در آنجا در گریز... این است حقیقت، و بعد از حقیقت نیست مگر گمراهی.)
- ۳۹) « مطمئن باشید که قوه امرالله عاقبت غالب گردد و امواجی از این بحر بی پایان برخیزد و این کف‌ها را از دریا به صحرا اندازد و "ان جندنا لهم الغالبون".» (حضرت عبدالبهاء، امروخلق ۴، ص ۴۷۹) (مضمون عبارت عربی: همانا سپاه ما، قطعاً غالب شود.)
- ۴۰) « امروز تخمی افشانده می‌شود و هسته‌ای بر زمین می‌افتد؛ اما بدانید روزی خواهد آمد که این هسته به درختی تنومند بدل خواهد گشت و شاخه‌هایش پر از میوه‌های گوارا خواهد شد. مسرور و مشعوف باشید که چنین یومی دمیده است، بکوشید تا قوای مکنونه‌اش را دریابید، چون به راستی یوم اعجاب‌انگیزی است.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۴ نوامبر ۱۹۱۱)
- ۴۱) « این جلسه روزبه‌روز توسعه خواهد یافت و تواناتر خواهد شد و روح نبّاضش به تدریج عالم را مسخر خواهد نمود.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۴ نوامبر ۱۹۱۱)
- ۴۲) « ترک و تاجیک و آسیا و اروپ و امریک و افریک عموماً عنقریب صوت این نغمه و آهنگ و شلیک (امراللهی) خواهند شنید؛ یومئذ یفرح المؤمنون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۱۶۰) (مضمون عبارت: آن روز مؤمنان شادی خواهند کرد.)

^۱ سوره صافات، آیه ۱۷۳.

- ۴۳ « عنقریب... صبح مبین عزت قدیمه پرتوش خاور و باختر را روشن کند... و سرهای سروران در کمند محبت الله درآید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره ۴۸۵)
- ۴۴ « قیاس به قرون اولی نمایید. عنقریب این پرتو تقدیس چنان بدرخشد که شرق و غرب عالم مطلع آفتاب حقیقت گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره ۴۹۰)
- ۴۵ « این امر، امرالله است... امرالله را هیچکس مقاومت نتوانسته... عنقریب امرالهی بلند خواهد شد؛ شرق و غرب را احاطه خواهد نمود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۱، ص ۱۲۴)
- ۴۶ « الیوم باب حیات مفتوح، و سیل ملکوت واضح و مشهود، و نفثات روح القدس مَحیی ارواح و قلوب، و مائده آسمانی نازل، و آهنگ ربّانی از ملاً اعلی متواصل... اکنون این فیض نامتناهی الهی مانند شفق صبحگاهی از مطلع آفاق ظاهر و عنقریب شمس حقیقت چنان اشراقی نماید که جهان پرانوار گردد و شرق و غرب درخشنده و تابان شود... آن وقت واضح و مشهود گردد که کلمه الله را چه نفوذی بود و نفثات روح القدس را چه تأثیری.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۲۷۱- پیام آسمانی، ۲، ص ۲۱)
- ۴۷ « کواکب جمیع افکار سیاسی و نجوم ظواهر آراء، عاقبت افول نماید؛ ولی شمس حقیقت از افق ابدی اشراق بی پایان دارد و باقی و برقرار ماند؛ نه نزولی و نه افولی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۲۷۱)
- ۴۸ « ربّ... نور القلوب بسراج محبتک الّذی سیضیء منه کلّ الارحاء.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، لوح هشتم از الواح طرح ملکوتی، ص ۳۵- مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، فقره ۵۶، ص ۵۸) (مضمون: ای پروردگار من،... قلب‌ها را به چراغ محبت نورانی کن؛ چراغی که به زودی همه دیارها را نورباران خواهد کرد.)
- ۴۹ « یا احبّاء الله، لاتحزنوا اذا قامت الاحزاب علی الاذی و الاستهزاء و التعذیب و التوبیخ و السّب و البغضاء، سیزول هذه الظلمات... و یرتفع الغطاء و یرتفع نور الحقیقة من غیب الابهی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۱۹۷، ص ۱۴۱) (مضمون: ای احبای الهی، هنگامی که احزاب به آزار و استهزاء و عذاب و سرزنش و بدگویی و دشمنی قیام کردند، محزون نشوید؛ به زودی این تاریکی‌ها زایل خواهد شد... و پرده کنار خواهد رفت و نور حقیقت از غیب ابهی ظاهر خواهد شد.)
- ۵۰ « صیت (امر) الهی شرق و غرب گیرد و آوازه امرالله جهان‌گیر شود.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۸)

(۵۱) « به عون و عنایت حضرت احدیتّ جمیع ملل را در ظلّ کلمه وحدانیت درآرید، تا نفحات الهیه شرق و غرب را احاطه نماید وانجذابات رحمانیه حیّز امکان را به حرکت آرد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، فقره ۶۳)

(۵۲) « عنقریب آثار عنایت حقّ ظاهر گردد و انوار الهی شرق و غرب را روشن کند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، فقره ۱۴۰)

(۵۳) « حال مشاهده خواهید نمود که انوار احدیت الهیه چگونه ملکوت وجود را عنقریب احاطه می نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، فقره ۷۴)

(۵۴) « ای حبیب من، ناری که ربّ الملکوت در سدره سینا افروخته... عنقریب بسیط غبراء را فرا خواهد گرفت و شعله فروزان آن، جمیع اقوام و قبائل را به انوار خود روشن و منور خواهد کرد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع دور بهایی، ص ۳۰-۲۹)

(۵۵) « عنقریب مشاهده خواهید نمود که آفاق عالم، منشور اسم اعظم گردد و اخلاق امم معذوب آن نور مکرم؛ آهنگ تقدیس در محافل توحید بفلک اثیر رسد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۱۲۵)

(۵۶) « با عزمی ثابت و قلبی طاهر و روحی مستبشر و لسانی ناطق به ترویج تعالیم الهی پردازید تا... جمیع ملل متابعت سیاست الهیه نمایند.» (حضرت عبدالبهاء، لوح دوم از سری دوم الواح تبلیغی، ۳ فوریه ۱۹۱۷)

(۵۷) « در این دور بدیع... شجره مبارکه حیات (نماد امرالهی) چنان نشو و نما نماید که بر شرق و غرب سایه افکند.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۵۸) « حضرت باب در بیان می فرماید هر یک از ادیان گذشته استعداد آن را داشت که جنبه جهانی حاصل کند و تنها علت این که موفق به این کار نشد، بی لیاقتی پیروان آن دیانت بود و سپس مؤکداً وعده می دهد که سرنوشت شریعت من یظهره الله چنین نخواهد بود و البته سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و تمام ساکنین جهان را شامل خواهد شد. این مطلب ثابت می کند که ما عاقبت الامر موفق خواهیم شد؛ ولی باید متوجه باشیم که به وسیله قصور و اهمال در فداکاری و عدم تمرکز قوی و مساعی خودمان در سبیل امرالهی موجبات تأخیر این منظور اساسی را فراهم نسازیم.» (پیام آسمانی، ۲، ص ۲۵۶)

(۵۹) « غلبه ظاهره (ی امرالله)... در الواح الهیه منصوص و مسطور است و به قلم اعلیّ مُصَرَّح و مشبوت.» (حضرت ولیّ امرالله، مجموعه بحرانها و پیروزیها، بند ۸۴)

۶۰ « در آن هنگام (یوم مبارکی که در آن، مقام و استقرار امرالله رسماً و عموماً شناخته شود) امرالله بر سریر عزت ابدیه جالس و عصای قدرت روحانی و جسمانی را در دست گیرد و اشعه ساطعه جلال و عظمت آیین مقدس الهی عالم را منور نماید و سلطه ابدیه اش در سراسر عالم مستقر شود.» (توقیع مبارک رضوان ۱۱۲ بدیع، مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۲۲۵)

۶۱ « مشیت حیّ قدیر بر این تعلق گرفته و حکمت بالغه الهیه چنین اقتضا نموده که خاصان حق در کشور مقدس ایران مال و منال، حتی دم مطهر خویش را ایثار نمایند تا شجره امید سقایت گردد و به برگ و میوه های گوناگون مزین شود و به مرور ایام، اقوام و قبائل و ملل متنوعه متباغضه اروپ و امریک و تاجیک و افریک را در ظلّ ظلیلش در آورد و تألیف دهد.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۳۱۱)

۶۲ « در سنین آتیه این دور بهایی... غلبه ظاهره شریعت الهیه من علی الارض را به اهتزاز آرد.» (حضرت ولیّ امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۶۳ « رَبَّنَا وَ مَلَاذِنَا... اَلْهَمْنَا مَا... تَحَقَّقْ بِه غَلْبَةُ شَرِيعَتِكَ السَّمْحَاءِ عَلٰی وَجْهِ الْغِبْرَاءِ.» (مجموعه مناجات حضرت ولیّ امرالله، ص ۱) (مضمون: ای پروردگار ما و پناه ما،... به ما الهام کن آنچه را که... به آن، غلبه شریعت آسانت بر همه زمین تحقق می یابد.)

۶۴ « (احبای الهی) به یقین مبین بدانند که در بحبوحه انقلاب^۱ و اضطراب و اغتشاش و اعتراض و طغیان دول و امم و قبایل و ملل... قهاریت و غلبه روح نازنینش (امرالله) کاملاً ثابت و آشکار گردد.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷]

۶۵ « سپس میرزا آقاخان^۲، مکالمه ای را که راجع به شهادت حضرت باب، با آن حضرت (حضرت بهاءالله) به عمل آورده بود به خاطر آورد. حضرتش در آن زمان به او اخطار داده بود: "آتشی که بر افروخته گشته، شدیدتر از همیشه، شعله خواهد کشید و گسترش خواهد یافت"». (مرور معبود، ص ۱۶۵)

۶۶ « آیین الهی، نه تنها از... مخاطرات مهلکه جان سالم به در برده، بلکه مطهر و شکست ناپذیر نیز ظاهر شده، و برای غلبه بر هر بحرانی که مشی مقاومت ناپذیرش ممکن است در آینده ایام ایجاد نماید، ظرفیت و استطاعت عظیم تری به آن عنایت گشته است.» (مرور معبود، ص ۵۳۲)

^۱ به میحث ۱۰۰ مراجعه شود.

^۲ میرزا آقا خان نوری، ملقب به اعتماد الدوله، جانشین امیر نظام (میرزا تقی خان).

۶۷) « در سنین آتیه این دور بهایی... صیحه ایادی غالبه اش (ایادی امرالله) مرتفع شود؛ و سطوت اعضاء (بازوان) قاهره اش واضح و عیان گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

۶۸) « حضرت بهاءالله... در همان اولین سالهای ورود به ادرنه، در لوح سیّاح به عکّا اشاره نموده و آن را "وادی نبیل" خوانده... در آن لوح، این نظاره پیش تازانه ذکر شده است: "هنگام ورود (حضرتش به عکّا) با علم های نور از ما استقبال شد و ندای روح بلند گشت که "به زودی تمامی خلق عالم در ظلّ این علم ها وارد خواهند شد."» (مرور معبود، ص ۲۶۱)

۶۹) « حضرت بهاءالله خطاب به وزیر اعظم (سلطان عثمانی)، عالی پاشا، سوره رئیس را نازل نمود. در این سوره سترگ... عظمت یوم ظهور خود را تصریح می نماید؛ (و) پیش بینی می کند که این ظهور (در زمانی) "نه چندان دور، بر جهان و تمامی مردمانش محیط خواهد گشت."» (مرور معبود، ص ۲۴۸)

۷۰) « ممالک و بلدان که در مدت یک قرن بل آزید (بلکه افزون تر)... در ظلّ امرالله وارد گشته، مضاعف گردد و شعله این آیین نازنین در ارکان عالم بر افروزد و لهیب سراجش به عنان آسمان رسد و تجلیاتش آفاق اکوان را احاطه نماید و نورش جهانتاب گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۲۷)

۷۱) « ای یاران عزیز، هر چند امروز جهانیان آیین یزدان را ضعیف و ناتوان شمارند و گاهی به عنوان شعبه ای از اسلام مردودش سازند و گاهی به عنوان یکی از فرقه های متعدد متداول در دیار غرب محسوسش دارند؛ ولیکن این گوهر الهی که هنوز در عالم جنین است، البته در صدف تعالیم و احکامش نشو و نما خواهد جست و صحیح و سالم و غیر منقسم، رشد و نمو خواهد کرد تا بالاخره عالم انسانی را در آغوش خویش پناه دهد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۳۲- توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰/ نیز با ترجمه ای متفاوت، مذکور در بهاءالله و عصر جدید، ص ۳۰۳)

۷۲) « تعالی تعالی هذه الشجرة المرفوعة المنبته في بحبوحة الفردوس... أ حسب الذين اتخذوا هذا الامر هزواً بأنّ افول كوكب الميثاق فرق جمعنا و شئت شملنا و اضلّ سبيلنا و اضاع آمالنا؟ أ زعموا بان هذه الدوحة الالهية و السدرة الازليّة (الشجرة المرفوعة المنبته في بحبوحة الفردوس) قد انقعدت و اغصانها قد يبست و اوراقها قد انتشرت و زفيرها قد خمدت و حياتها قد انعدمت و بطلان امرها قد تحققت؟ لا فوربّ العما، سوف تتفتح ازهارها و تتضوع عبيرها و تنضج اثمارها و تتشعب فروعها و تمتد ظلها على من على الارض اجمعين.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، ردیف ط از باب شانزدهم، ص ۴۹- توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات مبارکه ۱۴۹ بدیع، ص ۳) [مضمون: چقدر عالی و متعالی

است این درخت افراشته روئیده در میانه فردوس... آیا آنان که این امرالهی را باطل انگاشتند، گمان نمودند که افول کوکب میثاق (صعود حضرت عبدالبهاء) جمع ما را متفرق کرد و اجتماعمان را متشتت نمود و راهمان را منحرف ساخت و آلمان را از میان برد؟ آیا تصور نمودند که این شاخه الهی و سدره ازیلی (شجره برافراشته روئیده در بحبوحه فردوس) فروافتاد و تنه‌هایش خشکید و برگ‌هایش پراکنده شد و زرمه‌اش خاموش گشت و حیاتش معدوم شد و بطلان امرش تحقق یافت؟ نه، قسم به پروردگار یکتا، به زودی گل‌هایش می‌شکفتد، و بوهایش می‌پراکند، و میوه‌هایش می‌رسد و شاخه‌هایش می‌افزاید و سایه‌اش بر سراسر سیاره ارض گسترده می‌گردد.]

(۷۳) « این گوهر گرانبها (آیین حضرت رحمان)، در صدف قانون خویش پرورش یافته و با جمالی زیبا، به دلارایی خواهد پرداخت و با نهایت صحت و وحدت، بدون حصول سقم و خللی، ظاهر و آشکار خواهد گشت و چنان پیشرفتی نماید که جمیع عالم را احاطه کند و نوع بشر را در ظل خویش در آورد.» (حضرت ولی امرالله، ۲۱ مارس ۱۹۳۰، ارکان نظم بدیع، ص ۲۶/ نیز با ترجمه‌ای اندکی متفاوت، مندرج در پیام معهد اعلی، ۷ دسامبر ۱۹۶۹، خطاب به یکی از احباب)

(۷۴) « سلطان سریر لاهوت، حضرت رب الجنود... از اعلی رفارف قدس ندا می‌فرماید: یا خزنة اسراری اما ترون خفیات امری و بدایع حکمتی و اسرار شریعتی؟ قد بدت خالعة العذار عن خلف الحجابات و سیسطع شعاعها فی الآفاق باسراق لم تر شبهة القرون الاولون.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۸۹ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۶-۳۷) (مضمون بخش عربی: ای گنجینه‌های اسرار من، آیا نهانی‌های امرم و تازگی‌های حکمتم و اسرار شریعتم را نمی‌بینید؟ به راستی با روی باز، از پس پرده‌ها بیرون آمد و به زودی، شعاعش با درخششی در آفاق ساطع خواهد شد که قرن‌های نخستین، شبه و مثلش را هرگز ندیده‌اند.)

(۷۵) « این مراحل ثلاثه که مرحله استحکام اساس و اتساع نطاق و اشتهار صیت امرنیر آفاق است، مقدمه اعلان آیین یزدان در تمام جهان است که مرکز عهد و پیمان جمال رحمن به آن در الواح اشاره فرموده و این اعلان تحقق نیابد الا به قیام زمامداران دول و امم شرقیه و غربیه و رؤسای مذاهب و ادیان عتیقه در قارات خمسه و ایجاد ولوله‌ای اعظم و آشوبی اکبر و زلزالی اشد از آنچه تا به حال دشمنان امر ذوالجلال در بعضی از ممالک شرقیه احداث نمودند.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، مورخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸ / ۹ شهر العزة ۱۳۵ بدیع)

(۷۶) « یقین است که... الطاف و عنایات نجات‌بخش الهی که در جمع معدود خادمان صادق آستانش (مهاجرین) در سریان است، مانند ادوار سابقه، به تدریج در تمام جهان جریان خواهد یافت و تأثیر و

نفوذش در جان و وجدان ملل و نحل، آنان را متوجه خواهد ساخت که هیچ امری جز دریاق الهی که به ید قدرتش به بشر ارزانی گشته، آلام و اسقام محیطه مَحْزَنَه عالم بشری را شفا نبخشد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ۱۹ نوامبر ۱۹۷۰ خطاب به عموم مهاجرین)

(۷۷) «وظیفه مقدسه یاران چنان است که... منفرداً و مجتمعاً همت موفور مبذول دارند تا سهم خویش را در تسریع ظهور یوم مبارکی که بدان موعودند ادا نمایند؛ یومی که مقدر است این آیین نازنین قوای مکنونه‌اش را بتمامها ظاهر نماید و به مشیت الهیه به اوج قدرت و اعتلاء و عظمت و علاء جدیده واصل گردد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام ۱۹ نوامبر ۱۹۷۰ خطاب به عموم مهاجرین)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۷۸) «نکته‌ای که به یقین مبین می‌دانیم آنست که امراللهی که به قوای ذاتیه ملکوتیه‌اش متحرک است، هر دم قدرتش بیشتر شود و دامنه‌اش وسعت گیرد و تصرفاتش در تحقق مشیت الهیه در بسیط زمین روزبه‌روز شدت یابد.» (پیام نوروز ۱۳۱ بدیع / ۲۱ مارس ۱۹۷۴)

(۷۹) «به فرموده مولای توانا "استیلاى آیین نازنین حصول آفات و وقوع بلیات را مستلزم."» (۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸ / ۹ شهرالعزّه ۱۳۵ بدیع)

(۸۰) «شکی نبوده و نیست که... غلبه امرالله محقق گردد.» (پیام نوروز، ۲۱ مارس ۱۹۸۶)

(۸۱) «شکی نبوده و نیست که هر بساطی که بنایش بر کذب و افترا و ظلم و جفا باشد بقایى نیابد و به زودی منطوی گردد و نجم آمال دشمنان حضرت ذوالجلال آفل شود و غلبه امرالله محقق گردد.» (پیام ۲۱ مارس ۱۹۸۶ / شهرلبه‌ها ۱۴۳ بدیع)

(۸۲) «ای عزیزان دل و جان... شریعت غراء با سطوع و فروغ بی‌متنا در تقدّم و اعتلاست تا که صبح امید بدمد و لواء مجید در رفراف اسنی به اهتزاز آید و عندلیب بقا بر شاخسار علی به نغمه و آواز دمساز شود.» (پیام رضوان ۱۹۸۶ - جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱۰۱)

(۸۳) «ای دوستان (یاران و یاوران مهد امرالله در جمیع بلاد) وقایع مهمه خطیره در پیش است و هر قدر افق عالم تاریک تر گردد، قدر و منزلت امر اعظم چون جلوه صبح دم نمایان تر شود.» (پیام شهرالعزّه ۱۴۴ = سپتامبر ۱۹۸۷)

(۸۴) «هر چه بر تعداد این نفوس مقبله بیفزاید، سرعت ارتفاع بنای رزین و رصین نظم الهی نیز افزایش یابد و وعود جمال ابهی رخ بگشاید؛ قوله الاحلی: "قسم به کتاب اعظم که امرالله احاطه نماید و جمیع ارض را اخذ کند" و نیز می‌فرماید: "عنقریب از جمیع اقطار عالم ندای بلی بلی و لیبیک لیبیک مرتفع خواهد شد، چه که مفری از برای احدی نبوده و نیست" مقصود اینست که این دو قوه یکی مخرب و

دیگری سازنده، که متوازیاً در عالم امکان در کار است، هر چند به ظاهر متضادند ولیکن هر دو ممد یک امر و وسیله نیل به یک هدف و خادم یک مقصدند که به اراده الهی جهت نوع بشر مقدر و مقرر گشته است.» (پیام آگست ۱۹۹۳)

(۸۵) « فی الحقیقه، ربّ الجنود وعده فرموده است که (در مقابله با حملات دشمنان) فتح و ظفری محتوم و کامل نصیب یارانش خواهد نمود.» (پیام رضوان ۱۹۹۶)

(۸۶) « این از وعود الهیه است که روزی آید که شمس حقیقت از جمیع آفاق اشراق نماید و به فرموده مرکز میثاق: "در هفت اقلیم، آهنگ سبوح قدوس ربّ الملائکه والروح بلند گردد."» (پیام ۵ جون ۱۹۹۷ = اول شهرالنور ۱۳۴ بدیع)

(۸۷) « (خطاب به احبابی عزیز و محبوب ایرانی مقیم بلاد سایره) ملاحظه فرمایید که وعده جمال قدم که می فرمایند اگر امر مبارکش در سرزمینی از پیشرفت ممنوع گردد، از مکانی دیگر سر برآورده و پیام حیاتبخش خود را به جهانیان اعلان خواهد نمود، چقدر مناسب حال و درخور احوال است.» (پیام ۲۲ مارس ۲۰۰۶)

(۸۸) « فتح و ظفر محتوم امرالله... در آثار و الواح عدیده نازله از اقلام طلعات مقدسه بهایی، مورد تصریح و تأکید مکرر قرار گرفته و عباراتی نظیر "سوف یغلب ما اراد الله" و "عنقریب است که اعلام قدرت الهی را در همه بلاد مرتفع بینی" و "فسوف یرفع الله امره و یظهر برهانه" به کرات و مرات در آثار مبارکه زیارت می شود.» (پیام ۱ می ۲۰۰۷)

۱۲۲. تطهیر ارض از لوث کافران و مشرکان (۲)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « ان یا قلم البقاء... ان ادکرم ارددته لهذا الهیکل، لیظهر فی الارض آثاره... ویطهر الارض من دنس الذین کفروا بالله.» (قلم اعلی ۴، ص ۲۷۷ - سوره هیکل، نداء ربّ الجنود، فقره ۳۰) (مضمون: ای قلم بقا... هر آنچه را می خواهی برای این هیکل بگو، تا آثارش در زمین ظاهر شود... و زمین از پلیدی کسانی که به خداوند کفر ورزیدند پاکیزه گردد.)

^۱ عین بیان مبارک چنین است: «لو یسترون النور فی البرّ انه یظهر من قطب البحر و یقول ائی محیی العالمین.» (آثار قلم اعلی ۱، لوح شماره ۲۰۹، با مطلع الاعظم الابهی/ نیز مندرج در پیام معهد اعلی، اول اکتبر ۲۰۱۴) با این مضمون که (اگر نور را در بیابان پنهان کنند، سر از میانه دریا بر خواهد آورد و خواهد گفت "من حیاتبخش عالمیان هستم.")
^۲ امر و خلق: طهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ بدیع، جلد ۴، ص ۴۷۵.

(۲) « سوف يخرج الله من اكمام القدرة ايدى القوّة والغلبة و يبعث قوماً ينصرون الغلام و يطهرون الأرض من دنس كلّ مشرك مردود.» (سورة هيكل، نداء ربّ الجنود، فقرة ۳۴- آثار قلم اعلى ۴، ص ۲۷۹) [مضمون: به زودی خداوند از آستین‌های قدرت، دست‌های قوت و غلبه خارج خواهد کرد و قومی را مبعوث خواهد نمود که غلام (جمال مبارک) را یاری دهند و زمین را از لوث پلیدی هر مشرك مردودی پاکیزه نمایند.]

۱۲۳. زوال تعصبات جاهلی (۸)

الف) از آثار حضرت بهاء الله

(۱) « بگوای قوم، به قوت ملکوتی بر نصرت خود قیام نمایید که شاید ارض از اصنام ظنون و اوهام که فی الحقیقه سبب و علت خسارت و ذلت عباد بیچاره‌اند، پاک و طاهر گردد.» (لوح دنیا، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۴۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « ای پروردگار... قوت آسمانی ده و سنوحات رحمانی بخش و مروج وحدت بشر فرما و سبب محبت و الفت عالم انسانی فرما، تا ظلمات مهلکه تعصب جاهلی به انوار شمس حقیقت محو و زایل گردد و این جهان ظلمانی نورانی شود و این عالم جسمانی پرتو جهان روحانی گیرد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام معهد اعلى، اول اکتبر ۲۰۱۴)

(۳) « حال الحمد لله روزه روز این ظلمات (ظلمات تقالید) رو به زوال و تشتت است؛ عنقریب بتمامها زائل گردد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۴۸)

(۴) « از جمله وقایع جسیمه که در یوم ظهور آن نهال بی‌همال (یعنی در دور جمال مبارک) وقوع خواهد یافت... ضدیت دینیّه و مذهبیّه و مباینت جنسیّه و نوعیّه و اختلافات وطنیّه از میان برخیزد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

(۵) « کلّ موعود به دو ظهورند که پی‌درپی واقع شود... در این دو ظهور... اوهامات جنسیّه و وطنیّه و شخصیّه و لسانیّه و سیاسیّه جمیع محو و فانی شود؛ کل در ظلّ ربّ الجنود به حیات ابدیّه فایز گردند.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۱)

(۶) « آن مظهر کلی (رب جنود)... چنان تربیت کند که... به کلی منافرت جنسی و مخالفت دینی و مابینت ملی زائل گردد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۶)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۷) « چندی نگذرد که این ابرهای مترکم ظلم و عدوان و غفلت و تعصب و طغیان از آفاق برافتند و روزی فیروز بدمد و عصری جهان افروز علم در عالم افرازد.» (۱۰ فوریه ۱۹۸۰)

(۸) « رفع تعصبات دینی و نژادی و طبقاتی و ملی... از عناصر اولیة سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طی این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلی، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

۱۲۴. تنفیذ احکام و تحکیم تعالیم الهی (۱۱)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « ندای ملکوت الله جمیع آذان را به اهتزاز آرد و تعالیم الهی حیات جدیدی بخشد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح چهارم از سری دوم الواح تبلیغی، ۱۵ فوریه ۱۹۱۷)

(۲) « ای منجذبه محبت الله... یقین بدان در این عصر رحمانی... اوامر امیر صلح (شاهزاده صلح= حضرت بهاء الله) چنان در عروق و اعصاب امم نافذ گردد که ملل عالم را در ظل خویش آورد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، فقرة ۲۰۱)

(۳) « در آن دوره شمس حقیقت (دوره مظهر کلی الهی)، انوار الهی در نهایت سطوع درخشانده گردد؛ لهذا جوهر تعالیم الهی در عالم امکانی تحقق یابد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۷)

(۴) « جوهر تعالیم حضرت بهاء الله محبت جامعه (پوشاننده) است که شامل جمیع فضائل عالم انسانی است... عنقریب ملاحظه می نماید که این تعالیم آسمانی مانند نور حقیقت، جمیع آفاق را احاطه و روشن نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، فقرة ۳۱) (۲۷ می ۱۹۰۶)

(۵) « در این عصر الهی، ملاحظه نما که چقدر ترقی در عالم عقول و افکار حاصل گردیده و حال، بدایت اشراق است؛ عنقریب ملاحظه شود که این فیوضات جدیده و این تعالیم الهیه این جهان تاریک را نورانی نماید و این اقالیم غمگین را بهشت برین فرماید.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۱۲۳)

(۶) « تعالیم و شریعة الله در روی زمین جمیعاً منتشر گردد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۲)

(۷) « هر تخمی برکتش محدود است؛ ولیکن تخم تعالیم آسمانی فیض و برکتش نامحدود و در ممر قرون و اعصار متصل، خرمنها تشکیل کند.» (حضرت عبدالبهاء، لوح اول از سری اول الواح طرح ملکوتی، ۲۶ مارس ۱۹۱۶)

(۸) « این (آرزوی صلح و سلام ناشی از حرب جهانسوز اول)، از حکمت بالغه الهی (است) تا استعداد حاصل شود... و اساس... تعالیم الهی در شرق و غرب ترویج یابد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح هفتم از سری اول الواح طرح ملکوتی، ۱۱ آوریل ۱۹۱۶)

(۹) « جوهر تعالیم الهی در عالم امکانی تحقق یابد و ظلمات جهل و نادانی زائل گردد و جهان جهان دیگر شود^۱ و نورانیت احاطه کند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۸-۴۷)

(۱۰) « در آن تاریخ وقتی صیت (آوازه) عظمت و اقتدار و قهاریت و غلبه ظاهره و سیطره محیطه (امراهی) جهانگیر گردد... تعالیم الله تتمکن فی الارض حق التمکن و تملأ الانوار مشارق الارض و مغاریها؛ یومئذ تفرح المؤمنون.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توفیق ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۴۲۸-۴۲۷) (مضمون بخش عربی: و تعالیم الهی کاملاً در زمین جای خواهد گرفت و انوار، مشرقها و مغربهای آن را احاطه خواهد کرد. در آن زمان، مؤمنان شادی خواهند نمود.)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱۱) « در این عهد و عهد آتیه این عصر و در عصر ذهبی^۲ دور مقدس جمال ابهی... آنچه در هویت این امر عزیز الهی است ظاهر و نمایان گردد؛ و شریعت الله جلوه محیرالعقول در بسیط غبراء نماید.» (توفیق ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

۱۲۵. استیلا روحانیت و اعتلای اخلاقی (۱۰)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « در اخلاق و احوال و اطوار، تعدیل کلی حاصل خواهد شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد اول، فقرة ۱۳۴-مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۱۰۲)

^۱ به مبحث ۱۰۲ مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۱۳۰ رجوع شود. همان گونه که اشاره شده است، جلوه شریعت الله [یعنی؛ مجموعه احکام و تعالیم الهی که به وسیله یک پیغمبر به عالم انسانی عطا می‌گردد. (نوزده هزار لغت)] در امتداد عصر تکوین موجود و متکامل بوده، در عصر ذهبی دور مقدس، جلوه محیرالعقول در بسیط غیرا خواهد کرد. همین مفهوم باعث شده که این مبحث در این محل از سیستم موضوعی مجموعه قرار گیرد.

- (۲) « امیدم چنان است که... حقوق عموم محفوظ ماند و افراد انسانی روزبه‌روز سبب ترقی فضائل گردند... این است منتهای آرزوی من.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۸۲)
- (۳) « ای حزب الله، حضرت اعلیٰ روحی له الفداء جان را فدا نمود و جمال مبارک در هر دمی صد جان فدا فرمود و تحمّل مصائب و شداید شدیده کرد؛ حبس و زنجیر شد؛ آواره و سرگون دیار بعیده گشت و عاقبت در سجن اعظم ایام به سر برد و همچنین جم غفیری از یاران الهی در این سیل شهد شهادت نوشیدند و جان و مال و اهل و عیال، کلّ را فدا و نثار فرمودند... جمیع به جهت این که (از جمله)، عالم انسانی نورانی گردد... و نفوس بشری رحمانی گردند.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۱۶۱)
- (۴) « جمال ابهی روحی لاجبائنه الفداء تحمّل مصائب کبری فرمود و بلایای بی منتهی، دمی نیاسود و نفسی به راحت بر نیاورد؛ آوارهٔ کوه و هامون گشت و سرگون قلاع و سجون شد... تا این جهان را روحانیت بخشد و به سنوحات رحمانیت بیاراید.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۲۰۷)
- (۵) « در آن یوم خداوند (ظهور جمال مبارک)،... راستی و درستی و خداپرستی به میان آید.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۵)
- (۶) « آنچه از آثار و... کمالات عالم انسانی در ایام سابق ظاهر شده، به منزلهٔ دو حرف (از بیست و هفت حرف) بوده؛ ولی در این ظهور بدیع و بروز کنز منبع، کمالات و فضائل عالم انسانی... به درجه‌ای رسد که به مثابهٔ جمیع حروف دیگر باشد.» (حضرت عبدالبهاء، مائدهٔ آسمانی، ۲، باب اول، ص ۹)
- (۷) « از غلبهٔ روحانیت در این دور بهایی سؤال نموده بودید؛ یقین است که روحانیت بر جسمانیت غلبه خواهد نمود و ملکوتیت بر بشریت غالب خواهد گشت و به تربیت الهیه، نفوس من حیث المجموع در مراتب وجود ترقی خواهند کرد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۱، فقرة ۱۶۰)
- (ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله
- (۸) « (در جامعهٔ متحد جهانی) نیروهای عظیمی که در راه جنگ‌های اقتصادی و سیاسی به هدر می‌رود... به ترویج هر وسیله‌ای که حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان را تقویت کند، پردازد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴-توقیع مورّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- (۹) « "قطعهٔ امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار" (حضرت عبدالبهاء)... آیا از صفات و ملکات مبروده... جز آنچه در آن عصر فرخنده (عصر ذهبی)، تحت نظم جهان‌آرای مقدّسش تأسیس و در افنده و قلوب منطبع خواهد گردید، شان و مقام دیگری ممکن است در نظر آید؟» (حضرت ولیّ امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۵-۱۴)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱۰) « طبق بیان حضرت ولی امرالله، تحقق بلوغ عالم با... ایجاد نیروی محرکه بی سابقه‌ای در حیات روحانی و اخلاقی و عقلانی نوع بشر مقارن است.» (کتاب مستطاب اقدس، یاد داشت ۱۹۴)

۱۲۶. حصول شادی و نشاط عمومی (۸)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « ای بهایان نورانیان،... این محفل انس که جشن عظیم است (جشن بهایان شهر لندن به مناسبت نوروز)، به منزله مادر است؛ من بعد بزم‌های آسمانی تولد خواهد نمود، چنان که جمیع چشم‌ها حیران ماند.» (پیام آسمانی ۲، ص ۳۳۹)

(۲) « ما را نیز مقاصد چنین که... نورانیت الهیه جهان را روشن نماید.» (مکاتیب عبدالبهاء ۴، ص ۱۶۲)

(۳) « ای دوست، آتشی از ملکوت، در قلب عالم در سدره مبارکه مشتعل گشته که شعله‌اش عنقریب در ارکان عالم برافروزد و پرتوش آفاق امم را روشن نماید.» (حضرت عبدالبهاء، منقول در کتاب دور بهایی، ص ۲۷) (توقیع مبارک ۸ فوریه ۱۹۳۴)

(۴) « ای دوست حقیقی، نفوذ کلمه الله مانند روح در عروق و شریان آفاق، رو به سریان است و قلب عالم در نهایت هیجان. عنقریب ملاحظه نمایید که هیکل عالم ایجاد چنان به قوه روح به حرکت آید که از شدت وجد و طرب آهنگ رقص کند و پاکویان و کف زنان نغمه‌ای ساز نماید که عالم بالا به اهتزاز آید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۱۱۶)

(۵) « فیوضات نامتناهی متابع؛ عنقریب... از نسیم گلشن عنایت مشام اهل آفاق در شرق و غرب، مشکین و عنبرین شود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۲۷۹)

(۶) « عنقریب ملاحظه خواهید کرد که از انوار بهاء الله، غرب شرق می شود؛ ابر رحمت پروردگار می بارد؛ جمیع قلوب سبز و خرم می شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۴۷)

(۷) « به قوه حضرت بهاء الله... نفحات قدس منتشر گردد؛ نفثات روح القدس دل‌ها را زنده نماید؛ مشام‌ها را معطر کند؛ چشم‌ها را بینا سازد؛ گوش‌ها را شنوا فرماید؛ (جمیع من علی الارض) سرور ابدی یابند؛ حیات سرمدی حاصل نمایند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۴۲)

۸ « ای دوست حقیقی،... آهنگ ملاً اعلی بلند است و گلبانگ مرغان گلشن ابهی مسرت بخش هر هوشمند. عنقریب ملاحظه نمایی که جهان عنبرافشان گردد و خاور و باختر روشن از پرتو یزدان.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۱۱۷)

۱۲۷. ظهور جامعه و جهانی جدید (۳۳)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- ۱ « عنقریب... بسیط غرباء، محیط سماء گردد و کشور خاک، سپهر افلاک شود؛ آب جوی، ماء معین شود و شعله دلجوی، نور مبین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۹- ص ۲۷۰)
- ۲ « این (انتشار روح تعالیم در جمیع اقالیم آمریکا) است امر عظیم، اگر به آن موفق شوید، جهان جهان دیگر گردد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح ششم از سری دوم الواح تبلیغی، ۸ مارس ۱۹۱۷)
- ۳ « جهان، جهان دیگر گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در ترجمه گاد پاسز بای توسط جناب نصرالله مودت، ص ۵۶۵)
- ۴ « عنقریب... عالم، عالم دیگر گردد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۴۸)
- ۵ « در این دور بدیع، جهان جهان دیگر گردد.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)
- ۶ « کُل، موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود و اخبار نمودند که در این دو ظهور، جهان، جهان دیگر شود.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)
- ۷ « عنقریب مشاهده خواهید نمود که... جهان جهان دیگر شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۱۲۵)
- ۸ « (از جمله در اثر مساعی احبای آمریکا در انتشار نفثات روح القدس) جهان جهان دیگر گردد و هیأت اجتماعیّه نشئه دیگر یابد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح چهارم از سری دوم الواح تبلیغی، ۱۵ فوریه ۱۹۱۷)
- ۹ « ای بنده الهی، البتّه از ظهور قوه نامتناهی در این عصر مجید، آثار عجیبه در عالم آشکار گردد و تغییرات عظیمه در حال و استقبال مشاهده شود، زیرا کلمه الله مانند روح است و عالم امکان مانند جنین در رحم مادر، از قوه روح، این جنین حالات متنوعه پیدا کند و از هیأتی به هیأتی انتقال نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۱۲۷)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۱۰) « مقصد از نظم بدیع جهان آرای الهی و اصل وحدت عالم انسانی، حصول تغییر اساسی در سازمان جامعه کنونی جهان^۱ است؛ چنان تغییری که شبهه و مثل نداشته است.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام رضوان ۱۹۶۷)

۱۱) « وعودی که حضرتش (حضرت عبدالبهاء) مکرراً راجع به آینده درخشان... نوع انسان در کل، عنایت فرموده‌اند؛ حائز خصیصه‌ای است که یقیناً باید ما را در بحبوحه مصائب و بلاهای ایام آتی، محافظت و تقویت نماید.» (ترجمه) (توقیع منیع مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۴۰- سرنوشت رو به ظهور جامعه بهایی انگلستان، انگلیسی، ص ۳۵۴)

۱۲) « اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گوهر افشان اعز ابهایی... یوم تبدل الارض غیر الارض را بر عالمیان ثابت و محقق نماید.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۷۵- مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۲۵۳-۲۵۲] (مضمون عبارت عربی: روزی که زمین غیر زمین شود).

۱۳) « همه دولت‌های عالم تغییر خواهند کرد.» (ترجمه) (توقیع منیع روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۱)

۱۴) « اصل وحدت عالم انسانی مستلزم تغییری ارگانیک در ساختار جامعه امروزی است؛ تغییری که جهان هرگز تجربه ننموده است.» (ترجمه) (نقل توسط بیت‌العدل اعظم، بیانیه سرچشمه هدایت، صص ۱۱۴-۱۱۳)

۱۵) « رساله مدنیّه... در باره تجدید نظام آینده جهان، مطالب بسیار مهمی دارد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۰)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۱۶) « در این زمان که نظم قدیم متزلزل گشته و جای خود را به نظم بدیع^۲ می‌بخشد، تغییرات و تطوراتی در عالم وجود در شرف وقوع است که قوه تصور از ادراک شدتش عاجز و ناتوان (است).» (پیام نوروز ۱۳۱ بدیع - ۱۹۷۴ میلادی)

^۱ به مبحث ۱۳۴ رجوع شود. وحدتی که بعد از استقرار نظم بدیع جهان آرای الهی تحقق می‌یابد، از نوع روحانی و بعد از حلول عصر ذهبی است؛ بنا بر این عبارت "تغییر اساسی در سازمان جامعه کنونی جهان" نوعی اشاره به استقرار حکومت جهانی بهایی است.

^۲ به مبحث ۱۲۹ مراجعه شود.

۱۷) « روزی آید که...بالمآل انوار شمس ظهور، ظلمت دیجور را زائل سازد و امرالله را از مرحله‌ای به مرحله‌ای اعلیٰ کشاند و صبح وعود الهیه برمد و جهان جهان دیگر شود.» (۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸ / ۹ شهرالغزّه ۱۳۵ بدیع)

۱۸) « قبول وحدت عالم انسانی^۱ اولین شرط ضروری و اساسی تغییر سازمان جهان و اداره آن به صورت یک کشور است که به منزله وطن نوع انسان است.» (معهد اعلیٰ، رساله وعده صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، ص ۱۷)

۱۹) « ای دوستان (یاران و یاوران مهد امرالله در جمیع بلاد) وقایع مهمه خطیره در پیش است... پرتو عظمت (امراللهی) شرق و غرب را به انوار هدایت روشن تر سازد... و جهان ظلمانی نورانی شود و عالم انسانی فریزدانی گیرد.» (پیام شهرالغزّه ۱۴۴ = سپتامبر ۱۹۸۷)

۲۰) « طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزت موعوده عالم انسانی... در قرن‌های لاحقه و ادوار آتیة این کور مجید بسیط خاک را نورانی و مثلاً نماید و خلعت جدید پوشاند.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)

۲۱) « گردهم آمدن یاران در صفوفی چنین رنگارنگ (در کنگره جهانی بهایی در نیویورک)... سبب تجدید این اطمینان است که علی رغم امتحانات و اضطرابات مکرره، مقصد غایی (حضرت بهاءالله) که رهایی و دگرگونی جهان است، بالمآل کاملاً تحقق خواهد یافت.» (پیام ۲۳ نوامبر ۱۹۹۲- جزوه دست خط‌های معهد اعلیٰ، جلد دوم، ص ۱۴)

۲۲) « انتشار ترجمه انگلیسی این کتاب مستطاب (کتاب اقدس) که قوای مکنونه در آن را احصاء نتوان نمود، در این زمان که جهان درگیر بی نظمی و اختلافات داخلی است، نشانه اطمینان و اعتماد به استقرار نهایی جامعه‌ای جهانی است که از صلح و تمدن حقیقی برخوردار خواهد بود.» (پیام ۵ مارس ۱۹۹۳)

۲۳) « ما امیدواریم که شور و شوق جامعه بهایی در اقدامات داخل جامعه و در مشارکت در اقدامات جامعه خارج، احساس اعتماد و اطمینان نسبت به آینده بشری را القاء نماید.» (پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۹۹)

۲۴) « اصل وحدت عالم انسانی... مستلزم آن است که در بنیان جامعه کنونی تغییراتی حیاتی (ارگانیک) صورت پذیرد که شبهش را چشم عالم ندیده است.» (حضرت ولی امرالله، نقل توسط بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۳)

^۱ به مبحث ۱۰۴ رجوع شود. اگر به درستی، "تغییر سازمان جهان و اداره آن به صورت یک کشور" را تعریف "حکومت اولیه جهانی" (مبحث ۱۰۵) در نظر گیریم، حصول "وحدت سیاسی عالم انسانی" شرط ضروری تحقق آن خواهد بود.

- (۲۵) « دورنمای امور بین‌المللی به فرموده ایشان (حضرت ولی امرالله)، با دو قوه تغییر شکل می‌یابد، یکی نیروی ترکیب و دیگری نیروی تحلیل که هر دوی این نیروها در اساس، از کنترل و تسلط بشر بیرون است. در پرتو آنچه امروز بر دیدنش تواناییم پیش‌بینی حضرت ولی امرالله در باره مبادلات این دو نیروی متضاد، به راستی شگفت‌انگیز است.» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۴)
- (۲۶) « اصل وحدت عالم انسانی خواهان تجدید بنیان جامعه و طالب خلع سلاح کشورهای متمدن جهان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۸- توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱- نقل توسط بیت‌العدل اعظم در رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۳- ندا به اهل عالم، ص ۴۷)
- (۲۷) « به یقین در آینده، زمانی بیاید که (سازمان ملل متحد) شاهد تغییرات بزرگ دیگری باشد، تغییراتی که جهانیان را بر قبول اصل حکومت جهانی^۱ مجبور خواهد ساخت.» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۷۹)
- (۲۸) « جای شک و شبهه‌ای نمی‌ماند که هرچند تقلایی که با آن روبه‌رو هستیم طولانی باشد، نتیجه‌اش جز این نیست که (به) ناچار روابط میان قاطبه مردم جهان به کلی دگرگون خواهد شد.» (معهد اعلی، بیانیه خطاب به رؤسای ادیان، آپریل ۲۰۰۲)
- (۲۹) « حتی امروز چه کسی می‌تواند ادعا کند که قادر است از اجتماع آینده‌ای که مقدر است در ظل این ظهور اعظم جلوه نماید، جز تصویری مبهم چیزی در ذهن خود مجسم نماید؟» (پیام رضوان ۲۰۱۲)
- (۳۰) « تفاوت فاحشی... بین اجتماع امروز و دیدگاه شگفت‌انگیزی که حضرت بهاءالله به عالم عطا فرمود، وجود دارد.» (بیت‌العدل اعظم، پیام رضوان ۲۰۱۲)
- (۳۱) « احدی نباید تصور کند که مدنیته که تعالیم الهی، نوع بشر را به سوی آن پیش می‌برد صرفاً با تعدیلاتی در نظم کنونی عالم به وجود خواهد آمد. این تصور بسی دور از حقیقت است. حضرت عبداله‌اء در خطابه‌ای که چند روز پس از استقرار سنگ زاویه ام‌المعابد غرب ایراد نمودند فرمودند که "از جمله نتایج ظهور قوای روحانی آنست که عالم انسانی ترکیب اجتماعی جدیدی به خود خواهد گرفت."» (پیام رضوان ۲۰۱۲)
- (۳۲) « بهاییان فرداً و جمعاً البته می‌کوشند تا مساعی خود را با قوای (این) فرایند سازنده (فرایند سازندگی از دو فرایند اساسی حاکم بر حیات بشریت) هم‌سو نمایند؛ زیرا معتقدند که این فرایند، هر چقدر افق‌های نزدیک تیره و تار باشد، روزبه‌روز قوی‌تر خواهد شد؛ (و) امور بشری سازمانی کاملاً جدید خواهد یافت.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳)

^۱ به میحث ۱۰۵ مراجعه شود.

۳۳) « اتحاد و یگانگی به فرموده حضرت عبدالبهاء، در عرصه‌های مختلف حیات بشری متدرجاً حاصل خواهد شد از جمله "وحدت سیاست"، "وحدت آراء در امور عظیمه"، "وحدت نژاد"، و "وحدت وطن". با تحقق این امور، ساختارهای لازم در دنیایی برخوردار از اتحاد سیاسی که تنوع کامل فرهنگ‌ها را ارج می‌نهد، و شرایط ظهور و بروز حرمت و شرافت انسانی را فراهم می‌سازد، به مرور شکل خواهد گرفت.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳)

۱۲۸. بشریت در مسیر سرنوشت خود (۲)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- ۱) « سیر جبری و سرسخت حوادث... عالم بشریت را به سوی هدفی می‌راند که حضرت بهاءالله از قبل تعیین و پیش‌بینی فرموده‌اند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۳۹، توفیق ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)
- ۲) « بشریت، به واسطه رنج و مصیبت، به سرعت، به سمت سرنوشت محتوم خود در حرکت است.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، کتاب نظم بهایی انگلیسی، ص ۶۶)

۱۲۹. استقرار نظم بدیع جهان‌آرای الهی (۵۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « لَعَمْرِي (به جانم قسم)، سوف نَطْوِي الدنیا و ما فیها و نَبْسُطُ بِسَاطِ آخِرٍ؛ انه علی کل شیء قدیر.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۴۳- نقل در روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۶) (مضمون: قسم به جانم، به زودی دنیا و آنچه در آن است را درهم خواهیم پیچید و بساطی دیگر (نظمی نوین) گسترده خواهیم کرد؛ همانا او بر هر چیزی قادر و توانا است.)
- ۲) « طوبی لمن ینظر الی نظم بهاءالله و یشکر ربّه، فانه ینظهُرُ و لا مردّ له من عند الله فی البیان.» (حضرت اعلی، مندرج در توفیق منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۷۷) (مضمون: خوشا به حال کسی که به نظم

^۱ به میحث ۱۰۴ رجوع شود. در این فقره مهمه، نه تنها وحدت اولیة عالم انسانی "اتحاد سیاسی" خوانده شده؛ بلکه ساختارهای لازمی که تنوع فرهنگ‌ها را ارج نهد، یا همان "حکومت اولیة جهانی" ثمره آن تلقی شده است.

بهاءالله بنگرد و پروردگار خود را سپاس گوید؛ این نظم به راستی از نزد خداوند، (مستند به وعده) بیان، ظاهر خواهد شد و هیچ تردیدی در مورد آن نیست.

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۳) «نظمی^۱... که آیندگان آن را ولید امرالله و مبشر عصر ذهبی^۲ خواهند دانست (نظم بدیع الهی) و جلوه آن در موقع خود، در نهایت جمال و جلال، ظاهر و آشکار خواهد گردید.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۰۱) (۱۸ اوت ۱۹۴۹)

۴) «نظم (بدیع الهی) به مثابه صدفی برای حفظ و صیانت گوهر گرانهای امرالله است و به مرور زمان واضح و مبرهن خواهد شد که این نظم عامل اصلیه‌ای است که این شرع انور را به مرحله نهایی وارد خواهد کرد.» (توقیع دور بهایی، مورخ ۸ فوریه ۱۹۳۴، ارکان نظم بدیع، ص ۲۱)

۵) «نظم بدیع الهی... به بنای سفینه نجات عالم انسانی (اشاره به کشتی اساطیری حضرت نوح است)، به تدریج و به کمال شدت و قوت، مشغول است...؛ سفینه‌ای... که ید قدرت الهی برای نجات و رهایی جامعه بشری مقدر فرموده است.» (توقیع مبارک رضوان ۱۱۲ بدیع، مندرج در مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۲۳۵)

۶) «این نظم بدیع، چون از عیوب فطریه مسلمة انظمه مذکوره (انواع حکومت دموکراسی یا حکومت مطلقه استبدادی، چه سلطنتی و چه جمهوری و یا انظمه اشرافی... و... اقسام حکومت دینی، چه حکومت عبرانی و چه تشکیلات مختلفه کلیسای مسیحی و یا امامت و خلافت در اسلام) مطلقاً عاری و مبرا است؛ هر قدر فروعش امتداد یابد و دامنه‌اش وسعت گیرد، به مرور اعصار و دهور، به حکومت استبداد و تسلط اعیان و شرور ناطقین و خطبا که عاقبت کلیه تأسیسات سیاسی ناقصه بشری است، منجر نگردد و از فساد آنان مصون ماند.» (کتاب دور بهایی، ص ۹۱/ توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

۷) «آیا حوادث خطیره بیست سال اخیر (اکنون، یعنی ۱۱ اکتبر ۲۰۱۳، ۹۹ سال اخیر می‌شود) که سبب انقلابات اقالیم ارض گشته، در حالی که سكرات موت تمدنی را اعلام می‌نماید که در شرف تلاشی و اضمحلال است، دلالت بر درد زه نظم بدیعی ندارد که سفینه نجات بشری است و ناگزیر بر خرابه‌های عالم مستقر خواهد شد؟» (کتاب دور بهایی، ص ۹۳- توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۹۳)

^۱ با رجوع به متن توقیع مبارک، مندرج در کتاب مذکور، بخصوص با توجه به مضمون بیان مبارک، به احتمال زیاد منظور همین نظم بدیع جهان آرای الهی است (و نه نظم اداری).

^۲ به مبحث ۱۳۰ رجوع شود.

۸) «نظم جهان‌آرای حضرت بهاءالله... که حال در مرحلهٔ جنینی است... باید حلول عصر ذهبی^۱ و در نتیجه، اعلان صلح اعظم^۲ و مدنیت الهی جهانی را که صلح ثمرهٔ آن است^۳، تسریع نماید.» (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۹)

۹) «این نظم بدیع عیناً همان مدنیت الهیه‌ای است که شریعت غرّای حضرت بهاءالله باید در ارض مستقر سازد.» (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۸۷)

۱۰) «قطعهٔ امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار» (حضرت عبدالبهاء... اگر بیان "ظهور اسرار" مربوط به اسرار مستوره در جنین نظم جهانی نباشد که حال در رحم تشکیلات اداری بهایی پرورش می‌یابد، دیگر به چه امری دلالت دارد؟ (ظهور عدل الهی، ترجمهٔ فتح اعظم، ص ۴)

۱۱) «این‌ها است (خصایص اصلی جامعهٔ متحد جهانی) رئوس کلی و برجستهٔ نظم که حضرت بهاءالله پیش‌بینی و تدبیر فرموده و اعلیٰ ثمرهٔ عصری است که به تدریج رو به بلوغ نهاده است.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۱)

۱۲) «هیچ یک از این دو (ارکان دوگانهٔ نظم بدیع)، نمی‌تواند به حدود مقدسهٔ دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود. هیچ یک در صدد تزییف سلطه و اختیارات مخصوصهٔ مسلمة دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته است بر نخواهد آمد.» (کتاب دور بهایی، ص ۸۲)

۱۳) «این انقلاب (هرج و مرج و فساد و عدم ایمان)^۴ بر اثر ولادت نظم اعظم آیین حضرت بهاءالله در عالم به وجود آمده است و هر قدر مضامین مکنونهٔ این نظم دائم‌التساع الهی مکشوف تر گردد و شاخ و برگ آن کرهٔ ارض را بیشتر فرا گیرد، بر شدت و وسعت این انقلاب خواهد افزود.» (کتاب دور بهایی، ص ۹۴)

۱۴) «در مستقبل ایام... تمدن کنونی رو به زوال می‌رود و نظم بدیع الهی جلوه و ظهور می‌نماید.» (کتاب دور بهایی، ص ۲۸)

^۱ به مبحث ۱۳۰ رجوع شود.

^۲ به مبحث ۱۳۳ رجوع شود. در ضمن این فقره مبارکه، از جمله بیاناتی است که تصریح می‌نماید صلح اعظم در عصر ذهبی رخ خواهد داد.

^۳ در بسیاری امکنهٔ دیگر از نصوص الهیه چنین تصریح می‌شود که "مدنیت الهی جهانی" ثمرهٔ "صلح اعظم" است و نه بالعکس. از جمله به فقرات ۱۲ از مبحث ۶- و ۲ از مبحث ۹۲- و ۳۹ از مبحث ۱۲۹- و ۴، ۱۵، ۱۷، ۲۱ از مبحث ۱۳۰ مراجعه شود. شاید در ترجمه اشتباهی رخ داده است (مثلاً به جای "که ثمرهٔ صلح است" نوشته شده "که صلح ثمرهٔ آن است" و یا شاید درجاتی عالی‌تر از صلح اعظم مطرح است که تحت تأثیر حصول مدنیت پیشرفتهٔ جهانی ایجاد خواهد شد. این قضیه، تحقیق دقیق‌تری می‌طلبد که مستلزم رجوع به متن اصلی انگلیسی است.

^۴ به مبحث ۱۰۰ مراجعه شود.

۱۵) « دو نیروی متضاد سرگرم تغییر و تبدیل وضع کنونی جهان است... این دو نیرو یکی سازنده و الفت دهنده است و دیگری مخرب و کوبنده. سیر سازنده به آیین نوزاد حضرت بهاءالله وابسته است و طلیعهٔ نظم بدیع جهان‌آرایی است که به زودی امر بهایی تأسیس خواهد کرد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۵-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۶) « ای دوستان عزیز، هر چند ظهور حضرت بهاءالله در عالم وجود تحقق یافته؛ ولی نظم جهان‌آرایی که باید از آن ظهور تولد یابد، هنوز متولد نشده است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۲-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۷) « ما، در آستانهٔ عصری هستیم که اضطرابات و تشنج‌اتش... حاکی از درد تولد نظم بدیع و جهان‌آرایی است که نطفه‌اش در آیین حضرت بهاءالله انعقاد یافته است و اینک ما می‌توانیم جنبش آن جنین را در رحم این عصر دردزا احساس کنیم؛ عصری که منتظر است در میقات مقرر حمل خود را بر زمین نهد و بهترین ثمرهٔ خویش را به دنیا آورد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۸) « پیروان اسم اعظم... خود و نفوس مؤمنه‌ای که بعد از ایشان بر خدمت امرالله قیام خواهند کرد، باید همچنان سمنند همّت بدوانند تا زمانی فرارسد که جریان وقایع کنونی عالم (تشنج‌ات دردناک دنیای خارج) نیرو و توانش فرو نشیند و هر یک از آن وقایع و حوادث سهم خود را در تولد نظم بدیعی که جنبش حال در رحم عصری پرآشوب و مبتلا به درد زایمان به جنبش افتاده است ایفا نماید.» (ظهور عدل الهی، ترجمهٔ فتح اعظم، ص ۱)

۱۹) « در زمانی که دیگر جامعه‌های بهایی عالم از جمیع جهات به هجوم تندبادهای شدید مبتلا گشته، جامعهٔ بهایی آمریکا که به حکم تقدیر حیّ قدیر محفوظ و مصون مانده و از الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء جان و توان یافته است، حال مشغول پی نهادن مؤسّساتی است که بشیر و طلیعهٔ عصری خواهد بود (عصر تکوین) که شاهد تولد و ارتفاع نظم جهانی حضرت بهاءالله در بسیط جهان است.» (ظهور عدل الهی، ترجمهٔ فتح اعظم، ص ۴)

۲۰) « غرّش رعدآسای آشوب‌های خانمان برانداز... منادی... درد زایمان نظم بدید است و نشان می‌دهد که وقایع جسیم آینده به چه سرعتی در شرف تکوین است.» (ظهور عدل الهی، ترجمهٔ فتح اعظم، ص ۵)

(۲۱) «نظمی... که آیندگان آن را ولید امرالله و مبشر عصر ذهبی^۱ خواهند دانست،... جلوه آن، در موقع خود، در نهایت جمال و جلال ظاهر و آشکار خواهد گردید.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۰۱)

(۲۲) «نسل های آینده آن (نظم الهی) را به منزله طلیعه مدنیّت الهیه^۲؛ یعنی ابهی ثمره ظهور حضرت بهاءالله، تعظیم و تکریم خواهند نمود.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۶۶) (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۴)

(۲۳) «باید یک جامعه جهانی به وجود آید که در آن، جنون وطن پرستی جنگجو و پرخاشگر به اعتقاد راسخ به جهان دوستی دائمی تبدیل شده باشد؛ این است کیفیت اجمالی نظمی که حضرت بهاءالله پیش بینی فرموده و در آینده، به منزله گواراترین میوه عصری شناخته خواهد شد (عصر تکوین) که به تدریج رو به کمال و بلوغ می رود»^۳. (حضرت ولی امرالله، نقل توسط بیت العدل اعظم در رساله وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۲)

(۲۴) «نظم جهانی حضرت بهاءالله... در کمونش بشارات استقرار عصر زرین عالم انسانی مکنون است.» (توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۳۹)

(۲۵) «آنچه را که امروز از آن نظم بدیع (نظم بدیع حضرت بهاءالله) دریافت توان کرد، به منزله لمحّه بصری بر اولین پرتو فجر موعود است که در میقات مقرر ظلمات عالم انسانی را محو و زایل سازد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۴۷، توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(۲۶) «هر ناظر منصفی شهادت می دهد که هم در داخل جامعه بهایی و هم در خارج آن، قرائن و علائمی روزافزون موجود است که به نحوی شگفت انگیز بشارت می دهد که زمان تولد نظم جهانی فرارسیده است؛ نظمی که خود طلایه (پیش درآمد) عصر زرین (دور) بهایی است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۳، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(۲۷) «نتیجه و ثمره این کارزار (نبرد قلعه طبرسی)... هسته های اولیه ای را در خاک خرم ایران زمین نشانده که به تقدیر الهی تدریجاً رویدند... و اکنون (سال ۱۹۴۴) نیز همچنان در حال رشد و نمودن تا در امتداد زمان، ثمرات زرین و میوه های شیرین خود را، به شکل نظمی نجات دهنده جهان و فراگیرنده عالمیان، پدیدار نمایند.» (مرور معبود، ص ۸۶)

^۱ به مبحث ۱۳۰ رجوع شود. در ضمن، این بیان مبارک اشعار می دارد که نظم بدیع مبشر "عصر ذهبی" است؛ و یا مطابق فقره شماره ۲۶ از همین مبحث، پیش درآمد این عصر پرشکوه است. به فهرست مندرجات مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۱۳۸ رجوع شود.

^۳ در این فقره مبارکه نیز به نحوی سمبلیک اشاره می شود که نظم بدیع جهان آرا، در مراحل پایانی عصر تکوین و در آستانه آغاز عصر زرین امر الهی تحقق نهایی خواهد یافت.

۲۸ « آن سیستم اداری جهان شمول (نظم اداری بهایی) ... طراحی شده بود تا به تدریج، به آن نظم جهانی بدیعی تبدیل گردد که نسل‌های آینده، به عنوان هم وعده و هم تاج افتخار همه ادوار گذشته، زبان به ستایشش خواهند گشود.» (مرور معبود، ص ۴۳۵)

۲۹ « نظم اداری (حضرت بهاءالله) ... مولود میثاق، و مبشر نظم بدیع جهان‌آرای او است که استقرارش منادی و شاخص ظهور عصر زرین دور بهایی است.» (مرور معبود، ص ۳۲۸)

۳۰ « این کتاب مبین (کتاب مستطاب اقدس)^۱ ... مقررات و موازینش افزون بر یک هزار سال جاری و برقرار خواهد ماند، و نظم نوینش تمامی سیاره ارض را احاطه خواهد کرد.» (مرور معبود، ص ۲۹۵)

۳۱ « این اثروزی (کتاب مستطاب اقدس) ... آن اصول و قوانین بنیادی را که ساختار آتی نظم جهانی حضرت بهاءالله لاجرم بر آن مستقر خواهد شد، برای نسل‌های آینده محفوظ می‌دارد.» (مرور معبود، ص ۲۹۶)

۳۲ « (حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) تأکید می‌کند: "به زودی نظم موجود برچیده و نظمی نوین به جای آن گسترده خواهد گشت."» (مرور معبود، ص ۳۰۰)

۳۳ « ظهور حضرت بهاءالله ... اعلان می‌دارد و تأکید می‌کند که قادر است ... خصایص شیطانی را به يك محبت و اتحاد جهانی تبدیل نماید؛ محبت و اتحادی که در چهارچوب نظمی نوین و مطابق با اصول و مبادی آن، نمودار خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۱۵۸)

۳۴ « آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه شهود خواهد آمد... (از جمله) تحقق نظم بدیع جهان‌آرای الهی در بسیط غبرا است.» (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۹)

۳۵ « نظم بدیع که در حقیقت این دور الهی (دور بهایی) مندمج، ... به مرور ایام، کاملاً در تأسیسات بدیعه‌اش مصور و مشخص خواهد گشت و صیت بزگواریش ولوله در بین عموم دول و ملل و نحل و امم و قبائل ارض خواهد انداخت.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۲۵)

۳۶ « نظم بدیع که در حقیقت این دور الهی (دور بهایی) مندمج، ... قواعد و ارکانش در کل اقطار مرتفع خواهد شد و جهان و جهانیان را احاطه خواهد نمود.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۲۵)

^۱ به بحث ۸۰ مراجعه شود.

۳۷) «عصر تکوین... امتدادش مجهول و در علم الهی مخزون، انتهایش استقرار این نظم اکمل امتن اتم در شرق و غرب عالم^۱... (خواهد بود)» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۴۴-۱۴۵)

۳۸) «نظم بدیع... کافل ظهور وحدت اصلیه در هیأت اجتماعی و وصول عالم به درجه بلوغ و کمال^۲... است.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۴۹)

۳۹) «نظم بدیع... رافع علم صلح اعظم^۳ و ضامن تأسیس مدنیت الهیه در عصر ذهبی دور اعزّ افخم کور الهی است.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۴۹)

۴۰) «این نظم بدیع... از جهتی محدث زلزله عظمی در ارکان مدنیت ضالّه فاسده هالکه حاضر، و از جهتی دیگر بشارت دهنده تأسیس مدنیت سامیه الهیه است.» (حضرت ولی امرالله، توفیق ۱۰۵ بدیع، ارکان نظم بدیع، ص ۷)

۴۱) «نظم بدیع... سفینه نجات بشری است و ناگزیر، بر خرابه‌های عالم مستقر خواهد شد.» (حضرت ولی امرالله، ۸ فوریه ۱۹۳۴، توفیق دور بهایی، ارکان نظم بدیع، ص ۲۰)

۴۲) «این نظم بدیع و نقشه زیبای دلفریب، به منزله و به مثابه میوه‌ای است که از شجر این قرن که به تدریج درجات بلوغ و کمال را می‌پیماید، ظاهر و پدیدار خواهد گشت.» (حضرت ولی امرالله، ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱، ارکان نظم بدیع، ص ۳۰)

۴۳) «چنین مقدر است که قرن دوم بهایی شاهد انتشار وسیع و استحکام بارز قوای فعاله در توسعه و پیشرفت جهان‌گیر نظم مزبور (نظم اداری بهایی) و نیز ناظر جنبش‌های اولیه نظم جهانی باشد؛ نظمی که تشکیلات اداری موجود، طلیعه و هسته مرکزی و نمونه‌ای از آن است.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام رضوان ۱۹۹۲)

۴۴) «کلمات مبارکه ذیل را به هیچ چیز جز به قدرت و عظمتی که نظم بدیع حضرت بهاءالله از خود به ظهور خواهد رسانید حمل نتوان نمود؛ نظمی که شالوده حکومت عالم‌گیر بهایی^۴ در مستقبل ایام است، قوله الاعلی: "قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین

^۱ در این فقره مبارکه تصریح می‌شود که استقرار نظم بدیع جهانی، در انتهای عصر تکوین خواهد بود.

^۲ مطابق مضمون این بیان مبارک، دو مرحله عالیّه "وحدت اصلیه" و "بلوغ و کمال" عالم انسانی، بعد از استقرار نظم بدیع الهی؛ یعنی به دنبال هم و در عصر ذهبی رخ خواهند داد.

^۳ به مبحث ۱۳۳ رجوع شود. در ضمن مطابق مضمون این فقره مبارکه، سه پدیده برجسته نظم بدیع و صلح اعظم و مدنیت الهی، به ترتیب یکی بعد از دیگری، و دو مورد اخیر در عصر ذهبی، نمودار خواهند شد.

^۴ به مبحث ۱۳۴ رجوع شود. از آنجا که نظم بدیع الهی در آخرین مراحل عصر تکوین تحقق خواهد یافت، استقرار "حکومت عالم‌گیر بهایی" در مراحل اولیه عصر ذهبی خواهد بود.

الابداع شبهه". « (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۷۶) (مضمون بخش عربی: هر نظمى از این نظم اعظم به اضطراب آمد و هر ترتیبی از این ترتیب بدیع به اختلاف افتاد؛ ترتیبی که چشم روزگار شیبش را ندیده است.)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۴۵) « حضرت ولیّ عزیز امرالله در ایفای وظایف جسیمة مقدّسه‌اش بنیان نظم بدیع الهی را که در کمون نصوص و آثار مبارکه مکنون بود، مرتفع و آن را از وسائط فعّالۀ تبلیغ امرالله و وسیله اجرای کامل منشور ملکوتی حضرت عبدالبهاء^۱ مقرر فرمود.» (پیام آوریل ۱۹۶۴)

(۴۶) « دارالتبلیغ مقدّر است در مستقبل ایام به صورت یکی از مشروعات اداری نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاءالله تحوّل و تکامل یابد.» (پیام ۵ جون ۱۹۷۳)

(۴۷) « حوادث اخیر (جنگ خاورمیانه در نیمه دوم سال ۱۹۹۰) ... در عین حال، بر تولّد نظم جهان‌آرایی دلالت می‌نماید که سفینه نجات بشری است و ناگزیر بر خرابه‌های عالم مستقر خواهد شد.» (ترجمه) (پیام رضوان ۱۹۹۱)

(۴۸) « حضرت ولیّ امرالله در سال ۱۹۴۶ در توقیعی چنین مرقوم فرمودند: "چنین مقدّر است که قرن دوم بهایی شاهد انتشار وسیع و استحکام بارز قوای فعّالۀ در توسعه و پیشرفت جهان‌گیر نظم مزبور (نظم اداری) و نیز ناظر جنبش‌های اولیۀ نظم (بدیع) جهانی باشد؛ نظمی که تشکیلات اداری موجود، طلیعه و هسته مرکزی و نمونه‌ای از آنست؛ نظمی که چون شکل گیرد و درخشش و لمعان تأثیرات لطیفه‌اش کرۀ ارض را در برگیرد، بلوغ کلیه نوع بشر^۲ و تکامل امرالهی را که به وجود آورنده نظم مزبور است، اعلام خواهد داشت."» (ترجمه) (پیام رضوان ۱۹۹۲)

(۴۹) « مؤسّسات نظم اداری بهایی که حال در اثر مساعی و مجهودات مؤمنین و مؤمنات در اطراف و اکناف جهان تأسیس می‌گردد، مبشّر و محور و نمونه آن نظم جهانی است که به مرور زمان جمیع اهل ارض از تأثیرات ثمر بخشش مستفیض خواهند شد.» (پیام ۴ ژانویه ۱۹۹۴ - جزوه دست‌خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۵۲)

^۱ به مبحث ۷۹ مراجعه شود.

^۲ به مباحث ۱۰۳ و ۱۳۶ مراجعه شود. بدیهی است این "بلوغ کلیه نوع بشر" چون بعد از استقرار نظم بدیع الهی خواهد بود، اولاً نوعی بلوغ روحانی است (در مقابل بلوغ اجتماعی که در مبحث ۱۰۳ مطرح شده است) و ثانیاً در عصر ذهبی محقق خواهد گشت.

۵۰ « حضرت ولی امرالله چنین می فرماید که با نزول کتاب مستطاب اقدس، حضرت بهاءالله "برای نسل های بعدی احکام و اوامر اساسی را که پایه و اساس نظم جهانی حضرتش در آینده ایام خواهد بود، به ودیعه گذاشته اند." (پیام ۴ ژانویه ۱۹۹۴)

۵۱ « جریان تقویت و تحکیم جامعه بهایی در مناطق مختلف جهان سرعتی روزافزون دارد و سیر تکاملی نظام شکفت انگیزی را که مالک بریه برای انتظام امور و بالمآل تضمین صلح در تمامی کره ارض ایجاد فرموده، شدتی بیشتر می بخشد.» (۷ دسامبر ۱۹۹۴)

۵۲ « نظم اداری، گرچه از بسیاری جهات متفاوت از نظم جهانی است که مقدر است ظهور امر بهایی آن را به وجود آورد، در عین حال هم "هسته مرکزی" و هم "طرح و نمونه ای" برای نظم جهانی است.» (۳۰ می ۱۹۹۷)

۵۳ « باعث سرور و شعف مضاعف است، وقتی ملاحظه می شود که در مراحل اولیه دور بهایی، نمایندگان جامعه جهانی ما با شاخصیتی چنان بارز در این وقایع (اجلاس های سه گانه ای که سازمان ملل به مناسبت آغاز هزاره جدید ترتیب داد) مشارکت داشته اند، وقایعی که مراحل (ی) مهم در طریق تحقق وعود مصرّحه در آثار قلم اعلی در باره استقرار نظم بدیع جهان آرا محسوب می گردد.» (پیام ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۰)

۵۴ « بیش از هفتاد سال پیش حضرت شوقی افندی توقیعاتی راجع به نظم جهانی صادر و در آن (ها) بررسی دقیقی از قوای فعاله عالم را ارائه فرموده و با فصاحتی که مختص آن هیکل انور است، دو فرایند عظیم منبعث از ظهور حضرت بهاءالله را توصیف نمودند- یکی مخرب و دیگری سازنده- که هر دو، نوع بشر را به سوی نظم بدیعی که موجد آن جمال اقدس ابهی است، سوق می دهند.» (پیام رضوان ۲۰۰۶)

۵۵ « در این تمایز دائم التّزاید (پیوسته فزاینده) (تباین واضح و عظیم بین تشکیلات در حال ظهور نظم اداری بهایی و نظم منحط اجتماعی)، وعده جلال و شکوه نظم جهان آرای حضرت بهاءالله مشهود خواهد گردید؛ نظمی که مقدر است عالی ترین انتظارات عالم انسانی را متحقق سازد.» (پیام ۲۵ مارس ۲۰۰۷)

۵۶ « الواح وصایای حضرت عبدالبهاء اساس نظم جهان آرای حضرت بهاءالله را در آینده تأسیس نماید.» (پیام ۲۱ مارس ۲۰۰۹)

۵۷ « حضرت بهاءالله هر یک از افراد احبّا را موظف و مکلف به تبلیغ امرالله نموده اند؛ زیرا انجام (دادن) این فریضه ربّانی، لازمه استمرار تأییدات غیبیه الهیه... و استقرار نظم بدیع جهان آرای جمال ابهی می باشد.» (پیام ۱۳ ژانویه ۲۰۱۳)

۵۸) « دوره‌ای که نوع بشر در حال ورود به آن است، برای جمیع افراد، نهادها، و جوامع روی کره ارض، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای مشارکت در رقم زدن آینده کره ارض ایجاد خواهد نمود. حضرت بهاءالله با کمال اطمینان وعده می‌دهند: " زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد." (معهد اعلی، بیانیّه "چه کسی آینده را رقم می‌زند؟")

فصل هشتم

عصر ذهبی، تشدید سلطه امرالله بر عالم و تحقق کمال نهایی بشریت (۵۵۱)

۱۳۰. حلول عصر ذهبی آیین الهی (۳۰)

ح) از آثار حضرت ولی امرالله

۱) «(جوانه ظهور حضرت باب) فرصت دیگری یافت تا به شکل ظهوری بس قدرتمندتر و فراگیرتر نمو کند و شاخه دواند؛ شاخه‌هایی که مقدر است در دوره‌های آتی، به گونه نهادهای رو به رشد یک سیستم اداری جهانی، شکوفه دماند و در عصر زرینی که هنوز حلول نکرده است، به صورت مشروعاتی قدرتمند به ثمره و میوه نشیند؛ مشروعاتی که با اصول نظمی که متحد کننده عالمیان و نجات بخشنده جهانیان است، انطباق کامل و جامع خواهد داشت.» (مرور معبود، ص ۱۱۲)

۲) «یوم رهیب فصل اکبر است و تابشیر قرن ذهبی کور مالک قدر؛ چشم بینا لازم تا مشاهده انوار را نماید و این حقایق مجهوله را الیوم تمیز دهد. من یقدر ان یفر من سلطنته او یهرب من سیطرته او ینهزم من صولته؟» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، باب چهارم ردیف ث، ص ۱۰، باب نوزدهم ردیف غ، ص ۶۰) (مضمون بخش عربی: چه کسی قادر است از سلطه‌اش بگریزد یا از سیطره‌اش فرار کند یا از صولتش در امان باشد؟)

۳) «آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه شهود خواهد آمد... (از جمله) ... حلول عصر ذهبی امرالله... است.» (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)

۴) «عصر ذهبی امرالهی که باید اتحاد تمامی ملل عالم، و استقرار صلح اعظم، و آغاز ملکوت اب سماوی بر سیاره خاکی (نوعی دیگر از بیان سلطنت الهی)، و حلول عصر تمامی نژاد انسانی (عصر ذهبی)، و تولد مدنیته جهانی^۱ را شاهد باشد، هنوز نمودار نشده و جبروتش به تصور کسی نیامده است.» (مرور معبود، ص ۴۲۹)

^۱ به مبحث ۱۳۸ رجوع شود. در ضمن، در این فقره مبارکه تصریح شده است که نوعی "اتحاد تمامی ملل عالم" که در فهرست مندرجات آن را وحدت روحانی عالم انسانی ذکر کرده‌ایم و "استقرار صلح اعظم"، و "تولد مدنیته جهانی" به طور متوالی (البته با وقوع مراحل دیگر در بین آنها) و همه در عصر ذهبی واقع خواهند شد.

۵) «الواح متقنه وصایای حضرت عبدالبهاء حلقه اتصالی است که عصر گذشته را با عصر کنونی که موسوم به عصر تکوین و موصوف به عصر انتقال است، الی الأبد مرتبط می سازد و ازهار و اثمار این عصر، انتصارات و فتوحات باهره ای است که طلیعه عصر ذهبی دور جمال ابهی خواهد بود.» (کتاب دور بهایی، ص ۳)

۶) «پیدایش یک جامعه جهانی و اعتقاد وجدانی به یک وطن بودن عالم و تأسیس مدنیّت و فرهنگ جهانی... باید با اولین مراحل عصر ذهبی دور بهایی مقارن باشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۷-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۷) «مؤسّساتی که اکنون در حال تکوین است (منظور مؤسّسات نظم اداری امرالله است)... باید مآلاً سلطنت الهیه که حاکی از حلول عصر ذهبی جمال قدم است، بر آن مستقرّ شود.» (کتاب دور بهایی، ص ۳)

۸) «عصر ذهبی (یا زرّین)... متعاقب آن (عصر تکوین) خواهد بود.» (کتاب دور بهایی، ص ۷۰)

۹) «چنین معتقدیم که موعد تاریک ترین ساعتی که باید مقدمه طلوع فجر عصر ذهبی آیین بهایی باشد هنوز نرسیده.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۰) «چه بهتر که این کلمات حضرت بهاءالله را در باره عصر زرّین آیین مبارکش که از تشعشع انوارش سراسر سیاره زمین آئینه جنت ابهی گردد، مسک الختام این مقال سازیم که می فرماید: "هذا يوم لا يرى فيه الا الانوار التي اشرفت و لاحت من افق وجه ربك العزيز الكريم. قد قبضنا الارواح بسطان القدرة و الاقتدار و شرعنا في خلق بدیع، فضلاً من عندنا و انا الفضال القديم. هذا يوم فيه يقول اللاهوت طوبى لك يا ناسوت بما جعلت موطن قدم الله و مقرّ عرشه العظيم و يقول الجبروت نفسى لك الفداء بما استقرّ عليك محبوب الرحمن الذى به وعد ما كان و ما يكون." (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) (مضمون بخش عربی: این روزی است که در آن دیده نمی شود مگر انواری که از افق وجه پروردگار عزیز و کریمت تابان شد. ارواح را به سلطه و قدرت و اقتدار خود قبضه کردیم و به فضلی از نزد خود، در خلق بدیع^۱ جاری نمودیم، همانا ما بخشنده و قدیم هستیم. این روزی است که عالم لاهوت می گوید: خوشا برای تو ای ناسوت، چون که محل قدم های خداوند و جایگاه عرش عظیم او قرار یافتی؛ و جبروت می گوید: جانم فدایت باد ای ناسوت، زیرا که محبوب الهی بر تو مستقر گشت؛ محبوبی که به آنچه بود و آنچه هست وعده داده شده بود.)

^۱ به مبحث ۱۲۰ مراجعه شود.

- ۱۱ « مورخین آبنده^۱ آن را [عصر کنونی ما (عصر تکوین) را که گرفتار تجزی و فساد و سرگردانی است] پیش درآمد عصری عظیم خواهند شناخت که از روزگار زرینش امروز جز بارقه ضعیفی به چشم ما نمی آید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۳۱-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- ۱۲ « اگر آن کلمات مبارکه که مذکور شد (قطعه امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار- حضرت عبدالبهاء) به عصر ذهبی آیین حضرت بهاءالله دلالت نداشته باشد، دیگر به چه چیز اشارت دارد؟» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۴)
- ۱۳ « اگر مقصود از کشور ابرار (قطعه امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار- حضرت عبدالبهاء) کمالات حاکم بر عصر ذهبی در ظل نظم بهایی نباشد، دیگر چه معنایی از آن می توان دریافت؟» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۴)
- ۱۴ « با سلطنت جهانی بهایی^۲ در عصر ذهبی، دور بهایی به ذروه کمال (خود) رسد.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۳۷) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)
- ۱۵ « مدنیت جهانی... ولید صلح اعظم^۳ و نشانه خاص عصر ذهبی دور حضرت بهاءالله است.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۴۶) (۵ ژوئن ۱۹۴۷)
- ۱۶ « حال چون نظر به آبنده گردد، عهد متتابعه ای در نظر مجسم شود که تا حواشی عصر ذهبی، یعنی عصری که بر حسب مواعید الهیه، بسیار فروزنده و درخشان خواهد بود، امتداد می یابد.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۲۶) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)
- ۱۷ « در خلال عصر ذهبی که مقدر است دور بهایی را به کمال خود نائل سازد، علم صلح اعظم، آن گونه که توسط مؤسس آن وعده داده شده است، بر افراشته خواهد شد؛ اتحادیه جهانی بهایی در نهایت عظمت و اقتدار نمودار خواهد گشت^۴؛ و تولد و شکوفایی مدنیتی جهانی^۵ که فرزند خلف این صلح و دوستی است، برکات لانهایه خود را بر عالم انسانی مبدول خواهد داشت.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، کتاب مهد امرالله، انگلیسی، ص ۶)

^۱ به مبحث ۸۸ مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۱۳۵ رجوع شود. در این بیان مبارک تصریح شده است که "سلطنت جهانی بهایی" در عصر ذهبی آیین الهی ایجاد خواهد شد.

^۳ به مبحث ۱۳۳ مراجعه شود. در این بیان مبارک هم تصریح شده است که "مدنیت جهانی" ولید، یعنی فرزند "صلح اعظم" است، لهذا بعد از آن محقق خواهد شد.

^۴ مطابق این بیان مبارک، "اتحادیه جهانی بهایی" یا به عبارت دیگر، حکومت جهانی بهایی، بعد از استقرار صلح اعظم حاصل خواهد شد.

^۵ به مبحث ۱۳۸ رجوع شود. در ضمن، در این فقره مبارکه هم مدنیت جهانی فرزند صلح اعظم تلقی شده است؛ یعنی بعد از آن محقق خواهد گشت. به زیر نویس شماره ۲۸۰ نیز مراجعه شود.

۱۸) «عصر ذهبی جمال قدم عالم را منور فرماید.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

۱۹) «این اقدامات و مشروعات خطیره حتمی الحصول (ابنیه حول قوس کرمل)،... در عصر ذهبی دور بهایی، به سبب ارتفاع علم صلح اعظم و تشکیل مرکز جلیل الشان جهانی مؤسّسات اداری نظم بدیع^۱ حضرت بهاءالله، به اعلی درجه عظمت و کمال خواهد رسید.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۲۷ نوامبر ۱۹۵۴، ارکان نظم بدیع، ص ۲۴۴)

۲۰) «مؤسّسات محلی و ملی و بین المللی شریعت حضرت بهاءالله به تدریج تشکیل و روزبه روز وسعت و عظمت خواهد پذیرفت تا عصر ثالث و اخیر دور بهایی، یعنی عصر ذهبی فرا رسد و نظم جهان آرای حضرت رحمان در بسط غربا جلوه محیرالعقول^۲ نماید و ثمره نهایی امر جمال اقدس ابهی ظاهر و آشکار گردد؛ مدنیّت الهیه تأسیس شود و ملکوت الله چنان که حضرت مسیح له المجد و الثناء وعده فرموده، در بین بریه استقرار یابد.» (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۶۶۰-۶۵۹)

۲۱) «او (حضرت بهاءالله)، در پیش بینی عصر ذهبی عالم انسانی، می فرماید "این مظالم عظیمه تمهید عدل اعظم را می نماید"، و این عدل اعظم، عدلی است که عاقبت، ساختار صلح اعظم تنها بر روی آن می تواند و باید مستقر گردد؛ و این صلح اعظم نیز به نوبه خود، مدنیّت اعظم را به بار خواهد آورد؛ مدنیّتی که همواره مستفیض از کسی است که اسم اعظم خوانده خواهد شد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۴)

۲۲) «قصد خداوند چیزی نیست جز این که به طرّقی که خود می تواند تمهید کند و اهمّیت کامل آن را فقط خود می داند، عصر زرّین بشریّتی را که چنین طولانی دچار جدایی و بدبختی بوده است، ایجاد نماید.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۰)

۲۳) «او (حضرت بهاءالله)، در مصاحبه تاریخی خود با ادوارد براون، قاطعانه آبنده بشریّت را این گونه پیش بینی فرموده است: "این محاربات مخزبه پایان خواهد یافت و صلح اعظم مستقر خواهد شد."» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۱)

^۱ اگر به درستی، عبارت "مرکز جلیل الشان جهانی مؤسّسات اداری نظم بدیع" را همان حکومت جهانی بهایی به حساب آوریم، بر اساس این بیان مبارک، "ارتفاع علم صلح اعظم" قبل از آن برافراشته خواهد شد.
^۲ از آنجا که استقرار نظم بدیع الهی نیز یک پروسه یا جریان متکامل است، شروع آن بلافاصله، قبل از اعلان عصر ذهبی خواهد بود (به فقرات مبارکه مبحث مربوطه رجوع شود)، اما به تصریح این بیان مبارک، "جلوه محیرالعقول" آن، که در واقع همان حکومت جهانی بهایی باشد، در مراحل اولیه عصر ذهبی خواهد بود.
^۳ این بیان مبارک صراحت تام دارد که عدل اعظم و صلح اعظم و مدنیّت اعظم به طور متوالی، و همه در عصر ذهبی، ظاهر خواهند شد.

۲۴ « اعصار کودکی و نوزادی بشریت سپری شده و هرگز نیز باز نخواهد گشت؛ و آن عصر عظیمی که کمال تمامی اعصار و شاخص حلول عصر تمامی نژاد انسانی (عصر ذهبی) است، هنوز در راه است.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۲)

۲۵ « تشنجات این دوره گذار (انتقال) و پر آشوب (منظور عصر تکوین است که نام دیگر آن عصر انتقال می باشد)... مبشر حلول اجتناب ناپذیر آن عصرالاعصار، آن "یوم آخری" (عصر ذهبی) است که در آن، حماقت و آشوب ناشی از جنگ و ستیز... عاقبت به خرد و آرامش حاصل از صلحی سالم و عمومی و ابدی مبدل خواهد شد؛ صلحی که... اتحاد کامل عناصر متشکله جامعه بشری را در پی خواهد داشت.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۲)

۲۶ « مصائب این دوران دردآلود مقدمه حلول آن عصر پربرکت و سعادت است که مقصد نهایی خداوند را برای عالم انسانی متجسم می سازد.» (حضرت ولی امرالله، پیام رضوان ۱۹۹۱) (ترجمه شخصی)

۲۷ « ای برادران و خواهران روحانی،... آثار عظیمه در سنین معدوده، پس از ختام قرن اول بهایی، در بسط زمین ظاهر و آشکار گشته، دیگر معلوم است چه آثاری به مرور ایام، در این قرن عظیم... و قرون آتیه، در این عصر مبارک ثانی دور بهایی و عصر ذهبی... در عالم کون مشهود و نمایان گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۸۳-۱۸۲)

۲۸ « باید به کمال وفا و شهامت به اجرای این مأموریت (مهاجرت) قیام نماییم و به یقین مبین بدانیم یوم فتح و ظفر موعودی که حضرت بهاءالله بدان بشارت فرموده و به عصر ذهبی امر مبارکش موصوف و موسوم داشته، به زودی فرارسد و جهانی را که از قوای ربانیه پیام ملکوتیش غافل مانده، روشن و منیر سازد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۷۰ خطاب به عموم مهاجرین)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۹ « باید مطمئن باشیم که سرانجام، نسل های بعدی، در نتیجه خدمات فعلی ما، از آینده پرسعادت بر خوردار خواهند بود که در آن، حضرت بهاءالله را به عنوان شاهزاده صلح، و منجی بشریت تمجید و تکریم خواهند کرد.» (پیام رضوان ۱۹۸۴- ترجمه شخصی)

۳۰ « (ابنیه فخمیه حول قوس کرمل و نیز طبقات کرمل)، امری که... لوای عصر ذهبی دور جمال قدم را برافرازد.» (پیام سپتامبر ۱۹۸۷- جزوه ۴۱، ص ۷۰)

۱۳۱. تحقق وحدت روحانی عالم انسانی (۷۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « اگر کردگار بخواهد، دلهای مردمان روزگار را به گفتار نیک، پاک و پاکیزه کند و خورشید یگانگی بر جانها بتابد و جهان را تازه نماید.» (دریای دانش، ص ۶)
- ۲) « ان ربك الرحمن يحب ان يرى من في الامكان كنفس واحدة و هيكل واحد.» (جمال ابهی، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶) (مضمون: پروردگار رحمان تو، دوست می دارد همه اهل امکان را مانند شخص واحد و هیكل واحد ببیند.)
- ۳) « في الحقیقه عالم یک وطن محسوب است و من علی الارض اهل آن.» (لوح مقصود، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۰۱)
- ۴) « يا اصحاب المجلس في هناك و ديار اخرى، تدبروا و تكلموا فيما يصلح به العالم و حاله... و الذي جعله الله الدرياق الاعظم و السبب الاتم لصحته، هو اتحاد من على الأرض على امر واحد و شريعة واحدة. هذا لا يمكن ابدأ الا بطيب حاذق كامل مؤيد. لعمري هذا لهو الحق و ما بعده الا الضلال المين.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقرة ۱۲۰- لوح مقصود، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۰۲) [مضمون: ای اهل مجالس در آنجا (شهر لندن) و دیارهای دیگر، بیندیشید و مشورت کنید در آنچه سبب اصلاح عالم و حال و روز آن می شود... و عاملی که خداوند داروی بزرگ و علت اصلی برای صحت و سلامت آن قرار داده، اتحاد عالمیان است بر امری واحد و شریعتی واحد. چنین کاری ممکن نیست، مگر به کمک طبیعی حاذق و کامل و مؤید به تأییدات الهی (منظور مظهر الهی است). قسم به جانم، این است حرف حق و آنچه غیر آن است فقط گمراهی آشکار است.]
- ۵) « قد جاء الغلام ليحيى العالم و يتحد من على الارض كلها، فسوف يغلب ما اراد الله و ترى كل الارض جنه الابهي. كذلك رقم من القلم الامر على لوح قويم.» (جمال ابهی، امر و خلق ۴، ص ۴۷۵- مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۹، لوح رئیس- نداء رب الجنود، بند ۸- آثار قلم اعلى ۱، فقرة ۳، ص ۴۴) (مضمون: بگو غلام الهی (جمال اقدس ابهی) آمد تا عالم را زنده کند و جهانیان را متحد نماید، به زودی آنچه خدا اراده نموده غالب خواهد شد و روی زمین را بهشت برین خواهی دید؛ این گونه از قلم امر بر لوح قويم رقم زده شد.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۶) « خداوند جليل عنقریب جميع بشر را الفت بخشد و یک دل فرماید؛ بیگانگی براندازد، علم یگانگی برافرازد، دل ها را التیام دهد، جان ها را اتحاد بخشد؛ راستی و دوستی و آشتی، جهانیان را هستی بخشد و از نیستی برهاند.» (ع، مجموعه یاران پارسی، بند ۳۵۹، ص ۲۸۸)
- (۷) « از فضل عظیم خداوند قدیم امید چنان است که کل امم را در ظلّ این شجره مبارکه (تجلی رحمانیت) با یکدیگر نهایت الفت و ارتباط بخشیده، بحر واحد و جنت واحد و نجوم فلک واحد فرماید.» (ع، مجموعه یاران پارسی، بند ۴۹۴، ص ۳۶۴)
- (۸) « اشراق شمس حقیقت چنان شدید است که عنقریب... خیمه وحدت عالم انسانی در قطب جهان بلند شود.» (حدیقه عرفان، ص ۱۷۶)
- (۹) « جمال مبارک... ندای الهی به این مقصد بلند فرمودند تا... وحدت اصلیه رخ بگشاید و بنیان اختلاف برافتد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۳۶۸)
- (۱۰) « شمع ششم، وحدت جنس (نژاد) است؛ جميع من علی الارض مانند جنس واحد شوند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)
- (۱۱) « شرق و غرب باید متحد شوند و هر یک نقایص دیگری را تکمیل کند... به این ترتیب... بیشترین هماهنگی و وفاق حاصل خواهد شد؛ تمام مردم متحد خواهند شد؛ کمالات عظیمه ظاهر خواهد گشت؛ همبستگی محکم ایجاد خواهد شد؛ و این جهان مرآت تجلی صفات الهی خواهد گشت.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، جمعه، ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱)
- (۱۲) « به حسب تعالیم الهیه... باید... وحدت عالم انسانی را قوه روح القدس تأسیس کند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در بهاءالله و عصر جدید، ص ۲۸۳)
- (۱۳) « وقتی دین از موهومات و رسومات و تعصبات منزه و مبرا شود و با علم انطباق یابد، نیروی توحیدی و تطهیری عظیمی در جهان ایجاد خواهد شد و کلیه منازعات، اختلافات، مجادلات و مخاصمات را محو خواهد کرد و آنگاه بشریت در قدرت محبت الله، متحد خواهد شد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۱۲ نوامبر ۱۹۱۱)
- (۱۴) « امروز در این اتاق افرادی از نژادهای مختلف مثل، فرانسوی، آمریکایی، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، مانند برادران و خواهران، در کمال حبّ و وفاق گردآمده‌اند. این جلسه پیش‌آهنگی است از آنچه به راستی در این جهان واقع خواهد شد؛ زمانی که هر یک از فرزندان خدا درک کنند که به راستی اوراق یک شجر، گل‌های یک بوستان، قطرات یک دریا، و ابناء و بنات یک پدر هستند که نامش محبت است.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۱ اکتبر ۱۹۱۱)

۱۵ « وحدت و یگانگی بشری... بدون دخول در ملکوت (یعنی ایمان به امر حضرت بهاءالله) محال و ممتنع است.^۱» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۴۴۵)

۱۶ « مقصد اصلی الهی و رضای حقیقی ربّانی؛ یعنی اتحاد من علی الأرض بر کلمه واحده، حاصل گردد؛ و جوهر توحید در حقائق نفوس ظاهر و لائح شود.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۳۴۴)

۱۷ « در آن یوم خداوند (ظهور جمال مبارک)،... یگانگی جهان را احاطه کند.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۵)

۱۸ « در این کور عظیم، آیات توحید تجسم نماید و حقیقت تجرید تحقق یابد؛ چه که سزاوار این کور نورانی چنین موهبت رحمانی است.» (مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، بند ۲۹۴)

۱۹ « شرق و غرب مطلع آیات توحید گردد و جنوب و شمال مهبط اسرار تفرید؛ وجوه به نضره رحمن مزین شود و صدور به نور ایقان.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، فقره ۲۳۲)

۲۰ « هنوز (سال ۱۹۰۱ میلادی) عالم انسانی بتمامه، مستعدّ این کامرانی (الف و محبت در انجمن عالم) نیست؛ اندک اندک این موهبت آسمانی از افق جان و وجدان طلوع کند و چون این پرتو منیر (امر الهی)، در اوج رفیع و قطب اثیر بدرخشد، ظلمات شدید زائل گردد و انوار وحدت الهیه بسیط زمین را احاطه کند.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، فقره ۱۸۶)

۲۱ « از جمله وقایع جسیمه که در یوم ظهور آن نهال بی‌همال (مظهر کلی الهی = جمال مبارک) وقوع خواهد یافت، (این که) علم الهی به جمیع امت‌ها بلند خواهد شد؛ یعنی جمیع ملل و قبائل در ظل آن علم الهی که نفس آن نهال ربّانیت، در آیند و ملت واحده گردند.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۱)

۲۲ « کلّ ملل، ملت واحده شود؛... جمیع قطعات عالم حکم یک قطعه یابد.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۱)

۲۳ « تأسیسات و تعلیمات الهی جهت جامعه ابدیست (سوی فراگیر همیشگی است)،... نفعات روح القدس معجزات، آشکار کند؛ خاور و باختر دست در آغوش یکدیگر شود؛ جنوب و شمال هم‌عنان و هم‌افکار گردد؛ مقاصد متضاده متعارضه نماند؛ نوایای مختلفه از میان برخیزد؛ منازعه بقا زائل گردد؛ خیمه وحدت عالم انسانی در قطب امکان سایه افکند. پس جهت جامعه، تعالیم الهیست که جامع جمیع مراتب است و شامل عموم روابط و ضوابط ضروریّه.» (حضرت عبدالبهاء، لوح ششم از سری دوم الواح تبلیغی، ۸ مارس ۱۹۱۷)

^۱ وحدتی که مستلزم دخول در ملکوت (یعنی ایمان به حضرت بهاءالله) است، وحدت روحانی عالم انسانی محسوب گشته و مطابق مضامین بعضی نصوص مبارکه در همین مبحث و سایر مباحث، در عصر ذهبی رخ خواهد داد و متفاوت از وحدت سیاسی عالم انسانی است که در عصر تکوین تحقق خواهد یافت. به مبحث ۱۰۴ رجوع شود.

۲۴) « ای زنده به نفحات محبت الله، زبان به ذکر الهی بازکن و در فضای جان‌فزای عرفان پرواز... عنقریب جهانیان را در زیر خیمه یک رنگ یابی و جمیع این شئون زحرفیه از حشمت و دولت و ثروت و مکتت را هباء مُنبثاً (غبار پراکنده) مشاهده کنی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره ۱۱۳)

۲۵) « آن وقت (وقتی قوه روحانیّه در نهایت جلوه ظهور نماید)، عالم بشر عبارت از یک نفس شمرده شود و وحدت عالم انسانی جلوه نماید؛ اختلاف و نزاع را حکمی نماند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۱۳۵)

۲۶) « جمال مبارک تمام عمرشان را صرف کردند تا آن که وحدت بین قلوب جمیع بشر تحقق یابد؛... عالم بشر یک خاندان شود و جمیع افراد حکم وحدت پیدا کند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۲۵)

۲۷) « جمیع ملل را این قوه (قوه الهیه)، در ظلّ خود جمع نماید؛ اسم ایرانی و آمریکایی نماند؛ نفوس به اسم انگلیزی و جرمنی افتخار نکنند؛ فرنساوی و عربی نامیده نشود؛ جمیع، ملت واحد گردند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۸)

۲۸) « در جمیع کتب مقدسه الهیه بشاراتی است که بشارت می دهد روزی خواهد آمد که موعود جمیع کتب ظاهر خواهد شد و یک قرن نورانی تشکیل خواهد کرد؛... وحدت عالم انسانی اعلان خواهد گردید؛... جمیع قلوب ارتباط به یکدیگر نماید.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۱۶۱)

۲۹) « امیدوارم روزبه روز این ارتباط (ارتباط روحانی شرق و غرب) زیادتر گردد؛ این محبت تزیید یابد؛ وحدت عالم انسانی جلوه نماید؛ نورانیت آسمانی دل‌ها را روشن کند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۴۲)

۳۰) « آن قرن آمده که جمیع ادیان عالم صلح عمومی نمایند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۳۱۸)

۳۱) « آن مظهر کلی (ربّ جنود)... تعالیم الهیه را به مهربانی و صلاح ترویج نماید نه به درستی و سیلاح، و چنان تربیت کند که امم و ملل هر چند در تباین احوال و اختلاف عادات و اخلاق و تنوع ادیان و اجناس، مانند گریگ و بره و مار و طفل شیرخواره و پلنگ و بزغاله‌اند، با هم هم دم و هم آغوش و هم راز گردند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۶)

۳۲) « از جمله وقایع جسیمه که در یوم ظهور آن نهال بی‌همال (یعنی در دور جمال مبارک) وقوع خواهد یافت...: جمیع ملل و قبائل... جنس واحد و قوم واحد شوند و در وطن واحد که کره ارض است، ساکن گردند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

۳۳ « در... دوره رب الجنود، کل ملل و امم در ظلّ این علم (علم واحد که همان نهال الهی، یعنی جمال مبارک باشد) وارد خواهند گشت.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

۳۴ « ملاحظه نمایید که اگر جمهور طوائف و احزاب و قبائل و تمام دول و ملل و جمیع اقالیم عالم در ظلّ خیمه یک‌رنگ وحدت عالم انسانی آید و به اشراقات شمس حقیقت اعلان عمومیت بشر فرمایند، جمیع ملل و مذاهب دست در آغوش یکدیگر کنند و انجمن عمومی تأسیس نمایند و افراد بشر را با یکدیگر نهایت ارتباط بخشند، آن وقت چگونه خواهد شد؟» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب نهم از ردیف الف، ص ۲۹- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۱، فقره ۲۲۱)

۳۵ « کُلّ، موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود... در این دو ظهور (ظهور حضرت اعلی و جمال اقدس ابهی)،... کُلّ ملل، ملت واحده شود... جمیع بشر یک خاندان شود و یک دودمان گردد و جمیع قطعات عالم حکم یک قطعه یابد.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۱)

۳۶ « (ای خداوند) تعلیمات خود را به تمامه اجرا خواهی کرد و جمیع من علی الارض را در ظلّ خویش جمع خواهی نمود و تمام بشر را در سایه یک خیمه خواهی آورد.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۷)

۳۷ « در این دور بدیع که جمال قدم و اسم اعظم از افق عالم به فیوضات نامتناهی تجلی فرموده، کلمه الله چنان قوتی و قدرتی در حقائق انسانیّه نموده که شئون بشریّه را تأثیر و نفوذی نگذاشته و به قوت قاهره، کلّ را در بحر احدیت مجتمع فرموده و می فرماید.» (حضرت عبدالبهاء- مندرج در پیام معهد اعلی، شهرالبهاء ۱۵۴ بدیع = ۱۹۷۷ میلادی)

۳۸ « در این دور بدیع... عاقبت... قطعات خمسّه عالم حکم یک قطعه یابد و امم متعدّده یک امتّ شود و روی زمین یک وطن و نوع انسان یک طائفه شود و ارتباط اقالیم و امتزاج و ایتلاف و التیام اقوام و طوائف به درجه ای رسد که نوع بشر حکم یک خاندان و یک دودمان یابد.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)

ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

۳۹ « طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزّت موعوده عالم انسانی... در قرنهای لاحقه و ادوار آتیه این کور مجید بسیط خاک را... یک وطن نماید.» (حضرت ولیّ امرالله، مندرج در پیام معهد اعلی، ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)

۴۰ « وحدت عالم انسانی که اعظم و اول مبدء این امر اقوام است، و سراپرده آن باید من بعد در قطب امکان پس از اتمام انقلابات^۱ حالیه جهان بر حسب نبوات انبیای عظام و بشارات مسطوره در الواح قیمه

^۱ به مبحث ۱۰۰ رجوع شود.

مالک انام مرتفع گردد، از برکت شهادت غصن مقدس ریّان جمال رحمن (حضرت غصن اطهر) در عالم امکان تحقق خواهد یافت.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۰۲)

۴۱ « وظیفه ی ما (اهل بهاء) این است که... به هر طریقی که شرایط میسر می سازد، سهم خود را در مساعدت به نیروهایی ادا کنیم که تحت مشیت و هدایت حضرت بهاءالله مشغول به بیرون کشیدن بشریت از عمق درّه فلاکت و خجالت و هدایت آن به سمت اعلی قلل قدرت و عظمت هستند.» (آخرین جمله توقیع منیع روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۹) (ترجمه شخصی)

۴۲ « حصول وحدت عالم انسانی است که یگانه وسیله تأسیس ملکوت پدر آسمانی^۱ است که در دیانت عیسای مسیح پیش بینی شده.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۴) (۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۴۳ « حصول وحدت عالم انسانی سبب تحقق و اکمال پیشگویی انبیاء گذشته می شود که فرموده اند در آن زمان شمشیر به خیش بدل شود و شیر و بره در یک کاشانه بیاسایند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۴) (۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۴۴ « طلوع فجر سعادت نوع انسان که در باره اش شاعران پیشین ترانه ها سروده و صاحب دلان در عالم مکاشفه مشاهده اش کرده اند، وابسته به حصول وحدت عالم انسانی است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۳) (۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۴۵ « آیین بهایی به یگانگی خدا و یگانگی انبیاء معترف است و به وحدت و جامعیت نوع بشر معتقد و به این ندا منادی است که اتحاد عالم انسانی واجب، بل اجتناب ناپذیر است و به تدریج تحقق می یابد.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۳)

۴۶ « آیین بهایی مدعی است که جز روح خلاق الهی که در کلام فرستاده یزدانی در این عصر جهان افروز سریان دارد، هیچ امر دیگری اتحاد نوع انسان را تضمین نتواند و تحقق نبخشد.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۳)

۴۷ « ای قوی قدیر... نقاب از وجه ناموس اعظمت بیفکن و بر فراز کرم الهی، در ارض میعاد، سرپرده وحدت عالم انسانی منصوب ساز.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

۴۸ « همین قلم (قلم حضرت عبدالبهاء)... پیشگویی می نماید که... وحدت تمامی نژاد انسانی تحقق خواهد یافت؛ هنگامی که "کل"، جنس واحد و قوم واحد شوند.» (مرور معبود، ص ۴۲۰)

^۱ به مبحث ۱۴۷ مراجعه شود. بدیهی است وحدتی که "یگانه وسیله تأسیس ملکوت پدر آسمانی است" از نوع روحانی (و نه سیاسی) بوده، در عصر ذهبی تحقق خواهد یافت.

۴۹ « صلح اعظم کافل و ضامن استقرار وحدت اصلیه ملل و امم^۱ (است)». (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲)

۵۰ « در عصر ذهبی دور مقدس جمال ابهی... شلیک وحدت عالم انسانی بلند شود.»^۲ (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

۵۱ « این اصول محکم متین (قوانین، مؤسسات و مواد موضوعه حضرت بهاءالله)... یگانه عامل اتحاد بنی آدم... در روی زمین می باشد.» (حضرت ولی امرالله، ارکان نظم بدیع، ص ۴۳)

۵۲ « (جامعه متحد جهانی باید) مانند هیکلی زنده، در جمیع جنبه های اصلی حیاتش، در نظم سیاسیش، آمال روحانیش، تجارت و اقتصادش، خط و زبانش متحد باشد و در عین حال، کشورهای عضو آن حکومت متحده جهانی، بتوانند آزادانه خصائص ملی خود را حفظ کنند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۸- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱- نقل توسط بیت العدل اعظم در رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۳)

۵۳ « امری که حضرت بهاءالله اعلان فرمود... ثابت کرد که ادعایش و عنوانش دین جهانی است و مقصدش ایجاد يك جامعه متحد المرام عالم گیر است که در میقات معین تأسیس نماید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۴۴، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۵۴ « بر ما است که... از دل و جان دعا نماییم تا جمال یزدانی آن مقصد آسمانی (وحدت عالم انسانی) را که اعظم نتیجه ذهن وقاد حضرت بهاءالله و ابهی ثمره تمدن اهل عالم است، هرچه زودتر در عالم امکان تحقق بخشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۶۶، توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۵۵ « هیچ قوه ای... جز قوه الهیه نمی تواند تحقق چنان مقصد اعلائی (وحدت عالم انسانی) را میسر سازد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۹، توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۵۶ « وحدت نوع انسان، به نحوی که حضرت بهاءالله مقرر فرموده، مستلزم آن است که يك جامعه متحد جهانی^۳ تشکیل یابد که در آن تمام ملل و نژادها و ادیان و طبقات کاملاً و پیوسته متحد گشته و در

^۱ در این فقره مبارکه، "صلح اعظم کافل و ضامن استقرار وحدت اصلیه" توصیف شده است، و این در حالی است که فقراتی متعدد (از جمله: فقره ۱۲ از مبحث ۶- ف ۶ از م ۳۱- ف ۲ از م ۹۳- ف ۴ از م ۱۳۰- ف ۷۳ از م ۱۳۱ و فقرات ۲۶ و ۳۱ و ۴۲ و ۴۹ از مبحث ۱۳۳) اشعار می دارند که صلح اعظم ثمره و نتیجه تحقق وحدت روحانی عالم خواهد بود. اما از آنجا که حقیقت وحدت، بخصوص وحدت روحانی عالم انسانی، پروسه ای پاینده و پیش رونده است، متوجه می شویم که به مرور، درجاتی عالی تر از این وحدت، حتی بعد از استقرار صلح اعظم نیز پدیدار خواهد گشت.

^۲ در این فقره مبارکه مصرح است که در عصر ذهبی، حالتی تکامل یافته تر از نوع وحدتی که در مبحث ۱۰۳ "وحدت سیاسی عالم انسانی" تسمیه شده است، تحقق خواهد یافت. به جهت حفظ تمایز، این حالت تکامل یافته را "وحدت روحانی عالم انسانی" نامیده ایم.

^۳ در این بیان مبارک تعریف دقیقی از ماهیت پدیده "وحدت روحانی عالم انسانی" عرضه شده است.

عين حال استقلال دول عضوش و آزادی و ابتکار اعضای مرکب‌اش تماماً و يقيناً محفوظ ماند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴، توقيع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(۵۷) « در سنين آتیه این دور بهایی... موهبت وحدت عالم انسانی رخ بگشاید؛ و قطعات (قارّات) ختمه حکم یک قطعه یابد؛ و وحدت اصلیه در هیأت اجتماعیه تحقق پذیرد.» (حضرت ولی امرالله، توقيع ۱۰۵، توقعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)

(۵۸) « آنچه در هویت ين امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه شهود خواهد آمد... (از جمله)... سطوع انوار یگانگی و وحدت حقیقی بین ابناء انسان (است).» (قرن بدیع، ویرایش جدید، صص ۸۱۸-۸۱۷)

(۵۹) « اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گوهر افشان اعزّ ابهایی روی زمین را بهشت برین نماید و سراپرده وحدت عالم انسانی را کما نُزل فی الالواح، در قطب آفاق مرتفع سازد و وحدت اصلیه را جلوه دهد.» [حضرت ولی امرالله، مندرج در مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷۵]

(۶۰) « حضرت بهاءالله و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء بر خلاف ظهورات گذشته، سلسله قوانینی را وضع و مؤسسات مشخصی را ایجاد کرده و آنچه را که لازمه تأسیس یک مجتمع منظم الهی است بیان فرموده‌اند که همه مقدر است... سازمانی یگانه در اتحاد بنی آدم... در این جهان باشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۷-توقيع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

(۶۱) « وحدت عالم انسانی نماینده و نشانه تحقق تکامل نوع بشر در این جهان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۹-توقيع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(۶۲) « صاحب مکاشفات در کتاب عهد جدید در مقدمه مقالش راجع به جلال یوم موعود که عالم انسان به دوره نجات و شادمانی فائز شده است، بیان مشابهی دارد: "دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید؛ چون که آسمان اول و زمین اول درگذشت و دریا دیگر نمی‌باشد و شهر مقدس اورشليم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می‌شود؛ (و) حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است؛ و آوازی بلند از آسمان شنیدم (که) می‌گفت اینک خیمه خدا با آدمیانست و با ایشان ساکن خواهد بود که ایشان قوم‌های او خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود و محو خواهد کرد خدا هر اشک را از چشم‌های آنها و دیگر مرگ نخواهد بود و نیز ناله و فریاد و درد نخواهد بود؛ زان رو که اطوار نخست درگذشت."» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۸-توقيع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

^۱ مکاشفات یوحنا، باب ۲۱، آیات ۱ الی ۵.

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۶۳ « محور وحدت عالم انسانی قوه میثاق است و بس. » (مجموعه ای از نصوص مبارکه در باره عهد و میثاق الهی، ص ۲۲)

۶۴ « این از وعود الهیه است که روزی آید که شمس حقیقت از جمیع آفاق اشراق نماید و به فرموده مرکز میثاق: "در هفت اقلیم آهنگ سبح قدوس رب الملائکه و الروح بلند گردد و خیمه وحدت عالم انسانی در قطب جهان بلند شود... شرق و غرب با یکدیگر عشق بازد و به انس و الفت پردازد و این مژده گوشزد آفاق گردد و این اشراق خاور و باختر را روشن و منور نماید." » (پیام ۵ جون ۱۹۷۷ / اول شهرالنور ۱۳۴ بدیع)

۶۵ « اهل بهاء... فضلا من عنده، به منزله وسائط و وسایل تحقق اراده الهیه در تأسیس... وحدت عالم انسانی محسوبند. » (پیام ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸)

۶۶ « قوای منبعث از مرکز وحی الهی... موجد وحدت اصلیه در جامعه بشر است. » (۲ سپتامبر ۱۹۸۲)

۶۷ « آنچه واقع گردد در مسیر تحقق مشیت الهیه است که مقدر فرموده بشر در مسیر مستمر به سوی ترقی و کمال، قطع مراحل کند و از وحدت خانواده و قبیله و شهر وطنی به وحدت عالم انسانی که مقصد اصلی آیین جهان آرای بهایی است، واصل گردد. » (پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ - جزوه دست خط های معهد اعلی، جلد دوم، صص ۱۷۶-۱۶۴)

۶۸ « همه مظاهر الهی در طول تاریخ برای وصول به این هدف؛ یعنی تحقق روزی که فقط یک گله و یک شبان باشد، خدمت کرده اند. » (بیت العدل اعظم، رساله حضرت بهاء الله - می ۱۹۹۲، ص ۴۰)

۶۹ « از همان بامداد لیل صعود جمال قدم تأسیسی الهی (عهد و میثاق الهی) آغاز گردید که در دور حضرت بهاء الله، ضامن تحقق یافتن مقصد اصلی امر مبارکش برای عالم انسانی، یعنی وحدت و یگانگی بشر است. » (پیام ۲۳ نوامبر ۱۹۹۲ - جزوه دست خط های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱۴)

۷۰ « وحدت و اتحادی واقعی که تا کنون قوه عهد و میثاق الهی به وجود آورده، این امید و انتظار را شدیداً تقویت می نماید که وحدت و یگانگی نوع بشر امکان پذیر است و مسلماً تحقق خواهد یافت. » (پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲ - جزوه دست خط های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۱۸)

۷۱ « عالم انسانی خواه ناخواه به سوی وحدت و صلح، سرنوشتی که هنوز از دسترس او دور است، گام برمی دارد. به راستی در خلال سال مقدس، بر بال روح به اوج قلّه ای فرارفتیم و از فراز آن، شکوه وعده ازلی الهی را به چشم دیدیم؛ وعده ای که تحققش سریعاً نزدیک می شود و بنا بر آن، روزی همه نوع بشر متحد خواهد شد. » (پیام رضوان ۱۹۹۳ - جزوه دست خط های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۲۸)

(۷۲) « وحدت عالم انسانی که اصل اساسی و هدف غایی امر حضرت بهاءالله است، به فرموده حضرت ولی امرالله، دلالت بر "تغییر و تحوّل حیاتی در ساختمان جامعه بشری در عصر حاضر دارد."^۱» (پیام ۱۹ می ۱۹۹۴، خطاب به محفل ملی آمریکا)

(۷۳) « (حضرت بهاءالله) نه تنها قوانین و اصول و حقایقی را اعلان فرمودند که با نیازهای این زمانه هماهنگ است، بلکه هسته مرکزی و الگوی آن مؤسّساتی را که مقدر است در مسیر تکاملش به ایجاد جامعه‌ای جهانی... تبدیل شود، تأسیس فرموده‌اند.» (پیام ۲ جون ۱۹۹۶)

(۷۴) « این از وعود الهیه است که روزی آید که... خیمه وحدت عالم انسانی در قطب جهان بلند شود.» (پیام ۵ جون ۱۹۹۷ = اول شهرالنور ۱۳۴ بدیع)

(۷۵) « به فرموده حضرت ولی امرالله، امر بهایی "ثابت کرد که ادعایش و عنوانش دین جهانی است و مقصدش ایجاد یک جامعه متحدالمرام عالمگیر (نوع دیگری از بیان وحدت روحانی عالم انسانی) است که در میقات معین تأسیس نماید؛ جامعه‌ای که هم موجد و هم حافظ صلح اعظمی^۲ است که حضرت بهاءالله اعلان فرموده." (معهد اعلی، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۱۶- نظم جهانی بهایی، ص ۱۴۴)

(۷۶) « عصر ذهبی... نهایتاً به حلول جامعه مشترک‌المنافع بهایی (یا اتحادیه جهانی بهایی یا حکومت جهانی بهایی) خواهد رسید.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۷)

(۷۷) « قوای روحانی منبعثه از این فداکاری‌ها (فداکاری‌های احبای ایران)... موجب پیشرفت امرالله و مآلا تأسیس وحدت عالم انسانی خواهد شد.» (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

(۷۸) « هرچند این آگاهی (تعلق نوع انسان به یک قوم واحد) امیدبخش است؛ ولی باید آن را صرفاً به منزله اولین قدم در فرایندی شمرد که تنها با گذشت سال‌ها بلکه قرن‌ها تکامل خواهد یافت؛ زیرا اصل یگانگی نوع بشر که حضرت بهاءالله مقتضیات آن را اعلان فرموده‌اند، فقط خواهان هم‌کاری در بین مردمان و ملت‌ها نیست؛ بلکه مستلزم نواندیشی کامل در باره روابطی است که به اجتماع تداوم می‌بخشد.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳)

(۷۹) « (خطاب به پیروان امر حضرت یزدان در کشور مقدّس ایران) به خوبی می‌دانید که استقرار ملکوت الهی در این جهان پرآشوب کار آسانی نیست. ایمانی راسخ، توکلی کامل، همتی بلند، روحیه‌ای شکست‌ناپذیر، تلاشی مستمرّ و صبر و تحملی بی‌پایان می‌خواهد... مطمئن هستید که همان گونه که دانه

^۱ به فصل هفتم، بخصوص مباحث ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۱۷ و ۱۲۷ رجوع شود.

^۲ به مبحث ۱۳۳ مراجعه شود. در ضمن، از مضمون این فقره مبارکه مستفاد می‌شود که وحدت روحانی عالم مقدمه تحقق صلح اعظم است.

به فیض باران و کوشش باغبان به مرور زمان به درختی تنومند و بارور تبدیل می شود، از خودگذشتگی های شما عزیزان و مساعی دیگر بهائیان جهان نیز به طوری که شواهد آن در سراسر عالم ظاهر و آشکار و در این کانونشن بین المللی (یازدهمین کانونشن بین المللی بهایی) بارز و عیان بود، با الطاف و عنایات خداوندی در میقات معین ثمرات عالییه به بار خواهد آورد، قلوب را روشن خواهد کرد، جهان تاریک را رشک گلزار و چمن خواهد نمود و بالمآل وحدت عالم انسانی را محقق خواهد ساخت.» (پیام ۱۰ می ۲۰۱۳)

۱۳۲. احاطه عدل اعظم الهی (۳۳)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « نفوسی که برای احیای عالم آمده اند، فتوی بر قتلشان داده اند؛ زود است که نیر عدل از افق سماء عنایت الهی اشراق فرماید؛ اذاً یجدون انفسهم فی ضلال مبین.» (حدیقه عرفان، ص ۲۴)
- ۲) «عنقریب یومی خواهد رسید که مؤمنین، آفتاب عدل را در اشد اشراق از مطلع جلال مشاهده خواهند نمود.» (ترجمه) (جمال ابهی، منقول در ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۱۴)
- ۳) « اگر عالم به این طراز (داد= عدالت و دادگری) مزین گردد، شمس کلمه یوم یعنی الله کلاً من سعته از افق سماء دنیا طالع و مشرق مشاهده شود. مقام این بیان را بشناسید چه که از علیا ثمره شجره قلم اعلی است.» (کلمات فردوسی، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۳۶-۳۷) (مضمون عبارت عربی: روزی که خداوند همه را با توانگریش بی نیاز خواهد کرد.)
- ۴) « ان یا هذا الاسم (اسمه العادل)، ان افتخر فی نفسک بما جعلناک مشرق عدلنا بین العالمین. فسوف نبعث منک مظاهراً فی الملک و بهم نظوی شرع الظلم و نبسط بساط العدل بین السموات و الارضین و بهم یمحو الله آثار الظلم عن العالم و یزین اقطار الآفاق باسماء هؤلاء بین العالمین. اولئک الدین یتبسّم بهم ثغر الوجود من الغیب و الشهود و هم مرایا عدلی بین عبادی و مطالع اسمائی بین بریتی و بهم تقطع ایادی الظلم و تقوی اعضاء الامر کذلک قدرنا الامر فی هذا اللوح المقدس الحفیظ.» (آثار قلم اعلی ۴، ص ۸۸- لوح رضوان العدل) [مضمون: ای این اسم (اسم عدل)، به خود بیال، چون که ترا مشرق عدل خود میان جهانیان قرار دادیم. به زودی از تو مظاهری در ملک ظاهر خواهیم کرد و به واسطه آنان خیمه ظلم را نابود خواهیم نمود و بساط عدل را میان آسمانها و زمینها خواهیم گسترد. این مظاهر، کسانی هستند که عرصه وجود، از غیب و شهود، به رخسارشان لبخند خواهند زد و آنان آینه های عدالت

من میان بندگانم و طلوعگاه‌های نام‌هایم در بین خلقم خواهند بود و توسط آنان دستان ظلم قطع خواهد شد و بازوان امر تقویت خواهد گشت. امر را در این لوح مقدس محفوظ این گونه مقدر کردیم.]

(۵) « این ظلم‌های وارده عظیمه تدارک عدل اعظم الهی می‌نماید.» (جمال ابهی، نقل توسط حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۱۳)

(۶) « اگر در این ربیع الهی سدره‌های وجود (انسان‌ها) به اثمار مذکوره (اخلاق مرضیه و اعمال حسنه و کلمه طیبه) مزین شوند، البته انوار آفتاب عدل من علی الارض را احاطه نماید و کل، خود را فارغ و مستریح، در ظل حضرت مقصود مشاهده کنند.» (مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۶۴)

(۷) « انشاءالله ملوک و سلاطین که مرایای اسم عزیز الهیند، به این مقام فائز شوند و عالم را از سطوت ظلم محفوظ دارند.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۱۷)

(۸) « انشاءالله نور انصاف بتابد و عالم را از اعتساف مقدس فرماید. اگر ملوک و سلاطین که مظاهر اقتدار حق جل جلاله اند همت نمایند و بما ینتفع به من علی الارض قیام فرمایند، عالم را آفتاب عدل اخذ نماید و منور سازد.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۱۲ - لوح مقصود، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۹۸)

(۹) « سوف یرون المخلصون شمس العدل مشرقه من افق العلاء، كذلك یخبرک مولی الوری فی سجنه المتین.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۶۳) (مضمون: به زودی مخلصان خورشید عدل را از افق افراشته، درخشان و تابان خواهند دید؛ مولی الوری از درون زندان محکمش، این چنین به تو خبر می‌دهد.)

(۱۰) « از حق بطلبید به ایادی عنایت و تربیت، نفوسی چند را از آرایش نفس و هوی مطهر فرماید تا الله قیام نمایند و لوجه تکلم کنند که شاید آثار ظلم محو شود و انوار عدل عالم را احاطه نماید.» (لوح مقصود، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۰۴)

(۱۱) « ان ارتقبوا یا قوم ایام العدل و انها قد اتت بالحق. ایکم ان تحتجوا منها و تكونن من الغافلین.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۱۲ - منقول در ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۱۴) (مضمون بیان مبارک از روی ترجمه انگلیسی آن: ای مردم، خود را برای ایام عدل الهی آماده کنید؛ چون که این ایام به حق و راستی حلول نمود. مراقب باشید از درک اهمیت آن ناکام ننمایید و از گمراهان محسوب نشوید.)

(۱۲) « فی الحقیقه اگر آفتاب عدل از سحاب ظلم فارغ شود، ارض غیر ارض مشاهده گردد.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۸]

۱۳ « انا غرسنا بايادی القدرة في هذا الرضوان اشجار العدل و اسقيناها بمياه الفضل، فسوف تأتي كل واحدة باثمارها؛ كذلك قضی الامر و لامرد له من لدنا، انا كنا آمرین.» (آثار قلم اعلى ۴، ص ۸۹- لوح رضوان العدل) (مضمون: ما به دستان قدرت در این رضوان، درختان عدل و داد کاشتیم و آنها را با آب فضل و بخشش آبیاری کردیم، به زودی هر يك از آنها میوه خود را به بار خواهد آورد؛ این گونه امر مقدر شد، و به خواست ما تردیدی در آن نیست، همانا ما از آمرین هستیم.)

۱۴ « عنقریب اشراقات انوار آفتاب عدل بر عالمیان ظاهر و هویدا گردد.» (آیات الهی ۲، ۲۱ اکتبر، ۶ فوریه)

۱۵ « یا علی، از وضوای (داد و فریاد) غافلین و زماجیر (عربده و هیاهو) مشرکین محزون مباش؛ عنقریب رایات عدل و انصاف در اطراف به اسم حق مرتفع شود.» (جمال ابهی، مائده آسمانی ۷، باب سوم، مطلب یازدهم، ص ۱۳۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۱۶ « مساوات و عدالت روحانی^۱، بدون دخول در ملکوت (یعنی بدون قبول امر الهی) محال و ممتنع است.» (مکاتیب عبدالبهاء ۳، ص ۴۴۵)

۱۷ « در جمیع کتب مقدسه این یوم موعود، مذکور که... ظلم و عدوان به عدل و احسان منتهی گردد. این، از امور مبروره محتومه کور ظهور است.» (مکاتیب عبدالبهاء ۶، ص ۱۷۸)

۱۸ « کل موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود... در این دو ظهور (ظهور حضرت اعلى و ظهور جمال اقدس ابهی)... عدل و حقانیت جهان را احاطه کند.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)

۱۹ « اقویا و ضعفا و اغنیا و فقرا و طوائف متنازعه و ملل متعددی که مانند گرگ و بره و پلنگ و بزغاله و شیر و گوساله هستند، در نهایت... عدالت و انصاف، با هم معامله نمایند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۰)

۲۰ « یوم ربّ جلیل است؛ عدل الهی عاقبت جلوه نماید.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۱۳۶)

۲۱ « بیت العدل مصدر تشریح است و حکومت قوه تنفیذ. تشریح باید مؤید تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و معین تشریح شود، تا از ارتباط و التیام این دو قوه، بنیان عدل و انصاف متین و رزین گردد.» (حضرت عبدالبهاء، ارکان نظم بدیع، ص ۲۱۴)

^۱ این فقره مبارکه، اولاً به نوعی از عدالت اشاره می‌نماید که "روحانی" است و ثانیاً حصول آن را موکول به ایمان به امر الهی می‌فرماید؛ به همین دلیل، لازم آمده که این مبحث در عصر ذهنی قرار داده شود.

۲۲) « عدل الهی در جمیع امور بشری ظاهر خواهد شد.» (حضرت عبدالبهاء، نقل در پیام رضوان ۲۰۱۲ بیت العدل اعظم)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۲۳) « (اعضای شوراهای انتخابی بهایی باید) از آنچه "عدل اعظم" در وجدانشان القاء می نماید، تبعیت کنند؛ و همین عدل اعظم است که به تنهایی قادر خواهد بود "صلح اعظم" را بر پا دارد؛ صلحی که اسم اعظم، حضرت بهاءالله، آن را اعلان فرموده و عاقبت هم برقرارش خواهد نمود.»^۱ (مرور معبود، ص ۴۳۷)

۲۴) « این اصول محکم متین (قوانین، مؤسّسات و موادّ موضوعه حضرت بهاءالله)... یگانه عامل... استقرار سلطنت عدالت الهیه در روی زمین می باشد.» (حضرت ولی امرالله، ارکان نظم بدیع، ص ۴۳)

۲۵) « بعد از تشنجی عمومی، خورشید عدالت از افق ملکوت غیب طلوع خواهد کرد.» (ترجمه) (روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۱)

۲۶) « اریاح عدلیه به اراده ازلیّه نافذه مولى البریه در میقات معلوم مرور نماید و این ظلم های وارده به فرموده مظهر احدیه، تدارک عدل اعظم می نماید.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۶۳]

۲۷) « حضرت بهاءالله و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء، بر خلاف ظهورات گذشته، سلسله قوانینی را وضع و مؤسّسات مشخصی را ایجاد کرده و آنچه را که لازمه تأسیس یک مجتمع منظم الهی است بیان فرموده اند که همه مقدر است... سازمانی یگانه در... اعلان حکومت عدل و داد در این جهان باشد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۲۷-توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)

۲۸) « در چنان نظامی (جامعه متحد جهانی)، زور خادم عدل و داد شود.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۷، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۲۹) « (حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) پیشگویی می کند که بعد از دوره ای آمیخته با آشوب و ستمگری، خورشید خروشان عدالت و دادگری، در نهایت جلال و جمال و بزرگی تابان خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۳۰۱)

د) از آثار بیت العدل اعظم

^۱ در این بیان مبارک، تصریح می شود که این، عدل اعظم است که صلح اعظم را بر پا خواهد داشت؛ یعنی قبل از آن برقرار خواهد شد.

۳۰ « ستایش عدالت که باید اصل حاکم بر جامعه بشری باشد... از عناصر اولیه سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طی این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلی، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

۳۱ « جامعه بهایی در نزد دیگران (مؤسسات جامعه انسانی) نمونه‌ای خواهد بود که مجهوداتشان را در بنای جامعه‌ای بر پایه عدالت الهام خواهد بخشید.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۹۵)

۳۲ « حضرت عبدالبهاء در خطابه‌ای که چند روز پس از استقرار سنگ زاویه ام‌المعابد غرب ایراد نمودند، فرمودند که... "عدل الهی در جمیع امور بشری ظاهر خواهد شد."» (بیت العدل اعظم، پیام رضوان ۲۰۱۲)

۳۳ « حضرت عبدالبهاء... اعلان فرمود... در آن قرن (قرنی که در پیش است) (در نتیجه معلوم شدن حقیقت وحدت عالم انسانی بر جهانیان) کار بنای جامعه جهانی که بر اصول عدالت استوار باشد، آغاز خواهد شد. چنین پیشی در بسیاری از الواح و خطابات حضرت عبدالبهاء مکرر آمده و نمونه کاملش را در لوحی خطاب به جین الیزابت وایت همسر رییس سابق کلیسای "فری چرچ" (Free Church) اسکاتلند می‌توان دید.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۰۷)

۱۳۳. حلول صلح اعظم ابهایی (۵۳)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱ « این جنگ‌های بی‌ثمر و محاربات خانمان سوز منقضی شود و صلح اعظم تحقق یابد.» (حضرت بهاءالله، نقل توسط بیت العدل اعظم در رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۷۳)

۲ « این مظلوم اراده نموده فساد و نزاع و جدال و اختلاف و تفریق را به قوه ملکوتی، از ما بین احزاب عالم بردارد.» (مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۶۷)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۳ « ای دوست عزیز، در مجامع ملکوت ترتیل آیات لاهوت می‌گردد... البته آن آهنگ، اقالیم فرنگ را به حرکت آرد و قلوب قطعات خمسه عالم را به یکدیگر الفت داده، بنیان جنگ را براندازد.» (حدیقه عرفان، ص ۱۷۷)

۴ « به حسب تعالیم الهیه، رایت صلح اعظم را باید قوه کلمه الله برافرازد.» (مندرج در بهاء الله و عصر جدید، ص ۲۸۳)

۵ « از این پس ما همواره در قلب و روح و وجدان با هم خواهیم بود؛ با هم تلاش خواهیم کرد تا تمام نفوس در ظل خیمه ملکوت مجتمع شوند و سرود صلح و دوستی سردهند.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، بند ۴، خیابان کامئون، چهارشنبه، ۲۵ اکتبر ۱۹۱۱)

۶ « مشاهده می کنیم که چگونه طی اعصار و قرون سطح زمین از خون رنگین شده است؛ اما اکنون نور عظیمی درخشیده است، عقل و شعور بشر تقویت شده است، و روحانیت رو به فزونی است؛ لهذا قطعاً زمانی خواهد آمد که ادیان جهان در صلح و امان خواهند زیست.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۶ نوامبر ۱۹۱۱)

۷ « چون احکام کتاب مقدس (منظور کتاب مستطاب اقدس است) اجرا گردد... صلح عمومی در قطب امکان خیمه برافرازد و شجره مبارکه حیات چنان نشو و نما نماید که بر شرق و غرب سایه افکند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در پیام رضوان ۱۹۹۳- جزوه دست خط های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۲۹)

۸ « ملکوت صلح، نجاح، راستی و درستی و ائتلاف در عالم لائری (جهان ناپیدا) تأسیس گردیده و به قوه کلمه الله تدریجاً ظاهر و باهر خواهد شد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در بیانیّه دارالانشاء، ۱۹ آریل ۲۰۰۱)

۹ « صلح عمومی^۱ و تعاون و تعاضد بین نوع انسانی... بدون دخول در ملکوت (یعنی بدون ایمان ملل به امر مبارک) محال و ممتنع است.» (مکاتیب عبدالبهاء ۳، ص ۴۴۵)

۱۰ « ای حزب الله، حضرت اعلی روحی له الفداء جان را فدا نمود و جمال مبارک در هر دمی صد جان فدا فرمود و تحمل مصائب و شداید شدید کرد؛ حبس و زنجیر شد؛ آواره و سرگون دیار بعیده گشت و عاقبت در سجن اعظم ایام به سر برد و همچنین جم غفیری از یاران الهی در این سیل شهد شهادت نوشیدند و جان و مال و اهل و عیال، کل را فدا و نثار فرمودند... جمیع به جهت این که (از جمله)... نزاع و جدال به کلی، از بیخ و بنیاد برافتند و ملکوت صلح بر عموم بشر استیلا یابد.» (مکاتیب عبدالبهاء ۳، ص ۱۶۱)

۱۱ « جمال ابهی روحی لاجبانه الفداء تحمل مصائب کبری فرمود و بلایای بی منتهی، دمی نیاسود و نفسی به راحت بر نیورد، آواره کوه وهامون گشت و سرگون قلاع و سجون (دژها و زندانها) شد... تا...

^۱ صلحی عمومی که مستلزم دخول نوع انسان در ملکوت یا ایمان آنان به امر الهی باشد، همان صلح اعظم ابهایی است که در عصر ذهبی محقق خواهد شد.

جهان بیاساید، نزاع و جدال از میان بر خیزد و سیف و سنان بدل به روح و ریحان گردد و جنگ و عدوان منقلب به محبت و امان؛ یعنی میدان جیش و طیش مبدل به عشرت و عیش گردد و ساحت رزم خونریز بزم مشکبیز شود؛ جنگ ننگ گردد و حرب و ضرب به مثابه جرب (بیماری گری) منفور قبائل و امم شود؛ صلح عمومی در قطب عالم خیمه برافرازد و بنیاد حرب و قتال از بن براندازد.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۲۰۷)

۱۲ « در جمیع کتب مقدسه این یوم موعود، مذکور که جنگ‌ها به صلح انجامد. این از امور مبروره محتومه کور ظهور است.» (مکاتیب عبدالبهاء، جلد ششم، ص ۱۷۸)

۱۳ « در این دور بدیع... عاقبت... صلح عمومی در قطب امکان خمیه برافرازد.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)

۱۴ « به قوه حضرت بهاءالله... صلح عمومی خیمه افرازد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۲۴۲)

۱۵ « در جمیع کتب و صحف انبیاء موعود و مذکور که در آن یوم خداوند (یوم ظهور رب جنود)... عالم بشر تربیت شود؛ جنگ و جدال و نزاع و فساد از میان بر خیزد و راستی و درستی و آشتی و خدا پرستی به میان آید.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)

۱۶ « از جمله وقایع جسیمه که در یوم ظهور آن نهال بی‌همال (جمال مبارک) وقوع خواهد یافت... صلح و آشتی عمومی در بین جمیع دول حاصل گردد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

۱۷ « کُل، موعود به دو ظهورند که پی‌درپی واقع شود... در این دو ظهور... جنگ مبدل به صلح شود... اسباب نزاع و جدال به کلی از میان بر خیزد.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)

۱۸ « در این دور بدیع... نزاع و جدال و قتال به صلح و راستی و آشتی مبدل خواهد شد و التیام و ارتباط محکم گردد؛ عاقبت حرب به کلی ممنوع شود.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)

۱۹ « انوار صلح و سلام از شمس حقیقت طلوع نمود و عنقریب انوارش شرق و غرب روشن نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۱۱۵)

۲۰ « امیدواریم که در مستقبل، آفتاب سلام عام از افق عالم به موجب تعالیم آسمانی، در نهایت اشراق طلوع نماید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، فقره ۱۸۴)

۲۱ « عاقبت جنگ و جدال از آفاق برافتد و ظلمت عداوت و بغضا زائل گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۲، فقره ۲۷۳)

^۱ در این بیان مبارک نیز "التیام و ارتباط"، یعنی وحدت روحانی، مقدمه ممنوع شدن حرب، یعنی صلح اعظم تلقی شده است.

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۲۲) « مظهر ظهور بهائی اسم و لقب بینی را که تاج و هاج مؤسسات اداری او است (منظور بیت العدل اعظم است)، با صفت عدل و نه صفت عفو، قرین فرمود و عدل را که طبق کلمات مکنونه، نزد او "احب الاشياء" است، یگانه اصل و پایه دائمی صلح اعظم مقرر داشته است.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۱۴)

۲۳) « چنین صلحی (صلح اعظم)، بر هیچ اساسی مرتفع نگردد و هیچ دستگامی آن را محافظت نتواند، مگر آن که بر پایه احکام و قوانین الهی استوار باشد و آن احکام و تعالیم در نظم جهانی بدیعی که به نام مقدس حضرت بهاءالله منسوب است، مذکور و مکتوب است.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۶۸- نظم جهانی بهایی، ص ۹۵)

۲۴) « وودرو ویلسن^۱ (Woodrow Wilson) رییس جمهور جاویدان این ملت (ملت آمریکا) این افتخار بی نظیر را احراز کرد که در میان زمامداران ممالک شرق و غرب، یگانه شخصیتی بود که نوایای خیریه خود را که نزدیک به مبادی امر حضرت بهاءالله بود، اعلان فرمود و پیش از هر پیشوای دیگر، سهمی در ایجاد جامعه ملل ایفا نمود؛ موفقیتی که به شهادت قلم مرکز میثاق، نشانه طلوع فجر صلح اعظم بود و می بایست به موجب همان کلک مکرم، آفتابش با تنفیذ احکام شریعت حضرت بهاءالله طالع شود.» [حسن حصین شریعت الله، ص ۴۴] (۵ ژوئن ۱۹۴۷) - (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۴۱)

۲۵) « ای قوی قدیر،... قوایم و دعائم صلح اعظم را به سرپنجه اقتدار استوار فرما.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

۲۶) « اما " صلح اعظم " به نحوی که حضرت بهاءالله مقرر فرموده، صلحی است که عملاً باید متعاقب زمانی تحقق یابد که جنبه های روحانی و معنوی بر جهان غلبه یافته باشد؛ یعنی زمانی که جمیع نژادها و مذاهب و طبقات و ملل در هم ادغام شده باشند (نوع دیگری از بیان وحدت روحانی عالم انسانی).»^۲ (نظم جهانی بهایی، ص ۹۵- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶- ندا به اهل عالم، ص ۶۸)

۲۷) « در مستقبل ایام در طی عصر ذهبی^۳ که آخرین عصر دور بهایی است، علم صلح اعظم، به وعده شارع مکرم، به اهتزاز آید.» (حضرت ولی امرالله، حسن حصین شریعت الله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

^۱ بیست و هشتمین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۱.

^۲ در این فقره مبارکه هم به وضوح و روشنی، وقوع صلح اعظم بعد از حصول اتحاد روحانی عالم، مقرر شده است.

^۳ به بحث ۱۳۰ مراجعه شود.

۲۸) « مرحله بلوغ (اجتماعی بشریت)... طلوع عصری را بشارت می دهد که سرآمد اعصار است؛ عصری که در آن تیغ و شمشیر به گاو آهن و خیش تبدیل شود (عصر ذهبی)... و صلح جهانی قطعاً تا ابدالآباد در کره زمین استقرار یابد.^۱» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۲)

۲۹) « این اصول محکم متین (قوانین، مؤسسات و مواد موضوعه حضرت بهاءالله اعظم سبب ایجاد صلح اعظم... در روی زمین می باشد.» (حضرت ولی امرالله، ارکان نظم بدیع، ص ۴۳)

۳۰) « سلطنت الهیه، مآلاً به... اعلان صلح عمومی که مرحله سابع و اخیر است، منتهی گردد.»^۲ (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۷-۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱)

۳۱) « هنوز وحدت کامل نوع انسان ناشناخته مانده و یگانگیش اعلان نگردیده و علم صلح اعظم در قطب آفاق به اهتزاز نیامده است. چنان که حضرت بهاءالله خود چنین فرموده: "الیوم مقامات عنایات الهی مستور است چه که عرصه وجود استعداد ظهور آن را نداشته و ندارد، و لکن سوف یظهر امرأ من عنده".» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۳-۱۰۴) «توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶» (مضمون عبارت عربی: ولی به زودی به فرمانی از نزدش ظاهر خواهد شد).

۳۲) « انقلاب اعظم (احاطه بلیات من کل الجهات بر هیات اجتماعیه) بنفسه... رؤسای ارض را به رفع لوای صلح اعظم مطابقاً لما نزل من القلم الاعلی و من مبین آیاته الکبری، مؤید و مفتخر گرداند.» (حضرت ولی امرالله، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۹) [مضمون عبارت: مطابق آنچه از قلم اعلی و قلم مبین آیات کبرایش (حضرت عبدالهه) نازل شده.]

۳۳) « "این ظلم های وارده، تدارک عدل اعظم الهی می نماید." (جمال ابهی) و این عدل اعظم، یگانه اساس صلح اعظم (است).»^۳ (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲)

^۱ خاصیت ابدیت "صلح جهانی" یا همان صلح اعظم ابهایی، بسیار حائز اهمیت است. این نیز دلیل دیگری است بر این حقیقت که بعد از استقرار صلح اعظم جنگ و جدال برای همیشه از صفحه روزگار زایل خواهد شد.

^۲ مطابق این بیان مبارک، استقرار سلطنت الهیه، قبل از حلول صلح اعظم است. اما از آنجا که فقرات متعدده ای عکس آن را بیان می فرمایند، لاجرم باید برای عبارت سلطنت الهیه تعبیری معنوی و نه صوری در نظر گیریم؛ که البته با توجه به مباحث عمده فصول هفتم و هشتم، این استنباط چندان دور از حقیقت هم نیست. به زیر نویس مربوط به فقره ۴۷ از مبحث ۱۱۸ نیز رجوع شود. نیز در این فقره مبارکه، همانند بعضی فقرات دیگر از این مجموعه، مقصود از عبارت "صلح عمومی"، همان صلح اعظم است؛ زیرا با "سلطنت الهیه" که قطعاً در عصر ذهبی پدیدار خواهد شد، مستقیماً مرتبط است. (به مبحث ۱۳۵ نگاه شود.)

^۳ از این بیان مبارک به روشنی چنین استنباط می شود که عدل اعظم، اساس صلح اعظم است؛ یعنی قبل از آن محقق خواهد شد. به فهرست مندرجات نگاه شود.

- (۳۴) « آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه شهود خواهد آمد... (از جمله)... استقرار صلح اعظم (است)». (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)
- (۳۵) « در سنین آتیه این دور بهایی... رایت صلح اعظم بر اعلی الاعلام (برفراز بالاترین پرچمها) موج زند». (توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)
- (۳۶) « اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گوهر افشان اعز بهایی... صلح اعظم را تأسیس فرماید». [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷۵]
- (۳۷) « حضرت بهاءالله و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء، بر خلاف ظهورات گذشته، سلسله قوانینی را وضع و مؤسسات مشخصی را ایجاد کرده و آنچه را که لازمه تأسیس یک مجتمع منظم الهی است، بیان فرموده‌اند که همه مقدر است که نمونه جامعه آینده و وسیله مؤثر برای تأسیس صلح اعظم... در این جهان باشد». (نظم جهانی بهایی، ص ۲۷- توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰)
- (۳۸) « عدل اعظم عدلی است که بر اساس آن، بالمآل، صلح اعظم استوار گردد.»^۱ (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۱۳)
- (۳۹) « (در جامعه متحد جهانی = حکومت جهانی بهایی) تعصبات و منازعات مذهبی به کلی فراموش و آتش عداوت‌های نژادی تا ابد خاموش خواهد شد.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۱- نظم جهانی بهایی، ص ۵۴- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱/ با ترجمه‌ای کمی متفاوت، نقل توسط بیت العدل اعظم در رساله وعده صلح جهانی - اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۲)
- (۴۰) « آن حضرت (حضرت عبدالبهاء)... در خلال... اسفار (مغرب زمین)، قاطعانه اظهار داشت: "عنقریب (به زودی) ملاحظه نمایید که علم تقدیس بلند گردد... و صلح عمومی بنیاد شود و پرتو حقیقت جلوه نماید.» [حضرت عبدالبهاء، مندرج در مرور معبود، ص ۳۷۶]
- (د) از آثار بیت العدل اعظم
- (۴۱) « عنایات موفوره... اینک در طی عصری پرآشوب، سیر تکاملی خود را می‌پیماید و عاقبت الامر صلح و سعادت بی نظیر به جامعه بشری ارزانی خواهد داشت.» (پیام ۱۲ نوامبر ۱۹۶۷)

^۱ در این فقرة مبارکه نیز رابطه ارگانیک و ایجاد بی بین "عدل اعظم" و "صلح اعظم" با صراحت تام، مشخص شده است.

۴۲) « جریان دوم (از دو جریان عظیم که در جهان در کار است)...دمیدن روح حیات بر این هیكل واحد بی روح (بشریت واصل به صلح اصغر) می باشد و آن، عبارت از خلق وحدت و ایجاد روحانیت حقیقی است که منتهی به صلح اعظم خواهد گشت.^۱» (پیام ۷ جولای ۱۹۷۶)

۴۳) « (ابنیه فخمیه حول قوس کرمل و نیز طبقات کرمل)، امری که صلح اعظم را در عالم برپا سازد.» (پیام سپتامبر ۱۹۸۷- جزوه ۴۱، ص ۷۰)

۴۴) « "صلح اعظم"؛ یعنی همان نظم جهانی، که نشانه اصلیش اتحاد و یگانگی (است) و بر عدل الهی تکیه دارد.»^۲ (معهد اعلی، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۴۹)

۴۵) «(سخن ادوارد براون بعد از تشریف به حضور حضرت بهاءالله) مپرس در حضور چه شخصی ایستاده ام (ایستادم؟) و به چه منبع تقدیس و محبتی تعظیم نمودم که تاجداران عالم غبطه ورزند و امپراطوری های امم حسرت برند... با صدای نافذ و آهنگی باوقار مرا امر به نشستن فرمود... و چنین ادامه داد: "الحمدلله که فائز شدید و برای دیدار این مسجون تبعیدی آمدید. ما جز اصلاح عالم و تهذیب امم مقصدی نداریم... این جنگ های بی ثمر و محاربات خانمان سوز منقضی شود و صلح اعظم تحقق یابد."» (بیت العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۷۳)

۴۶) « صلح اصغر موکول و منوط به هیچ نقشه امری یا اقدام احباً نیست و... هدف غایی که مقدر است در عصر ذهبی نصیب جامعه انسانی گردد (منظور صلح اعظم است) به شمار نمی رود.» (پیام رضوان ۱۹۹۶)

۴۷) « راه به سوی صلح (اصغر) هر قدر کوتاه باشد، ولكن پریچ و خم است و... باید پس از دوره طولی از طی سیر تکاملی خود به مرحله بلوغ رسد. این دوره، همراه با امتحانات و شکست ها و منازعات خواهد بود تا در ظل تأثیر و نفوذ امرالهی، منجر به ظهور و طلوع صلح اعظم گردد.» (پیام رضوان ۱۹۹۶)

۴۸) « عصر تکوین... عصری (است) که عهد متعدد "اقدامات بلاانقطاعش به عصر طلایی امرالهی منجر خواهد شد"، یعنی زمانی که صلح اعظم کره ارض را فرا خواهد گرفت.» (پیام رضوان ۲۰۰۰)

۴۹) « صلح اعظم یعنی اتحاد روحانی و نیز اجتماعی و سیاسی نوع بشر^۳... در اثر مساعی بهاییان تأسیس می شود.» (پیام معهد اعلی، ۳۱ ژانویه ۱۹۸۵، مندرج در بیانیه دارالانشاء، ۱۹ آوریل ۲۰۰۱)

^۱ این بیان مبارک به صراحت اشعار می دارد که وحدت روحانی عالم، "منتهی به صلح اعظم خواهد گشت"؛ یعنی استقرار صلح اعظم بعد از تحقق وحدت روحانی عالم خواهد بود.

^۲ در این بیان مبارک نیز تصریح شده است که صلح اعظم بر عدل الهی تکیه دارد، یعنی بعد از آن محقق خواهد شد. به فهرست مندرجات رجوع شود.

^۳ از این بیان مبارک مستفاد می شود که صلح اعظم مستلزم "اتحاد روحانی" یا همان وحدت روحانی عالم انسانی است که طبیعتاً "اتحاد اجتماعی و سیاسی نوع بشر" را نیز در بر خواهد داشت.

- (۵۰) « هر قدر راه طولانی‌تر و پر پیچ و خم باشد، معذک باید (تشکیل جامعه ملل)، پس از یک سلسله فتوحات و عقب نشینی‌ها،... سرانجام به اهتزاز علم صلح اعظم در عصر ذهبی دور بهایی منتهی شود.» (معهد اعلی، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۲۹- حصن حصین شریعت‌الله، ص ۴۰)
- (۵۱) « حضرت عبدالبهاء، هم در خطابات عمومی و هم در گفتگوهای خصوصی (در اسفار مغرب زمین)،... پیش دیدگان جهانیان، منظر و نمایی از صلح عمومی... منبعث از ظهور الهی را هویدا ساخت.» (معهد اعلی، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۲۳)
- (۵۲) « در آثار بهایی مکرراً آمده است که البته در نتیجه تحولات حاصله از نقشه کبیر الهی^۱ و ثمرات اجرای نقشه صغیر الهی^۲... این آتش (خانمان سوز جنگ و جدال) در میقات معین خاموش خواهد شد و انوار صلح اعظم جهان را منور خواهد نمود.» (پیام ۲۵ آوریل ۲۰۰۷)
- (۵۳) « بهایان فرداً و جمعاً... معتقدند که این فرایند (فرایند سازندگی از دو فرایند اساسی حاکم بر حیات بشریت)، هر چقدر افق‌های نزدیک تیره و تار باشد، روزبه‌روز قوی‌تر خواهد شد... و عصر صلح عمومی چهره خواهد گشود. این است بینشی از تاریخ که مبنای کلیه اقدامات جامعه بهایی است.» (پیام ۲ مارس ۲۰۱۳)

۱۳۴. استقرار حکومت جهانی بهایی (۱۴)

الف) از آثار حضرت بهاء‌الله

- (۱) « قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الّذی ما شهدت عین الابداع شبهه.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۱۸۱) (مضمون بیان مبارک با توجه به ترجمه انگلیسی آن: به علت تأثیر نباض این نظم بدیع^۳ جهانی، تعادل عالم به هم خورده است؛ و تحت تأثیر این سیستم اعجاب‌انگیز یگانه، حیات مرتب بشریت دگرگون شده است؛ سیستمی که چشم روزگار هرگز نظیرش را ندیده است.) (کتاب اقدس انگلیسی، بند ۱۸۱)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

^۱ به مبحث ۷۷ رجوع شود.

^۲ به مبحث ۷۹ مراجعه شود.

^۳ به مبحث ۱۲۹ مراجعه شود.

۲) « مرحله دهم (از مراحل ظهور الهی در بستر تاریخ)... مرحله ای است که انوار آیین مظفر و منصور الهی به کمال قدرت و عظمت بر جهانیان تابیده و کره ارض را احاطه خواهد نمود.» (پیام آسمانی ۲، ص ۸۶)

۳) « می توان گفت نتایج حاصل از این حمله و هجوم (حمله به امرالهی و مؤسسات آن در مصر)، فصلی جدید در تحوّل امرالهی باز گشود؛ تحوّل که با انتقال دادن این آیین بدیع، از مراحل متوالی مقهوریت، حریت، و رسمیت، و مطرح کردن آن به عنوان ظهوری مستقلّ و دینی دولتی (state religion)؛ باید به سمت تأسیس دولت بهایی (Bahai state) سوق یافته؛ عاقبت، به ظهور اتحادیه جهانی بهایی (Bahai World Commonwealth) منتهی گردد.» (مرور معبود، ص ۴۷۷)

۴) « عصر تکوین امرالله... عصری انتقالی (است) که وجه مشخصه اش توسعه و استقرار نظم اداری است؛^۱ و عاقبت بر پایه همین نظم، در عصر ذهبی که شاهد اِکمال نهایی دور بهایی خواهد بود، مؤسسات آتی اتحادیه جهانی بهایی (Bahai World Commonwealth) (حکومت جهانی بهایی) مستقر خواهد گشت.» (مرور معبود، ص ۴۲۹)

۵) « در مستقبل ایام، در طی عصر ذهبی... حکومت جهانی بهایی به کمال قدرت و جلال چهره بگشاید.» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۶) « حکومت متّحده آینده بهایی که این نظم وسیع اداری (نظم بدیع جهان آرا) حافظ آن است، نظراً و عملاً در تاریخ نظامات سیاسی بشری فرید و وحید است و در تشکیلات ادیان معتبره عالم بی نظیر و مثیل.» (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۸۸)

۷) « در سنین آتی این دور بهایی... جلوه سلطنت بهائیه (نوع دیگری از بیان حکومت جهانی بهایی)... من علی الارض (مردم سیاره زمین) را به اهتزاز آرد.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۵-۱۸۸)

۸) « کلمات مبارکه ذیل را به هیچ چیز جز به قدرت و عظمتی که نظم بدیع حضرت بهاءالله از خود به ظهور خواهد رسانید حمل نتوان نمود؛ نظمی که شالوده حکومت عالم گیر بهایی در مستقبل ایام است؛ قوله الأعلی: " قد اضطرب النّظم من هذا النّظم الأعظم و اختلف التّرتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الأبداع شبهه." (کتاب دور بهایی، ص ۷۶- ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۴) (برای آگاهی از مضمون بیان مبارک، به فقره اول از همین مبحث رجوع شود.)

^۱ حالت "توسعه" یافته نظم اداری، را می توان همان نظم بدیع جهان آرای الهی در نظر گرفت که استقرارش مقدمه حلول عصر ذهبی است؛ یعنی قبل از آن محقق خواهد شد. به مبحث ۱۲۹ مراجعه شود.

(۹) «چنین حکومتی جهانی دارای یک قوه مجریه بین المللی خواهد بود که قدرت نهایی و بلامنازع خویش را بر هر عضو متمرّد و طاغی آن اتحادیه جهانی به کار خواهد بست.» (نظم جهانی بهایی، ص ۵۴- توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱- حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۱- نقل توسط بیت العدل اعظم، رساله وعده صلح جهانی- اکتبر ۱۹۸۵، مبحث ۳، ص ۲۲)

(۱۰) «جامعه متحد جهانی (اتحادیه عالم انسانی که در ظل امرالهی به وجود خواهد آمد) تا جایی که می توان تصوّرش را نمود، باید دارای یک هیأت مقننه باشد که اعضایش به منزله امنای تمام نوع انسان، بالمآل جمیع منابع ملل آن جامعه جهانی را در اختیار خود گیرد و قوانینی را وضع کند که برای تنظیم حیات و رفع حاجات و ترمیم روابط جمیع ملل و اقوام لازم و واجب است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۵- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(۱۱) «(در جامعه متحد جهانی) یک پایتخت بین المللی به منزله کانون و مرکز اعصاب مدنیت جهانی تعیین شود که کانونی برای تمرکز و توجه قوای وحدت بخش حیات باشد و از آن، انوار نیروبخش و جانافزایش به جمیع جهات ساطع گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۵- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(۱۲) «در چنان جامعه ای (جامعه متحد جهانی) یک نظام فدرالی جهانی برقرار گردد که... طلسم جنگ و بدبختی را بشکند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱۳) «این نظم بدیع، به مرور ایام که تبلور خواهد یافت و تأثیرات ملایم خود را بر تمامیت سیاره ارض بر جای خواهد نهاد، هم زمان، هم حلول عصر تمامی نژاد انسانی (عصر ذهبی) و هم تکامل و بلوغ امرالهی، نیای آن نظم، را محقق خواهد ساخت^۱.» (ترجمه) (معهد اعلی، رضوان ۱۹۹۲، مجموعه دخول افواج مقبلین)

(۱۴) «حضرت بهاءالله به وضوحی تمام، تشکیل حکومت جهانی را وعده داده اند.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۷۹)

۱۳۵. استقرار سلطنت الهی (۱۶)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

^۱ در این بیان مبارک نیز مصرح است که تبلور و تأثیر نظم بدیع الهی پیش نیاز عصر ذهبی خواهد بود.

(۱) « بظلمهم (الَّذین ظلموا) رفعنا الامر و انتشر ذکر اسم ربک فی البلاد؛ بمنعم ظهر الاقبال و بظلمهم طلع نیر العدل. تفکروا لتعرفوا یا اولی الالباب. كذلك قضی الامر فی اللوح من لدن ربک منزل الآیات. سوف یرفع الله اعلام سلطنته فی کلّ مدینة.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۵، ص ۵۲) (به ظلم آنان امر را مرتفع نمودیم و نام پروردگارت در دیارها منتشر شد؛ به منع آنان اقبال نمودار گشت و به ظلمشان خورشید عدل طلوع نمود. بیندیشید تا بفهمید، ای صاحبان خرد. این گونه امر در الواح، از نزد پروردگارت که منزل آیات است، مقدر گشت. به زودی خداوند علم‌های سلطنتش را در هر شهری برخواهد افراشت.)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) « (روزی که) خداوند تا ابدالآباد حکمرانی خواهد کرد؛ یعنی سلطنت روحانیّه ابدیه تشکیل می‌شود و آن (روز)، یوم‌الله است.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)

(۳) « یوم، یوم ظهور ربّ جنود است و دوره، دوره رحمانی حضرت پروردگار و در جمیع کتب و صحف انبیاء موعود و مذکور که در آن یوم خداوند، سلطنت الهیه روحانیّه تشکیل می‌شود.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)

(۴) « آن مظهر کلی (ربّ جنود = حضرت بهاء‌الله) ... سلطنت الهیه را به محبت صحیحه تأسیس کند، نه به قوت حربیه.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۶)

(ج) از آثار حضرت ولیّ امرالله

(۵) « چه خوش است اگر این روز فیروز و یوم موعود (سلطنت ظاهره باطنه حقیقیه حضرت بهاء‌الله) به زودی زود، بدون فتور و تأخیری، جلوه گر گردد و چشم روحانیان به تحقق وعود الهیه منور شود.» (پیام آسمانی ۲، ص ۷۷)

(۶) « شبهه‌ای نیست که... ندای اسم اعظم عالمی را مجذوب نموده، از وضع و شریف، کل ساجد (و) خاضع این امر رحمانی شوند و سلطنت ظاهره و باطنه حضرت بهاء‌الله را به چشم سر و سرّ ببینند که چه نحو بر تمام طبقات عالم مستولی گشته و نشأه حیات حقیقی و روح ابدی در ارکان عالم دمیده. چه خوش است اگر این روز فیروز و یوم موعود به زودی زود، بدون فتور و تأخیری، جلوه گر گردد و چشم روحانیان به تحقق وعود الهیه منور شود.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۶۲)

(۷) « مواعید درخشنده مندرجه در الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء... ظهور علائم و آثار سلطنت ابدیه امرالهی را نوید می‌دهد.» (تلگراف ۸ مارس ۱۹۵۲، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۳۴۵)

۸) « مؤسساتی که اکنون در حال تکوین است... باید مآلاً سلطنت الهیه که حاکی از حلول عصر ذهبی جمال قدم است، بر آن مستقر شود.» (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

۹) « در این عهد و عهد آتیۀ این عصر و در عصر ذهبی دور مقدّس جمال ابهی... سلطنت الهیه تأسیس گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

۱۰) « دوره ذهبی هزار ساله؛ یعنی یومی که سلطنت‌های عالم به سلطنت الهیه که سلطنت حضرت بهاءالله است، مبدل گردد.» (کتاب دور بهایی، ص ۹۶) (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

۱۱) « این عده معدوده احبّا که تا به حال کلام و بیانشان از حوزه محدودۀ خویش خارج نگشته و بر افکار عمومی عالم مستولی نشده، چون مستند بر تعلیمات روحانیۀ‌اند و مصدر اقدامات و خدمتشان فیوضات الهیه است، در مستقبل ایام حتماً و اکیداً روزی گوی سبقت را از میدان تمام رجال عالم خواهند بُرد و سلطنتی ابدیه الی ممرّ القرون و الاعصار تشکیل و تأسیس خواهند کرد.» (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۳، ص ۳۳- مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۷۰)

۱۲) « این تصرفات عجیبۀ غریبه... در سنین اولیۀ این کور مقدّس... از نتایج سحراست که بنفسه، بشارت دهنده اشراق شمس سلطنت آتیۀ الهیه... است.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲ بدیع، ص ۱۰۹)

۱۳) « این رسمیت (آیین الهی) به مرور ایام... و بالمآل، به استقرار سلطنت جهانی بهایی... که مروج تعالیم مقدّسه ربّانی و مجری احکام و اوامر منصوصه منزله از سماء مشیت سبحانی است^۱، انتها پذیرد.» (توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲-۵۰۱ / ظهور عدل الهی، ترجمه مودت، ص ۳۲)

۱۴) « ما امروز... در بحبوحه سایه تیره و تاریک... لمعه‌ای از انوار سلطنت آسمانی حضرت بهاءالله را مشاهده می‌کنیم که در افق تاریخ درخشنده و تابان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۴، توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۵) « این وحدت اصلیه (ملل و امم)، کاشف سلطنت اسم اعظم در سراسر عالم^۲ خواهد بود.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

^۱ در این فقره مبارکه معنا و مفهوم عملی سلطنت الهیه بیان شده است.
^۲ از آنجا که وحدت روحانی عالم قطعاً در عصر ذهبی واقع خواهد شد (به فقرات مبحث مربوطه رجوع شود)، "سلطنت اسم اعظم در سراسر عالم" نیز که مکتشف آن محسوب گشته، حتماً در عصر ذهبی رخ خواهد گشود.

(۱۶) « لوح کرمل... مبشر تأسیس مقر سلطنت الهیه بر فراز آن جبل مقدس (کوه کرمل) است.» (تاریخ صدور نامعلوم)

۱۳۶. تحقق بلوغ روحانی بشریت (۱۹)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « انا جعلنا الامرین علامتین لبلوغ العالم؛ الاول وهو الاس الاعظم، نزلناه فی الواح اخرى و الثانی نزل فی هذا الكتاب البدیع.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۱۸۹) [مضمون با توجه به ترجمه انگلیسی بیان مبارک: ما دو نشانه برای حلول عصر تمامی نژاد انسانی (بلوغ عالم) تعیین کردیم؛ اولین آن را که مستحکمترین پایه است (ظهور صنعت مکنونه = تبدیل عناصر)، در الواح دیگرمان مشخص نمودیم و دومین آن (یک لسان و یک خط جهانی)، در همین لوح اعجاب انگیز (کتاب اقدس) نازل شده است.]

(۲) « ظهور این کنز مستور (صنعت مکنونه = کشف اکسیر) بین هؤلاء (حکمای ارض)، علامت بلوغ دنیا است.» (جمال ابهی، مائده آسمانی ۱، باب دوازدهم، الواح مبارکه درباره اکسیر، ص ۴۰)

(۳) « از جمله علامت بلوغ دنیا آن است که نفسی تحمل امر سلطنت ننماید؛ سلطنت بماند و احدی اقبال نکند. آن ایام، ایام ظهور عقل است مابین بریه. مگر آن که نفسی لاطهار امرالله و انتشار دین او حمل این ثقل اعظم نماید و نیکو است حال او که بحب الله و امره و لوجه الله و اظهار دینه، خود را به این خطر عظیم اندازد و قبول این مشقت و زحمت نماید. این است که در الواح نازل که دعای چنین سلطان و محبت او لازم است.» (آیات الهی ۱، ص ۱۹۱- مائده آسمانی ۳، ص ۲۸- مائده ۴، ردیف ع، باب هشتم، ص ۱۶۷)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۴) « ظهور او (ظهور کلی عظیم = جمال مبارک)، سبب بلوغ عالم گردد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۱۲۱)

۵ «عالم هنوز (سال ۱۹۱۲ میلادی) به درجه بلوغ نرسیده؛ وقتی این مدنیت مادی با مدنیت الهی توأم شود و صلح عمومی جاری گردد و نفوس به منزله ملائکه رسند، آن وقت زمان بلوغ است.» (پیام آسمانی ۲، ص ۲۹۶)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۶ «در سنین آتیه این دور بهایی... دروه صباوت عالم انسانی منتهی گردد و علامات بلوغ عالم که در الواح الهیه مصرح، ظاهر و پدیدار شود.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۵-۱۸۳)

۷ «در سنین آتیه این دور بهایی... عالم به درجه کمال رسد.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۵-۱۸۳)

۸ «این مرحله اخیر (سلطنت اسم اعظم) بنفسه، مقدمه... بلوغ عالم به رتبه کمال که اعلی المراتب است (خواهد بود).»^۲ (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲)

۹ «وحدت عالم بشری... مقدمه ضروری بلوغ عالم است.»^۳ (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۱۰۷) (۴ ژوئیه ۱۹۵۰)

۱۰ «(حضرت بهاءالله در کتاب اقدس) تأیید می نماید که اتحاد عالم، به عنوان آخرین مرحله تحوّل بشریت به سمت بلوغ^۴، امری گریز ناپذیر است.» (مرور معبود، ص ۳۰۰)

۱۱ «طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزت موعوده عالم انسانی... در قرنهای لاحق و ادوار آتیه این کور مجید بسیط خاک را... به درجه بلوغ و اوج کمال رساند.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۰-۱۰۹ / نیز مندرج در پیام معهد اعلی، ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)

۱۲ «در این عهد و عهود آتیه این عصر و در عصر ذهبی دور مقدّس جمال ابهی،... جهان به درجه بلوغ رسد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

^۱ در دو فقره ۱۴ و ۱۶ از همین مبحث، بلوغ روحانی عالم مقدمه مدنیت جهانی بهایی تعیین شده است و در این فقره مبارکه مدنیت الهیه شرط تحقق بلوغ روحانی قلمداد شده است، از مقایسه این بیانات مبارکه چنین استنباط می شود که فرایندهای بلوغ روحانی و مدنیت الهی تقریباً توأم اند؛ یعنی در حالی که نشانه های بلوغ قبل از مدنیت ظاهر خواهد شد، اما هر دو پدیده با هم جلوه گر خواهند گشت.

^۲ مطابق این بیان مبارک، مرحله بلوغ عالم، بعد از مرحله استقرار سلطنت الهیه و تحقق صلح اعظم است؛ لهذا بلوغی روحانی بوده، در عصر ذهبی رخ خواهد داد. به فهرست مباحث فصل هشتم مراجعه شود.

^۳ این بیان مبارک نیز صراحتاً اشعار می دارد که بلوغ بشریت بعد از مرحله وحدت روحانی عالم انسانی محقق خواهد شد.

^۴ از این فقره مبارکه نیز به وضوح مستفاد می شود که بروز بلوغ روحانی عالم بعد از تحقق وحدت روحانی آن خواهد بود. ^۵ از این بیان مبارک چنین استنباط می شود که بلوغ فرایندی متکامل است و در هر دو عصر تکوین و ذهبی جاری است. به همین دلیل، اوج مراحل مربوط به عصر تکوین را بلوغ اجتماعی (مبحث ۱۰۳) و اوج مراحل مربوط به عصر ذهبی را بلوغ روحانی (مبحث ۱۳۶) نام گذاری کرده ایم.

۱۳) « اشعیاء نبی که اعظم انبیاء بنی اسرائیل است، در دو هزار و پانصد سال پیش بیانی سحرانگیز دارد که سرنوشت بشر و آنچه (را) که در دوره بلوغش باید حاصل کند، معین می‌سازد: "او (پروردگار) در بین امت‌ها داوری خواهد کرد و اقوام بسیاری را مورد ملامت قرار خواهد داد. آن‌ها، شمشیرهای خود را به گاو آهن تبدیل خواهند نمود و نیزه‌های خود را به اَرّه مبدل خواهند ساخت؛ دیگر ملتی بر روی ملتی شمشیر نخواهد کشید و دیگر جنگ را نخواهند آموخت."» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۷- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۴) « تحقق بلوغ عالم انسانی، به نوبه خود، فاتحه (کشاینده) مدنیتی جهانی^۱ است که نظیرش را چشم احدی ندیده و شبیهش به تصور احدی در نیامده است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۱۵) « طرح کلی الهی^۲ که بشر را به بلوغ روحانی می‌رساند از دسترس ما بیرون است و در خزانه غیب محفوظ و تحققش به اراده حق موکول است.» (پیام مارس ۱۹۹۷، مجموعه بشارات جان‌فزا، ص ۸۴)

۱۶) « ملکوتی که حضرت عبداله‌پاء پرده از رویش برگرفت آن نبود که به مانند ادیان گذشته وعد و وعیدش مربوط به جهان دیگر باشد، بلکه ملکوتی بود که مژده می‌داد عصر بلوغ انسانی دمیده است و زمان حصول مدنیت جهانی فرارسیده، عصری که در آن جمیع قوای نهفته انسانی بر اثر تبادل میان ارزش‌های روحانی و ترقیات مادی که به خواب کسی هم نمی‌آمد، به ثمر خواهد رسید.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۹)

۱۷) « طبق بیان حضرت ولی امرالله تحقق بلوغ عالم با وحدت عالم انسانی و تشکیل اتحادیه جهانی^۳ و ایجاد نیروی محرکه بی سابقه‌ای در حیات روحانی و اخلاقی و عقلانی نوع بشر مقارن است.» (کتاب مستطاب اقدس، یادداشت ۱۹۴)

۱۸) « علامت اول که در آثار جمال مبارک برای بلوغ عالم معین شده، ظهور صنعت مکنونه است و آن متضمن کشف طریق کاملی است برای تبدیل عناصر.» (کتاب مستطاب اقدس، یادداشت ۱۹۴)

^۱ به مبحث ۱۳۸ رجوع شود. در ضمن، مطابق مضمون این بیان مبارک، تحقق بلوغ روحانی عالم، "فاتحه مدنیتی جهانی است"؛ یعنی قبل از آن محقق خواهد شد. به فهرست مباحث فصل هشتم رجوع شود.

^۲ به مبحث ۷۷ مراجعه شود.

^۳ از این بیان مبارک چنین استنباط می‌شود که فرایند تحقق مباحث فصل هشتم، رنگین‌مانی است و نه پله‌ای؛ بدین معنی که هر مرحله، بدون این که مرز مشخصی با مرحله قبلی داشته باشد، به تدریج از دورن* آن پدیدار شده، جلوه و جمال و کمال و تمایز خواهد یافت.

۱۹) « جمال اقدس ابھی در کتاب اقدس اختیار یک لسان و یک خط را برای من علی الارض امر فرموده‌اند. اجرای این حکم، طبق بیان مبارک، یکی از علائم بلوغ عالم است. » (کتاب مستطاب اقدس، یادداشت ۱۹۴)

۱۳۷. رواج خط و زبان واحد جهانی (۱۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « نزد مظلوم، محبوب آن که جمیع عالم را یک وطن مشاهده نمایند و در ترویج یک لسان یا دو، چنانچه از قبل گفته شد، همت گمارند تا جمیع آفاق به نور اتفاق فائز شود. » (حضرت بهاءالله، مائده ۸، مطلب یکصد و چهل و دوم، ص ۱۱۷)
- ۲) « یا اهل المجالس فی البلاد، اختاروا لغة من اللغات، لیتکلم بها من علی الارض و كذلك من الخطوط... هذا سبب الاتحاد لو انتم تعلمون و العلة الكبرى للاتفاق و التمدن لو انتم تشعرون. » (کتاب مستطاب اقدس، بند ۱۸۹) (مضمون بیان مبارک با توجه به ترجمه انگلیسی آن: ای اعضای پارلمان‌ها در سراسر جهان، یک لسان واحد برای استفاده تمامی اهل عالم انتخاب کنید و نیز یک رسم الخط مشترک... این امر، سبب وحدت خواهد بود، اگر می فهمید؛ و نیز عالی‌ترین ابزار خواهد بود برای توسعه وفاق و تمدن، اگر درک می‌نمایید.)
- ۳) « حضرات ملوک ایدهم الله و یا وزرای ارض مشورت نمایند و یک لسان از السن موجوده و یا لسان جدیدی مقرر دارند و در مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند و همچنین خط. در این صورت ارض قطعه واحده مشاهده شود. » (لوح بشارات، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۱)
- ۴) « باید جمیع ملل نفوسی معین نمایند از اهل ادراک و کمال، تا مجتمع شوند و به مشاورت یکدیگر یک لسان اختیار کنند، چه از السن مختلفه موجوده و چه لسان جدید تازه اختراع نمایند و در جمیع مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند. » (لوح مقصود، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۹۹)
- ۵) « از قبل فرمودیم تکلم به دو لسان مقدر شد و باید جهد شود تا به یکی منتهی گردد و همچنین خطوط عالم؛ تا عمرهای مردم در تحصیل السن مختلفه ضایع نشود و باطل نگردد و جمیع ارض مدینه

واحد و قطعه واحد^۱ مشاهده شود.» (کلمات فردوسی، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۳۷)

۶ «از قبل در الواح امر نمودیم امنای بیت عدل یک لسان از السن موجوده و یا لسانی بدیع و یک خط از خطوط اختیار نمایند و در مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم دهند تا عالم یک وطن و یک قطعه مشاهده شود.» (لوح اشراقات، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۷۴)

۷ «باید لغات، منحصر بلغت واحد گردد و در مدارس عالم به آن تعلیم دهند.» (لوح دنیا، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۵۰)

۸ «عنقریب جمیع اهل عالم به یک لسان و یک خط مزین؛ در این صورت هر نفسی به هر بلدی توجه نماید مثل آن است که در بیت خود وارد شده، این امور لازم و واجب.» (مجموعه الواح بعد از کتاب اقدس، ص ۹۹، لوح مقصود- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله نشر آلمان، فقره ۱۱۷- دریای دانش، ص ۱۷- آیات الهی، ۱، ۱۳ آوریل)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۹ «تا توانی همت نما که زبان پارسی بیاموزی؛ زیرا این لسان عنقریب در جمیع عالم تقدیس خواهد شد.» (پیام آسمانی، ۲، ص ۳۰۴)

۱۰ «باید یک کنگره بین‌المللی، متشکل از نمایندگان تمام ملل عالم؛ چه شرقی و چه غربی، برپا گردد و لسانی را تعیین کند که کسب آن برای همگان راحت باشد. در این صورت همه ممالک از آن منتفع خواهند شد. تا زمانی که چنین زبانی انتخاب و استفاده شود، عالم انسانی برای مراد و مرابطه شدیداً نیاز به آن را احساس خواهد کرد... اگر همه می‌توانستند به یک لسان صحبت کنند، خدمت به بشریت چقدر آسان می‌شد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، بند ۴، خیابان کامئون)

۱۱ «شمع هفتم، وحدت لسان است؛ یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و با یکدیگر مکالمه کنند.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، مذکور در توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

^۱ "مدینه واحد و قطعه واحد" و در فقره بعدی "یک وطن و یک قطعه" توصیفات عالی‌ای است از عالم انسانی که در مورد وحدت روحانی عالم مصداق می‌یابد و نه وحدت سیاسی؛ بنا بر این، لسان واحد جهانی نه تنها علامت تحقق این نوع پیشرفته از وحدت است؛ بلکه به استناد فقره ۱۳ از همین مبحث، نشانه تحقق بلوغ روحانی بشر هم مقرر شده است، فرایندهایی که هر دو در عصر ذهبی رخ خواهند نمود.

۱۲) « ای منجذب به نجات‌الله، تا توانی همت نما که زبان پارسی بیاموزی؛ زیرا این لسان عنقریب در جمیع عالم تقدیس خواهد شد.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۰۹]

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۱۳) « (حضرت بهاءالله) در کتاب اقدس، مقرر می‌دارد که زبانی واحد انتخاب شود و دستخطی مشترک گزینش گردد و در تمامی عالم به کار برده شود؛ فرمانی که به تصریح خود آن حضرت در همان کتاب مبین، اجرای آن یکی از نشانه‌های (تحقق) "بلوغ عالم" محسوب است.» (مرور معبود، ص ۲۹۴)

۱۴) « يك زبان بین‌المللی ابداع شود و یا یکی از زبان‌های موجود انتخاب و علاوه بر زبان مادری، در تمام کشورهای فدرال جهانی (نوع دیگری از بیان حکومت جهانی بهایی) تعلیم داده شود.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۵، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۵) « (در جامعه متحد جهانی) یک خط و ادبیات جهانی... تعیین شود و روابط و تفاهم بین نژادهای متنوع و ملل جهان را ساده و سهل نماید.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۶) « (حضرت بهاءالله) ضرورت گزینش يك خط و زبان عمومی را مکرراً تصریح می‌کنند... و تأکید می‌نماید که با انتخاب يك چنین خط و زبانی، تمامی سیاره زمین "قطعه واحد مشاهده شود."» (مرور معبود، ص ۳۰۲)

د) از آثار بیت‌العدل اعظم

۱۷) « برگزیدن یک زبان عمومی علاوه بر زبان‌های ملی... از عناصر اولیه سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طی این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلی، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

۱۸) « حضرت بهاءالله امر می‌فرماید که يك زبان و يك خط بین‌المللی اختیار شود و برای تحقق این امر، در آثار مبارکه دو مرحله پیش‌بینی شده است. مرحله اول اختیار یکی از زبان‌های متداول یا اختراع زبانی است که باید علاوه بر زبان مادری در تمام مدارس عالم تدریس شود... مرحله ثانی آن است که در مستقبل بعید، يك زبان و يك خط در جمیع عالم متداول گردد.» (کتاب مستطاب اقدس، یادداشت ۱۹۳)

^۱ از این فقره مبارکه چنین استنباط می‌شود که انتخاب زبان واحد و دستخط مشترک، در حوالی بلوغ روحانی عالم رخ خواهد داد؛ لهذا فرایندی است متعلق به عصر ذهبی.

۱۳۸. ظهور مدنیت الهی (۴۳)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) «اساس مدنیت الهیه صلح اکبر است.» (پیام آسمانی ۲، ص ۳۱۰)
- (۲) «مدنیت الهیه از نتایج بیت العدل خواهد بود.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۱۷)
- (۳) «مدنیت الهیه چنان تربیت نماید که نفوس بشریه بدون خوف از جزاء اجتناب از جرائم کنند؛ و نفس جرم نزد آنان اعظم عقوبت گردد و به نهایت جذب و وله به اکتساب فضائل انسانی و مابه الترقی بشری و آنچه سبب نورانیت عالم انسانی است پردازند.» (پیام آسمانی، ص ۱۱۷)
- (۴) «این اتحاد (اتحاد شرق و غرب) مورث مدنیتی حقیقی خواهد شد؛ هنگامی که روحانیت در مادیت جلوه و جریان یابد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، جمعه ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- (۵) «ظهور عصر ذهبی... شاهد اعلان صلح اعظم و بسط مدنیت الهی جهانی است، مدنیتی که ثمر و مقصد اصلی صلح اعظم است.»^۲ (مندرج در پیام ۲۶ مارس ۲۰۱۶ بیت العدل اعظم)
- (۶) «در سنین آتیه این دور بهایی... مدنیت لاشرقیه و لاغریه الهیه بساطی جدید در جهان بگستراند.» (توقیع منبع ۱۰۵، مجموعه توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵)
- (۷) «نظم اداری امرالله... نظمی که در آتیه ایام و به مرور زمان به نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاءالله^۳ تبدیل خواهد یافت و بالمآل مؤلد مدنیت روحانیه ای خواهد بود که نسل های آینده آن مدنیت را به منزله ابهی ثمره شجره امرالله تحسین و تقدیر خواهند نمود.» (توقیع مبارک رضوان ۱۱۲ بدیع، مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۲۲۳)
- (۸) «این تنبیه و مجازات (مصیبت عظیمی که بشریت را فراخواهد گرفت) عالم بشریت را از لوث مفاصد صد ساله پاک و مطهر نموده و اعضای جامعه انسانی را به یک جامعه متحد و متفق جهانی تبدیل خواهد نمود، جامعه ای که در میقات معین در ظل نظم جهان آرای الهی... مستظّل، و به مدد نفحات

^۱ بدیهی است چون به استناد فقراتی از همین مبحث، مدنیت الهیه قطعاً در عصر ذهبی رخ خواهد گشود، معنی عبارت "صلح اکبر" در این فقره مبارکه، همان صلح اعظم است. به مبحث ۱۳۳ مراجعه شود.

^۲ در این بیان مبارک تصریح می شود که مدنیت الهی بعد از صلح اعظم و هر دو در عصر ذهبی واقع خواهند شد.

^۳ به مبحث ۱۲۹ رجوع شود.

^۴ به مباحث فصل چهارم مراجعه شود.

روحانی آن، در طی ادوار آینده، وارد مدنیّتی خواهد گردید که شبه آن را چشم عالم در هیچ یک از مراحل تکامل خویش ندیده است.» (توقیع مبارک رضوان ۱۱۲ بدیع، مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۵۷-۱۹۵۲، ص ۲۳۴)

۹ «نظم بدیع، چه در وهله کنونی و چه در حین بلوغ نهایی، وسیله و اسباب حصول هدف عالی، یعنی تحقق مدنیّت الهیه در بسط غبرا است.» (حضرت ولی امرالله، ۱۳ ژانویه ۱۹۷۶، ارکان نظم بدیع، ص ۵۳)

۱۰ «نظم بدیع جهان آرای الهی... در طی ادوار متوالیه کور، به تنهایی، در اثر پیدایش و تکامل مدنیّت الهیه، ابهی ثمره خود را ظاهر و آشکار خواهد ساخت. این مدنیّت، من جانب الله و دارای خصائص ممتاز، و اساسی کاملاً روحانی است.» (حضرت ولی امرالله، نوامبر ۱۹۵۴، ارکان نظم بدیع، ص ۲۴۴)

۱۱ «نظم بدیع، عیناً همان مدنیّت الهیه است که شریعت غرای حضرت بهاءالله باید در ارض مستقر سازد.» (حضرت ولی امرالله، فوریه ۱۹۳۴، توقیع دور بهایی، ارکان نظم بدیع، ص ۱۴)

۱۲ «در مستقبل ایام در طی عصر ذهبی که آخرین عصر دور بهایی است،... بر اثر ظهور و شکوفایی مدنیّت جهانی که زاده آن صلح است، مواهب و برکات بی شمار به نوع انسان نثار گردد.»^۱ (حصن حصین شریعت الله، ص ۸)

۱۳ «در این عهد و عهد آتیه این عصر و در عصر ذهبی دور مقدّس جمال ابهی... مدنیّت الهیه چهره بگشاید.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

۱۴ «مدنیّت الهیه که اعلی و ابهی ثمره امراسم اعظم است... در عصر ثالث ذهبی دور بهایی و در ادوار آتیه، اثراتش کاملاً پدیدار و فیوضاتش چون سیل جارف منحدر بر عالمیان خواهد گشت.» [حضرت ولی امرالله، مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۶۸] (توقیع منیع مورخ ۱۱۱ بدیع، مجموعه توقیعات مبارکه ۱۴۹ بدیع، ص ۵۶۳)

۱۵ «قوای خلاقه آزاد شده توسط نظم جهانی حضرت بهاءالله، آن (مدنیّت جهانی بهایی) را الهام خواهد بخشید و هدایت خواهد نمود، و عاقبت، در اعلی قلّه شکوه و عظمت، درخشان و تابان خواهد شد.» (مرور معبود، ص ۵۳۴)

۱۶ «کیست که بتواند عظمت مقام مدنیّت مقدّری را که به تدریج شکفته می شود، چنان که باید، در صفحه ضمیرش مرتسم سازد؟» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

^۱ این فقره مبارکه تصریح می نماید که مدنیّت الهیه زاده صلح اعظم است، یعنی بعد از آن تحقق خواهد یافت.

- (۱۷) « سعادت و رفعت و عزت موعوده عالم انسانی... در قرنهای لاحقه و ادوار آتیه این کور مجید... مدنیت لاشرقیه و لاغریبه را تأسیس فرماید.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۰-۱۰۹)
- (۱۸) « این مرحله اخیر (سلطنت اسم اعظم)، بنفسه، مقدمه ظهور و جلوه مدنیت حقیقیه الهیه (خواهد بود).» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲)
- (۱۹) « کتاب مستطاب اقدس... منشور عظیم مدنیت مستقبل عالم (است).» (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۸) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)
- (د) از آثار بیت العدل اعظم
- (۲۰) « شما البتّه به خوبی مطلع اید که هدف ظهور حضرت بهاءالله استقرار تمدنی لاشرقیه و لاغریبه در بسط زمین است، تمدنی که بر مبنای انسجام کامل نیازهای مادی و معنوی نوع انسان استوار می باشد... و می دانید که تحقق این هدف از طریق تقویت و فعالیت سه عامل اصلی پیشبرد تمدن یعنی افراد، جامعه و مؤسّسات صورت می گیرد.» (پیام ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۵)
- (۲۱) « نظم بدیع الهی... و... مؤسّسات رحمانی... بالمآل کافل سعادت و ضامن وحدت و بانی مدنیت روحانی در عالم انسانی است.» (پیام ۸ سپتامبر ۱۹۶۳)
- (۲۲) « وقتی توده های بشری در ظل امرالهی وارد شوند و حیات جدیدی یابند، فرایند تازه ای به حرکت خواهد آمد و مدنیت بدیعی متولد خواهد شد.» (ترجمه) (معهد اعلی، ۱۳ جولای ۱۹۶۴، مجموعه دخول افواج مقبلین)
- (۲۳) « حضرت ولی امرالله... در وصف مدنیتی که به وسیله حضرت بهاءالله تأسیس خواهد شد می فرمایند: "به آن درجه از بلوغ خواهد رسید که جهان قبلا تخطّر آن را ننموده است."» (ترجمه) (پیام رضوان ۱۹۶۷)
- (۲۴) « اهل بهاء... فضلا من عنده، به منزله وسائط و وسایل تحقق اراده الهیه در تأسیس مدنیت روحانی... محسوسند.» (پیام ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸)
- (۲۵) « قوای منبعث از مرکز وحی الهی (یعنی از نفس مظهر ظهورالهی)... مؤسس مدنیت الهیه... است.» (پیام ۲ سپتامبر ۱۹۸۲)
- (۲۶) « (ابنیه فحیمه حول قوس کرمل و نیز طبقات کرمل)، امری که... مدنیتی آسمانی در این جهان فانی تأسیس نماید.» (پیام سپتامبر ۱۹۸۷ - جزوه ۴، ص ۷۰)

۲۷) « جلوه نهایی و جهانی کلمه الله^۱ ، ظهور تمدن الهی است که موعود نظم جهان آرای حضرت بهاء الله می باشد.» (۱۰ جولای ۱۹۸۹)

۲۸) « طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزت موعوده عالم انسانی... در قرن های لاحقه و ادوار آتیه این کور مجید... مدنیت لاشرقیه و لاغریبه الهیه را تأسیس فرماید.» (حضرت ولی امرالله، مندرج در پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)

۲۹) « قطع مراحل باقیه که بالاخره ما را به سر منزل مقصود، یعنی مدنیت حقیقیه الهیه رساند، تا مدتی مدید از دو طریق وصول پذیرد؛ یکی انقلابات^۲ جهان امکان است که متتابعاً متزایداً از پس پرده قضا به درآید و دیگری همت و مجاهدت و جانفشانی پیروان جمال ابهی است که مغناطیس تأییدات ملاء اعلی است.» (پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰- جزوه دست خط های معهد اعلی، جلد دوم، صص ۱۷۶-۱۶۴)

۳۰) « مشیت و اراده جمال اقدس ابهی و مبشر امر مبارکش به وسیله شخصیت قوی التأثير و مقام بی مثل مرکز میثاق به صورت مؤسساتی زنده و پایدار برای تحقق وحدت بشر و ایجاد تمدنی جهانی درآمده است.» (پیام ۲۳ نوامبر ۱۹۹۲)

۳۱) « حضرت عبدالبهاء در سمت مبین، لسان گویای کتاب الله و مفسر کلام الهی است و به عنوان مرکز میثاق، مرجعی مصون از خطا است که کلام الهی را با اتخاذ وسایل و لوازم عملی برای بنای تمدن و فرهنگی بدیع، به موقع اجرا می گذارد.» (پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲- جزوه دست خط های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۲۱)

۳۲) « در این دوران انتقالی (عصر تکوین)... جامعه بشری در حال تغییر و تحول برای رسیدن به تمدنی جهانی است؛ تمدنی که به نور ارزش های روحانی منور خواهد بود و به عدل و اتحاد ممتاز.» (پیام ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳)

۳۳) « امروز است که از ما ضعفاء خواسته اند که به اقتضای وفا به اوامر مولای بی همتا در این مشروع جلیل (تشید و ساختن ابنیه فخیمه در کوه کرمل) شرکتی لائق نمائیم و بنیانی را در تحقق بشارات لوح کرمل بر صفحه روزگار برجای نهیم که آثار پرانوارش به مرور دهور و اعصار متدرجاً نمودار شود و جایگاه مدنیت لاشرقیه و لاغریبه الهیه گردد.» (پیام ۵ مارس ۱۹۹۳- جزوه دست خط های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۴۴)

^۱ به مبحث ۸۱ مراجعه شود.

^۲ به مبحث ۱۰۰ رجوع شود.

۳۴» در این ایام اهل بهاء البتّه این فرصت مبارک را غنیمت شمارند و همّت والا بگمارند تا این تأسیسات عظیمه (مشروعات حول قوس کرمل) به انضمام طبقات بدیعۀ نورانیّه مستظله در ظلّ مقام مقدّس اعلی اتمام پذیرد و این شرافت و منقبت و این موهبت و سعادت شامل حالشان شود که در تأسیس بنیاد مدنیّت آسمانی، به خدمتی موفق گشته‌اند که اهل ملکوت را به وجد و سرور آورد. (پیام آگوست ۱۹۹۳)

۳۵ « بی‌شکّ آن حبیب معنوی با جنبه‌های گوناگون این موضوع ("تصمیم‌گیری" و نحوه‌ی تنفیذ آن) آشنا هستید که بر پایه‌ی این اعتقاد بنا شده که وحدت تنها راهی است که ما را به تمدّنی که حضرت بهاءالله وعده فرموده‌اند رهنمون می‌گردد. (پیام ۲ جولای ۱۹۹۶، خطاب به یکی از احباب)

۳۶ « هدف از ظهور حضرت بهاءالله... ایجاد مدنیّت روحانیّه می‌باشد... تحقق این هدف و روحی که حضرت بهاءالله به عالم عنایت فرموده‌اند، عبارت از نظمی است که آن حضرت مقدر فرموده و در کتاب مستطاب اقدس با این بیان به آن اشاره فرموده‌اند: "قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع شبهه." (کتاب مستطاب اقدس، بند ۱۸۱) (پیام ۴ آوریل ۲۰۰۱) [مضمون بیان مبارک: نظم (عالم) از این نظم اعظم دگرگون شد و ترتیب (امور عالم) به واسطه‌ی این نظم بدیعی که چشم عالم شیبش را ندیده، به هم خورد.]

۳۷ « قدر و اهمیّت و اثرات لانهاییه اسفار آن حضرت (حضرت عبداله‌بهاء) به اروپا و آمریکا برای پیشرفت امر مبارک و استقرار تمدّن جهان‌آرای الهی صفحات تاریخ عالم بشری را الی الابد زینت بخشیده است. (پیام ۳۱ می ۲۰۰۶)

۳۸ « در سراسر عالم، پیروان مخلص حضرت بهاءالله برای توسعه‌ی هر چه بیشتر نظم اداری بهایی... سخت می‌کوشند و به این ترتیب، شالوده‌ی مدنیّتی جهانی را می‌نهند که مقدر است شکوه و جلال خیره‌کننده‌اش در قرون آینده به منصه‌ی ظهور برسد. (پیام ۲۵ مارس ۲۰۰۷)

۳۹ « آنچه (در ایران) می‌گذرد (بخصوص دستگیری اعضای هیأت مجلّله یاران ایران) جزئی از نقشه‌های حیات بخش او (ید غیبی) است که مُمدّ تأسیس مدنیّت ملکوتی... است. (پیام ۱۹ می ۲۰۰۸)

۴۰ « شما دل‌باختگان جمال ابهی (پیروان حضرت بهاءالله در کشور مقدّس ایران)... به یقین مبین می‌دانید که عالم، آبستن وقایع عظیمه است و این درد و الم عمومی و آشوب و هیجان همه جانبه، صرفاً رنج سفر در مسیر... تأسیس مدنیّت جهانی مورد نظر حضرت بهاءالله است. (پیام ۲۱ مارس ۲۰۱۰)

(۴۱) « احدی نباید تصوّر کند که مدنیّت که تعالیم الهی، نوع بشر را به سوی آن پیش می برد، صرفاً با تعدیلاتی در نظم کنونی عالم به وجود خواهد آمد. این تصوّر بسی دور از حقیقت است.» (پیام رضوان ۲۰۱۲)

(۴۲) «(خطاب به شرکت کنندگان در ۱۱۴ کنفرانس جوانان در سراسر جهان) اگر چه بسیاری از افراد روحیه شما را تحسین می کنند؛ اما اهمیّت واقعی مجهودات جمعی شما برای جهانیان چندان مشهود نیست؛ لکن شما به خوبی به نقش خود در یک فرایند تقلیب کننده و نیرومند که منجر به ظهور مدنیّت جهانی مبتنی بر وحدت عالم انسانی خواهد شد، توجّه دارید.» (پیام ۱ جولای ۲۰۱۳)

(۴۳) « فداکاری های شما (خانواده های مسجونین در ایران) و دیگر احبای ستم دیده مهده امرالله، عاملی بنیادی برای استقرار تمدن جهانی مورد نظر حضرت بهاء الله (است).» (متأسفانه تاریخ صدور این پیام یافت نشد.)

۱۳۹. حصول محبت و اخوت و دوستی حقیقی (۲۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۱) « جمال مبارک... ندای الهی به این مقصد بلند فرمودند تا... اتحاد و الفت و محبت در بین عموم اهل عالم حاصل گردد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۳۶۸)

(۲) « عنقریب این آهنگ ملکوتی (نوبهار روحانی = ظهور الهی) عالم انسانی را سرمست نماید و بنیان بغضا برافتد و محبت و اتحاد شاهد انجمن گردد.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۱۶)

(۳) « در جمیع کتب مقدسه این یوم موعود مذکور که... جور و جفا به حبّ و وفا منقلب شود؛ این، از امور مبروره محتومه کور ظهور است.» (مکاتیب عبدالبهاء ۶، ص ۱۷۸)

(۴) « آن قرن آمده که جمیع ملل با یکدیگر در نهایت الفت باشند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۳۱۸)

(۵) « اگر جمیع ملل اتحاد و اتفاق نمایند چگونه خواهد شد؟ یقین است... شرق و غرب دست در آغوش شود؛ جنوب و شمال مصافحه و معانقه نمایند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۴۶)

(۶) « جمال مبارک تمام عمرشان را صرف کردند تا... نوع انسان به یکدیگر مهربان گردد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۱، ص ۲۵)

- (۷) « شبان حقيقي (حضرت بهاءالله) اغنام خویش را از چشمه راستی و دوستی و آشتی آب خواهد داد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۲۰۱)
- (۸) « ای خدای مهربان، یاران جانفشانند... تا جمیع بشر در ظلّ رایت محبت الله حشر گردند و... دلبر حبّ جلوه نماید.» (مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، ص ۱۰۵)
- (۹) « در این دور بدیع... اقویا و ضعفا و اغنیا و فقرا و طوائف متنازعه و ملل متعدایه که مانند گرگ و بره و پلنگ و بزغاله و شیر و گوساله هستند، در نهایت محبت و ائتلاف... با هم معامله نمایند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۰)
- (۱۰) « در آن یوم خداوند (ظهور جمال مبارک)،... الفت و محبت... جهان را احاطه کند.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۵)
- (۱۱) « در این دور بدیع... نور محبت آسمانی بدرخشد و ظلمات بغض و عداوت به قدر امکان زائل گردد.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)
- (۱۲) « در جمیع کتب مقدسه این یوم موعود، مذکور که... جور و جفا به حبّ و وفا منقلب شود.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۷۸)
- (۱۳) « ای جوان رحمانی و جان جهان انسانی،... شما از تطاول اعداء محزون نگردید و مغموم نشوید؛ نور محبت، ظلمت عداوت را عنقریب متلاشی نماید.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۷۱)
- (۱۴) « روز موعودی محقق که گرگ و میش از یک چشمه نوشند و باز و کبک در یک آشیانه لانه نمایند و شیر و آهو در یک چراگاه بچرند. آیا معنی این‌ها چیست؟ این است که اقوام مختلفه، ادیان متعدده که با یکدیگر مانند گرگ و میش مخاصمه و منازعه داشتند در نهایت الفت و محبت با یکدیگر معاشرت نمایند و در نهایت محبت و یگانگی باشند، این است مقصد از بیان حضرت اشعیا.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۳۱۷)
- (۱۵) « در جمیع کتب و صحف انبیاء موعود و مذکور که در آن یوم خداوند (یوم ظهور ربّ جنود)... الفت و محبت و یگانگی جهان را احاطه کند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)
- (۱۶) « آن مظهر کلی (رب جنود)... چنان تربیت کند که... کلّ در ظلّ شجره مبارکه، نهایت الفت و التیام خواهند یافت.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۶)
- (۱۷) « کُلّ، موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود... در این دو ظهور... عداوت و بغضاء زائل شود و آنچه که سبب جدایی میانه قبائل و طوائف و ملل است از میان رود و آنچه که سبب اتحاد و اتفاق و یگانگی است به میان آید.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)

۱۸) «کُل، موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود... در این دو ظهور... عداوت منقلب به محبت گردد.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)

۱۹) «عاقبت... صبح روشن محبت الله بتابد و در بین بشر چنان الفتی حاصل گردد که جمیع لئالی یک دریا گردند و گل و ریاحین یک گلشن و صحرا.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره ۲۷۳)

۲۰) «در ایام او (شاخه بیرون بسته از تنه یسه = جمال مبارک) وحوش و طیور و درنده، جمیع، باهم مانوس خواهند شد؛ یعنی اقوام مختلفه متنوعه متجاذله متعارضه متباغضه با هم معاشرت و سلوک خواهند نمود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۶۶)

۲۱) «عنقریب (به زودی) ملاحظه نمایند که علم تقدیس بلند گردد و پرچم... محبت عالم انسانی در قطب آفاق موج زند.» [حضرت عبدالبهاء، مندرج در گاد پاسز بای (انگلیسی)، ص ۲۸۲]

۲۲) «جهان جهان دیگر شود... و عداوت و بغضاء زائل شود.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)

۲۳) «حال امرالله... عظمتش ظاهر گشته؛ عنقریب هیجانی عظیم در قلوب نفوس برانگیزد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۲۱ آوریل ۱۹۳۳، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله، ص ۴۸)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۲۴) «(در جامعه متحد جهانی) وطن پرستی کاذب و جنگاور به یک جهان دوستی و نوع پرستی تبدیل خواهد شد.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۱- نظم جهانی بهایی، ص ۵۵- توقیع مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

۲۵) «(در جامعه متحد جهانی) رقابتها و کینهها و دسائس ملی از میان برخیزد و تعصبات و عداوتهای نژادی به دوستی و حسن تفاهم و همکاری تبدیل گردد.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۴- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶- حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۴۷)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۶) «احبای الهی با یگانگی و وحدتی درخشنده و اتباع از احکام و اوامر الهیه و اجتناب کامل از امور سیاسیّه و مطالعه مداوم آثار مبارکه و ابلاغ مستمر پیام عظیم الهی، حلول یوم مشعشی را تسریع می کنند که نوع بشر از اخوت حقیقی برخوردار گردد و از انوار فیض و محبت الهی مستنیر شود.» (پیام ژانویه ۱۹۷۱ خطاب به کنفرانس مونرویا)

۲۷) «به یقین مبین می توان در انتظار روزی بود که جامعه بهایی به مشیت ربّانی مراحل را که ولی محبوب امرش پیش بینی فرموده طی کند و در این خاکدان پرابتلاء سراپرده ملکوت الله را برافرازد تا عالم

امکان از هیجان و اضطراب و هرج و مرج و خرابی و دمارى که به دست خود فراهم آورده، رهایی یابد و لهیب نار ضغینه و بغضا و ظلم و جفا به روابط ابدیه اخوت و الفت و وفا و صلح و سلام عمومی مبدل شود.^۱ این امور کلا در ظلّ لوای میثاق آب جاودانی یعنی عهد و پیمان جمال اقدس ابهی، تحقق خواهد یافت.» (پیام رضوان ۱۹۷۳)

۲۸ « این از وعود الهیه است که روزی آید که... شرق و غرب با یکدیگر عشق بازد و به انس و الفت پردازد.» (۵ جون ۱۹۹۷ میلادی = اول شهرانور ۱۳۴ بدیع)

۱۴۰. حصول حریت و آزادی حقیقی (۷)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

۱ « این ندا و این ذکر مخصوص مملکتی و یا مدینه‌ای نبوده و نیست؛ باید اهل عالم طراً به آنچه نازل شده و ظاهرگشته تمسک نمایند تا به آزادی حقیقی فائز شوند.» (لوح دنیا، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۵۰)

۲ « اگر علمای عصر بگذارند و من علی الأرض رائحه محبت و اتحاد را بیابند، در آن حین نفوس عارفه بر حریت حقیقی آگاه شوند.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۲۲)

۳ « اگر ارض به انوار آفتاب این مقام (حریت حقیقی) منور شود، اذاً یصدق ان یقال لا تُرى فیها عوجا ولا أمتاً.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۲۲) (مضمون بخش عربی: آنگاه درست است که گفته شود در آن هیچ گونه کجی و سستی مشاهده نمی شود.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

۴ « شمع سوم (از لوح هفت شمع وحدت)، وحدت آزادی است؛ آن نیز قطعاً حاصل گردد.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۵ « نظم نوین... به اراده الهی شکل گرفته و عاقبت جهان را یگانگی و انسان را آزادگی خواهد بخشید.» (مرور معبود، ص ۱۵۸)

^۱ مطابق این بیان مبارک، حصول محبت و اخوت و دوستی حقیقی بعد از استقرار ملکوت ابهی بر بسط غیرا خواهد بود.
^۲ به مبث ۱۴۰ مراجعه شود. آن "آزادگی" که اولاً مبتنی بر "یگانگی"، آن هم آن یگانگی که بر اساس "نظم نوین" یا نظم بدیع الهی شکل گرفته باشد، پدیده‌ای انسانی است که قطعاً در عصر ذهبی محقق خواهد شد.

- (۶) « کیست که بتواند بلندی اوج اعلائی را که منزلگاه طیر فکرت انسانی از قفس رسته است، تقدیر کند؟» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹- توفیق موّخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- (۷) « اگر از ذکر حرّیت و آزادی (قطعه امریک در نزد حقّ میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشاء ابرار و مجمع احرار- حضرت عبدالبهاء) مقصود آزادی حقیقی نباشد که در ظلّ سلطنت الهی در زمان مقررّ مقدّر به وجود آید، دیگر به چه امری اطلاق تواند شد؟»^۱ (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۴)

۱۴۱. بروز رفاه و راحتی جهانی (۱۱)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « اگر علمای عصر بگذارند و مَنْ علی الأرض رائحهُ محبّت و اتّحاد را بیابند، در آن حین نفوس عارفه... راحت اندر راحت مشاهده نمایند (و) آسایش اندر آسایش.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۱۲۲)

(۲) « البته این بلا را رحمت کبری از پی و این شداید عظمی را رخاء عظیم از عقب.» (لوح سلطان ایران- مجموعه پیام آسمانی، ۱، ص ۸)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۳) « (با استقرار وحدت میان ملل عالم) قلوب منشرح خواهد شد؛ چشم‌ها بینا خواهد گشت، قوای عجیبه عظیمه ظاهر خواهد شد و سعادت عالم انسانی محقق خواهد گشت.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، جمعه، ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱)

(۴) « امیدوارم... وحدت حقیقی جلوه نماید؛ نور هدایت بتابد؛ تجلیات الهیه روزبه‌روز دیده شود تا عالم انسانی آسایش کامل یابد و سعادت ابدیه بشر مشهود شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ۲، ص ۱۹- خطابات حضرت عبدالبهاء، ۳، ص ۳۴)

^۱ بر اساس مضمون صریح این بیان مبارک نیز، حصول حرّیت و آزادی حقیقی بعد از استقرار سلطنت الهی و لهذا در عصر ذهبی خواهد بود. به مبحث ۱۴۰ مراجعه شود.

- (۵) « هرچند عسرت و تنگی است، ولی نغمه و آهنگی بلند است که هر شدتی را رخا نماید و هر تنگی را گشایش بی مُنتها فرماید؛ عسرت، عسرت شود و معسور، فیض موفور گردد.» (مآخذ اشعار در آثار بهایی، ج ۳، ص ۳۵۳)
- (۶) « اگر جمیع ملل اتحاد و اتفاق نمایند چگونه خواهد شد؟ یقین است... کمال آسایش دست دهد؛ فلاح عظیم حاصل گردد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۴۶)
- (۷) « در این دو ظهور (دو ظهور متوالی در آخر زمان = ظهور حضرت اعلی و ظهور جمال ابهی)... از برای بشر سعادت حقیقی حاصل شود.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۱-۳۰)
- (۸) « عنقریب... این دوستی آسمانی و راستی یاران الهی، سبب راحت و آسایش عالم انسانی گردد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۷۱)
- (۹) « در این دور بدیع... عالم انسانی در کمال آسایش و زینت جلوه نماید.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- (۱۰) « عصر تکوین... عصری (است) که اضطرابات و ابتلائاتش مبشر دوره سعادت و فلاحی است که مشیت یزدانی برای عالم انسانی مقدر فرموده.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۷، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

د) از آثار بیت العدل اعظم

- (۱۱) « در طی سی سال گذشته، شما عزیزان (پیروان حضرت بهاءالله در مهد امرالله) در مقابل طوفان بلایا با اطمینان قلبی از این که چنین مصائب و ابتلائاتی "مبشر دوره سعادت و فلاحی است که مشیت یزدانی برای عالم انسانی مقدر فرموده"، استقامت و ایستادگی نموده‌اید.» (پیام ۲۵ دسامبر ۲۰۰۷)

۱۴۲. تحقق آشتی علم و دین (۲)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- (۱) « در چنین جامعه‌ای (جامعه متحد جهانی) علم و دین؛ یعنی دو نیروی بسیار توانای بشر با هم آشتی پذیرند و همکاری نمایند و در پیشرفتشان هماهنگ شوند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۵، توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۲) « لزوم توافق میان دین و علم... از عناصر اولیّه سیاست الهی است که حضرت عبدالبهاء طی این سفر تبلیغی (اسفار مغرب زمین) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلی، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸)

۱۴۳. ظهور علوم بدیعه و صنایع قویّه (۲۴)

(الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « کَلَّمَا تَشْهَدُونَ ظَهْرَاتِ الصُّنْعِيَّةِ الْبَدِيعَةِ، كَلَّمَا ظَهَرَ مِنْ هَذَا الْأَسْمِ (اسم الصانع)؛ وَ سَيَظْهَرُ مِنْ بَعْدِ مَا لَا سَمِعْتُمُوهُ مِنْ قَبْلُ، كَذَلِكَ قُدِّرَ فِي الْأَلْوَاحِ وَلَا يَعْرِفُهَا إِلَّا كُلُّ ذِي بَصَرٍ حَدِيدٍ.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۷۴) (مضمون: همه آنچه از صنایع بدیعه مشاهده می کنید، همه، از اثر این نام ظاهر شده است؛ و به زودی در آینده نیز ظاهر خواهد شد آنچه که از قبل هرگز در باره آن نشنیده اید. این گونه در الواح مقدر شد و کسی جز تیزبینان قادر به درک آن نیست.)

(۲) « یا اهل بهاء، قوه مُتفکّره مخزن صنایع و علوم و فنون است؛ جهد نمایند تا از این معدن حقیقی لثالی حکمت و بیان ظاهر شود و سبب آسایش و اتحاد احزاب مختلفه عالم گردد.» (الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۴۰- کلمات فردوسیه)

(۳) « یا فؤاد هذا الهيكل، انا جعلناك مطلع علمي و مظهر حكمتي لمن في السموات و الارضين... سوف نبعث منك ذوى علوم بدیعه و ذوى صنایع قویّه و نظهر منهم ما لا خطر بقلب احد من العباد.» (نداء رب الجنود، سوره هیکل، بند ۶۷) [مضمون: ای فؤاد این هیكل (هیكل مظهر امرالله)، ما ترا مطلع علم خود و مظهر حکمت خود برای اهل آسمانها و زمینها قرار دادیم... به زودی از تو صاحبان علوم بدیع و دارایان صنایع قوی مبعوث خواهیم کرد و از آنان چیزی ظاهر خواهیم نمود که به قلب هیچ يك از بندگان خطور نکرده است.]

(۴) « اليوم حکمای ارض این سر ربّانیه و حکمت الهیه (صنعت مکنونه= کشف اکسیر) را انکار نموده اند و نزد خود به برهان ثابت کرده اند که چنین چیز محال است... سبب انکار حفظ ید مختار است که این کنز را از ابصار خائنین و ایدی سارقین حفظ فرموده؛ و لکن عنقریب بعضی تصدیق نمایند و اذعان کنند.» (حضرت بهاءالله، مائده آسمانی ۱، باب دوازدهم، الواح مبارکه درباره ماده اکسیر، ص ۴۰)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۵) « آنچه از آثار و علوم و احکام و قانون و بدایع و صنایع و کمالات عالم انسانی در ایام سابق ظاهر شده، به منزله دو حرف (از بیست و هفت حرف) بوده؛ ولی در این ظهور بدیع و بروز کنز منیع، ... علوم و فنون نامتناهی به درجه‌ای رسد که به مثابه جمیع حروف دیگر باشد.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۲، باب اول، ص ۹)
- (۶) « هنوز قرن اول است؛ در این مدت قلبه چقدر اسرار کائنات از حیز غیب به عالم شهود آمده... چه صنایع و بدایع (ای) جلوه نموده، دیگر ملاحظه نما که من بعد چه خواهد شد. باش تا صبح دولتش بدمد؛ این همه از نتایج سحر است.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۲، باب اول، ص ۹- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۴)
- (۷) « عنقریب خواهید دید که بهاییان در جمیع علوم و فنون سرحلقه دانایان گردند و کوس علم و دانش را در اوج اعلی زنند؛ مرکز اکتشافات عظیمه شوند و مصدر اختراعات نامتناهی گردند و لیس ذلك علی الله بعزیز.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۱۱۲) (مضمون عبارت عربی: این، برای خداوند کار سختی نیست.)
- (۸) « در این دور جدید، کشفیات عظیمه خواهد شد و ریاضیون جدید نیز هنوز پی به جمیع مسائل ریاضیه نبرده‌اند و کشف نموده؛ ولی مسائل مجهوله نیز عنقریب کشف خواهد شد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ششم، فقره ۴۲۵)
- (۹) « در این کور بدیع، حقائق اشیاء و اسرار کائنات ظاهر و عیان خواهد گردید.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۶، فقره ۴۲۵)
- (۱۰) « از خدا خواهم که روزبه روز... انسان در جمیع مراتب کمالات ترقی کند و در ظلّ خداوند اکبر، نهایت سعادت حاصل شود و این مسائل جز به علم حقیقی مطابق واقع، تحقق نیابد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۸۱)
- (۱۱) « در آن دوره شمس حقیقت (دوره مظهر کلی الهی)، ... ظلمات جهل و نادانی زائل گردد؛ ... و نورانیت احاطه نماید.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۷)
- (۱۲) « کُلّ موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود... در این دو ظهور... غافلان بیدار شوند، کورها بینا گردند، کرها شنوا شوند، گنگها گویا گردند، مریضها شفا یابند.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۰)
- (۱۳) « در این دور بدیع... عاقبت... جهان از علوم و معارف و حقایق و اسرار کائنات... مملو خواهد گشت.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)

۱۴ « امیدم چنان است که شرق عنقریب از انوار علوم و حکمت الهیه و فنون عصریه بهره‌افزاید تا نور علم، به جمیع آفاق بتابد و جمیع ممالک منور گردد... این است منتهای آرزوی من و این است مقصد من از سفر خود به امریک.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۸۲)

۱۵ « امیدم چنان است که... تجلیات علوم الهیه در آفاق شرق و غرب انتشار کلی یابد. این است منتهای آرزوی من و این است مقصد من از سفر خود به امریک.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۸۲)

۱۶ « از خدا خواهم که روزبه‌روز علم بلندتر گردد و کوکب علم درخشنده‌تر شود تا جمیع بشر از نور علم مستنیر گردند؛ عقول ترقی کند؛ احساسات زیاد شود؛ اکتشافات تزیید نماید.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۸۱)

۱۷ « نفس این قرن، کمالات خاصه دارد، اکتشافات عظیمه دارد، صنایع بدیعه دارد، تأسیسات عجیبه دارد، علوم غریبه دارد و از جمیع جهات در نهایت کمال جلوه نموده و خواهد نمود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، ص ۱۸۲) (خطابه مبارک در جمعه، ۱۲ جولای ۱۹۱۲)

۱۸ « عنقریب علوم و معارف مادیه... چنان ترقی نماید و معجزاتی بنماید که دیده‌ها حیران ماند.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۱۹ « هنوز برخی از نصوص، مصداقش در پس پرده قضا مکنون و تحقق مواعید جان‌پرورش به وقت دیگر مرهون (از جمله این که)... "بهاییان در جمیع علوم و فنون سرحلقه دانایان گردند و کوس علم و دانش را در اوج اعلی زنند. مرکز اکتشافات عظیمه شوند و مصدر اختراعات نامتناهی گردند." (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۲۶-۱۹۲۲، ص ۲۷۹)

۲۰ « ای قوی قدیر... اسرار علم لدنی به پیروانت بیاموز و چشمه صنایع بدیعه و اکتشافات عظیمه از آن قلوب مجرد صافیه جاری نما.» (توقیع ۸۸ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۳۴)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۲۱ « روانشناسی هنوز علمی جوان و نارسا است و به مرور ایام که روانشناسان بهایی بر اساس تعالیم حضرت بهاءالله به مثل و نمونه حقیقی حیات انسانی دست یابند، موفق به جهش‌های بزرگ در سبیل پیشرفت این علم شده و به تخفیف و تسکین مصائب و آلام بشری کمک شایان و مؤثری خواهند نمود.»

- (مستخرج از دستخطی از بیت العدل اعظم الهی که در جواب سؤالات یکی از اطباء بهایی مرقوم داشته‌اند، مندرج در مجموعه پیام‌ها ژانویه ۱۹۷۲ تا ژانویه ۱۹۷۸)
- (۲۲) « نطق وظایف این مشروع عظیم (کتابخانه بین‌المللی بهایی) در طی عقود آتیه اتساع یابد و به عنوان مرکزی فعال در تمای زمینه‌های علمی خدمت نموده و بدین ترتیب به هسته مرکزی معاهد عظیمه جهت اکتشافات و تحقیقات علمی مبدل خواهد گردید.» [پیام ۳۱ آگوست ۱۹۸۷ (۱۳۶۶/۶/۹)]
- (۲۳) « کشف این صنعت (تبدیل عناصر به یکدیگر) علامت پیشرفت حیرت‌انگیز علوم و صنایع در آینده ایام است.» (کتاب مسطتاب اقدس، یادداشت ۱۹۴)
- (۲۴) « حضرت باب اظهار نمودند که عالم بشر در آستانه عصری قرار گرفته است که شاهد دگرگونی و تجدید جمیع شئون حیات انسانی خواهد بود. زمینه‌های جدید علمی که اکنون غیر قابل تصور و ادراک است، حتی اطفال آن عصر بدیع را قادر خواهد ساخت تا از اعلم علمای قرن نوزدهم سبقت جویند.» (بیت‌العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۶)

۱۴۴ . بسط معرفت و عرفان الهی (۷)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

- (۱) « ای حزب الله، حضرت اعلی روحی له الفداء، جان را فدا نمود و جمال مبارک در هر دمی صد جان فدا فرمود و تحمل مصائب و شداید شدیده کرد؛ حبس و زنجیر شد؛ آواره و سرگون دیار بعیده گشت و عاقبت در سجن اعظم ایام به سر برد و همچنین جم غفیری از یاران الهی در این سیل شهد شهادت نوشیدند و جان و مال و اهل و عیال، کل را فدا و نثار فرمودند... جمیع به جهت این که... (از جمله)، نادانی به دانایی مبدل شود.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۱۶۱)
- (۲) « ای خدای مهربان، یاران جانفشانند تا... خارزار جهل، گلزار عرفان شود.» (مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء، ص ۱۰۴)
- (۳) « در این دور بدیع... عاقبت... جهان از... معرفه الله مملو خواهد گشت.» (مفاوضات مبارک، ص ۵۰)

(۴) « عنقریب... معرفت الهیة چنان ترقی نماید و معجزاتی بنماید که دیده‌ها حیران ماند و سرّ این آیه اشعیا " زیرا که جهان از معرفه الله پر خواهد بود" بتمامه، ظاهر خواهد گشت.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

(۵) « به عون و عنایت حضرت احدیت، جمیع ملل را در ظلّ کلمه وحدانیت درآرید، تا... اسرار کور مقدّس ظاهر گردد و آثار دور اسم اعظم باهر شود... انوار هدی بتابد و ظلمت جهل و عمی محو و نابود گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۶۳)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۶) « کیست که بتواند فضای جان‌فزایی را که روان آدمی به پرتو انوار درخشنده حضرت بهاء الله کشف می‌کند، تصویر نماید؟» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۵۹- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۷) « درک مفهوم انحصار عضویت در بیت العدل اعظم به مردان، اگر چه ممکن است در حال حاضر برای احبّا مشکل باشد، ولی انتظار داریم که یاران الهی مطمئن به وعده حضرت عبدالبهاء باشند که به موقع خود امکان درک روشن آن میسر خواهد شد.» (پیام ۳۱ می ۱۹۸۸- خطاب به محفل روحانی ملی بهاییان نیوزیلند)

۱۴۵. جلوه دین واحد جهانی (۱۴)

(الف) از آثار حضرت بهاء الله

(۱) « یا اصحاب المجلس فی هناک و دیار اخری، تدبّروا و تکلموا فیما یصلح به العالم و حاله... و الذی جعله الله الدریاق الاعظم و السبب الاتم لصحته، هو اتحاد من علی الأرض علی امر واحد و شریعة واحدة. هذا لا یمكن ابدًا الا بطیب حاذق کامل مؤید. لعمری هذا لهو الحق و ما بعده الا الضلال المبین.» (منتخبات آثار حضرت بهاء الله، فقره ۱۲۰- لوح مقصود، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۱۰۲) [مضمون: ای اهل مجالس در آنجا (شهر لندن) و دیارهای دیگر، بیندیشید و مشورت کنید در آنچه سبب اصلاح عالم و حال و روز آن می‌شود... و عاملی که خداوند داروی بزرگ و علت اصلی برای صحت و سلامت آن قرار داده، اتحاد عالمیان است بر امری واحد و شریعتی واحد. چنین

کاری ممکن نیست، مگر به کمک طبیعی حادث و کامل و مؤید به تأییدات الهی (منظور مظهرالهی است).
قسم به جانم، این است حق و راستی و آنچه غیر آن است گمراهی آشکار است.]

(۲) « قلم اعلی در این حین مظاهر قدرت و مشارق اقتدار، یعنی ملوک و سلاطین و رؤسا و امرا و علما و عرفا را نصیحت می فرماید و به دین و به تمسک به آن، وصیت می نماید؛ آن است سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان.» (کلمات فردوسی، مجموعه الواح نازل بعد از کتاب اقدس، ص ۳۴)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۳) « جمیع اهل عالم مؤمن شوند... شکی نیست، جمیع در ظل امرالله درآیند.» (مندرج در بهاءالله و عصر جدید، ص ۲۸۵)

(۴) « آن روز فرا خواهد رسید که تمام ادیان جهان متحد شوند.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، ۲۲ نوامبر ۱۹۱۱)

(۵) « به عون و عنایت بهاءالله... جمیع ادیان الفت و اتحاد یابند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۲۴۲)

(۶) « شمع چهارم (از لوح هفت شمع وحدت)، وحدت دینی است... شاهد این وحدت در انجمن عالم به قوت الهیه جلوه نماید.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در نظم جهانی بهایی، ص ۵۳، توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱)

(۷) « اگر جمیع ملل اتحاد و اتفاق نمایند چگونه خواهد شد؟ یقین است... جمیع مذاهب وحدت و یگانگی و اخوت یابند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۴۶)

(۸) « کُل، موعود به دو ظهورند که پی در پی واقع شود... در این دو ظهور... کُل مذاهب، مذهب واحد گردد.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۱)

(۹) « از جمله وقایع جسیمه که در یوم ظهور آن نهال بی همال (جمال مبارک) وقوع خواهد یافت... جمیع ملل و قبائل (دارای)... دین واحد و مذهب واحد... شوند» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۱)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱۰) « جامعه ای جدید... در صدد بود که با هر گسترشی در عرصه روابط و دینه اش، شناسایی همچنان وسیع تر و مهم تر نسبت به این مدعا که دیانت آینده کُل عالم است، جستجو کند و کسب نماید.» (مرور معبود، ص ۱۱۲)

(۱۱) « همين قلم (قلم حضرت عبدالبهاء)... پيش گويي مي نمايد که... وحدت تمامی نژاد انسانی تحقق خواهد يافت؛ هنگامی که 'کل'، (دارای) دين واحد... شوند.» (مرور معبود، ص ۴۲۰)

(۱۲) « حضرت بهاءالله... اعلان مي فرمايد که بي ترديد جميع اديان متحد شوند و جميع آمال عاليه اشان تحقق يابد.» (حضرت ولي امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۱۵)

(۱۳) « بقايش (بقای جامعه متحد جهاني) متکی باشد بر شناسايی خداوند يگانه و پيروي از يك دين عمومي.» (نظم جهاني بهايی، ص ۱۵۷، توقيع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

(د) از آثار بيت العدل اعظم

(۱۴) « وحدت اساسی اديان... از عناصر اوليه سياست الهي است که حضرت عبدالبهاء طی اين سفر تبليغي (اسفار مغرب زمين) به رؤسای عالم و نیز به جمهور مردم ابلاغ فرمود.» (معهد اعلي، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ ميلادی، ص ۱۸)

۱۴۶. استقرار نهايي مشيت الله برگستره گيتي (۴)

(ج) از آثار حضرت ولي امرالله

(۱) « طلوع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزت موعوده عالم انسانی... در قرن های لاحقه و ادوار آتیه اين کور مجيد... ساکنين کره ارض را من اقصاها الي اقصاها (از اين سوی تا آن سويش)، به تنفيذ مشيت ازليه رب البريه... موفق و مفتخر گرداند.» (حضرت ولي امرالله، مندرج در پیام معهد اعلي، ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰)

(د) از آثار بيت العدل اعظم

(۲) « امرالهي که به قوای ذاتيه مکنونه اش متحرک است، هر دم قدرتش بيشر شود و دامنه اش وسعت گيرد و تصرفاتش در تحقق مشيت الهيه در بسيط زمين روزه روز شدت يابد.» (پیام نوروز ۱۹۷۳)

(۳) « تشکيل پي دربي اين گونه اجتماعات (مثل کنفرانس سران دول برای عمران اجتماعي منعقد در کپنهاگ) برای هر ناظر بهايی، بالمآل حاکی از حرکتی تدريجي به سوی تحقق نهايي اراده حضرت بهاءالله است.» (پیام رضوان ۱۹۹۵)

(۴) « اهل بهاء به برکت و هدايت آثار مقدسه يقين دارند که اين وقايع مدهشه (هر يوم بلای جديدي ارض را احاطه نمايد و فتنه تازه ای برپا شود) را هر يك، علتی و معنایی و نتیجه ای است و کل، از وسايل

ضروریّه استقرار مشیت غالبه الهیه در جهان محسوب.» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، مجموعه بشارات جانفزا، ص ۳۰)

۱۴۷. استقرار ملکوت ابهی بر بیسط غربا (۵۱)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « فسوف... ترى کلّ الارض جنّة الابهی، كذلك رقم من قلم الامر علی لوح قویم.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، فقره ۳، ص ۴۴، لوح رئیس) (مضمون: به زودی سیاره زمین را چون بهشت برین مشاهده خواهی کرد، این چنین با قلم امر بر لوح قویم رقم زده شد.)
ب) از آثار حضرت عبدالبهاء
- ۲) « جمال مبارک... ندای الهی به این مقصد بلند فرمودند تا عالم انسانی جهان آسمانی گردد؛ ناسوتی لاهوتی شود؛ ظلمانی نورانی گردد؛ شیطانی رحمانی شود.» (پیام آسمانی ۲، ص ۳۶۸)
- ۳) « عنقریب این آهنگ ملکوتی (ظهور الهی) عالم انسانی را سرمست نماید و... جنت ابهی به کمال شکوه، در قطب عالم خیمه افرازد؛ هنالك یفرح المؤمنون و ینشرح قلوب المخلصین.» (پیام آسمانی ۲، ص ۱۱۶) (مضمون بخش عربی: در آن وقت مؤمنان مسرور خواهند گشت و قلوب مخلصان شادمان خواهند شد.)
- ۴) « باید به جان و دل بکوشیم تا... مواهب الهیه در حقیقت انسانیّه، به کمال قوت، جلوه کند؛ تا بشر آئینه ملکوت ربّ جلیل گردد و عالم ناسوت آئینه ملکوت شود؛ آن وقت سعادت دنیویّه، سعادت اخرویّه، مواهب الهیه، روحانیت عظمیه، نورانیت ملکوتیه از برای عالم بشر حاصل گردد.» (خطابات مبارکه ۲، صص ۱۸۵-۱۸۱-پیام آسمانی ۲، ص ۳۳)
- ۵) « دعا می‌کنم که ملکوت الهی بر زمین مستقر شود و اشعه شمس حقیقت تمام ظلمت را زایل نماید.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، بند ۴، خیابان کامنون، ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱)
- ۶) « زمانی که همه اهل عالم در ملکوت ابهی، در ظل خیمه وحدت مجتمع شوند، بهشت موعود بر زمین مستقر خواهد شد.» (ترجمه) (گفتارهای پاریس، جمعه، ۲۰ اکتبر ۱۹۱۱)
- ۷) « در این دو ظهور (دو ظهور متوالی در آخر زمان)... مُلک آئینه ملکوت شود؛ ناسوت سریر لاهوت گردد.» (مفاوضات مبارک، ص ۳۱-۳۰)

- (۸) « آثار ظهور در کلّ مراتب وجود ظاهر و باهر شود و عالم مُلکی آینه ملکوت گردد؛ آن وقت جهان جنت ابهی شود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، فقره ۲۳۲)
- (۹) « (از جمله در اثر مساعی تبلیغی احبای آمریکا) آثار عظیمه ملکوت الله جلوه نماید... جسم مطابق جان گردد و ظاهر عنوان باطن شود و آئینه ملک مرآت ملکوت گردد.» (مکاتیب عبدالبهاء ۳، ص ۵۰- لوح چهارم از سری دوم الواح تبلیغی، ۱۵ فوریه ۱۹۱۷)
- (۱۰) « عنقریب... بسیط غبراء محیط سماء گردد و کشور خاک سپهر افلاک شود؛ آب جوی، ماء معین شود و شعله دلجوی، نور مبین.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۱۸۹، ص ۲۷۰)
- (۱۱) « روی زمین بهشت برین گردد و جهان ناسوت آئینه ملکوت شود.» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در قرن بدیع، ترجمه مودت، ص ۵۶۵)
- (۱۲) « بیت العدل مصدر تشریح است و حکومت قوه تنفیذ. تشریح باید مؤید تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و معین تشریح شود، تا از ارتباط و التیام این دو قوه... اقالیم، جنه النعیم و بهشت برین شود.» (حضرت عبدالبهاء، ارکان نظم بدیع، ص ۲۱۴)
- (۱۳) « حال شما (احبای آمریکا) بکوشید جهت جامعه که... روح تعالیم الهیست، در جمیع اقالیم آمریکا انتشار یابد تا... نورانیت الهیه بر ظلمات طبیعیّه غلبه نماید و عالم انسانی روشن گردد.» (حضرت عبدالبهاء، لوح ششم از سری دوم الواح تبلیغی، ۸ مارس ۱۹۱۷)
- (۱۴) « این (انتشار روح تعالیم در جمیع اقالیم آمریکا) است امر عظیم، اگر به آن موفق شوید... روی زمین بهشت برین شود و تأسیسات ابدیه گذاشته شود.» (حضرت عبدالبهاء، لوح ششم از سری دوم الواح تبلیغی، ۸ مارس ۱۹۱۷)
- (۱۵) « فیوضات نامتناهی متتابع (است)؛ عنقریب از اشراق نور مبین، روی زمین بهشت برین گردد.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۲، ص ۲۷۹)
- (۱۶) « در آن یوم خداوند (ظهور جمال مبارک)،... روی زمین بهشت برین گردد.» (مفاوضات مبارک، ص ۴۵)
- (۱۷) « ای امة الله... عنقریب بسیط غبرا را جنت ابهی مشاهده نمایی و عرصه خاک را رشک افلاک ملاحظه کنی.» (مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۷، ص ۳۱)
- (۱۸) « شمس حقیقت هر چند در سحاب جلال متواری، ولی اشراق و انوارش متتابع و متمادی. بسیط زمین به فیوضات الهی عنقریب بهشت برین گردد و خطّه غبرا آئینه ذروه علیا شود؛ صور ملکوت در مرآت

ناسوت جلوه نماید و فیض لاهوت مصور و مجسم گردد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۱۰۵)

۱۹ « شمع نورانی میثاق چنان پرتوی به آفاق دهد که عالم ناسوت عالم انوار گردد و حیز ادنی آئینه ملاً اعلی شود؛ هنالک یفرح الثابتون و یخسر الناقصون.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۲۳۸) (مضمون عبارت عربی: در آن روز ثابتان شادی خواهند کرد و ناقضان زبانشان بند خواهد آمد.)

۲۰ « این روز، روز بدیع است و این عصر، عصر خداوند عزیز؛ عنقریب جهان بهشت برین گردد.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۲۰)

۲۱ « آن وقت (وقتی قوه روحانی در نهایت جلوه ظهور نماید)،... اورشلیم الهی تأسیس تام یابد؛ جمیع بشر از اهل ملکوت شوند و از فیوضات الهی بهره و نصیب برند.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۳۵)

۲۲ « اگر جمیع ملل اتحاد و اتفاق نمایند چگونه خواهد شد؟ یقین است این عالم جنت ابهی شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۴۶)

۲۳ « امیدوارم... وحدت حقیقی جلوه نماید؛ نور هدایت بتابد؛ تجلیات الهیه روزبه روز دیده شود تا... قلوب بشر مانند آینه گردد، انوار شمس حقیقت در او تابیده شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۹- خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۳۴)

۲۴ « این است مقصود از تجلی شمس حقیقت تا... انواری ملکوتی در عالم انسانی ظاهر و عیان شود؛ کمالات عالم ملکوت در عالم انسان جلوه نماید؛ وحدت عالم ملائکه در عالم بشر هویدا گردد؛ یعنی نفس بشر ملائکه شود.» (خطابات حضرت عبدالبهاء، ص ۲۸۵)

۲۵ « در جمیع کتب و صحف انبیاء موعود و مذکور که در آن یوم خداوند (یوم ظهور رب جنود)... عالم انسانی قمیص تازه در بر نماید؛ روی زمین بهشت برین گردد.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۴۵)

۲۶ « بعد، آن بهار جان پرور (یوم ظهور مظاهر مقدسه) منتهی به تابستان پرثمر شود (و از جمله در تابستان ظهور حضرت بهاءالله)... فیوضات رحمانی احاطه کند و شمس حقیقت از افق ملکوت به نهایت قوت و حرارت اشراق نماید.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۵۸)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۲۷) « در این کور بدیع، حضرت غصن الله الاظهر به فرموده جمال قدم و اسم اعظم جام شهادت را بنوشید تا... وحدت اصلیه در جامعه بشریه تحقق پذیرد و وحدت عالم انسانی اعلان گردد^۱ و عالم ادنی آئینه ملکوت ابهی شود.» (مجموعه توقیعات مبارکه، ۱۹۳۹-۱۹۲۷، ص ۳۰۳)

۲۸) « اخیراً این وعده باهره است که در یکی از آن الواح جاودانی (طرح ملکوتی) صادر گردیده: "این کار عظیم است، اگر به آن موفّق شویم، امریک مرکز سنوحات رحمانیه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد." (حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۳۶) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۲۹) « اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که... عالم ادنی را مرآت جنت ابهی گرداند.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۷۵]

۳۰) « مرحله بلوغ (بلوغ اجتماعی بشریت)... طلوع عصری را بشارت^۲ می دهد که سرآمد اعصار است؛ عصری که در آن... ملکوت آسمانی طبق وعده صریح حضرت مسیح، بیاید.» (حضرت ولی امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۲)

۳۱) « در این عهد و عهد آتیه این عصر و در عصر ذهبی^۳ دور مقدّس جمال ابهی... عالم ادنی آئینه عالم بالا و قطعه‌ای از فردوس اعلی و جنت ابهی گردد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

۳۲) « در این عهد و عهد آتیه این عصر و در عصر ذهبی دور مقدّس جمال ابهی... ملکوت الله در انجمن بنی آدم استقرار یابد.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۸ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۲۹۷)

۳۳) « هر چند قالب نظم اداریش (نظم اداری ظهور حضرت بهاءالله) ریخته شده و عصر تکوینش دمیده، ولیکن ملکوت موعود، یعنی ثمر شجر مؤسّسات مبارکش هنوز در عالم وجود موجود نگشته است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۱۰۳- توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۳۴) « انقلاب اعظم (احاطه بلیات من کل الجهات بر هیأت اجتماعیّه)^۱ بنفسه... عالم را یک وطن نماید و مصداق اذاً تری الارض جنة الابهی را بر کافه انام ظاهر و آشکار فرماید.» (حضرت ولی امرالله، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۹)

^۱ از این بیان مبارک استنباط می‌شود که ظهور فرایند استقرار ملکوت ابهی بر بسط غیرا، بعد از اعلان "وحدت اصلیه" یا "وحدت روحانی عالم انسانی"، البته با حصول تعدادی مراحل واسطه، خواهد بود. به مبحث ۱۳۱ مراجعه شود.

^۲ از آنجا که بلوغ روحانی بشریت در عصر ذهبی محقق خواهد شد (از جمله: به فقرات ۳۸ و ۴۸ از مبحث ۱۲۹- و فقرات ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۴ از مبحث ۱۳۶ مراجعه شود)، بلوغی که طلوع این عصر را بشارت می‌دهد، همان بلوغ اجتماعی عالم انسانی است. به مبحث ۱۰۳ رجوع شود.

^۳ به مبحث ۱۳۰ مراجعه شود.

۳۵) « انقلاب اعظم (حاطه بلیات من کل الجهات بر هیأت اجتماعیه) بنفسه،... ملکوت الله را ترویج و تأسیس نماید و بسیط غبراء را آئینه ملاً اعلی گرداند.» (حضرت ولی امرالله، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۶۹)

۳۶) « این مرحله اخیر (سلطنت اسم اعظم) بنفسه، مقدمه... تبدیل ارض به قطعه‌ای از فردوس اعظم (خواهد بود)، "اذا ترى جنة الابهي".» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۱۰ بدیع، مجموعه توقیعات چاپ ۱۴۹ بدیع، ص ۵۰۲) (مضمون عبارت: آنگاه جنت ابهي را مشاهده خواهی نمود.)

۳۷) « عالم ناسوت به نیروی اسم اعظم که در حقایق کائنات و هویت ممکنات جاری و ساری، جلوه‌گاه ملاء اعلی و آئینه عالم بالا و قطعه‌ای از فردوس ابهي گردد.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۰۷)

۳۸) « آنچه در هویت این امر ابداع اکرم مستور و به تدریج از حیز غیب به عرصه شهود خواهد آمد... (از جمله) ... ظهور ملکوت الهی بر ارض (است).» (حضرت ولی امرالله، قرن بدیع، ویرایش جدید، ص ۸۱۸-۸۱۷)

۳۹) « ملکوت الله، كما بشره الابن في الانجيل، در عالم شهود تأسیس شود.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۵) [مضمون عبارت عربی: همان‌گونه که ابن (حضرت مسیح) در کتاب انجيل بشارت داده است.]

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۴۰) « این تحوّل عجیب (مشارکت جمعی قلیل برای بنای نظمی جدید، مثل اولین جهاد روحانی جهانی) که به هدایت الهی در جهان موجود و در کلمات الهیه موعود، باید کماکان مسیر تاریخی خویش را پیماید تا بالمال به تاج عزت و جلال فائز گردد و نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاء الله و تأسیس ملکوت ابهائش را در توده غبراء با کمال اتقان متحقق و استوار سازد.» (پیام رضوان ۱۹۶۵)

۴۱) « عنایات موفوره... بالمال ضامن تحقق همان ملکوت پرجلالی است که از قبل بدان بشارت داده شده.» (پیام ۱۲ نوامبر ۱۹۶۷)

۴۲) « مقصد غایی امر حضرت بهاء الله... ظهور وحدت نوع انسان و استقرار ملکوت موعود الهی در بسیط غبراء است.» (پیام رضوان ۱۹۷۰)

^۱ به مبحث ۱۰۰ مراجعه شود.

- ۴۳ « مقصد غایی جمیع این مجهودات و اعمال که یاران حال به اجرایش در سراسر عالم دعوت گشته‌اند، استقرار ملکوت الهی بر بسیط زمین است.» (پیام نوروز ۱۹۷۳)
- ۴۴ « این محبت الهی موجود و مشهود در ظهور حضرت بهاءالله است که ارواح تشنه عالمیان را سیراب خواهد کرد و سرانجام، مردمان جهان را از باطلاق موجود بیرون کشیده، به سمت جهد و تلاشی منظم و متعالی و الهام بخش برای استقرار ملکوت الهی بر بسیط خاکی هدایت خواهد نمود.» (پیام رضوان ۱۹۸۱- ترجمه شخصی)
- ۴۵ « اطمینان واثق داریم که الطاف و عنایات لاریبیه الهیه شامل و کافل، و مساعی یاران راستان در تأسیس ملکوت مالک مبداء و مآب در این جهان پر وحشت و اضطراب به اکیلی ظفر و نصرت حقیقی مکمل خواهد گردید.» (پیام رضوان ۱۹۸۷)
- ۴۶ « قریب یکصد سال پیش، جمال اقدس ابهی در حین مشی در کوم مقدس الهی، لوح مبارک کرمل را که منشور مرکز جهانی امر مبارک محسوب می‌گردد، نازل فرمودند و بدین ترتیب، مقدمات بنای مدینه موعود ملکوت الهی را بر بسیط غرباء آماده و مهیا نمودند.» (پیام ۳۱ آگوست ۱۹۸۷)
- ۴۷ « نتیجه و حاصل نهایی پرشکوه این تدبیر (تأسیس عهد و میثاق الهی) تضمین تأسیس ملکوت الهی بر روی زمین است که در کتب مقدسه قبل وعده داده شده و حضرت بهاءالله نیز شخصاً آن را اعلان فرموده‌اند.» (پیام ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲- جزوه دست خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۲۲)
- ۴۸ « همچنان که حضرت ولی امرالله بیان فرموده‌اند، نقشه کلی الهی^۱ "برای تحقق مقصد آنی و مآلا تأسیس ملکوت الهی بر روی زمین، خرد و کلان را همچون مهره‌های شطرنج در حرکاتی جهان‌آرا به کار می‌گیرد." (پیام رضوان ۱۹۹۸- جزوه دست خط‌های معهد اعلی، ضمیمه جلد سوم، ص ۳۱)
- ۴۹ « در آن (جامعه مشترک‌المنافع بهایی)، ملکوت الهی بر کره خاک تأسیس شود.» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۴۷)
- ۵۰ « در بطون پیام حضرت عبدالبهاء (در اسفار مغرب زمین) این حقیقت نهفته است که روز موعود برای... تأسیس ملکوت الهی در این کره خاکی که همه منتظرش بودند، فرارسیده است.» (بیت‌العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۹)
- ۵۱ « این نظم (نظم الهی) وسایل و امکاناتی را فراهم می‌کند که از طریق آن، مشیت الهیه راه ترقی نوع بشر را نورانی می‌سازد و استقرار نهایی ملکوت الهی بر روی زمین را هدایت می‌نماید.» (پیام ۲۵ مارس ۲۰۰۷)

^۱ به بحث ۷۷ رجوع شود.

۱۴۸. بروز ثمره نهایی ظهور الهی (۷)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) «قد غُرست سدره العرفان بید الرحمن و سوف تُثمر اغصانها.» (آثار قلم اعلیٰ ۱، ص ۱۴۲، بند ۸۲) (مضمون: درخت عرفان به دست خداوند رحمان کشته شد، و به زودی شاخه‌هایش به میوه خواهد نشست.)

ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲) «آنچه الیوم می‌بینی و می‌شنوی از نتایج صبح است؛ این صبح را روزی بسیار روشن در پی و این موسم فصل اعتدال ربیعی را گل و ریاحین و شکوفه و اثماری از عقب، آن وقت واضح و مشهود گردد که کلمه الله را چه نفوذی بود و نفتات روح القدس را چه تأثیری.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۲۷۱)

(۳) «به عون و عنایت حضرت احدیت جمیع ملل را در ظل کلمه وحدانیت درآرید، تا... حدیقه کیهان بارور گردد و روضه امکان میوه تر بار آورد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۴، فقره ۶۳)

(۴) «ای یاران عبدالبهاء،... دهقان عنایت، در مزرعه موجودات تخم حقیقت افشانده و به فیض ابدی آبیاری فرموده و آفتاب جهان معنوی تابیده تا آن که اسرار مکنونه و موهبت مصونه که در هویت حقائق اشیاست، ظاهر و مشهود گردد و این فیض عظیم در حیز شهود تحقق یابد و این مواهب الهیه جلوه نماید و آفرینش نتایج بدیعه بخشد و شجره امکان ثمره جدیده دهد.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ۳، فقره ۲۳۰)

د) از آثار حضرت ولی امرالله

(۵) «همین سرگونی حضرت ابراهیم است که به واسطه ثمرات فراوانی که برای بسیاری از ادیان و مردمان گوناگون به بار آورد، مناسب‌ترین و مشابه‌ترین نمونه تاریخی را برای برآورد برکات بی‌شماری که مقدر است سرگونی حضرت بهاءالله (از ایران به سرزمین مقدس) امروز و نیز در عصرهای آینده، به تمامیت عالم انسانی عطا کند، تشکیل می‌دهد؛ برکاتی که نتیجه مستقیم تحمل چنین تبعیدی عظیم توسط کسی است که امرش، شکوفه و ثمره تمامی ظهورات تاریخ می‌باشد.» (مرور معبود، ص ۱۶۷)

(۶) « ما... هیچ تردیدی به دل راه نمی دهیم... که این امر گرانبهایه (امر حضرت بهاءالله)، همچنان به مشی پیش تازانه خود ادامه خواهد داد و قله‌هایی بلندتر را مستخر، و موانعی سخت‌تر را منهدم، و افق‌هایی تازه‌تر را مفتوح، و پیروزی‌هایی عظیم‌تر را حاصل خواهد کرد؛ تا این که عاقبت، مأموریت پر جلال و جبروت خود را، که تا قلب زمان‌های نامعلوم آینده استمرار می‌یابد، کاملاً و تماماً تحقق بخشد.» (مرور معبود، ص ۵۳۴)

(۷) « زمان سپری شود و عصر سوم، عصر آخرین و زرینی که باید شاهد ظهور نظمی جهان شمول باشد، حلول نماید، و ثمره نهایی واپسین تجلی الهی را برای عالم انسانی به بار آورد؛ ثمره‌ای که بلوغش مصادف خواهد بود با استقرار مدنیتی جهانی، یا همان سان که عیسی مسیح وعده فرموده، با افتتاح رسمی ملکوت اب سماوی بر سیاره خاکی.» (مرور معبود، ص ۴۲۹)

۱۴۹. تجلی کور اعظم بهایی (۱۸)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

(۱) « هَذَا لظُهُورٍ يَظْهَرُ نَفْسَهُ فَيَكُلُّ خَمْسِمِائَةَ أَلْفِ سَنَةٍ مَرَّةً وَاحِدَةً، كَذَلِكَ كَشَفْنَا الْقِنَاعَ وَارْفَعْنَا الْأَحْجَابَ طُوبَى لِمَنْ عَرَفَ مُرَادَ اللَّهِ، مَنْ عَرَفَهُ يَفْرَحُ قَلْبُهُ وَيَسْتَقِيمُ عَلَى الْأَمْرِ عَلَى شَأْنٍ لَا يَزُلُّهُ مَنْ فِي الْإِبْدَاعِ، قَدْ كَشَفْنَا فِي هَذَا اللَّوْحِ سِرًّا مِنْ أَسْرَارِ هَذَا الظُّهُورِ وَسَتَرْنَا مَا هُوَ الْمَكْنُونُ لِئَلَّا تَرْتَفِعَ ضَوْضَاءُ الْفُجَّارِ، تَاللهِ مَا عَرَفَهُ أَحَدٌ إِلَّا عَلَى قَدْرِهِ.» (لتالی الحکمة ۱، فقره ۲۰) (مضمون: این ظهوری است که هر پانصد هزار سال یک بار خود را ظاهر می‌نماید. این گونه پوشش را رفع کردیم و پرده‌ها را کنار زدیم. خوشا به حال کسی که مقصود خداوند را فهمید. هر کس او را شناخت قلبش مسرور می‌شود و بر امر مستقیم می‌ماند، به گونه‌ای که اهل ابداع او را متزلزل ننماید. در این لوح سری از اسرار این ظهور را فاش کردیم و آنچه را مکنون بود برپوشیدیم شاید فریاد بدکاران بلند نشود؛ به خداوند سوگند کسی او را شناخت، مگر در حد استطاعت خودش.)

ب) از آثار حضرت عبداله‌بهاء

(۲) « در دور جمال مبارک چون شمس حقیقت در برج الهی که خانه شمس است طلوع و اشراق فرمود، مدت استقرارش عدد سی بود که آن نهایت مدت استقرار آفتاب است در یک برج تمام، لهذا امتدادش بسیار، اقلاً پانصد هزار سال.» (عع، مجموعه یاران پارسی، بند ۱۵۲، ص ۱۶۴)

(۳) « کور جمال مبارک غیرمتناهیست.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله‌بهاء، فقره ۳۳۰)

۴ « در این کور اعظم و دور اقوم... به کتاب عهد به اثر قلم اعلی تأکید و توضیح و تشریح نموده تا مقراً امر در این کور اعظم واضح و مبرهن گردد و محلّ توقّف و نزاع و خلافی از برای نفسی نماند.» (مکاتیب عبدالبهاء، جلد اول، ص ۳۴۴)

۵ « در این کور عظیم و دور جدید تفرّعات احکام جسمانی اکثر به بیت عدل راجع؛ چه که این کور را امتداد عظیم است و این دور را فسحت و وسعت و استمرار سرمدی ابدی.» (مکاتیب عبدالبهاء، جلد اول، ص ۴۵۶)

۶ « این کور اعظم و دور اقوم ظهور حقّ و طلوع شمس حقیقت... به جمیع شئون ممتاز از سایر اکوار و مُشرق بر جمیع ادوار است.» (مکاتیب عبدالبهاء، جلد اول، ص ۳۴۳)

۷ « در مقام دیگر، این قرن عظیم و عصر جدید خداوند مجید است و در هر ساعتی آنچه دهقان در مرزعه کون کشته و از معین رحمانیت آب داده، سبز و روینده گردد و لطافت گلستان شود و طراوت بوستان گردد و در هر دمی شبنمی رسد و در هر نفسی صبح تأییدی دمد و آثار باهره این کور اعظم ظاهر و باهر شود و قدرت و عظمت سلطان احدیت واضح و لائح گردد.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۴)

۸ « این نور جدید (امر حضرت بهاءالله) که در یوم سعید علم افراخت، فیوضات و انوار و اسرار و آثار و آیات و بیناتش تا پانصد هزار سال حکمش جاری است.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، فقره ۱۷۱)

۹ « کور، عظیم است و صاحب کور جمال مبین، سمایش شریعت تقدیس است و فائض بر مزرعه هر عزیز و خسیس، و شمسش حقیقت ذات الوهیت است که جمیع مظاهرش در سایر اکوار به مقام عبودیت بودند؛ ارضش ارض حقائق کلیه مستفیضه از اشعه ساطعه از نیر اعظم است و بحرش محیط اکبر است؛ حدائقش جنان فردوس است و شقائقش معطر بنفحات قدس؛ چشمه اش عین تسنیم است و کوثرش ماء معین، فیه شفاء للشاربین؛ اثمارش ما لارات عین و لاسمعت اذن و لاخطر علی قلب بشر و نغماتش الحان طیور بقاست و اصواتش ترنمات حمامه وفا؛ نغمه اش حقائق و معانیست و رنه اش بدایع آیات رحمانی؛ بحرش عذب فرات است؛ نهش زلال آب حیات؛ قطره اش چون دریا در جوش و خروشست و ذره اش چون آفتاب مشهور و معروف.» (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۴۵) (مضمون بخش عربی: آنچه که چشمی ندیده و گوشی نشنیده و به قلب کسی خطور نکرده.)

۱۰ « در دور جمال مبارک چون شمس حقیقت در برج الهی که خانه شمس است طلوع و اشراق فرمود، مدت استقرارش عدد سی بود که آن نهایت مدّت استقرار آفتاب است در یک برج تمام، لهذا

امتدادش بسیار، اقلاً پانصد هزار سال (است).» (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴)

(۱۱) « الحمد لله این کور، کور شمس حقیقت است و این عهد، عهد سلطان احدیت. » (مکاتیب عبدالبهاء، ۷، ص ۲۱۷)

(۱۲) « کتاب عهد و میثاق... بنیان حصین و متین و سفینه نجات این کور عظیم است. » (مکاتیب عبدالبهاء، ۸، ص ۴۷)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱۳) « کور بهایی... با دوره‌ای پانصد هزار ساله، تا محدوده‌هایی ناشناخته از زمان‌های آینده را در بر خواهد گرفت. » (مرور معبود، ص ۱۰۶)

(۱۴) « این شخص جلیل (موعود حضرت باب = جمال اقدس ابهی) باید بنا به بشارات... کتب مقدسه، در عالم ظاهر شود و دوران صلح و آشتی و عدل و تقوی را در جهان آغاز نماید؛ یعنی دورانی را که به منزله اکمال و اتمام ظهورات گذشته و در عین حال مؤسس کور جدیدی در تاریخ دینی عالم انسانی است. » (ندا به اهل عالم، ص ۵)

(۱۵) « اهمیت این کور مقدس (کور پانصد هزار ساله بهایی) به حدی است که آنچه در این باره گفته شود مبالغه نخواهد بود... نفوذ و تصرفاتش چه در گذشته و چه در مستقبل ایام، یعنی در حینی که تمدن کنونی رو به زوال می‌رود و نظم بدیع الهی جلوه و ظهور می‌نماید، خارج از حد وصف و بیان است. » (کتاب دور بهایی، ص ۲۸) (۸ فوریه ۱۹۳۴)

(۱۶) « این کور بدیع مشعشع الهی (کور بهایی)... در جمیع شئون ممتاز از اکوار سابقه و ادیان قدیمه و ادوار سالفه است. » (حضرت ولی امرالله، مائده آسمانی ۶، باب یازدهم، ص ۳۵)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

(۱۷) « با اشراق این نیر اعظم (امراللهی) از سماء اراده مالک قدم، دور جدیدی که امتدادش اقل از هزار سال و کوری که مدت آن از پانصد هزار سال کمتر نبوده و نخواهد بود، آغاز گردید. » (پیام رضوان ۱۹۸۷)

(۱۸) « نیر اعظم (منظور حضرت بهاءالله است) مؤسس شریعتی (است) که کور شش هزار ساله آدم را به اوج تکامل رسانید و کور پانصد هزار ساله بهایی را آغاز نمود. » (پیام ۷ ژانویه ۱۹۹۲ - جزوه دست خط‌های معهد اعلی، جلد دوم، ص ۷)

۱۵۰. استمرار ظهور مظاهر قدسی (۵۵)

الف) از آثار حضرت بهاءالله

- ۱) « آنه (من یظهره الله) یقول حینئذ اننی انالله لا اله الا انا، كما قال النقطة (حضرت اعلى) من قبل، وبعینه یقول من یأتی من بعد.» (کتاب بدیع، ۱۵۴)
- ۲) « بسا از علوم ربّانی که در سماء علم لدنی الهی ودیعه مانده، دیگر تا چه وقت و زمان از افق امکان مظاهر قدسیه و مطالع منیعه ظاهر شوند و مستعد ادراک گردند و از سماء مشیت علی قدر مقدور نازل شود؛ الامر بیده یفعل ما یشاء لا یسئل عما یشاء.» (کتاب بدیع، ۱۲۴)
- ۳) « ان بمثل ما قد ابعث الله الرسل من قبل نقطة البیان، لیبعثن الله من یظهره الله ثم من یشاء من بعده، و الله علی کل شیء قدير.» (مجموعه‌ای از نصوص مبارکه در باره عهد و میثاق، ص ۸) (مضمون: همان گونه که خداوند رسولانی را قبل از حضرت اعلى مبعوث فرمود، حتماً من یظهره الله و بعد از او نیز هر که را بخواهد مبعوث خواهد کرد، و خداوند بر هر چیزی توانا است.)
- ۴) « از بعد، امر به یدالله بوده تا چه را حجت از برای مظاهر بعد قرار فرماید.» (جمال ابهی، مائده ۴، ردیف ح، باب دوم، ص ۹۳)
- ۵) « بعث الله رسلاً بعد موسى و عيسى و سیرسل من بعد الی آخرالذی لا آخر له، بحيث لن یقطع الفضل عن سماء العناية.» (جمال ابهی، مندرج در توفیق منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۳۷) (مضمون: خداوند رسولانی بعد از موسی و عیسی مبعوث نمود و بعد از این هم، تا پایان بی پایان، مبعوث خواهد فرمود، به نحوی که هرگز فضل از آسمان عنایت الهی قطع نگردد.)
- ۶) « چه که (چون که) در این ظهور، حق جلّ ذکوه اراده فرمود که اکثری از مقبلین مخلصین به آیات تکلم نمایند، لذا حجت ظهور بعد را به امر دیگر مقدر خواهیم فرمود.» (جمال ابهی، مائده ۴، ردیف ح، باب دوم، ص ۹۳)
- ۷) « لم یزل ابواب رحمت حق بر وجه کون و امکان مفتوح بوده و لا یزال امطار عنایت و مکرمت از غمام حقیقت بر اراضی قابلیات و حقایق و اعیان متراکم و مفیض خواهد بود. اینست سنت خدا من الأزل الی الابد.» (مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۳۴۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، نشر آلمان، فقرة ۲۷)

۸) « از اوّل لا اوّل خلق فرموده و الی آخر لا آخر خلق خواهد فرمود و در هر دوری از ادوار و کوری از اکوار، از تجلیات ظهورات فطرت‌های بدیع خود خلق را جدید فرموده تا جمیع... از باده رحمت خمخانه عزّ احدیتش محروم نمانند و از رشحات فیوضات سحاب مکرمتش مأیوس نگردند.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، نشر آلمان، فقره ۲۶)

۹) « ای‌کم یا ملاً التوحید لا تفرّقوا فی مظاهر امرالله و لا فیما نزل علیهم من الآیات و هذا حق التّوحید ان انتم لمن الموقنین و کذلک فی افعالهم و اعمالهم و کلاً ما ظهر من عندهم و یظهر من لدنهم؛ کلّ من عند الله و کلّ بامره عاملین.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، نشر آلمان، فقره ۲۴) (مضمون بیان مبارک با توجه به ترجمه انگلیسی آن: ای باورمندان به وحدت الهی، مبدا اغوا شوید که تفاوتی میان مظاهر امرالهی قائل شوید و یا تمایزی بین آیات و علاماتی که ملازم ظهور آنان بوده است در نظرگیرید. در واقع، معنی وحدت الهیه همین است، اگر از اهل یقین هستید. نیز مطمئن باشید که اعمال و اقدامات هر یک از این مظاهر مقدّسه، و هر چیزی که مربوط به آنان می‌شود و یا در آینده از آنان ظاهر گردد، همه، تقدیر الهی و انعکاسی از مقصد و مشیت او است.)

۱۰) « انا جعلنا هذا اللّوح (لوح اسمنا المرسل) مبدء ظهور هذا الاسم فی العالمین و منه بعثنا الرّسل من قبل الذی لا قبل له و ارسلنا هم الی العباد امرأ من لدنا و انا کنا آمین و نرسلن به الرّسل الی آخر الذی لا آخر له بقدره من لدنا و انا کنا قادرین.» (آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۱۱۱- سورة اسمنا المرسل) [مضمون: ما این لوح (لوح اسمنا المرسل) را مبدأ ظهور این اسم (اسم مرسل) در جهان‌ها قرار دادیم و از آن، از قبلی که قبلی بر آن متصوّر نیست، به فرمانی از نزد خود، رسولان را مبعوث کردیم و آنان را به سوی عباد ارسال نمودیم و همانا ما فرمانرواییم؛ و به واسطه آن، تا پایانی که پایانی ندارد، به قدرتی از نزد خود، رسولان را خواهیم فرستاد، همانا ما تواناییم.]

۱۱) « ان یا هذا الاسم (اسم المرسل)، انا جعلناک مظهر رسلنا فی ملکوت الاسماء... و بک نرسل الرّسل الی کلّ عوالم (عالم؟) من عوالم ربک و هذا ما قدرناه لک فضلاً من لدنا لعبادنا العارفين.» (آثار قلم اعلیٰ ۴، ص ۱۱۱- سورة اسمنا المرسل) [مضمون: ای این اسم (اسم فرورستنده)، ما ترا مظهر پیامبرانمان در ملکوت اسماء قرار دادیم... و به واسطه تو، رسولانمان را به هر عالمی از عوالم پروردگارت می‌فرستیم؛ و این آنچه است که از نزد خود، و به نشانه فضلای برای بندگان مقربمان، برای تو مقدر نمودیم.]

۱۲) « و قالت (جمال القدس): ما نرجع الیکم یا أيها الأصحاب (و انّ هذا لرجع عجاب)، و نستر أسرار الله من الصّحائف و الكتاب (و انّ هذا أمر من عزیز وهّاب)، و لن تجدونی الا اذا ظهر الموعود فی

یوم الإیاب (و عمری انّ هذا لذّٰی عجاب.) (ادعیة حضرت محبوب، ص ۱۵۷) [مضمون: و (جمال قدس) گفت: ای اصحاب، به سوی شما بازخواهم گشت (و این نیست مگر بازگشتی عجیب)، و اسرار الهی را از صحیفه‌ها و کتاب‌ها می‌پوشانم (و این امری است از خداوند عزیز و هّاب)، و دیگر نخواهید یافت مرا مگر هنگامی که موعود ظاهر شود در روز ایاب (و به جانم قسم، این ذلّتی است عجاب)]

(۱۳) « حال قلم قدم و اسم اعظم می‌فرماید اگر نفسی به کلّ آیات ظاهر شود، قبل از اتمام الف سنه (گذشت هزار سال) کامله که هر سنه آن دوازده ماه بما نزل فی الفرقان و نوزده شهر بما نزل فی البیان که هر شهری نوزده یوم مذکور است، ابدأ تصدیق منماید.» (اقتدارات و چند لوح دیگر، ص ۱۴۱)

(۱۴) « بگو، ظهورات منتهی شد؛ هر نفسی قبل از اتمام الف سنه ادّعا نماید، هر که باشد و هر چه بیاورد، باطل بوده و هست.» (اشراقات و چند لوح دیگر، ص ۱۹۶)

(۱۵) « نبیّ (خبردهنده از امور غیبی به وحی الهی) از اوّل لا اوّل بوده و الی آخر لا آخر خواهد آمد.» (جمال ابهی، مائده آسمانی ۷، باب اوّل، ص ۳۰)

(۱۶) « من یدعی امرأ قبل اتمام الف سنه کامله، انه کذاب مفتر. نسئل الله بان یؤیّده علی الرجوع، ان تاب انه هو التّوّاب و ان اصرّ علی ما قال، یبعث علیه من لا یرحمه و انه شدید العقاب.» (کتاب مستطاب اقدس، بند ۳۷- کتاب دور بهایی، ص ۵۵) [مضمون: اگر کسی قبل از اتمام هزار سال کامل، امری را ادّعا کند (یعنی ادّعای پیامبری نماید) دروغ گوی افترا زنده است. از خدا می‌خواهیم او را کمک کند بر رجوع؛ اگر توبه کند او (خداوند) توبه پذیر است و اگر برگفته خود اصرار ورزد، کسی را بر او برمی‌انگیزد که رحمش ننماید و همانا او در تنبیه کردن شدید است.]

(۱۷) « قل انا آمنّا بالذی ظهر باسم علی من لدن سلطان حقّ محمود و بالذی یأتی فی المستغاث و بالذی یأتی بعده الی آخر الذی لا آخر له.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۳۰) [مضمون با توجه به ترجمه انگلیسی بیان: بگو ما ایمان آوردیم به کسی که به اراده خداوند پُرسلطة ستایش شده، به نام علی (حضرت باب) مبعوث شد و نیز به کسی که در مستغاث ظاهر خواهد شد (منظور موعود بیان است که خود حضرت بهاءالله باشد) و نیز به کسانی که بعد از او، تا پایانی که پایانی ندارد، خواهند آمد.]

(۱۸) « ما نشهد فی ظهورهم (مظاهر مقدسه آینده) الاّ ظهور الله و فی بطونهم الاّ بطونه ان انتم تعرفون و کلّهم مرایا الله بحیث لا یری فیهم الاّ نفس الله و جماله و عزّ الله و بهائه لو انتم تعقلون و ما سویهم مرایاهم و هم مرایا الاولیّه ان انتم تفقهون ما سبقهم احد فی شیء و هم یسبقون.» (منتخبات آثار حضرت بهاءالله، فقره ۳۰) [در ظهور آنان (مظاهر مقدسه آینده) جز ظهور خداوند و در بطونشان جز بطون او را مشاهده نمی‌کنیم، اگر شما از شناسندگانید؛ و همه آنان آینه‌های ذات خداوندند، آنچنان که در

وجودشان دیده نمی شود مگر نفس خداوند و جمال او و عزت او و بهاء او، اگر شما از عاقلانید؛ و ماسوای آنان آینه های جمال آناند و آنان آینه های اولیه اند اگر شما از دانایانید؛ و هیچ کس در هیچ موردی از آنان سبقت و پیشی نگیرد و آنان از همگان سبقت گیرند.]

۱۹ « قل لن ینتهی مرایا القدم و کذلک مرایا جمالیهم؛ لأن فیض الله لن ینقطع و هذا صدق غیر مکذوب.» (منتخبات آثار حضرت بهاء الله، فقره ۳۰) [مضمون: بگو مرایای قدم (منظور مظاهر مقدسه هستند) هرگز پایان نخواهند پذیرفت و نیز مرایای جمال آنان؛ زیرا فیض خداوند هرگز قطع نخواهد شد و این حقیقتی است غیر قابل انکار.]

۲۰ « منه (هذا الاسم = البهاء) بعثنا الرسل من قبل... و نرسلن به الرسل الی آخر الذی لا آخر له بقدره من لدنا و انا کنا قادرین.» (قلم اعلی ۴، سوره اسمنا المرسل، ص ۳۱۱) [از او (نام مبارک بهاء) از قبل، رسولان را مبعوث کردیم... و به واسطه او، تا پایان زمان، رسولان را به قدرت خود، خواهیم فرستاد، زیرا ما به راستی قادر و تواناییم.]

۲۱ « در جمیع اعهاد و ازمان انبیاء و اولیاء با قوت ربانی و قدرت صمدانی در میان ناس ظاهر گشته، و عقل سلیم هرگز راضی نشود که نظر به بعضی کلمات (مثل عبارت خاتم النبیین در قرآن کریم) که معانی آن را ادراک ننموده، این باب هدایت را مسدود انگارد و از برای این شمس و انوار، ابتدا و انتهایی تعقل نماید؛ زیرا فیضی اعظم از این فیض کلیه نبوده و رحمتی اکبر از این رحمت منبسطه الهیه نخواهد بود.» (منتخبات آثار حضرت بهاء الله، فقره ۲۷، ص ۵۲)

۲۲ « در هر عهد و عصر... این کینونات مجرّده و حقایق منیره (مظاهر مقدسه) و سائط فیض کلیه اند و به هدایت کبری و ربوبیت عظمی مبعوث شوند که تا قلوب مشتاقین و حقایق صافین را به الهامات غیبیه و فیوضات لاریبیه و نسائم قدسیه از کدورات عوالم مُلکیه سازج و منیر گردانند و افتنده مقرّبین را از زنگار حدود پاک و منزّه فرمایند.» (جمال ابهی، نقل توسط بیت العدل اعظم در رساله حضرت بهاء الله - می ۱۹۹۲، ص ۲۷)

۲۳ « این مدینه (کتب الهیه... در هر عهدی)، در رأس هزار سنه، او آزید او اقل (یا بیش تر یا کم تر)، تجدید شود و تزیین یابد.» (ایقان مبارک، منتخبات آثار حضرت بهاء الله، فقره ۱۲۲)

۲۴ « کلّ ظهورات قبل از برای رسول الله خلق شده؛ کلّ ظهورات و آن ظهور از برای قائم آل محمد خلق شده؛ و کلّ ظهورات و ظهور قائم آل محمد از برای من یظهره الله خلق شده؛ و همچنین کلّ ظهورات و ظهور من یظهره الله از برای ظهور بعد من یظهره الله خلق شده و همچنین الی ما لانهایه، شمس حقیقت

طالع و غارب می‌گردد و از برای او بدئی و نهایی نبوده و نیست.» (حضرت اعلی، مندرج در توقیع منیع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۳۸)

(ب) از آثار حضرت عبدالبهاء

(۲۵) « موعود حضرت بهاءالله بعد از هزار یا چند هزار سال ظاهر شود.» (مجموعه‌ای از نصوص مبارکه در باره عهد و میثاق الهی، ص ۹)

(۲۶) « بعد از آن که احقابی بگذرد و به کلی صحف و کتب و آثار و اذکار این اعصار فراموش شود که از تعالیم جمال مبارک چیزی در دست نماند، ظهور جدیدی گردد و الا تا آثار و صحف و تعالیم و اذکار و اسرار و انوار جمال مبارک در عالم وجود مشهود، نه ظهوری نه بروزی و نه صدوری.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۶، فقره ۳۳۰)

(۲۷) « جمال مبارک عهد موعودی گرفت که بعد از هزار سال یا هزاران سال ظهور خواهد نمود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۴، فقره ۱۵۶)

(۲۸) « به راستی بدان، مظاهر مقدسه‌ای که در آینده "در سایه‌های ابر" ظاهر خواهند شد، تا آنجا که به رابطه آنان با سرچشمه الهامشان مربوط می‌شود، در سایه جمال قدم (حضرت بهاءالله) خواهند بود. اما در ارتباط با عصری که در آن مبعوث خواهند شد، هر کدام "هر کاری که بخواهند می‌کنند و هر حکمی که بخواهند می‌دهند." (حضرت عبدالبهاء، مندرج در مرور معبود، ص ۱۵۷) (مضمون بیان مبارک)

(۲۹) « آنچه الیوم در تماشگاه امکان مشاهده نمایی عنقریب مشهود و واضح گردد که... چون موج سراب مفقود و نابود گردد و چون نقش بر آب معدوم و مطموس... آنچه باقی و برقرار است محبت پروردگار است و پرتو عنایت حضرت کردگار، نفعات ملکوت ابهی است و جذبات جبروت اعلی.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۶۰)

(۳۰) « ظهور منتهی به مکلم طور (یکی از القاب حضرت بهاءالله) شد و تا هزار سال بل صد هزار سال، این کورا امتداد خواهد یافت. مقصود این است که قبل از الف (هزار سال)، کسی سزاوار تکلم به حرفی نیست؛ ولو مقام ولایت باشد.» (مکاتیب عبدالبهاء، ۳، ص ۵۰۰)

(۳۱) « مظاهر فیوضات نامتناهی الهیه را نه اولی بوده و نه آخری خواهد بود.» (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ۳، فقره ۲۲)

^۱ احتمالاً در اینجا کلمه "کور" به همان معنای آشنای "دور" بهایی دلالت می‌نماید. برای مطالعه فقرات مربوط به کور بهایی، به مبحث ۱۴۹ مراجعه فرمایید.

۳۲) «دوره او (ظهور کلی عظیم = جمال مبارک)، امتدادش بسیار است؛ مظاهری در ظل او بعد مبعوث گردند و به حسب اقتضای زمان تجدید بعضی احکام که متعلق به جسمانیات و معاملاتست نمایند، ولی در ظل او هستند. ما در دوره‌ای هستیم که بدایتش آدم است و ظهور کلیه‌اش جمال مبارک.» (کتاب مستطاب مفاوضات، ص ۱۲۱)

۳۳) «در دوره جمال مبارک روحی لاجبائنه الفداء کل در ظل او هستند؛ شبه و مثیلی (مثلی؟) ندارد تا ظهور بعد، آن هم بعد از هزار سال، نه این که یقیناً هزار سال؛ ولی دو هزار سال، ده هزار سال، بیست هزار سال؛ حتمی نیست که بعد از هزار سال باشد؛ تا هزار سال، دیگر آفتابی طالع نمی شود.» (حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی ۵، باب اول از ردیف ظ، ص ۱۸۱)

۳۴) «این ظهور اعظم، مثلش آفتاب است و ظهورات سابقه و لاحق (آینده) نجوم و اقمار.» [مجموعه پیام آسمانی (مجموعه نصوص مبارکه مندرج در مجله پیام بهایی، بندهای ۱ تا ۱۰۰)، ص ۱۱۴]

۳۵) «قرن‌ها بگذرد و دهرها به سر آید و هزاران اعصار منقضى شود تا شمس حقیقت در برج اسد و خانه حمل^۱ طلوع و سطوع نماید (یعنی مظهري کلی الهی ظاهر شود).» (حضرت عبدالبهاء، مذکور در کتاب دور بهایی، ص ۲۵)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۳۶) «ظهور الهی همواره رو به ترقی و تکامل است... حامل این پیام (حضرت بهاءالله)، معترف بر آن است که امری که از جانب خداوند بر آن مبعوث گشته، جنبه خاتمیت ندارد و ظهور او آخرین ظهور مشیت و هدایت الهی نیست.» (کتاب دور بهایی، ص ۲۸-توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۳۶)

۳۷) «این موضوع را... باید به خاطر داشت که هرچند این ظهور (ظهور بهایی) دارای قوه‌ای عظیم و جامعیت و عمومیتی نامحدود است، معذک به هیچ وجه داعیه آن (را) ندارد که ظهور مشیت و اراده الهیه به او ختم گشته و این نظر را اکیداً رد می نماید... چنین عقیده‌ای... مباین روح این امر (دیانت بهایی) است و بالضروره (الزاماً)، با اس اساس معتقدات بهایی مغایرت دارد.» (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۳۴)

^۱ اسد (شیر) و حمل (بره) دو صورت فلکی از منطقه البروج هستند که در تصور منجمان قدیم، اولی شبیه شیر و دومی شبیه بره بوده است. حمل مقارن ماه فروردین و اسد مقارن ماه مرداد است و در طول سه ماه از سال (فروردین، اردیبهشت و خرداد)، منت و شدت تابش خورشید که نماد مظهر الهی واقع شده، تدریجاً افزایش می‌یابد و در آغاز تیرماه (شروع تابستان) و نیمه اول مردادماه، به حد اکثر می‌رسد و این پدیده طبیعی-تصوری نمادی برای تجلی تدریجی قدرت و مشیت مظهر کلی الهی در نظر گرفته شده است.

۳۸) « اساس این معتقدات (معتقدات اهل بهاء) آن است که حقایق ادیان مطلق نبوده؛ بل نسبی است و ادیان و ظهورات الهیه مرتباً مستمراً در عالم ظاهر شده و همواره رو به ترقی و تکامل می‌باشند و هیچ یک جنبه خاتمیّت نداشته و بر حسب تصادف و اتفاق ظاهر نمی‌گردند.» (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۳۴)

۳۹) « از اول لاوّل، انبیای الهی که حضرت بهاءالله نیز در زمره آنان محسوبند... از جانب خداوند لایدرک مبعوث گشته‌اند... و الی آخر لاآخر له، جلال و عظمت لانهایه او را به نحو اتم و اکمل، ظاهر و آشکار سازند.» (توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴، ص ۴۰)

۴۰) « وسعت سایه‌ای که مؤسس آن (امر بهایی)، در امتداد زمان، بر مظاهر مقدسه‌ای خواهد افکند که مقدر است متوالیاً در ادوار آینده ظاهر شوند، فکر ما را متحیر می‌نماید.» (مرور معبود، ص ۲۶)

۴۱) « در سوره صبر که در سال ۱۸۶۳ در اولین روز ورود به باغ رضوان نازل گشته، این آیات بیّنات مذکور: "بعث الله رسلاً بعد موسی و عیسی و سیرسل من بعد الی آخر الذی لا آخر له بحیث لن ینقطع الفضل عن سماء العنایة." (کتاب دور بهایی، ص ۳۷) (برای اطلاع از مضمون بخش عربی به فقره ۲ از همین مبحث رجوع شود.)

۴۲) « یاران و یاوران حضرت عبدالبهاء، شمس هدایت الهیه... دیگر قبل از انقضای هزار سال تمام طلوع نخواهد کرد.» (کتاب دور بهایی، ص ۶۹)

۴۳) « راجع به ظهوراتی که در مستقبل ایام در امتداد کور بهایی ظاهر خواهند گردید، حضرت عبدالبهاء به این بیان صریح که فصل الخطاب است ناطق: "أما المظاهر المقدسة التي تأتي من بعد في ظلل من الغمام من حيث الاستفاضه هم في ظلّ جمال القدم و من حيث الافاضة يفعل ما يشاء." (حضرت عبدالبهاء، مندرج در توقیع ۱۰۵، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۸- مندرج در کتاب دور بهایی، ص ۲۶- منقول در توقیع منبع ۸ فوریه ۱۹۳۴) (مضمون بخش عربی: اما مظاهر مقدسه‌ای که از این پس، در سایه‌های ابر خواهند آمد، از لحاظ استفاضه (فیض گرفتن)، در ظلّ جمال قدم هستند و از لحاظ افاضه (فیض بخشیدن)، عمل خواهند کرد هرچه بخواهند و حکم خواهند نمود هرچه اراده نمایند.)

۴۴) « از " اول لاوّل " این مظاهر وحدانیّت الهیه و مطالع کلمات ربّانیه انوار جمال غیبی را بر عالمیان اشراق فرموده و تا " آخر لاآخر " ظهورات قدرت و جلال بيمثالش را در عالم امکان ظاهر خواهند

^۱ نبی یعنی خبردهنده از آینده به وحی و الهام الهی، و جمال مبارک به یقین بیش از هر پیام آور دیگری، از وقوعات آینده خبر داده‌اند. نفس این مجموعه بدیعه شهادی زنده بر این مدعا است. لهذا از این نقطه نظر، حضرت بهاءالله هم در زمره انبیاء محسوب گشته‌اند. توضیح دیگر این که احتمالاً در این فقره مبارکه واژه نبی (جمع آن انبیاء) به جای کلمه شهیره رسول و به اصطلاح خاص بهایی به جای عبارت بدیع مظهر الهی استفاده شده است؛ کما این که در بعضی مواضع دیگر از آثار الهیه نیز چنین است.

ساخت و این کفر محض است که بگوئیم که فلان دین آخرین ادیان است.» (نظم جهانی بهایی، ص ۷۸-
توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۲)

۴۵) « حضرت بهاءالله ظهور خویش را خاتمه ظهورات الهیه نمی داند؛ بلکه پیش بینی می فرماید که در
آینده، طی مراحل تکامل مستمر و نامحدود بشری، حقائق بیشتری از آنچه حضرتش امروز به امر خداوند
متعال در این دوره خطیر به عالم انسانی ابلاغ فرموده، از طرف پروردگار ظاهر خواهد شد.» (حضرت ولی
امرالله، ندا به اهل عالم، ص ۳)

۴۶) « دور بهایی... به شهادت صریح مؤسس آیین بهایی امتدادش لااقل هزار سال است و حلقه اولی
از ادواری است که در آن، مظاهر مقدسه آبنده به تسلسل، ظهور خواهند کرد و کل، مستمد و مستفیض از
مؤسس آیین بهایی بوده و مجموعاً امتدادش لااقل پانصد هزار سال خواهد بود.» (حضرت ولی امرالله،
حصن حصین شریعت الله، ص ۷) (۵ ژوئیه ۱۹۴۷)

۴۷) « این کور اکرم، امتدادش پانصد هزار سال است... در این مدت... مظاهر الهیه که از شطر احدیه
در بین بریه مبعوث می گردند کل به منزله نجوم و اقمار، و مؤسس این کور (حضرت بهاءالله)، وحده، چون
آفتاب درخشنده و تابان.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۷)

۴۸) « انبیای الهی، مظاهر مقدسه که من بعد در این کور جلیل متتابعاً مبعوث می گردند... کل من دون
استثناء، به منزله قمر، مقتبس از نور آن آفتابند (حضرت بهاءالله) و مستمد و مستفیض از فیض نیر اعظم،
قطب این کور مفتح.» (حضرت ولی امرالله، توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۷)

۴۹) « در این کور مقدس (کور پانصد هزار ساله حضرت بهاءالله)... انبیای الهی و مهابط وحی آسمانی
و سفرای رحمانی... از جانب حق مبعوث می گردند و به اقتضای زمان و مکان... به رسالتی جدید و کتابی
جدید و شرعی جدید ظاهر می گردند.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۸)

۵۰) « خداوند همواره پیامبران را که نماینده او بر روی زمین هستند، فرستاده است؛ و در آبنده نیز
همچنان خواهد فرستاد.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، انوارهدایت، فقره ۱۷۲۶)

۵۱) « از اول لا اول انبیای الهی که حضرت بهاءالله نیز در زمره آنان محسوبند... از جانب خدای واحد
لا یدرک مبعوث گشته اند تا حقیقت الهیه و مشیت بالغه و هدایت ربانیه را بیش از پیش برای نوع بشر
مکشوف دارند و الی آخر لا آخر له، جلال و عظمت لانهایه او را بنحو اتم و اکمل ظاهر و آشکار سازند.»
(کتاب دور بهایی، ص ۳۹)

(د) از آثار بیت العدل اعظم

۵۲) « اگر چه ظهور حضرت بهاءالله به عنوان کلام الهی و شریعت ایشان به عنوان شریعت الله پذیرفته شده، اول آن که این درک وجود دارد که ظهور الهی تدریجی و پیش‌رونده است، و این که شریعت (مجموعه قوانین و احکام الهی)، اگر چه مشیت الهیه برای این عصر باشد، بلا تردید توسط مظهر ظهور بعدی تغییر خواهد کرد.» (پیام ۳ ژانویه ۱۹۸۲)

۵۳) « حضرت بهاءالله می‌فرمایند که تسلسل ظهور مظاهر الهیه از سنن و ضروریات عالم وجود است و به همین نحو تا عالم باقی است، ادامه خواهد یافت.» (بیت العدل اعظم، رساله حضرت بهاءالله- می ۱۹۹۲، ص ۳۸)

۵۴) « امتداد دور بهایی تا زمانی است که مظهر ظهور بعد مبعوث گردد و چنین ظهوری قبل از انقضای حد اقل یک هزار سال تمام تحقق نخواهد یافت.» (کتاب اقدس، یادداشت‌ها و توضیحات، بندی ۶۲)

۵۵) « مرجعیت و حاکمیت مطلقه و قاطعیت... نصوص مبارکه، ثابت و لن‌یتغیر خواهد بود تا زمانی که به اراده الهیه، مظهر امر جدیدی در عالم ظاهر شود و در آن یوم، زمام امر و حکم در قبضه قدرت او قرار گیرد.» (قانون اساسی بیت العدل اعظم، ارکان نظم بدیع، ص ۳۱۹)

۱۵۱. تحقق سرنوشت متعالی عالم انسانی (۱۰)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

۱) « مشیت نافذه رحمانی... در طریقی مستور از انظار و ماوراء عقول و افکار... مقدرات جامعه بشریه را... هدایت و به سرمنزل مقصود... دلالت می‌نماید.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی، ص ۱۵۱/ نیز مندرج در پیام معهد اعلی، مورخ ۱۹ می ۱۹۹۴)

۲) « سپس (بعد از شانزده مرحله قبلی) سیاره زمین مقر عرش اعلای حضرت بهاءالله واقع خواهد شد؛ و به عنوان فردوس زمینی اعلان و تحسین خواهد گشت؛ سیاره‌ای که تازه مستعد و مهیا خواهد بود سرنوشت محتومی را که محبت و حکمت خالقش از ازل برای آن مقدر فرموده، محقق سازد.»^۱ (ترجمه شخصی) (حضرت ولی امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۹-۱۲۸)

۳) « شاید این زمان... با وجود مخاطرت و فسادش، آبنده بس درخشان و بی نظیری را در تاریخ عالم انسان نوید می‌دهد.» (ظهور عدل الهی، ترجمه فتح اعظم، ص ۵)

^۱ سه مرحله نهایی از مراحل هجده‌گانه ترقی و تعالی عالم انسانی، به مبحث ۹۳ مراجعه شود.

۴ « آینه دور دست عالم انسانی پر شکوه و عظمت خواهد بود؛ آن چنان که هیچ بینش و بصیرتی اکنون، قادر به تصوّر آن هم نیست.» (ترجمه) (حضرت ولی امرالله، روز موعود فرارسید، انگلیسی، ص ۱۲۰)

د) از آثار بیت العدل اعظم

۵ « چندی نگذرد که این ابرهای متراکم ظلم و عدوان و غفلت و تعصب و طغیان، از آفاق برافتند و روزی فیروز بدمد و عصری جهان افروز علم در عالم افرازد.» (پیام ۱۰ فوریه ۱۹۸۰، مجموعه بشارات جانفزا، ص ۲۸)

۶ « مسؤولیت‌های فوری و اجتناب‌ناپذیر، هر مؤسسه امری و هر عضو جامعه بهایی را بر آن می‌دارد که برای حصول سرنوشتی که حق وعده فرموده، سعی بلیغ مبذول دارد.» (پیام رضوان ۱۹۹۷)

۷ « هزاران هزار سال در آینده خواهد گذشت که قوای مکنونه‌ای که این قوه خلاق (متعلق به عصر رسولی دور بهایی) در وجدان انسان آفریده، به تدریج پدیدار شود.» (بیت العدل اعظم، رساله قرن انوار- ۲۰۰۱ میلادی، ص ۳۳)

۸ « نقشه بزرگ الهی^۱ در حال وقوع است و قوایی که به وجود می‌آورد بشر را به سوی سرنوشت خویش می‌رانند.» (پیام ۹ ژانویه ۲۰۰۱)

۹ « (خطاب به احبای عزیز ایران)... با عموم مردم... معاشرت کنید... و شعله امید، ایمان و اطمینان... به سرنوشت درخشان نوع بشر را که خود معتقدید مالا تحقق خواهد یافت، در قلوبشان برافروزید.» (پیام ۳ جون ۲۰۰۸)

۱۰ « امید چنان است که در روابطی که پیروان اسم اعظم در بین این سه عامل (افراد، مؤسسات و جامعه) پرورش و گسترش می‌دهند، بشر سرگردان الگویی برای حیات جمعی بیابد که او را به سوی سرنوشت متعالی خود سوق دهد. در اعتبار مقدسه علیا برای تحقق این امید دعا می‌کنیم.» (پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰)

۱۵۲. ترقی ابدی فردی (۱)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

^۱ به مبحث ۷۷ رجوع شود.

(۱) « پیدایش یک جامعه جهانی و اعتقاد وجدانی به یک وطن بودن عالم و تأسیس مدنیت و فرهنگ جهانی... هر چند از لحاظ اجتماعی بالاترین حد پیشرفت در سازمان یافتن جامعه بشری محسوب می شود؛ اما یقیناً بر اثر تحقق آن جامعه جهانی، ترقی بشر از لحاظ انفرادی متوقف نخواهد شد و پیشرفت و تقدم نوع انسان الی غیرالنهاییه ادامه خواهد یافت.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۷- توفیق مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)

۱۵۳. جلوه شکوه نهایی سیاره ارض (۳)

(ج) از آثار حضرت ولی امرالله

(۱) « سپس (بعد از پشت سر نهادن مراحل ترقی و تکامل پیشین^۱)، سیاره زمین مقرر عرش اعلای حضرت بهاءالله واقع خواهد شد؛ و به عنوان فردوس زمینی تسمیه و تحسین خواهد گشت؛ سیاره ای که تازه مستعد و مهیا خواهد شد سرنوشت محتومی را که محبت و حکمت خالقش از ازل برای آن مقدر فرموده بود، محقق سازد.» [حضرت ولی امرالله، آخرین صفحه توفیق منبع "روز موعود فرارسید" (انگلیسی)] (ترجمه شخصی)

(۲) « در سنین آتی این دور بهایی... عالم ناسوت جلوهگاه عالم لاهوت و عالم ادنی مرات ملاءاعلی و تصویر عالم بالا... گردد.» (توفیق منبع ۱۰۵، مجموعه توفیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۳)

(۳) « در سنین آتی این دور بهایی... ندا از مکن اسنی، از خلف عرش کبریا، خطاب به این عالم ادنی، من علی الارض را من اقصاها الی اقصاها (از این سوی آن تا آن سوی آن) به وجد و طرب آرد بان: "یا ارض، بشری لك بشری لك، بما القت عليك شمس البهاء ذیل شعاعها و شملتك اهداب رداها. بشری لك بشری لك، بما استوی عليك عرش البهاء و تلجلج فيك سرالبهاء و انطبع فيك جمال البهاء. بشری لك بشری لك، بما حبك البهاء قطعة من الفردوس الابهی و مرآتاً تنعكس فيها انوار الملاء الاعلی.» (توفیق منبع ۱۰۵، مجموعه توفیعات ۱۰۹-۱۰۲، صص ۱۸۸-۱۸۳) (مضمون بخش عربی: به این که: ای زمین، بشارت باد تورا، بشارت باد تورا، که خورشید بهاء شعاعش را بر تو تاباند و دامن ردايش را بر تو افشاند. مژده باد تورا، مژده باد تورا، که عرش بهاء بر تو مستقر شد و راز بهاء در تو پدیدار

^۱ به فقره دوم از مبحث ۹۳ مراجعه شود.

گشت و جمال بهاء در تو انعکاس یافت. بشارت باد، بشارت باد، که محبت بهاء تو را قطعه‌ای از فردوس ابهی کرد و تو را مرآت نمود که انوار ملاء اعلی در آن بازمی تابد.

۱۵۴. وصول بشریت به غایت قصوای خلقت خود (۴)

ج) از آثار حضرت ولی امرالله

- ۱) « به واسطه همین قوای عظیم روحانی (قوای منبعث از دو ظهور پیاپی حضرت اعلی و جمال اقدس ابهی) است که تمامی نژاد انسانی به تدریج، استعداد لازم را کسب خواهد کرد و به وحدت ارگانیک خود (وحدت صوری) نایل خواهد شد و به بلوغ (روحانی) خواهد رسید و بر اساس این بلوغ، به مرحله نهایی از تحوّل طولانی خود واصل خواهد گشت.» (مرور معبود، ص ۱۱۱)
- ۲) « بلوغ حیات اجتماعی نوع انسان... موجب ظهور و بروز آثار اعجاب انگیزتر در روابط جهانی گردد و عالم انسانی را به قوایی مجهز سازد که بتواند به مرور دهور، آنچه را برای فوز و وصول به سرنوشت عالی و متعالی اوست تدارک بیند.» (نظم جهانی بهایی، ص ۹۷-توقیع مورخ ۱۱ مارس ۱۹۳۶)
- ۳) « همین سیستم اداری است (نظم اداری بهایی) که تدریجاً به یک نظم بدیع جهانی تبدیل خواهد شد؛ نظمی که طراحی شده تا تمامی بشریت را فراگیرد و سرنوشت متعالی و موعودش را بر این سیاره خاکی محقق سازد.» (مرور معبود، ص ۲۷)
- ۴) « سعادت و رفعت و عزت موعوده عالم انسانی... در قرن‌های لاحقه و ادوار آتیه این کور مجید... ساکنین کره ارض را من اقصاها الی اقصاها (از این سوی آن تا آن سویش)، به... عروج به مقامات سامیه که غایت قصوای ایجاد و تکوین هیأت اجتماعیّه و خلقت بشر و بعث رسل است، موفق و مفتخر گرداند.» (توقیع ۱۰۵ بدیع، توقیعات ۱۰۹-۱۰۲، ص ۱۱۰-۱۰۹)

^۱ به مبحث ۱۰۳ مراجعه شود. در ضمن، در این بیان مبارک تصریح می‌گردد که نوعی از بلوغ به "حیات اجتماعی نوع انسان" مربوط می‌شود.

پایان